بندگی بجا ارد در ۱۰۸۱ عالمگیری فرمان رفت کہ در حدود فوجداری سکٹ
متعلقہ خود ڈاک چوکی ازدہ سیچ تا دار الملک کابل براہ ہزارہ خان سازد در
۱۰۸۱ عالمگیری بنام سنہامت خان فرمان رفت کہ خدمت قلعداری
ارک کابل از تغیر صحر خان و فوجداری نواح دار الملک مسطور بعہدہٴ
او مقرر شدہ و خدمت بندولبست شکست از تغیر او بہ صحر خان تفویض
یافت در ۱۰۸۲ بنام سہامت خان فرمان رفت کہ در بنولا خدمت قلعداری
ارک کابل بدستور سابق بآن سجاعت مرتبت تفویض فرمودیم و بنام
خانہ زاد خان فرمانی در باب سپردن قلعہ مذکور بالشہامت منزلت صادر شدہٴ
است در سنہ یکہزار و پنجاہ و سہ خدمت قلعداری جادہ از تغیر بارخان بدارا شکوہٴ
:: مقرر شدہ در سنہ یکہزار پنجاہ و شش ہجری راجہ انوپ ::
:: شکوہ معلی الہ اباد بود کہ از نشان دارا شکوہ بنام او ::
:: صدور یافت کہ از تغیر سید صلابت خان صوبہ دار ::
:: الہ اباد بسید قاسم مقرر شدہ خدمت بجا ::
:: آرد دران ایام وزیر خان دیوان ::
:: دارا شکوہ بود تم تم تم ::
:: تمت ::

کلان فرمان رفت که از قلعه کابل اگر مهابت خان ناظم کابل برای نقص امر ضروری مطلبید برود و در
سنه ۱۲ فرمان رفت که بعد ازین از قلعه بر نیاید و در سنه ۱۵ فرمان رفت که در سه افاغنه سوار
و افریدی و اورکزی برد و سعی نماید در سنه ۱۶ فرمان رفت که خدمت فوجداری لوهان
عرض از تغیر شمشیر خان به قلعدار خان و قلعه داری قلعه ارک کابل از تغیر قلعه دار خان شهامت
خان و حفظ و حراست شهر کابل از تغیر شهامت خان به شمشیر خان مقرر فرمودیم در سنه ۱۹ عالم
گیری فرمان رفت که از جمله ده لک روپیه ذخیره معموری قلعه کابل که بنام شهامت خان قلعدار کابل
بود پنج لک روپیه برای خرج حواله معز خان دیوان کابل نماید و در سنه ۱۱ فرمان رفت که شجاعت خان
داروغه توپخانه کابل برای دیدن توپها تو قلعه برد در قلعه ندهند مزاحم نشود در سنه احد
حسب التماس شهامت خان دو هزار اشرفی برای مرمت مدرسه سلطان محمود واقعه کابل مرحمت شد
در سنه ۲۳ فرمان رفت که خدمت قلعداری ارک کابل از تغیر او به سعید خان مرحمت شد خود
همراه ناظم نماید در سنه ۲۵ عالمگیری بنام شهامت خان فرمان رفت که حفظ حراست جلال آباد
مضاف صوبه کابل و اضافه پانصدی که از اصل و اضافه بمنصب سه هزاری و پانصدی
و دو هزار و پانصد سوار از انجمله هزار سوار دو اسپه سه اسپه مرحمت فرمودیم در سنه ۲۶ عالم
گیری بنام شهامت خان فرمان رفت که برای تنبیه قلماق که تبت کلان را متصرف شده
از کابل با مردم همراهی خود بکشمیر برود و در سامان و سامان درست نموده از راه تبت
و بالتی برساند در سنه ۲۷ فرمان رفت که قلعداری ارک کابل از تغیر شهامت خان بمرید خان
تفویض یافته خان مشارالیه پیش ناظم صوبه برساند و در تقدیم خدمت بادشاهی نیکو

بهادر شاه بنظامت گجرات از استقلال غیر در صنک نام برآورده در عهد فرخ سیر
بادشاه بخطاب مبارز خان و بنظم بالوا و بعد ازین بنظم حیدرآباد چهره افروخته در
عهد محمد شاه در دکن بهنگام بنظامت حیدرآباد در صف جنگ با نظام الملک بکار
آمد در عمل وزرای ماضیه دیوان خالصه و دیوان تن بر دیگ مسند وزیر اعظم
همدستان دیوانیان اندرون کمتر می نشستند بعد از مقرر شدن وزارت اسد خان
از جناب حضرت عالمگیر حکم شد که دیوان خالصه و تن و دار و غه کچهری مستوفی
و واقعه نویس کچهری و مستوفی اسمیه که از پانصدی زیاده باشد اندرون کتهره به تفاوت
سه درعه می نشسته باشند و همدستان دیوانیان و مستوفی التماس مطالب و مطالب
و سجل الساده شده مداده باشند بیان کردن یعنی کوس بحساب هندی
یک انگشت بقدر عرض هشت جو و یک که هندی آنرا ماتهه خوانند بیست و چهار انگشت
و دو دنگ بقدر چهار دست که بود و بیس انگشت باشد و کوس دو هزار دند
که هشت هزار دست می شود و بحساب فارسی مقدار دست ده کروه است و
این روی مسافت کروه بیحد از درج است در سنه عالمگیری فرمان رفت
که مرمت بند سلطان محمود واقعه کابل نمایند و در سنه عالمگیری بشهامت خان
فرمان رفت که حسب الالتماس او برای مرمت حصار شهر دار الملک کابل به
بشارت خان حکم شد و به قلعه دار خان قلعه دار ارک کابل برای دادن اسباب ضرور

کمی بازیافت نمایند و دیوانیان کارکردان عرض بخواه نمایند هفتم آنکه از رعایا
تحصیل شود دوبر و تحصیل نموده تحویل فوطه دار و آنچه فوطه دار برعایا قبض
الوصول دهد و اگر برعایا قبض نخواهد داد تا ساگ الحال رعایا چیزی افزود بکوید
عذر از کروری و فوطه دار مسموع نخواهد شد کروری بموجب سعد در سال
چهار قسمت سه قسمت کند و یک قسمت تا ساگ الحال که بر ذمه رعایا چیزی
باقی ماند و لوصول رسیدن خوبی را مصرف شود و فوطه دار قبض الوصول
ستاند حکم اشرف نفاذ یافت که همچنان باشد خواجه محمد امانت خان
در سنه عالمگیری ناس حطاب و فوجداری مصالور سکلمر و در سنه بنجاهم
بمنصب هزار و پانصدی و بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه هنگام مصدی
گری بندر سورت باضافه پانصدی سربلند شده بود خواجه محمد ولد میر لطف
از سادات صحیح النسب بلخی در اواخر عهد عالمگیری از ولایت آمده معرفت
یار علی بیک داروغه هرکاره بلازمت نموده بمنصب سرافراخته خدمت
می نمود بعد مرور خدمت بمنصب هزار و پانصدی و خدمت فوجداری پرگنه بدکور
بمنصب هزار و پانصدی در همان سال مصدی گری بندر سورت سرافراز شده بود
بعد رحلت حضرت باضافه پانصدی از پیش اعظم شاه سربرافراخته در عهد

مساہمہ مو واجب العرض بدرگاہ شاہ ارسال دارد اگر مناسب باشد
امین تعیین شود با اعتماد بر عمل متصدیان مہمات خواہد کرد این دفعہ
موافق عرضی بعرض رسید موافق آن حکم مقدس نفاد یافت مسمع الله
متمردان کہ در ماہ جنگل و قلعہ و صدق میباشند بالواجب بواقع ممد بند
ملک رعایای مواضع گرد نواحی ضرر و نقصان میرسانند حاکم داران
و کروری ہر صوبہ و بر کنہ محافظت رعایا نمودہ متمردان را کہ بحال
دسرہ رعایا باعث لوس میشوند تنبیہ نمایند و اگر ما محقق بود
کہ نقصان رعایا رسیدہ باشد تاوان از جواب کوید در اول متمردان
را نصیحت نمایند اگر مفید نشود لعدازان فوجدار و حاکم دار و کروری
جنگل را داغ نمودہ قلعہ و صدق را مسمار سازند در زراعت متمردان
را خراب و تاراج سازند اگر جاگیردار باشد بلفصلہ دیوانیان فراحور
جمع عوض تنخواہ نمایند و اگر خالصہ است و بعہدہ کروری است محسوب
محرا جواہند داشت او کمی طلب نخواہد نمود و ہر کس در بارکس ہانکاہ
دررد و متمردان خواہد بود بسزا خواہد رسید حکم اشرف نفاد یافت
کار محصول فصل تا یکسال مواضع متمردان کہ ویران شدہ باشند

درمیان خود فرود آمده مواضع بطرف وجوانب زمین یک فصله دو
فصله ملاحظه نموده بعهده ضبط در آورده حقیقت کمی و زیادی معلوم
نموده در هر موضع که کمی باشد باشد خود در ایجا رسیده سبب آن تحقیق
نماید اگر مزارعان جلاوطن یا بی استطاعت شده باشند از دو
حال بیرون نیست از ظلم کروری یا بعدی مقدم خواهد بود بواقعی بی روی
نموده نوعی عمل کند که آن اراضی مزروع شود که تلافی تقصیرات خواهد بود
بواقعی حقیقت حال اظهار دویردی نوشته بدفترخانه عالی مفرستاده
باشند تا بعرض عالی رسد دولتخواهی و تقصیر عمال ظاهر شود و در هر سال
خوب که باران رحمت الهی موافق بارنده باشد و در هر کتابی که زمین
اب بسیار خوب باشد تکلیم نا دو بسوه معمول ضبط نماید و در نواحی که
جنگل و ریگستان دو نیم بوه تا یک بسوه تخمینه رعایا بحری
دهند و نوعی سر انجام نماید که روز بروز زیادتی داباده و معموری گردد
و سیاهه ضبط هفته بهفته و تحصیل روزنامچه ماه بماه بدفترخانه معلی
مفرستاده باشند سیوم آنکه اگر بعود بالعه بمواضع آفت سماوی
باراضی رسد از هر جانب پرگنه کروری ایجا رسیده قطعه بقطعه ملاحظه نموده

نهادن است آن دو حریص طامع را در ساخت در هر جا که از معتمدان
راست اندیش تعین نماید سوم آنکه حال معلوم شده است که اراضی
سال بسال کمی اند نظر بتنبه از قرار واقع اراضی هر پرگنه را باهتمام و کمال
تعهد ضبط در آورده شود تا و اجوه حالت رعایا سال زیاده نموده
پس قرار دهد از مقدمان تمسک گرفته مالواجبی باریافت نماید و اگر
اراضی که سال یا چهار ساله افتاده باشد سال اول از قرار نصفی از
محصول و سال دوم جو بار که سال سوم موافق نویج بگیرد و از آنگ
سحر را علت معاش سر بر بکند بدستور یکه حکم شده بود باریافت نمایند
و اگر مزارعان شکسته حال باشند و تخم و گاو ندارند اسپ باشند آنچه مناسب
دانند تقاوی داده از مقدمان تمسک ستانند که هرگاه محصول رسد
آنچه در خریف لائق باشد باریافت نمایند و باقی در ربیع و سال سال اصل
دستور عمل نماید جمل سال بسال ادای گردد بر رعایا حیف و میل نرود
دستخط الورمری شد که بموجب التماس از ار احکام سابق استعداد
نموده حکم مقدس نفاذ یافت چهارم آنکه چون زراعت بر بای بوده باشد
متصدیان هیچ طاب باده باطلب و اجوه حالت جمع پرگنه تعلق نمود

روبروز ازماہیانہ ایشان حساب نمود وفصل بفصل برعاملحریک دہانند
دیقدر تقصیر یادست نمایند وہرکس کہ درین امر کوشش بکند جون بعرض
اقدس رسید لسالت احتصاص نامند دسخط خاص برلیں نائب
کار رانکان رواسرون نظام ان کاردادن ہت اورا براستی ودرستی
ودریافت معاملات دیوانی ممسارجی دانم تحرداری تعلیں نموده ایم
ماندکہ اولا پرگنہ ہای بادشاہی رادرباب عمل وعدالت خاطرنشان
مردم کرده باشا بروی احوال مردم نماید وہرکس کہ برای طمع سوم وحرص
کورخلاف حکم نموده برعایا تعدی نماید اورا سزای لائق داده سرمایہ
عبرت سایرکوتہ خردان شود دفعہ دوم کروری وعاملات خالصہ
سرلقه دولسده دارند یکی کارکن وددوم راخاص نولس نام نہاده
باتفاق جودہریان دقانونگویان ومقدمان وکلان بران برموضع باعث
ابادی احراجات بے شوید اگرجای دونولسده طامع یکی ازمعمدان
راکسب قلم نگاه دارد ودرین صورت احراجات ابادانی نمی شود ورعایا
متفرق نمی گردد دسخط خاص مرین شدند خوب بخاطرادرده کست یک
کاراورا بدوکس بادوکارا به یک کس فرمودن ازقانون عدالت بابیرون

خانعالم و در همین سال سیف خان و در سنه ارتغیرش عبدالله خان بهادر

و در سنه ۲۲ ارتغیرش سالسه خان و در سنه ۱۶ ارتغیرش اعتقاد خان و در سنه

۳۰ جلوس ارتغیرش اعظم خان و در سنه ۱ سعید خان و در سنه ۲۲ ارتغیرش جعفر خان

و در سنه سی ام ارتغیرش ذوالفقار خان و در سنه ۳۱ الله وردی خان و در سنه احد عالم

گیری داود خان قریشی و در سنه ارتغیرش لشکر خان و در سنه ۱۱ ارتغیرش

ابراهیم خان مقرر شده تا سنه ۴۱ در انجا بود ایزد دیگری و در سنه ۲ جلوس برکت خان

و بعد صوبه داری محمد اعظم شاه و در سنه ۱ سبحان و ایزد برکه اسد خان و در

سنه ۴۳ فدا خان و در سنه ۴۶ ارتغیرش شمشیر خان و در سنه ۴۷ شاهزاده عظیم الشان

مقرر شده تا آخر عهد خدمت می نمود ناظمان بنگاله احوال ناظمان بنگاله

در سنه ۱۲ اکبری سلیمان کرانی حاکم بنگاله خطبه حضرت در آن صوبه خواند

در سنه ۱۶ سلیمان درگذشت و در سنه ۲۰ جلوس بنگاله مصرف اولیای دولت ابد

خانخانان از انتقال او مقرر شد در سنه ۲۴ از انتقال مظفر خان و در سنه ۲۵ از

انتقال او اعظم خان کوکه در سنه ۲۵ ارتغیرش وزیر خان و در سنه ۳۲ از انتقال او

سعید خان و در سنه ۳۹ ارتغیرش راجه مانسنگه قطب الدین خان کوکه در سنه ۲ از

انتقال او سعید خان و در سنه احد جهانگیری از جهانگیر قلیخان و در سنه ۳ از انتقال او

ودرسنہ شمشیرخان وایندہ مرزاخان ودرسنہ شایستہ خان ابو
نصر مقرر شد احوال ناظمان صوبہ بہار درسنہ ۱۲ اکبری منعم خان
مسخر صوبہ بہار تعین شدہ با سلیمان خان حاکم بنگالہ باین شرط
صلح کرد خطبہ حضرت دران صوبہ خوانا ندہ باشند و ملک متصرف او
ماند چون درسنہ سلیمان فوت شد خان مشارالیہ قلعہ بہار مفتوح کردایندہ
این صوبہ بلا شرکت بتصرف اولیای دولت درآمد درسنہ ... از انتقال
اوخانجہان ودرسنہ ۲۴ از اسقال او مظفرخان ودرسنہ ۲۵ از انتقال او اعظم
خان وایندہ سعیدخان ودرسنہ ۳۲ ازتغیرش راجہ مالسنگہ کچواہہ مقرر شد
درسنہ ۳۰ دراں صوبہ خدمت میکرد ودرہمان سال راجہ مشارالیہ بتسخیر
اودیسہ رفتہ دیگری بنظم او مقرر شدہ و درسنہ ۳۹ باز سعیدخان مقرر گشت
وتا سنہ ۴۲ درانجا خدمت می نمود درسنہ سلطان سلیم بود درسنہ ۴۹ اصفہان جعفر
ودرسنہ اعظم خان مقرر شدہ درسنہ احد جہانگیری خانگر قلیخان ودرسنہ ۲
ازتغیرش اسلام خان ودرسنہ ازتغیرش افضلخان ودرسنہ از اسقال او
ظفرخان ودرسنہ دہم ازتغیرش مقربخان ودرسنہ ۱۴ ازتغیرش شاہزادہ پرویز
ودرسنہ ۱۲ میرزا رستم صفوی ودرسنہ ۲۳ مرزا ابو سعید ودرسنہ احد شاہجہانی ازتغیرش

خانخوا ۱

احد شاہجہانی مخلصخان فوجداری گورکھپور و در سنہ ارتغیر محلدار خان دکھنی و در سنہ لشکر شکن ولد شاہنوازخان بن خانخانان بہادر و در سنہ نہم تبدیل خان و در سنہ دہم فوجداری لکھنو و سہوارہ اللہ وردیخان و در ہمین سال ارتغیر شیر اندازخان و در سنہ سیادتخان در سنہ سید مرتضی خان و در سنہ تبدیل خان و ایزد مرزا خان خلف شاہنوازخان و در سنہ ارتغیر اعتقادخان ایزد سید مرتضی خان و در سنہ میرزا مرادکام ارتغیر سید مرتضی خان فوجداری مذکور مقرر شد در سنہ احمد بیگخان ارتغیر میرزا مرادکام در سنہ شاہنوازخان صفوی ناظم اودہ در سنہ ارادتخان فوجداری لکھنو ارتغیر احمد بیگخان و در سنہ تربیت خان مقرر شد در سنہ احد عالمگیری ارادتخان و در ہمین سال انتقال او تبدیل خان و در سنہ ارتغیر مکرمخان در سنہ دہم تبدیل خان و در سنہ ارتغیر تربیت خان و در سنہ فدائیخان و در ہمین سال ارتغیر نامدارخان اسد بہور خان و در سنہ ارتغیر ابوالمحمد خان بیجاپوری و در سنہ ہمتخان بہادر در سنہ عسکر خان حیدرآبادی و در سنہ ارتغیر زبردست خان

بتصرف خود دادرده و مکرر بار سرداران آن صوبه حرب صعب نموده آن صوبه را
از خس و خاشاک مصفا کردیده تا آخر عهد ایشان دران صوبه بود و در سنه
احد جهانگیری قطب الدین خان کوکه ایشان و در سنه ۲ هاشم خان و در سنه ۶
راجه کلیانداس ولد راجه تودرمل و در سنه ۱۲ از تغیر او مکرم خان و در سنه ۱۵
احسن علیخان ترکمان و در سنه ۱۶ از تغیر او احمد بیگخان و در سنه ۱۹ شاهزاده پرویز
تا الیغ مهابتخان زمانه بیگ مقرر شده تا سنه ۲۱ در آن صوبه خدمت می نمود
اینده باقرخان مقرر کردیده در سنه احد شاهجهانی بدستور بحال مانده در سنه ۱۵
از تغیر او معتقد خان و در سنه ۱۳ از تغیر او شاهنواز خان صفوی و در
سنه ۱۵ شاهزاده محمد شجاع و در سنه ۱۹ تکرار از تغیر شاهزاده مذکور معتقد خان و در
سنه ۲۳ از تغیر او تکرر شاهزاده مذکور مقرر شده تا سال الثالث شیخ محمد حیات
و صمصام الدوله دربست خان تا آخر عهد سرانجام این خدمت می نمودند
در سنه احد عالمگیری معظم خان و در سنه ۳ خاندوران و در سنه دهم ابتدال او
تربیت خان و در سنه ۱۲ صفیخان و امیده رشید خان و در سنه ۱۹ امیر الامرا
شایسته خان مقرر شده در سنه ۲۱ معزول کردید ملتان صوبه اوده
از سنه احد اکبری لغایت پانزدهم جهانگیری بسبب تقرر ملتان این صوبه
قابل نوشتن نبود و در سنه ۱۶ جهانگیری باقرخان نجم ثانی مقرر شده در سنه

احد

پسرش ودر ۲۶ سنه برکت اسد خان ودر ۲ سنه سپه دار خان ودر سنه ۴۳ ارتغیرش ابراهیم خان مقرر شده در ۴۴ ودر ۴۹ سپه دار خان درانصوبه خدمت می نمود احوال ناظمان صوبه اجمیر به ترتیب معلوم نشد لهذا مجمل نوشته شد که در ۳ سنه اکبری این صوبه از تصرف حاجی خان ازعلافان شیر شاه برآمده حکومت آنجا به شاه قلیخان محرم و میرزا شرف الدین حسین و حسن قلیخان و شهباز خان و میرزا خان مقرر شده و در عهد جهانگیری که در ۲ سنه خود بدولت تشریف بردند تا سه سال ماندند بعد ازان نام هیچکدام معلوم نشد در سنه احد شاهجهانی مهابتخان و معتمد خان و میرزا مظفر کرمانی و راجه سهلداس کور و شاه علی میرزا ابو سعید طهرانی و بارشاه علی و بهادر کنبهوه که اکثر بفوجداری مقرر شدند و بعضی بنظم نام برآوردند در سنه احد عالمگیری تربیت خان و رحمتخان و علیخان و داراب خان و سید احمد خان و حامد خان و افتخار خان و سید عبدالله خان بارهه و اعظم شاه و زبردست خان مقرر شدند احوال ناظمان صوبه اودیسه در ۳ سنه اکبر راجه مانسنگه کچهواهه بتسخیر ملک اودیسه مامور شده مشار الیه بعد رسیدن بآنجا سرکار حلباهه مضاف صوبه مذکور از تصرف خان لسر قلو بعد کارزار بسیار

شاهزاده پرویز و در سنه ۱۶ از تغیر ایشان محتشم خان و بعد چند ماه خانعالم
دولدی و در سنه ۱۸ از تغیرش میرزا رستم صفوی و در سنه ۱۹ مهابتخان
باتالیقی شاهزاده مذکور و در سنه ۲۲ بهادر خان اوزبک مقرر شد در سنه احد
شاهجهانی خان سپهدار خان و در سنه ۳ اسلام خان و قلیچ خان و در سنه ۵
از تغیر سیف خان و در سنه ۸ از تغیرش اعظم خان و در سنه ۹ از تغیرش
باقر خان و در سنه دهم اسلام خان و سعید خان بارهه و در سنه ۱۶ از تغیرش
عبدالله خان فیروز جنگ و بعد چند ماه از تغیرش شایسته خان و در
سنه ۱۸ با شاهزاده دارا شکوه و از طرف ایشان غیرت خان بهادر نیک
و در سنه ۲۲ از طرف ایشان صلابت خان بارهه بانسبه ام مقرر بود
در سنه احد عالمگیری خاندوران و در سنه ۲ بهادر خان خاص و در سنه دهم
از تغیرش الله وردی خان و در سنه ۱۲ اسلام خان و میرخان نعمت الهی و در سنه ۱۴
از تغیرش جعفر خان و در سنه ۱۹ از تغیرش همت خان علوی و در سنه ۲۲
صفی خان و در سنه ۲۳ مکرر همت خان علوی مکرر مقرر گشته در سنه ۲۴ معزول گردید
آینده سیف خان مقرر شده در سنه ۲۶ اسلام خان و محتشم خان و در سنه ۳۱ ام
همت خان بهادر و در سنه ۳۳ خانجهان بهادر ... و در سنه ۳۴ مکرر همت خان بهادر
پسرش

وبخودی درسو خان ومعظم خان وراجه بارهمل وشیخ ابراهیم و
شهاب الدین احمد خان وقاسم خان وباربه شیخ ابراهیم مقرر شد
بود در عهد جهانگیری به دوست محمد وسه اسلام خان خواجه جهان
ولشکر خان ومظفر خان معموری واعتبار خان خواجه سرا وافضال
مقرب خان حکیم وقاسم خان مفوض گردیده بود درسنه احد
شاهجهانی وزیر خان حکیم علاء الدین از تغیر قاسم خان ودرسنه ۲ از تغیر
اسلام خان خراسانی ودرسنه ۴ از تغیر صفدر خان اما سے نامور
گشت درسنه ۸ وسنه ۱۰ حضرت خود رونق افزا بودند درسنه ۱۱ که حضرت
بلاهور تشریف بردند صحیح معلوم نشد که کدام ناظم آنجا مقرر شد
چون درسنه ۸ حضرت بدکن متوجه گردیدند چون اعظم خان مقرر گشت
درسنه ۹ حضرت از دکن تشریف آورده تا دو سال رونق افزا ماند
درسنه ۱۱ سعید خان ودرسنه ۱۳ مکرر صفدر خان ودرسنه ۱۴ از تغیر او مکرر وزیر خان
مذکور ودر همین سال انتقال او راجه بیتهل داس گور ودرسنه ۱۷
سعد خانخانان بارهه ودرسنه ۱۸ شیخ فرید مقرر شد چون درسنه ۱۹ شیخ
فرید متعین مهم بلخ وبدخشان مقرر شد درسنه ۲۱ حضرت از کابل
مراجعت

وعرض صد و چهل و یک لحت نموده و شانزده درع مرتفع گردانید

و بر وسط این کرسی کرسی دیگر یک لخت مسطح بطول و عرض

صد و بست ذراع و ارتفاع هفت درعه براهراسته اند ارتفاع گنبد

از روی زمین تا سر کلس صد و هفت کرست و عمارت بیرون

و درون از سنگ مرمرست سه دروازه صومعه است بطول

هشتاد درعه و عرض سی و چهار و جلوخانه بطول دو صد و چهار

درع و عرض صد و پنجاه از روی شاهجهانی نامه سه هزار فیل

در سرکار اکبرآباد شاه جمع شده بود از حضرت اکبر بادشاه هفت

کرور روپیه سوای اشرفی مانده بود جنت مکانی سه کرور روپیه

خرج گردیده و یک کرور روپیه که اراسته بودند در شهر شاهجهان

اباد دو کروه باد بالا جر ببیه یعنی بار ده هزار درعه در پهلش امده باهتمام

بدر الدین معمار عهد شاه عالم غازی — صوبه اکبراباد

احوال ناظمان صوبه اکبراباد از ابتدای عهد عرش آشیانی تفصیلی

صحیح معلوم نشد لهذا مجمل بقلم آمد که نظامت این صوبه بخواجه معین الدین

سے درج و سہای دیوار سرد یک تفصیل با نزدہ درج وار الفاع
ارشاد با لنگرہ ست درج موجب بادشاہ نامہ عبد الحمید لاہوری
در شاہجہان نامہ مرقوم ست کہ تخت رواں از مخترعات
علیحضرت دور اندوختہ یک حیثیت ست نہ کل وایک و سرات
ندارد چہار گروہ شاہی دور بالات برسا گرکہ راج برسکدیو
ساحہ بود ہیچ و نیم گروہ باغ سالا بار باہتمام خلیل اللہ خان در
سنہ ۱۶ شاہجہانی سارشدہ و سس لک روپیہ بصرف آمدہ
این باغ سہ طبقہ دارد طبقہ بالارا فرح بخش نام طبقہ دوم را نانال
ان فیض بخش نام طبق بالا سہ صد و سے گز مربع ست و
مشتمل بر سست و ہست عمارت طبقہ دوم کہ مرسہ ادلی فیض بخش است
طولش سہ صد و سے گز و عرضش نود و سس گز ست انہر فیض
باہتمام ملا علا و الملک لونی کہ بخطاب فاضلخان مامور شد
درین باغ دلخواہ ست روضہ ممتاز الزمانی باہتمام مکرمتخان و میر
عبد الکریم بصرف پنجاہ لک روپیہ در مدت دوازدہ سالی تیار
شدہ در عہد شاہجہانی حوسرہ رسا بطول سہ صد و ہفتاد و چہار

نمودند که هیچ کس را بدین سیاست معتوب نمایند دیگر در شهرها
کلان دار الشفاها ساختند و اطبا جهت معالجه بیماران مقرر نمودند
و مصارف ان همه از خالصه شریفه مقرر کردند و مدد معاش اهالی دایمه
ممالک محروسه را بیک قلم مطابق فرامینیکه بدست دارند برقرار و
مسلم گذاشتند و جمیع زندانیان را خلاص فرمودند

احکام بادشاه جهانگیر که دستور و ضوابط جهانگیری میگویند در سنه ۱
شرف نفاذ یافت او آنکه امیران در جهروکه نشسته در سر داران
نوکری خود تکلیف جوکی و تسلیم جوکی نکنند و فیل بجنگ
نیدارند و در سیاست ها کور نمایند و گوش و بینی نبرند و برور تکلیف
مسلمان نکنند و خطاب ملازمان خود ندهند و نوکران بادشاهی را کورنش
و تسلیم نفرمایند و اهل نغمه را بروشی که در دربار معمول ست ندهند
تکلیف جوکی دادن نسازند و وقت برآمدن نقاره سوار نشوند و اسپ
و فیل که بمردم میدهند خواه ملازمان بادشاهی و خواه نوکران خود لجک
را بر دوش انها داده تسلیم نکنانند و در سواری ملازمان بادشاهی

بعد جلوس بر سریر خلافت اولین حکمیکه پادشاه جهانگیر کردند بستن زنجیر عدل بودن حمارمن هندوستان بطلای ناب برکنکره شاه برج قلعه اکرآباد که مظلومان خود را بدان زنجیر رسانیده سلسله جنبان شوند دیگر حکم شد که زندگاه تمغا و میربحری و سایر تکالیفی که جاگیرداران هر صوبه وضع نموده بودند معاف وایند دیگر در راه های که دزدی و راهزنی واقع شود وان راه ها ازابادانی دور باشد جاگیرداران ان نواحی سرای و مسجدی بنا نهند و خاهی احداث کنند باباعث ابادانی کسته چون دران دران سرا اباد شوند اگران محال بر خالصه سرتعلق دارد متصدی الکاسرانجام نماید و دیگر هیچ کس در راه ها بار سوداگران رابی رضا دادن ایشان نکشاید دیگر در ممالک محروسه ازکافران و مسلمانان هرکس که فوت شود مال ومنال او بورثه او بازگذارند و اگر وارث نداشته باشد بساختن مساجد وسراها و مرمت پلهای شکسته واحداث تالاب ها وچاه ها صرف نمایند و دیگر شراب و دیهره نفروشند و دیگر خانه هیچ کس را نزول نسازند دیگر احدی گوش و بینی شخصی را بهیچ گناهی نبرد و خود هم بدرگاه الهی نذر

صدی بو سرافراز شده در سنه ۱۹ متعلق مهم بلخ گردیده آینده بمنصب هفتصدی
هفتصد سوار سرافراز شده خدمت میکرد در سنه ۲۸ فوت کرد هرچس پسر
راجه بیتهلداس سرکرده اسکور در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی
سرافراز بود در سنه احد عالمگیری در کارزار با شاه شجاع و دارا شکوه
ترددها نموده بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار و عطای علم مامور شده
تا سنه نهم خدمت نمود هرام ولد کردهر داس کور در اوائل عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سرافراز بود هر سنگه ولد جهن رهان در اوائل عهد شاه
جهانی بمنصب پانصدی سربلند بود هررام راتهور در سنه احد عالمگیری -
در کارزار با شاه شجاع ترددی نموده هردیو رسیدار جمون در سنه
عالمگیری مورد مراحم خاقانی بود هر بهان گور در سنه ۳ عالمگیری بمنصب
سربلند بود در دکن خدمت می نمود هیوت سنگه دکینی لو با در سنه ۸
عالمگیری معروف مرزا راجه جی سنگه کچهواهه بمنصب سربلند شده
خدمت میکرد. نسخه [illegible] تاریخ یازدهم ستمبر سنه ۱۸۸۷ع

جناب فیض مآب [illegible] صاحب کمشنر و مهتمم
کارخانه [illegible]

کهواهه در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هفصدی سرافراز بود ۰۰
هربرامن زمیندار بحت ازمیندار صوبه بهار در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب هفصدی سرافراز بود هری سنگه حیدر بهان مزوکا در
اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سربلند بود باباجی دلوره در
سنه ۳ شاهجهانی همراه ساهو بهونسله بمنصب دوهزاری سرافراز در
سنه ۴ بعض جانفشانی کرده بود بهلوجی در سنه ۳ شاهجهانی همراه ساهوجی
بهونسله بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود هرداس کهواهه در
سنه ۳ شاهجهانی بمنصب سربلند و در دکن خدمت می نمود هری سنگه
راتهور در سنه ۴ شاهجهانی بمنصب سربلند بود در دکن خدمت میکرد
همت سنگه کهواهه در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب سربلند و در ناحیه قندهار
مصدر تردد بود تا سنه ہم عالمگیری در دکن خدمت میکرد هر سنگه ولد
راو رین هادا منصبی داشت در سنه ۱۱ شاهجهانی از وطن آمده در حضور
خدمت می نمود هیبے سنگه سسودیه در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب
پانصدی و در آخر عهد بمنصب هفصدی سرافراز شده خدمت میکرد
همر سنگه سسودیه از نوکران رانا جگت سنگه در سنه ۱۵ شاهجهانی بمنصب

پانصدی

شده خدمت می نمود تا روجی دکهن در سنه نهم عالمگیری بمنصب
سرافراز بود و خدمت های نمایان می کرد

حرف ه

هری سنگه ولد کشن سنگه بن راجه اودی سنگه معروف موته راجه در سنه
دهم جهانگیری بعد کشته شدن پدر بمنصب هزاری و بعطای زمینداری
کشن گده سرافراز شده در ابتدای عهد شاهجهانی خدمت می نمود در سنه نهم
همراه سلطان شاهجهان در دکن تردد کرده در سنه ۱۱ باضافه پانصدی نام برآورده
در سنه ۱۴ تعین کابل و در همین سال تعین مهم جگت سنگه و در سنه ۱۵ تعین
قندهار شده درسنه فوت کرد و پسر نگذاشت روپ سنگه برادرزاده
اش بعنایت زمینداری کشن گده مامور شده هردی نارائن
نادا در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب سه صدی و در سنه ۱۵ باضافه صدی
سرافراخته خدمت می نمود هیرا کشن جهالا در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سرافراز بود هردی رام ولد گنگا رین حکمال برادر
خرد راجه بهارامل کچهواهه در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی
سرافراز بود هر سنگه برادرزاده راو دودا ولد راو چاندا زمیندار رامپوره
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود هر رام ولد بهگوانداس

سرافراز بود باشد در بعضی مهمات خدمت می نمود سبهل داس سنگه
بن راجه اودی سنگه معروف بموته راجه در سنه دهم جهانگیری بعد گذشته
شدن پدر بمنصب پانصدی و در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب
هزاری سرافراخته خدمت می نمود نرهر داس جهالا در ابتدای
عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه سوم تعین راجه
گج سنگه شده در سنه ۲ در کارزار با خانجهان لودی که در آن ایام راه
بغی بیموده بمرداتگی ها در دکن بکار آمد نرهر داس ولد راجه نرسنگه دیو
بندیله در سنه احد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراخته باشد
در دکن خدمت میکرد نارسو لیکن در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب
هشتصدی سرافراز شده در سنه ۱۴ تعین کابل و در سنه ۲۲ تعین مهم قندهار
گردیده بود نرسنگه دیو کچهواهه ولد راجه دوارکا داس بن راجه گردهر آس
بن رای سال درباری در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و
در اواسط عهد بمنصب هشتصدی و در سنه ۱۸ تعلقداری کاویل
از قلاع دکن و در سنه ۲۰ تعلقداری صر سرافراز شده بود ناوجی دکنی
از نوکران نظام الملکیه در سنه ۳ شاهجهانی بمنصب دوهزاری سربلند
گشته

منصب کام دل بر گرفته بود مانکوجی دکهنی در سنه ۲ عالمگیری بمنصب
هزار و پانصدی بوسرافراز شده بود مدنی سنگه ولد برتهی سنگه زمیندار
سرینگر در سنه ۲ عالمگیری در جلدوی حواله نمودن سلطان شکوه پسر دارا شکوه
که بدو پناه برده بود بمنصب دوهزاری نام پنجاه هزار روپیه نقد بابت
جمدهر و پهچی داو رسپه مرصع سرافراز شده با شده خدمت می نمود مانکوجی
دهنکرا دکهنی در سنه ۸ عالمگیری بمنصب سرافراز شده بود مان سنگه ولد
مها سنگه پسران راجه رای سنگه سیسودیه در سنه ۱۶ عالمگیری بعد موت پدر
مورد مراحم خاقانی شده بودند مانکوجی کهوبرا در سنه ۳ سی ام عالمگیری
بمنصب سربلند و بمصدر تردد بود مانکوجی ارنکران سنهاجی مشهور
در سنه سی ام عالمگیری بمنصب دوهزاری سربلند شده خدمت می نمود
مدن سنگه برادر خرد راجه ساهو در سنه ۳۳ عالمگیری بعد زستگرادن به منصب
سربلند شده بمنصبهای صغر سن حکم شد که بر و مادر خود در سکاه باشد
مساجی دکهنی در سنه ۴۲ عالمگیری بمنصب سربلند بود

حرف ن براس داس

ولد راجه لکهارمن جکمال برادر خورد بهارامل کچهواهه در سنه ۳ جهانگیری بمنصب

هزاری و در سنه ۱۸ بقلعداری لاهور مقرر شده در سنه ۱۹ در مهم بلخ ترددی

نموده در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی نام برآورده بود محکم سنگه

سیسودیه در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب هفتصدی سرافراز شده در سنه ۱۵

بمنصب هزاری هزار سوار و در سنه ۱۶ بمنصب دوهزاری سربلند بود در کارزار

باقلاکس ترددی نموده بود مهیس داس بن دلپت بن راجه رای سنگه

راتهور زمیندار بیکانیر در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب دوهزاری و تعیناتی سرکار

جالور و در سنه ۱۹ باضافه پانصدی هزار سوار و ~~تعیناتی~~ بعد چندی بجایزه

ترددات نمایان در مهم بلخ و بدخشان بنوازش نقاره و بمنصب ۳ هزاری

نام برآورده در همان سال درگذشت از بندگان معتمد کاردیده بود حسب الحکم

نعش بجنب اودیس پهلوی سنگ که برآن برآن خاصه می باشد وارا و نگ آباد

مبارک بفاصله ده کروه نگاه می دارند السناد و وقت سواری بفاصله

دو کروه برابر این عقب می آمد مهیس داس راتهور از نوکران راجه گج سنگه

زمیندار جوده پور در سنه ۱۲ شاهجهانی بمنصب هفتصدی سرافراز شد

در سنه ۱۲ بمدار المهامی راجه جسونت سنگه ولد راجه گج سنگه مقرر گردیده

بود مکند سنگه اولیس بور بادهو سنگه زمیندار کوته در سنه ۲۱ شاهجهانی بعد

لودی بحکم کونه برای بوسب مادهو سنگه پس از همه پیش دستی
نموده حول صف بنگال درهم شکسته برحم برجهه خود کار بس نمایان کرد در سنه ۲
بعد فوت پدر بخطاب زمینداری کوره لودی علاحده شده بمنصب
دو هزاری سرافراز شده معه وزیر خان در دکن گردیده در سنه ۶ بعهد شاه
جهانی شجاع مهم دکن گشته در سنه ۵ و در سنه ۵ [illegible] دکن ترددی کرده هم
در سنه ۶ در تعاقب جهجهار سنگه بندیله این کار را در بکی نموده بعد اتمام این مهم
معه خاندوران برای مهم دکسان شده در سنه نهم در دکن ترددهای مردانه
کرده هم بحضور آمده بمنصب سه هزاری دو هزار سوار نام برآورده بوطن رفته
در سنه ۱۳ همراه شاهزاده مراد بخش گشته بکابل رفته در سنه ۱۴ بحضور آمده در سنه ۱۵ اضافه
پانصد سوار و در سنه ۱۹ بمنصب سه هزاری سه هزار سوار مباهات اندوخته
در سنه ۱۹ و در سنه ۲۰ در کارزار بلخ ترددها کرده در سنه ۲۱ بوطن رخصت گشته
در آنجا فوت کرد سکوجی در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب سه هزاری سرافراز
شده خدمت نمایان در سنه ۸ نموده و در سنه ۲۹ فوت کرد مندهی راو دکهنی در سنه
منشم شاهجهانی بمنصب سربلند بود مهیش داس راتهور از نوکران مهاراجه
ربانه ملک در سنه ۹ شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراخته در سنه ۱۴ بمنصب

هزاری

مرسنگھ برادر راجه سام سنگه لولور در عهد جهانگیری بمنصب سرافراز
بود در عهد شاهجهانی بمنصب هزاری نام بر آورده در سنه ۹ فوت کرد ملکداس
جادون در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب پانصدی سربلند و متعلق دکن شده بود
مالوجی برادر کیلوجی بهونسله در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب پنجهزاری سرافراز
شده در سنه ۱۵ در مهم فتح قلعه سانهر و مولیر که در تصرف بهرجی زمیندار
بگلانه بودند تردد کرده در سنه احد عالمگیری همراه مهاراجه جسونت سنگه
بود در سنه ۵ فوت کرد ساجی برادر زاده ساهو بهونسله همراه عم خود در سنه ۱۰
شاهجهانی بمنصب سه هزاری سرافراز شده بود مرسنگ برادر زاده
راجه مهاسنگه کچهواهه در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز بود
ست ملکداس راتهور در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب سیصدی
سرافراز بود ملکداس ولد راجه گوپالداس گور در ابتدای عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سرافراز بود مادهو سنگه سیسودیه در ابتدای عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه ۹ فوت کرد مادهو سنگه ولد راو درس هاڑا
زمیندار بوندی کوته منصبی داشت در سنه ۲ شاهجهانی همراه مظفر خان
نامزد مهم تنبیه خانجهان لودی باغی متعلق شده در سنه ۳ که قتیله مظفر خان با خانجهان

کوس نبدت دکھنے درسنہ عالمگیری بمنصب سرافراز بود در دکن خدمت
می کرد درسنہ دہم بمنصب ہزاری بام برآوردہ بود کسن سنگہ ولد اماجہ
رام سنگہ کچھواہہ زمیندار انبر درسنہ عالمگیری بمنصب ہزاری و بخطاب
کنوری سرافراز شدہ درسنہ ا منعین کابل گردیدہ درسنہ ۲ درجانہ جنگی کشتہ
شد گردہر داس سسودیہ بمنصب سربلند بود درسنہ ۱۲ عالمگیری در اہتمام
بر دروازہ بادشاہی کشتہ شد کسن سنگہ ہادا بمنصب سربلند بود
و درسنہ ۲ عالمگیری بادشاہزادہ محمد اکبر صوبدار مالوا بودند متعینہ ایشان
بودند روزی در دربار میان مردم بادشاہزادہ و ہمراہان او کلفت و کوشش
ازراہ غضب وادب خود را بحمدہ ہر ضائع کرد کسن سنگہ درسنہ ۲۵ عالم
گیری بمنصب سربلند و متعینہ اورنگ اباد بود کابھوجی سرکنہ دکھنی
درسنہ ۲۵ عالمگیری بمنصب پنجہزاری نو سرافراز شدہ اکثر متعینہ ذوالفقار
خان بہادر نصرت جنگ ماندہ درسنہ ۴۹ باضافہ ہزاری ذات والا مرتبت گردید
بعد رحلت حضرت درسنہ احد بہادر شاہ خلعت یافتہ بود کشور داس
ولد منوہر داس برادر راجہ سہلداس کور منصب داشت درسنہ ۲۶
عالمگیری بقلعداری سولاپور از قلاع دکن از استقبال بدر مقرر گشتہ درسنہ ۲۹

بجا آورده ترددات نمایان در ایام تعیناتی در دکن بمنصب سه هزاری دو هزار
و پانصد سوار والا مرتبه گردیده در سنه ۱۶ در دکن فوت کرد گردهر داس ولد راول سجا
در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب شش صدی در سنه ۱۳ بعد فوت پدر بمنصب هزاری
سرافراخته خدمت می نمود گوپال سنگه هادا در اواخر عهد شاهجهانی منصبی داشت
در جنگ اکبرآباد در رفاقت عالمگیر بادشاه مردانه بکار آمد کسن سنگه عم او
در سنه احد عالمگیری بمنصب سربلند و در کارزار با شاه شجاع تردد نموده
بود کسر سنگه ولد راو کرن راتهور رسیدار ممکا از دکن همراه صاحب عالمگیری
آمده بمنصب سرافراز شده در کارزار مالوا و اکبرآباد ترددات نموده در سنه ۲ هنگام
هنگام تعیناتی دکن تردد شایسته کرده در سنه دهم بمنصب هزار و پانصدی
هزار و چهار صد سوار نام برآورده معاش بنگاله گردیده بود کرن کچهی از سرداران
مالوا در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۲ در بنگاله
ترددات نمایان نموده بود کلیان سنگه رسیدار با عهد هون در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری سرافراخته خدمت می نمود کیسنگه ولد راجه امر سنگه
گور در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراخته خدمت می نمود گوپال سنگه
هادا در سنه ۴ عالمگیری بمنصب سرافراز بود و تا سنه ۱۳ خدمت می نمود کوند

شاهجهانی بمنصب پانصدی و دوصد و پنجاه سوار سرافراز گشته
در سنه ۲۳ تا سنه ۲۶ متعین مهم قندهار گردیده و در سنه ۲۶ تعلقداری پاراکره سرافراز
شده بود گوبندداس راتهور چاندورانی در سنه ۱۹ شاهجهانی بمنصب
پانصدی سرافراخته در سنه ۲۳ در مهم قندهار تردد نموده بود کنبے ولد
بهلیمدر سکهاوت در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی
سرافراز بود کشور سنگه ولد مادهو سنگه هادا زمیندار کوته بن راو بن
در سنه ۱۲ شاهجهانی بعد فوت پدر بمنصب سه صدی سرافراز شده
تا سنه ۳۲ عالمگیری خدمت می کرد کیرت سنگه دویمی پسر مرزاراجه
جیسنگه در سنه ۲۳ شاهجهانی بمنصب هزاری و بعطای زمینداری
کامان پهاری و کوه مجاهد بنا بر اخراج میمردان انجا و دران سال به
منصب هزاری سرافراز شده در جنگ اکبراباد همراه داراشکوه بود
در سنه احد عالمگیری از وطن آمده بفوجداری نواحی دارالخلافه و در سنه ۲
بفوجداری میوات و در همین سال باوجود فوجداری میوات باز
بفوجداری نواحی دارالخلافه از تغیر علیخان و بمنصب دوهزار و پانصدی
سرافراخته در سنه ۳ بعلت مرزاراجه جیسنگه پدر خود بدکن شده و در سنه دهم

حواله نمودن قلعه احمدنگر بمنصب دوهزاری و بانعام پنجاه هزار روپیه
سرافراز شده بود کشن سنگه در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب سرافراز
بود در سنه نهم همراه خاندوران بهادر خدمت می نمود کیسری سنگه ولد بهار سنگه
کچهواهه در ابتدای عهد شاهجهانی منصب داشت در سنه ۱۱ در یافته قندهار تردد
نموده در سنه ۱۹ بمحاصره سمر انداختن بر راو امر سنگه راتهور هنگامه صلابت خان
بمنصب هزاری هزار سوار نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ در سنه ۲۲ تا سنه ۲۵ سنه ۲۶ بعاینه
در مهم قندهار تردد ها کردی در سنه ۳ عالمگیری خدمت می نمود در سنه ۹ بمنصب
هزار و پانصدی ذات و سوار و در سنه ۱۰ بمحاصره تردد در مهم اوغانه کابل
باضافه منصب مباهات اندوخته بود کیسر سنگه ولد بهراج راتهور
در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در آخر عهد باضافه صدی سر
برافراخته در جنگ اکبرآباد بهنگام رفاقت داراشکوه بکار آمد گوردهن راتهور
از نوکران راجه جی سنگه راتهور در سنه ۱۳ شاهجهانی بمنصب هفتصدی
و در سنه ۱ بقلعداری اسیر بعد سورام گور و بمنصب هشتصدی و در سنه ۱۹ تحلوی
تردد در مهم بلخ بعطای قندهار بعطای خلعت در سنه ۲۲ در جنگ مالوا همراه مهاراجه
جسونت سنگه بود کشن سنگه از سامر راجه مان سنگه کچهواهه در سنه ۱۴ شاه
جهانی .

باضافه صدی کام دل بر گرفته در سنه ۱۹ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ در مهم قندهار تردد

نموده بود کوهر گوالیاری در عهد شاهجهانی بمنصب سرافراز بود در سنه ۸

در مهم سری نگر با همراهان مردانه بکار آمد گردهر داس ولد راجه گوپال داس

گور در ابتدای عهد شاهجهانی منصب داشت در سنه ۸ بمنصب پانصدی و در سنه ۹

بقلعداری جهالی از قلاع بندیل کهند و در سنه ۱۶ بمنصب هزاری و در سنه ۲۰

بقلعداری اکبرآباد باتفاق باقیخان از تغیر بهرام راجه راهور سرافراز

شده در سنه ۲۲ در مهم قندهار ترددی نموده در سنه ۲۵ بعد فوت راجه بیتهلداس

برادر کلان خود باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۲۵ تا سنه ۲۶ در مهم قندهار

مصدر تردد گردیده در سنه ۲۹ بار بقلعداری اکبرآباد از تغیر سعادتخان نام برآورده

باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری رسیده و در سنه سی ام باضافه هشتصدی

سوار بمنصب دوهزاری دوهزار سوار و بفوجداری نواح اکبرآباد با وجود

قلعداری آنجا چهره امتیاز برافروخته در جنگ اکبرآباد همراه داراشکوه بود در سنه

احد عالمگیری بمنصب سه هزاری رسیده در سنه ۳ در دکن ترددها نموده در سنه ۴

در آنجا فوت شد کرستاجی دکنی در سنه شاهجهانی بمنصب سرافراز بود

کسن راه [illegible] نی [illegible] افراز بود کهر راو در سنه ۹ شاهجهانی بعد

سنکه برادر کلان کش دست داد کسته کرم صدولد راجه حکمالله کحوابر
منصبی داشت در سنه جهانگیری بمنصب دوهزاری هزار و پانصد سوار و
بعد دکن همراه سلطان پرویز سرافراز شده خدمت می نمود کملوجی
بهولسه از نوکران نظام الملک سرداران دکن در سنه حضرت جهانبانی
اردوی عرصه است جانزمان امان الدباب نظم دکن از طرف پدر بمنصب
پنجهزاری پنجهزار سوار سرافراز شده بود در سنه بنابر کفران نعمت بجزای
اعمال رسید کوکل داکس سودیه در سنه شاهجهانی بمنصب هفصدی سرافراز
بود در دکن خدمت می نمود در سنه معین باد شاهزاده عالم گیر شده در سنه
بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۴ معین شاهزاده مراد بخش در سنه ۱۵ همراه
دارا شکوه بقندهار رفته در سنه ۱۷ بحضور آمده در سنه ۱۹ معین مهم بلخ و بدخشان
گشته در سنه بیستم بجا گیر تردد آنجا با ضافه پانصدی مباهات اندوخته
و در سنه ۲۱ معین مهم بلخ و قندهار گردیده بود در سنه ۱۹ باضافه کام دل بر گرفته
بود کرپارام گور در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی سرافراز
بود در سنه بفوجداری حصار فیروزه مقرر شده در سنه متعلق سید
خانجهان بارهه گردیده در سنه ۱۸ معین شاهزاده مراد بخش گشته بجا گیر تردد

باضافه

در سنه ... ام شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود دیگر

احوال او معلوم نشد حرف ک

کیسو داس راتهور معروف به کرسی ولد جیمل سرسه در عهد اکبری بمنصب

سه صدی و پنجاهی سرافراز بود و دخترش بسلطان سلیم نامزد شده

بود که از بطن او در سنه ۳۵ بهار بانو بیگم متولد گردید و در عهد جهانگیری بمنصب

هزاری سرافراخته خدمت می نمود در سنه احد شاهجهانی باضافه پانصدی نام

برآورده در سنه ۳ در معرکه با خانجهان لودی باغی در دکن دلیرانه و مهورانه

بکار آمد کیسو داس مارو راتهور سرسه در عهد اکبری بمنصب دو صدی

و در عهد جهانگیری باضافه های مکرر بمنصب دو هزاری سرافراخته در سنه ۱۲

در پرگنه جالوت مضاف صوبه مالوا که از عهد اکبری جاگیر داشت بغاوت

در سنه ۱۳ از دکن آمده حضور سند شده بود کیسو سنگه راتهور ولد راجه اودی سنگه

معروف موته راجه منصبی داشت در سنه ۲ جهانگیری بمنصب هزاری سربلند

شده در سنه ۳ در جایزه تردد در جنگ مارانای رمدار اودی پور که سه

هزار کس و سنگر آورده و خود زخم برداشته بود بمنصب دو هزاری شده

بمنصب سه هزاری رسیده در سنه دهم در خانه جنگی کرناد کیل راجه سورج

در سنہ ۹ در دکن ترددے نمودہ آیندہ بمنصب ہفتصدی رسیدہ در
سنہ ہشتم در مہم بلخ و بدخشان و در سنہ ۲۲ در مہم قندہار مصدر ترددات
شدہ بود انجام او معلوم نشد عجب سنگہ ولد سرسال کچھواہہ
منصبے داشت در سنہ ۱۹ در مہم بلخ و بدخشان و در سنہ ۲۵ تا سنہ ۲۶ در مہم قندہار
ترددات نمودہ بود

حرف ع

عربداس ولد رانا کرن زمیندار اودی پور در سنہ ۱۲ شاہجہانی بعد فوت
رانا جگت سنگہ برادر کلان خود بمنصب ہزار و پانصدی سربلند شدہ
در سنہ ۳۲ برفاقت شاہزادہ مراد بخش بمقابلہ دارا شکوہ در کارزار اکبرآباد بکار آمد

حرف ف

فتح سنگہ
ولد مہاراجہ بھیم سنگہ سسودیہ در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہشتصدی
سرافراختہ در ہمان سال فوت کرد فتح سنگہ ولد سجان سنگہ بن
سورجمل بن رانا امر سنگہ سسودیہ در اواخر عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی
سرافراز شدہ در سنہ ۲۵ و در سنہ ۲۶ در مہم قندہار و در سنہ سی ام در تعینات دکن
و در سنہ احد عالمگیری در کارزار با شاہ شجاع تردد نمودہ بود انجام حال
او معلوم نشد فتح سنگہ ودھی پور راجہ امر سنگہ زمیندار باندھون

در سنہ ام

منصب هشتصدی و در سنه احد عالمگیری باضافه و صدی منصب هزاری
هزار سوار سرافراز شده تا سنه در دکن خدمت می نمود انجام حال او معلوم

نشد سیو سنگه ولد مها سنگه زمیندار کالی بهیت مضاف صوبه مالوا در
سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری نو سرافراز شده در سنه سی ام متعلق عماد

الدین خان بهادر گردیده در سنه ۴۲ بقلعداری راهیری و باضافه پانصدی و در سنه
بفوجداری و قلعه داری سیواگده ارتعز بود بحال سربلند شده بود

انجام حال او معلوم نشد سیرزه راو دکهنی در سنه ۹ نهم عالمگیری بمنصب
سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد سنکراجی ولد داجی دکهنی در سنه

دهم عالمگیری بمنصب ... سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد الی
سرافراز بود بعد رحلت حضرت رفیق شاهزاده کام بخش شد

حرف ص صورت سنگه ولد هردا س
کچهواهه منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراخته

در سنه ۹ در دکن تردد شایسته نموده بود انجام حال او معلوم نشد

حرف ع عجب سنگه ولد راو
سرسال هاداز میندار بوندی در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب سربرافراخته

سروپ سنگه ولد راجه الوپ سنگه رسید ار سکانیر در اواسط عهد
عالمگیری منصبے داشت در ۱۱۲۱ منصب هزاری سر برافراخته خدمت
می نمود سواد قلعه دکهنی در ۱۱۲۳ عالمگیری منصب شش هزاری
پنجهزار سوار سرافراز شده و در ۱۱۴۳ فرار نمود سرسال سدبله ارکولران
سوبهکرن بندیله در اواخر عهد عالمگیری منصبے داشت در ۱۱۴۴ بقلعداری
ستاره مقرر گردیده در ۱۱۴۸ راه نجی پیمود بهندوستان آواره شده بر
دست حرام اندیشه خان کنبوه فوجدار دهاموله و اناداکوسنهلی یافته
بود در عهد محمد شاه مملکت وسیع بندیل کهند وغیره بتصرف خود آورده
بعدم رفت سدراجی تهانه دار تحکالوان عم سوا پرستهه مشهور در
اواخر عهد عالمگیری منصب سربرافراخته خدمت می نمود در ۱۱۴۴ بچاره
ترددات نمایان منصب سه هزاری نام بر آورده بتهانه داری مذکور مقرر
بود سکوجی سرپته در اواخر عهد عالمگیری منصب سه هزاری داشت
بعد رحلت آنحضرت رهنون کامبخش شده بود حرف
ش شیر سنگه ولد رام سنگه رودبله راتهور در ۱۲۹ شاهجهانی
منصب پانصدی سربرافراخته در سه ام سعی دکن گردیده آینده
منصب

بچهاری سرافراز شده در سنه ۹ همراه پدر در شاهجهان آباد بمعرفت کنور رام

سنگه نام پسر مرزا راجه ملازمت حضرت حاصل نموده چون روز

ملازمت شد و اندر کشش زیاده از سرداری خود متوقع عنایت بادشاهی

بود پیش برفت آزرده شده بخانه نشست و سه ماه سنگه بمنصب

بچهاری سرافراز شده بود پدر بار اندو رخصت داشت آخر کار نذر و سر

بعرلماس کرده راه فرار پیمودند در سنه ۱ هنگام نظم خانجهان بهادر ظفر جنگ

گوشمال رسانیده احسان نوکری نموده بمنصب سه هزاری نام برآورده ۱۵۰۰ انجام

کار از کارهای بد خود بر عکس ما قبلها بادشاه شد و در سنه ۲۳ درگذشت و سیبا

در سنه ۳۲ دودوم ملاکس سیح لطام حیدرآبادی دستگیر آمده ساسار سانمد

سدارام پور در سنه عالمگیری بمنصب سربلند بود در دکن مصدر تردد بود

سرسال راٹهور رسدار زلام مضاف صوبه مالوا در اواسط عهد عالم

گیری بمنصب دو هزاری سرافراز بود چون جمعیت خوب داشت کارهای نمایان

سرانجام می نمود در سنه چهلم بفوجداری بهکر از تغیر سرافراز خان ولد

عبداللطیف مقرر شده بقلعداری ساندرک نام برآورده بود بعد

رحلت حضرت همراه اعظم شاه بار در جنگ خدمت می نمود ؛

شالسه خان مالم انجا تردد نمایانی نموده خدمت می نمود سوبهکرن
بدیله در عهد شاهجهانی منصبی داشت و در دکن خدمت میکرد و در سنه احد
عالمگیری در جنگ مالوا در رکاب ایشان ترددات نمود بمنصب هزار
و پانصدی نام برآورده در سنه ۳ بمنصب دوهزاری سربرافراخته در سنه نهم
تعین کابل شده آمده تعین دکن گشته و در سنه دهم بجائزه ترددات در دکن
که در ایام تعینات میرزا راجه جی سنگه کچهواهه نموده بود بمنصب دوهزاری
هزار و پانصد سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۲ بفوجداری راهه مهوبه
مقرر بود سوبهکرن ولد راجه سورام در عهد شاهجهانی منصب ۳۰۰ صدی
داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری نام برآورده خدمت می کرد
سنگت سنگه لولور در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراز بود و خدمت
می نمود سوجی دکهنی در عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود
و خدمت می نمود سنبهاجی ولد سیواجی بن ساهوجی بهونسله بر
اعتماد عهد و قول میرزا راجه جی سنگه کچهواهه در ایام سنگه پدرش بعد
تنبیه و مادیب ... و ... قلاع قلعه با محالات ... و ... روپیه
مصرف میرزا راجه مذکور آمده بود داو عاسانه در سنه ۸ عالمگیری بمنصب
پنجهزاری

قندہار گردیدہ در سنہ سے ام متعلق شاہزادہ عالم گیر بناظم دکن گشتہ

در ایجا در جنگ ماسحالوریان سحت اوبرنش گردہ زخمہا بردا شتہ

کارہا نمودہ در سنہ ۳۲ ہمراہ مہاراجہ جسونت سنگہ متعینہ گشتہ در جنگ مالوا

بمقابلہ عالم گیر بادشاہ بہردانگیہا جاں سپار شد سلطان سنگہ سسودیہ

در اخر عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز بود سجان سنگہ

ولد محکم سنگہ راٹھور در اخر عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز

بود و در سنہ ۲۲ ہا سنہ در مہم قندہار رسید تردد بود در سنہ ۳۲ در جنگ اکبرآباد

متعینہ دارا شکوہ شدہ بکار آمد سندرداس ولد کوکلداس

سسودیہ در اخر عہد شاہجہانی بمنصب ہفتصدی سرافراز بود در سنہ ۲۵

ہا سنہ متعلق مہم قندہار و در سنہ سے ام متعلق دکن شدہ خدمت می نمود

سبل سنگہ نبیرہ رانا امر سنگہ زمیندار اودی پور در سنہ ۲۳ شاہجہانی بہ

منصب دوہزاری بو سرافراز شدہ در سنہ ۲۵ باضافہ پانصدی نام برآوردہ

متعلق مہم قندہار گردیدہ در سنہ ۲۶ بار متعلق مہم قندہار گشتہ در سنہ احد عالم گیری

در جنگ باشاہ شجاع تردد نمودہ متعلق بنگالہ شدہ بود در سنہ

در فتح چاٹگام از مضافات آن صوبہ ہمراہ بزرگ امید خاں پسر امیرالامرا

خدمت میکرد سبا ماجی دکهنی در سنه شاهجهانی همراه ساهو بهونسله
بمنصب دو هزاری سرافراخته باشه بهم در دکن خدمت می نمود سنگرام
زمیندار کنور که بمنصب هزاری و پانصدی داشت در سنه ۵ شاهجهانی فوت شد
سنگرام سنگه راجه مان سنگه کچهواهه در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی
سرافراز در سنه ۱۹ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ در مهم قندهار مصدر تردد بود در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶
سنگه سنگه چوهان در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سربلند
و در سنه ۲۳ تا سنه ۲۶ مصدر تردد بود تا سنه ۲۵ خدمت میکرد سرمست ولد اعتماد
رای بدهه گوجره در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب ششصدی سربلند بود
سنگرام راجاوت در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب سربلند در سنه ۱۹
در مهم بلخ مصدر تردد بود سبحان سنگه ولد سورجمل دومی پور رانا امر سنگه
زمیندار ادی پور در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب دو سرافراز شد
در سنه ۱۵ بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۹ متعین مهم بلخ و بدخشان گردید
در سنه ۲۲ بمنصب هزار و پانصدی سرافراخته در سنه ۲۲ متعین مهم قندهار
شده در سنه ۲۵ بمنصب دوهزاری سربلند گشته مکرر متعین مهم قندهار شد
در سنه ۲۶ بعد رسیدن آنجا تردد نموده در سنه ۲۶ با همراه داراشکوه متعین مهم
قندهار

منصب سربرافراخته اگر در لساق ها ترددات نموده در سنه هفتصدی
نام برآورده بود سنگ سنگه ولد راجه مالسنگه کچهواهه در عهد اکبری منصب
سربرافراخته خدمت می نمود و در سنه ... بمنصب هزاری مامور شده بود سبل
ولد راجه مالسنگه مذکور در عهد اکبری بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت
می نمود ساها ولد راجه جگناتهه کچهواهه در عهد جهانگیری بمنصب سرافراز
بود در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی نام برآورده سبل سنگه
دوهی بود راجه سورج سنگه زمیندار جوده پور در سنه ۱۴ جهانگیری بعد فوت
پدر بمنصب پانصدی سربرافراخته در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب
هفتصدی و در سنه ۱۴ که از تعینات صوبه احمدآباد بود بمنصب هزاری هزار سوار
و در سنه ۱۶ بمنصب هزار و پانصدی و اینده بمنصب دوهزاری نام برآورده در سنه ۳۰
فوت کرد ستر سال ولد مادهو سنگه برادرزاده راجه مالسنگه کچهواهه در عهد
جهانگیری بمنصب و در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار
سرافراز گردیده در سنه ۳ شاهجهانی در کارزار خانجهان لودی باغی در دکن
مادولپر راست جانسپاری برافراخت ساهام سنگه پسر راجه مالسنگه کچهواهه
در ابتدای عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی سربلند بود و خدمت می نمود ؛

ستر سال

سربراواخته باسه نهم خدمت می نمود رنچهور برادر زاده راجه بتهلداس
کوردر اخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سراوار بود و خدمت می نمود
راکهوداس ولد سربرداس جهالا در اخر عهد شاهجهانی منصبی داشت
که در سنه ۲۲ قلعه کلان بطریق سنکش کدرانیده بود راج سنکه
کچهواهه در سنه احد عالمکیری بمنصب سربلند بود و در بنکاله خدمت
می نمود در سنه ۳ در دکن بر روپ سنکه سسودیه در سنه احد عالمکیری
بمنصب سراوار و معاش کابل بود روپ سنکه راتهور در سنه احد
عالمکیری بمنصب سراوار بود و باشد در دکن خدمت می کرد
رام سنکه دلور بن سنکه بن مهیس داس بن رای دلپت بن رای
رای سنکه راتهور رسیدار مکاسر در سنه احد عالمکیری از وطن طلبیده
حضور شده بمنصب هزاری سربراواخته بکاره تردد در جنگ با
شاه شجاع بمنصب هزاری هزار سوار نام براورده در سنه معین باطم الله
شده باشد ۹ در دکن ترددات نمایان نموده بود رکهنات سنکه را
تهور مرتیه در سنه احد عالمکیری بمنصب هزار و پانصدی سربراواخته
کارزار با شاه شجاع و در بنکاله تردد ها کرده در سنه دهم باضافه کام
برگرفته.

دارا شکوه مقابله عالمگیر بادشاه در اکبرآباد رخش بر انگیخته افواج بسیار را
درهم کرده دلاوریها نموده بود که تلفت راست نیاید محض مرور امثال
آن بادشاه ظفر لوا گشته   رتن سنگه ولد مهیش داس بن رای دلپت
بن راجه رای سنگه راتهور رسید ار سکامر در سنه ۱۹ شاهجهانی بعد فوت
پدر بمنصب سربرافراخته در سنه ۲۰ در مهم بلخ و بدخشان و در سنه ۲۲ در مهم
قندهار بلاکشیها نموده در سنه سی ام تعیین دکن شده در سنه ۳۱ با بیجاپوریان
آویزش صف نموده بحضور آمده در سنه ۳۲ همراه مهاراجه جسونت سنگه
در مالوا بمقابله عالمگیر بادشاه آثار علیه بر افواج عالمگیری ظهور آورده
لوای جانبازی برافراخت   رام سنگه برادر برتهراج راتهور در
اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶
در تعیناتی مهم قندهار و در سنه سی ام در تعیناتی دکن خدمت می نمود   راما
برادر جادول رای دکهنی در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب هزار
و پانصدی سربلند بود و خدمت می نمود   راپیا برادر راوت رای
در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود   رستم راو دکهنی
در اواخر عهد بمنصب دوهزاری و در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی ؛

و در ۳۳ بجائزه تلاشهای نمایان در مهم قندهار در جنگ با قزلباش بمنصب سه
هزاری نام برآورده در ۲۶ و در ۲۸ بار در مهم قندهار تردد ها کرده در ۳۲ در رفاقت
سلطان داراشکوه بمقابله عالمگیر پادشاه رایت دلاوری برافراسته افواج
هراول و التمش عالمگیری را شکافته بقهر و غلبه تا بافیل سواری خاصه رسید
شمشیرها زده سا که ها عوض داده بروز اقبال آن پادشاه ظفر نصیب کشته شد
روپ سنگه برادر راده هری سنگه بن کشن سنگه راتهور دو نمی پور را جه اودی سنگه
معروف بموته راجه بعد فوت هری سنگه جون او را پسری نماند در ۱۶
شاهجهانی بعطای کشن گده وطن عمش و بمنصب سرافراز شده در ۱۸
بمنصب هزاری دو در آغاز سنه شتم بجلدوی تردد نمایان در مهم بلخ و بدخشان
و بمنصب هزار و پانصدی دو در آخر سنه شتم باضافه پانصدی بمنصب
دو هزاری در ۲۲ باضافه پانصدی نام برآورده بعد مهم قندهار گردیده در ۲۳
بجائزه تردد در صف جنگ با قزلباش باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری
در ۲۵ باضافه هزاری پانصد سوار بمنصب چهار هزاری دو هزار سوار مباهات
اندوخته بار ثانی بمهم قندهار گردیده در ۲۶ بعد رسیدن الکاتر دو نمود در ۲۶
ثانی قندهار شده در ۳۲ بجائزه تردد در صف جنگ با قزلباش بهمراه شاهزاده
داراشکوه

رسنه شاهجهانی متعاقب دکن شده بود رگناتهه رمدار سنوسنگه در اوایل عهد شاه
مانی بمنصب پانصدی سرافراز بود راوت رای دهکر اد که در سنه شاهجهانی
منصب دوهزاری سرافراز شده در سنه متعاقب سالسه حال کردیده بود تا سنه هشتم
خدمت می نمود بهرای دکیته در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب دوهزاری سرافراز
بود در تعینات خاندوران در سنه ترددی نموده بود روپ سنگه بیره راجه
... گجوالیه منصبی داشت در سنه شاهجهانی متعاقب سعد خانجهان کردیده بود
... سنگه جهالا در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۲ بمنصب هزاری
سربلند شده در سنه ۱۴ در مهم حلب سنگه تردد نموده در سنه ۱۵ متعاقب دارا شکوه تا عاقبت
... ظم قندهار و در سنه ۱۹ متعاقب مهم بلخ و بدخشان گشته بود راج سنگه ولد کهنو ال
راتهور در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده بود مدار المهام راجه
جسونت سنگه ولد راجه گجسنگه راتهور مقرر کردیده در سنه ۱۲ فوت کرد رام سنگه
روبله دلداد کرسن راتهور همشیره زاده رانا جگت سنگه در سنه ۱۳ شاهجهانی
بمنصب هزاری نو سرافراز شده در سنه ۱۵ همراه دارا شکوه بقندهار رفته در سنه ۱۶
بحضور آمده بمنصب هزار و پانصدی نام بر اورده در سنه ۱۹ بجلدوی ترددات در
مهم بلخ باضافه پانصدی و در سنه ۲۳ باضافه پانصدی مباهی گشته متعاقب مهم قندهار کردیده

دکمیے درسنہ عالمگیری بمنصب ہزارو پانصدی سرافراز شدہ خدمت مینمود
درگلدا کس راٹھور از نوکران نامی مہاراجہ جسونت سنگہ کہ بعد فوت
مہاراجہ مذکور راو بجی نموده بود درسنہ عالمگیری معروف سجاعت خان
ناظم گجرات بعفو تقصیر و بمنصب سہ ہزاری دو ہزار سوار سربلند شده بود
حرف ___ رای سال درباری سنگہاوت دراوایل
عہد اکبری بمنصب ہزار و دوصدی سربرافراختہ خدمت می نمود و از مقربان حضور
بود و درسنہ دہم ماشلہ درالغار گجرات ترددی نموده بدوام خدمت مورد
مراحم والا بود درسنہ بجایزه ترددات نمایان بمنصب سہ ہزاری سرافراز گردید
سرشاه بادشاه پیش رامل جد حقیقی مومی الیہ نوکر بود درسنہ احد جہانگیری
منصب مہم رانای اودی پور شده در عہد جہانگیری بعدم رفت رامچند ولد
راجہ مذکور زمیندار اندوجہ در عہد اکبری بعدارینہ پدرش حلقہ انقیاد بگوش
انداختہ بمنصب پانصدی سرافراز شده بود درسنہ جہانگیری چون برسنگہ دیو
برادر خوردش بجایزه کشتن شیخ ابوالفضل بعنایت زمینداری اندوجہ
حالس شده و رامچند این معنی را قبول نمود دستگیر آمده درسنہ دہم حرکش
بحرم سرای خلافت آمده و درسنہ درگذشت رامچند را دامنی داشت
درسنہ

بہانے از مداران او دست بعد جرب صعب با مردم بسیار بکار آمد ::

دولت ولد ماندل راٹہور در اوائل عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سر

برافراختہ بود و خدمت می نمود داناجی دکہنی در اوائل عہد شاہجہانی

بمنصب سرافراز بود تا اوسط عہد بمنصب سہ ہزاری رسیدہ بود درلی راو

ساسہ دکہنی در ۱۳ سنہ شاہجہانی ہمراہ ساہوجی بہونسلہ بمنصب دو ہزاری

سربرافراختہ در ۲۹ سنہ ہمراہ میرزا خان ناظم برار خدمت می نمود دولتمند ولد

مہرجی زمیندار بکلانہ در اواسط عہد شاہجہانی بمنصب ہزار و پانصدی سرافراز

بود و خدمت می نمود داناجی دکہنی در آخر عہد شاہجہانی بمنصب ہزاری

و در ۱ سنہ احد عالمگیری باضافہ ہزاری سربرافراختہ خدمت می نمود داداجی

دکہنی در ۱ سنہ احد عالمگیری بمنصب دو ہزاری نو سرافراز شدہ در ۳ سنہ تردی

نمودہ بود داکوجی دکہنی در ۱ سنہ احد عالمگیری بمنصب ہزار و پانصدی نو سرافراز

گشتہ در ۳ سنہ تردی نمودہ بود داناجی جدر راو دکہنی در ۵ سنہ عالمگیری بہ

منصب سربرافراختہ در ۹ سنہ تردد نمایاں کردہ بود دیانت راو دکہنی در ۱ سنہ

عالمگیری بمنصب سربلند بود و خدمت می نمود دولت سنگہ سسودیہ

در ۲۳ سنہ عالمگیری بمنصب و فوجداری ماندل گڈہ سرافراز بود دودی راو

گردیده بود حکمت سنگه بروری در سنه ۱ عالمگیری بمنصب سرافراز در
دکن همراه مرزا راجه جی سنگه مصدر تردد بود جروجی دکھنی در سنه نهم عالم
گیری بمنصب سربلند بود در دکن خدمت می نمود حکمت سنگه ولد
ولد امر چند زمیندار سوهر پور در سنه ۲۲ عالمگیری بمنصب سربلند بود و همشیره
او در محال اسلام آباد بشاهزاده منسوب گردیده بود در سنه ۲ حکمت سنگه با
معین اورنگ آباد بود معلوم نشد که از سنه ۳ حکمت سنگه کدام خواهد
هیدر سنگه ولد باقومیت هر کدام می نوشت صحیح معلوم می شد جر
گدبه در سنه ۱ عالمگیری بمنصب سربلند بود حکم نورای برادر ج
در سنه ۲۶ عالمگیری بمنصب سربلند بود جر
دهارو پسر راجه تو درمل کهتری در عهد اکبری در عهد ایشان
بمنصب سرافراخته در اکثر کارزار تردد ها نموده بود در سنه ۲۶ درا
ولایت تهتها همراه خانخانان عبدالرحیم مقرر بود روزیکه تهتها بعد
حرب صعب مفتوح شد قبل از ملحق شدن خانخانان دهارو فتح این جنگ
نموده بود لاکن خود بکار آمد درجن سنگه ولد راجه مال سنگه کچهواهه در
عهد اکبری بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه ۴۲ در مصاف عیسی زمیندار
بهار.

پانصدی سر برافراخته بود خدمت می نمود جگت راو ولد پرتهراج راتهور د

اواخر عهد شاهجهانی بمنصب ...صدی سرافراز شده در سنه ۲ و ۲ خدمت می

نمود جی سنگه ولد رانا سنگه راتهور در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی

سر برافراخته خدمت می نمود جسونت بندیله در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب

پانصدی سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری راه بغی پیموده در سنه سراو باهم

زمینداران قریب بندیل کهند که در سال انها رفته بود ازین جدا شده بحضو

رسیده جادون رای دکنی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب سه هزاری د

در سنه احد عالمگیری باضافه هزاری نام بر آورده تا سنه نهم خدمت می نموده ج

دکنی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت می نمود حک

سنگه ولد بکرم سنگه بن مادهو سنگه هاده زمیندار کوته در سنه احد عالمگیری

وطن آمده بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه معلی بهادر خا

ناظم اله اباد گردیده اینده بعلس دکن گشته در سنه ... احکام تردات نمایان د

در تعنات مرزا راجه جی سنگه کچهواهه بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد س

درسنه عالمگیری باضافه پانصدی و در سنه مرحمت علم سربلندی برده حیدر

سهال راٹھور در سنه ن شاہجہانی منصبی داشت که بجایزه حسن خدمت بعطای

فیل سربلند شده بود حرنہوج سوبکرا دراواسط عہد شاہجہانی بمنصب

سه صدی سرافراخته در سنه باشنه درمہم قندہار خدمت می نمود : :

جسونت برادر مہیش داس راٹھور مہاسچال دراواسط عہد شاہجہانی

بمنصب پانصدی سرافراخته باشنه درمہم قندہار تردد نموده بود حروست

سرنبه دراواسط شاہجہانی منصبی داشت درسنه ناگاه برسر دربار بردن

محمد سلطان شمشیر برای حضرت دوید چون ضربه الوال رسید بوسچال

کوتوال و خواجه رحمت الله سر بورک که اینده سربلند حال خواهدشد وارادیخان

کارش تمام کردند حرنہوج جوان سره کلیم داس دراواسط عہد شاہجہانی

بمنصب سه صدی سرافراز شده درسنه درمہم بلخ ترددی نموده و در سنه درمہم

قندہار و در سنه بمنصب ہزاری نام برآورده درسنه سارحراست دون متعلقه کابل

مقرر شده بمنصب ہزار و پانصدی ذات و سوار دو اسپه سه اسپه مامور گردید در سنه

عالمگیری بفوجداری و تھانه داری کوہادون ساانات اندوخته ناسنه نہم عالمگیری در معارک

عظیمه ترددات نموده بود حت کسودیه دراوایل عہد شاہجہانی بمنصب

پانصدی

آورده در سنه ۱۶ در مهم حلک سلکه و در سنه ۱۵ همراه داراشکوه در کومک ناظم قندهار در سنه ۱۹ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ در مهم قندهار ترددها نموده بود حکم سور رای برادر چاد و بای رای دکهنی در سنه ۳ شاهجهانی منصب هزاری دو صد سوار هر کدام منصب دو هزاری سرافراز شده بود در سنه ۵ فوت کرد حکم صدر سهال زمیندار کانکره در اوایل عهد شاهجهانی منصب پانصدی سرافراز بود حکم مانند رای هور در اوایل عهد شاهجهانی به منصب هفتصدی کامیاب سرافراز بود و در سنه ۹ متعاقب دکن شده در سنه ۱۳ فوت کرد صدر سهال ... در اوایل عهد شاهجهانی منصب پانصدی سرافراز شده در سنه ۹ همراه سید خانجهان در دکن تردد نموده در اواسط عهد بجای تردد ذات باضافه دو صدی نام برآورده در سنه ۳ در مهم بلخ و در سنه ۲۲ و ۲۵ در مهم قندهار ترددها نموده بود ٭ حکم حکم سو دلداد اجی رام دکهنی در سنه ۸ شاهجهانی منصب سه هزاری سرافراز شده خدمت می کرد حکم رام ولد هردی رام بن لکهاریس حکمال برادر خرد راجه مارهمل کچهواهه در اوایل عهد شاهجهانی منصب سر برافراخته در سنه ۱۱ در ناحیه قندهار تردد نموده در اواسط عهد منصب هفصدی نام برآورده در سنه ۲ در مهم بلخ تلاشها کرده در سنه ۲۱ منصب هزاری مامور گشته در سنه ۲۲ متعاقب مهم قندهار گردیده در سنه ۲۵ بار ثانی مهم قندهار شده در سنه ۲۶ بار سوم متعاقب این مهم گشته بعد رسیدن آنجا ترددی نموده

راٹهور درسنه احد عالمگیری از سردیپ پدر خود داده بعنایت دهکدهکی الماس

یک عقد مروارید و خلعت و بخطاب کنوری درسنه ۹ بمنصب دوهزاری و پانصدی

سربرافراخته درسنه ۱۰ فوت کرد سوار داس ولد راو کرن راٹهور زمیندار

بیکانیر درسنه دهم عالمگیری بمنصب هزاری سربرافراخته خدمت می نمود ؛

برتهی سنگه زمیندار جمون درسنه ۱۹ عالمگیری بمنصب سرافراز و درکابل مصدر

ترددها بود لوب رای دکهنی درسنه ۵۲ عالمگیری بمنصب چهار هزاری سربرافراخته

خدمت می نمود بهالو بیچاره سالو بمنصب پنجهزاری سرافراز بود بنابر تقصیر

بی منصب شده درسنه ۴۳ عالمگیری بمنصب پنجهزاری بحال گردیده سرانجام مهم

خود می نمود بهادر سنگه ولد راناراج سنگه زمیندار اودیپور درسنه ۴۲ عالمگیری بمنصب

هزار و پانصدی سربرافراخته خدمت می نمود باسد لو زمیندار چند کرار مضافات

دکن درسنه ۴۹ عالمگیری بمنصب سه هزاری سرافراز شده خدمت می نمود دیگر

احوال او معلوم نشد حرف ـــــــــ ج حکمال برادر

خرد راجه بهارامل کچهواهه در اوائل عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده

در اکثر معارک ترددها نموده حکمال سوار در عهد اکبری بمنصب پانصدی

نام برآورده در یساق های سرحدی و غیره ترددات مردانه تاسنه ۴۳ نموده بود

درسنهٔ بعد فوت راجه مذکور باضافه پانصدی نام برآورده درسنهٔ ۹ عالمگیری بجائزهٔ
تردد شایسته [?] در دکن باضافه پانصدی مباهات اندوخته بود و بعلت کابل گردیده
باماجی بهونسله دکینی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب دوهزاری داشت و با ششم
عالمگیری در دکن خدمت می نمود بربالسکه حالا در اواخر عهد شاهجهانی
منصب داشت و با سنه احد عالمگیری خدمت می کرد بهکوت سنگه ولد راو
سرسال هادا در اواخر عهد شاهجهانی منصب داشت و در دکن همراه رکاب عالمگیری
آمده بود بجلدوی تردد در جنگ مالوا بمنصب دوهزاری و در سنه احد الیشان بجائزهٔ
تردد در کارزار اکبرآباد باضافه پانصدی و بجلدوی تلاش ها که در کارزار با شجاع
رحم برداشته بود بمنصب دوهزاری و پانصدی هزار و پانصد سوار نام برآورده ده در
سنهٔ قلعه کهانا گری از توابع صوبه مالوا مفتوح گردانیده بود ساکس راو دکینی در سنه
احد عالمگیری بمنصب دوهزاری نو سرافراز شده خدمت می نمود بیربات سنگه
هادا در سنهٔ ۲ عالمگیری بمنصب سربلند و بعلت صوبه بنگاله بود برتهم سنگه لیسر
رمدار سری [?] بکر در سنهٔ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود بالوجی
دکینی در سنهٔ ۹ عالمگیری بمنصب سرافراز و در دکن مصدر تردد بود مهلاد جی دکینی در
سنهٔ ۹ عالمگیری بمنصب سرافراز بود کنور برتهی سنگه ولد مهاراجه جسونت سنگه
راٹهور

راتهور در سنه احد عالمگیری از سر دید پدر خود داده بعنایت دهکدهکی الماس و یک عقد مروارید و خلعت و خطاب کنوری در سنه ۹ بمنصب دو هزاری و پانصدی

سربرافراخته در سنه ۱ فوت کرد سوار داس ولد راوکرن راتهور زمیندار

سکاسر در سنه دهم عالمگیری بمنصب هزاری سربرافراخته خدمت می نمود ٭

بهرنهی سنگه زمیندار جمون در سنه ۱۹ عالمگیری بمنصب سرافراز و در کابل مصدر

تردد بود سوبهه رای دکهنی در سنه ۲۵ عالمگیری بمنصب چهار هزاری سرافراخته

خدمت می نمود بهالو بیجاره سالو بمنصب پنجهزاری سرافراز بود بنابر تقصیری

بی منصب شده در سنه ۴۳ عالمگیری بمنصب پنجهزاری بحال گردیده بسرانجام مهم

خود می نمود بهادر سنگه ولد رانا راج سنگه زمیندار اودیپور در سنه ۴۳ عالمگیری بمنصب

هزار و پانصدی سربرافراخته خدمت می نمود بالسدلو زمیندار چندکر از مضافات

دکن در سنه ۴۹ عالمگیری بمنصب سه هزاری سرافراز شده خدمت می نمود دیگر

احوال او معلوم نشد حرف ـــــــ ج ـــــ جگمال برادر

خرد راجه بهارامل کچهواهه در اوائل عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده

در اکثر معارک تردد ها نموده جگمال پنوار در عهد اکبری بمنصب پانصدی

نام برآورده در یساولی های سرحدی و عرضی ترددات مردانه تا سنه ۴۳ نموده بود

در سنه ۲ بعد فوت راجه مذکور باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۹ عالمگیری بجایزه
تردد شایسته در دکن باضافه پانصدی مباهات اندوخته بود بعد کابل گردیده
باباجی بهونسله دکهنی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب دو هزاری داشت در سنه ۱
عالمگیری در دکن خدمت می نمود در سال سنه که حالا در اواخر عهد شاهجهانی
منصب داشت و در سنه احد عالمگیری خدمت می کرد بهلوت سنگه ولد راو
سرسال هادا در اواخر عهد شاهجهانی منصب داشت و در دکن همراه رکاب عالمگیری
آمده بود بجلدوی تردد در جنگ مالوا بمنصب دو هزاری و در سنه احد ایشان بجایزه
تردد در کارزار اکبرآباد باضافه پانصدی و بجلدوی تلاش ها که در کارزار با شاه شجاع
رخم برداشته بود بمنصب دو هزاری و پانصدی هزار و پانصد سوار علم برآورده در
سنه قلعه کهانا کهری از ولایت صوبه مالوا مفتوح گردانیده بود ماکس راو دکهنی در سنه
احد عالمگیری بمنصب دو هزاری نو سرافراز شده خدمت می نمود بربات سنگه
هادا در سنه ۲ عالمگیری بمنصب سربلند و ملحق صوبه بنگاله بود برم سنگه سیسو
دیه دار سری نگر در سنه عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده بود بالوجی
دکهنی در سنه ۲ عالمگیری بمنصب سرافراز و در دکن مصدر تردد بود بهلاد جی دکهنی در
سنه ۱ عالمگیری بمنصب سرافراز بود کنور برتهی سنگه ولد مهاراج جسونت سنگه
راتهور

اعدا منہزم گردانیدہ در سنہ احد عالمگیری از وطن آمدہ ملازمت نمودہ در جنگ

دوم با دارا شکوہ در رکاب تردد ی کردہ آیندہ تعاس دکن گشتہ در سنہ ۳ در فتح قلعہ

حاکمہ بردوات کمانان در سنہ محصور آمدہ در سنہ در تعیناتی مرزا راجہ جی سنگہ در دکن

تردد شایستہ کردہ در سنہ دہم ہمراہ راجہ رام سنگہ کچھواہہ تعاس بنگالا گردیدہ

در سنہ ۱۳ تعاس فوجداری متہرا گشتہ بود انجام حال او معلوم نشد برہمراج چوہانی

در سنہ ۲۴ شاہجہانی بمنصب هفصدی سر برافراختہ در کارزار اکبرآباد ہمراہ دارا شکوہ

بود در سنہ احد عالمگیری تعاس کابل گردیدہ برہمراج چوہان از نوکران راجہ

جگت سنگہ زمیندار ادیسور در سنہ ۲۵ شاہجہانی بمنصب هفصدی سر برافراختہ

خدمت می نمود بہاو سنگہ برادر زادہ راجہ بیٹھلداس گور در اواخر عہد شاہجہانی

بمنصب پانصدی سر برافراختہ در سنہ ۱ و در سنہ ۲ تعاس مہم قندہار گشتہ تردد

ولد کردہ رداس بن راجہ گوپالداس گور در اواخر عہد شاہجہانی بمنصب ششصدی

سرافراز در سنہ ۲۵ تعاس مہم قندہار شدہ بود تا سنہ ۲ عالمگیری خدمت می نمود

د بہمل براد ... بہار سنگہ بندیلہ در سنہ ۲۵ شاہجہانی بمنصب ہزاری ہزار

ر ... تردد ی نمودہ باضافہ پانصدی بمنصب ہزار

... ردہ در سنہ ۲ بار در مہم قندہار تردد ے

بعد فوت پدر بمنصب ہزاری سربرافراخته در کارزار بالکرآباد ہمراه دارا شکوه
مردانه نقد جان درباخت   نحرام برادر زاده راجه شهلداس در اوائل عهد شاہجہانی
بمنصب پانصدی سربلند بود برساحل الاابلوکران رانا رمدار او دسور داخل
عهد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز بود بهاو سنگه ولد راجه جگت سنگه
رمیدار دهیری منصبی داشت و در سنه ۲۲ شاہجہانی در مهم قندهار ترددی نموده بود
در سنه عالمگیری بشرف اسلام آمده بخطاب مرد خان مامور شده
ولد سور جمل دومی پسر رانا امر سنگه زمیندار او دیپور در سنه ۲۱ شاہجہانی بحضور
آمده بمنصب هفتصدی تو سرافراز شده در سنه ۲۲ بمنصب ہزاری نام برآورده بعلاوه
مهم قندهار گردیده در سنه ۳۲ باضافه پانصدی مباهات اندوخته در سنه ۲ همراه شاہزاده
عالمگیر مکرر بعلاوه مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ بعد رسیدن الحا ترددی نموده باضافه
پانصدی امسار نامه و بعلبای سر سبح مرصع و دو کوشواره مروارید و بالاسی مروارید
و جمدهر مینا کار با بهو لکهاره مرصع سربلند شده در سنه ۲ باضافه پانصدی بمنصب
دو ہزار و پانصدی و در سنه ۲ بمنصب سه ہزاری چهره مباهات برافروخته در سنه ۳۱ در ایام
تعینات دکن در کارزار باسجانوریان که دران اوپر سنگ راجه را سنگه سوده بحرب صعب
پیوسته در میدان رجمن آماده بود باعاس برادری از اسپان فرود آمده شمشیر یازده

منصب پانصدی داشت و در سنه ۲ در مهم قندهار تردد می نمود پرتاپ سنگه

جوهان در اواسط عهد شاهجهانی منصب ششصدی سرافراز بود پرم جی زمیندار

بگلانه از زمینداران دکن در اواسط عهد یعنی در سنه ۱۳ شاهجهانی بعد فوت پدر

منصب هزار و پانصدی و آینده منصب سه هزاری سرافراز شده خدمت

می نمود پرتاپ سنگه جروه زمیندار پلاموں در سنه ۱ شاهجهانی بعد فتح

پلاموں منصب هزاری سرافراز شده خدمت می نمود هم چند سره رای منوگر

در اواسط عهد شاهجهانی منصب ششصدی سرافراز بود در سنه ۲۳ فوت کرد

بهوجراج کچهواهه در اواسط عهد شاهجهانی منصب هفتصدی سرافراخته در

سنه ۲۲ بجابزه تردد در مهم قندهار منصب هزاری نام برآورده در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ با تعلق

مهم قندهار گردیده در سنه سی ام بعاس دکن گشته در سنه ۳۱ در کارزار با بیجاپوریان

تردد نموده و در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی سرافراخته خدمت می نمود

راو جوهان در اواسط عهد شاهجهانی منصب پانصدی سرافراخته در سنه ۱۹

در مهم بلخ و در سنه ۲۵ لغایت ۲۶ در مهم قندهار تردد نموده و در آخر عهد بجابزه تردد در مهم قندهار

منصب هفتصدی سرافراز شده در سنه احد عالمگیری باضافه منصب کام

دل برگرفته بود مهم سنگه ولد راجه بتهلداس گور منصبی داشت در سنه ۲۵ شاهجهانی

در مهم آویخته بعد تردد بدل بسیار بر تهراج اورا باد و کس دیگر که بکومک
او آمده بودند در میدان کشته درسنه در کارزار شاهجهان پوریان از پس قدمان
معرکه بوده‌اند درسنه ۹ همراه خانزمان ترددات متهورانه نموده درسنه ۱۰
بقلعداری دولت آباد درسنه ۱۹ بقلعداری اکبرآباد باتفاق باقیخان قلماق
مقرر گشته درسنه ۲۰ خزانه بادشاهی بکابل برده درسنه ۲۱ در مهم بلخ و درسنه ۲۲
و سنه ۲۵ در مهم قندهار ترددات کرده درسنه سی ام فوت کرد بهارنداس کچهواهه
در عهد جهانگیری منصبی داشت درسنه احد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی آینده
بمنصب دوهزاری سرافراخته درسنه رندکالی را جواب داد بهگوانداس
ولد راجه بهرسنگدیو درسنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند شده درسنه
بعاسه تردد نموده درسنه ۱۳ بدست راجپوتی کشته شد برسوجی بهونسله
درسنه ۲ شاهجهانی بمنصب سه هزاری سرافراز شده درسنه ۲۲ از کومکیان صوبه دکن
بود درسنه ۲۹ همراه میرزاخان ناظم برادر بحصل سیکس زمیدار جاندا تردد نموده
درسنه سی ام بحضور آمده ناسرح دهماتدر جاگیر خود رخصت گشته درسنه احد
عالمگیری باضافه هزار سوار نام برآورده در هر چهار معارک سلطانی ترددها نموده
بعلت دکن گردیده تا سنه نهم عالمگیری خدمت می نمود لبونت راد ولد دناجی

درسنه احد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی سرافراز گشته درسنه ۳ به سعی
خانجهان لودی باغی درسنه ۲ و درسنه ۳ در دکن تردد کرده بود درسنه ۱۰ فوت
کرد بالا ولد راجه جگناته کچواهه در عهد جهانگیری منصبی داشت درسنه احد
شاهجهانی بمنصب هفتصدی مامور شده بود بهلدر سنگهاوت در عهد
جهانگیری منصبی داشت درسنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراخته
درسنه ۳ در کارزار با خانجهان لودی باغی در دکن مردانه بکار آمد بهوج
راج ولد رای سال درباری در عهد جهانگیری منصبی داشت درسنه احد
شاهجهانی بمنصب هفتصدی سرافراز شده درسنه ۱۳ بمنصب هزاری نام
برآورده بود بهتهراج راتهور در عهد جهانگیری منصبی داشت درسنه احد
شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی سرافراز گردیده درسنه ۳ بر کنار آب جنبل باد
شده با خانجهان لودی باغی زد و خورد نموده بعد از تلاش نمایان هردو
از دست یکدیگر زخم شیره برداشته بعاضی از هم جدا شده باضافه بالاتری
نام برآورده درسنه ۴ و درسنه ۶ در دکن ترددی نموده هنگام محاصره قلعه دولت آباد
سواری از لشکر مخالف جدا شده اسپ پیش جهانیده بهتهراج را
مبارزت طلبید مشارالیه از غول خود برآمده گفت که بهتهراج منم و هردو

درهم

در سنہ ۲ عالمگیری بمنصب دو ہزاری سرافراختہ خدمت می نمود احوال‌ش
دانا دسوایا مذکور در سنہ ۲۹ عالمگیری بمنصب سہ ہزاری سرافراخته خدمت
می کرد اسوجی دکھنی در سنہ سی‌ام عالمگیری بمنصب و بعطای نقاره
و طوغ سرافراز شده بود اودہو سنگه برادر خورد راجه ساہو مرہٹہ بعد
دستگیر آمدن در سنہ ۳۲ عالمگیری بمنصب سرافراز شده حکم شده بود که بنابر
صغر سن نزد مادر خود در سپاه باشد اندر سنگه ولد رانا راج سنگه زمیندار
اودی پور در سنہ ۳۲ عالمگیری بمنصب دو ہزاری سرافراز شده خدمت می کرد
و حضرت او را مورد عنایات می فرمودند حرف ب
بریا سنگه ولد راجه بھگوانداس کچھواہه در عہد اکبری بمنصب سرافراخته
در سنہ ۵ بجایزه نزد ذات بمنصب ہزاری نام برآورده بود بہار لی چند والی کوکن
سرکار آگره در سنہ ۲ جہانگیری بمنصب پانصدی سرافراز شده بود بھوج
راج ولد راجه بکرماجیت زمیندار بہدادر در سنہ ۱۲ جہانگیری از دکن آمده بدستور
پدر بمنصب و بر سرداری سرافراز شده بود بلرام ولد راجه گوپالداس
گور در عہد جہانگیری بمنصب سرافراز بود برفاقت سلطان خورم در ایام
بغی ایشان در ٹھٹھا کشته شد بھیم راٹھور در عہد جہانگیری منصبی داشت

شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی
و بعد چندی باضافه پانصدی و بعطای علم سرافراز شده خدمت
می نمود در سنه همراه مرزا راجه جیسنگه در دکن تردد نموده در سنه
فوت کرد اگر رای ولد جسونت سنگه منصبی داشت در سنه احد عالمگیر
بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته آمده مقصر بخشی پدر پای عتاب
آمده در سنه بعد تقصیر بمنصب هزاری سربلند شده بود اودی بهان گور
در سنه احد عالمگیری بمنصب سرافراز بود متعین دکن شده تا سنه
خدمت می نمود اوداجی رام دکهنی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار
و پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود اتاجی کوبیدرا دکهنی در سنه
عالمگیری بمنصب سرافراز شده خدمت می نمود اجل سنگه کچهواهه
در سنه عالمگیری بمنصب سرافراز بود در دکن خدمت می نمود انوپ سنگه
ولد راجه رام سنگه مسعود در سنه ۱۶ عالمگیری بعد فوت پدر بعنایات سرافراز
شده تا سنه ۴۳ خدمت می نمود امر چند رسدار متوهر بود در سنه ۲۴ عالمگیری
بمنصب سرافراز بود دختر او بپادشاهزاده کام بخش منسوب گردیده
بود دیگر احوال او معلوم نشد ارجوجی برادرزاده مسعود مرهته مشهور
در سنه ۲۹

درسنہ فوت شد ارجن سنگہ دومی پسر راجہ بہلداس کور منصبے داشت
درسنہ ۱۶ شاہجہانی بجلدوئی آنکہ در دیوانخاص برادر امر سنگہ راٹھور کہ صلابت خان را
در دیوان کشتہ بود شمشیر انداختہ بود بمنصب ہزاری سرافراز شدہ درسنہ ۱۹ در مہم
بلخ تردد نمودہ درسنہ ۲۵ بعد فوت پدر بمنصب ہزار و پانصدی نام برآوردہ درسنہ ۲۶ و درسنہ ۲۷
در مہم قندہار ترددی نمودہ باضافہ پانصدی مباہات اندوختہ درسنہ ۳۲ در جنگ
مالوا در رفاقت مہاراجہ جسونت سنگہ بمقابلہ بادشاہزادہ عالمگیر راست
تہور و استقلال برافراستہ بزور اقبال آن بادشاہ ظفر نصیب کشتہ شد اودے سنگہ
نبیرہ زادہ مالسنگہ کچھواہہ در اواسط عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز بود
انے رای دکھنی در اواسط عہد شاہجہانی بمنصب دوہزاری سرافراز
بود اودت تھا ہارا پسر رتن مدار بدیکر مصاف صوبہ گجرات در آخر عہد شاہجہانی
بمنصب پانصدی سرافراز بود اودی بہان راٹھور ولد سام
سنگہ بن کرن در آخر عہد شاہجہانی بمنصب ہزاری سربلند و درسنہ ۲۵
و درسنہ ۲۷ در مہم قندہار مصدر تردد بود درسنہ احد عالمگیری باضافہ پانصدی نام
برآوردہ ایسر سنگہ ولد امر سنگہ در آخر عہد شاہجہانی بمنصب ششصدی
سرافراز بود اندرمن ولد راجہ بہار سنگہ بندیلہ بعد فوت پدر درسنہ ۲۸

نظام الملک مرزبان دکن در سنه ۱ جہانگیری بمنصب سه ہزاری سربلند
شده خدمت می نمود در عہد شاہجہانی بمنصب پنجہزاری رسید
در سنه ششم فوت کرد اودلسنگه در سنه ۲ شاہجہانی بمنصب
سرافراز و در سنه ۸ متعاں دکن بود اگرسین ولد سرسال بن مادہو
سنگ برادر راجه مالسنگه کچهواهه زمیندار امبر در اوایل عہد شاہجہانی
بمنصب سه صدی ذات و سوار سربلند و تا اواسط عہد مصدر
ترددات بود در سنه ۱۱ فوت کرد اگرسین کچهواهه بردکا در اوایل
عہد شاہجہانی بمنصب سه صدی سرافراز و در سنه ۱۵ در یاصه قندهار و در
سنه در مهم بلخ و در سنه ۲۲ و در سنه ۲ در مهم قندهار مصدر ترددات نمایان
بود اوداجی رام دکہنی در سنه ۲ شاہجہانی بمنصب سه ہزاری سرافراخته
تا آخر عہد خدمت می نمود و در سنه ۹ عالمگیری تردد کرده بود اندر
بیره راورتن ہادا زمیندار بوندی در اوایل عہد شاہجہانی بمنصب شش
صدی سربرافراخته در سنه متعاں دکن و در سنه ۱۴ متعاں کابل گردیده
بجلدوی ترددات انجا باضافه دو صدی نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ
و بدخشان و در سنه ۲۲ و در سنه ۲ و در سنه ۲ در مهم قندهار تردد نموده بود
در سنه ۳

در جنگ اکبراباد ہمراہ اعظم شاہ معہ شاہزادہ بیدار بخت سردار
فوج ہراول بود دیگر احوال او معلوم نشد راو مالسنگہ در اواخر عہد عالم
گیری منصب وخطاب راوی داشت وصوبہ اورنگ آباد
بعد رحلت حضرت بدر مبارک او بحضور بہادر شاہ بادشاہ فرستادہ
مورد عتاب شدہ حرف ل
راجہ منتہمل زمیدار پرگنہ بنجولے در سنہ احد جہانگیری منصب وخطاب
راجگی سرافراز بود در سنہ دہم منصب دوہزاری ہزار و دوصد سوار
سربلند گردیدہ باشد خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد راوت
نرائنداس سودیہ در اواسط عہد شاہجہانی منصب ہفتصدی سرافراز
بود در سنہ ۲۳ فوت کرد رای نہال چند جہری در اواخر عہد شاہجہانی منصبے داشت
در سنہ ۲۹ بخطاب رای سربرافراختہ خدمت می نمود وار باران محل
قدسے بود و باشد عالمگیری خدمت میکرد و در عہد ایشان از جہان
انتقال نمودہ راجہ نرسنگہ داس ولد راجہ انرودہ سنگہ بن راجہ سہلداس
گور در سنہ احد عالمگیری بعد فوت پدر منصب دوہزاری دوہزار سوار
وخطاب راجگی سرافراز شدہ در سنہ معہ بنگالہ در سنہ در تسخیر بلک
کوچ

قلعه از قلاع دکن مقرر گردیده در سنه ہنگام قلعداری شولاپور بعد ازای پنجاه ہزار

روپیه پیشکش بخطاب راجگی والا رتبه شده در سنه فوت کرد راو بحکم سنگه

صدر اوت در اواسط عالمگیری بمنصب و بخطاب راوی سرافراز بود در سنه ۲۶

از وطن آمده در سنه بعد فتح بیجاپور بعنایت منصبی مرتبه بفلک سوده

خدمت می نموده در سنه مذکور بعدم رفت رای رایان ملوکچند در سنه عالمگیری

دیوان پادشاہزاده محمد اعظم بود در سنه ہنگام صاحب نظم مالوا مهار سنگه

کور کار مفدان علیهم الصوبه بود بحرب صعب پیوسته در صف جنگ کار ادا

اتمام نموده بجلدوی این حسن خدمت بمنصب پنجصدی و بخطاب

رای رایان سرافراز گردیده بعد چندروز درگذشت راجه مان سنگه ولد روپ

سنگه راتهور زمیندار روپ نگر در سنه احد عالمگیری بمنصب ہزار و پانصدی

و در سنه باضافه پانصدی در سنه بفوجداری مذبور و آینده بخطاب راجگی

و در سنه بمنصب سه ہزاری سرافراز شده بود در عهد ایشان درگذشت

راجه مان سنگه زمیندار رامپور در عهد عالمگیری بمنصب و خطاب

راجگی داشت ہمراه اعظم شاه در بعضی شاہزاده والا جاه سردار جوالعار

بکار آمد راجه مان سنگه در عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی داشت

وطن سراوار بود در سنه ۲۴ شاهجهانی فوت کرد چون پسر نداشت زمینداری
انجا به سبل سنگه خویش او مرحمت شد راجه مهاسنگه ولد راجه بدسنگه
زمیندار بهدادر در سنه ۳۲ شاهجهانی بعد فوت پدر بعطای زمینداری و بمنصب
هزاری هشتصد سوار و بخطاب راجگی سربلند شده در سنه ۳۲ در جنگ اکبراباد
همراه سلطان داراشکوه بود در عهد عالمگیری ترددات شایسته نموده
خصوص در سنه نهم در دکن و در سنه دهم در سنه افاغنه کابل ترددهای
نمایانه کرده مورد آفرین گردیده بمنصب دوهزاری هزار و پانصد سوار
دو اسپه سه اسپه رسیده در سنه ۲۵ در گذشت راجه بال دیا او ولد راجه جگروپ
منصبی داشت در سنه ۴ عالمگیری بعد فوت پدر بخطاب راجگی و بارسال
خلعت قلعداری کهرواز قلاع سرحد کابل که سابق به ساب پدر او مقرر
بود سر برافراخته در سنه ۴۲ بهانه داری غوربند مقرر شده بود در سنه رحلت کرد
راجه سوبهرداس برادرزاده راجه مهلداس گور در اواسط عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ در مهم قندهار تردد نموده در سنه ۲۶
بقلعداری اسیر مقرر شده بمنصب هفتصدی نام برآورده بود در سنه احد
عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سربلند و بعدش بنگالا گشته در سنه ۹ بقلعداری
قلو

قلعه از قلاع دکن مقرر گردیده در سنه ۳ هنگام قلعداری شولاپور بعد ادای پنجاه هزار
روپیه پیشکش بخطاب راجگی والا رتبه شده در سنه ۲۶ فوت کرد راو چکم سنگه
هندراوت در اواسط عالمگیری بمنصب و خطاب راوی سرافراز بود در سنه ۲۹
از وطن آمده در سنه ۳۰ بعد فتح بیجاپور بعنایت بهمچی سرتالا بفلک سوده
خدمت می نموده در سنه مذکور بعدم رفت رای رایان ملوکچند در سنه ۲۶ عالمگیری
دیوان بادشاهزاده محمد اعظم بود در سنه ۲۹ هنگام نیابت نظم مالوا بابهار سنگه
کور که از مفسدان عظیم الصوبه بود بحرب صعب پیوسته در صف جنگ کار ادا
اتمام نموده بجلدوی این حسن خدمت بمنصب مفصدی و بخطاب
رای رایان سرافراز گردیده بعد چندی در گذشت راجه مان سنگه ولد روپ
سنگه راتهور زمیندار روپ نگر در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۲ باضافه پانصدی در سنه ۲۶ بفوجداری بدهور و آینده بخطاب راجگی
و در سنه ۴۳ بمنصب سه هزاری سرافراز شده بود در عهد ایشان درگذشت
راجه مان سنگه زمیندار رامپور در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
راجگی داشت همراه اعظم شاه در بعضی شاهزاده والا جاه سردار جوالعار
بکار آمد راجه مان سنگه در عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی داشت

وطن سزاوار بود در سنه ۲۳ شاهجهانی فوت کرد چون پسر نداشت زمینداری
آنجا به سبل سنگه خویش او مرحمت شد راجه مهاسنگه ولد راجه بدسنگه
زمیندار بهداور در سنه ۲ شاهجهانی بعد فوت پدر بخطاب زمینداری و بمنصب
هزاری هفتصد سوار و بخطاب راجگی سربلند شده در سنه ۳۳ در جنگ اکبرآباد
همراه سلطان داراشکوه بود در عهد عالمگیری ترددات شایسته نموده
خصوص در سنه نهم در دکن و در سنه دهم در سه اجاعنه کابل تلاشهای
مردانه کرده مورد آفرین گردیده بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار
دو اسپه سه اسپه رسیده در سنه ۲۹ درگذشت راجه بال دها ولد راجه اجرت
منصب داشت در سنه ۳۰ عالمگیری بعد فوت پدر بخطاب راجگی و بارسال
خلعت قلعداری کهوار قلاع سرحد کابل که سابق به ساب پدر او مقرر
بود سرافراخته در سنه ۴۲ بتهانه داری غوربند مقرر شده بود در سنه رحلت کرد
راجه سوبهرداس برادرزاده راجه مهلداس گور در اواسط عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سرافراخته در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ در مهم قندهار تردد نموده در سنه ۲۶
بقلعداری اسر مقرر شده بمنصب هفتصدی نام برآورده بود در سنه احد
عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سربلند و بعد سکالا کشته در سنه ۹ بقلعداری
قلو

در ۶ سنه در دکن خدمت می نمود در ۱۶ سنه بعد فوت راجه مذکور چون اولاد پسری
نماند بخطاب زمینداری و بمنصب هزاری و بخطاب راجگی سربلند شد
در ۱۲ سنه عوض جرائمی که محمد بر خرطوم فیل مست زده بود بانعام پنجاه هزار
روپیه منجمله پیشکش راجگی که دو لک روپیه قبول نموده بود خوشدل گردید
در ۲۲ سنه باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده بتعاقب مهم
قندهار شده در ۲۵ سنه و در ۲۶ سنه بار بتعاقب مهم قندهار گشته در ۲۷ سنه در مهم قندهار فوت
کرد راجه مهاسنگه ولد راجه کنور سین زمیندار کشتوار مضاف صوبه
کشمیر در ۲۲ سنه شاهجهانی بعد فوت پدر بمنصب سه صدی و خطاب
راجگی سربلند شده خدمت می نموده دیگر احوال او معلوم نشد رای ملکچند
کهتری منصبی داشت در ۳۲ سنه شاهجهانی بخطاب رای و بفوجداری بریلی
از تغیر دلیر خان روهیله سرافراز شده بمنصب هفتصدی مامور بود
در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی هزار و دو صد سوار دو اسپه
سه اسپه و بفوجداری مذکور سربلند گردیده آینده معزول گشته در ۸ سنه
بار دوم بفوجداری اکامسانات اندوخته بود در عهد ایشان بعدم رفت
راول منوهر بهاری زمیندار جسلمیر در عهد بخطاب راول و بعنایت زمینداری

مهاوسنگه چون اولاد پسری نماند در سنه ۱ زمینداری از راجه جی سنگه پسر راجه

مهاسنگه پسر راجه مهاسنگه مذکور مقرر گردیده راجه مان زمیندار جمون

در عهد جهانگیری مقصری مقید بود در سنه ۱۲ بنابر رهنمائی در فتح قلعه کانگره

از قید خلاص شده در همانسال در کارزار با سنگرام زمیندار جمون مردانه

بکار آمد رای بایزید اس در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب سه صدی و بخطاب

رای و بسری محل سرافراز بود و آینده بدیوانی بن مقرر گردیده در عهد شاهجهانی

مدهر داری تن قیام مینمود بجلدوی حسن خدمت بمنصب هزاری رسیده

در سنه ۵ سامرگیر بس معزول شده در همانسال فوت کرد راجه مادهوسنگه

برادر خورد راجه جگت سنگه ولد راجه باسو در سنه ۱۸ جهانگیری از تغیر برادر کلان

خود که راه بغی پیموده بود بعطای زمینداری و بهری و بخطاب راجگی

سرافراز شده بود چون در سنه ۱۹ تقصیر راجه جگت سنگه بعفو مقرون گردیده

بخطاب راجگی و بمنصب بحال گشت مشار الیه از راجگی موقوف

شد راجه سروپ ولد راجه جگتا تهه بن راجه بهارامل کچهواهه در عهد

جهانگیری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز بود و در ایام فترات در

حضر همراه سلطان خورم بود در سنه احد شاهجهانی بمنصب سه هزاری هزار

مهاسنگه ولد جگت سنگه اولین پسر راجه مانسنگه کچهواهه در سنه ۴۴ اکبری
بعد فوت پدر بمنصب دوهزاری و نیابت نظم بنگاله از طرف جد
خود سرافراز شده دران صوبه خدمت می نمود در سنه ۴۶ در جنگ با جلال ککهره
مال از مفسدان عمده مالکه و دیگر ارباب ضلال بالاستنهای پامال نموده از
بالای دهاری گذشته بسیاری را بسیلاب فنا داده بمقصد موسوم
رو مثال بحصن اعدا است انکه ظفر یافته در سنه ۳ جهانگیری
بمهم افاغنه کابل و در سنه ۵ در یادست بنگاهست زمیندار ماند و ترددات
داده بود در سنه ۸ باضافه پانصدی و در سنه نهم بعد راجه مانسنگه بخطاب
راجگی و باضافه پانصدی و بنوازش نقاره و عنایت ولایت گڑهه مصاف
صوبه مالوا سربلند گردیده چون موافق قاعده راجپوتیه زمینداری از متبار
لیکه پسر فرزند کلان بود میرسید بعرض رسانید که راجگی وطن برادران
بغلام مقرر نموده اند امیدوارست که از حضور هم مرحمت گردد این ادا
بمزاج اقدس خوش نیامد و راجگی انجا بمیرزا راجه بهاو سنگه دومین پسر راجه
مانسنگه لطف شد بعد ازان راجه مهاسنگه بمنصب چهارهزاری رسیده
در سنه ۱۲ در بالاپور مصاف صوبه برار جوان مرد ا جرلس از فوت راجه
بهاو

که بحضور رسانید گذرانیده و تمام امیران و بندگان بادشاهی با احدیان
و شاگرد پیشه سرکار والا بدایای انجا داده بار بهمان صوبه رفته در سنه ۴۴ سابق بسه
اعدا فیل سواره با افواج کثیره در آب رود ځانه نکرم و سری نور حمله زده
بامداد طالع بعطای خلعت خاصه سرافراز حضور طلب شده و در
سنه ۴۳ بسلامت گذشته موجب حرب بلطانکان شده در سنه ۴۸ بمنصب هفت
هزاری و بخطاب فرزندی والا رتبه گشته در سنه احد جهانگیری بمهم دکن تعین گردیده
همه مصدر امور عظیمه مانده در سنه نهم در انجا فوت کرد رای منوهر ولد رای
لونکرن سیکهاوت در سنه ۲۲ اکبری هنگام توجه رایات از اجمیر بصوب پنجاب
چون در قصبه امرسر نزول اتفاق افتاد قلعه مول از مدتی خراب بود
انراز سر نو مرمت فرموده بنام او منوهرپور نام نهاد مشار الیه همراه بدر خدمت
می نمود در سنه ۲۸ بمنصب چهارصدی و بخطاب رای سرافراز شده در سنه ۲
جهانگیری بمنصب هزاری سه صد سوار سرافراخته در سنه ۱۱ قالب
تهی کرد رای مکند عم راجه بکرماجیت رمدار بهدار و بمنصب و بخطاب
رای سرافراز بود در سنه ۴۹ اکبری بمنصب هفتصدی سرافراخته در سنه ۶
جهانگیری باضافه منصب مباهات اندوخته انجام حال او معلوم نشد راجه

کارها بظهور آورده چنانکه ملا عبدالقادر بدایونی در بالف نوشته است زیبنده
مرید سمراسلام در سنهٔ ۲۶ در تعیناتی شاهزاده مراد بخش بمقابله میرزا محمد حکیم
برادر خورد حضرت که دران ایام راه بغی پیموده بودند در حدود کابل بحرب
صعب پیوسته ظفریاب گشته و در سنهٔ ام بعد فوت میرزا حکیم برای اوردن
زنان و ماندهای میرزا بکابل رفته و همه را از انجا بسلامت آورده در سنهٔ ۳۱
برای تنبیه افاغنه یوسف زئی و نظم کابل مقرر شده و در سنهٔ ۳۳ بنظم بهار از تغیر سعید خان
مباهات اندوخته در سنهٔ ۳۴ بعد فوت پدر بمنصب پنجهزاری و بخطاب راجگی
سربلند گردیده در سنهٔ ۳۵ در ایام نظم بهار بر ذات تمام کرده تسخیر ممالک اودیسه
مامور گشته در ۳۷ محالات سرکار جگناته توابع اودیسه مامور گشته
مفتوح گردانیده خطبه و سکه حضرت را دران ملک رواج داده و سوای
آن از نصر خان پسر قتلو خان حاکم اودیسه پیشکش معقول گرفته اند
در فتح ممالک اودیسه مکرر حرب صعب کرده تلاشهای که در وهم و خیال
نگنجد نموده در سنهٔ ۳۹ بنظم بنگاله از تغیر سعید خان نام بر آورده در سنهٔ ۴۲ درحق سکه
پسر خود را در صف جنگ عیسی زمیندار بهاتی از زمینداران اودیسه که
بحرب صعب پیوسته بود کشتن داده در سنهٔ ۴۴ بحضور آمده بیک اراجات بنگاله

که بجهه

فوت کرد راجه لچهمی نراین عمده زمیندار کوچ بهار در سنه ۱۲ جهانگیری بعنایت

زمینداری سربلند شده بود رای لعلچند ولد رای بهارامل در سنه ۴ عالمگیری

بمنصب سه صدی و خطاب رای سرافراز بود و در همانسال بدیوانی

خالصه شریفه مقرر شده در سنه ۷ بنابر تنقیح معاملات صوبه دار الملک کابل مامور

گشته بود حرف — م راجه مدهکر بندیله زمیندار اندچه

طریق راه زنی داشت در سنه ۲۳ اکبری بعد تنبیه بر جاده اطاعت آمده بوساطت

صادق خان بعفو تقصیر و شرف ملازمت و عطای منصب و خطاب راجگی

سربلند شده در سنه سی ام در دکن خدمت می نمود در سنه ۳۲ از دکن فرار نموده

ملک بقا رسانیده در سنه ۳۷ فوت کرد راجه ملکسن زمیندار سها در عهد اکبری

بمنصب پانصدی و خطاب راجگی سرافراز شده و در سنه ۲۹ در ایام تعیناتی

خانخانان عبد الرحیم مصدر ترددات بود انجام حال او معلوم نشد ::

راجه مانسنگه ولد راجه بهگوانداس کچهواهه در سنه ۶ اکبری همراه پدر خود ملازمت

نموده بمنصب سرافراخته در رکاب سعادت خدمت می نمود و در ایام

کنورئی در اکثر مصاف مصدر ترددنمایان شده خصوص در سنه ۱۸ در کارزار

گجرات شمشیرها زده و در سنه ۲۱ در جنگ رانا پرتاب سنگه زمیندار او دیپور

صوبہ بہار در سنہ ۲ عالمگیری بمنصب و بخطاب راجگی سربلند و ملعان معظم خان
ناظم بنگالہ بود در سنہ ۲ پسر راجہ کو کلت ار رکاب قرار نمودہ ریاست لحالہ
او حسب براجہ محمد مرحمت شد احوال او ہیچ معلوم نشد کہ راجہ محمد
ار خاندان انہاست کہ بشرف اسلام مشرف شدہ یا دیگری راجہ کرد ہر
بیکار حال اما بمنصب سزاوار بود در سنہ عالمگیری بخطاب رای سربر
افراختہ خدمت نمود در سنہ بعدم رفت راجہ کس سنگہ زمیندار جاندار
مضافات دکن در سنہ ۳۲ عالمگیری بخطاب راجگی سرافراز بود خدمت نمود
راجہ کلیان سنگہ زمیندار بہدادر بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز بود
در سنہ چہلم عالمگیری بمنصب بمصدی سرافراختہ بود راجہ کومال سنگہ
ولد راجہ امن سنگہ زمیندار در عہد عالمگیری بمنصب ہزاری و پانصدی
و بخطاب راجگی سربلند بود بعد رحلت حضرت از سلطان اعظم شاہ باضافہ
پانصدی نام بر آوردہ صہر او بادشاہزادہ والاجاہ منسوب بود

حرف ل رای لون کرن کچھواہہ زمیندار ساتھر
در اوایل عہد اکبری بمنصب دوہزاری و بخطاب رای سرافراختہ در
سنہ تردد نمودہ و آیندہ ہمہ مصدر حدمات شدہ در سنہ

فوت

در دکن تردد ها کرده در سنه ۱ عوض تقصیر دیگر از منصب و خطاب و زمینداری ؛

معزول شده ولیکن پسر الوپ سنگه بخطاب زمینداری بجای او [illegible] رای

کاسیداس در سنه شاهجهانی بمنصب سه صدی و خطاب رای و بدیوانی داینه

چکله سهرند سرافراز بود که همان سال بدیوانی لاهور از تغیر [illegible] سعدالله خان وایده به بخشیگری

کابل سرافراز شده در سنه ۱۱ هنگام بخشیگری [illegible] بجاره تردد در جنگ [illegible] پس

بمنصب هزاری دو صد سوار نام بر آورده در سنه ۱۴ تعلق مراد بخش گشته بکابل رفته

در سنه ۱۵ بدیوانی اکبرآباد از تغیر افضل [illegible] در سنه ۱۶ بدیوانی دارالخلافه و در سنه ۲ بدیوانی

بنگاله و محالات متعلق شاه شجاع مقرر گردید در سنه ۲۲ فوت کرد راجه کشن سنگه

تونور در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب ششصدی و خطاب راجگی سرافراز

شده و در سنه ۱۹ تعلق مهم بلخ و در سنه ۲۲ تعلق مهم قندهار و در سنه ۲۵ بار تعلق مهم قندهار

شده بجاره ترددات انجا بمنصب نام بر آورده در سنه ۲۶ بار تعلق قندهار بود در

سنه عالمگیری بمنصب دو هزاری و فوجداری حصار نام بر آورده در سنه

تعلق کابل گشته بود انجام حال او معلوم نشد راجه کشن سنگه بده گوجر

در سنه احد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سربلند بود تعلق کابل شده بود

دیگر احوال او معلوم نشد راجه گوکلت زمیندار او جهه از زمینداران صوبه

براورده بعد فتح قلعه درسنه در تعیناتی شاه شجاع با سجالوریان کارزارها کرده
درسنه ششم در تعاقب ملک راجو ولد ججهار سنگه که از بالاگهات
فراری شده بود در رفته بود ترددی نموده درسنه ۹ همراه سعید خانخان با بیسه
درسنه عادلخان نیز تردد شایسته کرده درسنه دهم بمنصب دوهزار و پانصدی
مباهات اندوخته درسنه ۲۲ بقلعداری دولت اباد از تغیر سیادتخان و درسنه ۲۳
در ایام قلعداری باضافه پانصدی لوای مفاخرت برافراشته بود چون
درسنه ۲۶ قلعداری دولت اباد بشاهزاده عالم گیر مرحمت شد پانصدی
او که بشرط قلعداری بود کم شده بعمده دکن مانده درسنه ۲۹ بحالی کمی
پانصدی بشرط اینکه مشار الیه تعهد نموده که زمیندار جوار که بولایت
بگلانه پیوسته است بن مادای مالواجب معدم نداد را بعمده نموده مال گزاری
تمایم و بهم جان کرد سرافراز شده درسنه ۳۱ بکام تعیناتی بادشاهزاده عالم گیر
در انجا ترددات نمایان کرده درسنه ۳۲ که ایام قرات بود به رخصت بادشاهزاده
بوطن رفته بود بعد جلوس ایشان بسبب بحالت حاضر نشد و چون افواج
به تنبیه او مامور گردیدکار او در عهد در آمده درسنه سوم بعقود بلعل دکن سرافراز
گشته درسنه بجایزه ترددات انجا باضافه پانصدی سر برافراخته درسنه
دردکن

کشته که از سلطان بلند اختر بوجود آمده در سنه ۲۲ فوت کرد راجه گوپال
داس گور در راجه عهد جهانگیری نوکر راو رتن هادا بود در سنه ۵ ملازم سلطان
خورم شده بمنصب و خطاب راجگی نام برآورده در ایام بغی سلطان خورم
رفاقت ایشان نموده در سنه ۲۱ در ملک سنده کشته باشد راجه گرداس ولد
کیسوداس راتهور در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب
هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۳ در کارزار با خانجهان لودی باغی بحرب
صعب پیوسته مردانه نقد جان درباخت راجه کیسو سنگه زمیندار
بهدادر در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب هزاری و خطاب راجگی سربلند بود
در سنه ۴ و در سنه ۸ منصب تردد کردید و در سنه ۱۶ فوت کرد چون پسر نداشت بمان
سنگه سره عم او زمینداری بهدادر مرحمت شد راو کرن ولد راو
سورج سنگه بن راو رای سنگه زمیندار بیکانیر در سنه ۲ شاهجهانی بعد فوت
پدر بعطای زمینداری و بمنصب دو هزاری و خطاب راوی سرافراز شده
همراه وزیر خان در دکن و در سنه ۸ همراه خانزمان در انجا و در سنه ۶ [illegible] محاصره
دولت اباد در کارزار با سیجا لوریان که بکومک دولت اباد می آمد جلادت
نمایان نموده و هم در همو حال محاصره مدتها کارزارها نموده بفیروزی نام

نموده بعد تعاقب ایشان در الصوبه خدمت میکرد در سنه احد شاهجهانی
از وطن آمده ملازمت کرده در سنه بنابر بسه خانجهان لودی باغی بدکن رفته
در سنه در تعاقب او در سنه به سه حکام دکن همراه اعظم خان واصفهان
ترددات نموده در سنه بوطن رخصت گشته در سنه بحضور آمده بمنصب
بهزاری بهزار سوار نام بر آورده در سنه نهم در سفر دکن در رکاب بود بعد
مراجعت بوطن رفته در سنه ۱۱ بحضور آمده فوت کرد راجه گردهر داس
کچهواهه ولد رای سال درباری در سنه سوم جهانگیری بمنصب سه صدی
و در سنه ۱۳ بمنصب هزاری و در سنه ۱۶ بمنصب دو هزاری هزار و پانصد سوار و
در سنه ۱ بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۱ همراه مهابتخان متعاین دکن
گردیده در انجا معرب خانه خیلکی بدست نوکران سید کرباره کشته شد
راجه کیورسن زمیندار کسوار مضاف صوبه کشمیر راد لاور خان کاکر
در سنه ۱۴ جهانگیری ولایت کسوار فتح نموده در سنه ۱ مسلسل بحضور آورده بود
و لران باز در قلعه گوالیار در بند آمده بود در سنه ۱ جهانگیر خلاص شده بمنصب
و بخطاب راجگی و عطای وطن سرافراز گردیده در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب هزاری چهار صد سوار سرافراز بود دختر ش با شاه شجاع منسوب
گشته

در سنه ۱۴ فوت کرد. راول کلیان برادر راول بهیم زمیندار جیسلمیر در سنه ۱۱ جهانگیری بعد
برادر بجای او بمنصب دو هزاری و خطاب راول سربلند شده بود. انجام
حال او معلوم نشد. راول کلیان زمیندار ایدر از زمینداران گجرات که در سلک
ملازمان داخل است و همراه ناظمان خدمت می نمود و در سنه ۱۳ جهانگیری در گجرات
ملازمت نموده در سنه ۱۸ همراه صفی خان دیوان آن صوبه در مقابله افواج سلطان
خرم باغی ترددی شایسته کرده بود. رای کنور چند در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب
و خطاب رای و بخدمت استیفا سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد.
رانا کرن ولد رانا امر سنگه زمیندار اودیپور در سنه [illegible] جهانگیری بمنصب
پنجهزاری و خطاب کنور و دیگر عطای فیل بالاخره سرافراز گشته هنگام
ملازمت بر جرگه دست راست مقدم همه ایستاده شده بود. در سنه ۱۴
بعد فوت پدر بخطاب رانا مامور گردیده در سنه [illegible] همانجا درگذشت.
راجه گج سنگه ولد راجه سورج سنگه راتهور در سنه ۱۴ جهانگیر بعد فوت پدر بمنصب
سه هزاری و خطاب راجگی برابر شده در سنه ۱۶ باضافه هزاری و در سنه ۱۷ انعام نشان و
نقاره و در سنه ۱۹ بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار نام برآورده همراه سلطان
پرویز بتعاقب سلطان خرم باغی شده در اکثر معارک دکن ترددات

درسید رای گوپال در سنه ۴۲ اکبری بمنصب و بخطاب رای سرافراز در دکن مصدر تردد شایسته بود دیگر احوال معلوم نشد راجه کلیان داس پسر راجه تودرمل کهتری در سنه ۳۲ اکبری بدو صدی منصب سرافراز بود در سنه ۱۹ بمنصب هزاری و قلعداری کالنجر سربلند شده در سنه جهانگیری بخطاب راجگی نام برآورده در صوبه بنگاله خدمت میکرد در سنه ۶ بخاره تردات انجا اضافه پانصدی سطم از دو سال بعد ازان باضافه دو صدی سر برافراخته در سنه ۱۲ ازانجا آمده معین مهابتخان ناظم کابل گردیده بود در سنه ۱۹ درگذشت راجه کسداس در عهد اکبری مشرف فیلخانه و اصطبل بود در سنه جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب راجگی در سنه ۱۴ بمنصب دوهزاری و در سنه ۱۶ بفوجداری دهلی سر برافراخته در سنه ۱۸ این نیف مبارک حضرت بخانه او سر راه برکنار آب جمن بود سر بفلک برده در سنه درگذشت راجه کسچند از راجرادهای نگرکوت در سنه دهم جهانگیری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد رای کمسور در عهد اکبری منصبی داشت و در سنه ۳۴ در رکاب در کشمیر خدمت می نمود و دیوان ایام بادشاه زادگی جهانگیر بادشاه بود در سنه ۱۱ ایشان به خطاب رای و بدیوانی گجرات سرافراز بود در سنه ۱۳ بدیوانی مالوا معزز شد در سنه ۱۴

شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد حرف ک

راجه لنکهار ولد جگمال برادر راجه بهارامل کچهواهه در سنه ششم اکبری ملازمت نمود

و بمنصب هزاری و از روی لمعات اکبری بخطاب راجگی سر برافراخته در سنه ۲۱

در تعیناتی فوج که بنابر تنبیه رانا اودی سنگ رزمه بود ترددی نموده بود انجام حال او معلوم نشد

رای کلیان مال راتهور زمیندار بیکانیر در سنه ۱۵ اکبری معه رای سنگه پسر خود ملازمت

نموده بمنصب دو هزاری و بخطاب رای سرافراز شده و بشرف ازدواج

صبیه برادر خود داماد حضرت سعادات اندوخته خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

راجه گوپال داس جادون در سنه ۱۸ اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب راجگی

سرافراز بود در سنه ۱۲ همراه خانجهان در جنگ داود کرانی و در سنه ۲۳ در تعیناتی

لاهور و در سنه ۲۵ بکومک راجه مانسنگه که بکابل مامور شده بود در سنه ۲۹ در تعیناتی

بنگاله مردانگیها نموده در سنه ۳۴ بمطلع احمدنگر مقرر شده رفته بود ناگهان در راه ساعه

فوت کرد راجه گجهار از زمینداران صوبه بهار در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و بخطاب

راجگی سربلند و در تعیناتی خان عالم هنگام حاجی پور مصدر ترددات شایسته بود

در سنه ۲۱ از کم طالعی پیش خانجهان ناظم بنگاله حاضر شده وسوسه غارت امصار

احصار کرد تا دست سهار خان که از حضور بنابر سنه ابو العباس شده بود. با

انچه دکنیان هندوستان را خراب و ویران کردند ظاهر است   راو سجان سنگه
ولد راجه انوپ سنگه زمیندار بیکانیر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی
و خطاب راوی سرافراز شده در سنه ۴۵ خدمت می‌نمود در سنه احد بهادرشاه بخطاب
راجگی و منصب دوهزاری نام برآورده در سنه ۳ فوت کرد حرف ش
راجه شیورام ولد بلرام بن راجه گوپالداس گور در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ۱۶ بقلعداری قلعه اسیر سرافراز شده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان
ترددات نمایان در سنه بیست و سوم بقلعداری کابل از تغیر لطف الله خان مقرر شده
در سنه ۲۴ معزول گردیده و در سنه ۲۵ بعد فوت راجه بیتهلداس عم خود بمنصب دوهزاری
و خطاب راجگی نام برآورده در سنه ۲۶ و در سنه ۳۰ در مهم قندهار تلاشها کرده در سنه ۳۱ بقلعداری
ماندو نام برآورده در جنگ اکبرآباد همراه سلطان داراشکوه با عالمگیر بادشاه بحسب
صف شکسته مردانه رایت جانبازی برافراخت   راجه سرسنگه زمیندار
حدود مضاف صوبه پنجاب در سنه ششم عالمگیری بشرف ملازمت و بمنصب
هزاری و خطاب راجگی و مرحمت سرپیچ و اسپ مرصع سرافراز شده بود دیگر
احوال او معلوم نشد حرف ص رای صوجی از نوکران شاه
زاده مرادبخش در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب رای سرافراز
شده

شجاع تردداتِ نموده شتعین معظم خان ناظم بنگاله گشته در انجا مصدر
ترددات نمایان و تلاشهای مردانه گردیده بجائزه آن در سنه سوم بمنصب
سه هزاری و پانصدی سه هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه نام برآورده
در سنه ۳ مکرر در بنگاله ترددها کرده در سنه ۵ بعض سرداران جسکله گهو اپه
های دکن شده ترددات شایسته نموده در سنه ۲۳ قلعه سوانه مفتوح گردانیده
بود در سنه فوت کرد راجه سیهاک برکاس زمیندار سرموار کوهستان
سرکار در سنه ۲۹ شاهجهانی بخطاب راجگی سربلند شده بود راجه ساهو
ولد سنبهاجی سوا ابن ساهوجی بهوسله در سنه ۳۳ عالمگیری بعمر یکسالگی
که ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ او را با والده و دو برادر خوردش از قلعه
برای دستگیر نموده آورده بود بمنصب هفت هزاری و بخطاب راجگی سرافراز
شده حسب الحکم در گلال بار سکونت داشت و بنگاه والده اش
در لشکر بادشاهی علاحده فرود می آمد و متصدیان هر کار حاجات او از
سرکار والا ممر بودند در سنه ۴۹ بنابر بعض مصالح معلی حاکم گردیده
بود بعد رحلت بادشاه عالمگیر چون حاکم پور او را رخود کرده خلاص
نموده با خاصان ذوالفقار خان در دکن فسادی برخاست ولیس ازان

اکبراباد ہمچون نہنگ در دریای جوہر ہری درآمدہ و مراد بخش را مغلوب گردانیدہ

برقلب فوج عالمگیری بساقہ بحرب صعب پیوستہ عالمی را زیر و زبر نمودہ

محض بزور اقبال ان بادشاہ ظفر نصیب کشتہ شد راول سبل سنگہ

خویش راول سوہر مہالی زمیندار حلسر مضاف صوبہ اجمیر در سنہ ۱۲ شاہجہانی

بعطای زمینداری و منصب و خطاب راول سرافراز شدہ در سنہ ۲۶ بجلدوی

تردد در یعسای مہم قندہار بمنصب ہزاری هفتصد سوار نام برآوردہ مارہ احد

عالمگیری خدمت می نمود معلوم شد کہ از اولاد راول سوہر کسی نماندہ باشد

کہ بحویش پوست زمینداری رسید راجہ سارنگدہر نبیرہ راجہ سنگرام

زمیندار جمون در سنہ ۳ شاہجہانی بعد فوت جد خود بعطای زمینداری و منصب

هفتصدی و خطاب راجگی سرافراز شدہ در سنہ احد عالمگیری بمنصب ہزار

و پانصدی سوار نام برآوردہ در سنہ سعاس فوجدار جمون گردیدہ بود راجہ

سبحان سنگہ ولد راجہ بہار سنگہ بندیلہ بعد فوت پدر در سنہ ۲ شاہجہانی

بمنصب دو ہزاری دو ہزار سوار و خطاب راجگی سرافراز شدہ در سنہ ۲۹

بنوازش نقارہ و اضافہ بمنصب ۳ ہزاری سر برافراختہ در سنہ ۳۲ در جنگ

الوا ہمراہ مہاراجہ جسونت سنگہ بود در سنہ احد عالمگیری در جنگ با ساد

منتخان

برگرفته در عهد شاهجهانی خدمت می نمود واکثر در دکن بود در سنه ۲ فوت کرد

راجه سارنگ لو از خدمتگاران خاص عالمگیری در سنه ۸ بمنصب هشتصدی

در سنه ۱۱ ال بمنصب هزار و پانصدی و خطاب راجگی سرافراز شده خدمت

می نمود در سنه ۶ شاهجهانی در ایام فتح قلعه دولت اباد و در سنه ۸ بعد شاه شجاع

در جنگ با سجانوریان و در سنه ۹ در مهم جهجهار سنگه تردد ها نموده انجام کار او معلوم

نشد راول حسن سرافراز بود در سنه ۸ احد شاهجهانی بمنصب هزاری هزار سوار

سر برافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد رای سبها چند بهاجن

اگروالا از سکنه کانولار بندهای حضوری در سنه احد شاهجهانی بمنصب و خطاب

رای سرافراز شده در سنه ۱۲ بدیوانی صوبه لاهور و در سنه ۲۳ خالصه در سنه ۹ بفوجداری

و اینی جکله سالکوت مقرر گردیده و بمنصب هفتصدی رسیده در سنه ۱ ام

فوت کرد راو ستر سال ولد کوپی ناتهه ن راد رس ناد ا زمیندار بوندی

دکوته در سنه ۲ شاهجهانی بعد فوت جد عامامه خود بمنصب سه هزاری و تعلقه

زمینداری بوندی سوای کوره و خطاب راوی سرافراز شده از وطن آمده در

دکن ملازمت نموده در سنه ۸ از انجا همراه ناظم خدمت می کرد در سنه ۸ هنگام تسخیر

قلعه دولت اباد همراه خانزمان در کارزار با سجانوریان و دیگر معارک ترددات نمایان

کرده

گردیده بود چار وجهی که ذکران طول دارد بعمل نماند در سنه احد جهانگیری چون
رانا مزبان سنگه الحاحت اختیار کرد مهم موقوف ماند راوت سنگه در سنه ۲
بمنصب دو هزار و پانصدی و آینده بمنصب سه هزاری سر افراخته و در سنه ۱۳ در
صوبه بهار فوت کرد معلوم میشود که خطاب راوی بجای رانا یافته باشد
راجه سورج سنگه پسر زاده رای سنگه راتهور زمیندار بیکانیر بعد لسماست
رسیدن رای دلپت برادر کلان در سنه ۸ جهانگیری بمنصب و بعطای زمینداری
انجا و بخطاب راوی سر افراز شده در سنه احد شاهجهانی بمنصب چهار هزاری
دو هزار و پانصد سوار و الا رتبه گردیده در دکن بر دوات شایسته نموده در
سنه ۲ در انجا فوت کرد راجه سورجمل ولد راجه باسو زمیندار دهمیری در سنه ۱۱
جهانگیری بعطای زمینداری و بمنصب دو هزاری و بخطاب راجگی سرافراز
شده در سنه ۱۳ چون راه بغی پیموده معزول از منصب و راجگی گشت و بجا
یش جگت سنگه برادر خوردش براجگی نام بر آورده سورجمل در ایام
زمیندار جموں مضاف صوبه پنجاب در سنه ۱۴
دیده ۱۵ آمده بمنصب هزار و پانصدی
سنه ۱ ۱۵ به نواح پرگنه جموں کام دل

که هرزنی محبوبه راجه بسوکرشن راج مسند هند بنابر تعلقی که راجه اودی سنگه رانا
والده او بود در سنه ۴۲ اکبری بعد فوت پدر بمنصب و خطاب راجگی و در سنه ۴۹
بنوازش نقاره سرافراز شده در اکثر معارک در دکن در مهم راجو و جدادادخان
و عنبر و فرهاد حبشیان ترددات شایسته نموده در سنه سوم جهانگیری بمنصب
سه هزاری سرافراخته و در سنه دهم بحاره ترددات در دکن بمنصب چهارهزاری
سه هزار سوار نام برآورده در سنه ۱۲ در دکن فوت کرد راو سکه سنگه پسر کلان
راجه اودی سنگه راهور زمیندار جوده پور در سنه ۴۲ اکبری بعد فوت پدر بخطاب
راوی سرافراخته خدمت می نمود راجه سالباهن لوچی بعد امتحان جوهر
بندوق اندازی در سنه ۳۸ اکبری بخطاب راجگی سرافراز شده تا سنه احد جهانگیری
خدمت می نمود راجه سام سنگه تونور در سنه ۴۹ اکبری بمنصب هزاری سر
افراز شده بود در سنه احد جهانگیری باضافه پانصدی و در سنه ۸ باضافه پانصدی و در
سنه دهم بمنصب دوهزاری و پانصدی هزار و چهار صد سوار سرافراخته
در سنه ۱۱ در کابل فوت کرد راوت سکرا ولد رانا اودی سنگه زمیندار ادیپور
در اوائل عهد اکبری مخالف رانا پرتاب سنگه برادر خود بدرگاه رجوع آورده
بمنصب دوصدی و خطاب رانا سرافراز شده بود و فوجها باعانت او متعین
گردیده

بنگاله بمنصب چهارهزاری چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه مباهات اندوخته در سنه ۱۹ بعد مراجعت از انجا همراه بادشاهزاده محمد معظم متعین کابل گشته درهمان سال بر سبیل تعینات بادشاهزاده اعظم شاه بشمال و در سنه ۲۵ بانصرام خدمت می نمود در سنه ۲۶ ازجهان ناگهان رفت راو رام سنگه هادا ولد زمیندار کوته در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب راوی سر برافراخته اکثر متعین ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ بود در سنه ۴۴ بجایزه تردد در سنه همان حادول مرهته مورد افرین گشته در سنه ۴۹ بجلدوی تردد در فتح قلعه واکن کرا باضافه پانصدی و در سنه بعطای زمینداری مو مدانه از تغیر راو بده سنگه زمیندار بوندی سرفراز شده در کار زار اکبراباد همراه بادشاهزاده محمد اعظم مردانه نقد جان درباخت حرف ـــــ س راي سرجن هادا قلعه داری قلعه رنتهور از طرف رانا او دیسنگه زمیندار اودیپور داشت بعد فتح قلعه مذکور در سنه ۱۴ اکبری داخل بندگان شده بمنصب دو هزاری و بخطاب رای سرفراز شده در سنه ۲۳ بقلعداری قلعه مذکور مقرر گردیده در سنه ۲۵ متعین شاهزاده مراد و در سنه ۲۶ متعین صادقخان به بنگاله شده بود راجه سورج سنگه خان زمان لسر راجه اودیسنگه راتهور زمیندار جوده پور بخلاف قاعده دیگر راجها که بعد فوت پدر راجه بپسر کلان میدهند در خاندان الشان مقرر نیست

در مهم بلخ و بدخشان و جلدوی تردد در جنگ با شاه شجاع باضافه
هزاری و بعد از آن علی الرغم مهاراجه جسونت سنگه بعطای سرداری جوده پور و به
منصب چهار هزاری چهار سوار و خطاب راجگی سربلند گردیده بعد روزی چند بنابر
عفو تقصیر مهاراجه مذکور از سرداری انجا موقوف گشته در سنه مورد عنایت شد
در سنه در تعینات دکن ترددات نمایان نموده در سنه دهم بکمک دکن تعین گردیده بود در
عهد الشان اریحان ماتحال میل کرد راجه رام سنگه ولد مرزا راجه جی سنگه کچهواهه
در سنه ۱۴ بخطاب کنور در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۵ بمنصب دو هزاری
و در سنه ۲۶ باضافه پانصدی و در سنه ۳ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار سربلند شد
در جنگ اکبراباد همراه شاهزاده دارا شکوه بود در سنه احد عالمگیری باضافه هزاری
مامور گردیده به تعینات معظم خان به بنگاله رفته در سنه ۳ بحضور آمده بمنصب چهار هزاری
لوای مفاخرت برافراخته در حضور خدمت می نمود در سنه نهم که پدرش سیوا سردار
مرهته را مع سنبها پسرش بقول و عهد بحضور پرنور فرستاده بود بمعرفت خود
ملازمت اسمها کنانیده چون هردو پسر و پدر بعد چندی راه فرار پیمودند بمقتضی غفلت
از حال انها از منصب معزول گشته در سنه ۱۰ بعد فوت پدر بمنصب چهار هزاری
و خطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۱۳ بهنگام تعینات مهم مملکت آشام از مضافات
بنگاله

مقرر شده در سنه مذکور در انجا بعدم رفت راجه رگهناتهه کامتهه با در سعدالله خان

بس درست عبدالکریم دیوان لاهور بود در سنه ۱۹ شاهجهانی طلب حضور شد

بعد سعدالله خان وزیر اعظم مهمات حدود کل را بسر براه می بود در سنه ۲۳

بمنصب و بخطاب رای و بعنایت قلمدان طلا و در سنه ۲۶ بدفترداری

خالصه و تن و در سنه سی ام بمنصب هزاری و بخطاب رای و در سنه ۳۱

بامر مهر کردن مانند مهر جعفر خان وزیر اعظم و مقرر دستخط خود را فرد

محاسبات سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزار با [نصدی]

یکهزار و پانصد سوار و بخطاب راجگی و بخدمت وزارت کل مامور

گشته و در سنه ۶ باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری رسیده در سنه ۶

فوت کرد راناراج سنگه ولد رانا جگت سنگه از مشهورین در سنه ۲۹

شاهجهانی بمنصب پنجهزاری و بخطاب رانا سرافراز شده در سنه احد

عالمگیری بمنصب شش هزاری ذات و سوار یکهزار سوار دو اسپه

سه اسپه و دو کرور دام انعام نام برآورده در سنه ۲ درگذشت ؛

راجه رای سنگه راتهور ولد راو امر سنگه بن راجه گج سنگه در سنه ۱۹

شاهجهانی بعد کشته شدن پدر بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده

کوهستان کانگره در سنه ۱۹ بعد فوت پدر بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار
و بخطاب راجگی و در سنه بستم بمنصب دوهزاری و در همان سال بقلعداری
قلعه قندهار از مضافات ولایت بلخ سربلند شده با اوزبکان و الامانان مکرر جنگهای
سخت نموده روزی در انجا جنگ صعب رو داده بود که راجه دست زخم بر
داشته در میدان افتاد چند سواری تمام بر اسب یکی از یاسان خود سوار
گردیده برآمد در سنه ۲۳ بمنصب دوهزاری و پانصدی سوار و بقلعداری کهمرواز
ارتهر حلبل سکت و در سنه ۲۵ بمنصب سه هزاری ذات و سوار چهره امتیاز
برافروخته بعلت مهم قندهار شده در سنه ام اکبر و بحضور آمده اجازه بوطن
رفته در سنه احد عالمگیری از وطن بعزم رفاقت داراشکوه روانه شده در
سهرند بعد شکست داراشکوه در حدود از لاهور از وجدائی گردیده در حضور
آمده در جنگ اجمیر همراه رکاب با داراشکوه جنگ صعب کرده اول
کسی که دران میدان از دیگران سبقت برده نشان خود را بران کوه نصب
نموده بود راجه مذکور بود در جلدوی این حسن خدمت باضافه پانصدی
پانصد سوار والا رتبه گشته در سنه مهم سری نگر تعیان گردیده در سنه سوم
در انجا تردد می نمود در سنه ۴ بحراست غزنین از تغیر سید سهابت خان
مقرر

سکست مہاراجہ بوطن رفتہ درسنہ احد عالمگیری ملازمت نمودہ در

جنگ باشاہ شجاع در رکاب تردد کردہ در جنگ دوم داراشکوہ

بجاست بنگاہ در بودہ ماندہ درسنہ مذکور تعین دکن شدہ درسنہ سوم

در فتح قلعہ چاکنہ تردد کردہ درسنہ ۴ بحضور آمدہ درسنہ ۹ تعینائی سرراراجہ

جسنگہ مکرر بدکن رفتہ جیلے مصدر ترددات گردیدہ بمنصب ہزاری

بچہار سوار دو ہزار و پانصد سوار دو اسپہ سہ اسپہ جہرہ امتیاز برافروختہ

درسنہ نہم بار سوم متعین باد شاہزادہ محمد معظم بالطم دکن درسنہ ۱۶ فوت کرد

راو روپ سنگہ ولد روپ سنگہ بن راو چاندار سردار رام پورہ بودہ پوت

راو ہیٹے سنگہ ولد راو دو دا بن راو چاند الست بودن لسرش درسنہ ۱

شاہجہانی بمنصب مصدری و بخطاب راوی و تعینات زمینداری سرافراز شد

درسنہ ششم بجلدوی ترددات در مہم بلخ بمنصب ہزار و پانصدی نام برآوردہ

درسنہ ۲۲ تعین مہم قندہار شدہ درسنہ ۲۳ بجارہ تردد در صف جنگ بافر لباس

باضافہ پانصدی دو صد سوار بمنصب دوہزاری ہزار و دو صد سوار مباہی

گشتہ درسنہ ۲۴ درگذشت ولسر نکداست راجہ راجروپ ولد راجہ

جگت سنگہ بن راجہ باسو منصب داست درسنہ ۱۲ شاہجہانی بفوجداری

در زمان او دمو رباوجود صغر سن در سنه احد شاهجهانی از وطن آمده بمنصب
دوهزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۵ باضافه سواران نام برآورده
در سنه ۸ تعین مهم جهجهار سنگه بندیله گردیده در سنه ۹ باضافه هزاری مباهی گشته
در سنه ۱۲ در سفر کابل در رکاب بود در سنه ۱۳ و در سنه ۱۴ در سفر کشمیر در رکاب خدمت
می نمود تعین مهم جگت سنگه زمیندار دهمیری شده بجاره ترددات انجا
بنوازش نقاره بلندآوازه گردیده در سنه ۱۵ هکام نعمانی قندهار بمنصب چهار هزاری
دوهزار سوار مباهات اندوخته در سنه ۱۹ تعین مهم بلخ و بدخشان گشته سنه ۲۱
در انجا ترددی نمود در سنه ۲۲ در مهم قندهار تلاشهای کرده باضافه هزار سوار نام
برآورده در سنه ۲۳ بجاره ترددات در صف جنگ بافرلباش همراه رستم
خان بهادر با صف قندهار بمنصب پنجهزاری لوای مفاخرت برافراشته
در سنه ۲۶ بار تعین مهم قندهار گشته بعد مراجعت بوطن رفته در سنه ۲۹ از وطن
آمده در سی ام تعین شاهزاده عالمگیر بناظم دکن گردیده در سنه ۳۱ در انجا در رزم
با سیوا اوریان پیاده شده بحرب صف پیوسته زخمها برداشته در میدان
افتاده بانعام لک روپیه نقد در رخصت وطن مباهی گشته
در سنه ۳۲ تعین مهاراجه جسونت سنگه بمقابله شاهزاده عالمگیر شده بعد
شکست

راجه رایداس ولد راجه راجسنگه بن راجه اسکرن در سنه دهم جهانگیری بعد
فوت پدر بمنصب هزاری و در سنه ۱۲ بخطاب راجگی سربرافراخته در سنه ۱۵ بجلدوی
تردد در کارزار با سلطان خورم باغی بمنصب دوهزاری سرافراز شده بود انجام
حال او معلوم نشد رای رامچند در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب رای
و بدیوانی سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه روپ چند زمیندار
گوالیار زمینداران پنجاب در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب
راجگی سربلند بود در سنه ۱۵ بجلدوی تردد در فتح قلعه کانگره بمنصب هزاری بالکی
و بانعام نصف وطن سرافراز شده در سنه ۱۸ ترددی نموده تا آخر عهد خدمت
می نمود در سنه هشتم شاهجهانی متعین بنجابت خان ولد مرزا شاهرخ بنابر گوشمال
زمیندار سرینگر گشته با وصف برهم خوردن فوج بادشاهی نبرد آزمائی و
دلیریها بکار آمد راجه رایداس کچهواهه زمیندار نرور مضاف صوبه
اکبرآباد در اواخر عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب راجگی سربلند بود در سنه
احد شاهجهانی بمنصب هزاری سربرافراخته در سنه ۶ و در سنه ۸ متعین دکن
شده بجلدوی ترددات نمایان بمنصب دوهزاری رسیده بود در سنه ۱۳
فوت کرد راجه رای سنگه سیسودیه ولد مهاراجه بهیم سنگه بن رانا امر سنگه

خدمت می نمود الحام کار او معلوم نشد راو رتن ولد رای بهوج بن رای سرجن ہادا سردار لوندی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب راوی سرافراز بود در ۱۳ بخطاب سربلند رای در ۱۰ سنه دهم باضافه بالصدی بمنصب دوهزاری چیره اسپار برافروخته تعین دکن شده در ۱۹ بحراست برهانپور مقرر گردیده با دکنیان که برهانپور را محاصره نموده بودند بکرّاور شهامت مردانه نموده در ۲۰ بکاره بر دادات در مهمات دکن بخطاب راو راجه و بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار سر برافراخته در ۵ سنه جلوس شاهجهانی از وطن امده بود در ۵ سنه فوت کرد راجه رام داس کچهواهه در اوایل عهد اکبری بمنصب بالصدی سرافراز شده در ۱۹ در ایلغار دوم گجرات مصدر تردد گردیده امد تلاش نهام مردانه نموده در ۵ سنه بمنصب دوهزاری لوای مفاخرت برافراخته در ۳ سنه جهانگیری لسبب بیماربودن در فوت رتیا و سها بکری باتالیق مهاسنگه ولد جگت سنگه بن راجه مانسنگه کچهواهه مقرر گشته و در ۶ سنه بخطاب راجگی و بمنصب سه هزاری و بنوازش نقاره و قلعداری رنتهنبور و باتالیق عبدالله خان بهادر فیروزجنگ که بمهم دکن مامور شده بود نام برآورده در همان سال فوت کرد

رام

مناصب اندوخته در سنه احد جهانگیری بمنصب سه‌هزاری رسیده در سنه ۵ فوت کرد راجه رامچند بگهیله زمیندار باندهون مضاف صوبه مالوا را که در سخاوت واخلاق نظیر خود نداشت در سنه ۲۵ اکبری زین‌خان کوکه و راجه بیربر رفته او را دیدند او در حضور رسیده ملازمت نموده پیشکش صد و یک لعل از انجمله لعلی بقیمت پنجاه هزار روپیه گذرانیده بمنصب دو هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده بود در سنه ۳۷ درگذشت راجه راجسنگه ولد راجه اسکرن کچهواهه در سنه ۱۶ اکبری ملازمت نموده با سکه بیم همراه پدر خدمت می نمود بعد فوت پدر بمنصب هزاری و بخطاب راجگی سربرافراخته بکار پرداخت بهمان در سنه ۵ بمنصب چهار هزاری نام برآورده در عهد جهانگیری اکثر خدمات پسندیده نموده در سنه دهم در دکن درگذشت راجه رود ر سنگه در سنه ۳۴ اکبری بمنصب و بخطاب راجگی سربلند بود و از سفر کشمیر بودن رخصت بنگام کام دل گرفته و بانعام یکصد راس اسپ و چند رنگه دیگر در جاگیر مناصب اندوخته بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه رامچند زمیندار اودیسه در سنه ۳۶ اکبری بمعرفت راجه مانسنگه کچهواهه حلقه انقیاد بگوش انداخته و بمنصب پانصدی و بخطاب راجگی سرافراز شده در صوبه بنگاله

نمایان تلاشها کرده بمنصب سه هزاری یکهزار و پانصد سوار سرافراخته

در سنه ۲۹ هنگام فتح قلعه واکن کار تردد مشهورانه نموده در رفاقت اعظم شاه

در جنگ اکبرآباد آمد حرف ث راجه روپ سی

برادر حرد راجه بهارمل کچهواهه در سنه ۶ اکبری از وطن آمده ملازمت نمود

بمنصب هزاری و بخطاب راجگی سرافراز شده خدمت می نمود انجام

حال او معلوم نشد راجه رامچند در سنه ۸ اکبری بمنصب و بخطاب

راجگی و انعامات جاگیر در صوبه لاهور سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد

راجه رایسنگه ولد رای کلیان مل راتهور زمیندار بیکانیر مضاف صوبه

اجمیر در سنه ۱۵ اکبری همراه پدر خود ملازمت نموده بمنصب سرافراخته همراه پدر

خدمت می کرد و در سنه ۱۸ در ایلغار دوم گجرات در رکاب همایونی در جنگ

مامیرزا حسین در وقتیکه طور معامله قریب بدیگرگون شدن بود باتفاق سید

محمود باریه و فرحت خان بدفع اعدا تاخته تردد شایسته نموده و در سنه ۲۱ در فتح

قلعه الوکده و سروهی که در تصرف سلطان دیوره بود بهمراهی سید هاشم باریه تلاش

نمایان نموده و در سنه ۲۶ در مهم ولایت پنجاب تردد ات کرده و بعد فوت پدر

بخطاب راجگی نام برآورده بجلدوی خدمات پسندیده بمنصب چهار هزاری

ممتاز

سرافراز شده در سنه ۱۱ بدفترداری از تغیر عمدت خان ملا عبد اللطیف
مقرر گردیده در سنه ۱۲ بخطاب رائی رایان دیانت رام و در سنه ۱۱ به سوبالی رکاب
نام برآورده از تغیر عاقلخان در سنه ۲۰ بخواهش خود در سار... در سنه ۲۱
از آنجا آمده بدیوانی کل دکن از تغیر دیانتخان و بمنصب هزاری صد و پنجاه
سوار مقرر گشته در سنه ۲۲ تغیر گردیده در سنه ۲۳ بدیوانی اکبرآباد از تغیر شیخ عبد الکریم
لوای مهاجرت برافراخته و بمنصب هزاری رسیده در سنه ۲۷ بدیوانی دوت
شد راجه دی پی تخمید زمیندار کیلو از زمینداران صوبه لاهور در سنه ۱۷
عالمگیری باره از وطن آمده بمنصب و بخطاب راجگی و عطای خلعت
و فیل و خنجر مرصع با علاقه مروارید و اولیسی دهوکهی مرصع سرافراز گردیده
بود دیگر احوال او معلوم نشد رای دهرمنگد داس در اوایل عهد عالمگیری
بمنصب و بخطاب رای سرافراز بود و در سنه ۹ نهم بدیوانی ملکوکن از
ه بود راو دلپت ولد سبهکرن سندیله در
در سنه ۲۲ باضافه منصب و در سنه
والفقار خان بهادر بود در
ص در سنه ۱۱ در فتح قلعه جنجی

نوبت ملازم در سنه شاہجہانی بمنصب دو ہزاری و بخطاب راجگی
سرافراز شده بود در سنه بعد فتح جهجهار سنگه ولد مهاراجه نرسنگه دیو
به راجه رتن بعطای زمینداری انده چهه از تغیر او بمنصب سه ہزاری
ذات و سوار سرافراز شده بعد بدولت انده چهه در سنه نهم بپایمرد
عادلخان ثانی بعلاقه سعد خان بهادر رسیده در اکثر معارک ترددات
شایسته نموده در سنه ۱۹ و در سنه ۲۰ در مهم بلخ و بدخشان تا مدت یکسال
از بنگاه کارهای عالمانه کرده مصدر بلاشهای نمایان گشته بمنصب
سه ہزاری دو ہزار پانصد سوار دو اسپه سه اسپه رسید در سنه ۲۳ و در سنه ۲۵
و در سنه ۲۶ و در سنه ۲۷ بعلاقه مهم قندهار شده در سنه ۳۲ در جنگ بالواهره
مهاراجه جسونت سنگه بود در سنه احد عالمگیری در جنگ کهجوه
باشاه شجاع مصدر ترددی کرده بفوجداری بهلواره بعوض راجه عالم سنگه
مقرر گشته در سنه سوم بعد عزل فوجداری بعلاقه مهم راوکرن شده
تا سنه ۱۳ در کابل وغیره خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

رای رایان دیانت رام برج نام گجراتی نوکر ارادت خان بود در سنه
شاہجہانی بمنصب و بخطاب برنات رای و دفترداری خالصه
سرافراز

منصب و خطاب راجگی سربلند بود در سنه سی ام متعین راجه بیربر شد
در کارزار با افاغنه کابل بکار آمد رای درگا از راجپوتان عمده رانا اودی سنگه
در عهد اکبری بمنصب دو هزاری سرافراخته در سنه ۲۶ ترددی نموده در سنه ۲۸
در ایام تعیناتی خانخانان در جنگ با مظفر گجراتی تلاش مردانه کرده از عقب
آمده غنیم را دو دله نموده باعث هزیمت غنیم گردیده در سنه جهانگیری بمنصب
چهار هزاری مامور شده در سنه فوت کرد راجه دهر ولد رام چند بگهیله زمیندار
باندهون در سنه ۳۷ اکبری بعد فوت پدر بمنصب و خطاب راجگی سربلند
بود انجام حال او معلوم نشد راجه درجودهن پسر راجه رامچند زمیندار
باندهون در سنه ۴۲ اکبری بحمایت قلعه باندهون و عطای راجگی و منصب
سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد راجه زهر دهر در سنه احد
جهانگیری در ایلغار بعد سلطان خسرو باغی در رکاب بود دیگر احوال او
معلوم نشد رای دلپت ولد رای رای سنگه زمیندار بیکانیر در عهد اکبری
منصبی داشت و ترددها نموده در سنه احد جهانگیری در ایام بغی سلطان خسرو
راه بغی پیموده بعد منه التجا بعفو تقصیر آورده در صوبه دکن خدمت می نمود
بمنصب هزار و پانصدی سرافراخته و در سنه ۸ جهانگیری بعد فوت پدر
بمنصب

گری سرافراز بود صدی بادشاهزاده داراشکوه او را پیش خود داشته بودند
در سنه سی ام بخطاب رای نام برآورده داخل بندگان بادشاهی شده خدمت
می نمود در سنه گذشت راجه جسونت سنگه بندیله ولد در اواسط
عالمگیری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه ۱۲ به پسران
چست بندیله مامور گردیده در سنه ۲۹ بمعیت همت خان کشته بود دیگر احوال
او معلوم نشد راجه جی سنگه ولد راجه لس سنگه کچهواهه زمیندار نیر
در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز شده در
سنه ۴۵ خدمت می نمود در سنه ۴۶ هنگام تعیناتی شاهزاده بیدار بخت بهادر
در جلدوی تردد فتح قلعه کهلنا که بحکم انصاف بدستیاری راجه مذکور
شده بمنصب دوهزاری دوهزار سوار سرافراخته خدمت می نمود
در عهد بهادر شاه بادشاه ترقی نموده در عهد محمد شاه بادشاه بمنصب هفت
هزاری ذات و سوار و بخطاب سرمهاراجه دهراج و بنظم اکبرآباد مالوا
نام برآورده در سنه رفت حرف د راجه دیب چند
زمیندار منجهولی در اوایل عهد اکبری بمنصب و بخطاب راجگی سربلند و در سنه ۱۸
در الکای گجرات ترددی نموده بود راجه درپکد سنگه در اواسط عهد اکبری

و دست انداز بهالسار برادری محلی نموده و باغوای داراشکوه سرکشیده
انجام کار بذریعه مرزا راجه جی سنگه کچهواهه بصدور فرمان مشتمل بر عفو تقصیر
و تقرر نظم گجرات از رفاقت داراشکوه دست برداشته در سنه ۲ بحالی
خطاب مهاراجه که بنابر تقصیر مذکور تغیر یافته بود مامور گردیده در سنه ۴ بکومک
امیر الامرا شائسته خان ناظم دکن مامور شده در تخریب ولایت سیوا مرهته
دقیقه فرو نگذاشته در سنه ۸ بحضور رسیده در سنه ۹ همراه بادشاهزاده محمد معظم
بمقابله شاه عباس ثانی والی ایران رفته بود از اثنای راه خبر رحلت شاه
مذکور برگشته آمده در سنه دهم بعد بادشاهزاده مذکور که بنظم دکن مقرر شده
بودند گردیده در سنه ۱۲ بتهانه داری جمرود از مضافات کابل نام بر آورده
در سنه ۱۷ در راول پندی بهنگام ورود رایات والا از آنجا از جمرود آمده بعطای
فیل با ملا سر امتیاز یافته در سنه ۲۲ در آنجا زندگانی را جواب داد بعد فوت او انجه
در میانه افواج بادشاهی و رتهوران درآمد ها و القای قتال و جدال اتحاد ذکر سرکشش
طولی دارد راجه جرت جادون در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی
و بخطاب راجگی سر برافراخته در سنه ۲۲ بعد مهم قندهار گردیده در سنه سی‌ام
فوت کرد رای حکمهان برهمن در عهد شاهجهانی بمنصب و منشی
گری

در رکاب بوده در سنه ۲۱ تعلق مهم قندهار شده حسب الحکم در کابل

اقامت گزیده بحلهٔ دو هزار سوار داده در سنه ۲۵ در سفر کابل در رکاب

بوده در سنه ۲۶ بمنصب شش هزاری شش هزار سوار چهار هزار دو اسپه

سه اسپه و در سنه ۲۷ بخطاب مهاراجه و در سنه ۳۲ در سنه ایام ولیعهدی

بادشاهزاده داراشکوه هنگام رخصت بمقابله بادشاهزاده عالمگیر

بمنصب هفت هزاری شش هزار سوار پنجهزار دو اسپه سه اسپه سربر

افراخته بود چون در ناحیه مالوا بادشاهزاده مذکور صف آرا گردید حرب صعبی

رو داد که مثل مکند سنگه هادا و مادهو سنگه هادا و سجان سنگه سیسودیه و لد

جس سنگه گور و دیگر مندهای متعینه و بسیار از راجپوتان نامی جو در آگره برای تمک

رایت مهر و اسعلا برافراشته جانسپار شد تا سی هزار بهر بکشتن داده آخر

بمبالغه و سماجت دیگر رفیقان از میدان رو بر تافته بوطن رفته بعد از آنکه

سریر خلافت بجلوس جهان عالمگیری رونق یافت بر لب آب ستلج

ملازمت نموده بعنایت خلعت خاصه با نادری و شمشیر و جمدهر مرصع

و با انعام کرور دام و بدیگر عطایات مباهات اندوخته در جنگ شاه شجاع

وقت شب از لشکر بادشاهی بعزم بر هم زدن افواج عالمگیری برخاسته

دراواسط عہد شاہجہانی بمنصب بمصدی بخطاب راناسرافراز بود
در سنہ ۱۶ فوت کرد راجہ جی رام ولد راو انوپ سنگہ بدہ سنگہ کوجر منصبے
داست و در سنہ ۲ شاہجہانی خدمت می نمود در سنہ ۱۱ بعد فوت پدر بمنصب
ہزاری و بخطاب راجگی و در سنہ ۱۹ بجایزہ تردد در مہم بلخ باضافہ پانصدی و در سنہ
ششم بمنصب دوہزاری ہزار و پانصد سوار سربلند شدہ در سنہ ۲۱ درگذشت
مہاراجہ جسونت سنگہ دو یمین پور راجہ گجسنگہ بن راجہ سورج سنگہ
بن راجہ اودی سنگہ معروف بموٹہ راجہ زمیدار جودہ پور در سنہ ۱۱ شاہجہانی
بعد فوت پدر بنابر تعلقے کہ پدرش با والدہ او بود بخلاف قاعدہ راجپوتیہ
کہ رواج باولین پسر میدہند بعطای زمینداری جودہ پور و خطاب راجگی
واصل و اضافہ بمنصب چہارہزاری چہارہزار سوار او در ہماں سال
بعنایت خلعت باوجی سرافراز شدہ در سنہ ۱۳ باضافہ ہزاری ذات و سوار
و در سنہ ۱۴ باضافہ ہزار سوار دو اسپہ سہ اسپہ نام برآوردہ در سنہ ۱۵ ہمراہ سلطان
داراشکوہ بکومک ناظم قندہار رفتہ در سنہ ۱۶ مراجعت نمودہ بوطن رخصت
گشتہ در سنہ ۱۸ در اجمیر از وطن آمدہ ملازمت کردہ بوطن رفتہ در سنہ ۱۹ در لاہور
ملازمت نمودہ باضافہ ہزار سوار دو اسپہ سہ اسپہ مباہات اندوختہ در سنہ ۲ در سفر کابل
در رکاب

بعد تعین گردیدن افواج قاهره در ضلع گوندوانه کشته شد و زنان

و دختران و پسران برادر او اسیر آمدند رای جسونت رام کهتری

در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب و خطاب رای سرافراز بود در سنه ۳ بخدمت بخشیگری

احدیان و در سنه ۹ بمنصب هزاری و بفوجداری آگروی آب اگراباد و در سنه ۱۵

دیوانی خالصه از تغیر بهار امل سربلند شده بود جگت راج بکرماجیت

ولد راجه جهجهار سنگه بندیله بمنصب دوهزاری سرافراز بود در سنه ۲ شاهجهانی

بتقصیر کوتاهی در سد راه خانجهان لودی باغی که از راه بندیل کهند بدکن

رفته بود معاتب شده در سنه سوم که خانجهان از دکن برگشته در بندیل

کهند رسیده مشار الیه که در وطن خود بود بتدارک آن کوتاهی بمقابله

خانجهان آمده در باختن همراهی او را در میدان کشته بجلدوی آن بخطاب

نام برآورده در سنه ۶ که رایات بادشاهی از دکن مراجعت نمود در بندیل

کهند ملازمت کرده در سنه ۸ هنگام تعینات دکن همراه خانزمان با بیجاپوریان

حرب صعب نموده در سنه ۸ در تعینات شاه شجاع در آنجا تلاشها کرده

در سنه ۹ با تحای پدر از آنجا فراری شده برگردیده در وطن رسید همراه پدر راه

بغی پیموده در ضلع گوندوانه کشته شد رانا جوجه زمیندار امرکوت

درسنهٔ جهانگیری در حیات پدر بمنصب دوهزاری وبخطاب راجگی سر بر
افراخته خدمت می نمود درسنهٔ احد شاهجهانی بخطاب راجه جهجهار سنگه نام بر
آورده بود بهم احوال او اید نوشته خواهد شد رای جگمال ده راٹهور در عهد
جهانگیری بمنصب سه صدی وبخطاب رای سرافراز بود درسنهٔ ثانی شاهجهانی
همعنان دکن شده درسنهٔ سوم فوت کرد رانا جگت ولد رانا کرن
بن رانا امر سنگه زمیندار اودیپور درسنهٔ احد شاهجهانی بعد فوت بمنصب
پنجهزاری پنجهزار سوار سر برافراخته لشکرش بحضور آمده بود رانا بدکور درسنهٔ ۲۱
فوت کرد راجه جهجهار ولد مهاراجه نرسنگدیو بندیله در عهد جهانگیری به
منصب دوهزاری وبخطاب راجه جگراج سربلند بود درسنهٔ احد
شاهجهانی بمنصب پنجهزاری وبخطاب راجگی بنام خود سرافراز شد
بعد از چندی روز راه بغی پیموده انجام کار گوشمال رسانیده بادای
چهار ده لک روپیه پیشکش بمعرفت مهابتخان رانه ملک معروض
عفو گردیده بمنصب چهار هزاری ذات وسوار بحال گشته درسنهٔ سوم
مکرر بخطاب راجگی نام برآورده خدمت می نمود درسنهٔ ۸ بار راه بغی پیموده
راجه نراین زمیندار گدیه را بحال گسته بر زمیندارانش متصرف شده بود
بعد

در جنگ دوم دارا شکوه تردد نمایان نموده مصاف او چلو ریز ساخته وقت
رخصت بانعام لک روپیه مباهات اندوخته در سنه اول از نواح قندهار دستگیر
آورده بانعام دو صد اسپ و فیل مع ساز نقره و جل زربفت باده
فیل و خلعت خاص و بهجی مرصع سر بفلک برده در سنه سوم سلیمان
شکوه را بمعرفت خود از خود ره پر بهی سنگه زمیندار سرینگر آورده در سنه
بانعام کرور دام دیگر مامور گشته در سنه ششم در سفر کشمیر در رکاب بود
در سنه ۱۴ هنگام رخصت دکن بنوازش خلعت خاص با نادری و شمشیر مرصع
دیگر صد اسپ از آنجمله یک اسپ عربی و عراقی یکی با زین و ساز طلا
و فیل خاصه با ملایر در سنه ۲۳ محاصره قلعه سیوا مرهته در آوردن سه دسته
قلعه و محالات حاصل نموده و پنجلک روپیه از تصرفش در سنه نهم
بحضور باضافه دو هزار سوار بمنصب هفت هزاری ذات و سوار دو اسپه
سه اسپه والا پایه گشته در سنه نهم عنه عادلخان هر انچه نامزد نمود کار زارهای
شدیدی نمود لوای فیروزی بر می افراشت اگر بر بهم سیوا مرهته خرج شده
بود از پیش خود پیشکش نموده در سنه دهم در برهانپور فوت کرد راجه جگراج
جهجهار سنگه نام ولد مهاراجه بر سنگه دیو بندیله زمیندار اندچه منصب داشت

بار رسیدن ناظم نام برادرده درانجا رسیده بمهمات دکن می پرداخت ازانجاکه
خاندوران بعد رسیدن حضور رخصت دکن در لاهور بمدت یکی ازغلامان
خود گذشته شد راجه مشار الیه در سنه ۱۹ بار رسیدن ناظم دیگر بسرداری مهمات آنجا
مامور مانده در سنه ۲۰ بطلب حضور و تعین مهم بلخ و بدخشان گردیده بخلعه دو هزار
سوار داده در سنه ۲۱ صد اولی مهم بلخ همراه بادشاهزاده عالمگیر سرانجام نموده در سنه ۲۲
هنگام تعیناتی در مهم قندهار بر دو ها کرده در سنه ۲۳ بچاره سه مفسدان کامان بهاری کوه
مجاهد بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه مامور گردیده در سنه ۲۵ بار تعین
مهم قندهار شده در سنه ۲۶ بعد رسیدن آنجا همراهی شاهزاده عالمگیر برداشت
سال کرده در سنه ۲۶ همراه داراشکوه بار تعین مهم قندهار شده در سنه ۳۲ در ایام ولی عهدی
داراشکوه بمنصب هفت هزاری لوای مفاخرت برافراخته بمقابله شاه شجاع
رفته منهزم گردانیدن ایشان ازانجا بقصد روانه حضور عالمگیری شد در اکبرآباد
بعد فتح عالمگیر بادشاه و شکست داراشکوه که در اکبرآباد تردد رو داد ملازمت نموده
بانعام کرور دام مورد نوازش گردیده بتعاقب داراشکوه مامور گشته لیکن از تعاقب
بسیار طلب حضور و بوعده دو ماه بوطن رخصت شده بار حاضر شدن
در جنگ شاه شجاع از وطن شتافته بفاصله دو روز بعد فتح در کهور ملازمت کرد
در

صعب نموده در سنه که رایات عالیات سعادت ججهار سنگه بندیله در دکن

رونق افراشتند همراه خاندوران بهادر نصرت جنگ بتسخیر قلاع دکن مامور گشته

در سنه ۹ در کارزار های آنجا همچو نهنگ بدریای خونریزی درآمده خصوصاً

در فتح قلعه ناگور را جلوی نموده حمله کرده در قلعه درآمده لوای فیروزی

برافراخته در سنه ۱۰ بحضور آمده باضافه هزار سوار مباهات اندوخته بمنصب

سه هزاری پنجهزار سوار رسیده بوطن رخصت شده در سنه ۱۱ بحضور آمده

همراه شاه شجاع بکابل رفته در سنه ۱۲ در سفر کابل در رکاب بوده در

لوسهره بخطاب میرزا راجه چهره امتیاز برافروخته و در سنه ۱۳ بوطن

دستوری یافته در سنه ۱۴ بحضور آمده بکابل تعین گردیده در سنه ۱۵ تعین

مهم جگت سنگه شده در فتح قلعه مئو و طش تردد کرده باضافه

هزار سوار دو اسپه سه اسپه علم مباهات برافراشته بعد اتمام این کار

درهمین سال همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده رخصت

وطن حاصل نموده در سنه ۱۸ هنگام ورود رایات بادشاهی در اجمیر از وطن

آمده بحلیه پنجهزار سوار داده بوطن رفته در سنه ۱۸ چون خاندوران ناظم

دکن شده بود راجه مذکور بصدور فرمان همراهی د

مطرح نوازش شده در سنه ۱۹ همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۲۶ مرا
جعت نموده و در سنه ۱۸ معین مهم بلخ و بدخشان گردیده و در سنه ۲۱ در حدود
بلخ جوهر بسیار نموده بکرمااوزبکان او پرشنها کرده غالب مانده بعد مرا
جعت از بلخ در سنه ... فوت کرد مرزا راجه جی سنگه ولد راجه مها سنگه
بن جگت سنگه بن راجه مان سنگه کچهواهه زمیندار امبر بعد فوت پدر در
در سنه ۱۲ جهانگیری بعمر بیست سالگی بمنصب هزاری و در سنه ۱۶ بعد فوت
پدر مرزا راجه بهار سنگه عم پدر خود چون او را پسری نماند بعطای زمیندار
امبر و بمنصب دو هزاری و خطاب راجگی در سنه ۱۹ بحضور بکلدوی تردد
در جنگ با سلطان خورم باغی بمنصب سه هزاری سر بر افراخته در
سنه احد شاهجهانی بمنصب چهار هزاری نام بر آورده در سنه ... خانجهان
لودی باغی مامور گردیده در سنه سوم در تعاقب او در دکن ترددات
نمایان نموده در سنه ۴ همراه اصفخان بعاس بالاگهات شده در سنه ۵ بحضور آمده
بخطاب گوشواره مروارید امر و یافته در سنه ۶ روزیکه فیل مست بر باد
شاهزاده عالم گردیده بود برچه برخرطومش زده مورد عنایت گردید
همراه شاهزاده شجاع بعاس دکن گشته در سنه ۸ ... الکر کارزارها
صعب

در سنه دهم جهانگیری بمنصب هزاری و بعطای زمینداری از تغیر سورج مل برادر
کلان خود که او راه بغی پیموده بود بخطاب راجگی و در سنه ۱۵ به سهواه پرگنه دهمری
سربلند شده بود در سنه ۱۸ راه بغی پیموده چون راجگی به مادهو سنگه برادر سوم مقرر
فرار یافت ندامت کشید و بالتجای تمام پیش آمده در سنه ۱۹ تقصیرش مقرون
بعفو گردیده بعد ازان سررشته انقیاد بدست داشته خدمت شایان می کرد
بعد رحلت جنت جهانگیری همراه اصحاب در جنگ با شهریار باغی تردد
نموده در سنه احد شاهجهانی بمنصب سه هزاری دو هزار سوار مباهات اندوخته
خدمت می نمود و در سنه ۲ بضبط ملکش با مال از تغیر الوالبقا مقرر شده
در سنه ۱۱ همراه افواج بادشاهی که بعزم تصرف قندهار رو اوتی و عده علی
مردان خان تعین شده بودند با فوج کثیر قزلباش با مردم قلیل جنگ
دست و گریبان نموده ظفر یافت که بمنصب سه هزاری سه هزار
سوار نام بر آورده مکرر بهنگام تسخیر قلعه بست داور برد دادت نمایان
کرده در سنه ۱۲ بضبط هر دو ملک و در سنه ۱۳ بفوجداری کانگره مباهات
اندوخته و در سنه ۱۵ برای اظهار جلادت همرکاب سعید خان بهادر بغی
نموده بعد کارزار شدید که دفتری سحر بران می ماند چون التجا بدرگاه آورد

در سهرند ملازمت نموده معزول شده در سنه سوم بفوجداری اناوا مقرر گشته

در سنه ۸ تغیر گردید از پیمان بآن جهان سپل کرد حرف ج

راجه جگناتهه ولد راجه بارهمل کچهواهه زمیندار امبر در سنه ۶ اکبری در نواح

اجمیر از وطن آمده ملازمت نموده بود بمنصب سرافراخته در اکثر معارک تردد

شایسته نموده در جایزه خدمات پسندیده بخطاب راجگی و در سنه ۴۵ بمنصب

پنجهزاری نام بر آورده تا سنه ۲ جهانگیری خدمت میکرد راجه جگت جادون در اوایل

بمنصب سربراهی فراخته خدمت میکرد و در سنه ۳۲ متعین مهم رانا کرند

زمیندار اندو چنانچه بجایزه نیکو خدمتی تا در سنه ۱۲ بمنصب هزاری سرافراز گردیده

خدمت می نمود در سنه ۸ جهانگیری عوض تقصیری در کار بادشاهی بعزل

حاکم سر باوه بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه چتر بهوج ولد جا جمکن

از زمینداران صوبه مالوا در سنه ۴۴ اکبری بعد فوت پدر بمنصب و خطاب

راجگی سرافراز شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد راجه کرن در سنه

دهم جهانگیری بمنصب و خطاب راجی سرافراز و در مصاف با عنبر حبشی

سپه سالار نظام الملک در مملکت دکن مصدر تردد شده بود دیگر

احوال او معلوم نشد راجه جگت سنگه ولد راجه باسو زمیندار دهمیری

در سنه دهم

داشت که خواجه منصور واصلاب حساب دم ساعرمی ارد و همین ساعت
انحراف و خلاف شده و میشود و اخر کار خواجه ارس سخت کری لعد اند راجه
در سنه ۲۶ بحضور آمده بدستور سابق بمنصب اشراف دیوان بحال گردیده ملک بپایه
وکالت رسیده و متکفل سرانجام تمامی اشغال خلاف اکبری شده دامن همت
لطمع الوده نموده در سنه ۲۷ برای ابادی ملک و تخفیف زاید ارده رعایا و
انسداد طریق خیانت ضوابط و قواعد مقرر گردیده لسی معامله فهمی
درست نموده یادگاری گذاشت در جلدوی خدمات رسیده در سنه ام
بمنصب چهار هزاری سربرافراخته در سنه ۳۱ لعد کشته شدن راجه بیربر
افاغنه کابل بتعاقب گشته لعد که چندی بطلب حضور گردید در سنه ۳۴ در لاهور
فوت کرد راجه درراستی و درستی و دیانت و انجاح مهمام منفرد بود رای
ترداس کتهری در سنه ۳ اکبری بمنصب و خطاب رای سرافراز بود
در سنه ۲۹ بخطاب راجه بکرمال جست نام برآورده همه احوال او در حرف با
نوشته شد راجه تودرمل روره افضلی در سنه ۱۳ ساهجهانی بمنصب هزاری
و در سنه ۱۹ بخطاب رائی معاملات اندوخته و باضافه پانصدی و در سنه ۱۲ بخطاب
راجگی هم در سنه مذکور بمنصب دوهزاری سربلند گردیده بود در سنه احد عالمگیری

بعد فلیحان بکومک راجہ رسیدہ بود فتح نمایانی یافتہ در سنہ ہشتم بعد صلح
کہ خلاف راجہ مذکور منعم خان باداود کردہ بود بحضور آمدہ مشرف دیوان شدہ
بسرانجام مہمات دیوانی پرداختہ در ہمان سال چون بسبب فوت شدن
منعم خان ملک بنگالا بتصرف داود رفتہ بود باتفاق خانجہان ناظم آنجا
برای سزای داود ولد سلیمان کرانی شتافتہ در جنگ باداود مذکور در رک
محل ظفر یافتہ از سر نو ملک رفتہ بدست آوردہ در سنہ ۲۱ بحضور آمدہ بعد چندی
بکومک وزیر خان ناظم گجرات یافتہ در جنگ با مرزا مظفر حسین جعسانی
بعد حرب صعب فیروز مند گشتہ بحضور آمدہ سرگرم مہمات امر خطیر وزارت
بشرکت خواجہ منصور و مظفر خان گردیدہ در سنہ ۲۳ الوس اعانہ را بحسن
تدبیر ارسحاب باطراف روان گردانیدہ در سنہ ۲۴ برای تصحیح نسخہ دہ سالہ
ممالک محروسہ کہ بسبب تصحیح بدل برغایا و سپاہ گرید مرسد جدو
جہدی نمودہ بود لاکن در ہمان سال نسخہ را باتمام کہ انسدہ تحدکاری ممالک
سرشرفت و خواجہ این نسخہ را باتمام رسانیدہ راجہ مذکور بعد رسیدن
انجا چون با معصوم خان فرنخودی و دیگر باغیان بہار مقابلہ رو داد بنابر آنکہ
دوست و دشمن معلوم نمیشد تحمل و تامل بکار بردہ در سنہ ۲۵ بحضور معروض
داشت

اوزبک باغی و در سنه ۱۰ هم در تادیب بهادر خان سیستانی باغی و در سنه ۱۲
در کوهستانی سکندر خان اوزبک باغی و هم در فتح جونپور و در سنه ۱۴ باوجود صاحب
حل و عقد مهمات وزارت بود در تسخیر قلعه رنتهنبور و در سنه ۱۷ در فتح قلعه سورت
تردد ات نمایان نموده در سنه ۱۸ برای تنقیح کردن جمع دامی به گجرات رفته در
همان سال بعد سرانجام این خدمت بحضور آمده بتسخیر صوبه بهار تعین
شده بپاس عنایت بلند مرتبه گردید که دفترداران راجه مذکور بدستور سابق باشد
که رقم عزل بر حال او کشیده نباید چون در فتح قلعه پتنه در سنه ۱۹ ترددهای شایسته
کرده بود بعطای نقاره نام بر آورده باتفاق منعم خان بتسخیر بنگاله رفته بهره دور دست
رفتن دفترداران راجه بیست بار خان و رای رام داس مهمات وزارت سربراه
می نمودند راجه بعد تسخیر ملک مانده مصاف صوبه بنگاله باتفاق محمد قلیخان
برلاس مصروف شد داود حاکم بنگاله بود ناگهان محمد قلیخان در گذشت
و فتوری عظیم در لشکر بادشاهی راه یافت راجه استقامت سردارانه
نموده بقصد دلهای رفته پرداخته بمقابله داود شتافته در جنگ با داود مذکور
در منزل تکروئی در حدود داودپور با وجود کشته شدن خان العالم هراول منعم
خان و زخمی شدن حاجی محمد خان و سید لشکر خان دو برابر منعم خان که

مرزا راجہ جی سنگہ کچھوانہ زمیندار انبر در سنہ عالمگیری چون مدرس درجانہ جنگ کشتہ شدہ در ایام جناب راجہ رام سنگہ پسر خود بمنصب ہزاری سرافراز شدہ بود آینده بعد فوت راجہ مذکور بمنصب دو ہزاری و پانصدی و بہ خطاب راجگی سرافراز در سنہ ۳۲ بہ بہارہ داری سینے وطن جانان مقرر گشتہ و در سنہ ۲۵ گدہ سو کر متعلقہ سرکار متھرا مفتوح کردانیده بعد ازان بفوجداری متھرا نام برآورده در سنہ معزول گشتہ در سنہ فوت کرد راوبده سنگہ ولد بده سنگہ زمیندار بوندی در اوجہد عالمگیری بمنصب و خطاب راوی سرافراز شده در سنہ بقصر کوتاہی در جنگ کابل بعزل مدار برگنہ موسراسه بامعه بود در عہد محمد شاہ بادشاہ فوت کرد راجہ بجی سنگہ در اوجہد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سربلند شده و متعین صوبہ بنگالہ بود بعد رحلت آنحضرت ہمراہ شاہزاده عظیم الدین ناظم الحال در ہندوستان آمده بود دیگر احوال او معلوم نشد حرف ت

راجہ تودرمل کہتری از ابتدای عہد اکبری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز و محرم امور راز بود در سنہ سارو سب منزلت بقصر راجہ کشن سنگہ زمیندار سعاف کنانیده در سنہ نہم در ایلغار سہ عبد الرحمن الدجان اوزبک

وخطاب راوی سرافراز و مصدر تردد بود دیگر احوال او معلوم نشد راو
بهاو سنگه ولد راو سرسال ناد ادر سنه احد عالمگیری از وطن آمده بمنصب
سه هزاری دو هزار سوار و خطاب راو سرافراز شده همراه ولی عهد پادشاه
شجاع مقرر گشته ترددات نمایان نموده بمنصب چهار هزاری نام برآورده
همراه معظم خان معین بنگاله شده در سنه ۲ بحضور آمده و در سنه ۳ معین امیرالامرا
شایسته خان ناظم دکن گردیده هنگام فتح قلعه چاکنه زیاده از همه بندهای متعینه مصدر
جانفشانیها شده در سنه ۹ همراه دلیرخان روهیله هنگام تحصیل پیشکش زمیندار
چانده ترددی نموده بود رای بهگونداس در اوایل عهد عالمگیری بمنصب
و دیوانی اکبرآباد داشت و در سنه ۳ بخطاب رای سرافراز شده در سنه ۴ دیوان
بنگاله بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه نرم سنگه ولد راجه مال سنگه
زمیندار کوالیار بیجاپور در سنه ۹ عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز
شده تا سنه ۱۶ خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد راجه بهیم سنگه
ولد راناجگت سنگه در سنه ۲۴ عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سرافراز
شده آینده بکاره خدمات رسیده بمنصب پنجهزاری رسید در سنه ۳۱
بعدم رفت راجه بشن سنگه ولد کنور کشن بن راجه رام سنگه بن

از امصال ودر حال مقرر شده در سنه ۹ با ضافه هزاری بمنصب پنجهزاری امتیاز
یافته در سنه ۱ ملازمت کرده بوطن رفته در سنه ۱۱ بحضور آمده و از قلعه داری
اکبرآباد معزول گشته در سنه ۱۹ هنگام تسخیر ولایت بلخ و بدخشان برف راه را بکار دو
جمعیت بریده وپسته ها در دا کسته از میانه راه بیرون انداخته بعد رسیدن آنجا کار
نامهای سپاهیگری را باد کار گذاشته بجلدوی آن بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار
دو اسپه سه اسپه رسید و در سنه ۲۲ تعین مهم قندهار گردیده بود در سنه ۲۵ فوت کرد
از اموال او ده لک روپیه نقد و اجناس بر آن بود به پسرانش معاف شد
راجه بهار سنگه ولد مهاراجه برسنگه بوندیله در سنه احد ساهجهانی بمنصب سه هزاری
وبکار تردد در مهم جهجهار سنگه بندیله بنوازش نقاره و در سنه ۳ در جلدوی
تردد در مهم خانجهان لودی باغی در دکن بخطاب راجگی سرافراز شده در سنه
همراه اصفهان تعین بالاگهات گردیده در سنه در مهمات الصوبه خدمت می
نمود در سنه ۶ هنگام فتح قلعه دولت اباد در محاربت بیجاپوریان که بکومک دو
لت ابادی آمدند تلاشهای کرده در سنه همراه شاه شجاع در کارزار بیجاپوریان
و در سنه در تعاقب جنگ راج پسر جهجهار سنگه که از بالاگهات بموجب امای
پدر سر افرازی شده بردید رفته بود تردد شایسته نموده بعد اتمام این مهم تعین خانزمان

راہور شدہ اکثر ترددات نمودہ در سنہ ۱۳ بعدم رفت راجہ بٹھلداس
ولد راجہ گوپال داس گور بنظر حقوق جانفشانی پدرش در سنہ احد ساہ
جائے بمنصب سہ ہزاری و در سنہ ۲ بجلدوی ترددات در کارزار با خانجہان
لودی باغی بر کنار آب چنبل کہ زخمہائے کاری برداشتہ بود بمنصب سہ ہزاری
دو ہزار سوار و بخطاب راجگی سرافراز شدہ در سنہ ۴ بقلعداری رنتھنبور نام
برآوردہ در سنہ ۶ بعض مہم قلعہ دولت آباد گردیدہ در سنہ ۶ بفوجداری اجمیر
بعز سرافراز گرانمایہ رسیدہ با وجود بفوجداری ہمراہ شاہ شجاع بنابر
تسخیر قلعہ پرینڈہ دکن تعین گردیدہ در سنہ ۸ در جنگ باجھجہار سنگہ بندیلہ تردد
نمودہ بحضور آمدہ بوطن رفتہ در سنہ ۹ از اجمیر طلب حضور گشتہ بتعاقب
جھجہار سنگہ باغی شتافتہ با دکن رفتہ در آنجا بتعین خاندوران در سنہ نہم
بہ سنہ دہم بحضور آمدہ ہمراہ معظم خان بخدمت دوم برای تسخیر ہندیرہ و مندیرہ
تعین گردیدہ بعد سرانجام این خدمت بحضور آمدہ باضافہ ہزاری ذات
و سوار و بمرحمت زمینداری دہندیرہ مباہات اندوختہ در سنہ دہم بوطن
رفتہ در سنہ ۱۱ بقلعداری اکبرآباد نام برآوردہ در سنہ ۱۳ در کابل ملازمت نمودہ
بوطن رخصت گشتہ در سنہ ۱۴ بحضور آمدہ با وجود قلعداری بنظم اکبرآباد از

بهرجی برما پسکه نام زمیندار بگلانه در سنه ۱۲ جهانگیری بعد رسیدن حضور بمنصب
ماصاعه هزاری جهار هزاری وخطاب راجگی سرافراز شده بوطن مرخص گردیده
در سنه سیوم شاهجهانی وقت ورود رایات شاهی در دکن ملازمت نموده در سنه ۱۲
رندکانی را جواب داد قاعده آنجا این است که هر که راجه میشود دیرا بهرجی ملقب شوند
اخر معلوم شد که همان راجه بهرجی است که در سنه ۲۰ اکبری بمنصب سه هزاری
سرافراز شد راجه بکرماجیت سندرداس نام برهمن از همراهان سلطان
خورم در سنه ۹ جهانگیری بمنصب وخطاب رای رایان ودر سنه ۱۲ بعد از
فتح قلعه کانگره بخطاب راجه بکرماجیت بلند رتبه شد در سنه ۱۴ و سنه ۱۵
در سیج قلعه مذکور تلاش نموده بود از تصرف هرسنگه ولد بلوچند بر آورده در
سنه ۱۶ در رفاقت سلطان خورم که دران ایام راه نعی پیموده بودند با اولیای
دولت جنگ کشته شد رای سوالداس در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب وخطاب
رای ومنصب قلیله سرافراز بود در عهد شاهجهانی بمنصب هزاری رسید
در سنه [illegible] فوت کرد مهاراجه بهیم سنگه ولد رانا امرسنگه زمیندار اودیپور در
سنه ۱۱ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب ودر سنه ۱۵ بخطاب راجگی سرافراز شد
در دکن ترددات مردانه نموده بمنصب پنجهزاری رسید بعطای خطاب

مهاراجه

پسر سیانه بالسنگه کچهواهه زمیندار امرد در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز
بود در سنه احد جهانگیری باضافه منصب و در سنه سوم بمنصب دو هزاری
سربلند گردیده و در سنه ۹ بعد فوت پدر باآنکه موافق قاعده راجپوتیه زمینداری
امیر بمها سنگه ولد جگت سنگه پسر کلان راجه بالسنگه مرسید از بنجهه که
مها سنگه در حضور معروض داشت که برادران مستحق زمینداری انبر اند دویرا
دالسه راجگی مقرر نموده اند که از حضور هم مقرر شود و این معنی بر طبیعت آن
حضرت گران آمد بهاوسنگه بعطای زمینداری و بخطاب میرزا راجگی و به
منصب چهار هزاری سرافراز شده و در سنه ۱۲ بمنصب پنجهزاری نام برآورده
در سنه ۱۴ متعین دکن شده بود در سنه ۱۶ از انجا رخت حیات بربست راجه
مرهی چند ولد رای منوهر من براس لون کرن زمیندار سانبهر در سنه ۱۱
جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب پانصدی و در سنه دهم بمنصب ششصدی
سرافراز شده در سنه ۱۵ در کارزار قلعه کانگره بمردانگی هنگامه آراند راجه بهیم بالای
زمیندار کدبه مضاف صوبه مالوا در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب
راجگی سرافراز شده بود در سنه ۹ شاهجهانی بمدد کار راجه جهجهار سنگه بندیله
کشته شد و بهمین تقصیر جهجهار سنگه بجزای اعمال خود رسید راجه

انجا منصب مختاری نام برآورده در سنه ۱ بحضور آمده بمنصب سه هزاری

و بخطاب مهاراجه امتیاز یافته در همان سال ظاهرا العدم رفت راجه

برمارامن دیو گوجر در اوائل عهد جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب راجگی

سرافراز شده خدمت می نمود در سنه سوم شاهجهانی فوت کرد رای کمارسین

در اوائل عهد جهانگیری بمنصب رای سرافراز بود در سنه ۲ بکمک

احدیان و در سنه ۱۲ بصوبه دکن مامور بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه

بهارت بندیله نبیره رامچند پسر راجه مدهکر دمدار اندوخته در سنه جهانگیری

بعد فوت جد خود بمنصب ششصدی و بخطاب راجگی سرافراز شده بکاره

بردداب در سنه منصب هزار و پانصدی مباهی گردیده در سنه احد شاهجهانی

منصب سه هزاری و در سنه سوم در تعاقب خانجهان لودی باغی بدکن شتافته

در سنه ۴ همراه خاندوران در فتح قلعه قندهار دکن ترددات نموده همراه اصفخان

به بالاگهات تعین شده در سنه ۵ که بحراست ملک ملکاپور مقرر بود بکرر

بالولادستدی مصالح قلعه‌دار الکنور دو چوردی نمود ظفر یافت کشته قلعه را

مفتوح نموده زن و دختر و مادر بولا را دستگیر کرد بکاره این فتح بمنصب

چهارهزاری مباهات اندوخته در سنه ۹ فوت کرد میرزا راجه بهاو سنگه

پسر مانه

مقرر شده تردد نموده و بدیوانی صوبجات و اسباح قلاع نام برآورده و در سنه ۱۲

قلعه مادهو ل بعد محاصره هشت ماه و هشت روز و وقوع اوربرشهای سخت مفتوح

گردانیده آمد بخطاب رای رایان و در سنه ۱۳ بدیوانی کل حضور مباهات

اندوخته در سنه ۱۶ بمنصب سه هزاری و در سنه ۱۸ بکار و سعه برسنگدیو بندیله به

منصب چهاری و بخطاب راجه بکرماجیت سرفلک سوده در سنه احد

جهانگیری بسرآتش مقرر گردیده و در سنه مهمات گجرات مامور گشته در سنه در دکن

ترددی کرده تا سنه دهم خدمت می نمود مهاراجه برسنگدیو بندیله باره دوکمان

پور راجه مدهکر رسدار اندوخته در حرکه منتسبان بود در جلدی حرامی که در سنه ۱۸

اکبری بموجب ایمای جهانگیر بادشاه نقل شیخ ابوالفضل کرده بود در سنه احد

جهانگیری بمنصب سه هزاری و نعمات رسداری اندوخته بخطاب راجگی

سرافراز شده در سنه ۲ با سه برادر زاده های خود بوطن رفته در سنه ۳ مع مهم رانا

و در سنه ۸ همراه خانجهان متعین مهم رانا و دکن گردیده و در سنه ۶ بمنصب چهار هزاری

سربرافراخته در سنه دهم از انجا بوطن رفته بموعد مقرر دراینجا رسیده در همان

سال همراه شاه نوازخان در جنگ عنبر حبشی در دکن تردد نموده در سنه ۱۵

در کارزار با دکنیان بسبب اوبرس طرفهای کشته بکاره ترددات

رای بهگوان داس در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و بخطاب رای سرافراز بود بعد برکار
دانی تا سنه‌های دراز مقرر گردیده خدمت می نمود در سنه ۲۶ بعدم رفت
رای بهوج ولد رای سرجن هادا در سنه ۲۲ اکبری بمنصب هزاری سرافراز گشته
خدمت می نمود بعد فوت پدر بخطاب رای و بعنایت زمینداری
بوندی سرافراز شده در اکثر یساق ترددات نمایان نموده تا سنه ۴۸ در مهم رانا
خدمت میکرد انجام حال او معلوم نشد راجه باسو زمیندار دهمری از زمینداران کو
هستان پنجاب در سنه ۳۱ اکبری بعد تنبیه بجادهٔ عقیدت محمودی آمده بمنصب و بخطاب
راجگی سرافراز شده خدمت می نمود در سنه احد جهانگیری باضافه هزاری و بالصدی نام
برآورده در سنه ۶ بسرداری لشکری که بنابر تنبیه رانا امر سنگه زمیندار اودیپور
گردیده بود مقرر گشته در سنه ۹ در تهانه شاه آباد در حدود رانا فوت کرد راجه
بکرماجیت ولد راجه بلبهدر زمیندار باندهون بعد فوت پدر که در سنه ۴۳ اکبری رو داده
بود در سنه ۴۴ بحضور آمده بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز گشته خدمت می نمود
و در سنه ۵ جهانگیری راه بغی نموده بود بضبط جاگیر گوشمال یافته در سنه ۱۱ معرفت
سلطان خرم بتقصیر مذکور معفو گردیده تا سنه ۱۴ تردد می کرد انجام حال
او معلوم نشد اول بهیم زمیندار جگت مضاف صوبه اجمیر در عهد اکبری

اکبرآباد مدتی کتاب سعادت تردد نمایان که مافوق آن باشد نموده در سنه ۲۱
در فتح قلعه چتور و در سنه ۱۲ در عهد میرزا ابراهیم حسین در ناحیه سکار و در سنه ۱۷
در کارزار میرزا محمد حسین در گجرات بذات خود شمشیرها زده در سنه مذکور
بعد فوت پدر بخطاب راجگی سرافراز گردیده در سنه ۲۲ در تسخیر قلعه
تردد کرده و در همه اوقات در حضور بوده بنظم مهمات پرداخته در سنه ۲۹
که آنحضرت بصوب گنجهای سلطان سلیم با دخترش بخانه او تشریف
برده بودند ضیافت امرای عظام با احدیان و شاگرد پیشه فرداً فرداً
بتوزک و تکلف تمام نموده در رسوم شادی از جانبین قاعده را صورت
بعمل آورده از بطن او سلطان خسرو متولد شد در سنه سی ام بنابر تسخیر
ولایت کشمیر تعین گشته بسرانجام آن نموده و هم در سنه سی ام بمنصب
پنجهزاری و بخطاب امیرالامرا نام برآورده در سنه ۳۲ در لاهور بحکام نظم الکافت
کرداروی [illegible] [illegible] واقع ترددات و دولتخواهی راجه مذکور در گفت
راست مانده رای سرکهوم در سنه ۱۹ اکبری بمنصب و بخطاب رای [illegible]
مصاحب اعتماد حضور سرافراز و بمنزله پیشکار وزارت بود آینده بحکومت
بنگاله مقرر شده و در سنه ۲۵ بمنصب بمقابله قاقشالان باغی در آنجا کشته شد
رای

نموده و در دولتخواهی و خلوص عقیدت یگانهٔ آفاق گردست باسم
خدمت می کرد و در اکبرآباد فوت کرد راجه سربرهمن برهمن است نام از
نوکران راجه رام چند بگهیله زمیندار باندهون متوطن ممالک سرقیه در ابتدا
تعریف می کرد اسد و بعنوان شاعری در مجلس بهشت آیین بار یافته باضافه
به سفارش احدی باوج عزت رسید بمنصب و خطاب راجگی سرافراخته
نویم دالس محصل خاص شده بمنصب دو هزاری رسیده بود در سنه ۳۰ بموافقت
راجه بدلور و کیل راجه کجلی که نزدیک ولایت سواد است کار وی از بواد در روی کار
نمودکار کرده انید که اگرچه اباس مساس نماید معاصحت سود ابوالفضل
نوشته است که حضرت میفرمودند ده صد کس که بهلاکت رسیده بودند ازین
آن کار صحت یافته اند و تا حال در کارخانه پادشاهی موجودست آنحضرت بنابر
توجه مفرط مکر ریخانه او لشکر برده بودند در سنه ام به صله اقامه کابل مامور
گردیده بنابر خود رائی در جنگ با افاغنه الحال با سه هزار نفر کشته شد از همت
او چه بولند که ادنی خمس او هزار اشرفی بود راجه بهگوان داس ولد
راجه بهارامل کچهواهه زمیندار امبر در سنه ۶ اکبری ملازمت نموده بمنصب
سرافراخته در سنه ۸ درکار زار با مفسدان احمدآباد مصاف صوبه

راجگی سربراواخته در سنه ۳۶ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴ به حکام طغداری بدکهیلا
بمنصب سه هزاری و بالصدی سربلند شده در عهد محمد شاه بادشاه رخت حیات
بربست راجا رام کور در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی
سرافراخته بود در سنه احد بهادر شاه به منصب هزاری نام برآورده بود ::

حرف ب راجه بهارا مل

والد بهار راج کچهواهه بسردار امر مصاف صوبه اجمیر در سنه احد اکبری بعد
ورود و دیدار طلب برطبق عرض محمول حال خاقال بافرزندان خود ملا
زمت نموده بود در ربکه بوطن رخصت می شد حضرت بر فیل مست
سوار بودند فیل از شورش مستی بهرطرف میدوید و مردم بکسو میشدند
لوسیاں فیل سمت طرف راجپوتان هم دوید راجه معه فرزندان خود
استاده ماندند این معنی بانحضرت بسیار خوش آمد و براجه فرمودند که ترا
نهال خواهیم کرد راجه در عهد ایشان بمنصب و خطاب راجگی سرافراخته
خدمت نمود و بخلدوی تردد سال سته بمنصب پنجهزاری نام برآورده
در سنه ۶ دختر خود را بعقد ازدواج آنحضرت داده کار از بطن او برعم صاحب خلاصه
التواریخ جهانگیر بادشاه متولد گردید راجه مذکور در اکثر معارک مردانه جانفشانیها
نمود

سال در سنه ۲ تعین مهم قندهار گردیده خدمت می نمود در احد عالمگیری بسبب
الم زخمهای معرکه که در رفاقت سلطان سلیمان شکوه مقابله شاه شجاع برداشته
بود فوت کرد راجه انوپ سنگه ولد راجه امر سنگه زمیندار باندهون در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب و خطاب راجگی سرافراز
عهد شاهجهانی بمنصب و خطاب راجگی سرافراز و در سنه سی ام بمنصب
سه هزاری دو هزار سوار و دو اسپه سه اسپه نام برآورده در سنه عالمگیری تعین
صوبه مرصع دستار کج نهاده بود راو کهراج زمیندار سروهی مصاف صوبه
گجرات در احد عالمگیری بخطاب راوی سرافراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد راجه انوپ سنگه راتهور ولد راو کرن راتهور زمیندار بیکانیر
در سنه دهم عالمگیری بمنصب دو هزاری بالصدی دو هزار سوار و بعطای نقاره
از تغیر پدر و بخطاب راوی سرافراز شده اکثر مصدر خدمات شایسته
گردیده در سنه سی ام بکار و تردد در فتح قلعه بیجاپور بخطاب راجگی و بفوجداری
سکهانام برآورده تا سنه ۳۷ خدمت می نمود در سنه ۳۱ ارتحال راجه
اودی سنگه ولد کسن سنگه در سنه ۱۳ عالمگیری بمنصب و خطاب راجگی سر
افراز بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه راج سنگه بن راو امر سنگه راتهور
بن راجه گج سنگه منصبی داشت در سنه ۲۲ عالمگیری بعطای زمینداری جود

بور

هزار و پانصدی کار رسیده بود در سنه ۱ جلوس عالمگیری پای عتاب آمده و در سنه ۳ مورد مرحم
گردیده در سنه دهم بجاگیر برده و بلاکش دریعه اقامه یوسف زئی مطرح انظار
مرحمت خاقانی شده بود انجام حال او معلوم نشد راجه امر سنگه ولد راجه
جرام دیو گوجر در سنه ۲۱ شاهجهانی بعد فوت پدر بمنصب پانصدی و
بخطاب راجگی سربلند شده در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۱۷ بعلاقه مهم قندهار کرده
بود انجام حال او معلوم نشد راو امر سنگه چندراوت پسر راو چاندا زمیندار رام
پوره و در سنه ۲۴ شاهجهانی بعد فوت راو روپ سنگه ابن عم خود چون او پسر نداشت
بمنصب هزاری و بعطای زمینداری و بخطاب راوی سرافراخته در سنه ۲۶
در مهم قندهار تردد نموده در سنه ۳۰ بار بعلاقه قندهار شده بمنصب هزار و پانصدی
سرافراخته در سنه ۲۹ باضافه پانصدی نامبرآورده بعلاقه دکن گشته در سنه ۳
دو عالمگیری باضافه پانصدی و در سنه ۵ بمنصب ۳ هزاری سپاهی گردیده بود
انجام حال او معلوم نشد راجه بتهلداس گور منصبی داشت در سنه ۱۲
شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۱۹ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۵
بعد فوت پدر بمنصب ۳ هزاری سه هزار سوار دواسپه سه اسپه
و قلعداری رنتهنبور بدستور پدر و بخطاب راجگی سرافراز شده در ...

احوال او معلوم نشد راجه اودی بهان ولد راجه گردهری رای سال دربار کچهوایه

در اوایل شاهجهانی بمنصب سه صدی سربلند تا سنه هشتم خدمت می نمود دیگر

احوال او معلوم نشد راجه اندرمن زمیندار دهندیره در اوایل عهد شاهجهانی

بمنصب دو هزار پانصدی سرافراز بود و در سنه ۹ زمینداری او براجه بهمل داس

کور مرحمت شده در سنه احد عالمگیری مورد مراحم خاقانی گردیده باضافه

پانصدی و تعینات زمینداری سربرافراخته آمده بمنصب چهار هزاری

نام برآورده تا سنه هشتم نام برآورده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

امر سنگه راتهور اولین پور راجه گج سنگه بن راجه سور سنگه بن راجه اودی

سنگه معروف به راجه زمیندار جوده پور در سنه احد شاهجهانی از وطن آمده

ملازمت نموده در سنه ۲ بمنصب دو هزاری و پانصدی از اصل و اضافه سر

برافراخته در سنه ۹ تعین سید خانجهان باره برای تنبیه جهجهار سنگه بندیله

گردیده بکاپره گردد انجا بمنصب سه هزاری نام برآورده بعد انجام این کار تعین

خاندوران بهادر گشته در سنه نهم در انجا تردد نموده در سنه دهم بحضور آمده در سنه ۱۱

تعین شاه شجاع بمهم ناگرش شد بعد فوت پدر باضافه هزار سوار و بخطاب راو بالا

اندوخته در سنه ۱۲ در سفر کابل در رکاب بود در سنه ۱۴ تعین کابل گردیده در سنه ۱۵

در اوایل عہد شاہجہانی بمنصب منصدی و در اواسط عہد بمنصب ہزاری و در سنہ ۱
به تکلوطه و در ۱۲ باضافہ بانصدی سرافراز شدہ در سنہ ۲۳ گکرته الکلوطے از تغیر اہرلم مقرر گشتہ
بود در سنہ ۲ وفات کرد آقا یوسف از غلامان علیمردان خان در سنہ ۲۴ شاہجہانی به
منصب پانصدی و در سنہ ۱ بمنصب ہزاری و تعلقداری لاہور و در سنہ ۳ ام بدار و غلی چیلہای
ترک مغل خان سرافراز شدہ در احد عالمگیری باضافہ منصب پانصدی مامور شدہ بود دیگر
احوال او معلوم نشد یوسف ولد ملک عمر در اوایل عہد شاہجہانی منصبی داشت در اواخر عہد
بمنصب ہزاری مامور گردیدہ بود انجام حال او معلوم نشد یعقوب ولد دلاور در اواخر عہد
شاہجہانی بمنصب ہزاری سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد یرالی سوسم حسعلیجان الله ویردیخان
در سنہ احد عالمگیری بمنصب ہزاری و پانصد سوار سرافراز شدہ بود انجام حال او معلوم نشد
یادگار حسین برادر یوسف خان در اواخر عہد شاہجہانی بمنصب منصدی و در سنہ دہم عالمگیری
بمنصب ہزاری سربلند شدہ بود انجام حال او معلوم نشد

باب دوم در ذکر احوال امرای ہنود فصل اول در ذکر آنہائی کہ
بخطاب راناء مہاراجه و راو و رای راجاں یافتہ اند حرف
الف راجہ اسکرن برادر راجه بہارامل کچھوانہ زمیندار امیر دراوایل
عہد اکبری بمنصب و بخطاب راجگی سرافراز گشتہ خدمت می نمود در سنہ ۱۲

در سنہ

دیگر احوال او معلوم نشد **حرف ه** سید هاشم
ولد سید محمود خان باریه در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در اکثر معارک
شمشیرهای زده در سنه ۲۱ مثل قلعه الوکده و راجپوتانه فتح نموده در سنه ۲۹ در کارزار
گجرات در جنگهای خانخانان در صف جنگ با مظفر حاکم زاده گجرات
مردانه شهید شد که یادگار روزگار است سید هدایت الله ولد سید احمد
قادری در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب و بدیوانی قندهار رفت و در سنه ۳۰ بمنصب
هزاری و در سنه ۱۲ با اضافه پانصدی و بصدارت کل الی استقلال جلال بخاری
و در سنه ۲۶ با اضافه هزاری سرافراز شده در سنه احد عالمگیری بدستور سال
در سنه سوم بطالبه ده هزار روپیه قانع گردیده بود در عهد الشان در
گذشت هاشم کاشغری منصب داشت در سنه ۲ شاهجهانی بجایزه تردد
در مهم قندهار بدخشان بمنصب هزاری سرافراز شده خدمت می نمود
در سنه ۲۲ در گذشت **حرف ی** سید یعقوب
ولد سید کمال بخاری در سنه ۵ جهانگیری بمنصب سه صدی و در سنه احد
شاهجهانی در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری و پانصدی سر برافراخته
خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد یحیی ولد سعید خان جهانگیرشاهی

گجرات از تغیر ضد بحال مبالمات اندوخته بود انجام حال او معلوم نشد مجاهد

داد فیروز جالوری در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب شش صدی و در آخر عهد بمنصب

هشت صدی داشت و در سنه ۲۴ بفوجداری ملن سرافراز گردیده بود انجام حال او معلوم

نشد حکیم محمد امین شیرازی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری نور سرافراز

شده ماکسه بسوم خدمت نمود در عهد الثان بعدم رفت میر محمد خان ثانی

شاهزاده مراد بخش در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت

انجام حال او معلوم نشد سید مسعود مادر دارا شکوه در سنه احد عالمگیری

بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده اکثر مصدر تردد گردیده بود انجام حال او

معلوم نشد منور زمیندار ضلع صوبه بنگاله در سنه ۲ عالمگیری بمنصب

هزاری سر برافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ن نظر بی حاکم اوراجی ولایت

در سنه سوم اکبری از انجا آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او

معلوم نصر الله و ... عالمگیری بمنصب هفصدی و در

... ده پانصدی و ... اری اکبر سرافراز

... ن ... عهد جهانگیری

منصبی داشت در سنه ۱۲ باز انتقال از اصل منصب هزاری سر برافراخت در سنه ۱۴

بنابر تصفیهٔ عقبه‌های راه کشمیر مامور شد در سنه ۱۸ بکاینه نزد در جنگ با

سلطان خرم باغی منصب دوهزاری نام برآورده در سنه ۲۱ خدمت می نمود

در احدیث شاهجهانی سعی مهابتخان شده در سنه کشتی کند کد ریت سنگ

راهور که پدرش را در عهد جهانگیری کشته بود قالب تهی ساخت نورالدین قلیخان کست

میر نورالله هروی در اوایل عهد شاهجهانی منصب دوهزاری و به تهانه داری کوچ حو

سرحد بنگاله سرافراز بود در سنه ۱۱ بکام تهانه داری انجا منصب سه هزاری

سر برافراخته در سنه ۱۴ رتبدگانی را جواب داد منصب سرایی قدیمی در اوایل

عهد شاهجهانی منصب هزاری سربلند بود در سنه ۱۸ در گذشت میر انور

خلد میرزا احمد صفوی در اوایل عهد شاهجهانی منصب منصدی داشت در سنه ۱۱

منصب هزاری و در سنه ۱۳ قلعه‌داری کول از تغیر نجابتخان و باضافه هزاری هزار و چهارصد

سوار و در سنه ۱۵ منصب دوهزاری دوهزار سوار و در سنه ۱۹ منصب دوهزار و پانصدی و صد

دوکس بیگی انتقال راهد خلا و در همین سال منصب سه هزاری سرافراز گردیده

تحصیل مهم بلخ و بدخشان شد در فتح قلعه غوری مرد ذکر کرده و در سنه ۲۰ تحت کلادی تردد

نمایان در مهم بلخ و بدخشان منصب سه هزاری دوهزار و پانصد سوار و در سنه ۲۲ منصب چهار

هزار

گجرات از تغیر رضوی خان مهمات اندوخته بود احکام حال او معلوم نشد محمد جابر

ولد میرزا صالوری در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب بیست و شش صدی و در آخر عهد بمنصب

هشت صدی داشت و در سنه ۴ بفوجداری ملی سرافراز گردیده بود احکام حال او معلوم

نشد حکیم محمد امین شیرازی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری نو سرافراز

شده تا سنه سوم خدمت نمود در عهد آن بعدم رفت میر محمد خان ناظر

شاهزاده مراد بخش در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت

احکام حال او معلوم نشد سید مسعود باربه دارا شکوهی در سنه احد عالمگیری

بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده اکثر مصدر تردد گردیده بود احکام حال او

معلوم نشد منور زمیندار ضلع صوبه بنگاله در سنه هشتم عالمگیری بمنصب

هزاری سر برافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد ۞ ۞ ۞ ۞

حرف ن نظر بے حاکم اهراجی ولایت

در سنه ۳ اکبری از انجا آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او

معلوم نصر الله ولد فتح الله بیر بحسے در سنه ۳ جهانگیری بمنصب هفتصدی و در

سنه ۵ بفوجداری سرکش در سنه ۱۲ بمنصب هزار و پانصدی و قلعداری اکبر آباد سرافراز

شده دیگر احوال او معلوم نشد نور الدین علی صفاهانی در اوایل عهد جهانگیری

منصب هزاری و پانصدی سیصد سوار اضافه خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد
سید محمود ولد خاندوران بهادر در سنه ۱ شاهجهانی بمنصب و در سنه ۱۸ بعد فوت
پدر بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان تردد نموده
بود و در سنه ۲۰ باضافه پانصدی مباهات اندوخته و در سنه ۲۳ در مهم قندهار تردد کرده در سنه
سی ام جلوس عالمگیر در لاهور فوت کرد مبارک رشید ولد سبحان خان شاهی
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۳ بعد فوت پدر بمنصب صدی
و در سنه ۱ بمنصب... و در سنه ۱۹ بمنصب هزاری سوار واحد خدمت می نمود در سنه ۲۶ باتحاد
رفت مراد خان پسر سلطان گکر ولد اکبر قلی خان سلطان در سنه ۱۱ شاهجهانی
بمنصب هزاری هزار سوار سرافراز تعین کابل گردیده در سنه ۱۹ تعین مهم
بلخ و بدخشان گشته در سنه ۲۰ تردد در آنجا باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۲۵
تعین مهم قندهار شده در سنه ۲۶ بعد ... کابل مقرر گردیده ... تعین
کابل گشته تا سنه دهم عالمگیری در آنجا بود انجام حال او معلوم نشد سید مقبول
عالم ولد سید عالم بارهه در اواسط عهد شاهجهانی منصب هزاری داشت در سنه ۱۹ تعین
مهم بلخ و بدخشان گشته در سنه ۲۵ در سنه ۲۶ تعین مهم قندهار شده در سنه ۱ ام تعین دکن شده در
عهد عالمگیری تا سنه ۳ در دکن خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد میرک

شیخ

جهان بانجهان رفت میرزا مظفر کرمانی از ابتدای عمری در سنه احد شاه
جهانی بمنصب چهار هزاری و در سنه ۱۶ بفوجداری اجمیر سرافراز بود دیگر احوال او
معلوم نشد سید مبارک قدیمی بود در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز
بود و در سنه نهم ازینجهان بانجهان رفت مرتضی قلی برادر جانسپار خان
ترکمان منصب داشت در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز خدمت می نمود
در سنه دهم ازینجهان بانجهان رفت سید میران داماد سید جلال صاحب قلعه
سعوبده در سنه ۱۴ شاهجهانی بمنصب هزاری برافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او
معلوم نشد منصور ولد محمود خان صاحب قلعه کالپه همراه پدر حضور در سنه شاه
جهانی بمنصب دو هزاری هزار سوار سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مظفر
حسین دومین پسر محمود خان مذکور در سنه شاهجهانی بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت
می نمود دیگر احوال او معلوم نشد محمد علی کامرانی منصب داشت در سنه شاهجهانی بمنصب
هزاری سر برافراخته خدمت می نمود در سنه ۲ فوت کرد محب عاری در اواسط
عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت می نمود در سنه ۱۲ بآخرت سرا
رفت حاجی محمد یار اوزبک در سنه نهم شاهجهانی از توران آمده بمنصب چهار صدی
سربلند گردیده در سنه دهم باضافه صدی و در سنه ۱۶ بمنصب هزاری و در سنه ۲۱

از ولایت آمده بمنصب سرافراز گشته خدمت می نمود در سنه ۸ بمنصب هزاری نام
برآورده در سنه احد جهانگیری بمنصب سه هزاری هزار سوار سرافراز شده در سنه ۸ درگذشت
میر خلیل ولد میرزا قربان بن محمد قلی خان ترکمان در سنه ۹ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب هزاری
هزار سوار سربلند شده در سنه ۱۱ درگذشت میرمیران ولد میر خلیل نبیره حقیقی میر غیاث
الدین علی نعمت الله در سنه دهم جهانگیری بعمر بیست و دو سالگی از ایران آمده بمنصب دو هزاری
در سنه ۱۵ بنظم دهلی و باضافه پانصدی سرافراز گردیده در سنه ۱۶ معزول شده در سنه ۱۷ بعدم رفت
میرک جلایر در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت و متعین بنگاله بود در سنه ۱۵
بمنصب هزاری سرافراز گشته خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد محمد مراد
ولد مقصود میران از قدیمان میرزا سلیمان گورکانی در اواسط عهد جهانگیری بخدمت سلطان
خرم بود در سنه ۱۸ هنگام یاغی ایشان جدا شده بحضور آمده بمنصب هزاری سرافراز شد
و بفوجداری اجمیر مقرر گشته خدمت نمود دیگر احوال او معلوم نشد حکیم مومنای شیرازی
در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه ۱۸ بجلدوی علاج الحضرت بمنصب
هزاری سرافراز گردیده در سنه شاهجهانی بسالانه شانزده هزار روپیه قناعت
گزیده در سنه ۱۸ بمنصب مذکور بحال مانده در سنه ۵ بجایزه علاج اکبرآبادی بحال
باضافه پانصدی نام برآورده خدمت می نمود در عهد ایشان از
جهان

خود رسیده شده در سنه ۳۹ بمنصب هزاری و بوصلت شاهزاده خانم دختر ال
حضرت ارجمند گشته خدمت می نمود انجام حال او معلوم میرزا مظفر حسین
ولد میرزا سلطان صفوی حاکم قندهار در سنه چهلم اکبری بنابر خوف شاه عباس والی ایران
دولت سپرده بحضور آمده باحترام تمام که تا سه منزل امیران نامدار در ورود ملازمت بادشاه
زاده باستقبال رفته بودند بار دیگری یافته بمنصب پنجهزاری سربلند شده خدمت
می نمود در سنه ۴۴ باتفاق خواجگی فتح الله بنابر شبهه دلمستان تعیش شده بعد تدبه آنها
لیے از خواجگی مذکور آزرده گشته فراری گردیده از راه دستگیر آمده مقید شد و در سنه ۴۶
رخت حیات بربست دخترش در سنه جهانگیری بسلطان خرم قبل از
کدخدائی با ممتاز الزمانی منسوب گشته بود خواجگی محمد حسین برادر خرد قاسم خان میربحر
در سنه اکبری همراه برادر از کابل آمده بمنصب سر برافراخته خدمت نمود و خدمت بکاولی
داشت در سنه ۴۶ بمنصب هزاری نام برآورده در عهد جهانگیری به نیابت نظم صوبه کشمیر
از طرف هاشم خان برادر زاده خود ممتاز شده در سنه رحلت کرد محمد قلی ترکمان
در سنه ۴۳ اکبری منصب داشت و در سنه ۴۷ حکومت کشمیر داشت در سنه مذکور بمنصب هزار
و پانصدی و در سنه ۴۸ بفتح تمامان در جنگ با علی رای حاکم تبت نام برآورده بود انجام
حال او معلوم نشد حکیم مظفر اردستانی نایب شاه طهماسپ در عهد اکبری

بنگاله و در سنه ۲۹ بمنصب هزار و پانصدی و سه صد سواری کوچ حاجو که مهمهای حد بنگاله گشت
سرافراخت در سنه احد عالمگیری با برادر کی شاهزاده محمد شجاع در املاک سار انجا
برحاکسه بود انجام حال او معلوم نشد حرف م
خواجه منصور شیرازی در ابتدا مشرف کرام کارخانه بادشاهی بود بعد ازان نزد منعم
خان رفته بمدار المهام او شد در سنه ۲۱ اکبری پس از فوت خان مذکور بحضور طلب
گشته بمنصب هزاری و بخدمت وزارت کل سرافراخته بنابر سخت گیری
خرد و بزرگ را رنجانیده در سنه ۲۵ باتهام اغوای میرزا محمد حکیم برادر خورد آنحضرت
بقتل آمد و بعد خبرگیری چون بی تقصیری او ثابت شد حضرت
خیلی تاسف فرمودند میر مرتضی از امرای حاکم هزار در سنه ۳۰ اکبری بحضور
آمده بمنصب هزاری سرافراخته خدمت می نمود و اکثر مصدر ترددات شده
در سنه ۳۳ قلعه کابل مفتوح گردانیده و در سنه ۴۴ بمنصب دو هزاری نام برآورده
بود انجام حال او معلوم نشد میرزا مظفر حسین ولد میرزا ابراهیم حسین
گورگانی که نسب او بده واسطه بحضرت اکبر بادشاه میرسد بعد
ازانکه پدر و عمش میرزا محمد حسین بجزای اعمال خود رسیده بود و در سنه ۲۲ اکبری
محمد خان حاکم خاندیس او را دستگیر نموده فرستاده بود در سنه ۲۴ العفو تقصیر
خود رسید

متعین خواجه ابوالحسن شده بود در سنه ۱۹ بمنصب هزاری هزار سوار سرافراز شد
در ۲۰ سنه اسلام قلعداری قلعه اودگیر فوت کرد   کالنجان افغان در سنه احد عالمگیری به
منصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   حرف ل
لاجین قاقشال منصبی داشت در سنه ۶ جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود
دیگر احوال او معلوم نشد   لطف الله خان در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت
در سنه ۱۸ بجلدوی تردد در کارزار سلطان خورم باغی بمنصب هزار و پانصدی
جده اسوار برافروخته بود دیگر احوال او معلوم نشد   لطف الله بیگ میانه
لشکر خان مشهدی در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت در سنه ۸ بمنصب
هزاری نام برآورده در سنه ۱۰ تعین خاندوران بهادر شده در سنه ۱۳ بخشیگری
و واقعه نگاری بالاگهات مقرر گردیده در سنه ۱۵ باجرت سرا رفت   لطف الله
در اصل خطاب بود الله ولد سعید خان بهادر در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت
در سنه ۱۵ بجائزه تردد در مهم راجه جگت سنگه در ان ایام باغی بود بمنصب هزاری
سر بلند شده در سنه ۱۹ در معرکه اوزبکان در بلده بلخ بعد حرب صعب که چشم
عالمیان ندیده باشد باهزاران مردانگی مشهور شد   میر لطف الله شیرازی در اواسط
عهد شاهجهانی منصب پانصدی داشت در سنه ۲۰ بمنصب هزاری و بداروغگی لواره

٭ ٭ ٭

معلوم نشد **قطب** ولد شجاعت خان سید جعفر در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب

هزاری سربلند بود در سنه ۲۱ فوت کرد **میر قاسم** سمنانی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب

و در سنه ۲۵ بداروغگی توپخانه سرکار و بمنصب هزاری سرافراز گردیده و در سنه ۲۹ بتحصیلداری

مالوا مامور شده تردد می نمود انجام حال او معلوم نشد **سید قطب بخاری** در سنه ۳۵

شاهجهانی حسب العرض بادشاهزاده محمد شجاع بمنصب هزاری هزار سوار و

تهانه داری کوچ هاجو از تغیر سید حسن ولد سید دلیر خان بارهه سرافراز شده با سنه احد عالمگیری

خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد **قطب الدین** سفیر توران که در حضور

نامه والی آنجا آورده دستوری یافته بکابل رسیده بود در سنه ۱۴ عالمگیری از آنجا

استدعای نوکری نموده بمنصب هزاری چهره امتیاز برافروخته خدمت می نمود

دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ک

سید کمال ولد سید حامد بخاری در اوایل عهد جهانگیری منصبی داشت

در سنه احد در کارزار با سلطان خسرو باغی ترددی که مافوق تصور باشد

نموده بجلدوی ترددات مردانه باضافه پانصدی بمنصب هزاری و حکومت

دهلی سرافراز شده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد **کرم الله**

ولد علیمردان بهادر در سنه احد شاهجهانی بمنصب نهصدی داشت و در سنه سوم

علم

نبیرهٔ داراو است عهد شاهجهانی بمنصب دوهزاری سرافراز بود دیگر احوال
او معلوم نشد حرف ق خواجه قاسم
مخلص از ولایت در رکاب همایون بادشاه آمده در سنه احد اکبری بمنصب
سرافراخته بمحاصره تردد در کارزار با هیمون بمنصب چهار هزاری نام برآورده تا
سنه خدمت می نمود در عهد ایشان درگذشت قباق قدم احمد بیگ تورچی
ندیم [illegible] بود در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۹ و در سنه ۱۷ تردد نا نموده
و در سنه ۱۹ بتعینه بنگاله شده تا سنه ۲۰ در اکثر معارک بنگاله ترددات کرده در سنه ۱۳ متعینه
صادق خان ناظم ملتان بود هنگام محاصره قلعه سوانا برن در سنه مذکور بقتل آمد
شد قاسم ولد سید محمود خان باره در عهد اکبری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در تردد
لباس سپاهی گری بلند آوازه گردیده در اکثر معارک گجرات و در سنه [illegible] لاهور
و در ایام تعینای خانخانان در جنگ با مظفر حاکم زاده گجرات شمشیرهای نمایان زده
بحکومت [illegible] نام برآورده در سنه ۴۴ در دکن فوت کرد سید قاسم ولد سید لاد باره
در اوایل عهد جهانگیری منصب داشت در سنه ۱۱ بمنصب هزاری سرافراخته خدمت
می نمود انجام کار او معلوم نشد خواجه قاسم قلیچ خانی در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب
و در سنه ۱۵ بپدار [illegible] عرض مکرر و در سنه ۱۸ بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او

دو هزاری و فوجداری چکله سهرند از تغیر راجه بود مل روره سربلند شده در سنه ۲

در انجا رحلت کرد سید علی اکبر باربه به منصب هفتصدی داشت در سنه احد

عالم گیری به منصب هزاری مباهات اندوخته تا سنه ۹ برده بود دیگر احوال او معلوم نشد

عمر بن منصب پانصدی داشت و در سنه ۲۶ شاهجهانی فوجداری سوات در سنه ۲ فوجداری

در سنه احد عالم گیری به منصب هزاری و فوجداری کرنال و غیره سرافراخته تا سنه ۲ خدمت

می نمود دیگر احوال او معلوم نشد سید عبد القادر العزیز از نوکران بادشاهزاده مرادبخش

در سنه احد عالم گیری به منصب هزاری سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد میر عزیز بردلکا

شکوه در سنه احد عالم گیری به منصب هزاری سرافراز شده بود ملا عوض وجیه ساکن

احسک در سنه ۲ شاهجهانی از توران آمده در سنه ۹ اصالت اردوی معلی واسب در

سنه ۲ عالم گیری به منصب هزاری و خدمت احتساب سرافراخته در سنه

معزول شده بنابر تعلیم بادشاهزاده محمد اعظم مقرر گشته در سنه ۲ فوت کرد

میر عماد خواهرزاده خلیفه سلطان در سوم عالم گیری از ایران به منصب هزاری

سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید علی محمد از نوکران عادلخان حاکم

بیجاپور در سنه ۶ عالم گیری به منصب دو هزاری سرافراز شد دیگر احوال او معلوم نشد

میر عزیز بدخشی در عهد شاهجهانی به منصب هفتصدی داشت در سنه ۴ از

عدالت

عدالت مقرر گردید در سنه بمنصب هزاری نام برآورد در سنه ۱۰۹۱ بکرمان رفته
در سنه نهم بعد مراجعت فوت کرد محمد بابا حاکم بصره در سنه عالمگیری به
منصب هزار و پانصدی سرافراز شده دیگر احوال او معلوم نشد عبدالقادر دکنی
در سنه ۲۱ عالمگیری بمنصب دو هزاری سرافراز شده بود عبدالله پسر خوانده نور الحسن
حاکم حیدرآباد در سنه بمنصب چهار هزاری سرافراز شده بود علی نقی نواسه
شاه عباس در سنه ۲۲ عالمگیری از ایران آمده بمنصب سه هزاری سربلند بود دیگر احوال
او معلوم نشد حرف غ میرزا غازی ولد
میرزا جانی حاکم تهتها در عهد اکبری از طرف پدر خود نیابت نظم الصوبه سرانجام
می نمود در سنه ۱۰۰۸ بعد فوت پدر بصدور فرمان نظم انجا سرافراخته وطلب حضور
گردیده بار خلافت الحضرت در اکبرآباد بود در سنه احد جهانگیری بمنصب پنجهزاری
نام برآورده بکومک شاه سلیمان بالطم قندهار رفته در سنه با وجود نظم تهتها نظم قندهار
از تغیر سردار خان مقرر گشته در سنه در انجا رحلت نمود سید غلام محمد بخاری در اوایل
عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند بود در سنه درگذشت غلام محمد افغان
منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود انجام حال او
معلوم نشد غیاث افغان منصبی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده

دو ہزاری ولفوجداری چکلہ سہرند ازتغیر راجہ بود در سال رود ہ سرپلند شدہ در سنہ ۳
در انحا رحلت کرد سید علی اکبر بارہہ بہ منصب ہسصدی داشت در احد
عالم گیری منصب ہزاری مباہات اندوختہ تا سنہ ۹ بردوے بود دیگر احوال او معلوم نشد
عمر بن منصب بالصدی داشت در سنہ ۲۶ شاہجہانی فوجداری سوات در سنہ ۲ فوجداری میسہ
در احد عالم گیری منصب ہزاری ولفوجداری کرناٹک و سحور سربرافراختہ تا سنہ احد مت
می بود دیگر احوال او معلوم نشد سید عبد القادر العزیز از نوکران بادشاہزادہ مراد بخش
در احد عالم گیری منصب ہزاری سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد میر عز بردلرا
شکوہ در سنہ احد عالم گیری منصب ہزاری سرافراز شدہ بود ملا عوض وجیہ ساکن
احسک در سنہ ۳ شاہجہانی از بوران بہ آمدہ در سنہ ۹ اصابے اردوی معلی داشت در
سنہ ۳ عالم گیری منصب ہزاری و خدمت احتساب سرافرازگشتہ در سنہ
معزول شدہ بنابر تعلیم بادشاہزادہ محمد اعظم معزز گشتہ در سنہ ۳ فوت کرد
میر عماد خواہرزادہ خلیفہ سلطان در سوم عالم گیری از ایران منصب ہزاری
سرافراز شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد سید علی محمد از نوکران عادلخان حاکم
بیجاپور در سنہ ۶ عالم گیری منصب دو ہزاری سرافراز شد دیگر احوال او معلوم نشد
میر عزیز بدخشی در عہد شاہجہانی منصب ہسصدی داشت در سنہ ۴ از عالمگیر

عدالت

و مخصوص اباد سربلند گردیده و در سنه ۳۳ در سکاله فوت کرد خواجه عبدالخالق داماد

ندر محمد خان والی بلخ در سنه ۳ شاهجهانی ایلچی آمده منصب سه صدی و در سنه ۲۱ منصب

هزاری سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد سید عالم باره در اواخر عهد شاهجهانی

منصب هزاری سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد شیخ عبدالوهاب خویش لشکر خان در

اواسط عهد شاهجهانی منصب سه صدی و در سنه ۸ منصب هزاری و فوجداری دامنی

کوه مردوال و مخصوص اباد سرافراز گردیده در سنه ۳۳ در سکاله فوت شد خواجه سید

عبدالمقتدر پسر سید مرتضی خان منصبی داشت در سنه ۱ در سنه ۲ شاهجهانی تعلق

مهم قندهار گردیده بکاره تردد در سنه ۲ باضافه منصب و در سنه ۲۱ فوجداری جراباد در

سنه ۲۹ منصب هزاری سربلند شده انجام حال او معلوم نشد عبدالله بیگ

شزاری در اواخر عهد شاهجهانی منصب هزاری سرافراز بود در سنه ۱ عالمگیری قلعداری

ماهولی مقرر شد دیگر احوال او معلوم نشد شیخ عبدالکریم بهاسری منصبی داشت

در سنه ۳ شاهجهانی ... رای شاهزاده داراشکوه و در سنه ... بدیوانی

... ساه ... منصب هزاری

... اسم ... بدیوانی

... احد عالمگیری به منصب

و در سنه ۲۶ بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۷ بجایزه تردد در مهم قندهار بمرحمت علم سرافراز شد
در سنه ۲۸ ازین جهان میل کرد عبدالرحمن سلطان ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۲۱
شاهجهانی بمنصب چهار هزاری سربلند شده در سنه ۲۳ برای رسانیدن متعلقان پدر به بلخ رسیده
بود و در سنه ۲۵ همراه سلطان سلیمان شکوه منسوب گردیده در سنه احد عالمگیری بمنصب
سه هزاری نام برآورده تا سنه ۱۳ خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد سید عبدالرسول
ولد عبدالله خان بهادر فیروز جنگ در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲۵ بمنصب
هزاری و در سنه ۲۶ بفوجداری سرکار مضافه صوبه بهار سرافراز شده در سنه ۲۹ معزول گردیده در سنه
سی ام بتعین دکن شده فوت کرد خواجه عنایت الله نقشبندی خسر پور عبدالله خان
فیروز جنگ در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت و در سنه ۹ بدکن و در سنه ۱۹ در مهم بلخ
تردد نموده در سنه ۲۱ همراه رکاب سعید حسن ملکیان و بمنصب هزاری سرافراخته
در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ بتعین مهم قندهار و در سنه سی ام همراه بادشاهزاده عالمگیر بتعین دکن شد
در سنه ۳ عالمگیری در تعیناتی داود خان ناظم بهار کارزار با شاه شجاع تردد نموده بود
انجام حال او معلوم نشد سید عالم بارهه در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب هزاری
سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالوهاب خویش لشکر خان در اواسط
عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۳۲ هزاری و بفوجداری دامن کوه سردوان
و مخصوص

صف شکن خان قزلباش در قندهار باضافه پانصدی بمنصب دو هزاری و پانصدی مباهات
اندوخته در سنه ۲۴ بتعیناتی صوبه بهار گردید و در سنه ۲۵ همراه دارا شکوه بتعیناتی مهم قندهار شده بود
انجام حال او معلوم نشد عنایت الله ولد ترخان میرزا عیسی در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی و در سنه ۱۳ بمنصب هزاری و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و بفوجداری سورته
از تغیر پدر و در سنه ۱۸ بعطای نقاره سرافراز شد و در سنه ۲۱ باخرت سرا رفت عبدالرحمن ولد
رکن الدین روهیله در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت و بتعین دکن در سنه ۱۱ در تعیناتی
دکن بمنصب هزاری و در سنه ۱۵ بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار سربلند گردیده در
سنه ۲۶ خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد عبدالوهاب ولد سید عبدالرحمن در
اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت و در سنه ۸ خدمت می نمود در سنه ۱۳ بمنصب هزاری
و در سنه ۱۸ بفوجداری بنگلانه بمنصب هزار و پانصدی سربلند شده بود در سنه ۱۹ یا در سنه ۲۰
فوت کرد خواجه عبدالوهاب دهبیدی در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۲ باضافه
پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود و در سنه احد عالمگیری مورد مراحم خاقانی گردیده بود
دیگر احوال او معلوم نشد خواجه عبدالهادی ولد صفدر خان اتالیق در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه سوم از طرف پدر بنیابت فوجداری سروج
سرانجام می نمود در اواسط عهد بمنصب نهصدی و در سنه ۲۳ بمنصب هزار و پانصدی

بمنصب هزاری پانصدی دو هزاری سرافراز بود در سنه فوت کرد علا دل ولد ابابکر

مدتی منصبی داشت و از حضور رکاب صاحبقرانی ثانی آمده در سنه سیوم ابال الاصل و

اضافه بمنصب هزاری سرافراز شد در سنه ۱۱ معاون ناظم کابل بود در سنه ۱۹ در مهمات

مهم بلخ مصدر تردد شایسته گشته بمنصب هزار و پانصدی نام بر آورده تا سنه ۲۳ حد حیات

می نمود انجام حال او معلوم نشد عبد الکریم منصبی داشت و در اوایل

عهد شاهجهانی دیوان لاهور بود در سنه ۲ معزول گردیده در سنه ۶ بداروغگی عمارت

و در سنه ۸ بمنصب هزاری و در سنه ۱۱ هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۲۱ فوت کرد

عبد القادر ولد احداد انصاری ماده فساد کابل در سنه ۹ شاهجهانی بقهر و جبر سعید خان

بهادر ناظم کابل بر جاده اطاعت آمده بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه نهم

درگذشت عثمان عم بهادر خان روهیله منصبی داشت در سنه نهم شاهجهانی

بمنصب هزاری و در سنه ۲۳ بفوجداری سلطان پور بدرابادی سربلند شده بود

در سنه ۲۴ رحلت کرد عبد الرحیم اوزبک ولد عبد الرحمن اتالیق عبد العزیز خان

اولیس پور بدر محمد خان والی بلخ در سنه دهم شاهجهانی از توران آمده بمنصب هزار

و پانصدی سرافراز گشته بعض صوبه بهار شده در سنه ۱۳ بعد آمدن حضور پانصدی

نام بر آورده بعض لاهور گشته در سنه ۱۸ بعض مهم قندهار گردیده در سنه ۲۳ بحایزه تردد دلیر

صف

شهریار باغی گردید نموده در احد شاهجهانی باضافه پانصدی و در سنه سوم بالاضافه

منصب سربراوافراخته در رکاب در دکن خدمت می نمود در سنه نهم اصفهان

به بالاگهات شده در سنه ۵ بحضور آمده در سنه ۶ همراه شاه شجاع بدکن تعاین گشته

در سنه ۶ همراه شاه شجاع بدکن تعاین گشته در سنه ۸ بتهانه داری حالنالور مقرر گردیده

در سن سال بحضور آمده در سنه ۸ همراه شاهزاده عالمگیر تعاین مهم جهجهار سنگه

سید بلیه بود انجام این مهم تعاین خاندوران بهادر بناظم مالوا گشته در سنه ۱۳ از اصل و

اضافه بمنصب دوهزاری دو بام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان تردد نموده

بود انجام حال او معلوم نشد عبدالرحمن بیگ برلاس در عهد جهانگیری منصب

داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده اکثر ترددات نموده در

سنه ۸ از کابل بحضور آمده در سنه ۱۱ بالخمان رفت میر عبدالله خویش سید یوسفخان منصب

داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه سوم بقلعه داری

دهارور که در سن سال فتح شده بود مقرر گردیده انجام حال او معلوم نشد سید

علاءالدین برادر سید کسر بارسه در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۶

هنگام تسخیر قلعه دولت آباد تردد نمود در سنه ۸ در دکن شهید شد عبدالرحمن

ولد شهبازخان شیرده روهیله در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۱۰ دهم

والی بلخ در سنہ احد جہانگیری بمنصب ہزاری سربلند شدہ بود دیگر احوال او
معلوم نشد عبدالمسیح خان برادر جانعالم دولدی در عہد اکبری بمنصب
دو صدی سرافراز بود در عہد جہانگیری بوقوع لغزشی مقید شدہ در سنہ ثمانی
جانعالم خلاص گردیدہ بمنصب ہزاری سرافراختہ وآیندہ باضافہ پانصدی
نام برآوردہ معاش صوبہ کابل شدہ بود در سنہ ۱۱ درکدام تہانہ الصوبہ مردانہ
ومشہورانہ بکار آمد قاضی عبداللہ کابلی صوبہ کابل شدہ وقاضی عبداللہ
کابلی پانصدی بود در عہد جہانگیری بمنصب ہزاری سرافراز شدہ دیگر احوال او
معلوم نشد خواجہ عبدی در عہد جہانگیری بمنصب دوہزاری سرافراز شدہ
بود دیگر احوال او معلوم نشد علی قلی درمن در اوایل عہد جہانگیری منصب داشت
ودر سنہ معاش سلطان خرم شدہ بود در سنہ ۱۳ بمنصب ہزاری ودر سنہ ۱۴ بمنصب
ہزار وپانصدی نام برآوردہ در سنہ احد عشر جہانگیری باضافہ پانصدی سربلند شدہ بود دیگر
حال او معلوم نشد خواجہ عبداللطیف در اوایل عہد جہانگیری منصب داشت و
بخدمت توشک بیگی مقرر بود در سنہ ۱۳ بمنصب ہزاری سرافراختہ خدمت می نمود دیگر
احوال او معلوم نشد سید عالم بارہہ برادر سید ہزبر خان در عہد جہانگیری منصب
ہزاری داشت بعد رحلت آنحضرت ہمراہ سلطان بولاقی در کارزار با سلطان
شہریار

شده معه جو سور بود در سنه ۶ تردد کماکان نموده اکثر بلا کس مردانه
کرده تا سنه ۲۳ خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد شیخ عبد الله
ولد شیخ محمد غوث گوالیاری در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده تا سنه
خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد شیخ محمد غوث گوالیاری در عهد اکبری بمنصب
هزاری سرافراز شده تا سنه خدمت می‌نمود میرزا علی بیگ اکبرشاهی در اوایل عهد اکبری
بمنصب پانصدی سرافراز شده در سنه ۱۹ تردد نموده در سنه ۳۲ راوبعی نموده
آیزد تقصیرش مقرون بعفو گردیده در سنه ۴۳ در فتح ملک دکن در قلعه بود کرده برده
نموده در سنه ۴۵ بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و بنوازش نقاره نام برآورد :
در سنه احد جهانگیری بمنصب چهار هزاری و بنظم کشمیر سر برافراخت ایدر تعالی
دکن شده و در سنه ۵ بحضور آمده در سنه ۱۱ در آخر رحلت کرد قلم علی گیلانی در اوا
عهد اکبری بمنصب پانصدی داشت و در سنه ۳۲ بسرکار بیش عادلخان حاکم
بیجاپور رفته و در سنه ۳۹ حوصله تا در ساحه بود در سنه ۴۶ بمنصب سه هزاری نام
برآورده در سنه ۲ جهانگیری رخت حیات بربست میرزا علاء الدین مدحی در
عهد اکبری بمنصب دو هزاری سر برافراخته خدمت می‌نمود در عهد جهانگیری با اضافه
پانصدی نام برآورده انجام حال او معلوم نشد خواجه عابد برادر عبد الله خان

چهار ہزاری چهار صد سوار بعد فتح بلخ سرافراز شده خدمت می نمود ؛
چون خواجه یوسف برادر کلانش در کابل فوت کرد و در دودمان او
کسی قابل جانشینی نماند موسی الیه در سنه ۲۲ رخصت بخارا گرفته روانه
گردید و همانجا ماند حرف ظ میر ظهیر الدین
برادر میرزا میران لسرشاه نعمت الله ولی در سنه جهانگیری از ایران آمده
روز ملازمت بمنصب ہزاری سرافراز شده بود در سنه جلوس بجهانی بحال
ماند در سنه لسالانه ہیژده ہزار روپیه وظیفه کرده بود ؛ ؛ ؛ ؛
حرف ع علی قلی اندرابی اردلات در رکاب
همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب دو ہزاری سرافراز شده در سنه مذکور
و در سنه ترددها نموده بود انجام حال او معلوم نشد خواجه عبد الله
خواجه عبد اللطیف در سنه احد اکبری بمنصب سرافراز شده در سنه سوم قلعه
حصون فتح نموده در سنه ۱۲ دار العیار بیمه خانزمان باغی در الحاق گجرات تردد
کرده در سنه ۱۹ در ایام نعمتی منعم خان در جنگ با داود کرانی بلاکش پردانه
کرده در سنه ۲۳ در کار زار با افاغنه بنگاله در آن محل بکار آمد میر علی اکبر
موسوی برادر میر معز الملک مشهدی در عهد اکبری بمنصب سه ہزاری سرافراز
شده

صفی قلی ترکمان در سنه ۳ شاهجهانی از ولایت اسعراین آمده بمنصب هزاری سرافراز شده در مهمات سردها نموده در سنه ۲۲ فوت کرد میر صالح داماد مسالوار خان صفوی بمنصب هزاری داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری نام برآورده امیده سعلی سکاله شده در سنه را الحا فوت کرد خواجه صادق دارا شکوه که بحضور دوم ایشان بود بعد شکست اول مالاهور همراهی دارا شکوه نموده از وجدائی گزیده بحضور آمده در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاروپانصدی سربرافراخته در سنه چهارم بدرجه اعلی امرا و در سنه دارو غه داغ و در سنه دهم سامان مهمانداری عبدالله خان والی کاشغر مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد حرف ض ضیاءالدین یوسف ولد امیر خان بن میر ابوالقاسم نمکین در عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه ۱۹ هنگام تعیناتی صوبه ٹهٹها مردی نموده در سنه ام مورد عنایات بود انجام حال او معلوم نشد حرف ط طهماسب ولد شاه نواز خان بن خانخانان خان عبدالرحیم در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب هزاری پانصد سوار سربلند شده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد خواجه طیب جوئباری ولد خواجه حسن در سنه ۳ شاهجهانی بمنصب

عالمگیری بمنصب پنجهزاری ذات پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه سرافراز
شده انچه باید برده ترددات مردانه نموده در جنگ اجمیر که با دارا شکوه واقع شده
جانسپار گردیده و سای مزار خواجه بزرگ اجمیری مدفون گشت سرافراز خان
در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سربلند شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ص

صالح ولد میرزا شاهی برادر خورد
اصف خان جعفر در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۹ فوجدار
بردوان بود بهنگام ورود سلطان خرم باغی مردانه کارزار نموده در سنه
احد شاهجهانی بفوجداری سرکار بهرایچ مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد
صف شکن خان ولد میرزا حسن بن میرزا رستم صفوی منصبی داشت در سنه ۱۲
شاهجهانی بخدمت فوجداری از تغیر مرادکام مقرر شده در سنه ۱۳ معزول گردیده در
سنه ۱۵ بمنصب هزاری سرافراخته بعلت مهم قلعه گشته در سنه ۱۵ باضافه
پانصدی نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان تردد نموده در سنه [illegible] باضافه
پانصدی بمنصب دو هزاری [illegible] اندوخته [illegible] تهانه دار
[illegible] صوبه بنگاله مقرر شده در سنه ۲۷ [illegible] گردیده باز از تغیر سلطان [illegible]
مقرر گشته در سنه ۳۱ معزول و طلب حضور شده در سنه ۱ عالمگیری بعدم رفت

صع

هنگام صوبداری بروده پیشکش ارسال داشته بود ابتدا بفوجداری
ملک گجرات مقرر شده در سنه ۱ در آنجا بعنایت نقاره و در سنه ۱۹ بمنصب سه
هزاری سه هزار سوار سربرافراخته آینده معزول گردیده در سنه ۲ بار دوم بفوجداری
مذکور نام برآورده در سنه ۲ بقصور خانه جنگی بکمی منصب بالعددی معتد گشته
در سنه ۲ بفوجداری بروده رصاف صوبه مذکور مباهات اندوخته و در سنه ۳۱
باجرت سرا رفت سرداد همشیره زاده خانعالم برخورداری ملک
دولدی در عهد جهانگیری منصبی داشت در سنه احدی شاهجهانی بمنصب هزاری
سربرافراخته در سنه سوم در کارزار با خانجهان لودی باغی بر کنار آب چنبل
بکار آمد شریف خان ولد باقر خان نجم ثانی در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه سوم همراه باقر خان ناظم اودیسا تردد
نموده در سنه ۱۱ از اودیسا پیشکشی ارسال داشت در سنه ۱۳ درگذشت شادمان گکهر
ملکی وال در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب صدی داشت و در سنه سوم در
صوبه کابل در سنه ۵ هم در صوبه کشمیر خدمت می نمود در اواسط عهد بمنصب
هزاری نام برآورده در سنه ۱۹ در مهم بلخ در سنه ۲۲ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار
تردد نموده در سنه سی ام در کابل رحلت کرد شرف ولد افضل تولکی
در اوایل

در سنه ۴۲ بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۹ باضافه پانصدی سربلند شده خدمت
می نمود انجام حال او معلوم نشد میر شریف آملی در اواسط عهد اکبری به
منصب هزاری سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۴۹ بحراست سرکار بهرائچ
مقرر گردیده در سنه احد جهانگیری بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۲ بنظم گجرات لاهور
باتفاق قلیج خان مباهی گشته دیگر احوال او معلوم نشد میر شریف کولابی
در اواخر عهد اکبری منصبی داشت در سنه ۴۹ بمنصب هزاری سربلند شده
بود انجام حال او معلوم نشد میرزا اشرف الدین حسین کاشغری منصبی
داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بجلادت و مردانه که در دکن نموده بود بخدمت
صوبه بنگش بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۱۴ در کابل بدرود نموده
در همان سال در ملک کابل بکار آمد شاه محمد ولد خاندوران شاه بیگ
منصبی داشت در سنه ۱۴ جهانگیری بعد گوشه نشین شدن پدر بمنصب هزاری
سرافراخته خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد میر شرف در
عهد جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۱ به صوبه سرافراز شده بود در سنه ۱۴ سال
جهانبانی بعدم رفت میر شمس در عهد جهانگیری منصبی داشت از حضور در رکاب
شاهجهانی آمده روز جلوس بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۱۴

در سنه ۲۹ بوزارت کل مقرر گردیده و در سنه ۴۰ بحراست قلعه اتک
باهتمام او سپارش شد بود میرزا شاهرخ ولد میرزا ابراهیم بن میرزا سلیمان بعد
تسلط عبدالله خان اوزبک والی توران بر ولایت بدخشان و در سنه ۲۹
اکبری از بدخشان بحضور آمده بمنصب سرافراخته در سنه سی ام بتسخیر
کشمیر تعین شد و در سنه ۳۶ بمنصب پنجهزاری و بنظم مالوا باتالیقی شهباز خان
کنبو وصلت شکرالنسا بیگم صبیه حضرت شاهنشاهی اندوخته در سنه ۴۱ بذات خود
بنظم صوبه مذکور نام برآورده با وجود نظم آنجا باتفاق خانخانان عبدالرحیم بتسخیر
دکن مامور گشته در جنگ با تمام امرای بادشاهان دکن بعد حرب صعب
ظفر یافته در سنه ۴۴ قلعه مالواله که در تصرف راول اوکرسین از زمینداران
صوبه مالوا بود مفتوح کرد آمده در سنه ۴۸ بجلدوی این خدمتی بمنصب پنج
هزاری جره اسوار برافروخته در سنه اول جهانگیری بدستور سابق بنظم مالوا بحال
ماند در سنه ۲ در آنجا فوت کرد او را پسر و صبیه‌های او حضرت بسیار خوش
بودند و همراه بادشاهزاده‌ها اجازت نشستن میدادند شاه محمد وصاری
ولد مرحمی در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده بود انجام حال او
معلوم نشد شمس الدین ولد اعظم خان میرزا عزیز در سنه ۳۶ اکبری هزاریکه
و در سنه ۴۱

شیرافگن از امرای کبار همایون بادشاه در سنه احد اکبری بمنصب هزاری از روی عطفات اکبری سرافراز شده چهل سال خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد میرزا شرف الدین حسین ولد خواجه معین الدین از نسل خواجه ناصرالدین عبدالله احرار در سنه احد اکبری از طرف کاشغر بسفارت آمده بود در سنه پنجم بمنصب پنجهزاری سرافراز شده و سلطان اجمیر مقرر گشته بحیی مالو ملکم همشیره حضرت بااو منعقد گردیده و در سنه قلعه میرته و ناگور را مفتوح گردانیده در سنه ۹ هشتم راه بغی پیموده در سنه ۱۱ دستگیر آمده بعد قید بد مدید و سنه رسا للقصیرش مقرون بعفو شد در سنه ۲۵ مکرر راه بغی رفته و شریک معصوم خان و غیره باغیان بنگاله گردیده در همان سال بزهر معصوم مذکور قالب تهی کرد شیخ محمد بخاری در اوایل عهد اکبری بمنصب دو هزاری سربلند شده اکثر در مصاف جهانگشای شمشیرهای نمایان زده در سنه ۱۸ در کارزار با مرزا ختیار الملک گجراتی در گجرات شهید شد خواجه شمس الدین خافی دیوان مظفر خان تربتی ناظم بنگاله بعد کشته شدن او در سنه ۲۵ اکبری بمنصب هزاری سربلند شده در بنگاله تردد ات نمایان نموده در سپاهیگری و دولتخواهی حضرت بکتاب آفاق گذشته

سوار مساعات اندوخته تعین دکن مانده در سنه بحضور آمده و در سنه

باضافه سواران مامور گردیده در سنه ۱ معین کابل گشته بود در عهد ایشان

باخرت سرا رفت سلطان یار ولد بهتیان کوکه الهیار نام منصبی داشت

در سنه ... جهانی بمنصب سه صدی سرافراز شده در سنه ششم بمنصب هزاری

و بفوجداری ... سرافراخته در سنه ۲ بمنصب هزار

و پانصدی نام برآورده در سنه ۳ مورد مراحم والا بوده در سنه ۳۲ همراه شاهزاده مراد

بخش در جنگ اکبرآباد بکار آمد سیف الله عرب ولد ... حال در اوایل عهد شاه

جهانی بمنصب سه صدی و در سنه ۹ بفوجداری جوره و در سنه ۲ بعطای فوجدا

ری مصطفی اباد سرافراز شده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه صدی و در سنه نهم

بفوجداری جوره و در سنه ۲۶ بمنصب هزاری سربلند گردیده بود در سنه ۱۶ سیف الله

نامی پسرش بوکهاره مقرر گشته بود احتمال دارد که او خواهد بود سیف بیجاپو

منصبی داشت در سنه عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده معین دکن

گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید سلطان کربلایی در سنه ششم

عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه دهم متعین کابل

گردیده انجام حال او معلوم نشد حرف شین

معلوم نشد سلطان نظر برادر خواجه سعد خان محمد صفی در عهد
جهانگیری منصب داشت در سنه احد شاهجهانی بخشیگری فوج مها
بخان مقرر شده آینده بمنصب هفصدی نام برآورده در سنه ۲ بخشیگری
بنگاله مقرر شده و در سنه ۱۴ تردد نموده و در سنه ۱۹ بعلت مهم بلخ شد در سنه
سیوم در آنجا تردد نموده بکارهٔ آن بمنصب هزاری سربرافراخته در سنه ۲۱
بفوجداری سلهت و در سنه ۲۲ مهمانداری حسب معاف صوبه بنگاله از تغیر
صف شکن مقرر گشته در سنه ۲۹ بعلت بهار شد در سنه ۳۱ باضافه منصب
سرافراز گردیده بود انجام حال او معلوم نشد ساقی ولد سعد خان
مارپور در اوایل عهد شاهجهانی منصب هفصدی داشت در سنه ۱۲ بمنصب
هزاری سرافراخته در سنه ۳ فوت کرد میرزا سلطان ولد میرزا حیدر پسر
میرزا مظفر حسین صفوی در سنه ۱۹ شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته
بتعلق دکن شده در سنه ۳ بحضور آمده در سنه ۲۲ بعلت مهم قندهار شد در سنه ۲۳
بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۴ بخدمت حوزه ... و در سنه ۲۶ باضافه پانصدی و در سنه ۲۸
بمنصب سه هزاری نام برآورده و در سنه سی ام بعلت دکن گردیده و در سنه ۳۱ در دکن
مردانگی نمایان نموده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب چهار هزاری دو هزار

حضر خان در عهد اکبری بمنصب ہزاری سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد میرزا سلطان ولد میرزا شاهرخ میرزا ابراهیم بن میرزا سلیمان منصب
داشت در سنه جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب دو ہزاری و بدستور
پدر بنظم مالوا سرافراز شده در سنه متعاقب دکن گردیده هم در سنه از انجا آمده
بود انجام حال او معلوم نشد سکندر خان جوهری در سنه جهانگیری بمنصب
ہزاری سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد سردار خان در سنه جهانگیری بر
طبق عرض مهابتخان بمنصب ہزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
سکندر برادر شهبازخان دلو مار از طایفه افاغنه لودی در عهد جهانگیری
منصب داشت و در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب ہزار و پانصدی سرافراز
بود در سنه فرار نموده ملحق بخانجهان لودی باغی شده و در سنه بعفو تقصیر
مشمول مراحم گشته خدمت می نمود در سنه در گذشت قاضی سعید کروڑی
سابق وکیل عادلخان بیجاپور بود در سنه چهار شاهجهانی بندگی درگاه اختیار
نموده بالانه سی ہزار روپیه سربلند گردیده در سنه بمنصب ہزاری و بخدمت
صوبائی ارتعر تکریمحال و در سنه بخدمت عرض مکرر در همان سال به
بخشیگری دکن سرافراز بمنصب و پانصدی رسیده بود انجام حال او
معلوم نشد

هزاری سرافراز بود در سنه ۲۵ شاهجهانی نعش بهم قندهار شده در سنه

سی ام باضافه منصب سرافراخته بود انجام حال او معلوم نشد

سید بردست ولد سید بابر حال در عهد شاهجهانی منصب سه صدی

داشت در سنه احد عالمگیری منصب هزاری و در سنه سوم بفوجداری

گوالیار سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد **حرف س**

میرزا سلیمان ولد خان میرزا نبیره سلطان ابو سعید گورگانی در سنه احد

اکبری بمنصب پنجهزاری سرافراز شد بدستور عهد همایونی بحکومت ولایت

بلخ بحال ماند و مدام عرائض با پیشکشها ارسال میداشت در سنه سیم بنابر تسلط

میرزا شاهرخ نبیره خود از بلخ آمده چون روز ملاقات حضرت باستقبال او

تشریف برده بودند باس نوازش سرفلک سوده در همان سال رخصت

حجاز حرمین شده از انجا به بلخ رفته در سنه ۳۱ بنابر ناسازی نبیره مذکور باز بعزم ملازمت

مراجعت نموده بعنایت و دلجوئیها خورم و خورسند گشته در سنه ۳۴ در لاهور

کوس رحلت زد سید محمد از سادات امروهه در عهد اکبری به

منصب دو صدی و در سنه نهم سلطنت جهانگیر سرافراز شده بمنصب هزاری

رسیده بود انجام حال او معلوم نشد میرزا سعادت ولد خواجه

خواجہ رحمت اللہ دہ بندی منصبے داشت در سنہ شاہجہانی متعین مہم قندہار و در سنہ ام تعاین دکن شدہ در سنہ عالمگیری منصب

ہزار و پانصدی سرافراختہ بود انجام حالش معلوم نشد حرف ز

میرزا زمان برادر میرزا ابو سعید رضوی در عہد اکبری منصب ہزاری سرفراز شدہ در ولایت مالوا با اعدا جنگ نمودہ شہید شد حکیم زنبیل

برادر میرزا طب سبزواری در عہد اکبری منصب ہزاری سربلند بود

دیگر احوال او معلوم نشد زین العابدین ولد آصف خان جعفر منصبے

داشت در سنہ جہانگیری بخشیگری احدیان مقرر گشتہ در سنہ شاہجہانی

منصب ہزار و پانصدی رسیدہ در سنہ فوت کرد محمد زمان طہرانی در

اوائل عہد شاہجہانی منصب و دیوانی بنگالہ سرافراز بود در سنہ بار دوم

بدیوانی آنجا مقرر شدہ در سنہ بنگام فوجداری سلہٹ بجائزہ تردد در

سرکار مسان ماحاوہ سرافراختہ در سنہ معزول گردیدہ در سنہ منصب

دو ہزاری دو ہزار سوار و منصب بطلم اودیسا از طرف سلطان شجاع

سربلند گشتہ در سنہ طلب حضور گردیدہ در سنہ در مہم بلخ تردد نمودہ

در سنہ فوت کرد سعید بیرون بیگ ولد سعید ہر دہ خان کہ منصب

ہزاری

مصاف صوبه بهار در سنه دهم جهانگیری بشرف اسلام آمده بعطای
منصب و بعنایت ملک موروثی سرافراز شده بود در سنه احد شاه
جهانی بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۲ در سنه ۳ و در سنه ۴ و در سنه ۶
اکثر در لشکر دکن تردداتِ نمایان نموده بمنصب دوهزاری هزار سوار
رسید در سنه نهم فوت کرد روح الله ولد یوسف خان تاشکندی در اواسط
عهد شاهجهانی بمنصب سه صدی سرافراخته در سنه ۱۲ تعین کابل شد
در سنه ۲۳ و در سنه ۲۵ تعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۸ باضافه پانصدی بمنصب
هزاری و بفوجداری سرکار مالوه نام برآورده بود و انجام حال او معلوم نشد
سر رستم دار السکوهی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده در
سنه ۲ در تعیناتی قطب الدین خان خویشگی فوجدار جوناگره مصدر تردد ها
گردیده در سنه ۹ بفوجداری بروده مقرر شده بود انجام حال او معلوم نشد
رن مست ولد بهادر خان روهیله منصبی داشت در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری مباهی شده اکثر در لشکر دکن تردد ها نموده بود انجام حال او
معلوم نشد میان راجی از نوکران عادلخان حاکم بیجاپور در سنه ششم
عالمگیری بمنصب هزاری و پانصدی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

در حضور آمده بمنصب چهارهزاری سرافراز شده بعنایت حالر در ملتان

جوز سند گشته در سنه ۳۹ بعطای علم و نقاره سر برافراخته در سنه ۴۰ بتصرف کوهستان

پنجاب مقرر شده در سنه ۴۲ بحضور آمده در سنه ۴۳ در رکاب در دکن خدمت می نمود

در سنه ۴۴ بعد مراجعت رایات از دکن باتفاق شیخ ابوالفضل در تنبیه راجو کهی تردد

نموده در آن صوبه بود در سنه ۱ جلوس جهانگیری بارسال خلعت در دکن استمالت یافته در آن

صوبه خدمت می نمود در سنه ۳ جهانگیری از آنجا آمده بنظم صوبه ٹھٹھا مقرر گردیده

در سنه نهم بتقصیر طلبی که بر رعایا اجحاف کرده بود معزول و مقید گشته بعد چندی خلاص

شده در سنه ۱۰ بانعام فیل بالا سر در سنه ۱۱ بنظم الهآباد و در سنه ۱۲ بنظم صوبه بهار نامزد گردیده

در سنه ۱ جلوس شاهجهانی بسالانه یک لک و بیست هزار روپیه قناعت کرده

در سنه ششم در کشمیر با سلطان شجاع منسوب گشته در سنه ۱۵ در اکبرآباد بجهان جاودان

رفت. رحمن داد پسر خرد خانخانان عبدالرحیم منصبی داشت در سنه ۱۴

جهانگیری بمنصب دو هزاری سر برافراخته در معارک ترددات نمایان می نمود

در سنه ۱۵ بر غنیم تاخته او را منهزم گردانیده آمده بود در برآوردن جبه شرط

احتیاط بنموده و فی الفور سوار شده گرد دریاں گویا هیچ بار بار بعد دو روز

سپاهگری را با خود. راجه رورا فرون ولد راجه سنگرام زمیندار جموں کر

مصاف

دلیر ولد بهادر خان روهیله در عهد شاهجهانی منصب داشت در سنه
عالمگیری بفوجداری بهار از تغیر سید عبدالعزیز و منصب هزاری نام بردار
بود در انجام کار. دولت بیگ برادر عبدالله خان هراتی در سنه احد عالم
گیری بمنصب هزاری سرافراز شده خدمت می نمود انجام حال او معلوم
نشد. دولت افغان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد. راجه دهندار زمیندار اسلام گڑه
در سنه ۳۲ عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب راجگی سربلند شده بود دیگر
احوال او هیچ معلوم نشد. حرف ذ ذوالفقار بیگ
ترکمان منصبی داشت در سنه ۳ شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی سرافراز گشته
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد. حرف ر سید راجو
در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۲۱ متعین گجرات
گردیده اکثر در معارک مرد از ما ترددات مردانه نموده در سنه چهارم بحرب
صعب بوسه در دکن بکار آمد. میرزا رستم ولد میرزا سلطان حسین
بن میرزا بهرام برادر شاه طهماسب والی ایران در سنه ۳۶ اکبری از اطراف
زمین داور و قندهار بخوف شاه عباس والی ایران که قصد گرفتن او کرده بود

شده بود دیگر احوال او معلوم نشد خداوند حبشی منصبی داشت در سنه
احد عالمگیری منصب هزاری سر براخراخته تا سنه نهم خدمت می نمود انجام حال
او معلوم نشد حرف د درویش محمد
ادر بک از نوکران بیرام خان بهارلو در سنه اکبری منصب دو هزاری تاکر
بلند شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد سیح دولت بکسار
در سنه ۲۳ اکبری منصبی داشت در سنه ۴۳ منصب دو هزاری سرافراز شده تا سنه ۴۹
خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد دلدار در عهد عالمگیری بمنصب
هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد درویش محمد از نوکران
عادلخان حاکم بیجاپور در سنه احد شاهجهانی بمنصب سه هزاری سربلند شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد دانا دل دلدار شاهنوازخان بن خانخانان عبدالرحیم در اوایل
عهد شاهجهانی منصب ہفتصدی و در اواسط عهد باضافه صدی و در سنه ۱۲ بمنصب
هزاری سرافراز شده در سنه ۲۳ در سنه اعلی مهم عذر بار گردیده در سنه ۲ فوت کرد
درویش بیگ خاقانی در اوایل عهد شاهجهانی منصب پانصدی و در او
سط عهد باضافه صدی و در آخر عهد منصب هزاری سرافراز شده در سنه ۲۴
نفوحداری گلشن آباد و در سنه ۲ قلعداری بریک مقرر بود انجام حال او معلوم نشد
دلبر

از انتقال ولائی خان محمد ظریف مقرر گردیده در همان سال بعدم رفت

سید خادم باره منصبی داشت و در سنه ۱۴ شاهجهانی بمنصب هزاری و فوجدا

ری [illegible] از تغیر شمس الدین خویشگی سرافراز شده در سنه ۱۹ رحلت کرد

خوشحال بیگ کاشغری در سنه مذکور شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند شد

متعاقب مهم بلخ گردیده در سنه ۲۰ بجلدوی ترددات آنجا باضافه پانصدی سربر

افراخته در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در مهم قندهار تردد نموده بمنصب دوهزاری رسید

در سنه احد عالمگیری همراه مهاراجه جسونت سنگه راتهور در کارزار با الواثر یک

بود در سنه احد عالمگیری گوشه نشینی اختیار نموده بعطای [illegible]

قانع شده بود انجام حال او معلوم نشد خسرو سلطان دویمین پسر

ندر محمد خان والی بلخ در سنه ۱۹ شاهجهانی بمنصب شش هزاری دو

هزار سوار سرافراز شده در سنه ۲۰ بعد رسیدن خبر رحلت پدر در سفر حجاز مورد

عنایات گردیده در سنه ۲۶ سالانه لک روپیه قناعت کرده بود در سنه

احد عالمگیری بمنصب سابق بحال گشته خدمت می نمود انجام حال

او معلوم نشد خسرو بیگ ترکمان قوش بیگی ندر محمد خان والی بلخ

معرفت رستم خان فیروز جنگ در سنه ۱۹ شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز

دوصدی داشت در سنه ۵ که قلعه احمدنگر بسعی شاهزاده دانیال مفتوح شد از
همان تاریخ نظر باستعداد درست قلعه‌داری انجا سرافراز فرمودند در سنه احد
جهانگیری بدستور بحال مانده بجایزه حسن خدمت بمنصب سه‌هزاری رسیده بود در سنه
دکنیان قلعه را محاصره نمودند مثل خانخانان و راجه مانسنگه و آصف‌خان جعفر
و خانجهان لودی و امیرالامرا شریف و دیگر امرا لشکر دکن سلطان پرویز در
دکن بودند هرگز کومک نتوانستند کرد و مردم همراهی سپه‌سالار باوجود دلدهی و استقلال
ازخلاف رای خواجه میرزا مستعد برآمدن از قلعه شدند لاچار بقول و قرار قلعه برآمده
در برهانپور بامرا پیوست بنابر بی‌تقصیری بمنصب و جاگیر بحال مانده در سنه ۱۲ بجشن
نذر سلطان خورم قلعه مصرف اولیای دولت درآمدند بدستور قلعه‌داری
بحال کرده در سنه ۱۳ در انجا رخت بربست   خرد سالی او ریک در سنه
جهانگیری از ولایت آمده بمنصب هزاری و فوجداری سوات سرافراز شد
خدمت می‌نمود در سنه دهم با آنجهان رفت   حکیم خوشحال حکیم همام گیلانی
در اوایل عهد جهانگیری منصبی داشت و در سنه ۳ خدمت می‌نمود در سنه ۳ احد
شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده در پنجم بخشیگری برهانپور مقرر
شده در سنه ۸ در دکن تردد نموده و در سنه ۱۲ بصدیگری لاهور صدر
از

منصبی داشت در سنهٔ ششم شاهجهانی از اصل و اضافه بمنصب هزاری
سربرافراخته در سنهٔ دهم بالکه قلعهٔ دولت آباد بسفارت پیش شاه صفی
والی ایران رفته و برگشته آمده انجام حال او معلوم نشد سید حسن مساعد
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هفصدی داشت امده بمنصب
دو هزاری نام برآورده در سنهٔ ۱۲ فوت کرد حسن بیک در سنهٔ احد عالمگیری بمنصب
هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید حسن ولد سید
دلیرخان بارهه منصبی داشت و متعلق گجرات بود و در سنهٔ ۱۲ شاهجهانی بمنصب
هزاری و در سنهٔ سوم عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده خدمت
می نمود انجام حال او هیچ معلوم نشد حرف ——— خ
خسرو بیک جعفی از بندهای همایونی در عهد اکبری بمنصب سرافراز و از
امرای کبار بود در فنون حکمت خصوصاً در موسیقی یگانهٔ زمان بود
طبع نظم هم داشت دیگر احوال او معلوم نشد میر خلیل ولد غیاث
الدین علی میرمیران از اولاد شاه نعمت الله ولی در سنهٔ جهانگیری از ولا
یت آمده بمنصب هزاری سرافراز شده در سنهٔ سوم رحلت کرد میرزا
خواجه بیک ولد معصوم بیک صفوی در اواسط عهد اکبری منصب

حکیم حاذق ولد حکیم ہمام گیلانی در عہد جہانگیری منصب ہزاری سرافراز بود
در سال دوم شاہجہانی بسفارت پیش امام قلیخان والی بخارا ماحابیف لک روپیہ
رفتہ در سال سوم مراجعت نمودہ در سال بدارو غگی عرض مکرر از تغیر حکیم مسیح الزمان مقرر شد
در سال سالانہ پانزدہ ہزار روپیہ و در سال سالانہ چہل ہزار روپیہ خورسند گشتہ در سال
فوت کرد حسن سور در عہد جہانگیری منصب ہزاری سرافراز بود در سال احد شاہ
جہانی منصب مہابت خان و در سال منصب ارادت خان و در سال منصب خاندوران
مقرر شدہ بود انجام حال او معلوم نشد حسن ولد خانجہان لودی
در عہد جہانگیری منصب ہزاری سربلند بود در سال شاہجہانی ہمراہ پدر راہ
نمی نمودہ در کارزار با اولیای دولت آدھہ کشتہ شد حیدر مرزا ولد
مرزا مظفر صفوی در عہد جہانگیری و در سال احد شاہ جہانی منصب ہزاری
سرافراز شدہ بود در سال شاہجہانی فوت شد حسن ولد یوسف
سکام در اوایل عہد شاہجہانی منصب ہزاری سرافراز بود در سال
بدیوانی برہانپور مقرر شدہ دیگر احوال او معلوم نشد حیدر آقا ترک
معتمد نظام الملک حاکم دکن در سال چہارم شاہجہانی بمنصب دو ہزاری سر
افراز شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد حسین برادر باقر خان نجم ثانی
منصب

انجام حال او معلوم نشد میرزا حسن ولد میرزا رستم صفوی
منصب داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۵ باضافه پانصدی
سر برافراخته در سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۲
تعین بنگاله گردیده در سنه ۱ نهم بانعام پانزده هزار رد و در سنه ۱۱ باضافه
پانصدی بفوجداری میان دوآب از تغیر ذوالفقار خان و در سنه ۱۴
تعینات صوبه سرکار جلیسر و در سنه ۱۵ باضافه پانصدی بمنصب سه
هزاری هزار و پانصد سوار نام برآورده تعین مهم راجه جگت سنگه
شده در سنه ۱۹ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و فوجداری فتحپور
مانه و در سنه بیست سیم بفوجداری جونپور از تغیر شاهنواز خان ولد خانی
ذوالفقاره ساعات اندوخته در سنه ۲۱ تعین بنگاله گشته در سنه ۲۲ تهانه
داری کوچ مقرر گردیده باضافه هزار سوار چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۳
در انجا فوت کرد خواجه حسن در عهد جهانگیری منصب و خدمت
وخدمت توپخانه داشت در سنه ۱۴ بمنصب هزاری سر برافراخته
بود دیگر احوال او معلوم نشد میر حلیم الدین منصبی داشت و در سنه ۱۵
و پانصدی سر برافراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد ۲

روهیله در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده به نیابت
فوجداری سواره از طرف پدر مقرر گردیده بود در سنه چهارم در انجا
درگذشت

حرف ح

سید حامد بخاری

از نوکران حکام گجرات در سنه ۱۸ اکبری بمنصب دو هزاری سربرافراخته
در سنه ۱۸ در جنگ با میرزا ابراهیم حسین ترددی نموده در سنه ۲۲ به
نظم ملتان نام برآورده آینده از کومکیان لاهور مقرر گردیده در سنه ۲۵ در ایام
تعیناتی الصوبه با میرزا حکیم که بعزم تصرف لاهور در کابل آمده بود دنداد پیش
نموده مردانه ترددها کرده در سنه سی ام متعین کابل گردیده در سنه ۳۱ در کارزار
با افاغنه سوار بعد حرب صعب بکار آمد

حسن بیگ شیخ عمری

در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری و در سنه ۲۶ بمنصب دو هزاری و پانصدی
و در سنه ۲۹ بنظم کابل سربلند شده در سنه افاغنه انجا تلاشهای مردانه نموده بود
در سنه احد جهانگیری از نظم انجا معزول گشته روانه درگاه بود در راه
با سلطان خسرو باغی در خورده سرکوب بغی کرده در پاداش
دستگیر شده بجزای اعمال رسید

حمزه بیگ

در سنه ۴۰ اکبری به منصب
سه صد و پنجاهی مامور بود در سنه ۵ بمنصب هزاری نام برآورده

انجام

انجام حال او معلوم نشد مرزا حسن ولد مرزا رستم صفوی

منصب داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۵ باضافه پانصدی

سربرافراخته در سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۲

تعین بنگاله گردیده در سنه ۹ نهم بانعام پانزده هزار روپیه و در سنه ۱۱ باضافه

پانصدی بفوجداری میان دوآب از تغیر ذوالفقار خان و در سنه ۱۴

تعینات تیول سرکار حلسر و در سنه ۱۵ باضافه پانصدی بمنصب سه

هزاری هزار و پانصد سوار نام برآورده تعین مهم راجه جگت سنگه

شده در سنه ۱۹ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و فوجداری فتحپور

ماند و در سنه بیست و سیم بفوجداری جونپور از تغیر شاهنواز خان و علم

و نقاره مباهات اندوخته در سنه ۲۱ متعین بنگاله گشته در سنه ۲۲ بتهانه

داری کوچ مقرر گردیده باضافه هزار سوار چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۳

در آنجا فوت کرد خواجه حسن در عهد جهانگیری منصب و خدمت

خدمت خوشخانه داشت در سنه ۱۴ بمنصب هزاری سربرافراخته

بود دیگر احوال او معلوم نشد میر حلیم الدین منصب داشت و در سنه ۱۵

جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد

رو هیله در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده به نیابت
فوجداری سواره از طرف نادر مقرر گردیده بود در سنه چهارم در انجا
درگذشت عرف ح سید حامد بخاری
از نوکران حکام گجرات در سنه ۱۷ اکبری بمنصب دو هزاری سربرافراخته
در سنه ۱۸ در جنگ با مرزا ابراهیم حسین تردی نموده در سنه ۲۲ به
نظم ملتان نام برآورده آینده از کوتلسان لاهور مقرر گردیده در سنه ۲۵ در ایام
تعیناتی الصوبه با مرزا حکیم که بعزم تصرف لاهور در کابل آمده بود نبرد پیش
نموده مردانه ترددها کرده در سنه سی ام معتمن کابل گردیده در سنه ۳۱ در کارزار
با افاغنه سوادر بود حرب صعب بکار آمد حسن بیگ شیخ عمر در
اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری و در سنه ۲۶ بمنصب دو هزاری و پانصدی
و در سنه ۳۰ نظم کابل سربلند شده در مهم افاغنه الجانلاده سهامردانه نموده بود
در سنه احد جهانگیری از نظم انجا معزول گشته روانه درگاه بود در راه
با سلطان خسرو باغی در خورده سرگرم بغی گردیده در باجه سجاح
دستگیر شده بجزای اعمال رسید حمزه بیگ در سنه ۴۰ اکبری به منصب
سه صد و سحابی مامور بود در سنه ۵ بمنصب هزاری نام برآورده
انجام

ناظم بنگاله برکارها نموده ادا کرده بهنگام سوار شدن شجاع بر کشتی در دریای
حنک ازو جدا شده بود دیگر احوال او معلوم نشد میر جعفر استرابادی
از نوکران قطب الملک حاکم حیدراباد در ماه شعبان سنه سیزدهم شاهجهانی
معروف جعفر خان بمنصب هزاری و بخدمت موتانی در سنه سی ام بحکم
دکن سربلند شده بود تا سنه نهم عالمگیری خدمت می نمود انجام حال او
معلوم نشد میر جعفر خواهرزاده خلیفه سلطان از سادات محله کالمار
صفاهان در ماه صفر در سنه ... شاهجهانی از ولایت آمده بمنصب هزار و
پانصدی سرافراز شده در سنه ... بفوجداری حسن پور مضاف صوبه بهار
مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد میر جعفر ولد میر حاج در
اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز شده در شعبه متعلق
شایسته خان شده در اواسط عهد بمنصب شش صدی و در سنه سی ام
بمنصب هزاری نام برادر ده ... ام ... م نشد خواجه جات
... اللہ ...
... وب پدر در سنه
شده د ... م

سربرافراخته در سنه ۱۹ در کارزار مهم بلخ و در سنه ۲۲ و در سنه ۲۸ در مهم قندهار ترددی نموده

بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری هزار سوار سربلند شده اکثر در بنگاله تردد دات کرده

در سنه ۹ فوت کرد بهرام ولد یوسف خان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز

شده بود دیگر احوال او معلوم نشد میرزا بیگ در سنه ۹ عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی

و در سنه دهم بفوجداری ماری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد راجه بحمند

در سنه ۲ عالمگیری بشرف اسلام شرف منصب و بعطای ریاست طالفه

او صله که سالی براجه کوکلت مقرر بود و بخطاب راجگی سرافراز گردیده خدمت

می نمود انجام کار او معلوم نشد حرف ج

خواجه جلال الدین محمود خراسانی از نوکران میرزا عسکری در ایام سفر عراق ملازم

رکاب همایونی شده در سنه ۲ بحکومت غزنین مقرر گردیده در سنه سوم بطلب منعم خان

باس الطامت کارش تمام شد شیخ جمال ولد شیخ محمد بخیار افغان در

اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده از مصاحبان محفل خاص

بود و در سنه ۴۶ ام درگذشت جمیل در عهد اکبری بمنصب نهصدی سربلند

بود در سنه احد جهانگیری بمنصب دو هزاری سرافراز شده تردد ها نموده دیگر احوال

او معلوم نشد سید جمال صاحب علم سعوده از قلاع دکن در سنه ۴۴

بهکری در اواسط عهد شاهجهانی منصب هفتصدی داشت در سنه ۵ و در سنه ۲۶

بعد تبدیل شدن پدر بمنصب هزاری سربرافراخته در سنه احد عالمگیری بکایره مردو ذات

باضافه پانصدی مباهی شده در سنه ۳ فوت کرد بهرام میرزا برادر جعفر خان

طهرانی در سنه ششم ۶ شاهجهانی بعد فوت پدر بمنصب سه صدی و در سنه ۱۲ به بکاولی

و در اواسط عهد بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۹ بواقعه نویسی لاهور و در سنه ۲۲ به

منصب بکاولی از تغیر یحیی ولد لوسفی خان در سنه ۲۴ بداروغگی زرگرخانه سربرافراخته در

همین سال بتعین صوبه بهار شده و در سنه ۲۹ بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شد در

سنه یکم صبیه اش با سلطان سلیمان شکوه منسوب گردیده بود در سنه ۲ عالمگیری

رحلت کرد سید بهادر ولد سید صلابت خان بن سید علی بن سید قاسم بن سید

محمود خان بارهه در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱۹ خدمت توزک

و در اواخر عهد منصب هفتصدی داشت در سنه ۲۲ بتعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۴

بمروری از تغیر خان مارحال باضافه منصب مباهی شده در همین سال بخشیگری

احدیان از تغیر مظفر حسین مقرر گشته در سنه ۲۵ در سنه ۲۶ بتعین مهم قندهار شده و در سنه احد عالمگیری

بمنصب هزاری نام برآورده در سنه سیوم بتعین مهم داوکر شده درین سال فوت کرد ::

راجه مهر دو ولد راجه روز افزون زمیندار کهرکپور در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی

سربرافراخته

میرزا شاهرخ حصاری در سنه ۳ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب هزاری و ایزد با اضافه

پانصدی و در سنه ۱۰ بخشیگری احدیان سرافراز شد در سنه ۱۵ باغوای برادران بدست

خدمه محل خود هلاک گردیده قاتلان بقصاص رسیدند   مراد افعال در سنه ۱۵

جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد   بهادر برادر

زاده خانجهان لودی باغی در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه

سوم با عم خود موافقت گزیده در کارزار با اولیای دولت کشته شد   میر برکه

از اولاد میر کلال در سنه ۱۵ جهانگیری منصبی داشت و بسفارت توران رفته بود در

سنه ۲ شاهجهانی بسفارت ایران روانه شده در سنه ۶ مراجعت نموده در سنه ۸ بمنصب

هزاری [illegible] سرافراز شده در سنه ۱۰ باز بسفارت توران رفته در شانزدهم فوت کرد

بهرام سلطان ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۲۰ شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز

شده در سنه احد عالمگیری مورد عتابات بادشاهی گردیده تا سنه [illegible] هم خدمتی

نمود انجام حال او معلوم نشد   بدیع سلطان ولد خسرو سلطان بن نذر محمد خان

والی بلخ در سنه ۲۱ شاهجهانی بمنصب دو هزاری و در همین سال باضافه پانصدی و در سنه

سی ام باضافه پانصدی و در سنه [illegible] احد عالمگیری بمنصب سه هزاری نام برآمد

تا سنه ۳ خدمت می نمود در عهد ایشان درگذشت   سید بهادر ولد سید لطف علی

رفته بود دیگر احوال او معلوم نشد مرزا ابراہیم متوطن مدینه از نوکران سلطان
داراشکوه در سنه احد عالمگیری بمنصب ہزاری سر بلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
سید امام الدین از نوکران سلطان مرادبخش در سنه احد عالمگیری بمنصب ہزاری سر
افراز شده بود دیگر احوال او معلوم میر ابوالحسن نور الحسن بیت از نوکران سلطان
شجاع در سنه سوم عالمگیری بمنصب ہزاری سربلند شده در سنه ہشتم در بنگاله تردد
شایسته نموده بود انجام حال او معلوم نشد سیدی ابراہیم از ہمراہان شیوا
مرہته در سنه عالمگیری معرفت شایسته خان ناظم دکن بمنصب ہزاری سرافراز شد
بود دیگر احوال او معلوم نشد الهی ولد افضل از نوکران عادلخان حاکم بیجاپور در سنه
عالمگیری بمنصب ہزار و پانصدی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد ملا احمد
نامیه از امیران بیجاپور در سنه ہشتم عالمگیری بمعرفت مرزا راجه جی سنگه عاسا یه بمنصب
شش ہزاری ذات سوار سرافراز شده عازم حضور بود در سنه سوم قبل از ملازمت
درگذشت حرف ب بهاءالدین منصب داشت
در سنه اکبری بحوجی تردد در فتح ملک سنده بمنصب ہزاری سرافراز شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد بلوت حنکی از خانه افغان در عهد اکبری بمنصب ہزاری سرافراز
شده بود در سنه ... دیگر احوال او معلوم نشد بدیع الزمان مرزا ولد
شاہرخ

عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی در اواسط عهد بمنصب هفتصدی
و در اواخر عهد بمنصب هزاری سربلند شده اکثر بخدمات حضور مامور ماند
در سنه سی ام در گذشت میر ابو القاسم ولد شریف خان فیلی در اواسط
عهد شاهجهانی منصب هفتصدی با قلعداری کالنه داشت در اواخر عهد
بمنصب هزاری مامور شد انجام حال او معلوم نشد اسحق بیگ پسر خرد
علیمردان خان در ۲۱ شاهجهانی بمنصب هزاری نو سرافراز شده در سنه ۳۱ با صادق یار نوکری
مباهی گشته در کارزار اکبرآباد همراه سلطان داراشکوه بکار آمد اسمعیل بیگ پسر خرد
علیمردان خان در سنه ۲۶ به نیابت نظم لشکر از طرف مباهات اندوخته در جنگ اکبرآباد
همراه سلطان داراشکوه بکار آمد ابو القاسم ولد سفیخان جهانگیرشاهی در اواسط
عهد شاهجهانی منصب شش صدی داشت در سنه سی ام بمنصب هزاری نام بر
آورده متعلق صوبه گجرات بود در سنه احد عالمگیری فوت کرد اسمعیل افغان در سنه
احد عالمگیری بمنصب هزاری و پانصدی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد الهداد افغان در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر
میر ابراهیم ولد میر نعمان الحسینی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراخته
در سنه ۳ خدمت میر توزکی داشت باضافه پانصدی نام بر آورده پاس لک روپیه مدار المهام

بمنصب هزاری و قلعه‌داری کابل از اصالت دیده خان عبدالواحد نام برادر
سربلند شده در سنه ۲ قلعه‌داری رهتاس مقرر گردیده در سنه ۱۲ مقصر حواله کردن قلعه
بمردم شاه عباس والی ایران معاتب گشته اسدالله ولد رشید خان
انصاری منصبی داشت و در سنه ۲۳ شاهجهانی بعد فوت پدر بمنصب هزاری
و در سنه ۲۴ سه‌ماهه داری جاگیر از مضاف صوبه دکن و در سنه ۱ فوجداری و داروغ
سرکار سکمر و در سنه ۱ فوجداری ایلچپور و بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شد
در سنه ۱ فوت کرد اسدالله ولد بشر خواجه در اواسط عهد شاهجهانی منصب
پانصدی داشت در سنه ۲۱ بمنصب هزاری و در سنه ۲ قلعه‌داری کابل از تغیر
سادات خان و در سنه ۲۶ قلعه‌داری لاهور نام بر آورده در سنه ۱ تعاقب قندهار شده
و در سنه ۲ بمر بورکا مهر بر او راجه و در سنه سی ام فوت کرد ادهم دکنی در سنه ۲۶
شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
اسفندیار ولد بهمن خان کوکه در اوایل عهد شاهجهانی منصب سه‌صدی
داشت و خدمت می‌نمود در سنه نهم همراه خان زمان در دکن تردد می‌نمود
در سنه بیستم فوجداری دهولکه مضاف صوبه گجرات و در سنه ۲۹ بمنصب
هزاری سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد امام قلی ترکمان در اوایل
عهد

ششم درگذشت اسفندیار بیگ ولد حسن بیگ شیخ عمری در عهد
جهانگیری منصبی داشت در سنه سوم شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و در
سنه پنجم بحکومت دکن سربرافراخته در سنه ۱۹ فوت کرد ارشد ولد محمد مسعود
بن احمد سلطان کابلی در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت و در سنه پنجم بتهانه
داری بنگش مقرر بود و در سنه ۱۱ بجلدوی تردد در جنگ با قزلباش در حدود
قندهار بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه ۱۵ درگذشت احسان ولد
بهار خان روهیله در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هشتصدی بود در سنه ۵
به سبب همراهان آن روی آب حسن ابدال کشته در سنه ۲۲ فوت شد اسحق بیگ
برادر یادگار حسین خان در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی داشت
در سنه ۱۲ بحکومت ولایت نوشهره کابل از تغیر راجه کانسداس و در سنه ۱۹
بمنصب هزاری نام برآورده بسفارت بلخ رفته در سنه ۲۱ بتهانه داری
هردو بنگش و در سنه ۲۴ مکرر بتهانه داری انجا از تغیر خوشحال بیگ
قاقشال و در سنه ۲۶ باز به حکومت کابل مقرر گردیده بود دیگر احوال
او معلوم نشد اسد الله ولد مصطفی خان سید باربه نام
بخاری در اوایل عهد شاهجهانی منصب هشتصدی داشت در سنه ۱۹

گردیده در سنه ۱۴ متعین باد شاهزاده مراد بخش گشته در سنه ۱۹ فوت کرد ابوسعید
مرزا ولد مرزا شریف بن اعتماد الدوله طهرانی در سنه ۱۶ عالمگیری منصب هزاری
در سنه ۱۳ سطم سهر سرافراز شده بود و از ابتدای عهد شاهجهانی سه هزار روپیه
سالانه داشت در سنه ۲۲ بموجب عرض جهان آرا بیگم صاحبه منصب دو هزاری
سه صد سوار سربلند گردیده در دهم در سنه مذکور بفوجداری احمیر مقرر گشته در سنه ۲۶
بنابر عدم سرانجام کار معزول شده بسالانه چهل هزار روپیه قانع گردیده در سنه ۴۰
عالمگیری رحلت کرد امام قلی ولد حاجی سار خان ترکمان در اوائل عهد شاه
جهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه سوم در کارزار خانجهان لودی باسخی
مردانه او کاری نکرد احداد ولد محمد خان مهمند در سنه ۱۸ جهانگیری منصبی داشت
همراه سلطان خورم راه بیعی پیموده در کارزار با ابراهیم خان ناظم بنگاله زخمی گردید
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز بود در سنه ۲ و در سنه ۳ و در سنه ۴ در
کارزار بلخ و بدخشان تردد ها نموده زخمها برداشت در سنه ۲۲ تعیان مهم قندهار
انجام حال او معلوم نشد ابو محمد کنبوه مری در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت
در سنه سوم بمنصب هزاری نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد ابابکر ولد بهادر
خان کاما بهادر در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند بود در سنه
ششم

مدکن تعین شده در سنہ بحضور آمده بخشیگری کل مقرر گردید و بمرور بمنصب

سه هزاری جره اسپار برافروخته در سنہ ہم باضافه سواران و در سنہ بمنصب پنجہزاری

دو هزار سوار لوای مفاخرت برافراخته بعد عزل میر بخشیگری باز بدکن تعین

گشته در سنہ یازدہم در مهم دکنیان که با پنجہزار سوار بر انها تاخته بود شمشیرهای

نمایان در همان سال طلب حضور شده انتقال اعتماد الدوله بوزارت کل اختصاص

یافته در سنہ ۱۶ مجلد دو هزار و پنجاه سوار داده و در سنہ ۱۹ ضمیمه خدمت وزارت

نظم کابل والا پایه گشته به نیابت خود ظفر خان پسر خویش را مامور گردانیده

بمنصب پنجہزاری رسیده در سنہ ۲۱ هنگام بی ادبی مهابتخان در کار او دریغ نه

نموده بود در سنہ احدی جہانبانی بمنصب بحال مانده در سنہ ۲ بجلدوی سر دادن تنبیه خانجہان

لودی باغی بمنصب شش ۶ هزاری نیکنام گردیده در سنہ سوم با نظام بعض مهام

دکن کار بند شده در سنہ ۴ نظم کشمیر مباہات اندوخته پسر ظفر خان به نیابت

نظم مذکور پرداخته در سنہ ششم در اکبرآباد رحلت نموده خواجه مذکور از اخلاق

موا محص بود میرزا انور ولد اعظم خان میرزا عزیز کوکه در اواخر عهد اکبری بمنصب هزاری

سرافراز بود و آن حضرت او را بجای فرزند دوست میداشتند در عهد جہانگیری

با وصف آنکه بسیار عزیز و اعسار بدگرش در میان بود بعوض چون ماتحتی بقضای

الٰہی رسید

استقامت شیخ است بعد واقعه شاهزاده مراد در ملک دکن دوم
فتح قلعه اسیر است وار تصانیف او که مشهور آفاق است چه نویسد حکیم
ابو الفتح ولد عبد الرزاق گیلانی در سنه ۲۰ اکبری از ولایت آمده بمنصب
هزاری مباهی شده در قرب حضور و دخل مزاج سبقت بر اقران برده
در سنه ۳۴ رحلت کرد خواجه ابراهیم بدخشی در اواسط عهد اکبری بمنصب
هزاری سر بر افراخته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد میر ابو القاسم
نمکین در عهد اکبری بمنصب هفتصدی سرافراز شده در سنه نهم مصدر
تردد گردیده اکثر در لیاق تلاش مردانه نموده بود در سنه احد جهانگیری
باضافه منصب کامران گشته در سنه ۲ بمنصب هزار و پانصدی رسیده خدمت
می نمود در عهد اعلی شان درگذشت وی پسر یادگار است خواجه ابو
الحسن تربتی در اواخر عهد اکبری بمنصب سر بر افراخته در سنه ۴۷ بدیوانی شاهزاده
دانیال مقرر بود در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری و خدمت بخشی گری باتفاق
عبد الرزاق معموری سر بر افراخته در سنه ۴ معزول شده همراه آصف خان
مهمات وزارت سر براه می نمود در سنه سوم باضافه پانصدی مباهات اندوخته
در سنه ۱۱ معامله دکن گشته در سنه ۱۴ بحضور آمده در همین سال همراه خانخانان باز

احد جهانگیری

سرافراز شده درسنه ۲ بمیر بخشی نام برآورده هم دران سال بالخان

میل کرد **فصل دوم در ذکر امرای که خطاب میافته اند**

حرف الف ابراهیم مرزا ولد سلیمان مرزا

حکمای حاکم بدخشان درسنه احد اکری بمنصب پنجهزاری سرافراز شده

درسنه در صف جنگ با میر محمد خان اوزبک والی بلخ و بدخشان شهید

گردید شیخ ابراهیم ولد شیخ موسی برادر کلان شیخ سلیم حسنی در عهد

اکبری بمنصب دوهزاری سرافراز شده خدمت می نمود درسنه ۱۱ حراست

شهر اکبراباد متعلق گردیده درسنه ۲۵ در کارزارها ترددها نموده درسنه ۲۵ تنظیم اکبراباد

مقرر گشته بود درسنه ۲۶ در انجا فوت کرد شیخ ابوالفضل ولد شیخ

مبارک ناگوری درسنه ۱۹ اکبری بمنصب سرافراز شده بمیر منشی گری

مقرر گشته بقوت طالع و بقدرت کمالات صوری ترقی نموده انیس محفل

خاص و دخیل امور معظم جهانبانی گشته بمنصب پنج هزاری رسیده

درسنه ۴۷ وقتی که بر سکندر بو بندیله بموجب ایمای سلطان سلیم بعزم کشتن

شیخ نزدیک سرای اکبری قریب رسید شیخ الیه عار فرار بر خود

در ون سرای قبول ننموده خود را بکشتن داد از کارهای نمایان او اول

التقام

استقامت شیخ است بعد واقعه شاهزاده مراد در ملک دکن دوم فتح قلعه اسیر است وار تصانیف او که مشهور آفاق است چه نویسد حکیم ابو الفتح ولد عبد الرزاق گیلانی در سنه اکبری از ولایت آمده بمنصب هزاری مباهی شده در قرب حضور و دخل مزاج سبقت بر اقران برده در سنه ۳۴ رحلت کرد خواجه ابراهیم بدخشی در اواسط عهد اکبری بمنصب هزاری سر برافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد میر ابو القاسم نمکین در عهد اکبری بمنصب پانصدی سر افراز شده در شد در سنه نهم مصدر تردد گردیده اکثر در لشکر تلاش مردانه نموده بود در سنه احد جهانگیری باضافه منصب کامران گشته در سنه بمنصب هزار و پانصدی رسیده خدمت می نمود در عهد ایشان در گذشت وی پسر باد کام داراست خواجه ابو الحسن تربتی در آخر عهد اکبری بمنصب سر افراخته در سنه بدیوانی شاهزاده دانیال مقرر بود در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری و خدمت بخشیگری باتفاق عبد الرزاق معموری سر برافراخته در سنه معزول شده همراه آصف خان مهمات وزارت سر برا می نمود در سنه سوم باضافه پانصدی مباهات اندوخته در سنه معاش دکن گشته در سنه بحضور آمده در همین سال همراه خانخانان باز

سرافراز شده درسنه ہمیر کسری نام برآورده هم دران سال بانحناس
میل کرد **فصل دوم در ذکر امرای که خطاب نیافته اند**
حرف الف ابراهیم مرزا ولد سلطان مرزا
حعسای حاکم بدخسان درسنه احد اکبری بمنصب بنجهزاری سرافراز شد
درسنه در صف جنگ با سرمحمد خان اوزبک والی بلخ و بدخشان شهید
گردید شیخ ابراهیم ولد شیخ موسی برادر کلان شیخ سلیم چشتی در عهد
اکبری بمنصب دوهزاری سرافراز شده خدمت می نمود درسنه ۲۲ بحراست
شهر اکبراباد معین گردیده درسنه ۲۵ درکار زارها ترددها نموده درسنه ۲۵ بنظم اکبراباد
مقرر گشته بود درسنه ۲۶ درانجا فوت کرد شیخ ابوالفضل ولد شیخ
مبارک ناگوری درسنه ۱۹ اکبری بمنصب سرافراز شده بمیرمنشی گری
مقرر گشته بقوت طالع و بقدرت کمالات صوری ترقی نموده انیس محفل
خاص و دخیل امور معظم جهانبانی گشته بمنصب پنجهزاری رسیده
درسنه ۴۷ دقتیکه بر سنگلو بندیله بموجب ایمای سلطان سلیم بعزم کشتن
شیخ نزدیک سرای اسری قریب رسید شیخ الیه عار فرار بار جان
درون سرای قبول ننموده خود را بکشتن داد از کارهای نمایان او اول
المتقاوم

شده ترددها نموده در سنه ۲ بفوجداری سنبهل مقرر شده در سنه ۸ بحضور آمده

در سنه ۱۰ متعاقب مهم دولت آباد گردیده در نیور سی قلعه دولت آباد ترددات

شایسته بجا آورده در سنه ۸ در دکن و در سنه ۸ هشتم در فتح قلعه‌ها و در سنه ۹ در تسخیر

قلعه او دگر تلاشهای مردانه کرده بمنصب دو هزار و پانصدی سرافراز گشته

در سنه ۱۱ همراه شاه شجاع بکومک قندهار رفته در سنه ۱۲ بتقصیری بی ادب

و بی منصب گشته در سنه ۱۴ بحال گردیده در سنه ۱۵ در سه راجه جگت سنگه ترددات

نمایان نموده باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری نام برآورده همراه داراشکوه

بقندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان و در سنه ۲۲ در مهم

قندهار در جنگ با قزلباش برد داب نمایان نموده بجلدوی آن در سنه ۲۴

بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار لوای مفاخرت برافراشته در سنه بست

و پنج باخرت سفر رفت حرف و وجیه الملک

گجراتی در سنه ۱۷ اکبری بمنصب و خطاب وجیه الملک سرافراخته در سنه

بیستم بخدمت امانت و فوجداری محالات صوبه گجرات مقرر شده بود دیگر

احوال او معلوم نشد وزیر الملک خان ملک جگ در سنه احد جهان

گیری بمنصب هزاری سه صدی و خطاب وزیر الملک و منصب وزارت

در سنهٔ ۱۳ جهانگیری حسب الطلب از ایران آمده بمنصب هزار و پانصدی و باین
خطاب و بخدمت عرض مکرر در سنهٔ ۱۵ باضافه پانصدی و بعد سالی از تغیر ارادتخان
و در سنهٔ ۱۷ باضافه پانصدی و در سنهٔ ۱۹ باضافه پانصدی و در سنهٔ ۱۹ بمنصب سه هزاری
و در سنهٔ ۲۱ بمیر بخشیگری سربلند شده بود در سنهٔ ۲ شاهجهانی بعد سالی از تغیر افضلخان
علامی و در سنهٔ سوم باضافه هزاری و در سنهٔ ۹ بمنصب پنجهزاری دو هزار سوار و
بمیر بخشیگری از تغیر اسلامخان سرافراز شده در سنهٔ دهم باخرت شتافت
این عمده از اخلاق معمور بود میرجمله محمد سعید اردستانی از نوکران قطب
الملک حاکم حیدرآباد و در سنهٔ ۲۹ شاهجهانی بمنصب شایان و خطاب و بار خطاب
و بار خطاب معظم خان و در سنهٔ ۳ عالمگیری بخطاب خانخانان سرافراز
شده بود همه احوال او در ذیل خطاب خانخانان نوشته شد حرف ن
نور الدوله ولد مرتضی خان میر حسام الدین بن میر جمال الدین حسین
انجو در اواسط عهد شاه جهانی بمنصب و بخطاب نور الدوله سرافراخته
در سنهٔ ۱۳ بفوجداری میان دوآب مقرر شده و بمنصب هزاری نام برآورده
در سنهٔ ۱۴ تعین کابل شده در سنهٔ بیستم در تعیناتی صوبه بهار فوت کرد **نظر بهادر**
خویشگی منصبی داشت و در سنهٔ احد شاهجهانی تعین مهابتخان زمانه بیگ
شده

معزالملک و در سنه ۵ بدیوانی بندر سورت و آینده بفوجداری دامنی و دیوانی

شهیر بود در سنه ۱۳ بار تبتصدی بخشیگری بندر سورت و در سنه ۱۶ بدیوانی گجرات

سربرافراخته باشد ۲۱ خدمت نمود احتمال است که این معزالملک میر معز

الدین است یا دیگری مسیح الملک در سنه ۳۵ اکبری بمنصب و باس

خطاب سربلند و معاش گجرات بود دیگر احوال او معلوم نشد مسیح الزمان

حکیم صدرا ولد فخرالدین شیرازی مشهور بمیرزا محمد از اطبای شاه عباس

در سنه ۴۲ اکبر از ولایت آمده در سنه ۴ جهانگیری بمنصب پانصدی و بخطاب

مسیح الزمان سرافراز گردیده در سنه احد شاهجهانی بمنصب سه هزاری نام

برآورده در سنه ۴ بحرمین رفته در سنه ۸ مراجعت نموده و بدیوانی بندر سورت

مقرر گردیده در سنه ۱۵ بالانه پنجاه هزار روپیه قانع گردیده در سنه ۲۴ درگذشت

مظفرالملک ولد بهادرالملک در سنه ۳ جهانگیری بخطاب مظفرالملک سربلند

بود در سنه ۱۶ بخطاب نصیرخان مامور شده خدمت می نمود همه احوال او

در ذیل خطاب نصیرخان نوشته شد میر جمله میر محمد امین موسوی از عمده‌های

اصفهان از نوکران قطب الملک مرزبان حیدرآباد در ایام ضعف

سلطنت خاندان قطب الملکیه بایران وطن خود برگشته رفته بود

عدیم المثال عضد الدولہ مر جمال الدین حسین انجو در اواسط عہد

اکبری بمنصب ہزاری سرافراز گردیدہ در ۱۰۰۲ھ بکومک ناظم بنگالہ رفتہ ہمیشہ

خدمت حسبان میکرد در عہد جہانگیری بجلدوی اصلاح مقدمات دکن

کہ بکرر بسفارت بادشاہان دکن رفتہ بود و بر صداقت قول و فعل او

اعتماد کلی داشتہ مطلع شدند در ۱۰۱۲ھ بمنصب سہ ہزاری و بخطاب عضد الدولہ

سرافراز گردیدہ در ۱۰۱۶ھ بنابر کبر سن بچہار ہزار روپیہ در ماہہ قناعت کردہ

بود در ۱۰۱۸ھ فرہنگی در لغت ترتیب دادہ عماد الملک در عہد اکبری

بمنصب دوصدی و بخطاب عماد الملک سرافراز شدہ تا ۱۰۲۹ھ خدمت می

نمود و از مشہوران بود دیگر احوال او معلوم نشد حرف ف

فخر الملک ولد یاقوت خان حبشی دکنی در اوایل عہد شاہجہانی بہ

منصب ۳ ہزاری و بخطاب فخر الملک سرافراز شدہ خدمت نمود دیگر

احوال او و تاریخ معلوم نشد حرف م مخدوم الملک

ملا عبد اللہ مردی کہن سال در علم علامی بے بدل بود و بسر شاہ

سلیم شاہ جیلی قرب داشت در سنہ احد اکبری بخطاب مخدوم

الملک نام برآوردہ و خلعت مدار المہامی در پیشگاہ خلافت و جہانبانی

عین الملک حکیم شیرازی در عهد اکبری بمنصب پانصدی و به
خطاب عین الملک سرفراز گشته خدمت می نمود در سنه ۲ در شلاج
زخم تیری که بر کتف حضرت رسیده بود باتفاق خواجه خضر خان
که از نسل سلاطین مغل بود خدمت نمایانی بجا آورده در سنه ۱۱ با دردن
اعتماد خان گجراتی رفته آینده برسالت دکن تعین شده در سنه ۱۲ مراجعت
نموده در سنه ۲۶ هنگام فوجداری بریلی در فتنه عرب بهادر باغی تردد
نمایان کرده در سنه سی ام مصحوب اعظم خان گردیده در سنه چهلم در هندیه
مضاف صوبه مالوا فوت کرد از نکوکاران زمان بود در برآمد کار مردم سعی
می کوشید میر علاء الدوله قزوینی در عهد اکبری بمنصب و خطاب
سربلند شده خدمت می نمود در سنه ۲۱ به دیوانی صوبه گجرات نام برآورده
بدیانت و کار سرانجام می کرد دیگر احوال او معلوم نشد عضد الدوله
میر فتح الله شیرازی از اعیان دکن موافق طلب حضور در سنه ۲۹ اکبری
از آنجا آمده در سنه سی ام بخطاب عضد الدوله بخدمت امین الملکی و الا
رتبه شده مقرر گردیده بود که باستصواب او مهمات مالی منفصل می نمود
باشد در سنه ۳۴ در کشمیر همراه رکاب بود در آنجا فوت کرد در همه بوده

علوم

سوم شاهجهانی بمعرفت نصرت خان خواجه صابر بمنصب صدی
نو سرافراز شده اینده بخطاب صوفی بهادر نام برآورده در سنه دهم هنگام
تعیناتی بهار در فتح قلعه کالو لورا از قلاع زمیندار بهوجلو ترددهای مردانه نموده در
سنه ۱۲ بمنصب هفصدی رسیده در سنه ۱۴ عالمگیری بسفارت اورگنج رفته و مرا
جعت نموده بود انجام حال او معلوم نشد صوفی بهادر سر براه راخته
تا سنه ... خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد صمصام الدوله
ولد مرتضی خان بن جمال الدین حسین انجو در اواسط عهد شاهجهانی
بمنصب هفصدی و در سنه ۱۱ به بخشیگری صوبه قندهار و در سنه ۱۲ بدیوانی
قندهار و در سنه ۱۷ بدیوانی کابل از تغیر سربچه و در سنه ۱۲ بدیوانی بادشاهزاده
محمد شجاع و در سنه ۲۳ بمنصب هزاری دو صد سوار و در سنه ۱۱ بمنصب
هزار و پانصدی در ساب نظم صوبه اودیسه از طرف بادشاهزاده مذکور
سرافراز شده در سنه ۲۹ درگذشت حرف ص
ضیاء الملک کاشی در اواسط عهد اکبری بمنصب هفصدی
و بخطاب ضیاء الملک سرافراز شده در سنه ۳۰ بسفارت ایران رفته بود
تا سنه ۴۴ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد حرف ع

مردانه نموده سلطان خورم را دخل نداده بود دیگر احوال او معلوم نشد
شریف الملک بن حیدرابادی برنه ابوالحسن پادشاه حیدراباد در سنه ۲۹
عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب شریف الملک سرافراز شد
در سنه سی ام فوت کرد حرف ص صدر جهان

میران صدر جهان مفتی متوطن قصبه بهانی در سنه ۲۱ اکبری بمنصب
معصدی سربلند بود بنابر ادای رسم تعزیه پیش عبدالله خان اوزبک
والی ایران درو امیر سکندر خان بدرس بسفارت رفته بود مراجعت
نموده آمده در سنه اول جهانگیری بصدارت کل مقرر شده و بمرور بمنصب
پنجهزاری رسید تا سنه دهم خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد
صدر جهان خویش شیخ فرید بخاری در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب و باین
خطاب سرافراخته در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب معصدی
سرافراز بود در سنه ۱۳ بقلعداری کانگره مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم
نشد سید صدر جهان خویش خلیفه سلطان در سنه نهم عالمگیری
از ولایت آمده بمنصب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
صوفی بهادر شیخ صوفی از نوکران نظام الملک حاکم دکن در سنه

در سنه بحرمین الشریفین رفته در سنه مراجعت نموده در سنه ۱ فوت کرد

حرف ر   رکن الدوله ولد مرتضی

خان میر حسام الدین بن میر جمال الدین حسین انجو در عهد شاهجهانی

بمنصب پانصدی و بخطاب رکن الدوله سرافراز بود احوال مآل او معلوم نشد

حرف س   سیف الملک

در اواسط عهد اکبری بمنصب هفتصدی و بخطاب سیف الملک سرافراز

شده تا سنه ام خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد سیف الملک

کاشغری در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری و بخطاب سیف الملک سربلند

و در سنه ۳ بصاحب خانخانان اتالیقی تعلق شده در سنه   سیف الدوله ولد

قلیج خان در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب ... بخطاب سرافراز بود در سنه ۲

بعنایت فیل ماده نامبردار دیگر احوال او معلوم نشد حرف

ش   شریف الملک ملازم سلطان شهریار در

عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب شریف الملک در سنه ... بفوجداری محالات

جاگیرات آن که در اکبرآباد بود و اینده به نیابت نظم صوبه ... از طرف

ایشان مقرر بود در سنه ۲۱ جلوس که بعزم فاسد ... رفته بودند جنگ

دراخر عهد عالمگیری بمنصب دوهزاری و بخطاب سرافراز شده بود بعد رحلت
حضرت ارش اعلم شاه بجناب حلعت و در سنه احد بهادر شاه باضافه منصب
کام دل برگرفته بود در عهد بادشاه ارش حیان ثانی استقلال نمود خواجه جهان
ابن الدین تردی از بندهای همایونی در سنه احد اکبری بمنصب براری و بخطاب
خواجه جهان سرافراز شده در کمال قرب خدمت می نمود در سنه دهم بامر خطیر
وکالت سربرافراخته در سنه ۱۹ در ایام رفس بازی او ارسپ رفت بر
رمس افتاد بهمین صدمه بعد چندی ور فوت کرد خواجه جهان دوست
محمد خانی دیوان ایام بادشاهزادگی جهانگیر بادشاه منصبی داشت در ابتدای
عهد اینشان از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خواجه
جهان و در سنه بخشیگری و در سنه بحراست شهر اکبراباد و در سنه باضافه
پانصدی و در سنه باضافه پانصدی سربرافراخته بنابر دریافت بعض مقدمه
بکابل رفته و برگشته آمده در سنه بمحافظت اکبراباد و حراست قلعه مامور شد
بمنزله ناظم مقرر بود در همانسال باضافه و در سنه دهم باضافه پانصدی و در سنه
۱۴ بمنصب پنجهزاری نام برآورده از نظم الخا معزول گردیده درین سال
در لاهور فوت کرد خواجه جهان ملاخواجه جان خانی در سنه احد شاهجهانی
بمنصب دوهزاری و بخطاب خواجه جهان و بدیوانی گجرات سرافراز شد
در ۴

تا سنه دهم خدمت می نموده دیگر احوال او معلوم نشد حرف ت

ترسون بهادر در اواسط عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی سربلند

و متعلق مهم قلعه کانگره بود دیگر احوال او معلوم نشد حرف ح

حکیم الملک در عهد اکبری بمنصب و بخطاب حکیم الملک سرافراز

شده در سنه هشتم خدمت مینمود در سنه ۲۵ بحرمین الشریفین رخصت گردید

بود دیگر احوال او معلوم نشد حکیم الملک ابوالقاسم گیلانی ولد حکیم الملک

که مولدش هندست در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری سرافراز شد

خدمت می نمود در سنه احد شاهجهانی بخطاب حکیم الملک نام برآورده در سنه

دهم با مبلغ نذر بحرمین رفته برگشته آمده بود در عهد ایشان درگذشت حکیم

الملک میر محمد مهدی اردستانی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و سرافراز شد

در سنه ۶ بمنصب دو هزاری و بخطاب حکیم الملک سربلند گردیده در سنه

دهم مورد الطاف خاقانی گشته در عهد ایشان درگذشت حکیم الملک

دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود در سنه ۳۷

بجائزه حسن خدمت در علاج پادشاهزاده اعظم شاه بمنصب چهارهزاری

نام برآورده بود و در عهد ایشان باخرت سرا رفت حکیم الملک ولد محسن خان

ولپس از فرار مکرر از میدان جنگ در سنه ۱۱ جلوس حال حراحی بنابر آوردن نشان
رفته بود نوکری احسان نموده بمنصب ہزاری سرافراز شده در سنه ۱۸ در فتح قلعه
جاماسر تدبیرها بکار برده در سنه ۲۳ در جنگ با مرزا مظفر حسین ولد مرزا ابراہیم
حسین جعفانی تردد بسے نموده بود انجام حال او معلوم نشد باز بہادر شریوی
ولد شریف خان برادر اعظم خان اتکه در عہد اکبری بمنصب مقصدی و خطاب
باز بہادر سرافراز شده بود خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد باز بہادر
قلماق لال بیک نام سلطان کیاپ دار ہمایون بادشاه که از خاصه خیلان
این سلسله عالیه بود در آخر عہد اکبری بمنصب و خطاب باز بہادر سرافراز شده
خدمت می نمود بعد از این راه بغی پیموده بود در سنه ۴۶ در ذیل باغیان بنگاله معرفت
راجه مانسنگه بقصر گس مقرون بعفو گردیده در سنه احد جہانگیری بخطاب جہانگیر
قلیخان نام بر آورده بود بہ احوال او در ذیل اصل خطاب جداگانه نوشته شد
باز بہادر قلماق دیگر در سنه احد جہانگیری بمنصب ہزاری و خطاب باز بہادر
سربلند و در سنه ۸ بدکن تعین شده بود انجام حال او معلوم نشد بہادر الملک
در آخر عہد اکبری بمنصب و خطاب بہادر الملک سر برافراخته در سنه ۴۶
در دکن ترددها نموده در سنه ہشتم جہانگیری بمنصب سه ہزاری نام بر آورده
تا

در مقدمات و مهمات مالی و ملکی چندان دخیل نبود دیگر احوال او معلوم نشد

اعتماد الدوله غیاث بیگ ولد میرزا محمد شریف طهرانی در عهد اکبری از ولایت

آمده بمنصب بهمصدی و بخدمت بیوتات سرافراز شده بود در سنه احد جهانگیری به منصب

هزاری و پانصدی و بخطاب اعتماد الدوله و منصب وزارت از تغیر وزیر خان محمد

مقیم و در سنه ۲ بوزارت کل در سنه ۱۰ بنظم لاهور با وجود وزارت کل و بمنصب هفت هزاری

پنجهزاری سوار و حکم نواختن نوبت بعد نوبت بادشاهزاده ها و هم باس عیاث که

از مقیمان حرمسرای خلاف از اعتماد الدوله رو بوسید و الا رتبه گشته

در سنه ۱۲ بحمله دو هزار سوار دو اسپه سه اسپه داده و در سنه ۱۴ بمنصب هفت هزاری هفت

هزار سوار و نوازش توپان طوغ و ناقاره پانصدی و در سنه نهم بمنصب پنجهزاری

و در سنه دهم بمنصب شش هزاری بعطای دستار خاص سربلند شده در سنه ۱۶

در ناحیه لاهور رفته فوت کرد اموال او کرور روپیه برآمد مردی فراخ حوصله نیک

نهاد بود با وجود رجوع خلایق همه را راضی داشت و در دولتخواهی آقا

و نیکوخواهی سرکار وضع منفرد بود حرف ب

باز بهادر ولد شجاع خان از جمله های سرشاهی حاکم مالوا بعد از آن که

مالوا در حکومت باز بهادر در سنه ششم اکبری تصرف اولیای دولت درآمد

هزار اما ملو در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب و در سنه ۲۱ باضافه منصب و در سنه ۲۴
بمنصب هزاری و در سنه ۲۶ بخدمت آخته بیگی و باضافه پانصدی بمنصب هزار و
پانصدی در سنه ۲۹ بخدمت عرض وقایع و در سنه ۳۱ بمنصب دوهزاری و بخطاب آکی خان
و در سنه ۱۲ باضافه پانصدی و هم خدمت بخشیگری سربلند شده در سنه احد عالمگیری
بمنصب سه هزاری و بحالی بخشیگری و در سنه ۳ باضافه پانصدی و در سنه ۸ بمنصب
چهارهزاری و در سنه ۱۳ دهم بعد فوت جعفرخان به نیابت وزارت و در سنه ۱۴
بمیر بخشیگری از انتقال لشکرخان یادگار بیگ ضمیمه آن بلندمرتبه گردیده در
سنه ۱۶ استعفای نیابت نموده در سنه ۱۹ چون سربلندخان خواجه رحمت الله
میربخشی معزول گشته بالاصالت بخدمت وزارت کل و بمنصب هفت هزاری
و در سنه ۲۳ بعطای مسند و تکیه زربفت و سوزنی حلکی دوز و بعد فتح حیدرآباد
باضافه هزار سوار و پس از فتح قلعه جنجی باضافه هزار سوار و در سنه ۴۸ بخطاب امیرالامرا
لوای مفاخرت برافراخته تا آخر عهد مأمور بامور وزارت مانده در سنه احد بهادرشاهی
بخدمت وکالت مأمور شده خانه نشین گردیده در سنه فرخ سیر بادشاه آن حلم و حیا
را با خود برد امیری بود بسیار بزرگ و خداترس امین الدوله در عهد اکبری
از مصاحبان حضرت بمنصب و بخطاب امین الدوله اختصاص داشت

در عهد

بمنصب هفت هزاری هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه دو کرور
دام انعام و بخطاب امیرالامرا و در سنه ۲ رخصت لنواحی پونه بدستور
بدر در حضور و بعنایت خلعت خاصه با جارقب زردوزی و جمدهر
مرصع با علاقه مروارید و دو سر اسپ یکی با زین و ساز طلا و هم در سنه ۳
بنظم مملکت دکن و بعطای لوای طوغ و در سنه ششم بنظم صوبه جنت البلاد
بنگاله و در سنه ۸ بعنایت فیل بالاپر و در سنه ۱۹ بانعام دو کرور دام دیگر
و بنظم اودیسه ضمیمه بنگاله علم مباهات برافراشته در سنه ۱۲ بعد ملازمت
به اجازت آمدن پالکی سوار تا دروازه غسلخانه و بنظم صوبه اکبراباد
و در سنه ۲۲ بار دوم بنظم بنگاله و در سنه ۳۱ بار دوم بنظم صوبه اکبراباد چهره امتیاز
برافروخته در سنه ۳۶ در انجا دفتر مروت و احسانرا با جود بخاک برد
و بحر محامد و مناقب خصوص سخاوت این مرد بزرگ را دفترها
می باید در شجاعت هم پای کمی نداشت که در سنه نهم شاهجهانی قلاع
جنیر و سنگمنیر از ممالک دکن و در سنه ۱۵ پلاموں از مضافات صوبه بهار و در سنه سوم
عالمگیری قلعه چاکنه از قلاع و در سنه ۱۹ سورنک از مضافات صوبه بهار و در سنه سوم
بنگاله فتح نموده بود امیرالامرا محمد ابراهیم ولد ذوالفقار خان حاکم بن ذوالفقار خان

بصوبہ رخصت شدہ بود در سنہ ۲۱ بمرض اسہال رحلت نمود از اموالش
یک کرور روپیہ برام بجاہ لک روپیہ بکار سروہ دختر بس مرحمت شد
و بجاہ لک روپیہ عوض مطالبہ داخل خزانہ گردیدہ امیری بود عالی ہمت
نیک طینت امیر الامرا ابو طالب ولد اصفی ال ابو الحسن بن اعتماد الدولہ
عیاث بیک طہرانی در اواسط عہد جہانگیری بمنصب و در سنہ ۱ بہ
منصب دو ہزاری و در سنہ ۱ بخطاب شایستہ خان سربلند شدہ بود در سنہ احد
شاہجہانی بمنصب پنجہزاری مباہات اندوخت در سنہ ۲ و در سنہ ۳ و در سنہ در رکاب
والا در مہم خانجہان لودی باغی در دکن تردات نمودہ در سنہ ۵ از دکن در رکاب
بہندوستان آمدہ در سنہ در سفر کشمیر در رکاب خدمت مینمود در سنہ ہشتم
در رکاب بدکن رفتہ بہ سنہ عادلخان معاش گشتہ در سنہ نہم از دکن بہندو
ستان آمدہ و در سنہ دہم بعد فوت خانزمان بہادر بنظم صوبہ دولت آباد
در سنہ ۱۳ بنظم صوبہ بہار و در سنہ ۱۴ بنظم صوبہ الہ آباد و در سنہ ۱۵ بنظم صوبہ مالوا
و در سنہ بست بنظم صوبہ گجرات و در سنہ ۲۳ بار دوم بنظم مالوا و در سنہ ۲۳ بنظم مملکت
دکن و در سنہ ۲۶ بار دوم بنظم گجرات و در سنہ بار سوم بنظم صوبہ مالوا و در سنہ سی ام
بخطاب خانجہان و بمنصب شش ہزاری والا رتبہ گشتہ در سنہ احد عالمگیری
بمنصب

شده در سنه ما تالیقی سلطان پرویز دو ہمین پور خلافت بدکن تعین گردیده
در سنه در انجا فوت کرد در ہندی ملد است امیر الامرا علیمردان خان ولد
گنج علیخان ایک از امرای نامدار ایران دیار بود شاه عباس اول بدر ش
را در محاورات بابا می نوشت و شاه صفی او را بابای ثانی معبر بود
چون شاه صفی بنابر توہم نعی از احضار خلاف واقعه در پی برانداختن او
شد بناچار در سنه ۱۱ شاہجہانی بمعرفت سعید خان بہادر ولد احمد بیگخان ناظم
صوبه کابل بدرگاه رجوع اورده قلعه قندہار را به اولیای دولت سپرده خانانه
بمنصب ہفت ہزاری ولد سال خلعت خاصه با جارت دغیره و روز ملازمت
باضافه ہزاری و خدمت نظم کشمیر حسب لطر از تغیر ظفر خان و در سنه ۱۳
بمنصب ہفت ہزاری و بنظم صوبه لاہور از تغیر محمد خان و در سنه ۱۴ بنظم صوبه
کابل از تغیر سعید خان و در سنه ۱۶ بخطاب امرالامرا و بمنصب ہفت ہزاری ذات
و سوار از انجمله ہنجہار سوار دو اسپه سه اسپه و جاگیر یک لک روپیه سربلند شده
در معارک بلخ و بدخشان بذات خود شمشیر ہا زده در سنه ۲۲ عوض سه ہزار سوار
فوج خود داده در سنه ۲۳ از نظم کابل معزول گردیده بار دوم نظم کشمیر از تغیر حسن
بیک جولس خود مقرر شده ہر سال بخصوص می آمده در سنه ۳۰ از کشمیر بخصوص آمده

خدمت می نمود و حیلے مورد رعایت بود در عهد ایشان درگذشت ::
یولبرس خان ولد عبدالله خان والی کاشغر در سال عالمگیری ارولایت خود
آمده بعد عطای منصب خدمت می نمود و در سنه ۳۴ بخطاب خانی سرافراز بود
در سنه ... بمنصب دو هزاری سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد ::
یولس خان در اخر عهد عالمگیری بمنصب سه صدی و بخطاب خانی سرافراز گشته
خدمت می نمود در سنه احد بهادر شاه اضافه صدی یافت انجام حال او معلوم نشد

در ذکر وصل فصل اول

حرف الف امیرالامرا

راجه بهگوانداس کچھواهه در عهد اکبری بخطاب امیرالامرا سربلند بود
رعایت اینخطاب نام او درین ذیل تعلم آمد مفصل در ذیل خطاب
راجها نوشته خواهد شد امیرالامرا محمد شریف ولد خواجه عبدالصمد شیرین
قلم بن خواجه نظام الملک وزیر شاه شجاع سرداری در عهد اکبری به
منصب دو صدی سربلند بود در سنه احد جهانگیری برعایت آنکه ندیم
و مصاحب قدیم بود بخطاب سرخیل خان و امیرالامرا منصب پنجهزاری
و خدمت وکالت لوای مفاخرت برافراخته در سنه ۳ بمرض مرض معزول
گشته

پانصدی و بخطاب سرافراز بود در سنه دهم همراه ظفرخان ناظم
کشمیر خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد **یادگار خان** از اعیان
الالوس عبدالرحمن ولد نذر محمد خان والی بلخ در سنه ۲۶ شاهجهانی از ولایت آمده
بمنصب پنصدی و در سنه ۳۰ باضافه منصب صدی سربلند شده در سنه اول
تعلق شاهزاده عالمگیری ناظم دکن گردیده در جنگ مالوا همراه مهاراجه
جسونت سنگه بود بعد شکست او در رکاب عالمگیری ملازمت نموده در پیش قدمی
تردد کرده در جنگ دوم بحضور رسیده در سنه ۴ و در سنه در بنگاله تردد ها نموده
بود در عهد ایشان در گذشت **یحیی خان** دکمیتی برادر ملا احمد نایته از
امیران بیجاپور در سنه عالمگیری بمنصب دو هزاری اینده بخطاب خانی نام
خود سرافراز و در سنه ۱۳ مصدر تردد شده بود انجام کار او معلوم نشد **یحیی خان**
رومی در سنه ۱ عالمگیری بمنصب بخطاب خانی سربلند و در کارزار با و ...
نامیان مصدر تردد و در سنه مورد الطاف خاقانی بود انجام حال او معلوم نشد
یلنگتوش خان بهادر ترک که پرورده بادشاه ب
خانی سرافراز بود در سنه ۱۴ ابن
ور ... و در سنه ۱ برادر

یادگار حسین خان منصبے داشت در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہزار و پانصدی
و بخطاب خانی سربلند شدہ در سنہ ۶ در کابل فوت یادگار حسین خان
در سنہ ۳۲ عالمگیری بمنصب و باخطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد
یاسین خان ولد نصر خان تولور در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہزار و پانصدی
و بخطاب خانی سربلند شدہ خدمت می نمود در سنہ ۸ فوت کرد یاسین خان
در آخر عہد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند شدہ بفوجداری مدز بار
مقرر بود و تا سنہ ۴۲ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد یاقوت خان
حبشی در سنہ احد شاہجہانی بمنصب شش ہزاری نوسر افراز شدہ در سنہ ۱۶ از
سعادتی در ہنگام بعضے مہابت خان زمانہ بیگ فرار نمودہ بعد ازان
احوال او معلوم نشد یاقوت خان در اواسط عہد عالمگیری بمنصب
و بخطاب خانی سربلند شد بمصدی گری بندر اصوا مقرر گردیدہ در سنہ ۲۶
دست و دو وجہل و سی تردادات نمودہ مورد الطاف خاقانی بود غالب
کہ دکمنے باشد یلدلخان خواجہ سرا ارجبر در رکاب شاہجہانی آمدہ در سنہ احد
تا دم ایشان بمنصب و بخطاب خانی سرافراختہ در سنہ دہم بمنصب ہزاری
مباہات اندوختہ در سنہ ۱۳ فوت کرد بیساول خان در عہد شاہجہانی بمنصب

بالای

باافغانان باغی و در سنه در دکن محاربه کسب ترددات نموده در سنه ۵ بحضور

آمده بمنصب دوهزاری نام برآورده در سنه ۶ همراه شاهزاده شجاع تعین دکن

شده در سنه ۸ در انجا بلا شبها کرده در سنه هشتم ترددات نمایان نموده در سنه ۱۲

بفوجداری سیوستان مقرر گردیده در سنه ۱۵ متعلق مهم گشته در سنه ۱۱ فوت کرد

یکه تاز خان عبدالله ولد حاجی منصور بلخی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب

دوهزاری و بخطاب مخلص خان سرافراز شده بود در سنه ۱ عهد عالمگیری

بمنصب سه هزاری و بخطاب یکه تاز خان نام برآورده متعلق بنگاله شد

و در سنه سیوم نزد لعساکر بنگاله بحرب صعب پیوسته با دو برادر [illegible] بکار

آمد یکه تاز خان میر غضنفر در اوایل عهد عالمگیری بمنصب [illegible]

سربلند بود در سنه ۸ بمنصب هزاری و بخطاب یکه تاز خان سرافراز شد

در سنه ۱۳ با تحایف دولک روپیه بسفارت توران رفته در سنه ۱۶ مراجعت نموده

در سنه ۲۲ فوت کرد یکه تاز خان ولد یکه تاز خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب

و بخطاب یکه تاز خان سرافراخته در سنه چهلم بفوجداری احمداباد دکهوره

مضاف صوبه الهاباد از تغیر عبدالصمد خان مقرر شده تا سنه دوم بهادرشاهی هنگام

فوجداری سلطانپور بدربار در دکن خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

در ۱۱۱۲ تعین کابل تا سنه احد شاہجهانی خدمت می‌نمود انجام حال او معلوم نشد یعقوب خان ولد ابراهیم خان بن علیمردان خان اورنگ منصب داشت
و در اواسط عهد عالمگیری بخطاب خانی بنام خود سر بر افراخته در سنه ام منصب
هزار و پانصدی و در ۱۱۱۴ بفوجداری جمو و در ۱۱۱۹ بفوجداری پکلی و دمتور و بعد
رحمن داد خان سرافراز شده در سنه بهادر شاه بادشاه بخطاب جد خود بگنج علیخان
مخاطب بود چهره امتیاز بر افروخته بود انجام حال او معلوم نشد یوسف
مخلص خان تا سکندری منصب داشت وار خبر در رکاب شاهجهانی آمده در سنه
احداث ان دو هزاری هزار سوار سر بر افراخته در ۲ مهم جانخان باغی شده
در ۱۱۱۸ معرکه سحالو ریان از اسبان فرود آمده بحرب صعب پیوسته زخمها برداشته
بمیدان افتاده با سیری کار رفته در سنه پنجم بعد خلاص شدن بمنصب سه هزاری
دو هزار سوار نام بر آورده آینده بنظم صوبه ٹهٹها مقرر گردیده در سنه ششم معزول
گشته دوازده بفوجداری سرکار منصوب صوبه ملتان مساهمت اندوخته و به
منصب سه هزاری سه هزار سوار دو اسبه سه اسبه رسید در همان سال
در آنجا فوت کرد یکه تاز خان از خبر در رکاب شاهجهانی آمده در سنه احداث
بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب یکه تاز خان سرافراز شده در سنه سوم در جنگ
با جانخان

بنگاله بعساکر منعم خان تلاشهای مردانه کرده در سنه بیستم در شهر گور دار الملک

بنگاله بنابر سمیت هوا فوت کرد یوسف خان حاکم کشمیر در سنه ۳۱ اکبری

بعد ازانکه ولایت کشمیر از تصرف او برآورده بندگی درگاه والا احسان نموده به

منصب پانصدی و بخطاب خانی سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد

یوسف خان ولد حسن خان ککر در اواخر عهد اکبری بمنصب دوهزاری و به

خطاب خانی سرافراز شده بود در سنه سوم جهانگیری باضافه منصب و در سنه ۱۲ بفوجداری

لکهنو دانه وهم در سنه ۱۲ بمنصب سه هزاری سربلند گردید در سنه ۱۶ در دکن زندگانی

را بحوالت داد یوسف خان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بنام خود

سرافراز بود در سنه نهم بداروغگی مرصع آلات مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد

یوسف خان برادر منصور خان داروغه توپخانه دکن در اواخر عهد عالمگیری به منصب

هزاری و بخطاب خانی سرافراخته در سنه ۴۳ قلعدار قمرنگر و در سنه پنجاهم فوجدار

قمرنگر و بعد ازان قلعدار اسارگده مقرر شده بود در سنه ۳ بهادر شاه بحکم قلعدا

ری گرلول باضافه پانصدی نام برآورده بود انجام او معلوم نشد یعقوب خان

بدخشی منصبی داشت در سنه سوم جهانگیری بخطاب خانی بنام خود و بمنصب

هزاری و در سنه ۱۶ بنوازش نقاره و بمنصب دوهزاری هزار و پانصد سوار سرافراز شد

معزز شده از کوملکیان آنصوبه در انجا بود در سنه ۳ در تسه نور الدین
سپه سالار مرزا احمد حکیم که بعزم تصرف لاهور آمده بودند تلاشها
بکار برده تا سنه ۲۶ در انجا خدمت می نمود در سنه ۲۸ بنظم اوده مقرر
گشته در سنه ۳ بمنصب دو هزاری و پانصدی مباهات اندوخته هم در سنه
مذکور متعینه صوبه بهار گردیده در سنه ۳۲ از تعنا همدار آمده بنظم کشمیر که
در سنه ۱۳ مصرف اولیای دولت در آمده بود مامور شد و بخوبی کارهای
آنجا تا سنه ۳۴ سرانجام نموده در سنه مذکور تعلقای جاگیر سرکار جونپور
سند شده در سنه ۴۰ بکمک لشکری که بنابر تسخیر دکن مامور گردیده تعین
گشته در سنه ۴۳ تا اتفاق شاهزاده مراد از استمال صادق خان تا مسخر
دکن متعین گشته در سنه ۴۳ در معارک دکن ترددات و تلاشهای
مردانه نموده قلعه احمد نگر از قلاع دکن عظیم دکن بدستیاری خود
مفتوح گردانید و در سنه ۴۴ در انجا فوت کرد حاجی یوسف خان در عهد
اکبری بمنصب پانصدی و خطاب خانی سرافراز شد و در سنه ۱۷ در
الیغار سه مرزا ابراهیم حسین در قصبه سرنال در حدود مکانیر
در رکاب والا تردد نموده در سنه ۱۹ در کارزار داود کرانی حاکم
بنگاله

معزول شده از کومکیان آنصوبه در انجا بود در سنه ۲ در تسه نور الدین
سپه سالار مرزا محمد حکیم که بعزم تصرف لاهور آمده بودند تلاشها
بکار برده تا سنه ۲۶ در انجا خدمت می نمود در سلام سنه ۲۸ بنظم اوده مقرر
گشته در سنه ۳۰ بمنصب دو هزاری و پانصدی مباهات اندوخته هم در سنه
مذکور متعینه صوبه بهار گردیده در سنه ۳۲ از تعینات بهار آمده بنظم کشمیر که
در سنه ۳۱ مصرف اولیای دولت در آمده بود مامور شده بخوبی کارهای
آنجا تا سنه ۴۹ سرانجام نموده در سنه مذکور بعطای جاگیر سرکار جونپور خورسند شده
در سنه بکومک لشکری که بنابر تسخیر دکن مامور گردیده تعین
گشته در سنه ۴۳ تا ملتقی شاهزاده مراد از اسعال صادق خان نام مسخر
دکن متعین گشته در سنه ۴۴ در معارک دکنیان ترددات و تلاشهای
مردانه نموده قلعه احمد نگر از قلاع دکن عظیمه دکن بدستیاری خود
مفتوح گردانیده در سنه ۴۶ در انجا فوت کرد حاجی یوسف خان در عهد
اکبری بمنصب پانصدی و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۷ در
ایلغار سه مرزا ابراهیم حسین در قصبه سرنال در حدود بیکانیر
در رکاب والا ترددها نموده در سنه ۱۹ در کارزار داود کرانی حاکم
بنگاله

در قلعه گوالیار رفته در سنه بقلعداری رهتاس از انتقال ذوالقدر خان
مقرر شده در سنه بصوبداری بنارس از سالعالی مقرر شده در سنه نهم
فوت کرد هزبر خان شاه قلی در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و میر
توزکی سرافراز شده بود در سنه نهم بخطاب هزبر خان نام برآورده در سنه ۱۱
در بهانه حکمرانی مصاف صوبه کابل با افاغنه انجا او بحرب بکار آمد
هوشیار خان خواجه سرا در آخر عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب
هوشیار خان سرافراز شده در سنه ۱۲ عامل جاگیر نورجهان بیگم بود
رسیدن خانه کورنا فوج شایسته بر لب آب حیات بسبب برآمدن
از جنگل مهاسحان زمانه بنیک که دران ایام مصدر بی ادبی شده حضرت را
با حسار خود داشته بود کرد انجام حال او معلوم نشد هادی داد خان
برادر سعید خان انصاری در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هفصدی در سنه ۱۱
بمنصب هزاری و در سنه ۱۳ ناظم صوبه ملکانه انتقال رشید خان و باضافه
منصب و در سنه ۲۴ بخطاب خانی بر نام خود بمنصب دو هزاری و بانصدی
سرافراز شده ... ت کرد ولیکن گذاشت واکثر بمناصب
الرحیم ولد هادی داد خان حده امتیاز برافروخته

تردداتِ بخطاب بہادر نام برآوردہ بود درعہد بادشاہ فوت کرد ہلال خان

در سنہ احد جہانگیری بخطاب خانی سربلند بود و در جنگ با سلطان خسرو

باعی تردد نمایان نمودہ در سنہ ہلال خان خواجہ سرا از خدمتکاران ایام

بادشاہزادگی خدمت می کرد تردد ی ماند کہ این ہلال خان ہمانست یا دیگری

ہلالی خان دکنی در سنہ عالمگیری بمعرفت امیر الامرا شایستہ خان ناظم دکن بہ منصب

و خطاب خانی سربلند شدہ تا سنہ ہشتم در دکن خدمت میکرد انجام حال او معلوم

نشد ہربر خان در سنہ سوم جہانگیری بمنصب و بخطاب سرافراز بود دیگر

احوال او معلوم نشد ہربر خان باربہ در اواسط عہد جہانگیری بمنصب

ہزاری و بخطاب خانی سرافراز شدہ در سنہ ۱۳ بمنصب ہزاری و بفوجداری میوات

و در سنہ با اضافہ پانصدی نام برآوردہ بتعین ملتان گشتہ در سنہ ۱۱ تعین دکن شد

در سنہ احد شاہجہانی از بارہہ آمدہ بمنصب سہ ہزاری مباہات اندوختہ در سنہ

سوم معین اصفہان گردیدہ در سنہ ۱۱ در سفر قندہار ہمراہ شاہ شجاع فوت

کرد ہربر خان کمال لودی منصب داشت در سنہ احد عالمگیری بجایزہ

ترددات او در معارک سلطانی بمنصب دوہزاری و بخطاب

ہربر خان سرافراختہ در سنہ ہمراہ سعی او بنا بر رسانیدن سپہر شکوہ

در قلعہ

ضیاء الدین حسین علوی در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب

همت خان سرافراز شده بعلت بنگاله گشته در سنه ۳ بحضور آمده در سنه ۸ همراه

مدربلک بمیر رفته در سنه ۲۳ بار دوم بنظم اله آباد از تغیر صفی خان مقرر گردیده در سنه ۲۴

بمیر بخشگری از انتقال سربلند خان نام برآورده و بمنصب پنجهزاری رسیده و در

همان سال سلام رفت وقت تقرر میر بخشگری خلعت و دوات زری

بخانه او فرستاده بودند این مقدمه سابق تحت نوشته شد خانمذکور حسن و کریم الصفات

و سکرات و خیرخواه کامیاب بود بارباب علم رعایت کرد طبع موزون داشت

همت بهادر ولد خانجهان بهادر ظفر جنگ در عهد عالمگیری بمنصب

سرافراخته خدمت می نمود در سنه ۲۶ بخطاب مظفر خان مامور شده اکثر خدمات

مردانه نموده در سنه ۲۷ بمنصب دو هزار و پانصدی و خطاب همت خان امتیاز یافته

در سنه ۲ کمسان تلاشهای نمایان کرده در سی ام بنظم صوبه اله آباد و بانعام

هشتاد لک دام در سنه ۳۳ بنظم صوبه اوده و بفوجداری گورکهپور و در سنه ۳۴

بار دوم بنظم اله آباد مباهات اندوخته و در سنه ۳۷ بحضور طلب گردیده در سنه ۳۸ در مصاف

بدن بکار آمد میر همت خان بهادر در آخر عهد عالم

همت خان سرافراخته در سنه پنجاهم بخطاب

بمنصب ہزاری سرافراز شده در سنه ۱۵ سربک یعنی سلطان خورم گردید
در حصک ازطرف سلطان مذکور باولیای دولت آویخته کشته شد ہمت خان
شرف الدین حسین بن منصب داشت در احدث ہجہانی بخطاب ہمت خان
و بمنصب ہزار و پانصدی سرافراخته خدمت می نمود انجام حال او معلوم
نشد ہمت خان یوسف بیک کابلی در اوائل عہد شاہجہانی بہ
منصب ہشتصدی صدی داشت در سنه ۵ بجایزه تردد در جنگ ماقراباش
ہمراه سعد خان بہادر بمنصب ہزاری و بخطاب سربلند گردیده در سنه ۱۰
بتهانه داری غوربند وضحاک مقرر شده در سنه ۱۴ معزول گردیده در سنه ۱۷
فوت کرد ہمت خان مسند مظفر ولد شجاعت خان باربه در آخر عہد شاہ
جہانی بمنصب و بخطاب ہمت خان و باز بخطاب ہمت خان و باز بخطاب
مظفر خان و در سنه احد عالمگیری بخطاب پدر سرافراز شده بود ہمه احوال او
در ذیل خطاب شجاعت خان نوشته شد ہمت خان میر ضیاء الدین
حسن خان در سنه احد عالمگیری بمنصب و بخطاب ہمت خان
و باز بخطاب اسلام خان سرافراز شده بود ہمه احوال او در ذیل خطاب
اسلام خان بقلم آمد ہمت خان میر عیسی ولد اسلام خان میر
ضیاء

وحید خان الپ ترکش باشد حرف ه هاشم خان

پشاوری از قرابتان سید شهاب الدین احمد خان در عهد اکبری بمنصب

بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۱۲ در جونپور تردد نموده در سنه ۱۹ بواقعه نگاری

بنگاله مامور بود در سنه بیستم در شهر گور که دار الملک بنگاله است بنابر سمت هوا

فوت کرد هاشم خان ولد قاسم خان میربحر در آخر عهد اکبری بمنصب هزار

و پانصدی و در سنه احد جهانگیری باضافه منصب و در سنه ۳ بخطاب خانی بنام خود

و نظم اودیسه و در سنه ۶ بنظم کشمیر سرافراز شده در سنه هشتم معزول گردیده و به منصب

سه هزاری نام برآورده در سنه ۱۵ فوت کرد هاشم خان محمد مقصود برادر میر

قاسم خان ولد میر مراد جوینی در سنه ۱ جهانگیری بمنصب پانصدی و در سنه ۱۶ بخطاب

هاشم خان سرافراز شده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد همت خان

در عهد اکبری بمنصب و بخطاب همت خان سربرافراخته در سنه ۱۷ در جنگ

گجرات تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد همت خان الله یار

ولد افتخار خان بن ماهر بیگ در اوایل عهد جهانگیری بمنصب هفتصدی

سربرافراخته در سنه ۸ خدمت می نمود و در سنه دهم بمنصب نهصدی و در

سنه ۱۳ در سنه ۱۵ بمنصب دوهزاری بخطاب همت خان و در سنه ۱۹ هزاری

نوازش بادسانانہ شد وفادارخان خواجہ سرا در اوایل عہد شاہ جہانی بمنصب وخطاب وفادارخان سربلند بود و در سنہ فوت کرد

وزارت خان عبدالرحمن نام در اوایل عہد عالمگیری بمنصب وخطاب وزارت خان در سنہ ۱۹ بمرآتشی سرافراختہ سہ سال بکار میران مامور ماندہ بود دیگر احوال او معلوم نشد وزارت خان عرب شیخ در اواخر عہد عالمگیری بمنصب وخطاب وزارت خان و بدیوانی شاہزادہ کام بخش سرافراختہ در سنہ ۴۹ جابر بند ولت صوبہ حیدرآباد مامور شدہ بود بعد رحلت حضرت در رکاب محمد اعظم شاہ انجام حال او معلوم نشد وجیہ الاصحاب

ولد لشکر خان سید مور بن سید جہان بارہ در اواسط عہد عالمگیری بمنصب ہزاری وخطاب خانی و در سنہ ۳۲ تعلقداری بحالور سرافراز شدہ در سنہ ۱۱۳۱ ترددات نمودہ با سنہ ۳ بہادر شاہ خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

وحید خان نبیرہ راجہ حکمای مشہور در اواخر عہد عالمگیری بمنصب وخطاب خانی سرافراختہ در سنہ ۴۳ بمنصب ہزاری و بہ تہانہ داری غور بند سرحد کابل معزز و مقرر شدہ بود چون فرید خان بہادر سکہ پسرزادہ حکما در سنہ سوم عالمگیری بشرف اسلام آمدہ بخطاب فرید خان نام برآوردہ بود غالب کہ وحید خان

هزار و پانصدی و بخطاب و سرحال و دیوانی کابل سربلند شده بود

در سنه بهادر پادشاه در ایام فوجداری شهر پاسکهال صف آرا گردیده

مردانه آویزش نموده بعد جان در باخت وفادار خان میر برادر در

سنه ۴۴ اکبری بمنصب و باین خطاب سربلند بود و در کارزار بادکمنان

همراه سر خواص بردد بهای نموده تا سنه ۴۶ در دکن خدمت می نمود دیگر احوال

او معلوم نشد لاکن وفادار خانی که در سنه دهم جهانگیری بمنصب دو هزاری

سربلند شده تردد داشت که این وفادار خان عهد اکبری یا دیگر است

وفادار خان ملک حسن ابدالی ولد ملک مسعود زمیندار قندهار

در سنه ۳ شاهجهانی بمنصب هزاری نوسرافراز شده در سنه نهم عالمگیری

بخطاب وفادار خان نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد وفادار

خان نبیره سعید خان بهادر ظفر جنگ در اواسط عهد عالمگیری به

منصب و بخطاب وفادار خان سرافراز شده در سنه ۴۱ بخطاب امردست

خان نامور گردیده بود همه احوال او در ذیل زبردست خان بقلم آمد

وفادار خان زمیندار نواح ملتان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب

و باین خطاب سربلند بود در سنه احد بهادر شاه هنگام ملازمت والا مورد

گردیده بنابر حسن خدمت بصوبه‌داری رسید در سنه ۱۲ بمقتضی سلوک ناهموار

با اکثر مردم انجا معزول گشته در سنه ۱۳ متعین صوبه کابل شده در سنه ۱۴

بنظم صوبه اکبراباد از تغیر صفدرخان نام براورده در همان سال در انجا فوت

کرد وزیرخان محمد طاهر خراسانی منصبی داشت و مدتها بدیوانی بادشاه

زاده عالمگیر قیام نموده در سنه ۳۰ شاهجهانی همراه ان بادشاهزاده در مهم بلخ تردد کرد

در سنه ۲۰ بخراست صوبه خاندیس از طرف ایشان مقرر گردیده در سنه احد عالم

گیری باضافه منصب و بخطاب وزیرخان و بنظم خاندیس و بعد چندی بمنصب

چهار هزاری دو هزار سوار و از پس از چندی بنظم اورنگ آباد در سنه ۲ باضافه هزاری

والا رتبه گشته بحضور امد در سنه سوم اکبراباد از تغیر سیف خان سرافراز شده

در سنه ششم بنظم خاندیس و در سنه هفتم بنظم صوبه مالوه از انتقال نجابت خان

مرزا شجاع مقرر گردیده در سنه ۱۰ در انجا فوت کرد وزیرخان میرحاجی در

اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب وزیرخان و بدیوانی بادشاه

زاده محمد اعظم شاه سرافراز شده مدتها بدیوانی ایشان نام در مانده در

عهد ایشان رحلت کرد وزیرخان مرزا عسکری از مناصر وزیرخان

هروی ناخلف برادر عبدالمجید اصفهانی در اواخر عهد عالمگیری بمنصب

هزار

در سنه ۶ با معظم خان معصوم خان کابلی باغی و قلولوجا بود حرب

صعب در بردوان ظفریاب گردیده در سنه ۲۳ در ماند رخصت اقامت

انداخته در سنه ۲۹ ام در جنگ با عیسی بهائی و سلیمان که خود آنکه

در قلعه بردوان متحصن شده بود فتح نمایان یافته بنظم بنگاله نام برآ

ورده در سنه ۳۲ در آنجا فوت کرد وزیرخان محمد مقیم ولد اسحاق عنحای هرت

در آخر عهد اکبری بمنصب دو صدی و خطاب خانی بر نام خود و خدمت

نمونه سرافراز شد در سنه ۳ بخطاب وزیرخان و بخدمت وزارت کل

نام بر آورده در سنه احد جهانگیری بمنصب وزارت مامور مانده در بجای ال

بدیوانی بنگاله مقرر شد در سنه سوم از دیوانی بنگاله معزول شده در حضور

خدمت می نمود آنگاه بدیوانی سلطان پرویز مقرر گشته در سنه ۱۱ بهنگام

دیوانی مذکور بمنصب هزاری نام بر آورده در سنه ۱۵ در آنجا رحلت کرد

وزیرخان حکیم علیم الدین بخالی از لواحقهای سلطان خرم در سنه ۱۴

جهانگیری و بحکومت آوردن صحابه دکن مورد مراحم بادشاهی شده

ما ایشان خدمت می نمود در سنه احد ایشان بمنصب و خطاب وزیرخان

و در سنه ۳ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۸ باضافه منصب و بنظم لاهور بلند

معلوم نشد لغمان خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی و به بخشیگری صوبه گجرات سربلند بود در ۵ سنه ترددی کرده بود در عهد محمد شاه بادشاه از ینجا شاه لغمان رفت نورالدین علیخان برادر خرد سعد حسن علیخان ماریه در عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در صوبه بنگاله خدمت می نمود بعد رحلت حضرت همراه شاهزاده محمد اعظم ناظم انجا در اکبراباد آمده در کارزار با محمد اعظم شاه از فیل فرود آمده بذات خود شمشیر زده شهید شد

حرف واو

وزیرخان تاشکند

برادر اصفهان عبدالمجید هروی در عهد اکبری بمنصب چهار هزاری و به خطاب وزیرخان سربرافراخته در سنه نهم در جنگ ما اوزخان پسر سلیم شاه ترددها نمی نموده در سنه دهم راه بغی پیموده در سنه ۱۲ تقصیرش معروف بعفو شده در سنه ۱۹ بحکومت دهولکه مضاف صوبه گجرات و در سنه ۲۱ با تالیق میرزا ابراهیم حسین مقسای در کمپات تردد شایسته کرده بعد عزل نظم انجا حکومت اندربام برآورده در سنه ۲۵ بوزارت کل از تعهد جواهر منصور اختصاص یافته در همان سال بنظم آورده سربرافراخته باتفاق شهباز خان تنبیه ما سجان ماعی کرده در سنه ۲۶ بکومک اعظم خان به بهار و به بنگاله شتافته در سنه ۲۹

در سنه ۲۷ با معظم خان معصوم خان کابلی باغی و قتلو لوحانی بعد حرب صعب در بردوان ظفریاب گردیده در سنه ۲۹ در مانده رخصت اقامت انداخته در سنه سی ام در جنگ با عیسی بهائی و سلیمان بیه با وجود آنکه در قلعه بردوان متحصن شده بود فتح نمایان یافته بنظم بنگاله نام برآورده در سنه ۳۲ در انجا فوت کرد وزیر خان محمد مقیم ولد شجاعی عرب در آخر عهد اکبری بمنصب دوصدی و بخطاب خانی بر نام خود و خدمت مثوبانی سرافراز شده در سنه ۴۹ بخطاب وزیر خان و بخدمت وزارت کل نام برآورده در سنه احد جهانگیری بمنصب وزارت مامور مانده در بهمان سال بدیوانی بنگاله مقرر شده در سنه سوم از دیوانی بنگاله معزول شده در حضور خدمت می نمود آیزده بدیوانی سلطان پرویز مقرر گشته در سنه ۱۱ بهنگام دیوانی مذکور بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۱۵ در انجا رحلت کرد وزیر خان حکیم علیم الدین بیجالی از لواحق های سلطان خورم در سنه ۱۶ جهانگیری و بکلدوی آوردن فتحنامه دکن مورد مراحم بادشاهی شده بالیشان خدمت می نمود در سنه احد الیشان بمنصب و بخطاب وزیر خان و در سنه ۲ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۳ باضافه منصب و بنظم لاهور بلند

هزار و پانصدی و در سنه ۲ بخطاب خانی بر بام خود سر برافراخته در سنه مذکور
از حضور معلی به بنگاله شده در سنه ۳ فوت کرد نصیر الدین خان دیگر در آخر
عهد عالمگیری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی و بفوجداری دلول گهات
سرافراز بود بعد رحلت حضرت بمنصب هزاری سربلند شد دیگر احوال او
معلوم نشد نجیب خان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب
خانی سرافراز و در سنه ۱۵ بمنصب [illegible] گردد دیگر احوال او معلوم نشد نور الدین خان
در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بر بام خود سربلند و در سنه ۲۱
بمنصب پانصدی و بفوجداری خسرو بردوان مضاف صوبه بنگاله
سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد لطف علی خان ملقب شجاعت خان
ناظم گجرات در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بخدمات
آنصوبه سرافراز بود در آخر عهد بفوجداری جوده پور مقرر شده ترددی
نمود دیگر احوال او معلوم نشد نیک نهاد خان در اواسط عهد عالمگیری
بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سرافراز بود در سنه ۳۲ خدمت می نمود ساز خان
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز و در سنه ۴۸ متعین
[illegible] فلیح خان بهادر بود و استعداد سرانجام فوجداری نداشت دیگر احوال او

برادر عبدالله خان والی ولایت کاشغر در سنہ سوم عالمگیری ماہمری
برادر زادہ خود از وطن آمدہ بمنصب ہزاری سرافراز شدہ بود در سنہ دہم
بخطاب ناصر خان نام برآوردہ در سنہ ۱۶ متعین صوبہ کابل گردیدہ آیندہ
بہ نیابت نظم ان صوبہ مقرر گشتہ در سنہ ۲۴ معزول شدہ در سنہ ۵ رحلت کرد
نادری خان افغان بمنصب و بخطاب خانی سربلند و در سنہ احد عالمگیری
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد ننگنام خان افغان بمنصب
و بخطاب ننگنام خان سربلند بود و در سنہ دوم عالمگیری متعین صوبہ بنگالہ
بود در سنہ بوت شد ننگنام خان ابومسلم در سنہ احد عالمگیری منصبے
داشت در سنہ بخطاب ننگنام خان و قلعداری رہتاس تعز تر خان
سرافراز شدہ در ہمان سال درگذشت سنگنام خان پسر ہمت خان
در اواخر عہد عالمگیری بمنصب و بخطاب سنگنام خان سرافراز شدہ در سنہ ۴۳
بہ بخشیگری و واقعہ نگاری فوج شاہزادہ بیدار بخت مقرر شدہ بود و آیندہ
بہ بخشیگری احدیان نام برآوردہ بعد رحلت حضرت ارس اعظم شاہ
بخطاب ہمت خان امتیاز یافتہ در عہد محمد شاہ فوت کرد سید
نصرالدین خان دکینی منصبے داشت در سنہ احد عالمگیری با ضافہ منصب
ہزار

گشته در سه سوار بر سه تردد نمایان نموده در سنه ۳۸ بحضور آمده در سنه نهم حراست

عامره که سابق اکبراباد بشاهجهان اباد نقل شده بود باکبراباد رسانیده در

سنه بفوجداری مراداباد از تغیر اللهوردی خان و در سنه ۳۲ بنظم دارالخلافه و در سنه ۴۱

بمنصب چهار هزاری و به نظم اکبراباد و در سنه ۴۱ بنظم صوبه اوده چهره امتیاز برافروخته

در همین سال بالا نه چهار هزار و سه صد سوار رسیده بود نعمت الله خان ولد میر

ظهیرالدین یزدی در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در اواخر عهد در

سنه ۲۵ بمنصب هزاری دو صد سوار سرافراز شده نسبت دامادی نعیم مکرم خان

کام صفوی فوجدار جو سور سعلی جو سور گردیده در سنه احد عالمگیری باضافه

منصب و خطاب خانی بنام خود سرافراز گشته خدمت می نمود انجام حال او

معلوم نشد نعمت الله ولد روح الله خان بن خلیل الله خان در سنه ۴۱

عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب نعمت الله خان سرافراز شده بود در عهد

محمد شاه ترقی نموده نیکنام رفت ناصر خان ابوالفتح دومین پسر امیرالامرا

شایسته خان در عهد شاهجهانی بمنصب و در سنه احد عالمگیری بمنصب و پانصدی

وابسته خطاب ناصر خان و در سنه دهم بخطاب ظفر خان سر برافراخته بود

همه احوال او در ذیل خطاب ظفر خان نوشته شد ناصر خان محمد منصور

صوبه برانپور و فوجداری بگلانه و در سنه ۲ باضافه پانصدی سرافراز شد خدمت
می‌نمود بعد رحلت حضرت از اعظم شاه بنظم مالوا از تغیر عبدالله خان مقرر شده بود نقل معتبر
سفه خاص حضرت معلوم نشد که برادر محمد امین خان است والله اعلم ناظر خان
خواجه اسد اصفهانی منصبی داشت در سنه ۲۳ شاهجهانی بخطاب ناظر خان و خدمت نظا
رت و در سنه ۲۴ هزاری سرافراخته در سنه احد عالمگیری باضافه و در سنه ۴ بداروغگی
زرگرخانه مباهات اندوخته بود دیگر احوال او معلوم نشد ناظر خان خواجه سرا
دارا در عهد عالمگیری بمنصب صدی و باین خطاب و نظارت کرد محل سرافراز
بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه بمنصب هزاری نام بر آورده
در عهد بادشاه فوت کرد نامدار خان ولد جعفر خان طهرانی در سنه ۱۹ شاهجهانی
بمنصب پانصدی و در سنه ۲۳ بمنصب هزاری و در سنه ۳ بمنصب هزار و پانصدی
و بخطاب خانی بنام خود و در سنه ۱۱ باضافه پانصدی و در سنه سی ام بمنصب
خانخانان
دو هزاری و پانصدی و بداروغگی دیوان خاص از تغیر خانخانان سربلند شد
در سنه احد عالمگیری باضافه هزاری و در سنه ۳ از مالوه بحضور آمده بخدمت قوربیگی
از تغیر فضل الله خان سرافراز شده ایضاً متعین دکن گردیده در سنه ... هنگام تعینات
دکن همراه مهاراجه جسونت سنگه باضافه منصب پانصدی چهار هزاری سربلند
گشته

سنه ۲۳ جهانگیر رخصت در سنه ۲۵ حسب الحکم دو کرور روپیه از خزانه اکبرآباد در
لاهور در حضور آورده بار تعلق مهم قندهار گردیده همراه آن نامدار گردیده در سنه ۲۶
مراجعت نموده در سنه ۲۶ همراه داراشکوه بار بقندهار بعد مراجعت بجاگیر رخصت
گشته در سنه ۱۹ بحضور آمده در سی ام متعلق بادشاهزاده عالمگیری ناظم دکن گشته
شمشیر دو دستی رده در سنه احد عالمگیری بحلدوی جانبازیهای معارک سلطانی
منصب هفت هزاری ذات و سوار دو اسپه سه اسپه و بخطاب خانخانان
سپه سالاری الارتقه شده بوقوع تقصیری منصب گردیده در سنه سوم بعفو تقصیر
بحکم بسی براق و در سنه منصب پنجهزاری و بخطاب خانخان کام دل
برگرفته در سنه ۱۴ بنظم صوبه مالوا بلند مرتبه گشته در سنه در الحافوت کرد سید خانجهان
ولد سید منظور حیدرآبادی در سنه ۲۶ عالمگیری باره آمده بمنصب و بخطاب خانجهان
سر برافراخته در سنه ۲۹ فرار نموده بعد ازان احوال او معلوم نشد خانجهان ولد خانجهان
بن میرزا شاهرخ در اوایل عهد عالمگیری منصبی داشت ایند بخطاب خانجهان و به
منصبی گری منصور سرافراز شده و بنظم صوبه برهانپور مقرر گردیده بمنصب
دو هزاره پانصدی رسیده در سنه ۴۴ در الحافوت کرد خانجهان دیگر در اوایل عهد
عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطا ن سر برافراخته بنظم

بحکومت ملتان که در عهد اکبر آصف خان مقرر بود از تغیر احمد بیگ خان سرافراز شد
در سنه ۲ تغیر گردیده آینده بفوجداری کانگره مقرر گردیده در سنه ۵ بجایزه بندوبست
آنجا باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری سر برافراخته در سنه هشتم که بتسخیر
محالات سری نگر مامور شده بود اکثر قلاع آنجا باضافه پانصدی بمنصب سه
هزاری بزور شمشیر مفتوح نموده بغرور تهور و فور خودرایی در محال سخت
با زمینداران مکار در را پیوسته شکست فاحش خورده باین تقصیر بی منصب
گشته در سنه ۹ بحال گردیده باز بفوجداری کول نام برآورده در سنه دهم بفوجداری
پروده مقرر شده در سنه ۱۱ همراه شاه شجاع بقندهار رفته بعد مراجعت بار دگر
رخصت گشته در سنه ۱۳ در سفر کابل در رکاب بود در همین سال باضافه بمنصب
چهار هزاری و نظم ملتان از انتقال یوسف محمد خان مباهات اندوخته
در سنه ۱۴ معزول شد در سنه ۱۵ بنابر همراهی جلت سنگه معه شاهزاده مراد
بخش گردیده بعد همراه بضبط کوهستان آنجا مقرر گشته در سنه ۱۶ بحضور آمده باز
بکانگره رخصت شد در سنه ۱۹ بمعیت مهم بلخ و بدخشان گردیده در سنه ۲۰ در آنجا
ترددات نمایان و در سنه ۲۲ معیت شاهزاده عالمگیر در مهم قندهار گشته در سنه ۲۳
بجایزه ترددات آنجا باضافه هزاری بمنصب پنجهزاری چهره اعتبار برافروخته در
سنه ۲۴

محمد شفیع ولد جانجهان بهادر مذکور منصبی داشت در سنه ۲ و بخطاب نصیرخان

محمد شفیع در سنه ۱۴ بمنصب هزاری سربلند گردیده خدمت می نمود در سنه احد

بهادر شاه بخطاب سردار خان مامور شده در سنه مذکور در گذشت ماهرخان

بود در سنه ۱ جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی برنام خود سرافراز بود در

سنه ۲۳ از دکن آمده باضافه پانصدی سربلند گشته و در سنه ۱ الهی بخطاب سرخان سرافراز

شده بود همه احوال او در خطاب سرخان بتعلیم آمد سید ماهرخان بارهه پهلوی

از نوکران سلطان داراشکوه منصبی داشت در سنه سی ام شاهجهانی بخطاب

ماهرخان سرافراخته در کارزار اکبرآباد همراه الشان بود بکار آمد ماهرخان کمبو

در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب ماهرخان سربلند شد در سنه ۱ بهادرشاهی

داری داشت از ممالک دکن مقرر بود انجام حال او معلوم نشد ماهرخان

در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب ماهرخان سرافراز بود معلوم نشد که

پسر کدام ماهرخان است نجابتخان میرزا شجاع ولد میرزا شاهرخ خصمای

در عهد جهانگیری منصبی داشت و همراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان

شهریار تردد نمود در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری چهارصد سوار در سنه

سوم باضافه منصب و بخطاب نجابتخان و خدمت فوجداری کول و در سنه

انجام حال او معلوم نشد نصرت خان مرن سک منصبی داشت در سنه
احد عالم گیری بخطاب نصرخان سر برافراخته بود انجام حال بمنصب هزاری
و بخطاب قلعدار خان و در سنه سه هانه داری غزنین برآورده در سنه نهم بخطاب
نصرخان سر برافراخته در سنه ترددات مردانه نموده بود انجام حال او معلوم نشد
نصرخان خواجه صابر ولد خواجه حصاری در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب
نصرخان و در سنه شاهجهانی بخطاب خاندوران سرافراز شده بود همه احوال او
در ذیل خطاب خاندوران نوشته شد نصرخان سید محمود ولد خاندوران
خواجه صابر در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب و در آخر عهد بخطاب نصرخان و در
سنه احد عالم گیری بخطاب خاندوران سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل
خطاب خاندوران نوشته شد نصرخان محمد یوسف منصبی داشت در سنه احد عا
لم گیری بمنصب دو هزاری و بخطاب شمشیرخان و بعد چندی بخطاب نصرخان
سرافراز شده در سنه دهم متعلق صوبه بنگالا شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
نصرخان ولد جانجان بهادر ظفر جنگ در اواسط عهد عالم گیری بمنصب
و در سنه ۲۶ بخطاب نصرخان سرافراز شده بود در سنه و بخطاب سپهدار خان
نام برآورده بود همه احوال او در ذیل خطاب سپهدار خان نوشته شد نصرخان
محمد

در سنه احد عالمگیری باضافه منصب و در سنه ۱۳ بخطاب نوازش‌خان بمنصب هزار
و پانصدی سربرافراخته انجام حال او معلوم نشد نوازش‌خان محمد بیگ ولد
اسلام‌خان رومی در سنه ۱۹ عالمگیری بمنصب هزاری سربرافراخته در سنه ۲۴
بخطاب نوازش‌خان آینده باضافه منصب و در سنه ۲۵ ام بفوجداری مندسور
و در سنه ۳۵ بفوجداری مرادآباد اینده بفوجداری سرکار ماند و در سنه ۴۹ بنظم صوبه
کشمیر از تغیر ابراهیم‌خان برآورده در عهد بهادرشاه فوت کرد نظام‌الدین علیخان
در اوایل عهد جهانگیری سربلند بمنصب شد و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه
دهم متعلق صوبه ملتان بود در سنه ۱۱ بمنصب هفصدی سربلند گشته خدمت
می‌نمود دیگر احوال او معلوم نشد نصرت‌خان علیخان ساری در اوایل
عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سربلند بود در سنه ۱۱
بخطاب نصرت‌خان سرافراز شده دیگر احوال او معلوم نشد نصرت‌خان
مظفرالملک ولد بهادرالملک در اواسط عهد جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب
مظفرالملک سرافراز بود در سنه ۱۶ بخطاب نصرت‌خان نامبرآورده انجام حال او
معلوم نشد نصرت‌خان نصرت‌الدوله ولد سعدخان بهادر ظفرجنگ در عهد
شاهجهانی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب نصرت‌خان سرافراخته بود

معلوم نشد نوازش خان سعد الله نام ولد سعد خان بن یعقوب خان

در سنه احد جهانگیری بمنصب دو هزاری و در سنه سوم الثانی بخطاب نوازش خان سر

برافراخته در سنه ۱۳ بکام ورود ولایت بادشاهی در گجرات از جوناگڈه که حکومت

الخانه است آمده ملازمت نموده باز جوناگڈه رفته در سنه ۱۵ بمنصب سه هزاری نام

برآورده در سنه ۱۸ طلب حضور گشته در سنه ۱۹ بکامه تردد نمایان در کارزار با سلطان

خورم باغی بمنصب چهار هزاری سربلند شد بعد صوبه بنگاله گجرات گردید

بود در سنه ۱۵ بمنصب سه هزاری و در سنه ۱۸ بکامه تردد سالم بمنصب چهار هزاری

سه هزار سوار دواسپه سه اسپه گشته بود انجام حال او معلوم نشد نوازش خان عبد الکافی

برادر خلیل الله خان مرد مسلم منصب داشت در سنه ۱۴ از ساهچمانی معلّی شاهزاده

مراد بخش شده در سنه ۱۵ بمنصب هزاری دو صد سوار در سنه ۱۹ بخطاب نوازش خان

و در سنه بیستم بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۹ بمنصب دو هزاری سر برافراخته

از بنگاله بحضور آمده در همان سال با ضافه پانصدی و در سنه سی ام بخدمت فوجداری

از تغیر مرزا سلطان مباهات اندوخته در سنه احد عالمگیری بفوجداری سرکار

ماندو حراست آن حصار و در سنه ۳ بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۵

در اکافوت کرد نوازش خان محمد عابد ولد زاهد خان کوکه بیگم صاحب منصب داشت

در سنه احد

باضافهٔ پانصدی چهرهٔ اشتهار برافروخته در سنهٔ نهم فوت کرد و در احمد مدفون شد
استاد اکبرشاه بادشاه مرحوم نسبت بهما مهارت در موسیقی بی بدل بود نعمت خان
ملا میر در عهد اکبری بمنصب و بخطاب نعمت خان و بخدمت بکاولی سرافراز شد
در سنه ۳۳ فوت کرد نعمت خان میر علی ولد ملکوت خان در اوائل عهد شاهجهانی
بمنصب پانصدی و در سنه ۳۵ بخدمت بکاولی و در سنه ۳۶ بان خطاب سربلند
شده بود انجام حال او معلوم نشد نعمت میرزا محمد عالی تخلص در اواسط
عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب نعمت خان و در اواخر عهد بمنصب هفصدی و
بخطاب مقرب خان سربلند شده بود همه احوال او در ذیل خطاب مقرب خان بتعلم
آمد نصر خان سیاه در سنه ۳۳ اکبری بمنصب و بان خطاب سرافراز بود و متعین
سلطان خسرو شده بود دیگر احوال او معلوم نشد نظر خان ولد سعید خان گکهر
در عهد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده بود در سنه ۴۱ در تعیناتی قلیج خان
در سنه بارگلان در کابل و در سنه ۴۳ در تسخیر قلعهٔ ناهور از ملک دکن تردد نموده انجام
حال او معلوم نشد نادعلی میدانی در عهد اکبری منصبی داشت در اغاز
عهد جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته متعین صوبه کابل
دراسه

معهد قرور حلت مقرر بود تا سنه بهادرشاه خدمت تصدق دل خود .

درعهد بادشاه فوت کرد مصاحب خان دراخر عهد عالمگیری بمنصب و پایه

خطاب سرافراز شده از همراهی شاهزاده کامبخش جدائی کرده همراه اعظم شاه

از دکن آمده بود عبدالله خان در اخر عهد عالمگیری بمنصب و پایه خطاب سر

برافراخته بعد رحلت حضرت همراه اعظم شاه از دکن بهندوستان آمده بود دیگر

احوال او معلوم نشد

حرف نون

نجابت خان میر شجاع الدین مشهدی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد

اکبری بمنصب هزاری و پایه خطاب سر برافراخته در سنه نهم در ایلغار همه عبدالله خان

ازبک باغی در سنه ۱۲ در ایلغار تنبیه خانزمان باغی و در سنه ۱۷ در مهم گجرات تردد نموده

در سنه ۲۳ بفوجداری ملک گجرات مامور شده در سنه ۲۵ در انجا فوت کرد مراد انجا نجابت

خان برادر شهباز که از سادات ... از ولایت همایونی آمده در سنه

احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۱ تردد نموده در سنه ۲۱

بمهم راجه علی خان حاکم خاندیس تعین شده در سنه ۲۴ متعاقب ... کرده در سنه ۲۵

در جنگ با ملوا افغان در حدود ... اباد شکست یافته بر جبار ... فرنگیان

ان حدود ... نیاز خان در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی

سرافراز

معالیخان

هشتصدی نام برآورده بود ابوالمعالی پسر حرد امیرالامرا سالسه خان دراخر
عهد عالمگیری منصبی داشت در ۱۰۶۲ بخطاب معالی خان وبنابت قلعداری
قندهار دکن از طرف خدا بنده خان برادر کلان خود سرافراز شده بود درعهد محمد شاه
فوت کرد مست خان مغل ایرانی الاصل استاد بادشاه زاده محمد اعظم در
فن بندوق اندازی دراعهد گیری بمنصب مصدی وبخطاب خانی بنام خود سرافراز شده
بخدمت کرورگیری واماست هفت چوکی وبعدازان بمیر بخشگری سرکاران بادشاهزاده
معزز گشته بود در جنگ سلطانی اکبراباد همراه بادشاهزاده مذکور مردانه نقد جان در باخت
مصطفی خان دراخر عهد عالمگیری بمنصب وباین خطاب وخدمت کاه بدلو الی
س اعظم شاه سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مومن خان دراخر
عهد عالمگیری بمنصب وباین خطاب سربرافراخته بعد دو سه روز بعدم
رفت میمن خان دراخر عهد عالمگیری بمنصب وباین خطاب بروح سرافراز
بود دیگر احوال او معلوم نشد محمد شاد لکان قراول دراخر عهد عالمگیری بمنصب
وباین خطاب سربلند شده بعد رحلت حضرت در رکاب اعظم شاه از
دکن بهندوستان آمده بود انجام حال او هیچ معلوم نشد مرزا سلطان در
اخر عهد عالمگیری بمنصب وباین خطاب سربرافراخته برادر علی توپخانه

برنام خود و بدار و علی بوحانه بادشاهزاده محمد معظم سرافراز شده بود در سنه مصر
اغوای آن بادشاهزاده اخراجی از لشکر ضروری اثر شده بود دیگر احوال او معلوم
نشده مهدی خان عرب در اواخر عهد عالمگیر بمنصب و خطاب خانی برنام
خود سرافراز شده از بندهای عمده کارطلب بود داکثر ترددات می نمود دیگر احوال
او معلوم نشد محامد خان حامد نام ولد مرتضی خان سید شاه محمد منصب دار
در سنه عالمگیری بخطاب خانی برنام خود و باضافه منصب و بعرور منصب سه هزاری و در
سنه نظم صوبه احمد در سنه ۲۱ بدار و علی فوجه خاص چوکی سربلند شد و در سنه ۲۹ بخطاب
محامد خانی نام برادر وه در سنه ۲۶ بمنصب سه هزاری هزار و پانصد سوار بلند مرتبه گشته
خدمت می نمود ظاهر او عبد ایشان از بیجاپ بعالم جاودانی رفت معارف خان در اواخر
عهد عالمگیری بمنصب و خطاب مختار خان سر برافراخته در سنه ۳۴ بفوجداری کرناتک
ارا اسفال السن خان مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معز خان در اواخر
عهد عالمگیری بمنصب با خطاب و فوجداریهای عمده سرافراز شده در سنه ۴۸ فوت
کرد مجتبی خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی برنام خود و قلعداری
کالاکوب و دوکر از قلاع سیکاکن دولت اباد سرافراز بود در سنه ۵۰ بقلعداری
حصار شهر پناه دولت آباد از تغیر سید مبارک خان مقرر گردیده و بمنصب
بستقرری

پرداخته دولت نیکنامی جیلے حاصل کرده در عهد محمد شاه بادشاه باخرت سرافت
مکارم خان دراوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بنام خود سر برافراخته
به بخشگری و واقعه نگاری صوبه بنگاله مقرر بود در سنه ۲۲ درگذشت مکارم خان
در اخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت می نمود در
سنه ۲۹ بفوجداری سرکار از مضافات صوبه مستقر الخلافه اکبراباد مقرر بود
دیگر احوال او معلوم نشد میر خان عبد الواحد نام ولد هوشدار خان بن ملتفت
خان مخاطب باعظم خان منصبے داشت در سنه ۲۳ عالمگیری بخطاب میر خانی
سرافراز شده بود انجام حال او معلوم نشد مطلب خان برادر زاده مختار خان
میر شمس الدین در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۲ به بخشگری احدیان و در
سنه ۳۵ به بخشگری لعطای خلعت ماتمی وفات مختار خان سرافراز شد
در سنه ۲۹ میر توزک از انتقال سیف الله خان و در سنه ۳۱ بخطاب خانی بنام خود
وایزده بجایزه ترددات مردانه باضافه منصب آینده طارا به نیابت میر
بخشگری و در سنه ۴۹ بمنصب دو هزاری و بانصدی سر بلند گردیده خدمت می نمود
بود در جنگ حضرت همراه اعظم شاه در کار زار با بهادر شاه مردانه ترددات
نموده بکار آمد مومن خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی

اسفال دلر ہمت خان مقرر کردیدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
مفاخرخان افتخار نام ولد فاخرخان بن باقرخان بحکم تا منصبی دا
در سنہ عالمگیری بخطاب مفاخرخان و در سنہ ۹ بمنصب ہزاری سرافراز شد
در سنہ ۱۵ بتعین کابل گردیدہ تردد ے نمودہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
در سنہ عالمگیری بمنصب وبخطاب خانی وبدیوانی
کابل سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد محمد یار خان در اوایل عہد عالم
گیری بمنصب وبخطاب خانی سرافراز بود چون فوت کرد از اموال او ہمہ
لک روپیہ و سے ویک ہزار اشرفی بضبط درآمد دیگر احوال او ہیچ معلوم
نشد محمد یار خان ولد مرزا ہمیں یار بن اصفہان طہرانی در سنہ ۱۳ عالم
گیری روز ملازمت بمنصب چہارصدی ایزد با ضافہ منصب وبخطاب
خانی بنام خود سرافراز شدہ در سنہ ۲۱ بداروغکی گرزبرداران و آیندہ بمیر توزکی مقرر
گردید در سنہ ۲۱ بمنصب دو ہزاری و در سنہ چہلم بمنصب سہ ہزاری و بنظم صوبہ
شاہجہان آباد از استقلال عاقلخان حامی و در سنہ ۴۶ بخدمت فوجداری
مرادآباد وبدیوانی صوبہ مذکور وبمنصب سہ ہزار وپانصدی آیندہ بہ
منصب چہار ہزاری وللارسہ گشتہ در بندولست نظم آن صوبہ بخوبی
پرداخت

کیری بخطاب خانی برنام خود و در سنه ۲۵ معظم برتاسور و اینده بخطاب لشکرخان

سرافراز شده همه احوال او در ذیل خطاب لشکرخان نوشته شد

مسور خان شیخ میران ولد شیخ نظام حیدرآبادی در سنه سی و دو عالمگیری

بمنصب چهارهزاری دو هزار سوار و باین خطاب سربلند شده اکثر تردداتِ

مردانه همراه محمد اعظم شاه بمقابله بهادر شاه بادشاه در کارزار اکبرآباد مردانه رایت

جانسپاری برافراخت محمد تقی خان برادرزاده و دیرخان عالمگیری بخطاب خانی

برنام خود سرافراز شده در سنه ۴۶ به بخشیگری دکن مامور شده در سنه فوت کرد

محمد تقی خان دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراخته

تا سنه ۴۳ خدمت می نمود بعد رحلت حضرت محمد تقی خانی که در رکاب اعظم شاه

بود معلوم نشد که این محمد تقی خان همانست یا دیگر است مرید خان مهاسنگه

نام برادرزاده راجه راجروپ ولد راجه جگت سنگه زمیندار دهمیری مضاف

صوبه لاهور در سنه سوم عالمگیری بشرف اسلام مشرف گردیده به منصب

و بخطاب مرید خان سرافراز شده در سنه ۲۳ بقلعداری کابل از تغیر سید سهام خان

مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد مرید خان ولد همت خان در اواخر عهد

عالمگیری بمنصب و بخطاب مرید خان سربلند شده در سنه ۴۹ بقلعداری بندر سورت

ولشکریان را بتلف داده بکمی منصب ہزاری ہزار سوار سه یافته در سنه
مذکور بنظم صوبه گجرات از تغیر بهادر خان ملک حسین خافی مقرر شده
در سنه ۲ در انجا رحلت کرد خان مذکور در اصابت رای و راستی و دیانت
وحدت طبع و تجربه اندیشی بادشاه و مرغوب دیگر میسر بود قران مجید را
در ایام نظم گجرات حفظ نموده بود ہفتاد لک روپیه و یک لک و سی
و پنجهزار اشرفی و ابراهیمی سواری و اقمشه و کارخانه بضبط در آمد پسری
نگذاشت درمقام ماتم پرسی سید محمد ہمشیره زاده اش مورد الطاف
شد محمد امین خان چین بهادر ولد میر بهاء الدین برادر عابد خان عالم
شیخ در سنه ۱۲ عالمگیری بار دیگر از ولایت ماوراءالنهر آمده بمنصب و بعد چند
بمنصب دو ہزاری و بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته در سنه ۲۴ بصدارت
کل مقرر شده اکثر تردد مردانه و سپاہیانه نموده در سنه ۴۱ بمنصب سه ہزار
و پانصدی و در سنه ۴۹ باضافه پانصدی و در سنه ۵۱ بخطاب چین بهادر سر برافراخته
در عهد محمد شاه بجایزه کشتن حسین علیخان امیرالامرا بمکرام بخدمت کل
وزارت و بمنصب ہفت ہزاری والا رتبه گشته در سنه احد ایشان بعالم
جاودانی انتقال نمود منور خان ولد سید خانجهان بارهه در سنه احد عالم

گیری

بن ماقر خان نجم ثانی در عهد شاهجهانی بمنصب هفصدی داشت دراوا
یل عهد عالمگیری خدمت می نمود در سنه ۵ بمنصب هزار و پانصدی و خطاب
دیدار و علگی قراولان سرافراز در سنه ۱۴ مصدر ترددات بود انجام حال او معلوم
نشد محمد امین خان ولد معظم خان محمد سعید اردستانی در سنه ۱۹ شاهجهانی همراه
همراه پدر بمنصب دو هزاری و در سنه سی ام بمنصب سه هزاری و خطاب خانی نام خود
و نیابت وزارت پدر و در سنه ۱۳ بعد استعفای دانشمندخان ملا بمنصب
میربخشیگری سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بحالی میربخشیگری و باضافه
هزاری و در سنه ۲ بمنصب پنجهزاری چهارهزار سوار و آینده بمنصب شش هزاری
شش هزار سوار والا رتبه گشته و در سنه ۱۳ بعد واقعه پدر پادشاهزاده اولیا
پدر او را از ماتم برداشته آورده در سنه دهم بنابر تنبیه افاغنه کابل رخصت گردیده
بود چون تنبیه افاغنه کابل قبل از رسیدنش متعینان آن صوبه بقرار واقع
کردند از اثنای راه بنظم صوبه لاهور از تغیر ابراهیم خان مباهات اندوخته در
سنه ۱۴ بنابر تفویض وزارت کل حضور طلب گشته و آنرا قبول ننموده به
نظم صوبه کابل از تغیر مهابتخان لهراسپ نام بلند مرتبه گردیده در سنه ۱۵ او در کارزار
با افاغنه انجار خودرای و جلادت بموقع هر قسمت ها خس خورده بسر خود

خاص وعام نیکنام محمد علیخان دیگر در اواخر عہد عالمگیری بمنصب و خطاب
سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت بفوجداری سیلےنام برآورده در نیکو خدمتہا
ممتاز بود انجام حال او معلوم نشد مهدی قلی خان از طرف شاه عباس ثانی
والی ایران محافظ قلعه بست در ناحیه قندهار بود در سنہ ۲ شاهجهانی چون رستم خان
بهادر فیروز جنگ کار بر اهل قلعه بر کور تنگ نموده مهدی قلیخان قلعدار را انجا
کلید قلعه تسلیم کرده بدرگاه احضار نموده بمنصب هزاری و پانصدی و خطاب
خانی برنام خود بعد چندروز باضافه پانصدی سر برافراخته در سنه احد عالمگیری ترددی
کرده در سنه سوم بسالانه ده هزار روپیه قانع گردیده مفتخر خان میر خلیل ولد الله
دت خان برادر آصف خان صعوبتک در سنہ ۲ شاهجهانی بمنصب دو هزاری و به
خطاب مفتخر خان و در سنه احد عالمگیری بخطاب خانزمان مامور شده بود همه احوال
او در ذیل خطاب خانزمان بقلم آمد مفتخر خان میر علی ولد میر موسی مازندرانی
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در اواسط عهد بمنصب هزاری بر بلند
بود و تا اواخر عهد خدمت می نمود در سنہ ۳ عالمگیری بخطاب شریف خان و در سنه
سوم بخطاب مفتخر خان و قلعداری فتح اباد دکن سر برافراخته در سنہ ۱۶ متعین
کابل گشته بود انجام حال او معلوم نشد مفتخر خان مفاخر خان نام ولد مفاخر خان

بن

هنگام تعیناتی بنگاله همراه اسلام خان ترددی نموده در سنه ۱۴ در انجا فوت
کرد محلدار خان خسر پوره رستم خان بهادر فیروز جنگ است اواسط عهد
شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب سرافراز بود دیگر احوال او نشد
محلدار خان خواجه طرب در عهد شاهجهانی منصب داشت در سنه عالمگیری بخطاب
محلدار خانی سر برافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد محمد علیخان
از طرف شاهزاده دارا شکوه فوجدار سرکار حصار فیروزه بود در سنه ۱۵ شاهجهانی
بجایزه آوردن درد کش که مرهم او زخمهای بیگم صاحبه اندمال یافتند بخطاب
خانی سرافراز شده بود محمد علیخان خویش قلیچ خان بالجو نام در اوایل عهد شاه
جهانی بمنصب هشتصدی ایزده بخطاب خانی برنام خود سر برافراخته در سنه ۲۷ به نیابت
نظم ملتان ودر سنه ۲۹ به نیابت نظم تهتها از طرف سلطان دارا شکوه مقرر گشته به
منصب دو هزاری رسیده در سنه سی ام در انجا درگذشت محمد علیخان ولد بوکان
حکیم داود نام در شاهجهانی بمنصب هشتصدی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب
خانی برنام خود بدار و غلی عرض مکرر سرافراز گردیده در سنه پنجم بمنصب هزار و پانصدی
و آینده بمیر سامانی و بمنصب سه هزاری والا رتبه شده در سنه ۱۲ بنابر سرانجام امور میر
سامانی مورد الطاف بادشاهی گشته در سنه سی ام مار است و دیانت شعار کار

علم مباہات برافراشتہ درسنہ بردیٹے ماحصہ زخم برداشتہ سر حرد رسد

ملتفت خان امان اللہ دراواسط عہد عالمگیری بمنصب وخطاب

ملتفت خان ودرسنہ ۲۳ بخطاب شمشیر خان ودرسنہ ۲۶ بخطاب صف شکنخان

سرافراز شدہ بود وہمہ احوال او در ذیل خطاب صف شکنخان بقلم آمد

ملتفت خان میر عبدالکریم دلد امیر خان منصبی داشت درسنہ ۳۳ عالم

گیری بخطاب ملتفت خان ودرسنہ ۴۵ بخطاب میرخانہ زاد خان و

درسنہ ۴۸ بخطاب امیرخان سرافراز شدہ بود وہمہ احوال او در ذیل خطاب

امیرخان نوشتہ شد ملتفت خان دیگر در اخر عہد عالمگیری بمنصب

وبا خطاب سرافراز شدہ بود درسنہ احد بہادر شاہ بہ بخشگری بنگالہ

مقرر گشتہ درسنہ بادشاہ بعالم بقا رفت مخلدار خان نظام الملکی

دکنی صاحب قلعہ نالی درسنہ سوم ساہجانی بعد حوالہ نمودن قلعہ مذکور

با ولیای دولت در سلک بندہا در آمدہ بسنکردن زن ودختر شاہ نو

مخذول خدمت نمایان نمودہ درسنہ بمنصب چہار ہزاری دو ہزار سوار

دبفوجداری لکھنو از تغیر مخلص خان ودرسنہ بفوجداری لکھی جنگل از تغیر

سراوار خان سر برافراختہ درہمان سال تعین دکن گشتہ درسنہ ۱۲

بانکام

مباهی گردیده معاش دکن شده در سنه ۲۵ بدیوانی خاندیس و محال پایان گهات
صوبه برار و در سنه ۲۷ بداروغگی توپخانه دکن و در سنه ۲۹ باضافه پانصدی به منصب
دو هزار و پانصدی و بخدمت قلعداری احمدنگر از تغیر شاه قلیخان اورنگ
والا رتبه گردیده در سنه احد عالمگیری بخطاب اعظم خان نام برآورده بود
همه احوال او در ذیل خطاب اعظم خان نوشته شد ملتفت خان ابراهیم
حسین ولد اصالت خان برادر خلیل الله خان در عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی
داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و بعد چندی بخطاب
ملتفت خان در سنه سوم باوجود میر توزکی بخدمت میر بخشیگری احدیان
سرافراز شده در سنه ۶ بداروغگی اصطبل از تغیر افتخار خان و هم بداروغگی
گرز برداران و بندهای جلو از انتقال الله یار خان مقرر گردیده در سنه نهم
از خدمت داروغگی بندهای جلو و گرز برداران معزول گشته و آینده به منصب
دو هزاری مباهات اندوخته در سنه ۱۳ بوقوع تقصیری اخراجی از هندوستان
که عبارت از عبور اتک باشد گردیده در سنه ۱۴ تقصیرش مقرون بعفو
گشته بقلعداری شاهجهان آباد نام برآورده در سنه ۱۳ بداروغگی توپخانه
از انتقال صف شکنخان مقرر شده آینده بفوجداری غازیپور زمانیه

تردد نموده در سنه در معیت معظم خان هنگام تسخیر ملک آسام تلاشها
کرده در سنه هشتم تردد شایسته نموده بود انجام حال او معلوم نشد ملتفت خان
اولین پور ازاد خان برادر آصف خان جعفر بیک در سنه احدی (؟) شاهجهانی به
منصب شش صدی و در سنه دوم باضافه منصب و خطاب ملتفت خان
سر برافراخته همراه پدر در دکن خدمت می کرد در سنه سوم در فتح قلعه دهارور
و ماحب ملک دکن (؟) ترددهای مردانه نموده در سنه چهارم از اصل و اضافه
بمنصب هزاری شش صد سوار سربلند گردیده به بالاگهات همراه پدر رخصت
قلعه بالکالور از قلاع آنجا مفتوح نموده در سنه پنجم همراه پدر به بنگاله رفته
در سنه هشتم به نیابت پدر بنظم اله آباد نام برآورده در سنه نهم از پدر آزرده شده
بحضور آمده بخدمت عرض مکرر از تغیر عبدالرحمن ولد صادق خان طهرانی
مقرر گشته در سنه ۱۵ به سوباتی رکاب از تغیر مکرمت خان و در سنه ۱۲ بدیوانی بنگاله
از تغیر صالح اسیر (؟) مبارزات اندوخته در سنه ۱۵ تعزر شده به بخشیگری فوج متعینه
مهم بلخ همراه شاهزاده مراد بخش و در سنه ۲۰ به بخشیگری احدیان و در سنه ۲۲
بعد فوت پدر باضافه پانصدی نام برآورده بخشیگری لشکر مهم قندهار
بالقاب میر بخشی اشرف مقرر گشته در سنه ۲۳ باضافه پانصدی بمنصب دو هزاری

مباهی

قندهار همراه شاهزاده عالمگیر گردیده هنگام رخصت بعنایت خلعت مباهات

اندوخته در سنه ۲ بار متعلق مهم قندهار گردیده در سنه ۳ بار بقلعداری کابل نام

برآورده در سنه احد عالمگیری بمنصب چهار هزاری و بخطاب معلیخان والا رتبه

گشته در سنه ۳ رخصت حجاز برلب معلیخان عرب شیخ ولد طاهر خان

منصب داشت در سنه نهم عالمگیری بخطاب معلیخان و در سنه دهم بمنصب

هزار و پانصدی و در سنه ۱۳ بمیر توزک و در سنه ۲۵ بنظم صوبه برهانپور از تغیر خانزمان

و در سنه ۲۶ بنظم صوبه مالوا از استقلال خانزمان مذکور لوای مباهات برافراخته

و بمنصب سه هزار و پانصدی رسیده در سنه مذکور در انجا رحلت کرد مغل

خان سکندر پسر اوزبک در سنه ۲۹ از ولایت آمده بمنصب سه هزاری و بخطاب

خانی بر نام خود سر برافراخته بعد چندی بخطاب معلیخان نام برآورده تا

سنه ۴۷ مصدر خدمات نمایان شده بود انجام حال او معلوم نشد

میانه خان در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب و بخطاب میانه خان سر

بلند و با سه دوم خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد میانه خان

عباس نام افغان دوم میانه منصب داشت در سنه ۲ عالمگیری بخطاب

میانه خان سرافراز شده بتعین بنگاله گردیده در انجا در کارزار پادشاه شجاع

در لاهور اقامت نموده بعد در سنه ۲۵ بار بنظم ملتان از تغیر شاهزاده عالمگیر بها
مقرر شده در سنه ۲۶ معزول گردیده در سنه ۳۰ در رکاب در مهم قندهار بتقاعد ورزیده
باین تقصیر بی منصب گشته در سنه سی ام مقرر پانزده هزار روپیه سالانه بخور بسند
گشته بود مغلی خان سندی نام ولد خان بهادر در رنگ منصبی داشت
در سنه احد شاهجهانی معلی مهابت خان برامه ملک شد و در سنه منصب منصدی
و بخطاب شاد خان سر برافراخته در سنه ۱۲ بسفارت بلخ رفته در سنه ۱۳
بعد مراجعت منصب هزار و پانصدی و بخدمت احسن ملکی و در همین
سال بفوجداری ... از تغیر ... چهره امتیاز برافروخته در سنه ۱۵
بمنصب دو هزاری و بنظم صوبه ... از انتقال ... خان نام برآورده
در همین سال بحکومت سیوستان مقرر شده در سنه ... در مهم بلخ و بدخشان
تلاشهای مردانه کرده در سنه ۱۲ بقلعه داری کابل از تغیر سیورام گور ... ناموری
اندوخته در سنه ۲۳ بعد مهم قندهار گردیده باضافه پانصدی چهره امتیاز افروخته
و صف جنگ با قزلباش ترددات شایسته نموده در سنه ۲۳ بجلدوی ترددات
در مهم قندهار باضافه پانصدی سوار منصب سه هزاری دو هزار و پانصد سوار
و در سنه ۲۵ بخطاب شجاعت خان و باضافه پانصدی والا رتبه گشته متعین مهم
قندهار

قندہار ہمراہ شاہزادہ عالم گیر گردیدہ ہنگام رخصت بعنایت خلعت مباہات

اندوختہ در سنہ ۲۶ بار متعلق مہم قندہار گردیدہ در سنہ ۳۰ بار بقلعداری کابل نام

بر آوردہ در سنہ احد عالم گیری بمنصب چہار ہزاری و بخطاب معلخان والا رتبہ

گشتہ در سنہ ۳ رخصت حیات بر بست معلخان عرب شیخ ولد طاہر خان

منصب داشت در سنہ نہم عالم گیری بخطاب معلخان و در سنہ دہم بمنصب

ہزار و پانصدی و در سنہ ۱۳ بمیر توزک و در سنہ ۲۵ بنظم صوبہ برہان پور از تغیر خانزمان

و در سنہ ۲۶ بنظم صوبہ مالوا از انتقال خانزمان مذکور لوای مباہات بر افراختہ

و بمنصب سہ ہزار و پانصدی رسیدہ در سنہ مذکور در انجا رحلت کرد مغل

خان سکندر بیگ اوزبک در سنہ ۱۲ از ولایت آمدہ بمنصب سہ ہزاری و بخطاب

خانی بر نام خود سر بر افراختہ بعد چندی بخطاب معلخان نام بر آوردہ تا

سنہ ۱۹ مصدر خدمات نمایان شدہ بود انجام حال او معلوم نشد

میانہ خان در اوایل عہد شاہجہانی بمنصب و بخطاب میانہ خان سر

بلند و پایہ دوم خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد میانہ خان

عنایت نام افغان عوم میانہ منصبی داشت در سنہ ۲ عالم گیری بخطاب

میانہ خان سرافراز شدہ تعین بنگالہ گردیدہ در انجا در کارزار با شاہ شجاع

در لاهور اقامت نموده بود در سنه ۲۵ باز بنظم مهمات از تغیر شاهزاده عالمگیر کابل
مقرر گشته در سنه ۲۶ تغیر گردیده در سنه ۲۷ در رفاقت مهم قندهار بتقاعد ورزیده
باین تقصیر بی منصب گشته در سنه سی ام مقرری پانزده هزار روپیه سالانه خورسند
گشته بود مغلیان سندی نام ولد حاجی بهادر اوزبک منصبی داشت
در سنه احد شاهجهانی معه مهاجران برهانه ملک گشته در سنه ۲ بمنصب نهصدی
و بخطاب شاد خان سر برافراخته در سنه ۱۲ بسفارت بلخ رفته در سنه ۱۴
بعد مراجعت منصب هزار و پانصدی و بخدمت احتساب لشکر و در همین
سال بفوجداری بهکر از تغیر شاه قلی خان چهره اعتبار برافروخته در سنه ۱۵
بمنصب دو هزاری و بنظم صوبه تهته از انتقال غیرت خان نام برآورده
در همین سال بحکومت سیوستان مقرر شده در سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان
تلاشهای مردانه کرده در سنه ۲۱ بقلعه‌داری کابل از تغیر سپورام کوس مباهات
اندوخته در سنه ۲۳ تعین مهم قندهار گردیده باضافه پانصدی چهره اعتبار برافروخته
وصف جنگ قزلباش تردّدات شایسته نموده در سنه ۲۴ بجلدوی تردّدات
در مهم قندهار باضافه پانصدی سوار بمنصب سه هزاری دو هزار و پانصد سوار
و در سنه ۲۵ بخطاب شجاعت خان و باضافه پانصدی والارتبه گشته متعین مهم
قندهار

و در سنه بیستم بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در همان سال فوت
کرد مرحمت خان دیگر در سنه دوم عالمگیری بمنصب و بخطاب مرحمت
خان سرافراز و متعلق دکن بود و در این سال از دکن آمده در سنه سوم به
بفوجداری اجمیر از تغیر ... خان و در سنه نهم بفوجداری کاره باضافه منصب
سربلند گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد مرحمت خان دیدار
ولد نامدار خان بن جعفر خان طهرانی منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری
بخطاب مرحمت خان سر برافراخته در سنه ۲۹ تردیدی نموده بود انجام حال
او معلوم نشد معلخان ولد ... خان کوکه در سنه احمد شاهی بمنصب
هزاری سرافراز شده و بقلعداری کاویل نام برآورده در سنه دوم متعلق مهم بخطاب نصرت خانی
لودی مامور گردیده بود در سنه هشتم در دکن متعلق خاندوران گشته در سنه
نهم بمنصب دو هزاری و بقلعداری اودگیر و در سنه دهم بحکام قلعه داری
لعنات علم سر برافراخته در سنه ۱۸ همراه خاندوران ناظم دکن بحضور آمده
باضافه پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی و ... کنده بحراست
قلعه مذکور رخصت گشته در سنه بیستم بمنصب سه هزاری و بنظم تهانه
اعمال امیر خان ... اندوخته در سنه ۲۳ معزول گردیده در سنه ۲۴ حسب الحکم

وداد جود نظم شاہجہان آباد بہ فوجداری متھرا و در سنہ ۱۲ بحایزہ اہتمام عمارت
قلعہ شاہجہان آباد بمنصب سہ ہزاری سہ ہزار سوار لوای مفاخرت برافراشته
در سنہ ۲۲ فوت کرد مکرمت خان محمد صالح کرمانی حے علیمردان خان در سنہ ۲۹
شاہجہانی بمنصب پانصدی و در سنہ سی ام باضافہ منصب و بہ بیوتاتی بحکم
دار الخلافہ سربلند شده بود در سنہ احد عالمگیری بخطاب مکرمت خان و در سنہ ۲
بدیوانی گجرات و در سنہ دہم بدیوانی دکن از تغیر شفیع خان سربلند شده
در سنہ ۱۶ تغیر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد مرحمت خان ابراہیم
حسن منصبی داشت در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہزار و پانصدی و
بخطاب مرحمت خان و بخشیگری احدیان سرافراز شده در سنہ ۲ در کارزار
با خانجہان لودی باعث زخمدار گردیده در سنہ سوم ہمراہ اعظم خان ہنگام
فتح قلعہ دہارور تردد نمایان نموده در سنہ ۴ که وقت بریدن دیوار قلعہ قندہار
دکن ساده دوده بود نای لودی آتش بن حصہ اعدا سوخته در سنہ ۴ در دکن فوت کرد
مرحمت خان عبد الرحمن ولد صادق خان طہرانی در اوایل عہد شاہجہانی
بمنصب خدمت عرض مکرر داشت در سنہ سیوم بعد فوت پدر بمنصب
ہفتصدی و بخشیگری احدیان و در سنہ ۱۲ بمنصب و بخطاب مرحمت خان
و در سنہ ۲

سربلند شده بود انجام حال او معلوم نشد منصور خان دیگر در
اواسط عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و خطاب منصور خان
سرافراز شده در سنه ۳۲ خدمت می نمود در سنه ۴۲ بخدمت میر توزکی و در سنه ۴۴
بیدار و علی لوحانه دکن و در سنه ۴۶ بنظم اورنگ آباد مقرر شده تا سنه ۲
بهادر شاه خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد مکرمت خان ملا مرشد
قلیخان شیرازی در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری و خطاب مکرمت
خان و بخدمت صوبائی سرافراز شده در سنه سوم در دکن در رکاب
خدمت می نمود در سنه ۴ از انجا بقلعداری اکبر آباد مقرر شده آمده در سنه
باضافه پانصدی و در سنه ششم بمنصب دو هزاری هزار سوار و بفوجداری
اکبرآباد و در سنه ۸ بمهم جمت علم و در سنه ۹ باز بخدمت صوبائی رکاب از تغیر محمد
سعید سرافراخته رسالت بحالور رفته در سنه نهم مراجعت نموده در
سنه ۱۱ بمیر سامانی مقرر شده در سنه ۱۲ و سنه ۱۳ برای سرانجام ادوقه کابل
و قندهار رفته در سنه ۱۴ باضافه پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب سه هزاری و به
نظم شاهجهان آباد و داروغگی عمارت قلعه شاهجهان آباد از تغیر الله ویردی
خان و در سنه ۱۶ بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه

در سنه ۱ شریک بیعت سلطان خورم گردیده در سنه ۱۵ از وشان جدا گردیده دا
خل در بندگان شده در جنگ کنار نربدا که همراه سلطان پرویز با سلطان خورم
باعی مردانه نموده بود بکار آمد منصور خان حبشی نام ولد عنبر حبشی در سنه ۳ شاه
جهانی بمنصب دوهزاری و پانصدی و بخطاب منصور خان و ولد مسعود خان حبشی باریه در
سنه احد شاه جهانی بحکام مات قلعه داری کوالیار از طرف پدر منصب داست
و در سنه نهم خدمت می نمود و در سنه ۱۵ همراه شاهزاده دارا شکوه بقندهار رفته در
اواسط عهد بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۹ بعد فوت پدر بمرض جلوس
فراری شده در لشکر آمده حضوری مقید مانده خلاص گشته بجریان رفته و
برگشته در سنه ۲۳ بموجب عرض شاهزاده عالمگیر بمنصب هزاری والارتبه
گردیده بملتان تعین شده در سنه ۲۵ همراه شاهزاده مذکور تعین مهم قندهار گردید
آینده باز منزلگ تقصیری شده حسب الحکم بجریان رفته در سنه سی ام مراجعت نموده
بمنصب سابق مباهات اندوخته متعین گجرات شده در سنه احد عالمگیری
در کارزار مالوا تردد نموده متعین شاهزاده مراد بخش بود در ماه شوال بعد قید
شدن مراد بخش بود در ماه شوال بعد قید شدن مراد بخش در متهرا ملازمت
نموده بمنصب سه هزاری سربرافراخت در ماه ذی حجه بخطاب خان
سربلند

نظم صوبه برہانپور از انتقال ہوشدار خان سرافراز گردیده درسنه ۲
نظم گجرات از انتقال حافظ محمد امین خان ولد معظم خان از وسائل
ونجابت عضائی مکارم شیم چهره اعتبار برافروخته درسنه ۲۱ در انجا
رخت حیات بربست فعله بلے مختار خان مآثر خصوصیات ستوده است
مختار خان میر شمس الدین در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و درسنه ۱۱ بخطاب
خانی بنام خود سرافراز شده بود درسنه ۲۱ بعد واقعه پدر بخطاب مختار خانی
سرافراز شده بود درسنه سی ام دخترش با پادشاهزاده بیدار بخت
بهادر منسوب گشته درسنه ۳۳ بمراتب معزز گشته درسنه ۳۵ نظم صوبه
اکبراباد از انتقال اعتقاد خان ولد امیر الامرا و بانعام کرور دام معزز
شده درسنه ۴۹ بجایزه فتح کدہی بمسند نظم خاندیس و برار و احمد و الا گردیده
و بمنصب سه هزار و پانصدی رسیده درسنه احمد بهادر شاه پادشاه
بخطاب جان عالم لوای مفاخرت برافراخته ماہ ازان بیکا می درہمین
سال بعدم رفت مختار خان ثانی **محمد رضا خان** در عهد جهانگیری
بمنصب و بخطاب خانی سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد **منصور خان**
فرنگی در عهد جهانگیری بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی سرافراخته

حرمین بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب محتشم خان آینده باضافه
پانصدی سربلند گردیده در سنه ۱۹ بفوجداری سهارن پور و در سنه ۲۲ بنظم
صوبه اکبرآباد از تغیر امیرالامرا در سنه ۲۳ بنظم اله آباد از انتقال سلطنت دفتر الله
مقرر گشته در سنه سی ام معزول گردیده آیندہ مای عتاب آمده در سنه ۳۴
بمنصب سابق دوهزاری دوهزار سوار بحال شد در سنه ۴۴ بقلعداری
ملدرک از تغیر قاسم خان نام برآورده در سنه ۴۶ در جنگ قلعه واکن کرا که
اهل قلعه او را بوعده تخلیص قلعه طلبیده بودند چند روز با حصار اعدا
مانده بعد فتح قلعه خلاص شده آمد تا آخر عهد در خدمت می نمود در سنه احد
بهادرشاه بداروغگی توپخانه مفتخر شده در همان سال رحلت کرد
معمار خان خواجه مراد در عهد اکبری بمنصب و بر نظارت عمارات سلطان
سلیم برافراز شده بود در عهد جهانگیری در جلدوی حسن خدمت
بمنصب پنجهزاری و بخطاب اعتبار خانی در سنه ۱ بنظم اکبرآباد و بقلعداری
آنجا در سنه ۱۸ عوض استقامت در قلعه داری اکبرآباد در ایامیکه سلطان
خورم اراده تصرف آن گماشته بودند بمنصب شش هزاری پنجهزار
سوار و بخطاب مختار خان و بنظم اکبرآباد بلوای مفاخرت برافراشته

وبحالی خدمت مذکور علم مساہات برافراستہ در ۲۷ منصب چہار ہزاری
ہفتصد سوار دانیدہ بخدمت عرض وقایع در سالہ انعام نام آوردہ
در ۱۶ معزول از صدارت گشتہ در ۱ رحلت کرد موسوی خان مرزا
معز از سادات موسوی ہم زلف بادشاہ عالمگیر منصبی داشت در
سال دوم عالمگیری بمنصب ہزاری و بخطاب موسوی خان و بدیوانی
تن سرافراز شدہ در ۳۳ بدیوانی دکن از تغیر شفیع خان مقرر گشتہ در ۳۴
فوت کرد موسوی خان میر ہادی در عہد عالمگیری بمنصب و بخطاب موسوی
خان و بخدمت مالی بادشاہزادہ محمد اعظم شاہ سربلند شدہ خدمت می نمود
انجام حال او معلوم نشد محسن خان شیخ قاسم حسبی منصبی داشت
در ۱۶ جہانگیری بمنصب سہ ہزاری و بخطاب محسن خان الداد عمر
برافراختہ در ۲۱ بحکومت کالپی مضاف صوبہ اکبرآباد مقرر کردہ بود
انجام حال او معلوم نشد محسن خان دیگر در اواسط عہد شاہجہانی بمنصب
و بخطاب محسن خان سربلند شدہ در سنہ سیم معلی مهم بلخ و بدخشان
گردیدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد محسن خان میر ابراہیم ولد شیخ میرخافی
در سنہ احد عالمگیری بعد بکار آمدن بمنصب سرافراز شدہ در ۱ بعد طواف
حرمین

بلند و در سنه ۲۲ نعش او بحضرت بلاهور آورده بود دیگر احوال او معلوم نشد

محرم خان در سنه ۱۴ جهانگیری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سرافراز بود در

سنه ۱ بحرم موافقت با سلطان خرم که دران ایام باغی بودند پای عتاب آمده

بقتل رسید محرم خان خان خواجه وقار منصبی داشت در سنه ۲۳ شاه

جهانی بخطاب محرم خان سرافراز شده و بمنصب بهفصدی رسیده در سنه

سی ام ملوس روضه نواب ممتاز الزمانی اهتمام آگاه خان مقرر گردیده

بود درانجا باتمام رسید محرم خان خواجه محرم علیمردان خانی در سنه احد

عالمگیری بمنصب و بخطاب خان و بداروغگی جواهرخانه دوم سربلند

بود در اواسط عهد شاه نظارت داشت در سنه ۳۴ فوت کرد محرم خان

خواجه سرا در اواخر عهد عالمگیری بمنصب بهفصدی و پاسی خطاب سربلند شده

خدمت می نمود در سنه احد بهادرشاه فوت کرد اموال او بخدمتگار خان

و مسعود خان بخاکپای معاف شد موسوی خان میر علی اصغر ولد

میر علی اکبر موسوی خان منصبی داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بخطاب موسوی خان

سرافراخته در سنه ۱ بمنصب هزاری و بخدمت صدارت کل مامور در

سنه ۱۰ بخدمت عرض مکرر شده در سنه احد شاه جهانی بمنصب ۲ هزاری

منصب ہفتصدی داشت در ۱۲ بدیوانی کشمیر و در سی ام بفوجداری
ظفر نگر از مضافات مالاکهات مقرر شده در سه دو عالمگیری ماتحکاب
و بمنصب سه ہزاری و ہشتصدی کری بندر سورت از استقلال عرب خانی
نام برآورده در سه معزول گردیده در سه بسفارت سوی عبد العزیز خان
والی بخارا با تحائف یک لک و پنجاه ہزار روپیه و نزد سبحان قلی خان والی
بلخ با ہدایای یک لک روپیه رفته بعد سرانجام این خدمت برگشته آمده در سه
دہم بفوجداری ہنکر از تغیر سید عمر خان مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم
نشد سید مصطفی خان ولد مرتضی خان سید شاہجہانی در سه بستم عالمگیری
بمنصب پانصدی سر بلند شده اینده بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب
خانی بنام خود کسر افراز شده بود انجام حال او معلوم نشد مصطفی خان
دیگر در او در عہد عالمگیری بمنصب ہفتصدی و با تحکاب کسر افراز شده
بود بعد رحلت حضرت از پیش اعظم شاه باضافه صدی نام برآورده
در عہد بادشاه رحلت کرد مولس خان ولد مہر خان در سه جہانگیری
بمنصب پانصدی و بخطاب خانی ممتاز شده بود انجام حال او معلوم
مقصود خان در سه جہانگیری بمنصب ہزاری و بخطاب خانی سر
بلند

سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب دلیرخان نوشته شد

معمورخان محمد یار ولد معمورخان میر اسفندیار منصبی داشت در سنه ۳۷ عالمگیری بخطاب معمورخان سربلند شده آینده منتظم صوبه اورنگ آباد و در سنه ۴۳ بفوجداری سرو سوکالو و اینده بمنصب سه هزاری مفتخر و بفوجداری کرناتک بیجاپور مقرر شده در سنه ۴۸ بعر کرده خدمت می نمود در عهد فرخ سیر بادشاه بفوجداری بنارس مقرر شده در انجا فوت کرد مصطفی خان میر ضیاء الدین عرب در سنه ۱ جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۰ باضافه منصب پانصدی و در سنه ۱۱ بخطاب مصطفی خان و بعطای پرگنه مالده در التمغا سرافراز شده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد مصطفی خان سید یار بخاری در اوایل عهد جهانگیری منصب و در سنه ۱۲ فوجداری میکر داشت در سنه ۱۴ بمنصب هزاری و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و بنظم بهها و در سنه ۱۶ بخطاب مصطفی خان سربرافراخته تا سنه پنجم شاهجهانی در دکن خدمت می نمود در سنه نهم هنگام تهانه داری ظفرنگر رسد غله بصاحبان رسانیده در سنه در انجا فوت کرد مصطفی خان میر احمد خافی در عهد شاهجهانی

باضافه پانصدی والارتبه گشته در سنه سی ام در رسم و فصل افاغنه دکنی
آن در همین سال باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری و بان خطاب نام
برآورده حسب الحکم بحضور آمده در سنه ۳۱ به بخشیگری رخصت شده در سنه احد
عالمگیری بمنصب دوهزاری و پانصدی چهره امتیاز برافروخته در سنه ۸ از
کابل بحضور آمده در سنه نهم باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری و نظم کشمیر
از تغیر سیف خان و در سنه ۱۳ بنظم ملتان از تغیر لشکر خان و در سنه ۱۸ بفوجداری
متهرا مباهات اندوخته در همان سال تغیر گردیده بود انجام حال او معلوم
نشد معمور خان عبدالکریم معموری منصبی داشت در سنه ۱۱ جهانگیری
بخطاب معمور خان سر برافراخته در سنه ۱۴ بمنصب نهصدی چهار
صد و پنجاه سوار سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معمور خان
امیر افضل معموری در اواسط و اواخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی
داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب معمور خان
سرافراز شده ترددی ظاهرا بعرض تعریف نرسیده گذشته شد معمور خان
میر اسفندیار معموری نایب شاه شجاع در سنه سوم عالمگیری به
منصب و در سنه نهم بخطاب معمور خان و در سنه ۲۶ بخطاب دلیر خان
سرافراز

همراه دیگر بندها بمهم دولت آباد متعین شده بعد چندی موقوف گردید
در سنه پنجم در دکن خدمت می نمود در سنه ششم همراه خانزمان
با بیجاپوریان آویزش کرده هم در سنه هشتم هنگام فتح قلعه دولت آباد
ترددها نموده در سنه در تعیناتی شاهزاده محمد شجاع در کارزار با بیجاپوریان
تلاش نمایان نموده در سنه هشتم بنابر آنکه ساعی فراوان داده بخشه کار رست
بخدمت اولی خاندوران بهادر در دکن مقرر گشته در سنه نهم در فتح قلعه اودگیر
مصدر تلاشها شده در سنه دهم بحضور آمده در سنه ۱۱ متعین کابل گردید
چون پیش ازین بمنصب چهار هزاری سه هزار و پانصد سوار رسیده بود
در صله جایزه ترددات در کارزار با قزلباش باضافه پانصدی سوار
سرافراز گشته در سنه ۱۲ در سفر کابل در رکاب بوده در سنه ۱۵ همراه دارا شکوه
بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ مراجعت نموده آمده بفوجداری دیپالپور
مضاف صوبه ملتان مقرر شده در سنه ۱۹ براو خامه فرود آمد و درگذشت
مبارز خان میر کل در سنه ۲۳ شاهجهانی از بدخشان آمده بمنصب پانصدی
سرافراز شده در سنه ۲۶ بتهانه داری بهکر و باضافه منصب سرافراز
در سنه ۲۷ متعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۹ بمنصب هزاری و هم درین سال

معتقد خان و در سنہ ۲۳ بخطاب ملکر خان سرافراز شدہ در سنہ ۲۵
بہ بنگالہ بکار آمد مروخان ترکمان در اواخر عہد جہانگیری بمنصب و خطاب
مروخان سرافراز بود و ہمراہ سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شہریار
تردد نمودہ در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہفتصدی دو صد سوار سر
برافراختہ در سنہ سوم بخطاب مرشد قلیخان و بخدمت مربورکہ از تغیر
خلیل اللہ خان مبادات اندوختہ ہمہ احوال او در ذیل خطاب مرشد
قلیخان ترقیم خواہد رفت مروخان شیخ موسی خویش قاسم خان سرہ
شیخ سلیم چشتی در اوایل عہد جہانگیری منصبے داشت در سنہ دہم بخطاب
خانہ بنام خود سرافراز شدہ بمنصب ہشتصدی رسیدہ در سنہ ۲۱ در دکن تردد
نمودہ دیگر احوال او معلوم نشد مبارز خان شیخ حسن روہیلہ منصب
ہزاری داشت در سنہ دہم جہانگیری بخطاب مبارز خان و در سنہ ۱۲ باضافہ
پانصدی و بفوجداری میوات سربلند شدہ و در سنہ نوزدہم در کابل
در جنگ با پلنکوش اوزبک مصدر تردد نمایان گردیدہ بمنصب
دوہزاری رسیدہ بود در سنہ احد شاہجہانی ہمراہ لشکر خان ناظم کابل
در جنگ با نذر محمد خان والی بلخ تردد نمودہ در سنہ ۱۴ از کابل بحضور آمدہ
ہمراہ

چهار هزاری سوار لوای مفاخرت برافراخته در سنه سوم ناظم صوبه اوده از
تغیر فدائیخان مقرر شده در سنه هشتم بار سوم بفوجداری جونپور از تغیر معتقد
خان نام برآورده در سنه دهم باضافه بلفظ میرزائی ناموری گشته در سنه ۱۲ رحلت
کرد در سنه ۱۹ دخترش با شاهزاده معزالدین منسوب گردیده بود سید مکرم خان
میر محمد اسحق ولد شیخ میر خافی در سنه احد عالمگیری بعد بکار آمدن پدر بمنصب
و در سنه ۱۷ بان خطاب و در سنه ۳۰ ناظم اکبرآباد و بمنصب سه هزاری سرافراز
شده در سنه ۳۹ ناظم لاهور بود در سنه ۴۲ معزول گردیده بحسن ارادت خدمت
می نمود در آخر عمر در انعهد ترک منصب کرد حامد کور فاضل و حافظ قرآن
و حاجی بسیار بزرگ و محترم بود موسیخان بیگ نام ولد امیرخان بن
بابر بیگ منصبی داشت در سنه دهم جهانگیری بخطاب مردخان
و در سنه ۱۲ بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۱۴ و در سنه ۱۶ بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۱۸ بدار و علی خوشحال از تغیر جلیل الله خان و در سنه ۲۱ باضافه پانصدی بمنصب
دو هزار و نکر بخدمت عورسکی سر برافراخته در سنه ۱۲ تعین مهم قندهار شده
در سنه ۲۴ باضافه پانصدی و بفوجداری لکهنو و بیسواره از تغیر سید مرتضی خان
و در سنه ۳۰ بمنصب سه هزاری سه هزار سوار و بفوجداری جونپور از انتقال

امتیاز یافته بود همه احوال او در ذیل خطاب مخلص خان نوشته شد
معتقد خان ولد امیر خان میرانی در اواخر عهد عالمگیری بمنصب سه صدی
و بخطاب معتقد خان سرافراز شد در سنه احد بهادر شاه باضافه صدی امتیاز
گردیده خدمت می نمود در سنه فوت کرد مکرم خان ولد معظم خان شیخ
بایزید بن شیخ سلیم در سنه ۱ جهانگیری بمنصب و بخطاب مکرم خان و بتعیین
بنگاله سربلند بود در سنه ۱۲ بنظم اودیسه و هم در سنه ۱۲ بجلدوی فتح ولایت
خورده مضاف صوبه مذکور بعنایت نامهای سرافراز شده در سنه ۱۶ از آنجا
بنظم صوبه دهلی و در سنه ۱۹ بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۲۱ بنظم بنگاله مقرر
گشته در سنه ۲۲ در آنجا رودی کشتی سواره سیر دریا می کرد تو ریدن باد تند فرو
رفت میرزا مکرم خان میرزا مراد کام ولد بن میرزا مراد کام رستم صفوی
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی ذات و در سنه هشتم در دکن خدمت
می نمود در سنه ۱۲ بمنصب هزاری و بخدمت فوربیگی از تغیر صلابت خان و بعد
چندی بخدمت قراول بیگی و در سنه ۲۰ معزول گردیده در سنه ۳۱ دوم بفوجداری
جونپور از تغیر اله وردی خان مقرر گشته در سنه احد عالمگیری بمنصب چهار هزاری
و بحالی فوجداری مذکور و در همان سال بعد فتح بر شاه شجاع بمنصب پنجهزاری

پنجار

بخدمت ثانی سر برافراخته در سنه ۱۳ معزول شده در سنه ۱۴ بحضور آمده در سنه ۱۱

بقلعه‌داری رهتاس و قلعه چناده (مقرر گردیده ۲۰) شاهزاده داراشکوه بخشیده بودند تعین

شده در سنه ۱۹ بار دوم بنظم اوده از تغیر شاه شجاع و در سنه ۲۳ بفوجداری جونپور

از انتقال اعظم خان و بمنصب چهار هزاری ذات و سوار مباهات

اندوخته در سنه ۲۵ در آنجا فوت کرد معتقد خان محمد قلی ولد لشکر خان مرزا

سنجر منصبی داشت در سنه ۲۵ شاهجهانی بداروغگی تورخانه و در سنه ۲۶ چون بعلس

مهم قندهار شده بود منصب هزاری و در سنه ۲۸ بداروغگی فیلخانه و در سنه ۲۹ منصب

هزار و پانصدی در سنه سی و دوم بخطاب معتقد خان سر برافراخته در سنه ۳۳

بحضور آمده بفوجداری بهرایچ مقرر گردیده در سنه احد عالمگیری باضافه

منصب کامیاب شده همراه پدر معاتب گشته در سنه دوم بمنصب دو هزاری

نام برآورده در سنه ششم از فوجداری سلطانپور بهری بفوجداری جونپور

از تغیر عضد خان نامور گردیده در سنه هشتم معزول شده در سنه دهم مکرر

بفوجداری سلطانپور بهری مقرر گردیده در سنه ۱۴ باکهان مسل کرد معتقد خان

دیگر نبیره لشکر خان خواجه ابوالحسن مشهدی در اواسط عهد عالمگیری به

منصب و بخطاب معتقد خان سرافراز شده در سنه ۳۷ بخطاب مخلص خان

معتمد خان دیوانی ولد دیانتخان قباد سابق [illegible] در سنه

عالمگیری بخطاب معتمد خان و بداروغگی داغ از تغیر سربلند خان نعمت الله

سرافراز شده در سنه ۳۲ باضافه پانصدی ماسور گردیده در سنه ۳۲ فوت کرد معتمد خان

دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب شش صدی و بخطاب و بخانسامانی اعظم شاه

سرافراز بود در سنه احد بهادر شاه بادشاه بدیوانی شاهزاده جهان شاه نام برآورده

بود معتقد خان خواجه ابو الحسن مشهدی در اوایل جهانگیری بمنصب و بخطاب معتقد خان سر برافراخته در سنه سوم بدیوانی بنگاله مقرر شد در

سنه بمنصب هزاری نام برآورده در سنه مذکور بخدمت بخشیگری حضور و در

سنه بخشیگری لشکر ملکی امتیاز یافته در سنه نهم بخطاب لشکر خان مامور

شده بود همه احوال او در ذیل خطاب لشکر خان بقلم آمد معتقد خان

میرکی در سنه ۱۱ جهانگیری بمنصب و بخطاب معتقد خان سربلند و متعلق

سلطان خورم شده بود دیگر احوال او معلوم نشد معتقد خان خواجه

بقی بمنصب و خدمت صوبه کشمیر داشت در سنه ۱۳ جهانگیری بخطاب معتقد خان

سرافراز شده بود در سنه احد شاهجهانی بمنصب سه هزاری و در سنه دوم بمنصب چهار هزاری

سه هزار سوار و در سنه سوم بنظم صوبه اوڈیسه و در سنه صوبه مالوا از تغیر باقر خان

مم

چهار هزاری هزار و دو صد سوار و در سنه دهم بمیر بخشیگری از استقلال سرجمله

محمد امین نام برآورده و در سنه ۱۲ بنظم لاهور ساهات اندوخته در سنه ۱۴ فوت کرد

معتمد خان محمد قاسم ولد هاشم خان میر بحر در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی

و بخطاب معتمد خان سر برافراخته در سنه ۲۳ بخطاب قاسم خان نام برآورده بود بمه

احوال او در ذیل خطاب قاسم خان نوشته شد معتمد خان محمد صالح مشرف

توپخانه سرکار والا در اواخر عهد شاهجهانی منصبی داشت بنابر حسن سلیقگی در سنه ۲۶

بخطاب معتمد خان و بخدمت صوبائی سرافراز شده بعد چندی بدیوانی سلطان

داراشکوه و بمنصب هزاری در سنه ۲۹ باضافه پانصدی و در سنه سی ام بمنصب

دو هزاری بلند مرتبه گشته در جنگ اکبرآباد مردانه بکار آمد معتمد خان خواجه نور

خواجه سرا در سنه احد عالمگیری بمنصب و بخطاب معتمد خان سربلند بود و برای خدمت

گذاری جواب شاهجهانی تعین گشته در آخر سنه مذکور بخدمت نظارت از تغیر

اعتبار و در وسط سنه دوم باضافه پانصدی و بحراست قلعه شاهجهان آباد

و در سنه سوم بقلعه داری گوالیار از تغیر عبدالله خان سرافراخته و در سنه ۱

بنظم اکبرآباد و در سنه بار دوم بقلعه داری مذکور سرافراز شده در سنه ۲۱ در انجا

درگذشت از اموال او دوازده لک روپیه نقد سوای اجناس بضبط درآمد

بمنصب ہزاری و بخطاب منکلی خان سربلند شده در سنه چهار بفوجداری ملاتول
مقرر گردیده و آینده بفوجداری سهارنپور مضاف صوبه بهار و در سنه ششم بعد عزل
اینخدمت بشرف ملازمت و اینده بار بفوجداری ملاتول سرافراخته در
سنه نهم معزول شده معاش کابل گردیده در سنه سهانه داری لوهشهره مقرر گشته
دیگر احوال او معلوم نشد معتمد خان محمد شریف در سنه جهانگیری بمنصب و بخطاب
معتمد خان سرافراز بود و اکثر مورد مراحم بادشاه در سنه ۱۱ بمنصب ہزاری و بخشیگری
لشکر متعینه مهم دکن سرافراخته در سنه ۱۲ بحضور آمده در سنه ۱۳ بخدمت توپخانه مقرر
شده در سنه ۱۵ در سفر کشمیر در رکاب بوده بار دیگر عرض مکرر و بمنصب ہزاری و
پانصدی نام برآورده در همان سال به بخشیگری لشکر متعینه دکن همراه سلطان خورم
مقرر گردیده در سنه ۱۶ بمنصب دوہزاری سربلند گشته در سنه ۱۸ بحضور آمده بضبط وقایع
دربار مامور شده در سنه ۱۹ به بخشیگری حضور و بمنصب دوہزاری نام برآورده در سنه احد
شاہجہانی بمنصب سه ہزاری و ششصد سوار و در سنه ۲ به تن بخشیگری از تغیر اسلام
خان سرافراخته در سنه ۲ همراه اصفخان در دکن تردد نموده در سنه ۳ بمنصب سه
ہزاری و پانصدی مباهات اندوخته از دکن بحضور آمده در سنه ۴ در سفر کشمیر در
رکاب بوده در سنه هشتم در سفر دکن در رکاب خدمت می نموده در سنه نهم بمنصب
چهار

برافراخته در سنه سوم معاف بنگالا شده پنج سال دران صوبه تردد
می نمود در سنه ششم بحضور آمده در سنه نهم باستیصال کسوا مرسه رفته در سنه
متعین دکن شده بود مخلص خان میر شمس الدین علی ولد صف
شکن خان محمد شجاع بن میر قوام الدین خان صدر ایران منصبی داشت در سنه ۳۱
عالمگیری بمنصب هزاری وبخطاب مخلص خان وبداروغگی توپخانه سرافراز شد
در سنه ۳۳ بخدمت قوربیگی ودر سنه ۳۱ بجایزه تردد به سه غنیم بمنصب سه هزاری
وخدمت میر تن بخشیگری والا سرفرازی گشته در سنه ۴۵ عازم سفر آخرت شده بجای
دانائی باکمالات کسبی جمع داشت مخلص خان مشهدی سره لشکر خان
شاهجهانی در اواسط عهد عالمگیری بمنصب وبخطاب معتقد خان سر
برافراخته در سنه سی ام بمنصب هزاری ودر سنه ۴۱ بنظم برهانپور از تغیر عنایت خان
ولد سعد الله خان سربلندی اندوخته در سنه ۴۳ بخطاب مخلص خان وبقلعداری
اکبرآباد نام برآورده در عهد بادشاه فرخ سیر بسعی ذوالفقار خان بهادر ضایع
گردید منکلی خان در سنه سوم جهانگیری بمنصب وبخطاب خانی سرافراز
بود در سنه دهم بمنصب هزار و پانصدی سربلند شده دیگر احوال او معلوم
نشد منکلی خان مسعود منکلی منصبی داشت در سنه احد عالمگیری به

سربلند گردید بفوجداری کورکه بود و در سنه ۸ بنظم صوبه ملتان سربلند گردید
و بمنصب سه هزاری رسیده در سنه دهم در انجا رخت عمر بست کرد مخلص خان
عبدالله نام ولد حاجی منصور بلخ در سنه هستم شاهجهانی بمنصب پانصدی
سرافراز شده در سنه ۲۳ بجایزه تردد در صف جنگ با قزلباش همراه رستم
خان بهادر بمنصب هزاری و در سنه ۲۵ باضافه پانصدی سربلند گردید و در سنه
و در سنه ۲۶ تعلق مهم قندهار گشته بعد مراجعت باضافه پانصدی و ماهچه
و ایزد بخدمت مربور که بلند مرتبه شده در سنه ۲۹ تغیر گردید در سنه احد عالمگیری
در جنگ مالوا تعلق مهاراجه جسونت سنگه شده بود در جنگ اکبراباد از
همراهی دارا شکوه جدائی گزیده در جناب عالمگیری رفته باضافه هزاری
و بخطاب یلنگتار خان نام برآورده بود بهم احوال او در ذیل خطاب بکه تازخان
نوشته خواهد شد مخلص خان قاضی نظاما کردری در اواسط عهد شاه
جهانی بمنصب پانصدی سرافراخته در سنه ۱۲ بسجاولی فوج سعید خان
بهادر مقرر شده آمده بمنصب صدی در اوایل عهد بدلوائی کابل در سنه
داه و در سنه ... ام بسجاولی دکن از تغیر میر جعفر اسرمادی و باضافه منصب
مباهی گردیده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی علم مفاخرت
برافراخته

معظم شاه نواز خان صفوی در سنه ۲۹ شاهجهانی بمنصب پانصدی سربلند
شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲ بخطاب سیادت
و در سنه ۲۱ بخطاب معظم خان و بخدمت قوش بیگی در سنه سی ام بمنصب
سه هزاری سر برافراخته بود ملتفت خان از بندهای اکبری بمنصب و باین
خطاب سرافراز بود در سنه احد جهانگیری تاریخ جلوس جهانگیر بادشاه که در انشد
دیدار و علی گفت بخانه در سنه ۱۳ بمنصب شش صدی نام برآورده بود ملتفت خان
میر صالح در آخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و خدمت فرمان نویسی
داشت در سنه ۲ عالمگیری باین خطاب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد مخلص خان طاهر بیگ در اوایل عهد جهانگیری منصب بخشیگری
احدیان داشت در سنه سوم بخشیگری دکن و بخطاب مخلص خان
سر برافراخته در سنه دهم بخدمت عرض مکرر دهم در سنه مذکور بدیوانی بنگاله
و بمنصب دو هزاری سرافراز شده در سنه ۱۴ از انجا آمده بدیوانی شاهزاده پرویز
مقرر گردیده در سنه ۱۹ از صوبه بهار که تعلق بشاهزاده مذکور داشت
هنگام ورود بسلطان خرم باغی فراری گشته در اله اباد رسیده بار محصور گردید
در سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزاری دو هزار سوار و بفوجداری نرور در آخر

اسارنامه درسنه ۵ طلب حضور شده چون نظم کابل از لے رائی محمد
امین خان از دست برهم خورده بود بار چهارم بنظم کابل مامور گردیده در
سنه ۶ معزول و طلب حضور شده و بعد ملازمت در حسن ابدال به سمت
راه پرسکلاکس کورتره راهه سهل است که راه یعنی پیموده مامور گشته بود
در راه در منزل امینی آباد در سنه ۸ فوت کرد مهابتخان محمد ابراهیم سرلشکر
دکنستان در سنه ۲۹ عالمگیری بمنصب شش هزاری و بخطاب و در سنه سی ام
بنظم برار و در سنه ۳۱ بمنصب هفت هزاری سرفراز شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد معظم خان شیخ بایزید بن شیخ سلیم چشتی در سنه ۴۹ اکبری
بمنصب هزاری و امروز بمنصب دو هزاری سرافراز شده بود و در سنه احد
جهانگیری بخطاب معظم خان باضافه هزاری بمنصب سه هزاری و در سنه
سوم بمنصب چهار هزاری بنظم دهلی نام برآورده بود تا سنه ۵ در انجا بود
انجام حال او معلوم نشد معظم خان محمد سعید از دستیاران ابو کران
قطب الملک حاکم حیدرآباد در سنه ۲۹ شاهجهانی بمنصب شش هزاری و با
خطاب سرافراخته در سنه سوم عالمگیری بخطاب خانخانان مامور شده
بود همه احوال او در ذیل خطاب خانخانان نوشته شد معظم خان محمد
معظم شاه

و در سنه ۱ بخدمت حضور رسیده و در سنه ۱۹ بمنصب دو هزار و پانصدی مباهات
اندوخته تا آنکه بعد برادر جعفر خود متعاقب مهم بلخ و بدخشان گردیده در سنه ۲۰
بجایزه ترددات آنجا بمنصب سه هزاری سر برافراخته در سنه ۲۲ متعاقب
مهم قندهار همراه شاهزاده عالمگیر شده در سنه ۲۲ باضافه هزاری و میر بخشیگری
از تغیر خلیل الله خان نام برآورده در سنه ۲۵ بمنصب پنجهزاری و خطاب مهابت خان
و نظم صوبه کابل سر برافراخته در همین سال با وجود نظم کابل مکرر همراه شاه
زاده عالمگیر متعاقب مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ معزول گردیده در سنه ۲۷ بار
همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۲۸ بسر رانا راج سنگه زمیندار اودیپور
مامور گشته در سی ام متعاقب شاهزاده عالمگیر که ناظم دکن شده بودند
گردیده ترددات شایسته نموده در سنه سی و یکم بار دوم بنظم صوبه مذکور از
تغیر رستم خان بهادر فیروز جنگ چهره امتیاز افروخته در سنه احد عالمگیری
بنظم آنجا بحال ماند و بمنصب شش هزاری پنجهزار سوار سه هزار سوار دو اسپه
سه اسپه لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۵ بنظم گجرات از تغیر مهاراجه جسونت
سنگه علم مباهات برافراخته در سنه ۱۰ بار سوم بنظم کابل از تغیر سید امیر خان
خوافی نام برآورده در سنه ۱۳ باز دکن تعین گشته بتعاقب فیل بالا پر

مضاف صوبه داده محال وطنش بنام او بسور عال مقرر شده مرتضی خان

سید شاه محمد منصب داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دوهزاری و بخطاب

مرتضی خان سربرافراخته در معارک سلطانی ترددات و تلاشهای مردانه

نموده در سنه دوم منصب چهار هزاری سه هزار سوار و ایده بدار و عکی فرو خاص

و علم سرافراز شده اکثر مصدر خدمات پسندیده گردید بادشاه اخلاص را داشته

در سنه ۱۲ درگذشت بادشاه او را بسیار دوست میداشت مرتضی خان سید

مبارک در اوایل عهد عالمگیری منصب داشت و با ایزد قلعه‌داری دولت

آباد مقرر شد در سنه ۱۲ بخطاب مرتضی خان نام برآورده مدتی بدانجا ماند

انجام حال او معلوم نشد مهابت خان زمانه بیک ولد غیور بیگ کابلی

در سنه احد جهانگیری بمنصب و بخطاب مهابت خان سرافراز شده بود

در سنه احد شاهجهانی بخطاب خانخانان مامور گردیده بود همه احوال او در ذیل

خطاب خانخانان نوشته شد مهابت خان زمانه بیک منصب داشت در سنه

احد شاهجهانی از حضر در رکاب حضرت آمده در سنه سوم در دکن

ترددی نموده در سنه ششم همراه پدر هنگام فتح قلعه دولت آباد تلاشهای

کرده بخانه‌زادان بخطاب خانی نام برآورده در سنه ۱ منصب دو هزاری

در سنه ۱۶

بمناسبت قبل بالا سر منابات اندوخته در سنه ۱۱ درانجا بآخرت سرا رفت

خانمکور از خوبان روزگار بود مرتضی خان میر حسام الدین ولد میر جمال الدین

حسن انجو منصبی داشت در سنه ۲ جهانگیری منصب هزاری و پانصدی و در سنه ۱۶

از تغیر نصر الله و در سنه ۱۵ بقلعداری اسیر مقرر گردیده بود در سنه ۱۵ هرگاه که سلطان خرم

راه بغی پیموده بدکن رفتند خانمکور با سلطان در حوزده بخطاب مرتضی خان

بمنصب چهار هزاری بلند مرتبه شده در سنه احد جلوس شاهجهانی بصوبه تهتها از انتقال

سر خواجه مقرر گشته در سنه ۲ درانجا بعدم رفت مرتضی خان سید نظام

ولد سید صدر جهان ساکن پهانی در اخر عهد جهانگیری منصب هزاری داشت

در سنه احد جلوس شاهجهانی بمنصب دو هزاری و پانصدی در سنه ۳ بمنصب سه هزاری

و بخطاب مرتضی خان و در سنه ۶ بقلعداری دولت اباد سرافراز شده در

سنه ۸ در تعاقب شاهزاده محمد شجاع در جنگ با بیجاپوریان تردد نموده در سنه

بنابر سعی عادل خان حاکم بیجاپور باتفاق دیگر سران نامور گردیده در سنه ۹

ترددات شائسته کرده اینده بقلعداری احمدنگر مقرر گشته در سنه ۱۷

بفوجداری لکهنو و بیسواره نام برآورده در سنه ۲۱ از لکهنو بحضور آمده در سنه ۲۲

به بیسواره رفته در سنه ۲۴ خانه نشین گشته بیست لک دام از پرگنه پهانی

و ماسحطاب سربرافراخته درمعارک سلطانی ترددها نموده تعین دکن
شد ما شه خدمت می نمود کسدی ... مسعود خان صاحب قلعه بردولی از
قلاع صوبه بیجاپور بعد فتح آن قلعه در سنه ۳۲ عالم گیری معرفت غازالدین خان
فیروز جنگ بمنصب هفت هزاری وجاگیرداری وفوجداری مرادآباد
سرافراز شده حکم شده بود که خودش در لشکر فیروز جنگ باشد دیگر احوال او
معلوم نشد مسعود خان محلی تخلص محکم خان منصب داشت در
سنه ۴۹ عالم گیری بخطاب خان برنام خود سربرافراخته بود در عهد فوت کرد
مرتضی خان شیخ فرید بخاری در عهد اکبری بمنصب سرافراخته در
سلک لشکری داشت و در سنه ۲۳ حضرت بجانه او که بر لب آب جمن ساخته
بود تشریف برده بودند در سنه ۴۴ منصب بهار شده در سنه منصب بنگاله
گردید در سنه سی ام منصب بمنصدی و میر لشکری بالقاب آصف خان جعفر
بیگ در سنه ۴۴ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۹ بجایزه ترددات نمایان بمنصب
چهار هزاری سرافراز شده بود در سنه احد جهانگیری بنابر شکست دادن سلطان
خسرو باغی باضافه هزاری و بخطاب مرتضی خان سربلند گردیده در سنه دوم
بنظم گجرات مقرر بود در سنه پنجم بنظم لاهور و در سنه ۸ بمنصب شش هزاری و در سنه ۱۰
نعاب

وبخطاب خانی سر برافراخته در سنہ ۱۲ متعین و در سنہ ۲۱ متعینہ سلطان مراد بخش

در سنہ ۲۹ بجایزہ ترددات نمایان بمنصب سہ ہزاری سرافراز گشتہ بود

انجام حال او معلوم نشد محمد صالح برادر اسد سرافراز خان دکمنی در اوائل عہد

عالمگیری بمنصب دو ہزار پانصدی و بخطاب سرافراز بود در سنہ ۲ بہادر شاہ

بخطاب بخت بلند خان نام بر آوردہ بود دیگر احوال او معلوم نشد منور خان

در سنہ ۳۱ اکبری بمنصب و باز بخطاب سربلند و متعین سلطان محمد شدہ بود

دیگر احوال او معلوم نشد محبت خان در سنہ ۳۱ اکبری بمنصب و بخطاب

سربلند بود در ...کابل در وصل محمد زمان پسر جعلی میرزا شاہرخ کہ قاسم خان

ناظم آنجا را بعد رگشتہ بود تردد نمایانی نمودہ بود محبت خان در سنہ ۱ شاہ

جہانی بمنصب و بخطاب سربلند و متعین صوبہ دکن شدہ بود دیگر

احوال او معلوم نشد مسعود خان حبشی در سنہ ۲۶ اکبری بمنصب و بخطاب

سرافراز و متعین میرزا رستم و میرزا شاہرخ بدکن شدہ بود مسعود خان

یادگار مسعود برادرزادہ سعد خان بہادر در عہد شاہجہانی منصبی داشت

و در جنگ مالوا بمقابلہ شاہزادہ عالمگیر ہمراہ مہاراجہ جسونت سنگہ بود

بعد شکست مہاراجہ در خدمت عالمگیری ملازمت نمودہ باضافہ ہفتصدی

خانی سرافراز بود در سنه دو جہانگیری باضافه منصب سر برافراخته
در سنه بمنصب ہزار و پانصدی رسیده در فنون سپاہیگری دقیقه
فرو نگذاشته بود انجام حال او معلوم نشد مبارکخان نیازی در اوا
یل عہد شاہجہانی منصب و خطاب خانی داشت در سنه بجایزه ترددات
دکن بمنصب دو ہزاری و در سنه ۳ بقلعداری او سه از تغیر اہتمام خان
سرافراز شده در سنه ۱۴ معزول گردیده در سنه ۱۲ از دکن بحضور آمده در سنه در سنه
همراه شاہزاده عالم گیر معاش مهم قندہار گشته ترددات نموده در سنه ۲۶
به تهانه داری ہر دو سکس مقرر و بماہی و مصری شده بود در سنه تغیر شد
در سنه عالمگیری بازبفوجداری سکس از تغیر حسن بیگخان نام برآورده
سید مبارکخان در اواخر عہد عالمگیری بمنصب سه صدی و خطاب
خانی و بقلعداری حصار شهر پناه دولت آباد سرافراز شده بود در سنه ۴۸
قلعداری کالاکوت و دلوکر از تغیر سید یحیی خان مقرر گردید تا
سنه خدمت می نمود بعد رحلت حضرت در ایام بودن انجا
از پیش اعظم شاه اضافه صدی یافته بود انجام حال او معلوم نشد
محصوصخان برادر سعدخان ولد یعقوب خان در عہد اکبری به منصب
و خطاب

بمنصب پنجهزاری و بخطاب شجاعتخان و بخطاب خانعالم سرافراز
شده پس از چندی معاتب گشته در سنه سوم بمنصب سه هزاری و
بخطاب عرب خان و در سنه ۱۱ بار دوم بخطاب شجاعتخان بلند مرتبه
گردیده در سنه ۲۴ بمصر رفاقت بادشاهزاده محمد اکبر باغی مقید گشته در سنه ۴۳
بحالی منصب مذکور بخطاب مرزاخان و بفوجداری جوسور و آینده سطح
او ده سر برافراخته در سنه پنجاهم فوت کرد معصوم خان در عهد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱۹ در بنگاله در سنه ۲۳ در رکاب والا
خدمت نمود سید مهر علیخان سلدور در عهد اکبری بمنصب هزاری
و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۲۲ بفوجداری حصار بود در سنه ۲۳ معلق
بهار و در سنه ۲۵ بنگاله شده بود در سنه دیگر احوال او معلوم نشد مصنف
هروی سلطان محمد نام در عهد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب
سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد مبارک خان افغان
در سنه ۲۵ اکبری بمنصب و بخطاب خانی والا رتبه و هنگام تسخیر کشمیر
تردد بود در سنه ۳۱ در کابل تردد کرده دیگر احوال او معلوم نشد مبارکخان
ولد کمال خان گکهر در سنه سی ام اکبری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب

و در سنه بفوجداری کانکره سربلند شده در سنه نهم بنابر سوررید دماغی
معزول گردیده در سنه در کارزار بلخ و بدخشان تردد نموده آینده
نظم اوده نام برآورده در سنه ۲۳ تغیر گشته در سنه حاکم ماند و بود در سنه ۲۵
بقلعداری احمدنگر و در سنه بفوجداری الحصور ساهات اندوخته در سنه ۱۹
در تحصیل پیشکش زمیندار چاندا تردد شایسته نمود و در سنه احد عالمگیری
انزوا گزیده در سنه بحال منصب بخدمت امیح و بهاندر کام دل برگرفته
در سنه ۱۶ رحلت کرد مرزا خان میرزا ابوالمعالی ولد مرزا والی در سنه
شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۵ باضافه بالصدی سربرافراخته تعین
مهم قندهار شده در سنه ۲۶ بمنصب دو هزاری و بفوجداری سوسات سرافراز شد
در سنه سی ام تغیر گردیده در سنه ۳۱ بفوجداری ترهت مضاف صوبه بهار از
انتقال سرافراز خان ولد لشکر خان مشهدی مقرر گشته در سنه احد
عالمگیری از بهار برآمده باضافه هزاری و باسخطاب تام برآورده متعین
ناظم بهار شده و در سنه همراه داود خان ناظم آنجا در کارزار باشاه شجاع
تردد نموده در سنه بفوجداری دسهکه نام برآورده در سنه فوت کرد مرزا
خان محمد ابراهیم ولد بحاسحاق بن مرزا شاهرخ در سنه احد عالمگیری
بمنصب

ولد بیرامخان بهار بود در عهد اکبری منصب و در سنه ۹۹۲ بخطاب میرزاخان در سنه ۱۰۰۳ تا البیقی در یرحال سلطم صوبه گجرات و در سنه ۹۹۲ بخطاب خانخانان سرفراز و سربلند شده بود بهمه احوال او در ذیل خطاب خانخانان بقلم آمد :

میرزا خان نشاپوری از اقربای سید شهاب الدین احمد خان در عهد اکبری بمنصب سه صدی و پنجاهی و بخطاب خانی سرافراخته خدمت می نمود در سنه ۲ در جنگ با امین خان غوریکه سورتهه در تصرف او بود تردد کرده اجر کار خدمت می نمود در سنه ۲۷ از جا رفته بود لاکن در سنه ۹۹۴ در دکن ملاشنهای مردانه نموده بود انجام حال او معلوم نشد میرزا خان ولد زین خان کوکه در سنه ۱ جهانگیری بمنصب هزاری و بخطاب میرزاخان سرفراز بود و خدمت می نمود در سنه شاهجهانی درگذشت میرزا خان منوچهر ولد شاه نواز خان بن خانخانان عبدالرحیم در سنه ۱۴ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب دو هزاری سربرافراخته در سنه ۱ سرریک بغی سلطان خورم گردیده در سنه ۱۸ از آن جدا شده داخل دولتخواهان گشته خدمت می نمود در سنه ۱ حدث شاهجهانی بعنایت خلعت و خنجر مرصع و عطای منصب چهار هزاری و نوازش علم و نقاره و در سنه ۶ بخطاب میرزاخان و باضافه هزاری و بفوجداری سرکار بهرائچ

بخدمت تورسکی والا رسته شده در سنه ۶ بفوجداری ترهت مقرر گردید

در سنه معزول گشته تا سنه ۱۲ خدمت می‌نمود مجاهد خان ولد محب علیخان

پسر میر خلیفه در عهد اکبری بمنصب و بخطاب سرافراخته در سنه ۱۶

همراه مدر بسیهکر رفته در فتح ناسله و بهکر تلاشهای رستمانه نموده در سنه ۱۹

در اطراف سیستا اقامت گزیده آینده هم مصدر خدمات پسندیده بود

مجاهد خان ولد میر صاحب حال در عهد اکبری از روی طبقات اکبری به

منصب هزاری و بخطاب خانی سرافراخته در جنگ قلعه کوملمیر در مصافات

او دهور مردانه شهید شد مجاهد خان میر مرتضی امامی نایب شاه

شجاع در سنه سوم عالمگیری بمنصب سرافراخته در تعیناتی صوبه جنت

البلاد بنگاله ترددات و تلاشهای که مسمای نمودست نموده خصوصا

در تسخیر ولایت خانکام در تعیناتی میرک امیرخان پسر امیرالامرا ناظم

بنگاله کارها کرده بجایزه آن در سنه بخطاب مجاهد خان نام بر آورده تا سنه ۱۸

خدمت تهانه می‌نمود مجاهد خان محمد عارف برادر غازی الدین خان فیروز

جنگ در سنه ۳۳ عالمگیری بمنصب و در سنه ۳۶ بخطاب مجاهد خان سربلند شده

در سنه سی ام در جنگ حیدرآباد مصدر ترددات گردیده بود میرزا خان عبدالرحیم

ولد

نام برآورده درسنه احد بهادرشاه بخطاب دانشمندخان ناموری گشته
درسنه ۲ فوت کرد معصوم خان ولد معین خان فرنخودی از روی
طبقات اکبری بمنصب چهارهزاری و بخطاب خانی در عهد اکبر سرافراز شد
درسنه ۱۰ و درسنه ۱۷ ترددات شائسته نموده درسنه ۲۵ بالفاق باباخان وغیره قاقشال
راه بغی پیموده و بکرر با اولیای دولت کارزارهای شدید کرده در ممالک
شرقیه فساد عظیم برداشته درسنه ۲۶ تقصیرش مقرون بعفو گردیده بحضور
رسیده درسنه ۲۰ باقتضای مصلحت ملکی بایشاره حضرت بقتل آمد
میرمعصوم خان از سادات تربت کوکه میرزا محمد حکیم درسنه ۲ اکبری
ازکابل آمده بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته متعلق صوبه بهار شد
خدمت می نمود درسنه ۲۵ رایت بغی سربرافراخته و بسیاری دولتخواهان را
برجاده عصیان برده عالمی را بشورآورده پانزده سال کارزارهای شدید
نموده درسنه ۴۴ در بنگاله بعدم رفت میرمعصوم خان پسر اولین شاه
نوازخان صفوی درسنه ۲۶ شاهجهانی بمنصب پانصدی سربرافراخته درسنه احد
عالمگیری بمنصب هزاروپانصدی و بخطاب خانی برنام ولعد بشهادت پدر
بمنصب دوهزاری و درسنه سوم بخدمت آخته بیگی از تغیر سعیدخان و آیده

ملازمت نموده بنظم گجرات از تغیر عبداللہ خان بہادر و بہکام رخصت بعنایت

خلعت خاصه با نادری معه تکمه مروارید و شمشیر مرصع و فیل خاصه و در سنه ۱۳ بنظم بہار از

تغیر جہانگیر قلیخان در سنه ۱۴ بہکام روانه شدن بصوبه بہار بعنایت فیل با ساز نواخت و در سنه ۱۸

بنظم صوبه اکبرآباد از انتقال مختار خان خواجه سرا سربرافراخته در سنه ۱۹ معزول گردیده تا که

در حضور خدمت می نمود در روزیکه مهابتخان آنحضرت را بکوپال دے تمام بجانه خود

برده بود مهرخان در راه در خورده درون حوضه فیل بر دیک حضرت نشسته

در عهد شاہجہانی بمنصب چهار هزاری بحال مانده در سنه ۲ بعمر نود سال فوت کرد

پیشکشہا از اجناس و جواهر یادگار روزگار است مهرخان علام ترک مراد

از نوکران نظام الملک حاکم دکن در سنه پنجم شاہجہانی بمعرفت اعظم خان ناظم آنجا

بمنصب پنج هزاری و بخطاب و در سنه ۸ بخطاب رستم خان سرافراز شده

بود هر احوال او در ذیل خطاب رستم خان نوشته شد مهرخان شیخ نظام حیدرآبادی

در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب شش هزاری و بخطاب مقرب خان و در سنه ۳۲ بخطاب

جانثار خان سرافراز شده بود هر احوال او در ذیل خطاب جانثار خان نوشته شد ::

مهرخان میرزا محمد عالی تخلص در اواسط عهد اکبری بمنصب و بخطاب

نعمت خان سرافراز شده بود در آخر عهد بمنصب مصدی و بخطاب عرخان

نام برآورده

از طرف بادشاهزاده کام بخش مقرر شده در سنه ۲ معزول گردیده بود در

گرد مقرب خان دکنی در سنه ۹ اکبری از دکن آمده بمنصب و خطاب

شده متعلق صوبه مالوا شده بود در سنه ۱۱ در جنگ با مرزایان باغی ترد

دیگر احوال او معلوم نشد مقرب خان حکیم شیخ حسن ولد شیخ بینا

گرانه در سنه احد جهانگیری که بمنصب و خطاب مقرب خان در ایام شاه

قبل ایشان سرافرازی یافته بود و در فن نیک خوب می انداز و در

عهد خود کت مورد نوازش شده در سال اول باوردن متعلقان

دانیال به دکن رفته و این خدمت سرانجام نموده در همین سال بخص

به بندر کهایت رفته در رسوم برده فرنگی از سال حضور نموده در سنه ۵

بسبب این غفلت که همراهیان او دختر مهادلی را بزور در خانه خود

بگمی نصف منصب معاتب گردیده آینده بنا بر بعض مهمات به بند

در سنه بعد آمدن از بندر گوه نظم دهلی و باضافه های پانصدی بمنصب

نام بر آورده در سنه ۹ بسر امرصدی مدر سورت مقرر بود در سنه ۹ باضا

بمنصب پنجهزاری مباهات اندوخته از آنجا روانه حضور شده در س

ہمہ احوال او در ذیل خطاب خانخانان نوشتہ شد سید مظفر خان ولد
سید شجاعتخان بن سید جہانگیر بارہہ در سنہ ۱۹ شاہجہانی منصب ہزاری در اواخر
عہد باضافہ پانصدی و در سنہ سی ام بخطاب ہمت خان در سنہ ۳۱ بخطاب خانی
بنام خود سرفراز گردیدہ بود در سنہ احد عالمگیری بخطاب پدر بنام برادر دہ ہمہ
احوال او در ذیل خطاب شجاعت تقلم آمد سید مظفر خان سرزبان ولد سید
خانجہان بارہہ در سنہ ۱۹ شاہجہانی بعد فوت پدر بمنصب دو ہزاری و پانصدی و به
خطاب مظفر خان سرفراز گشتہ در سنہ سوم در معیت ناظم بنگالہ تردد لت بسیار
کردہ انجام حال او معلوم نشد مظفر نام از اولاد حسین خان فیروز جنگ
در سنہ عالمگیری از ولایت آمدہ بمنصب سربراوراختہ معہ بنگالہ شد در سنہ ۲ بجایزہ
ترددات الحالخطاب مظفر خان نام برادردہ در سنہ ۱۵ بخطاب خانہ زاد نامور
گردید ہمہ احوال او در ذیل خطاب حرف الف نوشتہ شد مظفر خان ولد خان
جہان بہادر ظفر جنگ کوکلتاش در سنہ ۱۶ عالمگیری بجلدوی سرسیوا مقہور دکنی
بخطاب مظفر خان سربراوراختہ خدمت در سنہ ۲۰ بخطاب ہمت خان
نام برادردہ بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب ہمت خان تقلم خواہد آمد
مدیحان مظفر خان محمد لقاولد خانخانان بہادر ظفر جنگ منصبی داشت
در سنہ ۱۴

نموده در سنه ۲۳ حضور طلب گشته باتفاق راجه تودرمل و خواجه منصور

شرائط کارهای وزارت سرانجام کرده در سنه ۲۴ بنظم بنگاله از اشغال خان

جهان نام برآورده در سنه ۲۵ تحت سپهگری خود بر دست معصومان بنگاله

که سرگروه‌ها برانها قاقشالان بودند بقتل رسید مظفرخان میر عبدالرزاق

معموری در اوائل عهد اکبری بمنصب هشتصدی و به بخشیگری سرافراز شده در

سنه احد جهانگیری به بخشیگری حضور مقرر شده در سنه ۳ بخطاب مظفرخان نام

در سنه ۷ بنظم تهتها از اشغال میرزا غازی ترخانی مباهات اندوخته بعد چندی موقوف

شد در سنه ۹ بحضور رسید باضافه پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۱ باز بنظم صوبه بند

از تغیر شمشیرخان اوزبک چهره امتیاز برافروخته در سنه ۱۳ از آنجا بحضور آمده باز

بنظم آنجا رخصت گشته در سنه ۱۵ حسب الحکم بحضور آمده در سنه ۱۶ چندی بمیر بخشی

مقرر گردیده در همان سال بحراست اکبراباد نام برآورده در سنه ۱۷ تغیر گشته بطور

کومکیان الصوبه تا سنه ۱۹ در همین سال مکرر بمیر بخشیگری از تغیر صادق خان

بلند رتبه شد در سنه ۲۱ باز بحراست اکبراباد مقرر بود در سنه احد شاهجهانی در اکبراباد

خانه‌نشین گردیده تا سنه ۵ منزوی بود سید مظفرخان بارهه در سنه احد شاهجهانی

بمنصب چهارهزاری و بخطاب خان و در سنه ۴ بخطاب خانجهان سرافراز شده بود

معین خان میرک معین در عہد جہانگیری بمنصب وبخشیگری کابل سربلند بود در ۱۸ سنه الخطاب خانی نام برآورده در سنه احد شاہجہانی باضافہ منصب عزت اندوختہ بود دیگر احوال او معلوم نشد معین خان خواجہ معین دارا شکوہ منصب داشت در سنه سی ام شاہجہانی بخطاب خانی و بمنصب برای سرسر افرازی در سنه احد عالمگیری بحالی منصب سابق و در سنه دو بوکالت بادشاہزادہ محمد معظم و در سنه سه بدیوانی کابل چہرہ امتیاز برافروختہ بود و آیندہ معزول شدہ در سنه ... مکرر بدیوانی کابل مقرر گردیدہ انجام حال او معلوم نشد مظفر خان خواجہ مظفر علی سر بیے دیوان برامخان در سنه اکبری بمنصب و در سنه الخطاب خانی برنام خود و از اصل و اضافہ بمنصب چہار ہزاری و بوزارت کل و بافزایش لفظ عمدہ الملکی برالقاب سرافراز شدہ در سنه ... بانتظام مہمات بیرون رفتہ دیگر بحضور آمدہ در سنه ۱۸ بنظم مالوا نام برآوردہ در سنه ... بحضور رسیدہ بمنصب از نظر ها لول افتادہ معین فرحت خان بنا بر تسخیر قلعہ رہتاس شد و در انجا در اکثر کارہا کہ با اعانہ روداد بعد حرب صعب فتح باب گشتہ بخلدی این حسن خدمت بانتظام محالات شرقی رویہ ارکنار جوسا تا گڈہی مقرر گردیدہ در سنه ۲۱ از انجا بکومک خانخانان ناظم بنگالہ مامور شدہ تردداتی کہ منتہی ریاست نمودہ

معین خان میرک معین در عہد عالمگیری بمنصب دوہزاری کابل سربلند بود در سنہ ۱ بخطاب خانی نام برآورده در سنہ ۵ جلوس بہادر شاہی باضافہ منصب عزت اندوختہ بود دیگر احوال او معلوم نشد معین خان خواجہ معین دارا شکوہ منصب داشت در سنہ سی ام شاہجہانی بخطاب خانی و منصب ہزاری سر بر افراختہ در سنہ ۱ عالمگیری بحالی منصب سابق و در سنہ ۲ بوکالت بادشاہزادہ محمد معظم و در سنہ ۸ بدیوانی کابل چہرہ امتیاز برافروختہ بود آیندہ معزول شدہ در سنہ ۱۰ مکرر بدیوانی کابل مقرر گردیدہ انجام حال او معلوم نشد مظفر خان خواجہ مظفر علی سر بیہ دیوان برامکان در سنہ ۱ اکبری بمنصب و در سنہ ۲ بخطاب خانی برنام خود و از اصل و اضافہ بمنصب چہار ہزاری و بوزارت کل و با فزایش لفظ عمدة الملکی بر القاب سرافراز شدہ در سنہ ۱۸ بانتظام مہمات بیرون رفتہ دیگر بحضور آمدہ در سنہ ۱۸ بنظم مالوا نام برآوردہ در سنہ ۱۹ بحضور رسیدہ بقصوری از نظر پادشاہ افتادہ معین فرحت خان بنا بر تسخیر قلعہ رہتاس شدہ در انجا در اکثر کارہا کہ با اعتماد رو داد بعد حرب صعب فتح یاب گشتہ بحلدوی این حسن خدمت بانتظام محالات شرقی رودیہ ارکلی خوستا تا گڑہی مقرر گردیدہ در سنہ ۲۱ از انجا بکومک خانخانان ناظم بنگالہ مامور شدہ تردداتی کہ شایان ریاست نمودہ

نموده در سنه ۲۲ حضور طلب گشته باتفاق راجه تودرمل و خواجه منصور شیرازی کارهای وزارت سرانجام کرده در سنه ۲۴ نظم بنگاله از استقبال خان جهان نام برآورده در سنه ۲۵ بخت سپه گری خود بر دست معصان بنگاله که سرگروه‌ها بر اینها قاقشالان بودند بقتل رسید مظفر خان میر عبدالرزاق معموری در اوایل عهد اکبری بمنصب هشتصدی و به بخشگری سرافراز شده در سنه احد جهانگیری ببخشگری حضور مقرر شده در سنه بخطاب مظفر خان نام در سنه بنظم تهتها از استقبال میرزا عیسی ترخان مباهات اندوخته بعد چندی موقوف شده در سنه بحضور رسیده باضافه پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۱ باز بنظم صوبه تهتهٔ کور از تغیر شمشیر خان اوزبک چهره امتیاز برافروخته در سنه ۱۳ از آنجا بحضور آمده باز بنظم آنجا رخصت گشته در سنه ۱۵ حسب الحکم بحضور آمده در سنه ۱۶ چندی بمیر بخشی مقرر گردیده در همان سال بحراست اکبراباد نام برآورده در سنه ۱۷ تغیر گشته بطور کومکیان الصوبه تا سنه ۱۹ در همین سال مکرر بمیر بخشگری از تغیر صادق خان بلندرتبه شده در سنه ۲۱ باز بحراست اکبراباد مقرر بود در سنه احد شاهجهانی در اکبراباد خانه نشین گردیده تا سنه ۵ منزوی بود سید مظفر خان بارهه در سنه احد شاهجهانی بمنصب چهارهزاری و بخطاب خانی و در سنه ۴ بخطاب خانخانان سراوار شده بود

معین خان میرک معین در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری کابل
سربلند بود در سنه ۱۸ بخطاب خانی نام برآورده در سنه احد شاهجهانی باضافه منصب
عزت اندوخته بود دیگر احوال او معلوم نشد معین خان خواجه معین دارا
شکوه منصبی داشت در سنه سی ام شاهجهانی بخطاب خانی و منصب هزاری سربر
افراخته در سنه احد عالمگیری بحالی منصب سابق و در سنه ۹ بوکالت بادشاهزاده
محمد معظم و در سنه ۱۰ بدیوانی کابل جهت امتیاز برافراخته بود آینده معزول شده
در سنه ۱۱ مکرر بدیوانی کابل مقرر گردیده انجام حال او معلوم نشد مظفر خان
خواجه مظفر علی مربی دیوان برامحان در سنه ۴ اکبری بمنصب و در سنه ۱۹ بخطاب
خانی برنام خود و از اصل و اضافه بمنصب چهار هزاری و بوزارت کل و افزایش
لفظ عمده الملکی بر القاب سرافراز شده در سنه ۲۰ بانتظام مهمات بیرون رفته
دیگر بحضور آمده در سنه ۱۹ بنظم مالوا نام برآورده در سنه ۱۵ بحضور رسیده منصبی
از نظرها اول افتاده معین فرحت خان بنابر تسخیر قلعه رهتاس تعین شده در انجا
در اکثر کارزارها که با افغانان روداد بعد حرب صعب فتح یاب گشته بجلدوی
این حسن خدمت بانتظام محالات شرقی ددیه ارکذر حوسا تالکهی مقرر گردیده
در سنه ۲۱ از انجا بکومک خانخانان ناظم بنگاله مامور شده تردداتی که منتهای راست
نموده

در سنه ۱۷ در ایلغارهای گجرات در کارزارهای میرزا ابراهیم حسین و میرزا محمد حسین

کارهای رستم و اسفندیار بباد داده در سنه ۱۸ تا در سنه ۲۰ فوت کرد سید محمود خان

موجی در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۱۹ در مهم قلعه [illegible] در

رکاب خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد محمود خان فوجدار [illegible] خاصه

در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۲ در جنگ [illegible]

در سنه ۲۶ در جنگ با میرزا محمد حکیم در حدود کابل ترددهای غریب نموده بود

دیگر احوال او معلوم نشد محمود خان خواص در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی

سربرافراخته در سنه ۲۳ خدمات می نمود در سنه ۲۵ بسر اولی برامرای متعینه بنگاله رفته

تا سنه ۲۸ در انجا بود محمود خان صاحب قلعه کالنه [illegible] از قلاع دکن در سنه شاهجهانی

معرفت خانزمان قلعه را با اولیای دولت سپرده بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته

در سنه ۲۳ بهنگام [illegible] زمیندار [illegible] ترددی نموده بود بعد فوت او ۲ لک

روپیه بیست هزار اشرفی از اموال او بضبط درآمده دیگر احوال او معلوم نشد

مقصود علی خان کور از نوکران بیرم خان در سنه اکبری بمنصب هزاری و خطاب

خانی بر نام خود سرافراز شده بود [illegible] قدیمی در سنه احد اکبری با

بنگاله سایر [illegible] فوت کرد

سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۱۲ هنگام فتح قلعه چیتور روز که در نقب
آتش دادند و سنگهای دیوار پریده سوخته شد میرک خان جنگ
جنگ کولاله در سنه احد اکبری از روی طبقات اکبری منصب و خطاب
خانی سرافراز شده بمرتبه امرای کبار رسیده بود در سنه ۲۱ فوت کرد میر کمال
کاربردار در سنه ۲ عالمگیری منصب داشت در سنه ۲۳ بخطاب خانی
برنام خود و در سنه ۲۴ بفوجداری دواره خالندر بهره ماه منصب و در
سنه ۲۶ بفوجداری گجرات مضاف صوبه لاهور مامور شده بود مهر خان
انیس نام خان از غلامان همایونی در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب
و در سنه ۱۴ بقلعداری رهتور سرافراز شده در سنه ۲۱ همراه راجه مانسنگه در جنگ ماران
و در سنه ۲۵ در تعاقب شهباز خان در تنبیه معصوم خان فرنخودی باغی در بنگاله
تردد نموده تا آخر عهد خدمت می نمود در سنه سوم جهانگیری رخت حیات
بربست محمود خان از سادات بارهه و امیران نامدار سکندر پور در سنه احد
اکبری نوکر بیرام خان بهار نوشته بود و از طرف او در جنگ با هیمون تردد
کرده در سنه ۳ در فتح قلعه جیتارن تلاش مردانه نموده در سنه ۵ منصب دو هزاری
بخطاب خانی سر برافراخته در اکثر معارک شمشیرهای نمایان زده خصوصاً در سنه ۱۱
در سنه ۱۴

در سنه ۱۸ در ایلغارهای گجرات در کارزارهای میرزا ابراهیم حسین و میرزا محمد حسین
کارهای رستم و اسفندیار بباد داده در سنه ۲۱ تا در سنه ۲۲ فوت کرد سید محمود خان
موجی در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۹ در مهم قلعه بلله در
رکاب خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد محمود خان فوجدار فلان خاصه
در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۲ در جنگ بارهه بهکر
در سنه ۲۶ در جنگ با میرزا محمد حکیم در حدود کابل ترددهای غریب نموده بود
دیگر احوال او معلوم نشد محمود خان خواص در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی
سر برافراخته در سنه ۲۳ خدمات می نمود در سنه ۲۵ با پسر اولی برامرای متعینه بنگاله رفته
تا سنه ۳۰ در انجا بود محمود خان صاحب قلعه کالنه که از قلاع دکن در سنه شاهجهانی
بمعرفت خانزمان قلعه را باولیای دولت سپرده بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته
در سنه ۳۳ بهنگام بلله رانا زمیندار اودسور ترددی نموده بود بعد فوت او سه لک
روپیه بیست هزار اشرفی از اموال او بضبط در آمده دیگر احوال او معلوم نشد
مقصود علی خان کور از نوکران بیرامخان در سنه ۵ اکبری بمنصب هزاری و خطاب
خانی بنام خود سرافراز شده بود معصوم خان فرنخودی از بندهای قدیمی در سنه احد اکبری به
منصب هزاری و سه صدی و در سنه ۲۶ در شهر گور دار الملک بنگاله بتاریخ سنه ۹۹۰ فوت کرد

سراوار شده خدمت می نمود در سنه ۱۶ هنگام فتح قلعه چسور روزیکه در نقب
آتش دادند سنگهای دیوار پریده سوخته شد میرک خان حنگ
حنگ کولالی در زمرۂ احداکبری از روی لصفات اکبری عنصب و بخطاب
خانی سرافراز شده سرپنه امرای کبار رسیده بود در سنه ۲۱ فوت کرد میرکمال
گرز بردار در سنه عالم گیری منصبی داشت در سنه ۲۳ بخطاب خانی
برنام خود و در سنه ۲۴ بفوجداری دواده جالندر برو ما صاوه منصب ود در
سنه ۲ بفوجداری گجرات مضاف صوبه لاهور نامور شده بود مهرخان
انیس نام خان از غلامان همایونی در زمرۂ احداکبری بمنصب دو هزاری و ماسحکات
و در سنه ۱۲ بقلعداری رسهور سرافراز شده در سنه ۲۱ همراه راجه مانسنگه در جنگ مارانا
و در سنه ۲۵ در تعاقب سنهبازخان در سبه معصوم خان فرنخودی باغی در بنگالا
تردد ها نموده تا آخر عهد خدمت می نمود در سنه سوم جهانگیری رحلت حیات
بر بست محمود خان از سادات باریه و امیران نامدار سکندر بود در سنه حد
اکبری نوکر برامخان بهار نوشته بود و از طرف او در جنگ با هیمون تردد
کرده در سنه ۲ در فتح قلعه حصار نلاکس مردانه نموده در سنه منصب دو هزاری
بخطاب خانی سر برافراخته در اکثر معارک شمشیرهای نمایان زده خصوص در سنه
۱۵ در سنه

سر برافراخته متعینهٔ کابل بود در سنه ۸ در سنه شاه ابو المعالی که در آنجا هنگامه آرا شده
بود تردد دی کرده بعد از آن بحضور رسیده در سنه ۱۹ بگجرات سنهر جوسور مقرر بود
در همان سال معاون منعم خان ناظم بنگالا گردیده در جنگ با داود کرانی در آن دست
ترددی نموده در سنه ۲۲ هشتم در شهر گورسابر سمت هوا فرو رفت محسن خان
ولد حاجی منصور او زبک در سنه سیم شاهجهانی همراه پدر خود از بلخ آمده به
منصب هفت صدی و آینده باضافه هفتصدی و بخطاب خانی سرافراز شده
در سنه ۳۲ بعدم رفت محسن خان ولد حکیم صالح خان منصبی داشت در سنه ۱
عالمگیری بعد فوت پدر بخطاب خانی و به بیوتات رکاب و در سنه ۲۵ با وجود خدمات
سابق بدار و غگی جواهرخانه از انتقال خواجه بختاور خان و در سنه ۳۱ بمنصب
هزاری سربلند شده تا سنه ۳۴ بعهدت تمام خدمت می نمود مفضل خان
غلام قلماق لیاول در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته
خدمت می نمود در سنه نهم در انتقال سه عبدالله خان او زبک باغی تردد ها
نموده در سنه ۱۷ در ابتدای اول گجرات در رکاب رسیده بود دیگر احوال او معلوم
نشد مبارک خان بهادر ارغون در سنه احد اکبری از روی اکبرنامه بمنصب
پانصدی و بخطاب خانی و بهادری و از روی طبقات اکبری بمنصب دو هزاری

آینده معین صوبه مالوا گردیده در سنه ۹ در ایام تسخیر ملک کرنه و در سنه ۱۹ در مهم افاغنه
سالکام مصاف صوبه بنگاله و در سنه ۱۲ در تعینات خانخانان ناظم بنگاله در جنگ
داود کرانی حاکم زاده بنگاله و بهار تلاش و تردد مردانه نموده ابتدا بهم مصدر خدمات
پسندیده گردیده در حدود اوده در سنه ۲۵ در گذشت مرادخان دیگر در سنه جلوس
عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد مرادخان
زمیندار تبت خرد بجلدوی رهنمائی در فتح تبت کلان در سنه ۶ عالمگیری بمنصب هزاری
و خطاب خانی بنام خود سرافراز شده در سنه ۴۵ مصدر ترددات گردیده در سنه پنجاهم
بخشیگری گجرات و بمنصب صدی و فوجداری گودهرا و سایر اماکن اندوخته تا سنه
دوم بهادرشاه در آنجا خدمت کرد مرزا علی خان ولد محمد بیگ در سنه ۱ جلوس اکبری
بمنصب هزاری و خطاب خانی سرافراخته خدمت می نمود در سنه ۹ در ایلغار مهم عبدالله
خان اوزبک با جو در سنه ۱۷ در جنگ گجرات ترددات مردانه نموده در سنه ۱۹ در مهم قلعه
پتنه در رکاب بود در سنه بیستم باتفاق مظفرخان در مهم افاغنه بهار کمر تلاشها
کرده در سنه ۲۲ از بهار به بنگاله معین گشته در سنه ۲۳ بحضور آمده در سنه ۲۸ در آنجا خدمت
می نمود در سنه ۳۲ در کارزار با شمس چک در کشمیر مردانه شهید شد محسن خان برادر
سید شهاب الدین احمد خان نیشاپوری در سنه ۱ جلوس اکبری بمنصب و خطاب خانی

سرافراخته

در سنه ۴۳ باوجود خدمت میر عرضی و کبر سن مسلطم دهلی نام برآورده در سنه ۴۹ رحلت
کرد محب علیخان رهتاسی در عهد اکبری از روی طبقات اکبری بمنصب
چهار هزاری سرافراز شده و صوبه بهار بود در سنه ۱۲ از تعیناتی اینجا منکالا گردیده چون
شهباز خان قلعه رهتاس درین سال فتح نموده بود بحراست آن نام برآورده در
سنه ۲۴ هنگام بودن اینجا باوجود اغوای ... و کاملان ماضی از جاده
ملک بسیاری ما عمامرا ازبعی باز داشته باوجود در سنه ۲۵ در بهه حرب باغی و در
سنه ۲۶ در بادست و هرست خط باغی و در سنه ۲۶ در کوهستان دیگر با عیان تردد
ات فلاسفهای مشهورانه نموده تا سنه ۳۴ در اینجا مصدر نیکو خدمتی تا بود در همان سال
بعالم جاکر در ملتان سر برافراخته بعد رسیدن آنجا فوت کرد میر جمال
ابن اول در سنه احد اکبری بمنصب صدری و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه
سوم محمد حسن حیلمی شده در سنه ۱۰ هنگام ورود رایات عالیات در گجرات
مظفر حاکم زاده گجرات را که بالاتفاق دیگر سرکشان سر بفتنه ارائی برداشته
بود از علمداری دستگیر نموده آورده تا سنه چهلم خدمت می نمود میر جمال
ابو البقا ولد میر ابو القاسم نمکین در سنه ۴۳ به هزاری بمنصب صدری و بخطاب
میر جمالی و در عهد شاهجهانی بخطاب امیرخانی سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل
خطاب

قلعه کالنجر مفتوح گردانیده در سنه ۱۹ در فتح قلعه سه و در کوره کمات مصدر خدمات

پسندیده شده در اکثر معارک شمشیرهای نمایان زده تا سنه ۲۳ خدمت می نمود

در سنه ۲۴ قبل از بغی فاقشالان فوت کرد مرزا قلیخان حلاس برادر حیدر محمد خان

آخته بیگی عهد همایونی از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری به

منصب و خطاب خانی سرافراز شده دران سال ترددی نموده بجایزه نیکو

خدمتی بمرتبه امرای کبار رسید در سنه ۱۹ بعد فتح سه همعنه منعم خان ناظم بنگاله

شده در سنه ۲۰ در شهر کور بنا بر سمت هوا فوت کردند مرزا قلیخان اوزبک

از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی

سرافراخته دران سال ترددی نمایان نموده آینده خدمت می نمود دیگر احوال

او معلوم نشد محب علیخان ولد میر خلیفه وکیل مطلق بادشاه

از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب

خانی سرافراخته خدمت می نمود آینده بعنایت جاگیر در صوبه مالوا خورسند

شده در سنه ۹ در تسخیر ملک گده ترددی نموده در سنه ۱۷ قلعه ماتیله در حدود

بهکر مفتوح گردانیده در سنه ۱۵ قلعه بهکر بعد فوت سلطان محمود حاکم

آنجا نزور شمشیر فتح کرده در سنه ۲۳ بمیر عرض اهل حاجت مقرر گشته

در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه خدمت می
نمود در سنه متعین صوبه بهار بود در عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی داشت
هنگام حرکت رایات عالمگیری از دکن بمقابله مهاراجه جسونت سنگه بمنصب هزاری
و در ماه شعبان بخطاب خانی سرافراز شد در سنه احد عالمگیری در کارزار با
شاه شجاع ترددی نموده بود معصوم خان دیوان علیمردان خان اتکه بعد
فوت او در سنه ۱۳ شاهجهانی بمنصب هفتصدی و به بیوتاتی رکاب از تغیر محمد صالح
کرمانی برادر خود سربلند شده در سنه احد عالمگیری در ماه جمادی الثانی به دیوانی
رودکش آرا بیگم همشیره حضرت سر برافراخته در سنه دوم بعد بخدمت به
بیوتاتی رکاب و در سنه سوم از تغیر محمد عسکری بدیوانی کشمیر و در سنه ۵ از تغیر حکیم نورالدین
مکرر بدیوانی رودکش آرا بیگم آمده به بیوتاتی رکاب مباهات اندوخته تا سنه ۲۵ مهمات
بیوتاتی را بخوبی تمام سرانجام می نمود مجنون خان قاقشال از ولایت در رکاب
همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته
معرفت خود راجه بارمل کچهواهه زمیندار پرگنه امبر را مشرف بملازمت
حضور گردانیده در سنه ۱۱ در تعیناتی خان زمان در جنگ با پسر عدلی در سنه ۱۲ در تنبیه خان
مذکور که رایت بغی برافراشته بود ترددات و تلاشهای مردانه نموده در سنه ۱۴

قلعه

خانی سرافراخته خدمت می نمود. مهدی قاسم خان از نوکران میرزا
عسکری در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب چهارهزاری و به
خطاب خانی بر نام خود سرافراز شده مصدر نیکو خدمتی گردیده در سنه ترددی
نموده در سنه الحکومت ملک گدیه مضاف صوبه مالوا مقرر گشته دران ایام
مادری طواف حرمین الشریفین بحکم روانه گردیده در سنه ۱۲ بعد مراجعت
بدستور سابق سرافراز شده بود مقیم خان عرب خویش بردملخان در
سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و خطاب خانی بر نام خود سربلند شده متعلق
کابل بود در سنه طلب حضور گردیده در سنه ۱ بجایزه تنبیه شجاعت خان نام بر آورده
بود همه احوال او در ذیل خطاب شجاعت خان نوشته شد مقیم خان دیگر در عهد
اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۲۱ در جنگ
مانبرابن داس زمیندار امدر بعد حرب صعب بکار آمد مقیم ولد مقیم خان
عرب در اخر عهد اکبری بمنصب دوصدی و خطاب مقیم خان سرافراز شده
تا سنه چهار خدمت می نمود اینده باضافه منصب ده بمونائی رکاب و در سنه ۴۹
بخطاب وزیر خان و بخدمت وزارت کل از تغیر اصف خان جعفر مامور گردیده
بود همه احوال او در ذیل خطاب وزیر خان نوشته خواهد شد مقیم خان دیگر

سربرافراخته برای آوردن مکلات بکابل رفته مراجعت کرده در سنه ۳ بحکومت
سرکار باکور و در سنه ۹ بتنظیم صوبه ملتان و در یازدهم بتنظیم صوبه مالوا پرداخته در
سنه ۱۵ در ایلغار دوم گجرات و شکست لشکر افواج بادشاهی برهم خورده بودند اب
خود برادر اسماعیل نموده حیلے مصدر تلاش مردانه شده در سنه ۱۷ متعین مهم
بنگاله گشته بعد رسیدن آنجا تردد کرده ناگاه در آنجا فوت کرد محمد قلیخان
جلایر از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب
خانی سرافراز شده در جنگ با هیمون تردد نموده بود محمد قلیخان توقبائی
داماد میر محمد خان اتکه در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی
سرافراخته در سنه پنجم ترددی نموده در سنه ۱۷ در ایلغار اول گجرات در کار
سعادت رسیده تلاش مردانه کرده در سنه ۱۱ در معیت منعم خان در مانده و
در سنه ۲ شکم در رفاقت داد و کرانی حاکم زاده بنگاله و در سنه ۲۳ در کارزار باعیسے
زمیندار اودیسه ترددات پسندیده نموده بود محمد قلیخان منهوانام خویش
سوا مشهور دکنی در سنه ۱ عالمگیری بشرف اسلام آمده بمنصب سه هزاری
و خطاب محمد قلیخان سرافراز شده معاش کابل کرده بود محمد قلیخان
دیگر در سنه ۲ عالمگیری تازه از ولایت آمده بمنصب هزاری و خطاب
خانی

بفوجداری مارہ مضاف صوبہ اکبراباد سرافراز شدہ بود منعم خان
از بندہ ہای ہمایونی در سنہ احد اکبری بمنصب بچہاری و بخطاب خانی برنام
خود سرافراختہ معلس مرزا حکیم دارای کابل برادر خرد حضرت بود در سنہ
بخطاب خانخانان مامور شدہ بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب خانخانان
منقلم آمد منعم خان ولد مرزا خان سوخند نام در اواخر عہد شاہجہانی منصب
بیست صدی داشت در سنہ احد عالمگیری بمنصب دو ہزاری و بخطاب خانی
برنام خود نام برآوردہ در سنہ بقلعداری احمد نگر از تغیر داراب خان و باضافہ
پانصدی مباہات اندوختہ بود منعم خان در اواخر عہد عالمگیری بمنصب دایات
مصر حوکی سرافراز بود در سنہ ۴۳ بخطاب خانی برنام خود در سنہ ۴۶ بداروغگی
فیلخانہ سرافراختہ در بعض کارزار تردداتی شایستہ نمودہ در سنہ ۴۸
بدیوانی بادشاہزادہ محمد معظم و بدیوانی کابل و در سنہ ۴۹ بمنصب ہزار و پانصدی
و با وجود خدمات سابق بہ نیابت نظم لاہور و بفوجداری جمون و در سنہ ۵۰
باضافہ پانصدی سربلند گردیدہ در عہد بہادرشاہ بادشاہ وزیر اعظم
شدہ در سنہ ۳ حیلے سلکنام رفت محمد قلیخان برلاس مردی از ولایت
در رکاب ہمایونی آمدہ در سنہ احد اکبری بمنصب بچہاری و بخطاب خانی

که مکرر راه بغی پیموده بود مصدر تردد گشته در سنه ۱۹ در تعیناتی منعم خان
در جنگ با داود پسر سلیمان کرانی مرزبان بنگاله و شکست خان عالم
هراول افواج و برهم خوردن عساکر برانغار و جوانغار و زخمی شده رو
برنتافته مثل منعم خان سرداری پای ثبات محکم نهاده تلاش و تردد شایان
کرده زخمها برداشته در سنه ۲۰ بیستم در شهر گور دارالملک بنگاله بامر مشیت موافقت
کرد محمد خان ولد سلطان آدم گکهر در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراخته
ترددها نموده در سنه ۱۹ در جنگ با داود کرانی در بنگاله بکار آمد محمد جواهر زاده
ترسون محمد خان در عهد اکبری بمنصب دو صدی و خطاب خانی سرافراخته تا
سنه ۴۰ چهلم خدمت می نمود محمد خان ماری در عهد اکبری بمنصب پانصدی و خطاب
خانی سرافراخته در سنه ۲۱ در صوبه بهار ترددی نموده آمده خدمت می نمود
و در سنه جهانگیری در تعیناتی سلطان خورم و در سنه ۱۵ در تعیناتی دکن مصدر
تردد شده بود محمد خان مهمند در اواخر عهد جهانگیری بمنصب و خطاب
خانی سرافراخته در سنه ۱۸ سر یک یعنی سلطان خورم گردیده گشته شد
واحداد خان لیکن زخمی گشته بود سید محمد خان در اوایل عهد عالمگیری
بمنصب و خطاب خانی سرافراخته در سنه ۹ در دکن ترددی نموده در سنه ۲۵

بفوجداری

هشتم بکومک میرزا محمد حکیم دارای کابل برادر خرد حضرت رفته در همان
سال مراجعت نموده در سنه ۹ در سنه سلطان آدم گکهر و در سنه ۱۱ در جنگ
با میرزا محمد حکیم مذکور که بعزم تصرف لاهور آمده بود ترددات نمایان کرده
در سنه ۱۳ الطلب حضور گردیده در سنه ۱۷ هنگام قمع رای سنگه دلوره میدار
سروهی بعد در راجپوتانی که بنعام الفتحا آورده بود مرزخم شانه خورده در همان سال
بفوجداری پتن گجرات نام برآورده در سنه ۲۰ در انجا فوت کرد محمد خان جلایر
از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب خانی
سر برافراخته در سنه ۲ ترددات مردانه نموده بجلدوی آن بمرتبه امارت
رسیده چند سال بمرض خلل دماغ مبتلا بوده مرد محمد خان ترکمان از
ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب دوصدی و خطاب
خانی سر برافراخته تا سنه ۲۶ خدمت می نمود حاجی محمد خان سیستانی از ولایت
همراه بیرام خان بهارلو آمده در سنه احد اکبری بمنصب دوهزاری و خطاب خانی
سرافراز شده در سنه سوم در فتح قلعه گوالیار دولتخواهی نموده در سنه بسفارت
نزد سلیمان کرانی مرزبان بنگاله رفته در اثنای راه در قید خان زمان
باغی گرفتار گردیده بعد عفو تقصیر آن رهائی یافته در سنه ۱۲ در فتنه باغی مذکور

محمد عابد زخمی شد و طرفه جنگ بردی کار آمده بود غیر از موصی الیه بکو تک ملیح
خان که نسبی نیز رشید بود اران روزیکه صدر آبادیان برده مدمه بادشاهی ریختند
و سید عرب خان میر آتش و سرراه خان را دستگیر کرده بردند در انوقت که
زمین از زیر پای مردم بدر میرفت خانمذکور تا سه روز مانند سنگ داران در
پای جول خواری السادة ماند و بدمدمه قایم شد بجایزه حسن جانباری بمنصب
دو هزاری و در سنه ۳۱ باضافه بالصدی و در سنه ۳۴ بنظم سجالور و منصب ۳ هزاری
مورد گردیده در سنه ۳۶ بآنخان میل کرد خان مشار الیه باوصاف فضل و کمال
و شجاعت اتصاف داشت لودیخان مظهر لودی منصبی داشت
در سنه احد عالمگیر بخطاب لودیخان و بنوازش نقاره سرافراز شد در
سنه ۵ و در سنه نهم و در سنه ۱۶ ترددات نموده در سنه بست و پنج بتهانه داری
گلشن آباد مقرر شده در سنه ۳۰ بقلعداری بی شاه ناموری بود معلوم نشد که
همان لودی خان است یا دیگری

حرف میم

میر محمد خان مشهور بخان کلان برادر بزرگ شمس الدین خان اتکه از سادات
غزنین بنابر سبق خدمت در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و بخطاب
خانی بنام خود سرافراز شده در سنه ۱۵ از کومکیان صوبه لاهور مقرر گردیده در سنه
هشتم

... عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و ماهیچه

و فوجداری بهوپره مضاف صوبه گجرات سرافراز بود در سنه بهادر شاه

بخطاب ... نام برآورده در سنه ۳ فوت کرد لطف الله خان ولد سعد الله خان

بهادر در اوایل عهد شاهجهانی منصبی داشت در سنه ۱۵ بجایزه تردد در مهم

... که زخم شمشیر بر کتف داشت و زخم نیزه بر بازوی چپ برداشته

بود بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۱۹ باضافه پانصدی و در آغاز سنه

بیستم بقلعداری کابل مقرر گردیده بخطاب خانی نام برآورده درین سال

تعین مهم بلخ و بدخشان شده در معرکه اوزبکان در بلده بلخ بعد حرب صعب

مردانه شهید شد لطف الله خان ولد سعد الله خان علامی در سنه ۲۵ شاهجهانی در

اول ملازمت بعنایات سرح مروارید داینده بمنصب هفتصدی و در سنه احد

عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه ۹ بخطاب خانی و در سنه یازدهم بمنصب دوپانصدی

و در سنه ۱۲ بخدمت داروغگی ... از تغیر عاقلخان خانی در سنه ۲۱ بداروغگی عرض

مکرر و در سنه ۲۳ به نیابت نظم صوبه از طرف بادشاهزاده محمد اعظم شاه در سنه ۲۴

بداروغگی دیوان خاص از تغیر عبد الرحیم خان و در سنه ۲۶ بداروغگی قرقه جلو و

خاص چوکی سرافراز شده در سنه سی ام در معرکه مهم حیدرآباد در یکه فتح خان

صحے بود روزیکہ بادشاہزادہ کام بخش دیوان کرد میرا سد خان وذوالفقار خان
دسراوارخان دکمینہ اجازت نشستن یافتند دخان مشارالیہ نظر ہم چشمی
ذوالفقارخان تنوع اجازت نشستن بود ندادت از دیوان برخاستہ آمد و بار
بدربار بادشاہزادہ رفت انجام حال او معلوم نشد لعل خان بدخشی
کولابے در عہد اکبری بمنصب پانصدی وخطاب خانی سربرافراختہ بود دیگر
احوال معلوم نشد لعل خان دیگر دراوایل عہد شاہجہانی بمنصب ہزاری
وخطاب خانی سربرافراختہ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد لطیف خان
در عہد اکبری بمنصب وخطاب خانی سربرافراختہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
لطف خان نقشبندی دراوایل عہد شاہجہانی بمنصب ہزاری وخطاب
خانی بنام خود سربلند شدہ در شہ متعین اسلام خان گردیدہ بود در شہ بعدم
رفت لطف خان دراواخر عہد عالمگیری بمنصب ہزاری وخطاب خانی
سربرافراختہ خدمت می نمود و بعد رحلت حضرت در سرکار احمد بہادر شاہ باضافہ پالکی
نام برآوردہ بود دیگر احوال او معلوم نشد لہراسپ خان ولد مہابت خان در عہد
شاہجہانی بمنصب وخطاب خانی بنام خود ودر شہ ۳۰ بخطاب مہابت خان پدر خود سربلند
شدہ ہم احوال او در ذیل خطاب مہابت خان بقلم خواہد آمد لہراسپ خان

نام برآورده در سنه ۲ همراه شاهزاده دارا شکوه متعین مهم قندهار شده باضافه
پانصدی بمنصب سه هزاری و میر بخشیگری افواج متعینه مهم قندهار مباهات
اندوخته در سنه ۲۶ روانه قندهار گردیده بعد مراجعت بدستور سابق به تن بخشیگری
نامور گشته در سنه ۲۹ بعلت ازان تغیر گردیده و بکمی منصب پانصدی
حقیقت در سنه ۳۱ بنظم صوبه کشمیر مقرر شده بود در سنه احد عالمگیری
بحالی نظم آنجا و بمنصب سه هزاری و بعد چندی بنظم صوبه ملتان در سنه ۳
بنظم بهار از تغیر جهاد خان و در سنه ۸ بنظم بهار از تغیر داود خان و در سنه ۱۱
بار دوم بنظم ملتان از تغیر طاهر خان و در سنه ۱۳ بمنصب چهار هزاری و بخدمت
میر بخشیگری از انتقال دانشمند خان لوای مفاخرت برافراخته در سنه ۱۴
رحلت کرد   سید لشکر خان سید صلابت ولد سید خانجهان بارهه در
سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه احد عالمگیری بخطاب
خانی بنام خود سرافراز شده در سنه ۲ همراه میرزا راجه جیسنگه بجوانب تردد نموده
و در سنه ۱۲ بفوجداری گوالیار و در سنه ۲۰ بنظم صوبه برهانپور سرافراز شده آینده
بمنصب سه هزاری و بخطاب لشکر خان مباهات اندوخته در سنه ۲۳ بحراست
جالور مقرر گردیده در سنه ۳۳ بمعیت بادشاهزاده کام بخش در ایام محاصره

درہمان سال بدکن تعاس کردیدہ وبعد آمدن حصور درسنہ ۱۹ درکارزار
باسلطان خورم بایغی تردد ی کردہ معاس دکن شدہ ہمراہ مہابخان
وخانجہان لودی دراںجا باسنہ ۲۱ حدمت می نمود درسنہ احد شاہجہانی بمنصب
ہجہاری وبہ نظم کابل ازتغیر ظفرخان احسن اللہ والامر نبہ کشتہ بعد رسیدن
کابل بمقابلہ ندرمحمدخان والی بلخ بعزم درست ستافتہ اوراںصت عساکر
اقبال ازمیدان منحرف کردانیدہ بحایزہ این تردد باضافہ دوہزارہا
سواردواسپہ مبانات اندوختہ درسنہ دوم قلعہ بامیان مابین کابل وبلخ
فتح نمودہ درسنہ پنجم بنظم دہلی ازتغیر مہابخان سرافراز شدہ درسنہ ۶
بنابرکبرسن معزول کردیدہ باسنہ مشغول بدعای دولت بودہ درعہد
ایشان بآن خان رفت لشکرخان بادکار بیک ولد زبردست
خان منصبی داشت درسنہ ۱۹ شاہجہانی بمنصب ہزاری وبدار وعکی کرزبردار
وبخطاب جانسارخان وبعد چندی بمنصب ہزارو پانصدی سرافراز شد
بسفارت پیش شاہ عباس ثانی والی ایران رفتہ درسنہ ۳۱ بعد مراجعت
بمنصب دوہزاری وحدمت آختہ بیکی ودرسنہ ۲۲ باضافہ پانصدی وخدمت
تن تحکیری ازتغیر سعادتخان مباہات اندوختہ درسنہ ۲۵ بخطاب لشکرخان

و بخطاب لشکر خان و در سنه ۹ بمیر بخشگری سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۱۷ چون شراب خورده بدربار آمده بود بدم اسپ بسته دار دوی معلی خراب و رسوا گردانیده در سنه ۱۸ متعین مهم بنگاله گشته در سنه ۱۹ بغدر افاغنه آنجا که طرح آشتی انداخته در خیمه خود طلبیده از طرف سید محمد زخمی شده از آن مهلکه برآمده فردای آن درگذشت لشکر خان خواجه ابوالحسن مشهدی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب معتمد خان بلند مرتبه شده در سنه سوم بدیوانی بنگاله مقرر گردیده در سنه ۷ بجایزه تردد که در کارزار با عثمان افغان حاکم زاده بنگاله نموده بود بمنصب هزاری نام برآورده بحضور آمده بخشگری رکاب مقرر گشته در سنه ۸ به بخشگری لشکر ملک مقرر گردیده در سنه ۹ بجلدوی فتح در جنگ با احداد افغان باغی سرافاغنه بپاداش بخطاب لشکر خان مامور گشته در سنه ۱۱ از این کار تغیر شده در سنه ۱۲ بعد ملازمت بدیوانی دکن از تغیر رای جهار سنداس بمنصب دو هزاری و پانصدی سربرافراخته در سنه ۱۳ الطلب حضور گشته در سنه ۱۴ بنظم اکبراباد از تغیر خواجه جهان بمنصب سه هزاری جهره افتخار برافروخته در سنه ۱۵ بنکام بودن آنجا بمنصب چهار هزاری نام برآورده

رفت و امثال خود کامیاب خانکه در سنه سی ام در مهم سحالور
تردد کرده بود ازین بر دو معلوم نشد کمال الدین خان ولد دلیر خان زوهیله
در اوایل عهد عالمگیری منصب داشت در سنه ۱۹ بخطاب خانی برنام خود
سر برافراخته در سنه ۲۹ در مهم سحالور بعد کاید زار شدید زخمها برداشته
در سنه سی ام بعد اندمال زخمها روز ملازمت نعایت عصا مارریک بشم
محسود امثال و اقران خود گردیده در سنه ۲۶ هنگام فوجداری بهدون ساره
بمنصب دو هزاری دو هزار سوار بلندی گرا گشته اکثر ترددات نمایان
نموده در عهد ایشان از ینجهان رفت کرم الدین خان در اوایل عهد عالمگیری
بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در حسن عملداری مامور گردیده آینده
بفوجداری موکل ماس مقرر شده در سنه ۲۶ دار کار رحلت کرد کرم الدین خان
ولد شکر الله خان خویش عاقلخان خانی در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب
خانی سرافراز شده خدمت می نمود بعد رحلت حضرت اریس بهادر شاه
بخطاب عاقلخان نام برآورد و شاعر معروف صاحب دیوان اشعار و شاگرد
مرزا عبدالقادر بیدل بود در عهد فوت کرد حرف ل
لشکرخان محمد حسین نام در عهد اکبری بمنصب دو هزاری و
بخطاب

جعفر خان مشهور منصبی داشت در سنه احد عالمگیری همراه پدر بمالوا تعلق
شده در سنه عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و منصب هزاری سرافراز شد
در سنه عمیر بخشیگری احدیان از تغیر روح الله خان و باضافه پانصدی نام برآورده
اینده بخدمت وقایع خوانی مقرر گشته در سنه ۲۱ به بیوتاتی رکاب از تغیر رحمت
خان و در سنه ۲ بخشیگری سوم از انتقال عبدالرحیم خان و در سنه ۳ بداروغگی
دیوان خاص از تغیر بهره مند خان و هم دران سال بخانسامانی از انتقال محمد علی خان
و در سنه ۴۳ بمنصب سه هزاری اینده بنظم صوبه اوده و در سنه ۴۸ بقلعداری اکبرآباد
لوای مباهات برافراشته در سنه ۴۹ معزول گردیده در سنه احد بهادر شاه بخطاب
جعفر خانی نام برآورده در سنه احد ایشان ازینجهان بانجهان رفت کامگار خان
سیف الدین صفوی ولد صف شکن خان مرزا حسن در اواخر عهد شاهجهانی
منصب هشتصدی داشت در سنه ۲ بفوجداری سهارنپور و در سنه ۲۶ بخشیگری
دکن و بمنصب هزار و پانصدی سرافراخته بود انجام حال او معلوم نشد
کامیاب خان برادر نصرت خان بهادر بن داراب خان در اواخر عهد عالمگیری
بمنصب و باین خطاب سرافراز شد و در سنه ۴۹ بقلعداری کلبرگه مباهی گشته در سنه
احد بهادر شاه از دکن آمده ملازمت نموده بود در عهد بادشاه ازین جهان بانجهان

احمدنگر آباد مقرر گردیده بود در سنه احد بهادر شاه بخطاب کارگذار خان
نام بر آورده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد کنج علیخان
عبدالله بیگ اولس پور علیمردان خان در سنه ۲۴ شاهجهانی بمنصب هزاری
و در سنه ۲۹ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۳۱ بعد فوت پدر بمنصب
دو هزاری و پانصدی سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب سه
هزاری و بخطاب کنجعلیخان حدود مسافات اندوخته در کارزار دوم با
داراشکوه در رکاب تردد نموده در سنه ۳ تعین صوبه کابل گردیده در سنه ۹
بعد ملازمت متعین دکن شد در سنه ... و در سنه ... تعین کابل گردیده بجایزه
ترددات انجا باضافه ناکام دل برگرفته بود انجام حال او معلوم نشد
کنج علیخان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب کنج
علیخان سرافراخته در سنه ۲۵ بخشیگری اول احدیان تجویز شده بود در
سنه احد بهادر شاه بخطاب آقا علیخان نام برآورده دیگر احوال او معلوم
نشد کامگار خان کامگار خان ولد کامیاب منصبی داشت در سنه
احد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی برنام خود و در سنه دوم باضافه
پانصدی سرافراز شده در سنه ۵ درگذشت کامگار خان کامگار ولد
صفر

معلوم نشد کہ کاکر خان حمید نام برادر زادہ جلال کاکر در اواخر عہد شاہجہانی
منصب پانصدی داشت در سال احد عالمگیری بجلدوی تردد در جنگ ثانی
بمنصب ہزاری و خطاب کاکر خان سربلند شدہ در کارزار با شاہ شجاع
در رکاب تردد نمودہ در سنہ ۲ بمنصب ہزار و پانصدی رسیدہ بہانہ داغ
حسب عرض حکم داری مستدا انجام حال معلوم نشد کارطلب خان
دکھنی در سنہ ۲۵ شاہجہانی بمنصب و خطاب کارطلب خان سرافراز بود در
اواسط این عہد بمنصب سہ ہزاری رسیدہ در دکن خدمت می نمود و در
سنہ ۲۴ در سنہ ۲۶ ملک ازسال داشتہ در سنہ ۲۹ در دکن بالشان مرزا خان
ناظم برار در تحصیل پیشکش زمیندار چاندا تردد نمودہ در سنہ احد عالمگیر
بمنصب چہار ہزاری سربرافراختہ در سنہ سوم در دکن تردد نمودہ در سنہ ۱۰
بفوجداری گوالیار مضاف صوبہ اکبرآباد نامزد گردید انجام حال او
معلوم نشد کارطلب خان میرابراہیم داماد رحمت بانو مکرم بیگم داشت در سنہ ۱۶
عالمگیری بخطاب کارطلب خان سربلند شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
کارطلب خان محمد بیگ در اواسط عہد عالمگیری بمنصب و خطاب کار
طلب خان و بمنصب کروڑی بندر سورت سربرافراختہ در سنہ ۳۲ بفوجداری

بدیوانی تن ماسور مانده اینده نے منصب در ۲ رحلت کرد کفایت خان

حاکم سک در اواسط عہد عالم گیر منصب وخطاب کفایت خان سرافراختہ

در ۲۱ بدیوانی دکن و در سہ سوم بنابر بندوبست ملک جدید حیدرآباد و منصب

مہصدی مقرر گردیدہ بود انجام حال او معلوم نشد کفایت خان میر احمد

در اخر عہد عالم گیری منصب وخطاب کفایت خان سرافراز شدہ بدیوانی مکالہ

مقرر گشتہ در ۴۸ معزول گردیدہ در ہمان سال بدیوانی خالصہ از اسعال

رسیدہ خان کامیاب شدہ در ۱۴ فوت کرد گکھر خان در ۵ جہانگیری

منصب وخطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد کوتوال خان در اخر عہد

جہانگیری منصب ونام خطاب سرافراختہ ماسۂ تردد می نمود دیگر احوال

او معلوم نشد کوتوال خان ابدال بیگ ولد قلندر سلطان وحاکم خان

در ۲ شاہجہانی آمدہ بمنصب پانصدی سربلند شدہ در ۸ بکوتوالی از تغیر

لوسخان مقرر گردیدہ در ۱۳ بخطاب کوتوال خان نام برآوردہ بود

انجام حال او معلوم نشد کاکر خان جہانخان نام در اوایل عہد شاہجہانی

منصب ہزار و پانصدی در ۱۳ بخطاب کاکر خان و در ۱۹ بمنصب دوہزاری

ہزار سوار سرافراختہ در ۲۳ و در ۲۶ معینہ مہم قندہار گردیدہ بود انجام حال او

معلوم

و در سنه ۲۹ بدیوانی فوج سلطان مراد بخش امتیاز یافته بود اسده بدیوانی بنگالا مقرر گشته در سنه ۳۲ در انجا فوت کرد کفایتخان بدیع الزمان ولد آقا ملا برادر آصف خان جعفر بیگ در اواسط شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲۶ بدیوانی صوبه بنگالا از تغیر مظفر بردی و در سنه ۲۸ باضافه منصب و خطاب کفایت خان سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری ترک منصب نموده در سنه سوم شش هزار روپیه سالانه بنام او مقرر گردیده در سنه ۱۳ رحلت کرد کفایت خان خواجه کلان منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب کفایتخان و بدیوانی مالوا سرافراز شده آینده بدیوانی اکبراباد مقرر گردیده در سنه هشتم در انجا فوت کرد کفایتخان جعفر بیگ در سنه احد عالمگیری منصبی داشت در سنه ۶ بمنصب هزاری و خطاب کفایت خان بخدمت دیوانی تن از تغیر عسکر خروپی سرافراز شده در سنه ۱۱ معزول گردیده در سنه ۱۲ بار دوم بدیوانی تن مقرر گشته بعد استعفای اسدخان از نیابت وزارت بنابر اجرای کار دیوانی اعلی باس عبادت محال اعتماد شده یعنی در سنه ۱۶ مقرر گردیده بود که پاس تراز مهر دیوانی اعلی مهر خود بر پروانجات دفتر تن میکرده باشد و در سنه ۱۸ ضمیمه دیوانی تن بدیوانی خالصه سرافراز گشته در سنه ۲۰ از دیوانی خالصه معزول گشته

ایشان بمنصب وحکومت جوناگده داشت در سنه جهانگیری بفوجداری
سورتهه داشت در سنه بمنصب دو هزاری و پانصدی و بخطاب کامگار خان
فاضل خان در عهد عالمگیری بمنصب و بفوجداری اتک سرافراز بود در
سنه بخطاب خانی بر نام خود در سنه بجلدوی سیه افاغنه کابل که
چهار هزار افغانان بقتل آورده بودند بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۶ بفوجداری سهارنپور و آیزه بفوجداری مدکل و در سنه بفوجداری ستارا
نام برآورده بود انجام حال او معلوم نشد کوکب خان ولد سید قمر خان
فردیسی در سنه جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز بوده تا سنه ۲ خدمت
می نمود انجام حال او معلوم نشد کفایت خان میرزا حسن منصبی داشت
در سنه ۱ جهانگیری بخطاب کفایت خان و بمنصب هزاری و بدیوانی گجرات
سرافراخته در سنه باضافه دو صدی و به بخشیگری آن صوبه سربلند شد
در همان سال درگذشت کفایت خان محمد مقیم نام منصبی داشت در
سنه ۱۸ جهانگیری بخطاب خانی مباهات اندوخته در سنه ۱ جلوس شاهجهانی بخشیگری
افواج متعینه مهابت خان مقرر شد و بمنصب پانصدی نام برآورده در
سنه ۱۲ صدی بدیوانی قندهار و در سنه ۱ هنگام دیوانی کشمیر بعنایت خلعت
در سنه ۲۹

در سنه احد اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب خانی سر برافراخته خدمت می نمود
اینده متعهد بنگاله شده در سنه ۱۴ در کارزار در آنجا بکار آمد کوچک علیخان
کولابی ولد میر سلیمان در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بالخطاب سر بر
افراخته در سنه ترددهای نمایان نموده بود انجام حال او معلوم نشد کبیر خان
در عهد اکبری بمنصب دو بالخطاب سر برافراخته در سنه ۱۲ در مورد حال جسور
تردد نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد کوبیر خان ولد قطب الدین خان
کوکه در عهد اکبری بمنصب هفتصدی و بالخطاب سرافراز شده در سنه ۲۵
متعین شاهزاده مراد شده در سنه ۱۲ در تعاقب قاسم خان میرکر در ...
کشمیر مصدر تردد گردیده در سنه ۲۶ در جنگ با مظفر گجراتی همراه خان اعظم
ترددی نموده باشه ۳ در صوبه گجرات خدمات نمایان می کرد انجام حال او معلوم
نشد کشور خان شیخ ابراهیم ولد قطب الدین خان شیخ خدابو نام
کوکه جهانگیر بادشاه در سنه احد ایشان بمنصب هزاری و خطاب کشورخان
و در سنه ۳ بتعداری رساس در سنه باضافه هزاری و بفوجداری ملک اوجینه
مصاف صوبه بهار سرافراز شده در سنه در بنگاله تردد مردانه نموده بکار آمد
کاملخان محمد خورم نام ولد اعظم خان میرزا عزیز کوکه اکبر بادشاه در اول عهد

منصب بخاری وخطاب خانی سرافراخته در سنه ۳ در سه افاغنه سرشیخ
ودر سنه تادیب افاغنه اورده ترددات شایسته نموده در سنه ہشتم بعنایت
رمیداری از تغیر سلطان ادہم عم خود برآورده در سخاوت وشجاعت عدیم
المثل گذشته در سنه نیکنام رفت کمال خان فوجدار قلان خاصه درعهد
اکبری بمنصب وخطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۱ همراه راجه مانسنگه کچواهی
درکارزار بارانا ورمدار او دسور مل کچهواهه بود ودر مروعدا نموده ترددها کنانیده
در سنه ۲۲ در جنگ با راجه مدهکر باغی در سنه ۲۵ در بنگاله رفتی که سرکار باغیان معصوم
خان کابلی شبخون آورده بود ترددهای نمایان کرده بود انجام حال او معلوم
نشد کمال خان از طائفه گلالان دهلی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب وخطاب
خانی وخدمت بکاولی سرافراخته از بندهای معتمد خاص بود در سنه ۲ رحلت
کرد کمال خان قراول در سنه ۵ جهانگیری بمنصب وخطاب خانی سربلند ودا
خل بندهای متعهد شیر وشکار بود در سنه ۱۲ بخطاب شکارخان مامور گردیده همه
احوال او در ذیل خطاب شکارخان بقلم آمد کمال خان در اخر عهد
منصب وخطاب خانی سربلند شده صوبه گجرات بود مرد سپاہی ونامور
می بود دیگر احوال او معلوم نشد کاکر علیخان ... از بندهای همایونی در
سرآمد

قمرالدین خان ولد محمار خان میر شمس الدین نام در اوایل عهد عالمگیری

بمنصب و در سنه ۲۱ بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده در سنه ۳۲ بخطاب پدر

نامور گردیده بود همه احوال او در ذیل خطاب محمار خان نوشته خواهد شد

قمرالدین خان بهادر ولد عاز الدین خان بهادر در سنه ۲۷ عالمگیری بمنصب

چهارصدی و در سنه ۲۱ بخطاب خانی بنام خود و در سنه ۴۳ بخطاب بهادر و در

سنه ۴۸ بخطاب خان قلیچ خان سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب

خان قلیچ خان بقلم آمد قمرالدین خان ولد محمد امین خان بهادر در سنه

پنجاه عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بعطای سر پیچ ممیز سربفلک

برده بود در محمد شاهی بوزارت کل و منصب هشت هزاری اختصاص

در صف جنگ با احمد شاه درانی حاکم قندهار در سواد قصبه سرهند

بزخم گوله شهید شد قدرت الله خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب

و بخطاب خانی و بفوجداری مالکوهه سرفراز بود در سنه پنجاه معزول شده

خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد حرف کاف

کمال خان ولد سلطان خان سارنگ گکهر برادر سلطان آدم در

سنه احد اکبری از وطن آمده بجایزه حقوق رهنمائی تسخیر هندوستان

برادر قابلخان ابوالفتح در سنه ۱ عالمگیری بمنصب و خطاب قابلخان
و بداروغگی ڈاک سرافراز شده بود در سنه ۲۳ بوقوع تقصیری از لشکر بدر
و خانه اش ضبط گردیده در مدت داروغگی دو نیم سال دوازده لک
روپیه نقد فراهم کرده بود قابلخان شیخ عبدالولی در اواسط عهد عالمگیری
بمنصب هزاری و پانصدی و با خطاب و داروغگی کتاب خانه سرافراز بود
و در سنه ۳۶ الفقدر محرمیت داشت در املای رسالات قدسیه آیات او را
هم مجالس میفرمودند در سنه احد بهادر شاه به خطاب فضائل خان
نام برآورد قلندر خان قلندر بیگ در اواخر عهد شاهجهانی منصب
هفتصدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی
و قلعداری گلبرگه و در سنه ۱۵ بفوجداری ندربار بخطاب مختار خان سربلند
شده بود انجام حال او معلوم نشد قوام الدین خان میر قوام الدین
صدر برادر خلیفه سلطان وزیر ایران در سنه ۱ عالمگیری از ایران
آمده در سنه ۱ بمنصب و خطاب خانی سربرافراخته در سنه ۱۹ بنظم کشمیر
و در سنه ۲۱ بمنصب سه هزار و پانصدی و بنظم لاهور سرافراز شد در سنه ۲۳
بنابر حقارت که با قاضی آنجا کرده بود تغیر گردیده در سنه ۲۴ ازین جهان رفت
قمرالدین

هنگام تسخیر بلخ و بدخشان بمنصب دو هزاری هزار سوار و بخطاب
قیاق خان سرافراز شده بود و سال جرنال خدمت اختیار کرده
بود لیس ایران احوال او معلوم نشد قباد خان قبادا وربک در سنه ۱۹
شاهجهانی بمنصب و در سنه ۱۲ بخطاب خانی و در عهد عالمگیری بخطاب
عصفر خان سرافراز شده همه احوال او در ذیل خطاب عصفر خان
نوشته شد قادر خان از اولاد سید برکه که حضرت امیر تیمور در حق
ایشان اعتقاد داشتند در سنه ۲۴ شاهجهانی از ما وراء النهر آمده به
منصب پانصدی و بخطاب خانی و در سنه ۲۷ بدار وغگی عدالت
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد قابل خان ابو الفتح
میرمنشی الاشان عالمگیر بادشاه در سنه احد ایشان بمنصب
و باین خطاب سربرافراخته در سنه ۳ ترک منصب نموده در سنه ۵ فوت کرد
قابل خان برهان الدین برادر زاده فاضلخان علاء الملک در سنه ۶ عالمگیری
از ولایت آمده بمنصب سه صدی و اینده بخطاب قابلخان و در سنه ۱۵
بخطاب اعتماد خان و در سنه ۳۲ بخطاب فاضلخان سرافراز شده بود
همه احوال او در ذیل خطاب فاضلخان نوشته شد قابل خان محمد شریف

و در سنہ ۶ بہ تھانہ داری غزنین از تغیر مومی الیہ مقرر گردیدہ در سنہ در انجا
فوت کرد قلعدار خان محمد بیگ منصبی داشت در سنہ ۲ شاہجہانی
بجراست قندہار دکن و در سنہ ۲ بمنصب ہزاری و بخطاب قلعدار خانی
سرافراز شدہ در سنہ سے ام در انجا بود دیگر احوال او معلوم نشد قطب خان
غازی خان در عہد شاہجہانی بمنصب و باسخطاب سربلند و تا
سنہ ۸ معمر تر دد بود دیگر احوال او معلوم نشد قراچان نام اوزبک
منصبی داشت در سنہ شاہجہانی بمنصب ہزاری و باسخطاب سربرافراختہ
معاش خاندوران بہادر گشتہ در سنہ باضافہ پانصدی و در سنہ باضافہ صدی
و بخدمت سرکار سوسال از تغیر بکتار خان سرافراز شدہ در سنہ تغیر کردید
در سنہ بفوجداری بردہ و ابیدہ بہ تھانہ داری ماہری از مضافات دکن مقرر
گشتہ در سنہ در انجا فوت کرد قرآن خان دیگر در عہد عالمگیری بمنصب
و بخطاب قراچان سرافراز بود در سنہ اثنانی بہ تھانہ داری لعاماب
مضاف صوبہ کابل مقرر شدہ در سنہ بہ تقصیر ہمراہی شدن سلطان
محمد اکبر باغی نامی عتاب آمدہ و معمر گردیدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
قنجاق خان امان بیگ رئیس قوم قنجاق در سنہ شاہجہانی
بکام

ماهری و در سنه ۱۳ بمنصب سه هزاری ۳ هزار سوار و بقلعه‌داری احمدنگر سرافراز
شده و در سنه ۲۲ در انجا فوت کرد قزلباش خان دیگر در سنه احد عالمگیری به
منصب و ما صحاب سربلند بود و در رکاب خدمت می نمود و در سنه ۲
در بنگاله تردد نما نموده در سنه سوم بقلعه‌داری قندهار دکن مقرر شده بود دیگر احوال
او معلوم نشد قزلباش خان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و ما صحاب
و بقلعه‌داری قندهار دکن سرافراز بود در سنه احد بهادرشاه بمنصب برخاسته
آمدن از انجا از منصب برطرف شد قلعه‌دار خان حسینی خلیل در سنه ۲
شاهجهانی بمنصب و ما ص خطاب سربلند بود در همان سال از تغیر مهابت خان
بقلعه‌داری رهتور مقرر شده در سنه ۴ معزول گردیده در سنه همراه خانخانان
در دکن تردد می نمود در سنه تعین مهم صاحب جهجهار سنگه بندیله گشته در
سنه ۹ همراه خانخانان ماریه در دکن تردد نموده و آینده بقلعه‌داری اسیر نام
برآورده و بمنصب هزاری رسیده قلعه‌دار خان بیرن سنگ که سابق
قلعه‌دار گلستان بود در سنه احد عالمگیری از اصل و اضافه منصب هزاری
و خطاب قلعه‌دار خان و بحراست حصار شهر دولت اباد از تغیر عاقل خان
سرافراز شده در سنه ۳ بحضور آمده بقلعه‌داری ارک کابل از تغیر شمشیر خان

خود سربلند و مصدر ترددها بود احکام حال او صحیح معلوم نشد قیام خان شاه محمد

قندهاری در سنه جهانگیری بمنصب سی صدی و بخطاب خانی سربراوفراخته در سنه ۱۳

بخدمت قراول بیگی مباهات اندوخته در سنه ۱۶ فوت کرد قیام خان دیگر در سنه ۱۹

جهانگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد

قیام خان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود

در سنه احد بهادر شاه بخطاب قایم خان نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد

قراولخان در سنه پنجم جهانگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود دیگر

احوال او معلوم نشد قراولخان در عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب

سربراوفراخته در سنه سوم در بنگاله تردد شایسته نموده تا سنه ۳۴ خدمت نمود

قزلباش خان در عهد جهانگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز شده

در سنه مصدر تردد گردیده در سنه ۱۳ بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده بود احکام

حال او معلوم نشد قزلباش دیگر در عهد شاهجهانی بمنصب بمنصدی و باین

خطاب سرافراز شده در سنه رحلت نمود قزلباش خان ترکمان افشار

اعتمادخان از نوکران عادلخان حاکم بیجاپور در سنه سی شاهجهانی بمنصب

دو هزاری و باین خطاب و در سنه به تهانه داری شاه گده و در سنه قلعه داری

ماهری

سربلند شده در سنه سی ام در مهم حیدرآباد و بنظم کور رسورک مردانه
نقد جان درباخت قاسم علی خان در سنه احد اکبری بمنصب صدی
و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱ در الهداد اول سنه جانزمان باغی تردد
نموده در سنه ۱۹ به بنگاله رفته در سنه ۱۹ بحضور آمده در سنه ۲۳ متعین مهم راجه
مدنکر شده در سنه ۲۰ در بنگاله و در سنه ۳۰ در حیدرآباد خدمت میکرد دیگر احوال او
معلوم نشد قاسم علی خان خویش معتمدخان در اواخر عهد عالمگیری
بمنصب و بخطاب خانی و بوقایع نگاری کابل سرافراز بود دیگر احوال او
معلوم نشد قبول خان در عهد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی
سرافراز شده در سنه ۱۵ در مهم شهید شد قتلغ خان دیگر در عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سرافراخته در سنه ۲ در بنگاله خدمت می‌نمود در سنه ۱۴ همراه
خانخانان در دکن ترددها کرد دیگر احوال او معلوم نشد قمرخان برادر سید
نقیب خان قزوینی در عهد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی
سرافراخته در سنه ۱۹ در مهم قندهار قلعه در رکاب بود بعد فتح آن
متعین بنگاله شده در سنه ۲۵ در بعضی از تلاطم آنجا خصوصاً در سنه معصوم خان
باغی در بنگاله کارزارهای مردانه نموده بر اعدا ظفر یافته و اکثر مصدر ترددات
شایسته

ناظم کابل و در ۲۸ سنه همراه شاهزاده دارا شکوه بار سیوم مهم قندهار گردیده

نهایت مردی و دلیری نموده مراجعت کرده در همین سال در پیشاور فوت

کرد خان مذکور شجاعت را با سخاوت جمع داشت از انجمله آنکه روزیکه

در چوکیخانه بادشاهی می آمد سپاهیان را با خود طعام میخورانید و بخانه

هرکدام سپاهی بقدر طعام می فرستاد که همه مردم خانه او می خوردند قلیچ

خان خوشحال بیک ماقال در عهد شاهجهانی منصب سه صدی

داشت در ۲ سنه احد عالمگیری بخطاب قلیچ بیگ سرافراز شده در ۳ سنه بخطاب

سعادتخان نام برآورده بود همه احوال او در ذیل خطاب سعادتخان

نوشته شد قلیچ خان خواجه عابد ولد شیخ صدیقی در ۲۳ سنه شاهجهانی

از بخارا آمده بمنصب هزاری و در ۱ سنه احد عالمگیری بمنصب چهار هزاری

و بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده در ۴ سنه بخدمت صدارت کل از تغیر

شیخ میرک و در ۱۰ سنه بنظم اجمیر و در ۱۴ سنه بنظم ملتان از تغیر مبارز خان

مقرر گشته در ۱۸ سنه امیر حاج شده بحجاز رفته در ۲۳ سنه بعد مراجعت به

خطاب قلیچ خان نام برآورده در ۲۴ سنه بار دوم بخدمت صدارت کل

از انتقال صوبخان صدر نشین گردیده در ۲۹ سنه بنظم صوبه ظفرآباد بدر

منصب دوهزاری و مانی خطاب سرافراز بود در سنه احد شاهجهانی از تغیر
درکاب السلان امده بنظم دارالخلافه از تغیر بخیارخان بمنصب دوهزار و
پانصدی و در سنه بنظم اله اباد و در سنه ۴ بجایزه فتح قلعه پرکانو که در تصرف عبدل
زمیندار انجا بود بانواع نوازشها سرافراخته در سنه ۵ بنظم ملتان از تغیر بخاری
و در سنه ۶ بمنصب چهارهزاری ذات و سوار هزار سوار دو اسپه سه اسپه
در سنه ۱۱ بنظم قندهار که درین سال بتصرف امده بود بنام برآورده قلعه زمین داور
و لست بقهر و جبر مفتوح گردانیده در سنه ۱۴ بار دوم بنظم ملتان از تغیر بخاری
رایت مباهات برافراشته در سنه ۱۵ بعد عزل نظم ملتان معین شاهزاده مراد
بخش در مهم بلخ گشت در همین سال معین شاهزاده دارا شکوه بکومک
ناظم قندهار گردیده در سنه ۱۶ بحضور امده در سنه ۱۷ بنظم لاهور از تغیر سعید خان
مقرر گشته در سنه ۱۹ هنگام ورود رایات در لاهور ملازمت نموده در سنه ۲۰ در مهم بلخ
و بدخشان اکثر با اوزبکان بحرب صعب پیوسته ظفر یافته در سنه ۲۲ در مهم قندهار
در کارزار با قزلباش بر دو تلاش نمایان نموده در سنه ۲۳ بنظم کابل از تغیر علیمردان
خان صدی مقرر شده در سنه ۲۴ در لاهور شرف ملازمت دریافته در سنه ۲۵ همراه
شاهزاده عالمگیر مکرر معین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۶ معین سلیمان شکوه

ناظم

رفته زاد در الیوم انشاد بحضور آورده در سنه ۱۳ در باب وسیله حاصر مال سماک

تردد نموده در سنه ۱۷ بگجرات قلعه سورت که در آن سال فتح شده بود مقرر گردید

در سنه ۲۱ در معیت سردار احمد در مصاف صوبه گجرات تلاش مردانه کرده در سنه ۲۴ منظم گجرات

از تغیر شهاب الدین احمد خان و در سنه ۲۴ بحکومت احمد در سنه ۲۵ بوزارت کل

از انتقال خواجه منصور شیرازی سر برافراخته در سنه ۲۸ قلعه بروج از توابع گجرات

مع سرداران فتح کرده در سنه ۳۲ از آنجا طلب حضور گشته منظم لاهور با پسران

راجه بهگوانداس کچهواهه نامبرآورده در سنه ۳۴ بار دوم بوزارت کل اختصاص

یافته و در سنه ۳۹ منظم کابل از انتقال قاسم خان چهره امتیاز برافروخته به

منصب چهار هزاری رسیده در سنه ۴۰ در معیت اعانه اتحاد در تنگنای صعب

ملا ستهای کابل نموده در سنه ۴۳ با مالیق شاهزاده دانیال منظم الهآباد مقرر شد

در سنه ۴۴ از رد گشته بحکم بحضور رسیده در سنه ۴۸ منظم لاهور و حکومت افغانستان

کابل مناصب اندوخته و در سنه ۴۹ بمنصب پنجهزاری والا پایه گردیده در سنه احد جهانگیری

بنظم گجرات و در سنه ۳ بنظم لاهور و در سنه ۶ باضافه هزاری در سنه ۹ هم بنظم کابل عالم

مسافرت برافراشته در سنه ۱۰ از آنجا فوت کرد پنجهزار سوار نوکر بود قلیچ خان

مالحو نام برادرزاده قلیچ خان مذکور منصب هزاری داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بمنصب

بفوجداری جوناگڈه و در سنه بفوجداری پتن گجرات سرافراز گردیده بود در
سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بفوجداری سورت و بعد از ان
سال تخلدی اینکه هنگام سورش دار اشکوه در گجرات سر رسید بندگی
درگاه از دست بداده با او ملحق نشده بود باضافه بانصدی پانصد سوار دو
اسپه سه اسپه و بخطاب خانی مباهات اندوخته در سنه دار السلطنه را صوبه
زمیندار جام که راه بغی پیموده بود بعد صف جنگ که تکیه او با پانصد نفر از ان طرف
کشته شدند در میدان کشته ظفر یافته در سنه بعد عزل فوجداری مذکور متعین
شاهزاده محمد معظم دکن گردیده و در سنه در دکن همراه مرزا راجه جسنگه کوشش
بلاشهای مردانه نموده در سنه متعین صوبه دار الملک کابل گردیده در سنه بخطاب
سرافرفت تحویم خان ولد شجاعت خان عرب در سنه احد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه به ساب پدر بفوجداری مارنول مقرر بود در ا
نجا تردد نموده ایزد معمه مالوا گشته در سنه همراه پدر خود که نوکران حرام
نمکش باغوای نافالان طلب حضور نشده بود وقت سب بر ضیر او حمله
مردانه کشته شد فتح خان در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراخته
خدمت می نمود و در سنه با وردن حسینی برادر فتح خان پیش حاکم بهاس
رفته

پنجهزاری نام برآورده در سنه رسیده سردار اسدر وادی لور بزرگ دی کرده هم

دران سال باتفاق دیگر عمده ها به تنبیه راجه علیخان حاکم خاندیس رفته

روپیه های مسکوک بسکه حضرت بران که حاکم انجا انقیاد

اختیار نموده بود بحضور آورده در سنه ۲۳ متعینه گجرات بود در سنه ۲۴ باتالیقی

سلطان سلیم و خطاب ملک بیگی و بعنایت خلعت واسپ و کمر و مالی تمام

دارد سر برافراخته بنابر تسخیر بهادر فرنگ متعلق گشته بود در سنه ۲۸ در بهروچ

بمقابله مظفر حاکم زاده گجرات بدست باده شده بخانه او رفته بود بغدر وی

او شهید شد قطب الدینخان شیخ خوبو نام ولد شیخ سلیم چشتی کوکه جهانگیر

بادشاه در ابتداء ایشان بمنصب پنجهزاری و خطاب قطب الدینخان سرافراز

شده در اوائل سنه بصوبه داری بنگالا از تغیر راجه مانسنگه مقرر گردیده در سنه ۲

بدست شیرافکن علیقلی استجلو در دیوانخانه خود کشته شد قطب الدینخان

ولد قطب الدینخان کوکه در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب ... صدی و در اخر

عهد بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه ۲۳ متعین مهم قندهار گردیده در سنه ۲۵ بعد

فوت پدر باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده بار متعینه مهم

قندهار گشته در سنه ۲۶ مکرر متعین مهم قندهار شده در همین سال باتفاق شمس الدین

داشت گشته شد و قابل حسب الحکم سپاه رسید قاسم خان نام
در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی سرفراز شده در سنه ۲۹ در
مہم بیجاپور مصدر تردد دیگر دیده در سنه سی ام ممر پور که مقرر گشته بمنصب
دو هزار و پانصدی رسیده و در سنه ۳۹ بالتفاق خانه زاد خان ولد روح الله خان بنابر تنبیه
غنیم تعین شده بحسب تقدیر تدبیر جنگ غلط افتاد مومی الیها در قلعه محصن
گشتند سه روز بے دانه و آب گذرانیدند خان مذکور از صدمه برسیدن افیون
جان داد قاسم خان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
خانی سرفراز شده در سنه ۵۲ بقلعداری لارک مقرر بود دیگر احوال او معلوم
نشد قطب الدین خان برادر خورد شمس الدین خان که در سنه احد
اکبری بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۸ بکام بعمالے لاهور ترددے
نموده در سنه ۹ بکومک میرزا حکیم برادر حضرت معلی کابل گردیده
در همان سال مراجعت کرده متعینه لاهور بود در سنه ۱۳ بنظم صوبه مالوه
مقرر گشته در سنه ۱۸ در کارزار گجرات بالتفاق اعظم خان کوکه ترددات نمایان نموده بلد
مردمان فیل مرکوب میرزا ابراهیم حسین باغی شمشیر آزاده با معدودے
قایم مانده ظفر یافته در سنه ۱۹ بحکومت بهروچ مقرر شد در سنه ۲۱ بمنصب
ہزاری

و بدخشان گردیده در سنه ۲۰ بجایزه تردد آنجا باضافه پانصدی و خطاب

معتمد خان و در سنه ۲۱ بمنصب دوهزاری و بخدمت احتسابگی از تغیر

حسن بیگ خان و هم در ان سال بمنصب دوهزاری و پانصدی و در سنه ۲۲

بجلدوی تردد در مهم قندهار بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی بر نام خود

سرافراز گشته در سنه ۲۵ همراه شاهزاده عالمگیر بکمک متعین مهم قندهار

گردیده در سنه ۲۶ بعد رسیدن آنجا در تردد کوتاهی نموده در سنه ۲۷ همراه شاهزاده

دارا شکوه باز متعین مهم قندهار شده باضافه پانصدی بمنصب سه هزار

و پانصدی نام برآورده در سنه ۲۹ بجایزه تردد آنجا باضافه پانصدی بمنصب

چهار هزار مباهات اندوخته در سنه ۳۰ بگوشمالی زمیندار سری نگر متعین گشته در سنه ۳۱

بمنصب پنجهزاری در سنه ۳۲ بنظم گجرات امتیاز یافته بالتماس مهاراجه جسونت

سنگه بمقابله بادشاهزاده عالمگیر متعین گردیده بعد جنگ صعب رو براه

اکبراباد در رسیده همراه دارا شکوه بمقابله عالمگیر بادشاه نیز اشتها نموده

پس از هزیمت دارا شکوه ملازمت آنحضرت کرده بمنصب پنجهزاری بحال

و بفوجداری مرادآباد سربلند شده در سنه سوم بفوجداری میرات از تغیر الله

و همان سال بنظم حمد برادر شاه که عماری ذر خاطر

اندوخته در سنه ۱۳ بحضور آورده بود انجام حال او معلوم نشد میرزا قاسم خان
جوینی ولد مراد که در اواخر عهد اکبری بمیر مراد مردانه آموختن فن کمان
داری بنابر تعلیم سلطان خورم مقرر بود میرزا قاسم در عهد جهانگیری با
اعتماد الدوله خویشی داشت در سنه ۱۳ ایشان بمنصب هزاری و بخطاب
خانی بنام خود و به نیابت نظم صوبه لاهور از طرف اعتماد الدوله سرافراز شد
در سنه ۱۴ باضافه پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و در سنه ۱۶ بمنصب سه
هزاری و در سنه ۱۸ بعد عزل نظم انجا بمنصب چهار هزاری بلند مرتبه گردیده در سنه ۱۹
نظم اکبرآباد از تغیر مقربخان نام برآورده تا سنه ۲۲ در انجا بود در وسط سنه ۱ جلوس
شاهجهانی بمنصب پنجهزاری و نظم صوبه بنگاله از تغیر فدائیخان والامنزلت
گشته در سنه پنجم بعد تردّدات بسیار که ده هزار تن کفار قتل و غریق شدند
و چهار هزار و چهار صد کس اسیر از ذکور و اناث فرنگی اهل وغیره بقید
گرفتار آمدند و از اعاذ با انجام هزار کس از اهل اسلام درجه شهادت
یافتند بندر هوگلی مفتوح گردانیده هم در ان سال رحلت نمود قاسم خان
ولد هاشم خان بن قاسم خان میر بحر منصبی داشت در سنه ۱۱ شاهجهانی
بمنصب هزاری و بخدمت میر آتشی سربلند شده در سنه ۱۹ متعین مهم بلخ

[illegible]

در سنه ۲۹ بعد محمد زمان پسر جعلی میرزا شاه رخ کشته شد کارهای نمایان

او یادگار روزگار ست که از حیز تحریر و تقریر افزون ست میر قاسم خان

نشابوری در سالور مرتبه امارت داشت بنابر حادثه اوزبک

هندوستان آمده در سنه احد اکبری نوکر برام خان بود و از طرف برام

خان در کارزار با ہیمون مصدر تردد شده در سنه ۵ بعد زوال دولت

او بمنصب چهار هزاری سرافراز شده اکثر مصدر ترددات گردیده در سنه ۹

بسر تشریف بردن حضرت بمنزل او سر بفلک برده بود در سارنگپور از این

جهان رفت قاسم خان خویش رسول خان در عهد اکبری

بمنصب و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۲۶ در صوبه بهار در جنگ

با معصوم خان فرنخودی تردد نموده با سه ام در بنگاله خدمت

می کرد دیگر احوال او هیچ معلوم نشد قاسم خان برادر اسلام خان

نبیره شیخ سلیم چشتی در اوائل عهد جهانگیری بمنصب هزاری و خطاب

خانی سربلند بود در سنه ۶ بمنصب هزار و پانصدی سرافراخته معلن

اسلام خان ناظم بنگاله برادر خود گردیده در سنه ۱۱ بنظم بنگاله از انتقال

برادر خود مقرر گشته در سنه ۱۱ بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار مباهات

و ابهادر خان عم زاده میرزا حیدر کورکانی پسر میرزا محمود درسنه احد
اکبری از روی آئین اکبری بمنصب هفصدی و از روی طبقات
اکبری بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی سرفراز شده در سنه بنابر
تسخیر کشمیر تعین گردیده شکست فاحش در کارزار کشمیریان خورده
برگشته آمده در سنه ۹ بحکومت مالوه مقرر شده بود انجام حال او هیچ معلوم
نشد قاسم خان میر بحر مشهور از نه حس ارای خراسان در سنه احد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته متعلق کابل بود در سنه
از نزد میرزا محمد حکیم برادر خورد حضرت که دارائی کابل داشت حسب الحکم
آمده بمنصب هزاری نام برآورده در سنه ۱۲ در تسخیر قلعه حصور در سنه ۱۴ در فتح
قلعه مشهور و در سنه ۱۵ در کسب قلعه سورت بندر تردد ها که خارج
از قیاس است نموده در سنه بنابر عدم قبول ضابطه داغ از حضور بدر شده
متعلق بنگاله گردیده در سنه متعلق گجرات و در همان سال ناظم اکبرآباد
مقرر گشته در سنه ۳۰ بعد گشته شدن مظفر خان ناظم بنگاله بنابر سنه قاقلان
قاتلان ناظم مذکور باتفاق اعظم خان کوکه متعلق بنگاله شده در سنه ۲۶
بحضور آمده در سنه ۳۱ ولایت کشمیر را فتح نموده در سنه ۳۲ ناظم کابل مقرر گردیده
در سنه ۳۹

اعظم شاہ باضافہ ہزاری نام برآوردہ ہمراہ ایشان در جنگ اکبرآباد بہادر شاہ
بادشاہ مردانہ نقد جان در باخت محمد الوسحان در اواخر عہد عالمگیری بمنصب
وخطاب خانی سر برافراختہ تاسنہ قلعدار بہادر گڑھ دکن بود دیگر احوال او
معلوم نشد فریدون خان ولد محمد خان سجالوری بعد بکار آمدن پدر در سنہ
عالمگیری بمنصب وخطاب خانی سرفراز شدہ خدمت می نمود دیگر احوال او
ہیچ معلوم نشد فیض علیخان در اواخر عہد عالمگیری بمنصب پانصدی و بہ
خطاب خانی در سنہ احد بہادر شاہ باضافہ صدی نام برآوردہ بود دیگر احوال
او معلوم نشد فرحام خان ولد مہابت خان زمانہ بیگ کابلی در اواخر عہد
عالمگیری بمنصب ہزار وپانصدی وخطاب خانی سر برافراختہ خدمت می نمود
در سنہ احد بہادر شاہ باضافہ پانصدی نام برآوردہ بود ظاہرا در عہد محمد شاہ فوت کرد

حرف القاف

قاچان کہک از ولایت در رکاب ہمایونی آمدہ در سنہ احد اکبری
بمنصب سہ ہزاری وخطاب خانی سر برافراختہ در کارزار با ہیمون تردد
نمودہ در سنہ قلعہ گوالیار از قلاع صوبہ اکبرآباد مفتوح گردانیدہ در اکثر معارک
تلاشہا کردہ در سنہ در ہمراہی ادہم خان کوکہ در فتح ولایت مالوا مصدر بردد
کردہ

و ایخان سربلند شد، تا ۱۹ سنه خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد وسایل

خان میر هادی پسر وزیر خان میر حاجی دیوان بادشاه زاده محمد اعظم شاه در اوایل

عهد عالمگیری بمنصب و میر منشی گری و در سنه ۲۶ بخطاب وسایل خان سرافراز

بود در سنه ۴۴ بخدمت صوبه داری خداپنده و سایت خانسامانی صبیه دار الانشا

مقرر شده حیلی بحسن سلیقه مهمام خانسامانی سرانجام داده در سنه ۴۴ فوت کرد

وسایل خان اقا بیگ نام برادرده دیگر احوال او معلوم نشد فصیل علی

خان ولد مرشد قلیخان قدیمی منصبی داشت در سنه ۳۲ عالمگیری بخطاب

خانی بر نام خود و در سنه ۴۳ بدیوانی شاهزاده معزالدین در سنه ۴۴ بدیوانی ملتان

سرافراز شده تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد

ظفرالله خان پسر زاده فتح الله خان بهادر جوسی در اواخر عهد عالمگیری به

منصب و بخطاب خانی سرافراز شده بود در سنه ۴۴ بهنگام تسخیر قلعه پرلی

با مصادکس مردانه بکار آمد فرید خان ولد حمید خان بن داود خان

قریبی بمنصبی داشت در سنه ۴۳ عالمگیری بخطاب خانی سربلند شده بود

انجام حال او معلوم نشد فرید خان برادر خانعالم دکهنی در عهد عالمگیری

بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز بود بعد رحلت حضرت از پیش

برادر اسلام خان عبدالسلام در اواخر عہد شاہجہانی منصب ہفصدی داشت در سال اول عہد عالمگیری بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب خانی برنام خود سربلند شده در سنه ۳ بدست لوکر خود کشته شد شاہ جان سر ساہ صفاہانی در اواخر عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز بود در سال اول عالمگیری بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب خانی و بفوجداری آلوده معزز شد آینده بفوجداری لومار و در سنه ۹ بقلعداری یکی از قلاع دکن و باضافه پانصدی بمنصب ہزار و پانصدی سربلند گردید در سنه ۹ فوت کرد شرفا د خان مرا د بیگ ملیم دان خان در سنه ۳۱ شاہجہانی بمنصب مقتصدی و بخدمت میر لوکی سرافراز شده بود در سال اول عالمگیری بمنصب ہزاری و در سنه بخطاب خانی سرافراخته معاش بنگاله شده ترددات ہنگام محصوری بدست اسامان کاودان لشکر رواج نموده ملکوت آنجا تعدی کرده سرگرم جانفشانی نموده در سنه ۷ لاشهای رخصها برداشته در سنه بجلادوی ترددات آنجا بمنصب ہزار و پانصدی نام برآورده در سنه ۱۲ سپهسالاری اسلام آباد مضاف صوبه مذکور معزز بود احکام حال او معلوم نشد فضایل خان شیخ سلیمان در اواسط عہد عالمگیری بمنصب دبدار و علی عدالت سرافراز بود در سنه ۲۲ بمنصب ہزاری و بخطاب فضایل خان و بخدمت دارو علی داک از تغیر

فاضلخان

بخطاب بهادر و هم در جلدوی فتح قلعهٔ کهلنا به افزایش لفظ عالمگیرشاهی
و منصب سه هزاری بلند رتبه گشته در سنه ۱۴ با مدعای خود تعلق صوبه
کابل گردیده در سنه ۱۹ به تهانه داری لونگاکره از تغیر الله یار خان مقرر شده در
سنه ۵ فوت کرد   فتح محمد نام ولد دلیر خان روهیله در اواخر عهد شاهجهانی
منصب هزاری داشت در سنه ۶ بخدمت فوجداری لودهیاپور از مضافات
ملاکهات و در سنه ۲۱ بفوجداری جوهره از توابع خاندیس مقرر شده در سنه
احد عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی ذات و سوار و بجلدوی تردد کارزار
با مهاراجه جسونت سنگه بخطاب فتح جنگ خان و بعد فتح اکبرآباد بمنصب
سه هزاری ذات و سوار نام برآورده متعین معظم خان ناظم بنگاله گردیده در
سنه ۲ و در سنه سوم در کارزارهای با شاه شجاع ترددات نمایان نموده
بحضور آورده در سنه ۴ و در سنه ۲۶ در اکثر معارک دکن با دکنیان تردد و ترددات
نمایان نموده در همان سال فوت کرد   فتح جنگ خان حسن میانه بهلول
در سنه ۲۶ عالمگیری بمنصب پنجهزاری پنج هزار سوار و بخطاب فتح جنگ خان
سربرافراخته در سنه ۲۹ در مورچال مهم بیجاپوری نظم دار گردیده در سنه ۳۲ ترددی
نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   فضل الله خان ولد سعادت خان

بفوجداری نواح شاہجہانی مقرر شدہ در سنہ معزول گردیدہ بود انجام حال او
معلوم نشد فوجدار خان دیگر در اواسط عہد عالمگیری بمنصب وخطاب
فوجدار خان سرافراز شدہ در سنہ ۳۲ بکوتوالی بجالور مقرر بود میگویند کہ در تعاقب
کابل در جنگ با افاغنہ آنجا مردانہ بکار آمد فتح اللہ خان ولد سعد خان
بہادر ظفر جنگ در اواسط عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراختہ در
سنہ ۲۱ بحراست صوبہ بہار تا رسیدن پدر خود رفتہ در سنہ ۲۵ بعد فوت پدر
بمنصب ہزاری نام برآوردہ متعاقب مہم قندہار شدہ در سنہ ۲۶ بقلعداری
ارک کابل و در سنہ ۳۰ با وجود قلعداری بحراست شہر کابل از تغیر عبداللہ خان
برادر کلان خود و از اصل و اضافہ بمنصب ہزار و پانصدی ہشتصد سوار
مباہات اندوختہ در سنہ بفوجداری ہردوار و مکسن از تغیر سعادت خان
مقرر گشتہ در سنہ احد عالمگیری بخطاب خانی و [illegible] و در اغاز سنہ ۲
بحراست شہر کابل سرافراز شدہ در سنہ اردوم در آنجا رحلت کرد
فتح اللہ خان بہادر عالمگیر شاہی خوشی محمد صادق نام در اواخر عہد عالمگیری
بمنصب و بخطاب فتح اللہ خان سربلند گردیدہ در سنہ با ضافہ منصب نام برآوردہ
در سنہ ۴۳ ہنگام تسخیر قلعہ ستارا و غیرہ تردد و تلاش ہای نمایان نمودہ در سنہ ۴۹
بخطاب

معلوم نشد فیض الله خان میر فیض الله ولد زاهد خان کوکه در سنه ۱۹
شاهجهانی بعد فوت پدر با آنکه ده ساله بود بمنصب هزاری چهار صد سوار
و در سنه ۲۰ باضافه پانصدی و در سنه ۲۳ بمنصب دو هزاری پانصد سوار
و در سنه ۲۴ بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری
بمنصب سه هزاری و بخدمت قوربیگی از تغیر نوازش خان و در سنه ۲
باضافه پانصدی و بخدمت قراول بیگی و در سنه بمنصب چهار هزاری
نام بر آورده در سنه ۹ انزوا اختیار نموده و در سنه ۱۵ بفوجداری مرادآباد
سربلند گردیده در سنه ۲۴ در انجا نوعی حرف اراذل را با خود طرفه تقرب
در جناب پادشاه داشت که ملکیت راست نیاید فیض الله خان سر
باری خواصان و نایب روح الله خان دوم در اواخر عهد عالمگیری به
منصب هفتصدی و بخطاب خانی سرافراز بوده بنا بر قرب حضور محسود
بسی بود دیگر احوال او معلوم نشد فوجدار خان سندم بلوچ در
عهد شاهجهانی منصبی داشت در سنه ۲۶ بعلت مهم سرکار کرده در سنه ۳۱ شاه
جهانی بخطاب فوجدار خان سرافراخته در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزار و پانصدی و بفوجداری دوب ناس مضاف صوبه اکبرآباد در سنه ۴

نام برآورده بود در عهد محمد شاه فوت کرد و اسد خان خواجه سرا
در سنه ۱۳ جهانگیری بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود در سنه ۱۱ شاهجهانی
بمنصب هزاری و در سنه ۱۳ باضافه پانصدی و خدمت نظارت از اصفهان
فرور خان سربلند گردیده و در سنه ۳۲ استعفا نموده بحرمین رفته بود انجام
حال او معلوم نشد وصیح خان در سنه ۱۲ جهانگیری بمنصب و خطاب خانی
سرافراز بود و خصوصیت هم داشت در سنه ۱۵ شاهجهانی بانعام هزار روپیه خوش
دل گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد ولد افرخان نجم ثانی
در سنه سوم شاهجهانی منصبی داشت در سنه ۱۲ بخدمت میر توزکی از تغیر او
رشحان و عنایت خطاب خانی و بحالی منصب دو هزاری که حددی
پانصدی به منصب شده بود سرافراز شده در سنه ۲ که مکرر معاصر
معاتب گردیده بمنصب دو هزاری بحال گردیده و در سنه ۲۱ باضافه
پانصدی بمنصب دو هزار و پانصدی سر برافراخته بود و در سنه ۲
عالمگیری ترک منصب نموده در سنه ۳ احسار نوکری نموده تا سنه ۲۳
خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد فرحان خان دکنی در
سنه شاهجهانی بمنصب و خطاب خانی سرافراز بود دیگر احوال او
معلوم

گری بندر لاہری مقرر گشته در انجا فوت کرد فدائیخان مظفر حسین

ولد میر ابوالمعالی خافی در سنه ۲ شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۳ بخطاب

فدائیخان و در سنه ۱۰ عالمگیری اعظم سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل

خطاب اعظم خان نوشته شده فدائیخان نام ولد ابراهیم خان بن

علیمردان خان اتک در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در اواسط عهد

بخطاب فدائیخان سربلند شده در سنه ۲ همراه پدر ولایت فراسیت

فتح نموده دیگر احوال او معلوم نشد فدائیخان محمد صالح ولد فدائیخان

مظفر حسین در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۱ بخطاب

خانه زاد خان برنام خود سرافراز شده بود در سنه ۲۵ بخطاب فدائیخان و بنظم اکبرآباد

از انتقال امیرالامرا شایسته خان والامنزلت گردیده در همان سال

بنظم صوبه بهار و در سنه ۳۲ ضمیمه اش بفوجداری برهت و در سهکه

مقرر گشته در سنه ۳۴ تغیر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد ..

فدائیخان نام ولد صلابتخان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب

و در سنه ۲۵ بمنصب نهصدی و بخطاب تهورخان و در سنه جهلم بفوجداری

سهارنپور و در سنه ۴۱ بداروغگی خورخانه سربلند بود در سنه ۴۹ باین خطاب

متعین شایسته خان برای سه جانخان لودی باغی شده در سنه ۳ در سنه
در دکن در تعاقب باغی مذکور و صاحب ملک دکهنان تردد می‌نمود
در سنه بفوجداری جون پور و استقبال دلاور خان مریح نام براورده در سنه
در سفر کشمیر و در سنه و در سنه ۹ در سفر دکن در رکاب بوده هنگام مراجعت
از دکن بحکومت گورکهپور مقرر شده در سنه ۱۰ از روی کار طلبیده
بدون حکم از گورکهپور بکومک عبدالله خان ناظم بهار مامور شده رسیده
حضور رسانیده در سنه در سفر کابل در رکاب بوده در سنه ۱۳ جاگیر رفته چون درین
سال اسخطاب میر ظریف مرحمت فرموده بخطاب خان مار خان
نعم البدل حاصل نموده در سنه ۱۴ بعد موت میر ظریف بخطاب فدائیخان مامور
گردیده بصوبه کابل همراه مراد بخش متعین گشته در سنه همراه شاهزاده
بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده بگورکهپور رفته در سنه ۱۹ از گورکهپور
بحضور آمده فوت کرد فدائیخان میر ظریف در اوایل عهد شاهجهانی
منصب پانصدی داشت در سنه ۱۳ که بنابر آوردن اسپان
عراقی بروم بود بجلدوی حسن خدمت منصب هزاری و بخطاب فدائیخان
و بدار وغکی اصطبل از تغیر ترتیب خان سربرافراخته در سنه ۱۳ بمصدی
گری

بود انجام حال او معلوم نشد فولاد خان حسب دکھنی در سنه ۵ اکبری بمنصب ہزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت می نمود انجام حال

او معلوم نشد سید فولاد خان منصبی داشت در سنه ۳ عالمگیری به خطاب خانی در سنه ۸ کوتوالی دار الخلافت و در سنه ۹ فوجداری دار الخلافه از تغیر فوجدار خان بلوچ و در سنه ۱۰ فوجداری سوات و آینده باز فوجداری دار الخلافه سر برافراخته در سنه ۲۵ در انجا رحلت کرد فدائیخان

سلطان ملک والاشاهی جهانگیری پادشاهی منصبی داشت در سنه ۲ الف فدائی خان و در سنه ۷ بمنصب ہزاری سرافراز شده در سنه ۸ بخشیگری لشکر متعین دکن مقرر گردیده در سنه ۹ رند کانی را جواب داد فدائیخان

هدایت الله در اوایل عهد جهانگیری منصب و خدمت داشت در سنه ۱۲ بخطاب فدائیخان و در سنه ۱۴ بمنصب ہزاری و در سنه ۱۵ باضافه پانصدی و در سنه ۱۷ باضافه پانصدی سرافراز شده در سنه ۲۱ هنگام بے ادبے مهابتخان روز یکه اصفخان و خواجه ابو الحسن با آن بے ادب جنگ انداختند زیاده بر حوصله تردد و تلاشها نموده در سنه ۲۲ بمنصب سه ہزاری و نظم صوبه بنگاله از استقلال مکرمخان سربلند گردیده بود در سنه ۲ شاهجهانی

تغیر سجاسجان بخالصه شریف مقرر گشته بود نام براورده در سنه احد عالم
گیری متعین بنگالا در سنه ۲ عالم گیری بخطاب اختصاص خان نام
براورده همه احوال او ذیل خطاب اختصاص خان بقلم آمد فیروز خان میوا
از نوکران بادشهزاده دارا شکوه در هر دو جنگ سلطانی رفیق او بود بعد
شکست دوم در ایام فرار بصوبه قندهار با همکر همراهی کرده ازو جدا
شده در سنه عالم گیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی برنام خود
بخدمت چکله اتاوا از تغیر عبدالنبی خان سرافراز شده آینده بفوجداری لکهی
جنگل مقرر گردید بعد عزل آن بفوجداری دسالور نام براورده در سنه درا
تجاوت کرد فیروز خان دیگر در اواسط عهد عالم گیری بمنصب وخطاب
خانی سرافراز شده ماسنه ۳۲ دیگر احوال او هیچ معلوم نشد فرهنگ خان دلد
فرحت خان مهر سکای در عهد اکبری بمنصب وخطاب خانی متعین
صوبه بهار بود در سنه ۲۱ که پدرش راناراجه کیچی زمیندار عمده صوبه بهار
کارزار رو داد بکومک پدر خود شتافته و برزم شدید پیوسته با پدر خود
بر سر ملواره کشته شد فرخ خان دلد خان کلان در اواسط عهد اکبری
بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سربلند شده در سنه ۳۲ در بنگاله تردد نموده
بود

فاضل خان تا در اواخر عهد عالمگیری منصب و با خطاب سر برافراخته بعد رحلت

آنحضرت از فرا احسار نموده در اواخر سنه احد بهادر شاه بهمین خطاب نام برآورد

دیگر احوال او معلوم نشد فیروز خان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی

سر برافراخته در سنه ترددے نموده دیگر احوال او معلوم نشد فیروز خان خواجه

سرا در سنه ۱۰ عالمگیری بمنصب ... و خطاب فیروز خان و ناشته در جنود

سرافراز بود در سنه ۶ شاهجهانی هنگام تقرر حرمت بشارت باضافه منصب

و در سنه ۹ بمنصب دهزاری و در سنه ۱۲ باضافه منصب پانصدی و در سنه ۱۳ باضافه

منصب پانصدی بمنصب سه هزاری هزار و پانصد سوار مباهات اندوخته

و در سنه ۱۲ در رهناس ... فوت کرد سید فیروز خان محمد فیروز برادرزاده

سید خانجهان باریه منصبے داشت در آغاز سنه ۱ شاهجهانی بمنصب هزاری چهار

صد سوار و بعد فوت خانجهان باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی در آخر

سنه ۱۹ بمنصب هزار و پانصدی هزار سوار و در سنه ۲۰ بمنصب دو هزار سوار و در سنه

خطاب خانی سرافراز شده در همین سال متعین قندهار گردیده در سنه ۲۵ بار تعین

مهم قندهار گشته در سنه ۲۶ بعد رسیدن انجا تردد نموده در سنه ۳۰ همراه دارا شکوه

بتعین مهم قندهار شده در سنه ۲۹ بفوجداری ایرج ... شاهزاده بود که از

و باضافه پانصدی و در سنه ۲ باضافه پانصدی سرافراز شده بود در سنه احد
عالمگیری بحالی خان سامانی و در سنه ۲ باضافه هزاری و بخدمت داروغگی دار
الانشاء ضمیمه خان سامانی و در سنه ۵ بمنصب سه هزاری و در سنه ۶ بوزارت کل
از انتقال راجه رگھناتھ کامیاب سربلند گردیده بعد هفده روز درگذشت
فاضلخان شیخ مخدوم منشی بادشاهزاده محمد اعظم شاه در سنه ۲۳
عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و خدمت دارالانشاء و در سنه ۲۶ ضمیمه
دارالانشاء بخدمت صدارت کل از انتقال شریفخان نعمت الهی و در
سنه ۲۵ بخطاب و در سنه ۲۹ ضمیمه خدمات مذکور بداروغگی عرایض از تغیر
خدمت خان خواجه سرا سرافراز گشته در سنه ۳۲ فوت کرد فاضلخان برهان
الدین برادرزاده فاضلخان ملا علاء الملک در سنه ۶ عالمگیری از ولایت آمده
بمنصب هشتصدی و ایزد بخطاب قابل خان و در سنه ۱۰ بخطاب
اعتمادخان و در سنه ۱۴ بدیوانی تن سرافراز شده بود در سنه ۳۲ بخطاب
و بمنصب دو هزاری و پانصدی و بخدمت خانسامانی نموده منظم صوبه کشمیر از
تغیر ابوالنصر خان مقرر گردیده در سنه ۴۸ بعزم حضور روانه شده بود در برهان
پور فوت کرد مرد صاحب کمال و مهذب و موقر و مستقیم الاحوال بود

فاضل خان

مهر سکائی از غلامان همایونی در سنه احد اکبری بمنصب دوهزاری و خطاب قرت
خان و حراست لاهور سرافراز شده در سنه ۱۲ بنا بر تشریف بردن حضرت
بجانب او سر بفلک سوده در سنه ۱۷ در ایلغار گجرات رکاب بوده در سنه ۱۸ در ایلغار
دوم گجرات در رزم سخت پیوسته تردد نمایانی نموده در سنه ۱۹ بتسخیر قلعه رتهاس
نام برآورده مالسکه در سنه اعدای الصلح بود در سنه ۲۱ در ایام حکومت برکشته
آره که بعد فوت منعم خان ناظم بنگاله تمام مملکت بنگاله بتصرف داود کرانی
رفته بود در راجه گجپتی محاصره قلعه آره نموده بود او مردانه باو نبرش پیوسته
بکار آمد فرخ حسین خان ولد قاسم حسین سلطان مدرس از اردکان
خوارزم و مادر او خواهر سلطان حسین میرزا در سنه احد اکبری بمنصب
هزاری و خطاب خانی سربلند شده در سنه ۳ خدمت نمایانی نموده بود دیگر احوال
او معلوم نشد فضلخان دکهنی در سنه سوم عالمگیری بجلدوی حواله کردن قلعه
بر بنده بمنصب چهار هزاری و خطاب خانی سرافراز شده در سنه ۹ مصدر ترددات
گردیده انجام حال او معلوم نشد عالم خان ولد رستم خان فاضلخان
دلدار خان کلان در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و خطاب خانی سربلند شده
متعین لاهور بود در سنه ۹ بکومک سردار محمد حکیم دارای کابل برادر حضرت

نامور

شکاری که حضرت شکون مبارک فرمودند باین خطاب ولعدحالت
ایشان در سنه جلد اکبری بمنصب دوصدی سرافراز شده خدمت می نمود
در سنه ۱۲ چون او را بیماری جسم شده بود متوجه حضرت صحت یافت
و تا سنه ۴۰ تردد می کرد درین عهد ظاهرا فوت کرد فتح خان مسند عالی
از طایفه فیلبانان ارصوسن بنابر دوام حاضرباشی در جناب
اکبری قرب و منزلت داشته از روی طبقات اکبر سرافراخته خدمت
می نمود در سنه ۹ اسمعیل فرحت حال شده در سنه ۱۰ در سنه ۱۱ واقعه
چهار کهند تردد ها نموده در سنه ۲۱ متعلق لاهور گردیده در سنه ۲۳ بحکومت
بهکر از اعمال اعتماد خان خواجه سرا مقرر گشته در سنه ۳۱ متعین
قاسم خان میر بحر بعزم تسخیر کشمیر شده در سنه ۳۴ در اوده فوت کرد
از راسی بهره وافر داشت فتح خان سور در عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۴۳ همراه راجه مانسنگه کچهواهه در بنگاله
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد فتح لودی در اخر عهد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۴۷ در جنگ بادکهنیان
همراه مرزا ایرج تردد نمایانی نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد فرحت خان

بمنصب پانصدی و بخطاب خانی بزنام خود سربلند گردیده بقوت طالع بجایزه
ترددات شایسته باضافه منصب مساعات اندوخته در سنهٔ ۲۵ عمر بخشیگری احدیان
و در سنهٔ ۲۶ بخطاب عاقل الخان بهادر و در سنهٔ ۲۹ بخلدوی سوخلص باری قلو بگیری
بخطاب فیروز جنگ و در سنهٔ ۲۹ بعنایت ماهی و در سنهٔ سی ام عوض تردد هنگام
فتح قلعه حیدرآباد که زخمی شده بود بمنصب هفت هزاری ذات و سوار والا مرتبه
گشته با آنکه در سنهٔ ۳۲ بمرض ماده دماغی نابینا گردیده بود اکثر مصدر خدمات
مانده و نظم صوبجات بخوبی نموده حضرت را بحسن خدمت راضی داشته در سنهٔ ۴۱
بجایزه تعاقب ماهی سیدهم باضافه سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بخطاب
سپه سالار و بانعام کرور دام کوس منهیا دولت زده در سنهٔ احد بهادر شاه
بنظم صوبه گجرات مقرر شده در سنهٔ ۳ داعی رحلت کرد بعض کارها بدست
بسته از و برآمده بود غیور خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی
و بخطاب خانی و قلعه داری مرموده سربلند بود در سنهٔ احد بهادر شاه اضافه
صدی یافته خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد ۞ ۞ ۞ ۞

حرف ف

فتح خان دو ند امام حسن ال هنگام گذر را اب بهاکو در سهرند بعرض آوردن
شکاری

در رکاب بوده در سنه همراه راجه جسنگه بدکن تعین گردیده در سنه ۹ بحضور

آمده در سنه همراه محمد امین خان کابل گشته ابنده بخطاب غضنفر خان

نامور شد در سنه ۲۲ مصدر خدمات پسندیده شده در سنه سی ام بنوازش

علم و طوغ نامور گردیده بود انجام حال او معلوم نشد غضنفر خان دیگر

در اواخر عهد عالمگیری بمنصب مناسب و باین خطاب سرافراز بود در حیات

حضرت ارس اعظم شاه باضافه صدی نام بر آورده ظاهرا در جنگ

اکبراباد بکار آمد غالب خان دکهنی در سنه سوم عالمگیری بجلدوی

حواله کردن قلعه پرینده بمنصب چهار هزاری و بخطاب خانی سرافراز شد

در سنه ۹ مصدر تردد ی گردیده بود انجام حال او معلوم نشد غالب خان

ولد رستم خان بیجاپوری در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب غالب خان

سرافراخته در سنه ۴۸ بجلدوی تردد ذات بمنصب چهار هزاری مباهات اندوخته

در سنه احمد بهادر شاه باضافه هزاری نام بر آورده بود انجام حال او معلوم نشد

غازالدین خان بهادر فیروز جنگ سپه سالار میر شهاب الدین نام ولد عابد خان

در سنه ۱۲ عالمگیری از بخارا آمده بمنصب سه صدی سرافراز شده در سنه ۲۲

بجلدوی حراست اوردن ارجمعلی بهادر عالمگیر شاهی از بحکمه ادد بسود

چو سوار از تغیر تکرمخان نام برآورده در سنه ۶ تغیر کردیده در سنه ۷ بحضور آمده بنظم

مهمها از تغیر لشکر خان و بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۸ در انجا

فوت کرد غضنفر خان عماد ملک اوزبک میراخور از طرف پدر

محمد خان والی بلخ بقلعداری قلعه غوری مقرر می بود در سنه ۹ شاهجهانی چون

ولایت بلخ مفتوح شد و قلعه مذکور متصرف اولیای دولت در آمد مشار الیه

بندگی درگاه اختیار نموده بمنصب هزاری سرافراز گردیده در سنه ۱۱ بحکمات خانی

و باضافه پانصدی و بخدمت قوس بیگی و در سنه ۲۲ بمنصب دو هزاری سربلند گردیده

متعین مهم قندهار شده در سنه ۲۳ بجایزه تلاشهای مردانه در مهم قندهار

در صف جنگ با قزلباش بمنصب دو هزار و پانصدی و بعد رسیدن

در اکبرآباد بمنصب سه هزاری مباهات اندوخته در سنه ۲۵ همراه شاهزاده

عالمگیر بکرر متعین مهم قندهار کردیده در سنه ۲۶ همراه شاهزاده دارالشکوه

بار متعین مهم قندهار گشته در سنه ۲۸ بجایزه سرانجام خدمت قوس بیگی

بعنایت اسپ عراقی سربلند برده بود در سنه احد عالمگیری بنظم

ملهها و بمنصب چهار هزاری ۳ هزار سوار نام برآورده در تعاقب دارالشکوه

به الیعارها رفته در سنه سوم معزول شده در سنه ۴ بحضور آمده در سنه ۶ در سفر کشمیر

در رکاب

باین خطاب سربلند شده در سنه ۲۶ بقلعداری ارک اسلام پوری
از تغیر مرید خان مقرر گشته بود بعد رحلت آنحضرت در ایام فوجداری
مالکور اضافه یافته بود دیگر احوال او معلوم نشد غضنفر خان ولد الله
وردی خان کلان در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب سر برافراخته در
سنه ۹ همراه پدر هنگام تسخیر قلاع دکن تردد نموده در سنه ۱۲ بخدمت
تورک مقرر شده در سنه ۱۶ بداروغگی توپخانه سرکار والا در سنه ۱۷
بداروغگی فیلخانه و در سنه ۲۱ بجایزه تلاشهای نمایان در کارزارهای
بلخ و بدخشان بمنصب هزاری و در سنه ۲۲ بخطاب خانی بر نام خود
سرافراز شده در سنه ۲۶ در مهم قندهار تردد نمود و در سنه ۲۷ بفوجداری میان
دوآب مقرر گردیده در سنه ۲۸ معزول گشته در سنه ۳۰ باز بفوجداری
مذکور از تغیر حسن بیگ خان که اهتمام عمارات مخلص پور داو
دن بهر بود و لتخانه بعهده او بود تا حال باتمام رسیده بود مقرر شده
در سنه احد عالمگیری باز بفوجداری مذکور از تغیر فدائی خان و باضافه
منصب و در سنه ۳ بسبب انضمام فوجداری دوآب بمنصب و در سنه ۱۱
دو هزار و پانصدی و دو هزار و پانصد سوار و در اواخر این سال بفوجداری

بمنصب دو ہزار پانصدی و بنظم دار الخلافت و طاہر اہدار و علی عمارت
قلوب شاہجہان اباد و کندن نہر فیض در ۱۳ سنہ بنظم مشہاہ از تغیر خواصخان و
بمنصب سہ ہزاری نام برآورده در ۱۴ سنہ در انجا فوت کرد غیرتخان نامی یک
دارا شکوہی منصب داشت در ۲۳ سنہ شاہجہانی باین خطاب و در سنہ ۲۸
بخطاب بہادر خان سرافراز شده بود و ہم احوال او در ذیل خطاب
بہادر خان بقلم آمد غیرتخان میر مراد ولد میر موسی مازندرانی در
آخر عہد شاہجہانی منصب مقصدی و الب در سنہ احد عالمگیری با
منصب دو ہزاری و باین خطاب و در ۲ سنہ باضافہ پانصدی بمنصب
و پانصدی و بقلعداری رہتاس از تغیر شاہ قلیخان و بعد چندی با ضافہ
پانصدی و بقلعہ داری جارگڈہ سرافراز شده در ۳ سنہ در انجا فوت کرد
غیرت خان محمد ابراہیم نام ولد یکتاخان جعفر در آخر عہد شاہجہانی
بمنصب پانصدی و در سنہ احد عالمگیری بمنصب سہزاری و بخطاب
ساعی خان و حال عالم و در ۳ سنہ بعفو تقصیر باین خطاب و در ۴۳ سنہ بخطاب
مراد خان سرافراز شده بود و ہم احوال او در ذیل خطاب مراد خان بقلم
خواہد امد غیرتخان دیگر در آخر عہد عالمگیری بمنصب ہزار و پانصدی و

غیاثخان زینخانی در ۴ سنه جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب
خانی سرافراز شد در ۵ سنه عوض تقصیر کوتاهی در جنگ در صوبه بهار شهر
گردیده هم در سنه مذکور تقصیر او بعفو مقرون گشته در ۱۶ سنه بمنصب
دوهزاری نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد غزنین خان جالوری
زمیندار جالور مضاف صوبه اجمیر در ۲۵ سنه اکبری بمنصب چهارصدی
سربلند بود در عهد جهانگیری بخطاب خانی و در ۳ سنه بجایزه تردد در تنبیه
رانا همراه عبدالله خان بهادر باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری بلندی گرا
شد در ۸ سنه در معرکه ترددات و جانفشانیها نموده بود در ۹ سنه فوت کرد
عزتخان از سادات باره منصبی داشت در ۱۳ سنه جهانگیری بمنصب
هزار و پانصدی و بخطاب سرافراز شده در ۱۵ سنه در ضلع کابل در جنگ
با افاغنه کوهستان شهید شد عزتخان خواجه کامگار برادرزاده عبدالله
خان بهادر فیروز جنگ منصبی داشت در ۳ سنه شاهجهانی در جنگ خانجهان
لودی همراه عم خود تردد می نمود چون عمش پسر خانجهان را مصحوب مشار الیه
بحضور پرنور فرستاد در ۴ سنه بجلدوی این خدمت و در ۵ سنه در جایزه تردد
در جنگ با بیجاپوریان بعنایت تحسین و آفرین و بان خطاب در ۱ سنه

و در سنه ۱۵ بخطاب اصفهان سرافراز شده بود همه احوال او در دل اصفهان
نوشته شد میر غیاث الدین خان چهارمین پور اسلام خان میر عبد السلام
در سنه ۱۲ بجای بعد فوت پدر بمنصب مالصدی آینده بمنصب سه صدی سربلند
شده بود در سنه ۳ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و به بخشیگری صوبه اورنگ آباد
و در سنه ۶ بحکومت بندر سورت امثال رعایا خان و در سنه ۱۰ به بخشیگری دکن
امثال محمد لطیف خان سر برافراخته بود در سنه ۲۲ رحلت کرد غیاث الدین خان
دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بخشیگری سورت سربلند
بود و تا سنه ۲ بهادر شاه خدمت می نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد غزنیخان
قاضی نظام بدخشی نوکر سلیمان حاکم بدخشان بود در سنه ۱۹ اکبری از کابل آمده
بمنصب هزاری و بخطاب نامور شده در سنه ۲۵ در بعضی مکالاترد
نموده در سنه ۲۹ فوت کرد غازیخان بلوچ در سنه ۳۰ اکبری از ضلالت برآمده
هدایت گزیده بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته تا سنه ۴۴ خدمت می نمود دیگر
احوال او معلوم نشد غازیخان فردی در عهد اکبری بمنصب و بخطاب
سر برافراخته تا سنه ۴۴ همراه خانخانان در جنگ بادکسان و در سنه ۶ باتفاق
دیگر بندها برزم شدید پیوسته ظفر یافته بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد

غیاثخان

لاهور و ملتان مباهی گشته فوت کرد عبدالغفور خان در اواخر عهد عالمگیری
بمنصب و خطاب خانی داشت در سنه بقلعداری مهادرگده از قلاع دکن از تغیر
علی مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عطاء الله خان برادر امان الله خان
نبیره الله وردیخان جعفر در اخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی سربلند
شده در سنه ۱۱۱۳ هنگام تسخیر قلعه سورا مصدر ترددات نمایان گردیده در سنه احد
بهادرشاه باضافه پانصدی نام برآورده بود احوال او معلوم [نشد] عتیق الله خان
در اخر عهد عالمگیری بمنصب [illegible] و خطاب خانی سربلند گردیده بفوجداری
دهاموتی و امابت و فوجداری حکله آباد مضاف صوبه اکبرآباد مقرر گردیده به
مدتها سرانجام کار پرداخته در عهد محمدشاه ناکام رفت عبدالحمید خان ولد
قاضی عبدالله در اواخر عهد عالمگیری بمنصب هشتصدی و خطاب خانی و خطاب دیوانی
گجرات سرافراخته در سنه احد بهادرشاه بیجا بدیوانی آنجا باضافه صدی نام برآورده
بود دیگر احوال او معلوم نشد عارف خان کشمیری در اواخر عهد عالمگیری
بمنصب و با خطاب سرافراخته بود بعد رحلت حضرت بدیوانی
کشمیر مقرر شده در سنه فوت کرد عبدالجبار خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب
نهصدی و خطاب خانی سربلند بود بعد رحلت حضرت باضافه صدی نام
برآورده

برآورده دیگر احوال او معلوم نشد علی سبحان در آخر عهد عالمگیری به

منصب و باستحقاب و بدیوانی اورنگ آباد سربلند بود در سنه بهادر شاه

بحال ماند دیگر احوال او معلوم نشد علی احمد خان در آخر عهد عالمگیری

بمنصب و بان خطاب و بفوجداری سا نهر سربلند بود در سنه احد بهادر شاه

بمنصب هفت صدی نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد عبد القادر خان

در عهد عالمگیری بمنصب هفت صدی و بخطاب خانی و بداروغگی کرکراسخانه

سرافراز بود در سنه احد بهادر شاه باضافه صدی نام برآورده دیگر احوال او معلوم

نشد عبد الواحد خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب وا بخطاب خانی

سرافراخته تا سنه خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد علیمراد خان

کوکه شاهزاده معز الدین در عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی مامور بود در

سنه جلدوی ترددی بمنصب پانصدی سرافراز شده در عهد معز الدین پادشاه

بمنصب هفت هزاری و بخطاب خانخانان بهادر و بخدمت بخشیگری والا

پایه شده در جنگ با فرخ سیر پادشاه را بسه جانبازی مردانه با جست

حرف غین نقطه دار

غیاث الدین خان ولد داماد فرو بیک در سنه احد اکبری بمنصب خانی

لاهور و ملتان مباهی گشته فوت کرد عبدالغفور خان در اواخر عهد عالمگیری

بمنصب و خطاب خانی داشت در سنه ۱۱۲۲ بقلعداری بهادرگده از قلاع دکن از تغیر

علی مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عطاء الله خان برادر امان الله خان

نبیره الله وردیخان جعفر در اخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی بلند

شده در سنه ۱۱۱۴ هنگام تسخیر قلعه تورنا مصدر ترددات نمایان گردیده در سنه احد

بهادرشاه باضافه پانصدی نام برآورده بود احوال او معلوم عتیق الله خان

در اخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و خطاب خانی سربلند گشته بفوجداری

دامونی و اماست و فوجداری چکله آباد مضاف صوبه اکبراباد مقرر گردیده به

مدتها سرانجام کار پرداخته در عهد محمدشاه ناکجا رفت عبدالحمید خان ولد

قاضی عبدالله در اواخر عهد عالمگیری بمنصب ششصدی و خطاب خانی و طاهر بیوتات

گجرات سر برافراخته در سنه احد بهادرشاه بیجاپولی بدیوانی انجا و باضافه صدی نام برآورده

بود دیگر احوال او معلوم نشد عارف خان کشمیری در اواخر عهد عالمگیری

بمنصب و بخطاب سر برافراخته بود بعد رحلت حضرت بدیوانی

کشمیر مقرر شده در سنه فوت کرد عبدالجبار خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب

نهصدی و خطاب خانی سربلند بود و بعد رحلت حضرت باضافه صدی نام

برآورده

لاہور وملتان مباہی گشتہ فوت کرد عبدالغفور خان در اواخر عہد عالمگیری
منصب وخطاب خانی داشت در سنہ بقلعداری بہادر گڑہ از قلاع دکن از تغیر
علی مقرر شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد عطاء الدخان برادر امان الدخان
نبیرہ الہ وردیخان جعفر در اواخر عہد عالمگیری بمنصب ہزاری وبخطاب خانی سربلند
شدہ در سنہ ہنگام تسخیر قلعہ ستارا مصدر ترددات نمایان گردیدہ در سنہ احد
بہادر شاہ باضافہ پانصدی نام بر آوردہ بود احوال او معلوم عتیق الدخان
در اواخر عہد عالمگیری بمنصب ہفصدی وبخطاب خانی سربلندی بفوجداری
دامونی وایاس وفوجداری حکلا آباد مضاف صوبہ اکبرآباد مقرر گردیدہ بہ
مدتہا سرانجام کار پرداختہ در عہد محمد شاہ بانجا رفت عبدالحمید خان ولد
قاضی عبدالد در اواخر عہد عالمگیری بمنصب ہشتصدی وبخطاب خانی وظاہر دیوانی
گجرات سر برافراختہ در سنہ احد شاہی بہادر شاہ بجای بدیوانی انجا وباضافہ صدی نام بر آوردہ
بود دیگر احوال او معلوم نشد عارف خان کشمیری در اواخر عہد عالمگیری
بمنصب وبایخطاب سر برافراختہ بود بعد رحلت حضرت بہ دیوانی
کشمیر مقرر شدہ در سنہ فوت کرد عبدالجبار خان در اواخر عہد عالمگیری بمنصب
ہفصدی وبخطاب خانی سربلند بود بعد رحلت حضرت باضافہ صدی نام
بر آوردہ

بمنصب چهار هزاری و در سنه ۱۱ بفوجداری کوکن عادلخان خانه سربلند شده
بود انجام حال او معلوم نشد عبدالرزاق خان دیگر در اواخر عهد عالمگیری به
منصب سه صدی تا شاهجهان سرافراز شده بود بعد رحلت حضرت رفیق
بادشاهزاده کام بخش گردیده دیگر احوال او معلوم نشد عزیز خان چغتای
ولد بهادر خان روهیله در اواسط عالمگیری منصبی داشته در سنه سی ام بتقصیر اعوای
بادشاهزاده محمد معظم معاتب شده در سنه ۳۶ بعد خلاص شدن ان بادشاهزاده
که همراهشان هم بعفو تقصیرات عنصب سلکخانی برادرند خان شار الیه در زمن عهد شاهجهان
خانی برنام خود در سنه بمنصب سه هزاری و بافزایش نقل چغتای بدستور نامور
گردیده در عهد محمد شاه بمنصب هفت هزاری رسیده فوت کرد سید عظمت الله
خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و در آخر عهد شاهجهان خانی سربرافراخته
در سنه بمنصب دو هزاری رسیده در سنه احد بهادر شاه بفوجداری حصار نام برآورده
بود دیگر احوال او معلوم نگردید عبدالصمد خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب
هزار و پانصدی و در آخر عهد شاهجهان خانی و بفوجداری احمداباد کهوره مضاف صوبه
اله اباد سرافراز شده در سنه معزول گردیده بود در سنه احد بهادر شاه باضافه پانصدی
نام برآورده در عهد فرخ سیر گرد سیفی را دستگیر کرده آورده بصوبه داری

شدہ آیندہ بتقصیرے معاتب گشتہ در سنہ ۱۲ بحال منصب و خدمت دارغگی دیوان خاص والا پایہ گردیدہ ایزد بفعلداری اکبرآباد مقرر شدہ در سنہ ۱۴ معزول گردیدہ بود در عہد ابن آن بہشت رفت عبدالرسول خان در اوایل عہد عالم گیری منصبے داشتہ در صوبہ بنگالہ و دکن خدمت می نمود در سنہ ۸ در دکن تردد ی نمودہ بخطاب خانی بنام خود سرفراز بود در سنہ ۱۹ بفعلداری کلبرگہ مقرر شدہ تردد می نمود دیگر احوال او بیش معلوم نشد ؛

علی ملیان ولد اسلام خان رومی در سنہ ۱۲ عالم گیری از بصرہ ہمراہ پدر آمدہ بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب خانی بنام خود سرافراز شدہ در سنہ ۱۵ در دکن ہمراہ پدر بکار آمد ؛

عباس اللہ خان در اواسط عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب در سنہ ۲ بدیوانی صدر سورت سرفراز بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالہادی خان در اواسط عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب در سنہ ۱۲ بفوجداری جاکنہ سربلند شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالوہاب خان در اواسط عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز و بسا ہی تمام عمار بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالوہاب خان خانہ زاد در عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی بنام خود و بفوجداری بعض محال خالصہ شریف سرافراز شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالرزاق خان لاری خانہ آبادی در اواسط عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراختہ در سنہ ۳۰ بفوجداری کوکن و

بمنصب

عالمگیری بخطاب خانی برنام خود و در سنه ۳۲ بمنصب هزار و پانصدی
و به سوباتی رکاب سرافراز شده در سنه ۳۶ فوت کرد در تسنن و تدین
یگانه روزگار و از اکابر زمانه بود عبد الرحیم خان برادر عماد الدین خان
فیروزجنگ منصبی داشت در عهد عالمگیری بخطاب خانی و در سنه ۳۴ بمنصب
هزار و پانصدی سرافراز شده بود در عهد محمد شاه درگذشت عبد الرحیم خان
پسر فاضلخان برهان الدین منصبی داشت در سنه ۴۴ عالمگیری بخطاب
خانی برنام خود و خدمت سوباتی رکاب سربلند گردیده بعد چند روز
بعمر نوزده سال از زندگانی سیر شد عبد الرحمن خان ولد اسلام خان
میر عبد السلام در اوائل عهد شاهجهانی منصبی داشت در عهد عالمگیری بخطاب
خانی برنام خود سربلند و بحکومت و وقایع نگاری دکن مقرر شده تا سنه ۴۲
باین کار مانده در سنه ۴۴ عبد الرحمن خان نامی بمنصب هزار و پانصدی و داروغگی
عرض مکرر معزز بود بعد رحلت حضرت بمنصب دو هزاری از پیش اعظم شاه
نام برآورده و دریافت نشد که عبد الرحمن خان مذکور است یا دیگری عبید الله خان
خواجه عبید الله برادر خواجه لطف الله دولتشاهی عالمگیر بادشاه در
اوائل عهد ایشان بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی برنام خود سربلند

دیگر احوال او معلوم نشد عبد الله خان بن شیخ عبد الله از نوکران سعد الله
خان در سنه ۳ شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده رفاقت بادشاهزاده
داراشکوه اختیار نموده در سنه احد عالمگیری بمنصب دوهزاری و بفوجداری
اتاوه و خطاب خانی برنام خود و در سنه ۲ بفوجداری چکله سهرند استقلال شیخ عبد
الکریم و در سنه سوم بفوجداری متهرا معزز شده در سنه ۱۳ مردمی ساخته بود
مردانه بکار آمد و سه هزار اشرفی و سه و ده لک روپیه و حسب چهار
لک روپیه بضبط آمد عبد الله خان او رهمانی منصبی داشت در سنه ۲۰
عالمگیری بخطاب خانی برنام خود و بداروغگی توپخانه دکن سرافراز شد
بود دیگر احوال او معلوم نشد عبد الرحیم خان ولد اسلام خان
میر عبد السلام در آخر عهد شاهجهانی بمنصب بیصدی داشت در سنه
سنه ام بداروغگی خواصان از تغیر ناصر خان مقرر شده در سنه ۱ عالمگیری
بخطاب خانی برنام خود باضافه منصب سربرافراخته در سنه ۷ بداروغگی
دیوانخاص و در سنه ۲۴ به تن بخشگری نام برآورده در سنه ۲ فوت کرد
خواجه عبد الرحیم خان ولد خواجه ابو القاسم بن میر دوست محمد از سادات
احمدخان که در عهد جهانگیری از ولایت آمده خانم کبور منصبی داشت در سنه ۲۹
عالمگیری

منصب داشت و در سنه ۱۲ به بخشیگری شاهزاده داراشکوه مقرر بود در سنه

سی ام باین خطاب سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری

و در سنه ۲ بفوجداری مارس ار بعد به سرفتان سک سربرافراخته و در سنه ۴ در

سلک کومکیان بنگاله انتظام یافته در سنه ۵ در سنه در بنگاله تردد ات نموده

تا سنه ۲۲ مصدر خدمات شایسته بود دیگر احوال او معلوم نشد عسکر

خان شکر الله نجم ثانی ولد جعفر بیگ برادر باقر خان نجم ثانی در اوایل عهد

عالمگیری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب خانی برنام خود سرافراز در سنه ۳۰

باین خطاب مباهی گشته بود انجام حال او معلوم نشد عسکر خان حیدرآبادی

در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و منصب سرافراز شده در سنه ۲۵ بنظم صوبه

اوده در سنه ۴۴ بنظم صوبه برار و در سنه ۱۳ صوبه محمد آباد بیدر لوای مفاخرت

برافراشته بود انجام حال او معلوم نشد عسکر خان برادر مطلب

خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و باین خطاب سربرافراخته

بود بعد رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه باضافه پانصدی نام بر

ورده بود دیگر [illegible] معلوم نشد عباس خان در اواخر عهد شاهجهانی

برافراخته تا سنه احد عالمگیری خدمت می نمود

خانی و بمنصب ہزاری و خدمت میر توزکی سرافراز شده بود دیگر
احوال او معلوم نشد عباس الله خان کشمیری منصب حضوری
جواہر بار داشت در سنه ۲ عالمگیری بمنصب چهار صدی
و خدمت استیفای ایمه و در سنه ۳۵ بمنصب سه صدی و خطاب خانی
بر نام خود و نیابت دیوانی خالصه از طرف رسید خان بدیع الزمان تا آمدن او و در سنه ۳۶
بمنصب هفتصدی و بدیوانی اربعه امانت خان میر حسن و دران ایام هم بدیوانی
صرف خاص و در سنه ۴۱ به نیابت خدمت دستخط اسد خان الطاف حسن
اسد خانی که در دستخط کردن مهاون می نمود و در سنه ۴۳ بمنصب ہزاری و در سنه ۴۴
بدیوانی شاهزاده بیدار بخت بهادر و در سنه ۴۵ از استعفای اسد خان بدیوانی خالصه
ضمیمه دیوانی تن و بمنصب ہزاری دوصد و پنجاه سوار و ابنده بمنصب دو ہزاری
سرافراز شده در سنه پنجاهم تعنایت اجازت استادن اندرون کتهره سر
بفلک سوده در فراخدانی و سرانجام مهام ہر دو دیوانی یکانه آفاق بوده در
ایام خلافت بهادر شاه و محمد فرخ سیر و محمد شاه تنظم کشمیر و بر سانی دنیابت
وزارت مقرر شده و بمنصب شش ہزاری رسیده در سنه تا سنه محمد شاه فوت کرد
عسکر خان عبد الله بیک بخت تای دارا شکوهی در اواسط عهد شاهجهانی
تمنحو

مصدر بقو جداری راحمدری مقرر گشته در سنه ۲۴ مصدر تردد گردید
در سنه ۲۳ که بقصد دکهسان رفته بود خلاص شده آمده بمنصب بحال
شده در سنه بیجاهم رحلت کرد عزیز الله خان عزیز الله ولد یوسف
خان بن حسن خان بکریه در سنه ۱۶ جهانگیری بعد فوت پدر بمنصب
هزاری و در سنه ۱۹ بجایزه تردد در جنگ با سلطان خرم باغی به
منصب دوهزاری سرافراز شده در سنه در سنه ۸ شاهجهانی بخطاب
عزیز خان در سنه ۱۱ بجایزه تردد در جنگ با قزلباش در قندهار باضافه
پانصدی و در سنه ۱۲ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار بقلعداری
بست و گرشک و در سنه ۱۴ بخطاب خانی بر نام خود والا رتبه گردیده در سنه ۱۷
در انجا فوت کرد عزیز الله پسر خرد خلیل الله خان در اوایل عهد
جهانگیری بمنصب و اینده بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده در سنه ۲۶
بمیر توزکی و در سنه ۳۶ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۴۶ بقلعداری قندهار
دکن از تغیر سرافراز خان سرافراز گردانیده تا سنه ۴۹ خدمت می نمود
عنایت الله خان خواجه عنایت الله نقشبندی در اوایل عهد شاهجهانی
بمنصب صدی و در اواسط عهد بمنصب سه صدی و در سنه ۲۱ بخطاب

قلعه قندهار در دکن و فوجدار لیس مقرر شده تا سنه ۱۰ در انجا بود در
عهد فردوس آشیانی بادشاه فوت کرد عوض خان منصبی داشت در
سنه احدی شاهجهانی محال کابل بود در سنه ۶ بمنصب هزاری سرافراخته
در اعاز سنه ۱۱ بمنصب هزار و پانصدی نام بر آورده همراه سعید خان ناظم
کابل خدمت می نمود درین سال که تهانه داری غزنین بود در بدست
آوردن قلعه قندهار حسن خدمت بجا آورده از طرف سعید خان پس علیمردان
خان رفته در قلعه قندهار داخل شده و بجایزه تردد در جنگ با قزلباش
بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۱۲ بحراست قلعه قلات و در سنه ۱۲
بار دوم بتهانه داری غزنین از تغیر خانه زاد خان والا رتبه گشته درین
سال تغیر شد در سنه ۱۴ فوت کرد علیمردان خان ولد گنج علیخان زیک
در سنه ۱۲ شاهجهانی از قندهار آمده بمنصب و خطاب خانی و در سنه ۱۶ بخطاب
امیرالامرا سرافراز شده بود بهمه احوال او در ذیل خطاب امیرالامرا نقلم
آمد علیمردان خان حسب ملک قلعدار حیدرآباد میر آتش ابوا
لحسن والی ملک انجا در سنه ۳۰ عالمگیری بمنصب پنجهزاری و خطاب
علیمردان خان بمعرفت صف شکنخان سربلند شده در سنه ۳۱
صوبه دار

بخطاب عزیز الدخان نوسیده بود عزیخان دیگر در اواسط عهد شاه
جهانی بمنصب و بخطاب عزیخان سربرافراخته در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری
رسیده بود انجام کار او معلوم نشد و در عهد ایشان از اینجا بانجهان
رفت عزیخان سید عبدالرزاق گیلانی نایب نظم ملتان از طرف باد
شاهزاده دارا شکوه بود در سنه سی ام شاهجهانی بمنصب و بخطاب عزیخان
سرافراز شده در سنه ۳۱ به نظم لاهور از تغیر بهادرخان باقی بیک مقرر گشته در
سنه احد عالمگیری بعد شکست اول دارا شکوه از لاهور تا بملتان همراهی
نموده از انجا جدا شده بحضور آمده بمنصب دو هزاری سربرافراخته
در کارزار با شاه شجاع در رکاب تردد کرده در اخر سال مذکور بفوجدا
ری بهرایچ مقرر گشته در سنه سوم تغیر گردیده در سنه ۴ بفوجداری بهکرار
تغیر حسن خان نام بر اورده در سنه ۱۰ به نظم ٹهٹها از انتقال غضنفرخان مباها
اندوخته و باضافه پانصدی بمنصب دو هزاری و پانصدی والا رتبه گردیده
در سنه ۲۲ به نیابت نظم ملتان مقرر گشته بود دیگر احوال او معلوم نشد
عزیخان شیخ معز الدین قریشی از اولاد شیخ برهان الدین در اخر عهد
عالمگیری بمنصب سه صدی و بان خطاب سرافراز و در سنه ۲۶ بقلعداری

امیرالامرا اسالسه خان در عهد شاهجهانی منصب پانصدی داشت درسنه احد
عالم گیری منصب دو هزاری وبعد چندی باس خطاب و درسنه دوم بقلعداری
دولت آباد سرافراز شده درعهدالشان ازجهان رفت عقیدت خان
میرمحمود برادر اصالت خان مشهدی درسنه ۱۳ عالم گیری از ولایت آمده درسنه ۱۴
منصب هزاری وبخطاب عقیدتخان ماهی ومفخر شده تا سنه ۱۵ خدمت
می نمود انجام حال او معلوم نشد عقیدتخان ولد امیرخان بن خلیل الله خان
دراخر عهد عالم گیری منصب هزاری وبخطاب عقیدتخان سرافراز شد
مدتها زیست ودرعهد عالم گیر ثانی رحلت کرد عثمان خان منصبی در سنت
درسنه احد شاهجهانی منصب هزار و دوصدی سربلند شده باس خطاب مامور
بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد عثمان خان دراخر عهد عالم گیری به
منصب وبخطاب خان ودرسنه ۲۶ محمدشاهی سربلند بود دیگر احوال او معلوم
نشد عزتخان باباخواجه درسنه ۱۴ جهانگیری بمنصب هزاری سرافراز بود
درسنه شاهجهانی بمنصب دوهزاری وبخطاب عزتخان وبفوجداری بهکر سر
برافراخته درسنه رحلت کرد عزتخان عبدالله ولد یوسفخان بن حسین
خان تکریه منصبی داشت درسنه شاهجهانی بخطاب عزتخان سرافراز درسنه ۱۴
بخطاب

و آخر بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۵ در صدق و صفا و وقار و استغنا

و توفیقات را با هزاران نیکنامی با خود برد عاقلخان مکرم الدوله شکر الله

خان خافی خویش عاقلخان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب بهصدی و خطاب

سربلند و داخل مصاحبان حضور بود که حسب الحکم پروانه اضافه بالصدی با عنایت الله

مهر خود داده بود در سنه احد بهادر شاه باضافه صدی نام برآورده بود انجام حال او

معلوم نشد عقیدتخان خواجه ابراهیم حسین منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری

بخطاب عقیدتخان و بمنصب هزاری سرافراز شده بخشیگری دکن مقرر گردید

در سنه ۱۹ که عساکر فیروزی کمک مرزایان بجالور تعین شده بود چون شکست

بر بیجاپوریان افتاد خانه کور بدست عنبر حبشی حال جالس رحام الملک

اسیر رفته خلاص گردیده آمده در عهد شاهجهانی بمنصب سابق بحال مانده در

سنه ۴ فوت کرد عقیدتخان ملا عبداللطیف گجراتی از نوکران لشکرخان در

سنه ۸ شاهجهانی بمنصب بهصدی نو سرافراز شده بدفترداری از تغیر رای مانداس

مقرر گردیده در سنه ۹ بر سالف جهد آباد رفته در سنه ۱۰ مراجعت نموده در سنه ۱۱

بان خطاب و بمنصب بهصدی نام برآورده دو ماه سال بنابر گیر رسش از جهت

دفترداری معزول گردیده در سنه ۱۲ درگذشت عقیدتخان محمد طالب اولین پسر

عاقلخان و سوانح رکاب ازتغیر ملتفت خان و در سنه ۱۳ با ضافه پانصدی و در سنه ۱۵ بمنصب دو هزاری و بخدمت خانسامانی از تغیر مکرمخان و در سنه ۱۶ بعد عزل خانسامانی بخدمت عرض و قایع و در ساله انعام از اضافه موسومخان و در سنه ۱۹ بسال بعزل خدمت عرض و قایع مارخانسامانی از تغیر سعدالدخان و همدرین بعد عزل خانسامانی بمنصب دو هزاری و پانصدی و خدمت بخشگری از تغیر خلیل الدخان در سنه هشتم بمنصب سه هزاری والا رتبه شده در سنه ۲۳ فوت کرد

عاقلخان میر عسکری خافی که دوم امام بادشاهزادگی عالمگیری بادشاه منصب داشت در سنه احدالشان باس خطاب نام بر اورده بحراست حصار شهر دولت اباد و در همین سال بقلعداری قلعه دولت از تغیر اعتبار خان خواجه سرا و بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شده در سنه ۳ حضور طلب کرده بفوجداری میان دواب از تغیر غضنفرخان مقرر گشته در سنه ۴ تنزل کرده و در سنه ۸ اضافه بمنصب دو هزاری گردیده ~~نموده~~ و بداروغگی دیوانخاص از استعمال الدیارخان نام بر آورده اینده بخدمت ڈاک چوکی سربرافراخته در سنه ۱۳ منزوی بود ابده اضافه نموده در سنه ۱۹ بنابر مسروی گردیده در سنه ۲۰ بار منصب اضافه کرده و در سنه ۲۳ بخدمت بخشگری از تغیر صف خان و در سنه ۲۴ بنظم صوبه دارالخلافت

دبتولیت روضه شیخ عبداللطیف خان برهانپور مامور گردیده بود انجام
کار او معلوم نشد عابد خان ولد نظام الدین احمد بخشی گجرات در سنه ۱۱
جهانگیری بمنصب و خطاب خانی و بخشیگری صوبه کابل سرافراز بود در
سنه ۲۳ بمنصب هزاری و سوار حضور مباهات اندوخته در همان سال دکن
رفته در سنه ۱۸ سرینگ بغی سلطان خورم بوده در سنه ۱۹ در بنگاله و در کارزار
مابین ابراهیم خان ناظم انجا کشته شد عابد خان خواجه عابد برادر خواجه بهاء الدین
قاضی سمرقند ولد شیخ عالم در سنه ۲۴ شاهجهانی از بخارا آمده بمنصب هزاری سرافراز
شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب چهار هزاری و خطاب خانی بر نام خود
سربلند گردیده در سنه ۲۳ بخطاب قلیج خان مامور گشته همه احوال او در ذیل
خطاب قلیج خان نقلیم خواهد آمد از مردان خوبان و شجاعان روزگار بود
عاقلخان خواجه عاقل منصبی داشت در سنه ۱۳ جهانگیری بخطاب خانی بر نام
خود بمنصب هزار و پانصدی و بخشیگری احدیان سرافراز شده در سنه ۱۴ به
منصب دو هزاری رسیده بود انجام حال او معلوم نشد عاقلخان
عنایت الله ولد امانت خان برادر افضلخان ملا شکرالله در اوایل
عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۱۲ بمنصب هزاری و بخطاب

وبخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲ اشتراک بیعت سلطان خورم گردیده در سنه ۲۱
در جنگ با شریف الملک ناظم صوبه‌ها که از طرف سلطان شهریار بود مردانه
کشته شد خواجه علیخان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی
و در سنه نهم در دکن مصدر تردد گشته دیگر احوال او معلوم نشد عبدالعزیز خان
خواجه عبدالعزیز نقشبندی در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب صادقخان
سرافراز شده و در سنه ۹ بخطاب خانی بنام خود در سنه ۱۳ بمنصب دو هزاری سربر
افراخته و در سنه ۱۵ بنظم صوبه قندهار در بعد بهادرخان اوزبک مقرر شد در سنه ۱۶
بمنصب سه هزاری نام برآورده در سنه ۱۸ چون شاه عباس فرمانروای ایران
محاصره قلعه نموده بر جا سه آمده و در سنه ۱۹ حکم اخراج او صدور یافته بود احکام
حالش معلوم نشد عبدالعزیز خان شیخ عبدالعزیز در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزار و پانصدی و بکلدوی تردد داشت که در جنگ اکبرآباد با سلطان دارا شکوه
بیست و یک زخم برداشته بود بخطاب خانی بنام خود و بقلعداری حصار مقرر گردید
در سنه ۲۹ در آنجا رحلت کرد عبدالعزیز ابوالخیر نام ولد عبدالعزیز خان
شیخ عبدالعزیز در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بنام خود
در سنه ۳۵ بقلعداری خیرآباد بسال بدر سرافراز شده بود در سنه ۴ بخطاب
دیت

وبخطاب عزتخان سربلند گردیده ایزده از کومکیان صوبه کابل بود در سنه ۱
عالمگیری بحکام تهانه داری باجور فوت کرد سید عزتخان سید عبدالله
در سنه ۲۲ عالمگیری منصبی داشت ایزده بخطاب عزتخان سرافراز شده بتقصیر
های عتاب آمده بود در سنه ۲۶ عالمگیری منصبی داشت الی سحانی خطاب در سنه
... ام بدار و علم و نوبخانه ارتفع صلابتخان سربلند گردیده در مورچال حیدر
آباد دستگیر رفته بعد دو روز خلاص شده آمده خدمت می نمود انجام حال او معلوم
نشد علیخان کاکر در اخر عهد اکبری بمنصب هزاری و باش خطاب سرافراز
گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد علیخان کرد در اخر عهد اکبری بمنصب
... باش خطاب و بدار و علم و نقاره خانه سرافراز شده بود در سنه ۲ جهانگیری
بخطاب نوبتخان مامور گردیده همه احوال او در ذیل خطاب نوبتخان بقلم
خواهد آمد علیخان نیاری در اوایل جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی سرافراز
بود باشله خدمت می نمود در سنه ۱۱ بخطاب نصرتخان مامور شد همه احوال او
در ذیل خطاب نصرتخان نوشته خواهد شد علیخان سره شیخ سلیم چشتی
در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری باش خطاب سربلند شده بود دیگر
احوال او معلوم نشد علیخان ترین در اخر عهد جهانگیری بمنصب

در ابجا معزول گردیده تا اخر عهد خدمت می نمود در جنگ سلطانی از طرف
بادشاهزاده محمد معظم هراول بود بمقابله بادشاهزاده محمد اعظم شاه بمردانگیها
بکار آمد عمر خان افغان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سرافراز و در سنه ۸ متعین
بنگاله شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عالم خان در سنه ۲۳ اکبری بمنصب و خطاب
عزت خان سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد عزت خان در سنه ۱۲ اکبری
منصب و با خطاب سربلند و همراه خانخانان در جنگ بادکسان تردد نموده بود دیگر احوال
او معلوم نشد عزت خان خانی در اوایل عهد جهانگیری منصب سی صدی و خطاب
خانی سربلند شده در سنه ۸ بفوجداری جلال اباد مضاف صوبه کابل و در سنه ۱۰ بفوجداری محالات
قرب و جوار دهلی مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد عزت خان نور محمد عزت
منصبی داشت و در سنه شاهجهانی خدمت می نمود در سنه مهمانداری
طغرل از انتقال مصطفی خان و خطاب عزت خان سرافراز شده در سنه ۸
و در سنه ۹ در بعضی جانوران مردانه نموده در سنه ۱۰ بقلعداری دهار در
ارقلاع دکن مقرر گردیده در سنه ۱۱ بمنصب دو هزاری دو هزار سوار نام بر آورده
در سنه ۱۲ در الخافوت کرد عزت خان بهادر بیک عرب دار اشکوهی در اواسط
عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه سی ام منصب هزاری
و خطاب

عنایتخان در همان سال فوت کرد عنایت خان محمد انور ولد صلابت خان

در عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی سرافراز شده بود در سنه ۱۱ بخطاب عنایتخان و

بمنصب نهصدی سربرافراخته در سنه ۲۰ خدمت کمانی نموده در سنه ۲۱ درگذشت

عنایت خان عنایت الله ولد ظفر خان احسن الله منصبی داشت در سنه ۲۱

شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه ۲۳ بخدمت داغ و بخطاب عنایتخان و در سنه ۲۹

بمنصب هزار و پانصدی سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری استعفا از نوکری

نموده در سنه ۶ بسالانه بیست چهار هزار روپیه در کشمیر بسر برد انجا نیکنام رفت

تاریخ شاهجهان نامه را خوب نوشته است عنایت خان دیگر در اوایل عهد عالمگیری

بمنصب و بانخطاب و در سنه ۱۰ بدیوانی خالصه شریفه و در سنه ۱۱ بمنصب نهصدی و در

سنه ۱۴ بحکومت چکله بریلی و در سنه ۱۶ بفوجداری مرادآباد و در سنه ۲۰ بار دوم بدیوانی خالصه

از تغیر کفایت خان جعفر بیگ و در سنه ۲۴ به ملازمت رکاب آمده بفوجداری اجمیر سرافراز

شده در سنه ۲۶ در انجا رحلت کرد عنایت خان ولد اسد خان وزیر مشهور

قراباملو منصبی داشت در سنه ۳۲ عالمگیری بانخطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم

نشد عنایت خان ولد لطف الله خان بن علامی سعد الله خان در عهد عالمگیری

بمنصب و بانخطاب سربرافراخته آمده منتظم صوبه برهانپور مقرر شده در سنه ۴۱

درسنه تردد‌ے نموده بود انجام حال او معلوم نشد علی قلی محمد علی

بیگ ولد امیر الامرا مردا علی مردا نخان درسنه عالمگیر از ولایت

آمده بمنصب دو هزاری و بخطاب علیقلیخان سرافراز شده بود دیگر احوال

او معلوم نشد علیقلیخان ولد مهابتخان لهراسپ در اخر عهد عالمگیری بمنصب

دو هزاری و باین خطاب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد بعد رحلت آنحضرت

از پس بهادر شاه باضافه هزاری و بنظم اوده امتیاز یافته بود دیگر احوال او معلوم نشد علی دوست خان

بارهه یکی از خدمتگاران همایونی از ولایت در رکاب ایشان در سنه احد اکبری

بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در کارزار ها بهمون تردد‌ی نموده بود در

سنه ۲۱ همراه شهاب الدین احمد خان بدکن تعین گشته در سنه ۳۵ معاش مالوا کرده تا سنه

در حضور خدمت می نمود از خصوصان حضرت انجام حال او معلوم نشد عادلخان

پسر شاه محمد خان قلاتی در سنه احد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده در مهم مالوا تردد‌ے

نموده در سنه ۱۲ در ایلغار سه جانبازان غیر در رکاب تلاش مردانه کرده در سنه ۱۳ در جنگ

ما سر زخم خورده هلاک شد عادلخان دیگر در سنه ۴۲ اکبری بمنصب و بخطاب خانی بلند

و باتفاق مرزا خان در دکن مصدر تردد شده دیگر احوال او معلوم نشد عبد

المطلب خان ولد شاه بداغ خان در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی

داشت بعد رحلت آن حضرت از پیش اعظم شاہ بمنصب چہار ہزاری
و شرف اندوری رکاب سرافراز شده در کار زار اکبرآباد وقتیکه الس بان
مخالف کذی فیل سواری او را درگرفت خانمذکور از فیل فرو دآمده بر
اسپ سوار شده شمشیر با بدات خود زده ساده پابهر سو حمله آورده
بسیار را دوپاره ساخته چون زخمهای منکر برداشته بود بهمراه السش
برداشته آوردند و زخمهای او اندک اندک به شده بود بعد دریافت
ساکه اعظم شاه بخیه های زخمها را گسیخته از جهان مان جهان رفت
تهور و مردانگی او از اندازه کمف بر ولست عاعلی قلیخان سمای
از ولایت در رکاب همایونی آمده در سر احد اکبری بمنصب و خطاب
خانی و در جلدوی تردد در حنگ باسیون بخطاب جانبازخان سرافراز شد
بود بهم احوال او در ذیل خطاب جانبازخان بقلم آمده علی نقلیخان
خافان در عهد اکبری بمنصب و خطاب خانی سر برافراخته در
سند در جنگ با جانبازخان باغی تردد سے نموده بود انجام حال او معلوم
نشد علی قلیخان علنقلی بیک از کوران شاهزاده مرادبخش
در سر احد عالمگیری بمنصب دوهزاری و خطاب خانی سر برافراخته
در سره

برنهاج را باتفاق باصحاب دستگیر نموده بحضور فرستاده در سنه ۵ بحضور آمده بارمعاش مهم بندیله اکردیده در سنه ۱۶ بنظم الهاباد از تغیر سید شجاعت خان نام برآورده در همان سال مقصر حق ناشناسی بمنصب گشته در سنه ۱۸ بعفو تقصیر و بحالی منصب نامور شده در سنه ۱۹ بالحیان رفت

عبدالله خان ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب و در اوائل عهد بخطاب خانی برنام خود در سنه احد عالمگیری بخطاب سرافراز شده بود بهر احوال در ذیل خطاب سعد خان نوشته شد

عبدالله خان سرای سره شکوه الالوس امام قلیخان والی بلخ در سنه ۲۱ شاهجهانی بمعرفت بادشاهزاده عالمگیر بمنصب هزاری سرافراز شده بود در سنه ۲۲ متعین مهم قندهار در سنه سی بام معاش دکن کردیده در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و پانصدی و بخطاب خانی سربرافراخته در معارک سلطانی ترددها نموده در سنه بعلت سکالا گشته در آنجا تردد ذات کرده بود دیگر احوال او معلوم نشد عبدالله خان خواجه عبدالله در سنه احد عالمگیری در جنگ بالوا ترددی نموده بمنصب هزاری و هم در سنه مذکور بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی برنام خود بعلداری گوالیار سربرافراخته

در

بغی نموده بودند در عین کار ملحق گشته در نمک حرامی دریغ ننموده
در سنه ۲ شاهانه بشفاعت خانجهان لودی تقصیرش معروض بعفو گردید
در سنه ۴ بمدت ششماهی بالتماس خواجه عبدالرحیم عرف ... قلیچخان والی
بلخ بعفو جرایم و بمنصب هزاری و سوار فتوح سربلند شده باتفاق بهادر
خان روهیله بنابر جهجهار سنگه بندیله تعین گشته در فتح قلعه ایرچ تردد
نمایان نموده در سنه سوم به تنبیه خانجهان لودی باغی متعین شده در
تعاقب او بدکن رفته در سنه ۴ بجایزه سعی او منصب سه هزاری و خطاب
بهادر فیروز جنگ نمایان شده در سنه ۵ از دکن آمده بنظم صوبه بهار از تغیر
سعید خان مساعات اندوخته در سنه ۸ بحضور آمده بنابر تنبیه جهجهار سنگه بندیله
باز تعین شده بجایزه آنکه در تنبیه او در دکن تلاشهای نمایان نموده بود بمنصب
هفت هزاری و بعنایت خلعت خاصه با چارقب زردوزی امتیاز یافته
بصوبه مذکور رفته در سنه ۱۰ بسر وقت اوجین زمیندار بهوجپور مضاف صوبه
بهار را در مدت ششماه تنبیه نموده در سنه ۱۱ بحضور آمده و بصوبه رخصت گشته
در سنه ۱۲ بفوجداری اسلام آباد متهرا از تغیر باقیخان قلماق بنابر تادیب
حسب بندیله و مستهراج نام کودکی از اولاد جهجهار سنگه مقرر گردیده در سنه ۱۳

بخطاب بهادر فیروز جنگ و در جلدوی سه رانا بمنصب بنجهزاری
در سنه ۶ بنظم صوبه گجرات سرافراخته بود چون از انجا باصلاح مهام دکن با
تفاق اعظم خان مرزا کوکه مامور شده بار دیگر از غرور و سخن تا سوی الرد
شکست فاش خورده راست راه گجرات گرفته بار سوب نقان اعظم
خان که شریک او در جنگ شده بود مورد عتاب گردیده در سنه ۸
بارسال فیل بالا سر سرافراخته در سنه ۱۱ بتقصیر ابرو کردن جاهد خان
واقعه نگار گجرات معصوب و معزول شده بخوف غضب سلطانی
پیاده پاروانه حضور گردیده چند منزل طی نموده بمبالغه رامیخان که
از حضور بادرد لش رسیده بود که براسب سوار گشته قطع منازل کرده
در حضور بار کورنش یافته بعد چندی بشفاعت سلطان خورم تقصیرش
معاف گردیده همراه سلطان سعی مهم دکن شد در سنه ۱۲ از دکن بحضور آمده
بکالیه جاگیر خود دستوری یافته آینده بار بتعین دکن شد در سنه ۱۴ بحکم
از جاگیر خود بر خاسته آمده باین تقصیر معاتب گشته در سنه ۱۶ بدر سلطان
خورم بعفو تقصیر و بمنصب شش هزاری چهره افتخار برافروخته از جاگیر خود در
حضور رسیده در سنه ۱۹ لسب کم فطرتی بخورم سلطان که دران ایام راه
بغی

شجاعت خان بلقلم آمد عبدالله خان مغل از ولایت در رکاب همایون
آمده در سنه احد اکبری بمنصب دوهزاری و خطاب خانی سرافراخته
تا سنه در حکومت بهار خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد
سید عبدالله خان ولد خواند میر از صغر سن خدمت اکبر بادشاه می
نمود در عهد ایشان بمنصب هفتصدی و خطاب خانی سرافراخته
در سنه نهم در ایلغار مسه عبدالله خان اوزبک تردد نموده در سنه ۲۱ سر داد
افغانان مرزبان بنگاله را که خانجهان ناظم آنجا فرستاده بود در عرض
پانزده روز در فتح پور آورده در سنه ۲۵ بار متعین بنگاله گردیده تا سنه ۲۹ در اکثر معارک
آن صوبه ترددها نموده بعد از آن معه کشمیر که در سنه ۳۱ فتح شده بود عبدالله
خان بهادر فیروز جنگ خواجه عبدالله نقشبندی از سادات کبار که والده خواجه
مذکور خواجه جواهر حسن سعدی است که بخت النساء بیگم همشیره اکبر بادشاه
را در حباله نکاح خود داشت در سنه ۴۴ اکبری از ولایت آمده بمنصب
هزاری و خطاب صفدر خان سربلند گشته در سنه ۱ سوم باضافه هزاری
احد جهانگیری بمنصب دو هزار و پانصدی و خطاب خانی بر نام خود سرافراز گردید
در سنه سوم باضافه هزاری و در سنه ۴ هنگام رخصت مسه رانا زمیندار اودیپور

منصب نموده درسنه ۶ در لاهور نیکنام رفت مرد قابل و شاعر و نیک نهاد
وخادم ارباب کمال بود ظفرخان ابوالفتح نام ولد شایسته خان امیرالامرا
در عهد شاهجهانی بمنصب مقتدری داشت درسنه احد عالمگیری بمنصب هزار و
پانصدی وا یزده بخطاب ناصرخان سرافراز شد درسنه بخطاب ظفرخان در
سنه ۳۶ بفوجداری جونپور مباهات اندوخته ایزده بنظم صوبه کشمیر مامور گردیده
درایام نظم انجا بمرض سودا سکوت اختیار کرده بود و جواب مطالب وکارها
بدستخط سرانجام می نمود بلکه برفرد و قایع دستخط خاص مرتب گشته کردیوانه نادر
عاقل هوشیار درست انجام کار او معلوم نشد ظفرخان بالای ارتضا
صوبه گجرات در اخر عهد عالمگیری هنگام نظم بادشاهزاده محمد اعظم بمنصب
شش صدی دباین خطاب سرافراز شده بود بعد رحلت الحضرت
همراه اعظم شاه از دکن آمده خدمت می کرد انجام حال او معلوم نشد

حرف ع عشر نقشدار

عبدالله خان اوزبک از ولایت در رکاب همایونی آمده درسنه احد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی برنام خود سر برافراخته درهمان سال بجایزه
تردد شایسته بخطاب شجاعتخان نام برآورده بود و همه احوال در ذیل خطاب
شجاعت

بلند شده بود در سنه ۲ با احداد افغانی باغی در کابل بحرب صعب پیوسته
ظفر یافته سراو را بدست افتخار خان بحضور فرستاد در سنه احد شاهجهانی بعد
عزل بابت بحضور آمده در سنه ۲ بابر تنبیه جاجهان لودی باغی تعین گردیده در سنه ۳
همراه پدر بتسخیر محالات ناسک ترنبک در سنه ۴ همراه آصف خان برای انتظام
مالاکهات رفته ترددها نموده در سنه ۹ بمنصب سه هزاری دو هزار سوار و
منظم کشمیر از انتقال پدر سر برافراخته در سنه ۱۰ قلاع سکهر و کهوکهر و کهانجه و
غیره از ولایت تبت بعد کارزار بسیار فتح کرده در سنه ۱۱ با ابدال خان
مرزبان تبت بحضور آمده بکشمیر رخصت شده در سنه ۱۲ بعد تغیر در
کابل ملازمت نموده بتقصیری بی منصب گشته در سنه ۱۴ بحال گردیده در
سنه ۱۵ متعین مهم ملک بنگله گردیده در همین سال بار دوم منظم صوبه
مذکور از تغیر برادر حال مقرر گشته در سنه ۱۶ بجایزه راضی داشتن
رعایای آنجا بانعام لک روپیه خورسند گردیده در سنه ۲۱ تغیر شده در سنه ۲۴
بعنایت ده هزار روپیه و در سنه ۲۵ که چندی از دولت بندگی محروم بود بمنصب
سه هزاری سر برافراخته در سنه ۲۶ بنظم ٹهٹها از انتقال سردار خان مقرر گشته
در سنه ۳۶ معزول گردیده در سنه سی ام بحضور آمده بود در سنه احد عالمگیری تر ک

درسنہ ۱۹ بالقاب دیگر بنداً در سلسلہ حدر رسیں زمیدار جودہ پور مصدر ترددی گردید
بود دیگر احوال او معلوم نشد طہماسپ خان ولد مہابت خان در آخر عہد شاہجہانی
بمنصب پانصدی سرافراز شدہ بود در عہد عالمگیری باضافہ منصب و خطاب خانی
درسنہ ۱۹ تنظیم ادہ سربرافراختہ در عہد ایشان ازینجہان رفت ۰۰ ۰۰ ۰۰ ۰۰

حرف ظ نقطہ دار

ظفرخان ولد زینخان درسنہ ۲ جہانگیری بمنصب و بامحطاب سربلند
بود مکام توجہ رایات عالیات بصوبہ کابل بخدمت کوحانیدن افغانان
ذراک و گکھران کہ طریق راہ زنی اصرار نمودہ بودند مقرر شدہ در اندک
مدت صد ہزار خانہ انہار ا باطراف لاہور روان گردانیدہ بعد سرانجام این
خدمت در ہمان سال مکام مراجعت ملازمت نمودہ درسنہ سوم بمنصب
دو ہزاری سربرافراختہ معاش صوبہ گجرات بود درسنہ بمنصب سہ ہزاری
و تنظیم بہار از اسعال او صلحیان و درسنہ بحکومت بنگس و ماصاحب بالاقدر
والا مایہ گردیدہ درسنہ ۱۶ ظاہر اینکام تہانہ داری عربان فوت کرد ظفرخان
احسن اللہ ولد خواجہ ابوالحسن تربتی منصب داشت و درسنہ ۱۹ جہانگیری بمنصب
ہزار و پانصدی و خطاب ظفرخان و بہ نیابت نظم صوبہ کابل از طرف پدر
سربلند

بمنصب ہزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۲۱ بجایزه ترددات
در مهم بلخ و بدخشان باضافه پانصدی در سنه ۲۲ بجلدوی تردد شایسته در پیاق
قندهار بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۳ بجایزه تلاشهای نمایان در مهم قندهار که در صف
جنگ با قزلباش بهادر مردانگیها نموده بود بمنصب دو هزار و پانصدی نام برآورده
در سنه ۲۵ بمنصب سه هزاری مباهات اندوخته همراه شاهزاده عالمگیر بکر متعین
مهم قندهار گردیده در سنه ۲۶ شاهزاده داراشکوه بار سیوم متعین الی مهم قندهار گشته
بود در جنگ اکبرآباد همراه داراشکوه با صاحب عالمگیری در سپاهیگری کارزار تیغ
نموده بود شکست داراشکوه در حضرت عالمگیری ملازمت نموده باضافه هزاری
ممتاز شده بتعاقب داراشکوه تعین گشته بعد مراجعت بحضور آمده در
کارزار دوم با داراشکوه تلاشها کرده در سنه بمنصب پنجهزاری نام برآورده
بجاگیر رفته و بحضور آمده در سنه ۶ بعنایت عصای مرصع و در سنه ۷ و در سنه ۱ بصوبه‌داری
خلاع و افراش و در سنه نهم بنظم ملتان و در سنه ۱۱ بفوجداری میوات مامور گشته
در سنه ۱۵ در هنگامه فرقه ستنامیان که در آنجا سره شده بود لواها نموده در سنه ۲۲
بفوجداری جوده‌پور بود فوت مهاراجه جسونت سنگه مقرر گردیده همان سال
فوت کرد طیب خان در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده

حدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد ضابطه خان کرزبرداز
دراخر عهد عالمگیری بمنصب وخطاب ضابطه خان سربلند شد در سنه
قلعداری کلنا که درین سال مفتوح شده بود مقرر گردیده همراه اعظم شاه
ازدکن آمده بود انجام کار او معلوم نشد ضیاء الدین خان ضیاء الدین خان
درسنه عالمگیری بمنصب وخطاب خانی وبفوجداری سوسان سرافراز بود
درهمین سال ازفوجداری معزول شد دیگر احوال او معلوم نشد ضیاء الدین
خان پسر عنایت الدین خان دراخر عهد عالمگیری بمنصب بصدی و
خطاب خانی بر نام سرافراخته در سنه بدیوانی صوبه اکبراباد مقرر شده
بود در سنه احد بهادر شاه بدیوانی بنگاله از بحر مرشد قلیخان نام برآورده در
سنه بزخم بندوق شهید شد حرف طاء طعمقوطه
طاهر خان میرفراغت ولد میرمحمود اتالیق میرزا هندال برادر همایون بادشاه
درسنه احد اکبری خلدوی تردات ناماں بمنصب دوهزاری وخطاب
خانی سربلند شده در سنه ۹ مصدر بلاس گردیده در سنه صاحب گجرات
شده در سنه ۲۲ و در سنه ۳۲ در صوبه اوده خدمت می کرد در جنگ باباعنه
مساور شهید شد طاهر خان طاهر سنج لکر منصب داشت در سنه شاهجهانی
بمنصب

گیری بخطاب خانی بفوجداری رانگر و آینده به بخشیگری احدیان ودر
سنه ۴۴ بمنصب دوهزاری و در سنه ۴۲ بخلعت ماندلس ارتقی معتمد خان سرفراز
خان شاه جهانی و در سنه ۸ بخطاب افزایش بعلم مرادی بنام و در سنه ۱۲ بنصب
سه هزاری و به بخشیگری سوم در سنه ۳ به بخشیگری دوم از استقلال روح الله
خان و در سنه ۱۲ بخلدوی کار تر دشایسته بمنصب سه هزار و مانندی لوای صفا
خرت برافراخته در عهد بهادر شاه بخطاب شاه نواز خان نام برآورد ودر
عهد محمد شاه پادشاه از جهان رفت میرزا صفوی خان در آخر عهد عالم
گیری بمنصب سه هزاری و بخطاب میرزا صفوی خان سربلند بود در
سنه ۴۴ به بخشیگری سوم سرافراز شده ماسه معظم خان مرحوم منسوب
گسته همراه اعظم شاه در جنگ اکبرآباد مردانه بکار آمد غالب که از خاندان
میرزا رستم صفوی خواهد بود صادق خان در آخر عهد بمنصب و باخطاب
و در سنه احد بهادر شاه بعنایت خلعت مباهی شد دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ضاد نقطه دار

ضابطه خان بهادر ملک بخشی سرکار بادشاهزاده محمد معظم منصب
داشت در سنه ۲۶ عالمگیری بخطاب ضابطه خان سرافراز شده ماسنه

مشمول مراحم گشته در سنه ۳۲ بداروغگی عرض مکرر تفاخر حاصل نموده دیگر
احوال او معلوم نشد صف شکن خان امان الله از همراهان بادشاهزاده محمد
معظم در عهد عالمگیری بمنصب و خطاب ملتفت خان نامور شده در سنه
سی ام همراه بادشاهزاده مای عتاب آمده در سنه ۳۲ تقصیرش معذرت بعفو گردیده
در سنه ۳۳ خطاب شمشیر خان و در سنه ۳۶ خطاب صف شکن خان و داروغگی توپخانه
نام بر آورده در سنه ۴۳ معزول گشته در سنه ۴۳ بفوجداری ناموللی و در سنه ۴۳ بوکالت شاه
زاده مذکور در سنه ۴۸ بخشیگری احدیان و عهداران خدمت نور بگی سر برافراخته در سنه ۴۸
بابر مرض مزمن سالانه دوازده هزار روپیه قانع نشسته بود دیگر احوال
او معلوم نشد صالح خان محمد صالح برادر حکیم فتح الله شیرازی سنه
ثانی در سنه ۱۱ ایشان از ایران آمده بمنصب ستصدی سرافراز شده بود
در سنه عالمگیری خطاب خانی بنام خود سربلند گردیده و در سنه ۱۷ از جهان رفت
صالح خان محمد صالح ولد فدا خان مخاطب باعظم خان کوکه منصبی داشت
در سنه ۱۷ عالمگیری خطاب خانی بنام خود و در سنه ۲۶ بمیر بخشگری احدیان و در سنه ۳۱
بخطاب فدا خان سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب فدا خان
بقلم خواهد آمد میرزا صدرالدین خان صفوی منصبی داشت در سنه ۲۶ عالم
گیری

نمایان بمنصب دو هزاری و پانصدی رسیده در سنه ۱۹ فوت کرد صف شکنخان
محمد طاهر منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخدمت میر آتشی و بخطاب
و بمنصب دو هزاری سرافراز شده در معارک سلطانی و در تعاقب اول
دارا شکوه که با لاهور رفته بود در ذات کمال نموده بمنصب سه هزاری دو هزار
سوار رسیده در سنه ۴ بتقصیری منصب گشته بود چندی بمنصب دو هزاری
نام برآورده در سنه در ایام انزوا فوت کرد صف شکنخان دیگر منصبی داشت
در سنه ۶ عالمگیری بان خطاب سرافراز شده بدکن تعلق گشته خدمات
پسندیده نموده در سنه ۱۰ بداروغگی توپخانه از استقلال نجابتخان بعد از نزاع
مسک مقرر گردیده در سنه ۱۵ بامکان رفت صف شکنخان محمد شجاع ولد
میر قوام الدین خان برادر خلیفه سلطان در سنه ۱۹ عالمگیری از ایران آمده بمنصب
هزاری و بخطاب خانی بنام خود سربلند شده بود در سنه ۲۷ بداروغگی توپخانه و بخطاب
صف شکنخان و در سنه سی ام بمنصب سه هزاری و دو هزار سوار سر برافراخته در
فتح قلعه حیدرآباد کاری سال در عرصه یکماه بانجام رسانید آخر بنا بر اتفاق
غازی الدین خان فیروز جنگ دست از کار کشیده استعفا نموده و مقید شد
بعد چندی مچلکا داده خلاص گردید یا اینکه موافق مچلکا دمدمه را بکنگره رسانید

بندهای ایام بادشاهزادگی از تغیر مخلصخان ودر سنه ۸ باضافه پانصدی بمنصب
سه هزاری ودر سنه ۱۰ بنظم دار الخلافت از تغیر هوشدار خان وقلعداری اکبرآباد از تغیر
گشته در سنه ۱۱ معزول شده در سنه ۱۲ همراه شاهزاده محمد معظم بدکن رفته در سنه ۱۴ بنظم صوبه
اوده در سنه ۱۵ بار دوم بنظم دار الخلافت ودر سنه ۱۹ بمیر بخشیگری ودر سنه ۲۲ ب
نظم اکبرآباد و باز بنظم صوبه بهار در سنه ۲۳ بنظم اکبرآباد از تغیر محسن خان ودر سنه ۲۴ باز به
نظم اکبرآباد سربلند گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد صفی خان دیگر در اواخر
عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی وقلعداری کالنجر
سرافراز شده بود در سنه ۱ جلوس بهادر شاه باضافه پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال
او معلوم نشد صدر خان در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی
سربلند شده تا سنه ۱۰ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم صف شکن خان
میر لشکری ولد سید یوسف خان رضوی در عهد جهانگیری منصبی داشت
در سنه ۱ جلوس شاهجهانی باضافه منصب و بخطاب صف شکن خان سربلند شده بقلعداری
قلعه بیر از قلاع دکن مقرر گشته در سنه ۲ ودر سنه ۴ در آنجا در کارزار با دکنیان تردد نموده
در سنه ۸ در دستگیر نموده آوردن مخلصان لودی را و دیگر تلاش نمایان کرده
در سنه ۹ در آن قلعه خدمت می نمود در سنه ۹ ودر سنه ۹ در ... مسعود خانخانان بارید تردد
نمایان

بود تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود این اکثر اوصاف حمیده داشت
دیگر احوال او معلوم نشد صفی خان ولد امانت خان برادر اصفخان
جعفر بیک منصبی داشت در سنه ۱۱ جهانگیری بخطاب خانی بر نام خود سربلند
شده در سنه ۱۹ خطاب صفی خان یافته بود همه احوال او در ذیل خطاب سیف
خان نوشته شد صفی خان دویمی نور اسلام خان دامیر عبد السلام در
اواسط عهد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز شده آینده همراه پدر بدکن
تعین گردیده در سنه ۲۰ از نزد پدر بحضور آمده در سنه ۲۱ بعد فوت پدر بمنصب
هزار و پانصدی سرافراخته در سنه ۲۳ مهم قندهار گشته در سنه ۲۵ پنجاه و پنج لک
روپیه از نقد و جواهر پیشکش عادلخان حاکم بیجاپور آورده در همین سال
به بخشیگری و واقعه نویسی و داروغگی داغ لشکر سعیه مهم قندهار همراه شاه
زاده عالمگیر مقرر شده در سنه ۲۶ بخشیگری دکن و در سنه ۲۷ بخطاب خانی بر نام
خود نام برآورده در سنه سی ام بتقصیر عدم انجام کار بعزل خدمت و سلب
خطاب و کمی منصب پای عتاب آمده در سنه ۳۱ بخدمت قلعداری کانگره ممتاز
یافته در سنه احد عالمگیری از کانگره آمده بقلعداری شاهجهان آباد از تغیر سید امیر خان
و باضافه هزاری بمنصب دو هزاری سربلند گردیده و در سنه ۲ باضافه پانصدی و بخشیگری

نظم صحاب و هم درین سال به نیابت نظم اله آباد از طرف آن بادشاهزاده
مقرر گردیده در سنه ۲۶ بحکومت اله آباد باضافه پانصدی هزار سوار بمنصب دو هزار
پانصد سوار سرافراخته در سنه ۳۳ در حضور آمده بار باله آباد رفته در سنه احد عالم
گیری پس سلیمان شکوه بود دلیر رسیدن سلیمان شکوه در حدود سری نگر
از و جدا شده بحضور آمده در سنه احد عالم گیری بخطاب اختصاص خان تخت نام
برآورده بود احوال او در ذیل خطاب اختصاص خان نوشته شد صلابت خان
خواجه سید خان منصب و داروغگی فیلخانه داشت در سنه ۲ عالم گیری بخطاب
صلابت خان سرافراز شده در سنه ۵ بداروغگی توپخانه از تغیر هوشمند خان و بمنصب
دو هزار و پانصدی و در سنه ۲ بمتصدی گری بندر سورت و در سنه سی ام
بار دوم بداروغگی مذکور از تغیر صف شکن خان میر قوام الدین خان و اینده بار بمتصدی
گری مذکور سربلند گردیده و در سنه ۳۳ معزول گشته در سنه ۳۶ فوت کرد بعض
از سعال می گویند خواجه صلابت خان در جنگ راتهوران مهاراجه جسونت
سنگه در سنه ۲۲ در دهلی کشته شده بود و این دیگری ست که بعد او بخطاب
پدر خطاب سرافراز گردیده والله اعلم سید صلابت دیگر در اوایل عهد
عالم گیری بمنصب و بان خطاب سربلند و در سنه ۴۲ بفوجداری کرپا مقرر
بود

سید علی نام ولد سید قاسم بن سید محمود خان بارهه در سنه جهانگیری بمنصب
هزار و پانصدی ایزد بخطاب صلابتخان سرافراز شده در سنه بمهم راه
همراه سلطان خورم تعلیق گشته در سنه در دکن تردد نموده در سنه بعد مراجعت
از دکن بمکان ملازمت مشمول مراحم گردیده بود انجام حال او معلوم نشد
صلابتخان روشن ضمیر ولد صادق خان برادرزاده اعتماد الدوله منصب داشت
در شش جهانی بخدمت فوجداری از تغیر سردار خان و منصب هزاری و در سنه بعد
فوت پدر بمنصب هزار و پانصدی و در سنه بانی خطاب و در سنه بمنصب
دو هزاری و در سنه باضافه پانصدی و در سنه بخدمت میر بخشیگری از تغیر ...
خان و در سنه بمنصب سه هزاری و میر بخشیگری سرافراز شد در سنه بمنصب
چهار هزاری دو هزار سوار نامبرده در سنه سر دربار بادشاه بر دست
راو امر سنگه اولن پسر راجه گجسنگه راتهور رسمدار جوده پور بنا بر ناخوشی
از حمایت راو کرن بهوریه که باهم موسی الهار ابر حدود ز... سرداری کا ...
بود کشته شد سید صلابتخان سید سلطان ولد سید بایزید بن سید
قاسم سره سید محمود خان بارهه ملازم بادشاه زاده دارا شکوه در سنه شاه
جهانی بمنصب هزار و پانصدی دو صد سوار و بانی خطاب سرافراز شده به نیابت

می نمود و در سنه ۵ بنظم اکبرآباد وا نیده بمنصب چهار هزاری سرافراز شد

در سنه ۸ بسفارت حسن شاه صفی والی ایران با تحائف چهار لک روپیه

رفته چون روزی شاه مذکور بخانه الحس تشریف فرموده نذرانه حسن

هندوستان بقدر یک لک روپیه گذرانید در سنه ۱۲ مراجعت نموده بار دوم

بنظم صوبه مذکور مقرر شد در سنه ۱۴ بنظم صوبه قندهار از تغیر قلیج خان مباهات

اندوخته در سنه ۱۵ معزول گردیده بمنصب سه هزاری سه هزار سوار رسید در سنه ۱۸

در لاهور رحلت کرد صفدرخان جمال الدین نام ولد اعظم خان کوکه

عالمگیر پادشاه در اوایل عهد ایشان بمنصب و بخطاب خانی بنام خود

سرافراز شده بود در سنه ۲ بخطاب صفدرخان نام بر آورده در سنه ۳۲ هنگام محاصره

گولکنده در کارزار بکار آمد صفدرخان بابی از سکنه گجرات در اواخر عهد

عالمگیری هنگام حکومت بادشاهزاده محمد اعظم بمنصب و بایه خطاب

سرافراز بود و دیگر احوال او معلوم نشد صلابتخان میر محمد لودی در

سنه جهانگیری بمنصب و بخطاب صلابتخان سربلند شد بعد چندی

بخطاب خانجهان نام بر آورده در سنه یک ملک سلطان پرویز بدکن رفته

بود همه احوال او در ذیل خطاب خانجهان بقلم آمد سید صلابتخان

سید علی

کردیده بود انجام حال او معلوم نشد صفدرخان همشیره زاده شیخ
ابوالفضل و همشیره زاده علیخان حاکم خاندیس در سنه ۴۵ اکبری بمنصب
هزاری و بخطاب سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد صفدرخان
خواجه عبدالله در سنه ۴۹ اکبری بمنصب هزاری و باین خطاب در عهد جهانگیری
بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده بود بقیه احوال او در ذیل خطاب
عبدالله خان تعلیم خواهد آمد صفدرخان دیگر در عهد جهانگیری بمنصب
هزاری و بخطاب سربلند در سنه ۴ متعین صوبه بهار بود در سنه ۸ ناظم
کشمیر و در سنه ۹ بمنصب هزار و پانصدی علم مباهات برافراخته در سنه ۱۸
معزول شد در سنه ۲۱ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد صفدرخان
خواجه قاسم ابائی از اولاد حضرت سید اما از مشایخ بزرگ در سنه ۱۷
جهانگیری ملازم رکاب سلطان خورم بود در ایام فرار با ایشان
رفاقت نموده از خیر در رکاب آمده در سنه ۱ ابتدا ایشان بمنصب
سه هزاری و بخطاب صفدرخان و فوجداری سرونج سر کرافراخته
معلق مهم جهجهار سنگه بندیله شده در سنه ۳ باوجود فوجداری مذکور
معلق مهم خانجهان لودی باغی گشته در سنه سوم در سرونج خدمت

صادق خان محمد صادق ولد آقا طاہر برادر اعتماد الدولہ طہرانی بمنصب
مقصدی داشت در سنہ ۱ جہانگیری بخطاب خانی و در سنہ ۱۱ بمنصب
ہزاری و در سنہ ۱۲ بمنصب ہزار و پانصدی و در سنہ ۱۳ بمنصب دوہزاری
و در سنہ ۱۵ باضافہ پانصدی از تغیر خواجہ ابوالحسن بخدمت میر بخشیگری و عطای
قلمدان مرصع و در سنہ ۱۸ بمنصب چہار ہزاری و بنظم صوبہ پنجاب سرافراختہ
و در سنہ ۲۱ تغیر شدہ بود در سنہ احد شاہجہانی بمنصب سابق بحال ماندہ و میر
بخشیگری مقرر شدہ در سنہ ۶ فوت کرد صادق خان دیگر در اواخر عہد
شاہجہانی بمنصب و بخطاب خانی سربلند و متصدی گری بندر سورت
نامور بود در سنہ احد عالمگیری بنابر آنکہ بادشاہزادہ دارا شکوہ
در حدود گجرات برخاستہ آمد دیگر احوال او معلوم نشد صادق خان
محمد صادق نوسے منصبی داشت در سنہ ۲۶ عالمگیری بخطاب خانی
سرافراز شدہ در سنہ ۔ بہ نیابت صوبہ برار مقرر گشتہ بود دیگر احوال او
معلوم نشد صفدر خان خاصہ خیل اکبر بادشاہ در سنہ احد شاہجہانی
بمنصب دوہزاری سربلند شدہ در سنہ ۱۳ در فتح قلعہ رہتور و در سنہ ۱۶ در فتح
گجرات و در سنہ ۲۱ در جنگ بادو داؤد از سرداران نوری مصدر تردد
گردیدہ

بحکومت سراه معزز گشته در کوه شمالی افاغنه یار بطی رستمانه کارها نموده
در همان سال بحراست سوات و باجور از تغیر رسحان گوله نام برآورده
در سنه ۳۴ طلب حضور شده در سنه ۲۶ با بالیقی شاهزاده مراد از تغیر اسمعیل قلیخان
ذوالقدر والامنزلت گشته بتسخیر دکن متعین گردیده بوده در سنه ۴۴ بتسخیر
احمدنگر بنابر نفاق خانخانان صورت به بست ملک از برخاستن امرای
متعینه مخصوصا نادانیها دلسان در لحاق خان مذکور حرفها کردند در سنه ۴۶
خود را جمع ساخته بتدارک گذشته پرداخته خیلی ملاشها بکار برده
کارهای مردانه نموده بمنصب سه هزاری رسیده در سنه ۴۷ در انجا فوت کرد
خان مذکور مصدر کارهای نمایان شده بود صادق خان محمد زاهد ولد صادق
خان مذکور منصبی داشت در سنه ۴۹ اکبری بمنصب هزار و پانصدی و به
خطاب پدر سرافراز شده بود در سنه ۱ جهانگیری بخطاب زاهد خان
و باضافه پانصدی سربلند گردیده همه احوال او در ذیل خطاب زاهد خان
نوشته شد صادق خان خواجه عبدالعزیز نقشبندی که در عهد جهانگیری
بمنصب هزاری و باین خطاب سرافراز گردیده بود در سنه ۱ بخطاب خانی
بر نام خود برآورده همه احوال او در ذیل خطاب عبدالعزیز خان بقلم خواهد آمد

خانی سر برافراخته درسنه سوم در سه مصدان مکالو وطن سهدو ریه
تردد نموده درسنه سیم مورد عنایت گشته بنابر سه عارجان سور بامور
گردیده درسنه ۶ تادیب افاعد دریاحه اوده و درسنه ۸ در سه شاه ابوالمعالی
معرور و درسنه ۱۶ در فتح قلعه سورت و درسنه ۱۸ در گوشمالی زمیندار ایدر ترددات
پسندیده نموده درسنه ۲۰ بجاے سرکار گده فورسند شده درسنه ۲۲ در تنبیه
مدبکر زمیندار اندوحه ملاشها کرده درسنه ۲۳ او را بحضور آورده درسنه ۲۵ بعد
کشته شدن مظفر خان ناظم بنگاله باتفاق راجه تودرمل ترددات
سالسه نموده چنانچه شبے که معصوم کابلی باغی شب خون آورده
صادق خان را با او جنگ رو داد و سه بار شمشیر زده و بدل شده
درین اثنا کمال خان توجدار فیلے رسانید و کارها کرد و معصوم خان رو
بگریز نهاد و درسنه ۲۶ درسنه ۲۷ در سه باغیان الحاناند کوشیده سرخط سر حلقه
باغیان را ازتن جدا ساخته بحضور فرستاده درسنه ۲۸ در سه قلعه وغیره افغانان
درناحیه بردوان و فتح حصار کوره حسن خدمت بجا آورده درسنه ۲۹ اکثر باغیان را
بر جاده اطاعت قایم کرده درسنه ۳۰ بتقصیرے حکم آمدن از انجا معاتب شده
لوازان بعفو تقصیر و بنظم ملتان و درسنه ۳۱ بتهانه داری دست و درسنه ۳۲
بحکومت

دیگر احوال او معلوم نشد شکر الله خان کاشغری در عهد عالمگیری بمنصب

باخطاب سربلند و در سنه بتعاقب غنیم مردی نموده بود انجام حال او معلوم نشد

سید شکر الله خان عنایت الله ولد شکر الله خان میر شکر الله جلوس عالمگیر

میر عسکری در اواخر عهد عالمگیری بمنصب سعیدی و باخطاب سربلند شده

بود و در سنه محمد شاه بادشاه فوت کرد این مرد بزرگ در دیانت و صباحت

و فتوت یگانه آفاق بود و در دولتخواهی آقا مستثنی شفیق خان در اواخر عهد

عالمگیری بمنصب و خطاب خانی بنام خود سرافراز شده بسرانجام دیوانی صوبجات

بدیانت و امانت می پرداخت دیگر احوال او معلوم نشده است و لاکن

العزیز از خوبان روزگار بود شیر افگن خان ولد شاه وردیخان در اواخر عهد

عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و خطاب خانی سربلند و در سنه ۲۹ بفوجداری

سرور و غیره مقرر بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد شادمان خان در اواخر

عهد عالمگیری بمنصب هفتصدی و باخطاب سرافراخته خدمت می نمود

بعد رحلت آنحضرت در سنه اعظم شاه باضافه صدی سربلند شده

در سنه رحلت کرد حرف ص غیر منقوطه

صادق خان ولد محمد باقر هروی در سنه احد اکبری بمنصب و خطاب

بمنصب و باین خطاب سرافراخته در کابل بکار آمده بود ظاهرا برادر خلیل
صف شکنخان ولد میر قوام الدینخان است شهاب الدین حسین خان
در سنه ۱ جلوس عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند بود دیگر احوال او
هیچ معلوم نشد شاهجهان کاشغری در سنه ۲ عالمگیری از کاشغر آمده به
منصب و خطاب خانی و در سنه ۲۲ بخطاب عبدالله خان سرافراز شده بود
همه احوال او در ذیل خطاب عبدالله خان بقلم خواهد آمد شاهجهان در
اخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند و معاون صوبه کابل شده
بود در سنه ۴۴ فرمانی بنام او رفته که تا رسیدن فتح الله خان بهادر راهداری کابل
کند دیگر احوال او معلوم نشد شکر الله خان ولد جعفر برادر بهادر خان
بخطاب ملک در اخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در اواسط عهد عالمگیری
بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۳ بفوجداری میوات از انتقال
فولاد خان مقرر گردیده در سنه ۳ بخطاب عسکر خان مامور گشته بود همه
احوال او در ذیل خطاب عسکر خان بقلم خواهد آمد سید شکر الله خان
خالوی عاقلخان میر عسکر خانی منصبی داشت در عهد عالم
گیری باین خطاب و در سنه ۳۱ بفوجداری شاهجهان آباد سرافراز شده بود
دیگر

از انتقال سید خان باز بحال کردیده در همین سال معزول شده در سنه ۲۵
بخدمت جلال اباد و باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری پانصدی
دو هزار پانصد سوار از انجمله هزار سوار دو اسپه سه اسپه سربرافراخته در سنه ۲۶ برای
تسبیه قلماق مامور شده ظاهرا در سنه ۳۲ فوت کرد سید شهامت خان
در اخر عهد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب و قلعداری اسیر
سربلند شده در سنه ۲ بهادر شاه بلکه این خطاب به سید تاج الدین
مرحمت گشته بود هنگام ورود درایات در دکن باین خطاب بحال
گردیده و تاج الدین بر نام خود خطاب خانی یافت حاکم گور مرده
مشهور بود شجاع خان عرب بیگ منصبی داشت در سنه احد
عالمگیری بخطاب شجاعت خان و در سنه ۲ قلعداری حصار کده از تغیر
خواصخان و در سنه بعد سانی سربلند شده بود در سنه ۱۱ داروغه توپخانه کابل
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد شجاعتخان میرزا ابوالحسن
در سنه ۱۱ عالمگیری از ایران آمده بمنصب هزاری و آینده بخطاب خانی
در سنه ۲ بخطاب صف شکن خان سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل
خطاب صف شکنخان بقلم خواهد آمد شجاعتخان در اخر عهد عالمگیری

محالی مقرر شده در سنه معزول گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد
سید شرف خان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب خانی
سربرافراخته در سنه ۴ بحال فاضلکم صاحبه وابسته به ملوانی رکاب مقرر
شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد شهامت خان ولد ملک علی در عهد
شاهجهانی بمنصب پانصدی و خطاب خانی سرافراز بود در سنه سیوم همراه معتمد خان
بنابر تنبیه زمیندار دیندار بیره تعلق شد و در سنه ۳ فوت کرد شهامت خان
سید قاسم ولد سید میران بن سید قاسم از سادات بارهه سکنه میران پور
نامب صوبه اله آباد از طرف بادشاهزاده دارا شکوه در سنه احد عالمگیری بعد
شکست اول دارا شکوه بدرگاه رجوع آورده بمنصب سه هزاری و بالی
خطاب سربرافراخته و به تهانه داری عرب از تغیر سمسر خان مقرر شد
در سنه ۸ بحراست حصار شهر کابل از تغیر خانزاد کور در سنه ۹ بقلعداری ارک کابل
از تغیر قلعدار خان مقرر شده تا سنه ۱۲ در انجا خدمت می‌نمود ظاهرا در سنه ۱۴
بفوجداری هردو بنگس مقرر شد در سنه ۱۸ باز بقلعداری ارک کابل
نام برآورده و بفوجداری نواح کابل مقرر گشته آینده معزول شد در سنه ۲۱
بدستور سابق از تغیر خانه زاد خان مباهی گردیده در سنه ۲۳ تغیر شد در سنه ۲۴

احوال

در سنه ۲۳ بار دوم بدیوانی تن از تغیر موسوی خان میرزا معز نام مقرر و معزز
گردیده و باضافه پانصدی مساهات اندوخته بود چندی معزول شده بود انجام
حال او معلوم نشد شایسته خان ابوطالب نام ولد آصف خان در اواخر عهد جهان
گیری منصب و در سنه ۱۲ بخطاب شایسته خانی و در عهد شاهجهانی بخطاب خانجهان
در سنه احد بخطاب امیر الامرا سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب
امیر الامرا نوشته شد شایسته خان ابو نصر نام ولد شایسته خان مذکور در
اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شد در سنه ۲۳
بداروغگی عرض مکرر امیده بنظم کشمیر و در سنه ۴۱ بنظم لاهور از تغیر مسیح خان و در سنه ۴۵
بمنصب دو هزار و پانصدی و بنظم مالوا از تغیر مختار خان میر قمر الدین و بخطاب شایسته خانی
و در سنه ۴۸ بفوجداری و قلعداری ماندو مضاف صوبه مالوا از تغیر لودی خان ولد
اسلام خان رومی در سنه پنجاهم بمنصب سه هزاری دو هزار پانصد سوار و بنظم
اوده از انتقال میرزا خان محمد ابراهیم نام سرافراز گردیده در عهد بهادرشاه فوت کرد
شرف الدین خان منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بخطاب خانی بر نام خود
سرافراز شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد مشرف خان میرکان
در اخر عهد شاهجهانی بمنصب معصدی و بخطاب خانی در عهد عالمگیری بفوجداری

تعیناتی امیرالامرا شایسته خان ناظم دکن درانجا تردد ے نموده درسنه
ودرسنه ۹ ہمراه مرزا راجه جے سنگه کچهوانه در دکن تلاش کرده درسنه ۲۲ خطاب
رستم خان یافته بود ہم احوال او در ذیل خطاب رستم خان نوشته شد
سبزه خان مغل ولد شادیخان حاجی بہادر در آخر عہد عالمگیری
بمنصب و بخطاب سبزه خان سربلند و بقلعداری کابل مقرر شد
بود درسنه ۴۵ به نیابت نظم کابل از تغیر ناصر خان سالات اندوخته در
عہد محمد شاه ازینجهان رفت شفیع خان محمد شفیع منصبی داشت
درسنه ۲ جہانگیری بخطاب خانی بنام خود و به بخشیگری صوبه ملتان
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد شفیع خان حاجی محمد
شفیع بمنصبی در عہد عالمگیری و بمنصب دیوانی دکن و درسنه ۲ بمنصب
هزاری و بخطاب خانی بنام خود سرافراز شد درسنه نهم از انجا بدیوانی
گجرات از تغیر مکرمخان مقرر گشته درسنه ۱۱ بدیوانی بن از تغیر مکاسخان
جعفربیک نام و درسنه ۱۳ بار دوم بدیوانی دکن از تغیر مکرمخان محمد حا
لح نام و درسنه ۲۱ بنگاله و درسنه ۲۳ بار دوم بدیوانی بنگاله از تغیر میر معیشت
و درسنه ۲۶ بنابر مرداحب ملک حیدر دکن و درسنه ۲۹ بخرابیت اورنگ آباد

بجهاری سر برافراخته درسنه بجرداری دکن نارسیدن ناظم و درسنه نامالیقی
سلطان مرادبخش ناظم دکن مقرر شده درسنه ۲۳ بار دیگر بنظم مالوامامات
اندوخته درسنه ۲۵ همراه اواخیله بسر کردگی بادشاهزاده عالمگیر تعلین مهم
قندهار گردیده رفته درسنه ۲۶ بنظم اوده لوای مفاخرت برافراشته درسنه
سی ام ازانجا متعینه شاهزاده عالمگیر ناظم دکن گردیده دبسنه ۳۱ دربعضی
دکن ترددات نمایان کرده درسنه ۳۲ بعدربادشاهزاده عالمگیر هنگام حرکت
هندوستان از دکن محبوس گشته بعد چندی کامیابی یافته بنظم احمدآباد مقرر
شده در وقت رسیدن داراشکوه بگجرات بعد فرار از صف جنگ اکبراباد
دررفاقت داراشکوه درجنگ اجمیر با بادشاه عالمگیر مردانگی بکار آمد
مزار مبارک خواجه بزرگ خواجه معین الدین حسن سنجری اجمیری
چشتی رضی الله تعالے عنه مدفون شد شادخان ساهرمان نام ولد اعظم
خان مرزا عزیز درعهد اکبری بمنصب هزاری سربلند بود درسنه ششم جهانگیری
بمنصب هزار وسهصدی و بخطاب شاهجهان سرفراز شده انجام کار او معلوم نشد
شادخان شادی بیگ ولد خان بهادر اوزبک درعهد جهانگیری بمنصب
ودرسنه شاهجهانی باین خطاب ودرسنه بخطاب شجاعتخان ددرسنه احد

عالم

شمس خان داماد خانخان لودی باغی بمنصب و بخطاب سربلند
و در سنہ ۳ شاہجہانی در کارزار از کنار آب جسل با اولیای دولت کشتہ شد
شہسوار خان قایم نام ولد مالوی سکلے در سنہ احد جہانگیری بمنصب و بخطاب
سربلند شدہ در سنہ ترددِ نمایان نمودہ بود دیگر احوال او معلوم نشد شہسوار خان
دیگر در سنہ احد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند و در سنہ ۱۰ ہم متعین
دکن شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد شاہنواز خان ہاشم بیگ منکلی
در عہد جہانگیری بمنصب و بخطاب سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد
شاہنواز خان میرزا ایرج اولس پور خانخانان عبدالرحیم در عہد اکبری
بمنصب چار صدی سربلند و اکثر در دکن شمشیر ہا زدہ بجلدوی کارہای نمایان
خطاب بہادر یافتہ بود در سنہ احد جہانگیری بار سال خلعت مہربانی امتیاز یافتہ
در سنہ پنجم ہمراہ پدر از دکن آمدہ در سنہ ۶ بخطاب شاہنواز خان در سنہ ۷ ہنگام
رخصت دکن ہمراہ پدر بمنصب ۳ ہزاری سرافراز شدہ در سنہ ۱۱ در جنگ
با عسر حبشی جانشین نظام الملک کہ با تمام افواج عادلخانیہ و قطب
الملک آمدہ بود بسبب اوپرسش و حرب صعب کہ یادگار روکار نوشتہ اند
ظفر یافتہ در سنہ ۱۱ دختر ش باسلطان خورم منسوب کشتہ در سنہ ۱۲ بمنصب
بنجہزاری

محمد معظم بمنصب و در سنہ سی ام عالمگیری بخطاب ملتفت خان
سربلند بود در سنہ ۳۳ بخطاب شمشیر خان نام برآورده و در سنہ ۴۶ بخطاب
صف شکن خان سرافراز گردیده بود بقیه احوال او در ذیل خطاب صف
شکن خان بقلم خواهد آمد شمشیر محمد ابراهیم برادر زاده داود خان قریشی
در اوائل عهد عالمگیری بمنصب دیانت خطاب و در سنہ ۳۶ بجایزه تنبیه دیسر
از مفسدان صوبه بهار باضافه منصب دو هزاری و تنظیم صوبه مذکور از
تغیر فدا خان سرافراز شده در سنہ ۳۷ بنظم او ده مقرر گشته بود بعد
رحلت بهادر شاه همراه بادشاهزاده رفیع الشان در صف جنگ
کشته شد شیر و یه خان ولد شیر افگن در عهد اکبری بمنصب
سر برافراخته در سنہ ۱۹ در جنگ داود کرانی و در سنہ ۲۰ در جنگ مظفر
گجراتی و در سنہ ۳۲ در سنه افاغنه کابل سر در دانموده در سنہ ۳۹ بمنصب
هزاری و پاین خطاب نام برآورده در سنہ ۴۵ در فتح قلعه اسیر تردد
کرده بود انجام حال او معلوم نشد شمشیر خان لوحانی در عهد
اکبری بمنصب و باین خطاب سر برافراخته در سنہ ۴۲ همراه خانخانان
در جنگ دکنیان ترددها کرده بود دیگر احوال او معلوم نشد

سنہ مذکور تعرض شدہ در سنہ قلعداری ارک کابل از اسعال سعادتخان مقرر گشتہ در اواخر سنہ مذکور معزول گردیدہ در سنہ سوم بحراست شہر کابل از تغیر سعید خان و در سنہ یازدہم بہا داری عرض از اسعال راجہ راجروپ و در سنہ یازدہم بمحافظت حصار کابل مامور گشتہ در سنہ در جنگ با افاغنہ کابل شمشیر ہای نمایان زدہ بود انجام کار او معلوم نشد شمشیر خان محمد یوسف منصب داشت در اغاز سنہ احد عالمگیری بخطاب شمشیر خان و بعد چندی بخطاب نصر تخان سرافراز شدہ بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب نصر تخان نقلم خواہد امد شمشیر خان میر محمد یعقوب ولد شیخ میر خافی در سنہ احد عالمگیری بعد بکار امدن پدر بمنصب و در سنہ بخطاب شمشیر خان سرافراز شدہ در سنہ در مصاف افاغنہ کابل در مقام سعید تخت خاک او نبرش کردہ جان کردلد شمشیر خان افغان میر محمد کوہاٹی منصبی داشت در سنہ ۲۴ عالمگیری بخطاب شمشیر خان نامور شدہ بود انجام کارش کہ نقل غریب است در تاریخ یافتہ نشد شمشیر خان امان اللہ برادر اصغیان بادشاہزادہ

متعین صوبه کابل شده بود در سنه احد شاهجهانی در حینیکه نذر محمد خان والی بلخ که بعزم تصرف کابل آمده بود بمنصب هفتصدی سر افراخته مصدر ترددات شایسته شده در سنه ۳ در کابل بازارهای افاغنه آن صوبه نمایان نموده در سنه ۴ بمنصب سه هزاری ذات و سوار نام بر آورده و بتهانه داری هر دو بنگش از تغیر سعید خان بهادر مقرر گردیده در سنه ۵ از انجا گذشت ::

شمشیر خان تربیت محمد خان نام ولد علیخان در سنه احد شاهجهانی از جرگه در کاب آمده بمنصب هفتصدی سر افراخته معه سال سنه خان در سنه ۱۱ در کارزار با قزلباش در ناحیه قندهار تردد نموده در سنه ۱۵ بمنصب هزاری بر آورده در سنه ۱۹ تعین مهم بلخ و بدخشان گشته در سنه ۲۰ بجایزه ترددات انجا باضافه پانصدی و در آخر سنه بیستم باضافه پانصدی پانصد سوار بمنصب دو هزار و پانصدی دو هزار و دو صد سوار و خدمت تهانه داری غزنین از تغیر سعادتخان و در سنه ۲۶ هنگام رایات بادشاهی در کابل بعنایت نقاره سر بر افراخته تا آخر عهد در انجا خدمت می نمود در آغاز سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری و بحالی تهانه داری غزنین سر بر افراخته در آخر

درسنہ شاہجہانی بمنصب چہار ہزاری وبقدر نظم صوبہ برار امتیاز اختصاص
حاصل افتخار یافتہ دیگر احوال او معلوم نشد درسنہ وقتیکہ دیوار قلعہ
قندہار دکن را برانداختند و سادہ لوحی قلعہ داری دورویہ بود او دست راست
بحقہ آتش سوختہ بود شاکرخان درعہد اکبری بمنصب وباسخطاب
سربرافراختہ درسنہ ۲۳ ہنگام مراجعت از اجمیر درسنہ ۲۳ رکاب خدمت می نمود
دیگر احوال او معلوم نشد شاکرخان میر لطف اللہ ولد شکر اللہ خان خویش
عاقلخان خانی در اواخر عہد عالمگیری بمنصب سہ صدی وباسخطاب
وبفوجداری نارنول سربلند شدہ بود درعہد محمد شاہ بدست تکہ بارخان
کشتہ شد شمشیرخان خواجہ سرا درعہد اکبری بمنصب وباسخطاب
سربرافراختہ درسنہ ۲۴ منعص صوبہ بہار شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
شمشیرخان اوزبک درعہد جہانگیری بمنصب وباسخطاب سربلند شدہ درسنہ ۱۱
بنظم صوبہ ٹھٹھا امتیاز داشت دیگر احوال او معلوم نشد شمشیرخان
عرب دراواخر عہد جہانگیری بمنصب وباسخطاب مالوقلیچ داماد قلیچ خان
درسنہ احد شاہجہانی از کومکیان صوبہ کابل بود بمنصب دو ہزاری وباسخطاب
سرافراز شدہ خدمت می نمود وکس بیک خطاب محل تعجب است سربرافراختہ

ایندر یارے نام برآورده اکثر در دکن تردد ات نموده در سنه ۲۹ فوت کرد

شیر خان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب شیر خان سرافراز و در سنه ۲۶ منعیه عازالدین شاہ بهادر بود دیگر احوال او معلوم نشد

شاه بیگ خان پسر کوچک عازخان بدخشی در عهد اکبری بمنصب هزاری و باس خطاب سرافراخته در سنه ۲۶ در جنگ با مرزا محمد حکیم در کابل بکار آمد شاه بیگخان ولد ابراهیم بیگ در اواخر عهد اکبری بمنصب پنجهزاری و باس خطاب و در عهد جهانگیری بخطاب خاندوران سربلند شده بود همه احوال او در ذیل خطاب خاندوران نوشته شد

شاه بیگ خان اوزبک منصبے داشت در سنه احد شاهجهانی بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده در سنه ۳ باضافه هزاری نام برآورده در سنه هشتم و نهم در دکن در کارزارها خیلے تلاشها نموده در سنه ۱۰ بقلعه داری خیبر در سنه ۱۶ بنظم صوبه برار مقرر گردیده در سنه ۲۰ در کابل و بلخ و بدخشان تردد ها کرده در سنه ۲۱ معاش دکن گشته بمنصب چهار هزاری که ۳ هزار سوار رسیده بود و بقلعداری احمد نگر مدامات اندوخته در سنه احد عالمگیری بمقصدے معاسب گردید

و بخطاب خانی برنام خود سرافراز منعس دکن گجرات گشته درسنه ۱۱
بحانزه منهزم گردانیدن فوج سلطان خورم باغی در گجرات بمنصب
سه هزاری و بخطاب مسالت اندوخته درسنه جلوس شاهجهانی بمنصب
چار هزاری و بنظم گجرات از تغیر سیف خان محمد صفی لوای مفاخرت افراخته
درسنه از انجا بعدم رفت شیر خان ترین زمیندار خوسبح ارابا و اجدا
بملکو این بارگاه بود چون در اخر عهد جهانگیری قندهار بتصرف شاه
عباس والی ایران رفت در بندگان انجا داخل شده بعد رنجش از
شاه صفی سبره شاه عباس درسنه شاهجهانی بدرگاه آمده بمنصب
دو هزاری و بخطاب سر برافراخته درسنه در دکن تردد نموده درسنه
فوت کرد شیر خان سید شهاب الدین ولد سید عزخان باریه
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و درسنه ۱۳ بمنصب هزاری سر
برافراخته درسنه ۱۹ بتعاین مهم بلخ و بدخشان گشته و درسنه ۲۳ بجایزه تردد در مهم
بلخ و در مهم قندهار بمنصب هزار و پانصدی درسنه ۲۶ باضافه پانصدی و درسنه ۱۲
بخطاب شیرخان سرافراز شده درسنه جلوس عالمگیری بمنصب سه
هزاری و بفوجداری ترهت و درسنه نکام بعنایی اودل تقلعداری

شد در سنه ۱۹ نورالدین در سنه کاسو مفسدان صوبه بهار تردد نموده بود

انجام حال او معلوم نشد شمال خان ورحی در عهد اکبری بمنصب هزاری

و باسخطاب سرافراخته در سنه ۱۹ در سنه حید رسس ولد رای مالدیو در

سنه ۲۱ در سنه زمیندارا امدر تردد ات شایسته نموده انجام حال او معلوم

نشد شیر خان مغل در عهد اکبری بمنصب چهار صدی و باسخطاب

سرافراخته در سنه ۲۱ در سنه زمیندار امدر تردد نموده در سنه ۲۳

رحلت کرد شیر خان لودی از امیران حاکم برار در سنه ۲۹ اکبری بمنصب

و باسخطاب سرافراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد شیر خان

شیخ رکن الدین افغان در سنه احد جهانگیری بمنصب سه هزاری و با نصدی

و باسخطاب سرافراز شده در سنه ۳ در حکومت پیشاور فوت کرد

شیر خان باهر نام ولد خانجهان لودی از اولاد حاکم رالسن و هزار و پانصدی

وقتیکه شیر شاه سور محاصره رالیسن نموده بود بمل حاکم انجا را

قول جانبخشی داده بجان کشت و اولادش هر طرف گریخت بدر

باهر خان نزد محمد خان حاکم خاندیس رفته مسلمان کشته بود بعد

فتح خاندیس باهر ملازم سرکار اکبری گردیده در عهد جهانگیری بمنصب

در جنگ با افاغنه بسجت اوبرکش صبح عظیم یافته در سنه ۳ بتقصیر زاده کوئی روبرو مقید شده در سنه ۳ از قید رهائی یافته تا تالیف مرزا شاهرخ سلطم مالوا چهره امسار برافروخته در سنه ۱ معزول کردیده در سنه ۳ منظم اجمیر نام براورده در سنه دراینجا رحلت کرد شهباز خان ساری در عهد اکبری بمنصب و ماسحطاب سرافراز و در سنه ۳ هنگام تسخیر کشمیر یاددام که یادگار سک سکه و خطبه خود رواج داده بود کارزاری شدید نموده سرافرازی حداساخته یاسنه در دکن مصدر تردد بود دیگر احوال او معلوم نشد شهباز خان دهوئی از طایفه فاعه لودی در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری و باین خطاب سرافراز شده در سنه امعین ودرسنه ۱۲ معاش مهم کانگره کردیده در سنه بعد حرب صعب دراینجا بکار آمد شهباز خان سرور روهیله منصب داشت در سنه جلوس شاهجهانی بمنصب ۳ هزاری و باین خطاب سرافراز شده در سنه در مصاف بحاپوریان که دران معرکه بهادر خان روهیله و سعد خان انصاری زخمهای منکر برداشته باسیر رفته بودند بعد او برکش سخت بکار آمد شاه غازی خان دلد میرعلاء الدوله در عهد اکبری بمنصب هزاری و باین خطاب سربلند شده

و درسنه ۲۱ قلعه دنکور و باره و سوانه از تصرف ساهر را دیوچه مالدیو برآورده
در همان سال درسنه راجه کحنی و فتح قلعه ادار رسداران نامی صوبه بهار بود
ترددات نمایان نموده هم دران سال قلعه رهتاس که بتصرف کسان جنید
افغان حاکمزاده بنگاله بود مفتوح گردانیده و درسنه ۲۳ قلعه کوملمیر و کوکنده واو
دیپور وطن رانا بعد رزم شدید که راجپوتان بسیار کشته شدند فتح کرده
درسنه ۲۴ بنظم اجمیر نام برآورده درسنه ۲۵ برای تنبیه باغیان بنگاله معین گردیده در
جنگ با معصوم خان فرنخودی باغی هزیمت فاحش خورده بود شنیدن
خبر فیروزی که بدسگالی فوج نوج خور العار نصیب اولیای دولت شده بود از
بیت گیروه مراجعت نموده آمده باز دیگر در جنگ با او ظفر یافته درسنه ۲۶
بعد طلب حضور بتقصیر بی ادبی در خدمت حاجی بیگم مقید گشته درسنه ۳۰
خلاص شده درسنه ۲۷ بنظم بنگاله از تغیر اعظم خان کوکه مباهات اندوخته درسنه
باغیان انجا ترددات پسندیده کرده درسنه ۲۹ با زمینداران نهالی باغیان بنس
امهایاه برده بودند تا هفت ماه کارزارها نموده اعزناس خته کار بر گشته باز
خود را جمع ساخته تنبیه باغیان کرده درسنه ۳۱ بحکم از انجا روانه شده درسنه ۳۲
بحضور رسیده درسنه ۳۴ بحکومت سوات و باجور از تغیر صادق خان مقرر گشته

منصب داشت در سنه هشتم جهانگیری بحکومت تردات در سنه را با زمیندار او
با خطاب سربلند شده در سنه ۱۵ قلعه دار ماند و بود در رفاقت سلطان مذکور در ایام
بغی ایشان که مکرر با ولیای دولت رزمها شد بکشته شد شاه قلیخان جانی

قاص اوربک در سنه نهم شاهجهانی از ولایت آمده بمنصب هزاری سرفراز شد
بعد چندی باضافه هزاری و با خطاب و بفوجداری کانگره از تغیر مرزا حسان
منوچهر سرفراز ساخته در سنه ۲۰ بجایزه سه بهوب لسر سکرام زمیندار جمون

بنوازش نقاره و در سنه ۱۳ بخدمت مهکر و در سنه ۱۴ بمنصب سه هزاری دو هزار
سوار و بنظم کشمیر از علیمردان خان سرافراز شده پس از رسیدن انجا
فوت کرد شاه قلیخان سلطان بیک در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری
و در سنه ۲ با خطاب و با ضافه پانصدی و قلعداری رنتهنبور سربلند شده بود در سنه نهم در شغل
فوجداری اوده فوت شد شاه قلیخان محمد امین منصب داشت در سنه ۳ عالمگیری با ین
خطاب نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد شاه وردیخان از ولایت در سنه ۲
همایونی آمده در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سربلند شده خدمت می نمود در سنه ۲۲
باعث رمیدامهای در اودلت کاردار عالبانه نموده در سنه ۲۴ در سنار کالو خدمت میکرد
در انصوبه در سنه ۲۷ فوت کرد شاه حسین خان ملدری در احد اکبری بمنصب و باین
خطاب سربلند و در سنه ۸ صاحب کابل شده بود دیگر احوال او معلوم نشد شهباز خان
شهر الدکنبوه لاهوری در سنه ۱۲ اکبری بمنصب و در سنه ۱۶ با خطاب و بمیر بخشی سرافراز
شده در سنه ۱۸ قلعه جلسا سرار قلاع گجرات از تصرف اولیای غلام خان سرخان فولادی

ودر سنه ۲۱

والا ایران سپرده بحضور آمده در سنه ۱ در تعاقب خانزمان باغی تردد ها نموده

در سنه ۲۵ راه بعضی پیموده بود انجام کار او معلوم نشد شاه قلیخان بارچه از ولایت

در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده

مصاحب لاهور گردیده در سنه ۸ تردد ها نموده در سنه ۱۱ بحکومت ملک کده مقرر گشته

بود انجام کار او معلوم نشد شاه قلیخان محرم بهالو در سنه احد اکبری نوکر بیرامخان

بود از طرف او در جنگ با هیمون تردد ها نموده را اسیر آورده در سنه سوم قلعه

حصار را در حدود جوده پور فتح کرده در سنه پنجم بمنصب و بخطاب خانی سر بر

افراخته در سنه ۹ در سیر عبدالله خان اوزبک باغی و در سنه ۱۷ در تسخیر قلعه سورت

تردد ها نموده در سنه ۱۹ بفوجداری ایدر و در سنه ۲۰ بنظم لاهور مقرر شده در

سنه ۲۳ در تنبیه بلوچان الصوبه و در سنه ۲۰ و در سنه ۲۹ در بنگاله ترددات پسندیده

بجا آورده در سنه ۳۱ در تنبیه افاغنه مهمندیه و غوریه کارها کرده در سنه ۳۵ بنا بر تنبیه مفسدان

ملوات مامور گردیده در سنه ۳۶ بنظم اکبرآباد و در سنه ۴۱ باضافه پانصدی بمنصب

چهار هزاری لوای مفاخرت برافراخته در سنه ۴۴ مصاحب شاهزاده سلیم شد

در سنه ۴۶ بعد رسیدن حضور فوت کرد خان مذکور سپاه را آنقدر رعایت

می کرد که نوکران بادشاهی آرزوی نوکری او داشتند و از بیجده بهر طرف

که رو می آورد کارهای بسته می کشود شاه قلیخان محمد بیگ بخطاب سلطان خرم

در بعضے مرزا اشرف الدین خان ناظم اجمیر و در سنه ہشتم در سنه شاه ابوالمعالی مغرور و در سنه نهم
در کارزار با خان زمان باغی و در سنه ۱۳ بهنگام حکومت سارنگپور در سنه مرزایان باغی
علی الخصوص در سنه ۱۷ در ایلغار مهم گجرات مثل برق و باد رفته تلاشها نموده ایزد بجاگیر
سرکار مندو مضاف صوبه مالوا سرسبز گشته در سنه ۲۵ در آنجا فوت کرد شاهم خان
جلایر از نوکران مرزا کامران بعد مراجعت همایون بادشاه از عراق در سلک
مسلکان همایونی در آمده همراه ایشان بهندوستان آمده در عهد اکبری بمنصب
دو هزاری و با خطاب سر برافراخته در سنه ۹ در جنگ با اعدای دولت و در سنه ۱۰
در سنه خان زمان باغی ترددات نموده در سنه ۱۹ بحراست قلعه حاجی‌پور مقرر گردیده در سنه
بعد فتح قلعه مذکور بعلت منعم خان ناظم بنگاله شد و در سنه ۲۱ پس از رحلت ناظم مذکور از
مالک شاه امان ربانکس بکار سپرده در سنه ۲۲ بهنگام سر اوصاف خان ناظم انجا در جنگ
با داود کرانی حاکم زاده بنگالا و ادول ترددها کرده در سنه ۲۴ و در سنه ۲۶ و در سنه ۳۰ در بعضی
التصویر تلاشهای مردانه نموده در سنه ۳۳ تکوبک صادق خان حاکم بزاه مقرر شده اکثر
مصدر ترددات نمایان گردیده و در سنه ۴۴ فوت کرد شاه محمد خان برادر شمس الدین خان
اتکه از بندهای همایونی در عهد اکبری از روی طبقات اکبری بمنصب دو هزاری
و با خطاب سرافراز شده تا سنه ۱۷ خدمت می‌نمود انجام کارش معلوم نشد شاه محمد
خان قلاتی در عهد اکبری بمنصب دو هزاری و خطاب خانی سربلند گردیده صاحب
قندهار داشت در سنه ۹ موافق حکم بادشاهی قلعه را بکسان شاه طهماسپ

در سنه ۳ در انجا فوت کرد خانمکور در معرکه آرا مهارت تمام داشت و خیر و موفق و کتخدا بود

شریف خان برادر خرد شمس الدین خان اتکه از بندهای همایونی در سنه احد اکبری بمنصب هزاری

و بخطاب سرافراز شده متعلق لاهور بود در سنه ۹ و در سنه ۱۲ در بعضی آن صوبه تردد نموده در سنه ۱۳

بحکومت قنوج مقرر شده بعد ازان تا سنه ۲۱ متعلق مالوا بود و در سنه ۲۵ بمنصب دو هزاری و ما ملک سلطان

مراد نام برآورده در سنه ۲۸ متعلق گجرات گشته در سنه ۳۹ بحکومت غزنین وطن خود مقرر گردیده

تا سنه ۴۴ بمنصب سه هزاری رسیده در انجا بود شریف خان ولد خواجه عبدالصمد شیرین قلم منصبی داشت

در سنه احد جهانگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب و در همان ایام بخطاب امیرالامرا سربلند شده بود

همه احوال او در ذیل خطاب امیرالامرا بقلم آمد سید شریف خان قدیمی در سنه احد شاهجهانی بمنصبی

و بخطاب سرافراز بود و در سنه دوم متعلق راجه ککهر لاهور شده در سنه ۱۶ بمنصب هزار و

پانصدی رسیده بود شریف خان منصبی داشت در سنه ۳ عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود و اینده بخدمت بکاولی

سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد شریف خان خواجه شاه نعمت الله در عهد عالمگیری به منصب

و در سنه ۱۸ بخطاب شریف خان و در سنه ۲۳ بداروغگی داغ و در سنه ۲۵ بصدارت کل از تغیر عابد خان سربلند شده بود

در سنه ۲۶ رحلت کرد سید شریف خان ولد سید محمد قنوجی در اواخر عهد عالمگیری بمنصب لائق

خطاب سرافراز شده در سنه سی ام بکرورگیری ... از تغیر سردار خان و بداروغگی حرم و بمنصب هزار و

پانصدی سرافراز شده در عهد محمد شاه همراه آصف جاه در دکن فوت کرد شاه بداغ خان

از ایماق ما بین کابل و سمرقند از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه

هزاری و بخطاب سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۸ در تسخیر قلعه میرته وطن را صوبه دار ...

مقرر گشته در سنه سی ام متعلق بادشاهزاده عالمگیر ناظم دکن شده در سنه احد

عالمگیری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی برنام خود سر برافراخته در سنه ۳۱

در جنگ با اعدای دولت ترددها نموده بود شمس الدین خان حکیم شمشا

سی الوری در سنه ۲۳ عالمگیری بمنصب سه هزاری و باین خطاب و میر بخشیگری

مردم دکنی سرافراز شد آنحضرت صلاح او را در مهام دکن منظور میداشتند ؛

شهاب الدین احمد خان از سادات نیشاپور از ولایت در رکاب همایونی آمد

در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته بنظم دهلی مقرر شده بود

در سنه ۵ هنگام بغی بیرام خان مصدر دولتخواهی گشته در سنه ۹ در سنه افاغنه جونپور

واوده ترددات نمایان نموده در سنه ۱۲ بنظم مالوه از تغیر محمد قلیخان برلاس

و همدران سال بفوجداری جوسور و در سنه ۲۱ بار دوم بنظم مالوا و بمنصب

پنجهزاری و در سنه ۲۲ بنظم گجرات از تغیر وزیر خان تا جنگ که با اتالیقی مرزا

خان عبدالرحیم مقرر بود و والا رتبه گشته در سنه ۲۳ معزول گردیده در سنه ۲۴

بار دوم بنظم گجرات افتخار اندوخته در سنه ۲۵ بعد عزل چون تهانه های

خود را از محالات برداشت تهانه های اعتماد خان گجراتی ناظم منصوب

داخل هر مکان نا شده خودش داخل بلده شد درینوقت مظفر گجراتی

ماند و نام برآورده در سنه سی ام بخطاب شجاعت خان و آینده بنظم گجرات
سربلند گردیده در سنه چهلم هنگام نظم انجا بمنصب چهار هزاری مباهات
اندوخته و در سنه چهل و دو تقصیر در گذر سر راهو معاف گردیده در سنه ۲۵
بجوار یزدان رفت امیری بود شریف النفس آراسته سکنه گجرات
معتقد ولایت و کرامت او بودند حضرت برامن سرداری و نفس
عملداریش اعتماد کلی داشتند و از غرایب آنکه غایبانه باین مرتبه رسیده بود
شمس الدین خان یکی از بندهای همایونی در سنه چهل اکبری بمنصب پنجهزاری
و با خطاب و در سنه ۸ بخطاب اعظم خان سربلند بود و همه احوال او
در ذیل خطاب اعظم خان نوشته شد شمس الدین خان ولد
نظر بهادر خویشگی در سنه ششم شاهجهانی بمنصب شش صدی و در سنه ۱۳
بمنصب هزاری و بفوجداری مندسور مباهی گردیده در سنه ۱۴ معزول شد
در سنه بیستم بفوجداری دامن کوه کانگره مقرر گشته در سنه ۲۵ همراه شاهزاده
عالمگیر متعین مهم قندهار در همین سال بعد فوت پدر بمنصب هزار و
پانصدی ذات و سوار نام برآورده در سنه ۲۶ همراه شاهزاده دارا شکوه
نامزد متعین مهم قندهار گردیده در همین سال بفوجداری جوناگده از تغیر محمد صالح

اکبراباد از تغیر ذوالفقار خان مباهات اندوخته در سنه ۲ متعین مهم سری

نگر که سلیمان شکوه در انجا پناه برده بود گردیده در سنه سوم سلیمان شکوه

را از نزد زمیندار انجا آورده در سنه ۳ بفوجداری میان دواب از تغیر علیخان

مقرر شده در همین سال برسانیدن افواج بکابل رفته در سنه ششم

بحضور آمده بفوجداری نواح اکبراباد از تغیر همیخان مقرر گشته در سنه

هشتم بکرر بقلعه داری اکبراباد از استقلال اعتبار خان خواجه سرا مامور

گشته و بمنصب دو هزاری امتیاز یافته در سنه ۹ بخدمت میر توزکی و آخته

بیگی از تغیر ملتفت خان و در سنه دهم بداروغگی توپخانه از تغیر [illegible]

مباهات اندوخته در سنه ۱۵ بخلدوی فتح بر فرقه صالح [illegible]

شجاعتخان مباهات اندوخته در سنه ۱ در جنگ با افاغنه کابل بعد حرب

صعب بکار آمد شجاعتخان حیدرابادی در سنه ۲ عالمگیری به

منصب پنجهزاری و بخطاب سرافراز شده در سنه ۹ فوت کرد

شجاعت خان محمد بیگ ترکمان از هرات آمده در اخر عهد شاه

جهانی بمنصب سرافراخته متعین گجرات شده بود در سنه دوم عالمگیری

بمنصب هزار و پانصدی در سنه هشتم بخطاب [illegible] و بفوجداری [illegible]

سرافراز شده همدران سال همراه پدر بمنصب کشته در سنه سوم بخطاب
عرب خان سر برافراخته بعد فوت شجاعتخان سید مظفر و سپردی شدن
شجاعتخان سید بهار و کارآمدن شجاعتخان رعد انداز مدار بیگ در سنه باز
بخطاب شجاعتخان سربلند کردیده در سنه ۲۳ بمنصب معتد کشته در سنه ۴۴
بعد عفو تقصیر بخطاب مرزاخان نام برآورده بود همه احوال او در ذیل خطاب
مرزاخان تقلیم خواهد آمد شجاعتخان سید مظفر ولد شجاعتخان سید جعفر
بارهه در سنه ۹ اعلیٰ شاهجهانی بمنصب هزاری داشت در سنه ۱۱ بمنصب هزار
و پانصدی و بخطاب همت خان در سنه ۱۳ بخطاب مظفرخان سر برافراخته در
وسط سنه احد عالمگیری بعد سلب خطاب شجاعتخان محمد ابراهیم بخطاب
شجاعتخان نامور شده همدران سال رخت عمر بربست کرد سید شجاعت
سید بهار ولد سیفی علی اصغر بارهه در عهد جهانگیری منصب داشت در عهد
شاهجهانی معلوم نشد که در چه حال بود در سنه ۲ عالمگیری بخطاب شجاعت
سرافراز شده در سنه سالانه ده هزار و سه قانع کردیده بود در عهد
الثانی درگذشت شجاعت رعد انداز بیگ در سنه احد عالمگیری
بمنصب هزاری و بخطاب خان برنام خود و در همین سال بقلعه داری
اکبرآباد

خدمت می نمود و همراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شهریار
باعث مصدر ترددی شده بود در سنه احدی شاهجهانی بمنصب سه هزاری
دو هزار سوار و بخطاب و فوجداری سرکار ترهت سرفراز گردیده
بعد ازان در وطن خانه نشین گشته در سنه بدرگاه رسیده بمنصب
چهار هزاری سربرافراخته در سنه در دکن ترددات نموده در سنه هشتم اله
اباد از استقلال باقرخان و بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار و در سنه ۱۳
بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه والا منزلت گشته در سنه ۱۶
بحکومت ایرج و بهادرپور و سواری اسلام اباد از تغیر عبدالله خان بهادر فیروز
جنگ مقرر گردید در انجا رحلت نمود شجاعت خان سادی بیک
ولد خالص بهادر مسیحی داشت در سنه شاهجهانی بخطاب شادخان
و در سنه بخطاب شجاعتخان نام برآورده در سنه احد عالمگیری بخطاب
معلخان مامور گردیده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب معلخان نوشته
خواهد شد شجاعتخان محمد ابراهیم ولد نجابت خان بن میرزا شاهرخ
صفوی در عهد شاهجهانی منصب پانصدی داشت در سنه احد عالمگیری
بمنصب چهار هزاری و بخطاب شجاعتخان و بعد چندی بخطاب جانعالم

و در سنه دوم باضافه پانصدی نام برآورده در سنه ۳ تعین دکن گردیده و در سنه ۶
بمنصب دوهزاری سر برافراخته متعین اسلام خان ناظم بنگاله شد و بعد در سنه ۸
در جنگ باعثمان افغان تلاشهای رستمانه بذات خود نموده ظفر یافته در صلهٔ
آن منصب سه هزاری و خطاب رستم خان زمان نام برآورده در همان سال
رحلت حیات بربست شجاعت خان سلام الله عرب برادر زاده
مبارک عرب حارس ولایت حویره و در اول در سنه چهارم جهانگیری
بمنصب چهارصدی سرافراز شده در سنه ۹ و در سنه ۱۰ باضافه سر برافراخته در
سنه ۱۱ بخطاب شجاعت خان و عطای گوشوارهٔ یکدانه مروارید و در سنه ۱۵ به
منصب دوهزاری و پانصدی دوهزار سوار و در سنه ۱۶ بمنصب سه هزاری
سربلند گردیده ظاهرا در عهد ایشان با حرت سرا رفت حقیقت عطای
گوشواره آنست که بادشاه از سال نهم حلقهٔ یکدانه مروارید در هر دو گوش
خود بنا بر عهد و پیمانی که در ایام بیماری برای اظهار حلقه بگوشی بجناب خواجه
بزرگ اجمیری در میان آمده بود کشیده بودند به بندهای خاص و عام عطا
میفرمودند خانه کور را در سال پانزدهم عنایت نمودند بسید شجاعت خان
سید جعفر ولد سید جهانگیری سید محمود خان باربه در سنه ۱۵ جهانگیری منصبی داشت

و خدمت

شجاعت خان عبد اللہ اوزبک از ولایت در رکاب ہمایونی آمده در سنه احد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی برنام خود سربر افراخته در ہمان سال در جلدوی
تردد نمایان در جنگ مالیمون بمنصب بہزاری و بخطاب شجاعت
خان و بعنایت جاگیر سرکار کالپی سرافراز شده اکثر مصدر خدمات شایسته
گشته در سنه انغی نموده در سنه ۱۱ در سرگردانی جان داد شجاعت خان محمد
مقیم در سنه پنجم اکبری از کابل آمده بود بمنصب سه ہزاری و بخطاب خانی
برنام خود سرافرازی داشت در سنه بجایزه تردد نمایان بخطاب شجا
عتخان سربلند شده اکثر مصدر ترددات مانده در سنه ۱۷ در جنگ گجرات
که با محمد حسین میرزا شده بود بذات خود به پیش قدمی تیراندازی کرده
در سنه ۲۲ بنظم مالوا مقرر گردیده در سنه ۲۵ در مقدمه شلوفه بدست سپاه خود در
سارنگپور کشته شد شجاعتخان دیگر در سنه ۴۶ اکبری بمنصب
و باینخطاب سربلند و در دکن مصدر ترددات نمایان بود ظاہرا در عہد
جہانگیری بمنصب بہزاری رسیده خدمت می نمود انجام حال او معلوم
نشد شجاعتخان رستم زمان شیخ کبیر نام از سلسله شیخ سلیم چشتی در عہد
اکبری بمنصب پانصدی سرافراز بود در سنه احد جہانگیری بمنصب ہزاری و باینخطا

باضافهٔ در سنه ۲۶ عالمگیری بخطاب سیف الله خان احمد بیگ الٰهی و میر
بحری سربلند شد در سنه ۲۱ بمیر توزکی نام برآورده در سنه ۲۹ فوت کرد سیف الله خان
اسد الله ولد سیف الله خان احمد بیگ منصبی داشت در سنه ۲۶ عالمگیری بخطاب
پدر و در سنه ۲۹ باضافه بالصدی سربلند شده تا سنه ۱ عهد بهادرشاه خدمت می نمود و مولا
لدین بادشاه او را قید نموده بودند در عهد محمد شاه رحلت کرد سلطان قلیخان
منصبی داشت در سنه ۱۹ عالمگیری بخطاب خانی و بفوجداری متهرا از تغیر مبارز خان
معزز و مقرر شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد سعادتمند خان
در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند و در سنه ۳۲ معاف
شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد سیف الله خان صفوی در اواخر عهد عالم
گیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراخته در سنه ۴۳ بقلعداری قلعه شولاپور
مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سنجر خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب خانی سربلند شده بود ظاهرا در جنگی شهید شد دیگر احوال او معلوم
نشد سنگرام خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب ۳ هزاری و باین خطاب
سرفراز شده بعد رحلت حضرت در رفاقت بادشاهزاده محمد کام بخش
دیگر احوال او هیچ معلوم نشد حرف شین نقطه دار

شده در بنگالا تردد داشت نمایان کرده در سنه ارتقد لکار اسنام که گرفتار

رفته بود بتوجه شاهزاده محمد اعظم شاه در بنگاله که ناظم بنگالا بود در خلاص

گردیده خدمت می نمود انجام حالش معلوم نشد سید خان بارهه

در عهد شاهجهانی بمنصب و باین خطاب سربلند و در جنگ مالوه همراه مها

راجه جسونت سنگه بمقابله شاهزاده عالمگیر و در جنگ اجمیر در

سنه عهد عالمگیری در رکاب ایشان بمقابله سلطان داراشکوه تردد

نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید خان میر محمد مراد منصب

داشت در سنه عالمگیری با این خطاب سرافراخته در سنه ۶ بقلعه داری

دولت اباد و اینده بقلعه داری کابل مقرر شده در سنه ۲۴ درانجا رحلت کرد

سید خان سید نور محمد بارهه منصب داشت در سنه ۲۶ عالمگیری باین خطاب

سربلند گردیده در سنه ۳۷ تردد ات نموده بود بعد رحلت آنحضرت

از پیش اعظم شاه بمنصب دو هزاری نام برآورده دیگر احوال او

معلوم نشد سیف الله خان نبیره سعد خان بهادر ظفر جنگ در

اوایل عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب خانی سربلند شده متعین

دکن گردیده در سنه ۲۵ بکار اید سیف الله خان احمد بیگ نعمت الهی

جانی بمعرفت موسوی خان صدر الصدور روز ملازمت بمنصب بعد از ان
وبخدمت عرض مکرر سرافراز شد در سنه ۱۵ بمنصب هزاری و بخطاب خانی و داروغگی
دیوانخاص و در سنه ۱۶ باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۸ بمنصب
دو هزاری و بمیر سامانی و در سنه ۱۵ باضافه منصب سه هزار و پانصدی و در سنه ۱۱ باضافه
پانصدی و دیوانی خالصه و تن سرفراز شد ماثر مطاعه از بعد اسلام خان و تعلقه
قلمرو ان مرجع مهمات اندوخته روز دیگر بخدمت وزارت کل و باضافه هزاری
و بعد چندین بمنصب شش هزاری دو هزار سوار و در سنه ۲ بجلدوی تردد
در مهم بلخ باضافه دو هزار سوار و همدران سال بمنصب هفت هزاری ذات
و سوار دو اسپه سه اسپه و دو کرور دام انعام و بخطاب علامی مهامی
والا منزلت گردیده در سنه ۲۵ بجا چهار هزار سوار و هزار پیاده تفنگچی و مادار
داده مکرر در مهم قندهار در تعینات شاهزاده عالمگیر ترددات نموده در سنه
سه ام فوت کرد در غم خان مذکور از چشم های مبارک بے اختیار اشکها
برانداز سپه سالار خان از رفقا سید خانخانان از سادات باربه در عهد
شاهجهانی بمنصب هزاری سر افراخته در سنه منعین مهم قندهار شده
بود در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بر سام خود امتیاز نموده در
سنه ۵

و در سنہ ۱۲ بحکام قلعہ داری دولت اباد باضافہ پانصدی و در سنہ ۲۳ بہ بخشیگری دوم از تغیر خلیل اللہ خان و بمنصب سہ ہزاری و در سنہ ۲۴ بقلعہ داری اکرآباد از تغیر باقی خان قاقشال و در سنہ سی ام بنظم شاہجہان سرافراز شدہ در سنہ احد عالمگیری بعدم رفت سیادتخان محمد معظم ولد شاہ نواز خان صفوی در اواخر عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی داشت در سنہ احد عالمگیری باضافہ ہزاری و در سنہ ۳ باین خطاب و در سنہ ۱۰ بفوجداری گورکھپور و در سنہ ۱۲ بخطاب معظم خان تقلیم خواہد آمد سیادتخان پورا لے سید اوغلان نام اسباد علاء الدین خان بہادر منصبی داشت در سنہ ۲۱ عالمگیری باین خطاب و در سنہ ۲۹ بداروغگی عرض مکرر از تغیر لطف اللہ خان و آیندہ بداروغگی دیوان خاص سربلند شدہ در سنہ ۴۱ فوت کرد سیادتخان شاہ میر ولد سیادت خان پورا منصبی داشت در سنہ ۴۱ بعد فوت پدر باین خطاب و در سنہ ۴۳ بمنصب ہزار و پانصدی و داروغگی عرض مکرر از تغیر عبد الرحمن خان شد در سنہ ۴۴ باضافہ منصب سرافراز شدہ و در سنہ احد بہادر شاہ چون چشمہای او بسبب نظم رحم کور ارکار رفتہ بود بدسالانہ قانع گردیدہ در ایام انزوا رحلت کرد سعد اللہ خان ملا سعد اللہ علامی مہانی لاہوری در سنہ ۱۴ ابن شاہ

محل اعتماد گشته در سنه ۲۴ بتقصیر رفاقت بادشاهزاده محمد اکبر باغی مقید شده
در سنه ۲ بعد خلاصی بمیر توزکی دوم جا گرفته در سنه ۲۹ قضا کرد سراوار خان
دیگر منصبی داشت در سنه ۳ عالمگیری بخطاب و خدمت کروڑگیری داغ شده
فوجداری بادرو و در سنه ۳۷ بقلعداری بدر سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم
نشد سرور خان حبشی از نوکران نظام الملک حاکم دکن در سنه سوم شاه
جهانی بمنصب دو هزار و پانصدی سربلند شده در سنه ۱۷ بعدم رفت سلیم خان
جشی در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب شش صدی سرافراز بود دیگر احوال او
معلوم نشد سلاح خان در سنه ۵ شاهجهانی بمنصب و خطاب سلاح
خان سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد سلاح خان ولد وزیر خان در اوا سط
عهد عالمگیری بخطاب سلاح خان و در سنه ۲۹ بخطاب انور خان سرافراز شده
بود همه احوال او در ذیل خطاب انور خان نوشته شده سعادت خان
میرزین العابدین برادر خرد اسلام خان در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب
شش صدی و در سنه ۱۱ بجلدوی ترددی همراه برادر در بنگاله باین خطاب
و بمنصب هزاری و در سنه ۱۵ هم بدارو غکی داغ در سنه ۱۶ بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه ۱۹ باضافه پانصدی و بقلعداری دولت آباد از تغیر پرتهی راج راتهور

همراه خاندوران در تسخیر قلعه اود گیر تردد نموده در سنه ۳۱ باضافه پانصدی نام برآورد در سنه ۵ا همراه بادشاهزاده عالم گیر از دکن بحضور آمده ایزد بعنایت جاگیر در جنیری سرفراز گردید در سنه ۷ ا بقلعداری جرا از اسفال سپهدار خان محل اعتماد گشته ایزد بفوجداری سلطانپور بدارابادی مقرر شده در سنه ۲۳ معزول گردیده ایزد بار بفوجداری مذکور سربلند گشته در سنه ۲۷ هنگام حکومت انجا صاقب ایلچی روم خوب نموده در سنه ۲۹ چون سا ... از منصب بر طرف شده بود بعد آمدن حضور بمنصب سه ۲ هزاری بحال گردیده در همین سال بفوجداری ترهت از تغیر سید عبدالرسول مقرر شده در سنه ۳۱ در انجا گذشت سرافراز خان علی بیگ از والاشان بادشاه عالم گیر در بدء احوال ایشان بمنصب هزار و پانصدی و باین خطاب سرفراز شده در جنگ اکبراباد بمقابله سلطان داراشکوه بکار آمد سرافراز خان سیف الدوله سرافراز خان مشهدی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی در سنه ۳۱ به قلعداری ... سربلند بود در سنه احد عالم گیری بعد جنگ اکبراباد بمنصب هزاری و بخطاب مذکور سرفراز شده بمیر بخشیگری احدیان مقرر گردیده در سنه ۲ بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ۱۴ به نیابت میر آتشی

تعین گردیده در سنه ہم ہنگام فتح قلعه داره اسون زخم های شدید نموده
مظفر و منصور شد در ہمان سال بنظم صوبه برار مباہات اندوختہ
ایزد بقلعداری حسن مقر گشته در سنه ہم در انجا فوت کرد خانمذکور
در باره سرداری پای کم از رستم و سام نداشت سپهدار خان بہادر
ولد خانخانان بہادر ظفر جنگ در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب نصرتخان
سرافراز شده بود در سنه با سخطاب و در سنه ای ام بنظم اکبراباد و در سنه
بنظم الہاباد سرافراز گردیده در سنه معزول گشته آیزد بار دوم بنظم الہ اباد
نام برآورده در سنه بنظم تحایره تنبیه مهاب رمدار انجا منصب بحیداری
و خطاب بہادر سر بلاک سوده در سنه احمد بہادر شاه بخطاب خانخانان
نام برآورده در عهد محمد شاه در صوبه داری اجمیر فوت کرد سرافراز خان
ولد لشکر خان مشهدی در عهد جہانگیری بمنصب و با سخطاب سراواز
بود در سنه احد سا ہجہانی بمنصب ہزاری و در سنه سسم بعد کوزه نشین شدن
پدر بمنصب دو ہزاری و پانصدی دو ہزار سوار و بفوجداری لکهی
جنگل از تغیر خان سارخان سربلند شد در سنه معزول گردیده در رکاب
بدکن رفته تعین خاندوران ناصبا و در راه صد بار دکن شد و در سنه

ہمراه

بایشخطاب سرافراز شده هنگام تسخیر حیدرآباد بدست غنیم گرفتار رفته
بعد دو روز خلاص شده آمده بود در عهد محمد شاه فوت شد سپهدارخان
محمد صالح پسر خواجه میرزا خواجه بیگ صفوی در اوایل عهد جهانگیری
بمنصب و در سنه بخطاب خنجرخان در سنه ۱۳ بعد فوت پدر بمنصب
دو هزاری به قلعداری احمدنگر سرافراز شده در سنه ۱۵ هنگام متحصن شدن
ملکر با دکهنیان کارزارهای مردانه نموده بجلدوی ترددات الحاب
منصب سه هزاری و در سنه ۱۶ بجائزه ترددات نمایان بمنصب
چهار هزاری مباهات اندوخته در سنه ۱۹ در انجا هنگامیکه دکهنیان محاصره
قلعه نموده بودند تلاشها کرده در سنه ۲۱ بخطاب سپهدارخان نامبردار
بعد فوت جهانگیر بادشاه باوصف آشوب عظیم که دران مملکت رو
داده بود مستقل مانده در سنه ۲ شاهجهانی متعین شایسته خان گردیده در
سنه ۳ ترددها نموده در سنه ۴ قلعه سنع و سورده مفتوح گردانیده همدران سال
بقلعداری احمدنگر مقرر شده در سنه بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار سه
هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم گجرات از تغیر باقرخان بحکم بالا والا
رتبه گشته در سنه ۸ باتفاق دیگر امیران بنابر تنبیه عادلخان مرزبان بیجاپور

بمعرفت نصرت خان بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب سرافراز
شده در سنه ہشتم بجلدوی تردد سے بمنصب دو ہزاری رسیده بود
در سنه ۲۳ فوت کرد ساداتخان میر احمد رضوی ولد ساداتخان
سیوم در اواسط عهد شاہجہانی بمنصب پانصدی و در اواخر عهد بمنصب
ہزاری و فوجداری نصیرآباد مضاف صوبه خاندیس داشت در سنه
احد عالمگیری بمنصب دو ہزار و پانصدی و بخطاب سرافراز شد
در سنه دوم تعین بنگالا گردیده در سنه ازانجا بحضور آمده در سنه نهم بفوجداری
گورکهپور و بمنصب سه ہزاری از تغیر الله وردیخان و در سنه بفوجداری
جونپور از تغیر معتمد خان و در سنه ۱۱ بنظم اوده مقرر گردیده بود احوال حال
او معلوم نشد ساداتخان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب
ہزار و پانصدی و بخطاب و در سنه احد بهادرشاہ بخطاب مرتضی
خان سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سربراه خان در سنه ۱۵
جهانگیری بمنصب و بخطاب سربراه خان سرافراز بود دیگر احوال او معلوم
نشد سربراه خان جلال حلیه منصب داشت در سنه سی ام عالمگیری
در جلدوی پیش بردن مورچال در مهم بیجاپور بمنصب ہفتصدی و بایں
خطاب

از تغیر ہمت خان و در ۵ھ بنظم صوبہ آکبر اباد از تغیر مامدار خان و ہمدران
سال بہ بخشیگری دوم و در سنہ بستم بمیر بخشگری از تغیر اسد خان
بمنصب پنجہزاری لوای مفاخرت برافراشتہ در ۳۲ ھ رحلت کرد اینمرد
در ظاہر و باطن اراستگی داشت سربلند خان خواجہ یعقوب
در اواسط عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب سربلند خان سر
افراختہ در ۴۴ھ مصدر ترددے گشتہ در ۱۲۱۳ ھ رخت حیات بربست
دیگر احوال او معلوم نشد سربلند خان برادر سرافراز خان عبد اللطیف
حیدرابادی بمنصب و بخطاب سربلند بود در سنہ سی ام عالمگیر
موارش بقاره بام براورده ترددہا نمودہ دیگر احوال او معلوم نشد
سربلند خان خواجہ موسی سلطان معزالدین در اواخر عہد اکبری
بمنصب ہزاری و بخطاب و بعد رحلت آنحضرت از پیش
اعظم شاہ باضافہ ہزاری مامور شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد
سادات خان از سادات سیفی در ۴۲ھ جہانگیری بمنصب ہزاری و باین
خطاب سرافراز شدہ تا سنہ ۱۱۳۱ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
سادات خان از نوکران نظام الملک مرزبان دکن در سنہ سوم شاہجہانی

بفوجداری مقرر گردیده بود انجام حال او معلوم نشد سهراب خان ولد
رعد انداز خان منصبی داشت در سنه ۳۹ عالمگیری بخطاب سهراب خان
سرافراز شده در سنه ۴۹ بمیر توزکی مقرر گردیده تا سنه ۳ خدمت میکرد انجام
حال معلوم نشد سربلند خان میلیل نام ولد حسن ماته بمنصب هزاری
داشت در سنه ۱۲ جهانگیری باضافه پانصدی و بخطاب سربلند خان سر
افراز شده در سنه ۱۷ بمنصب دو هزار و پانصدی رسیده در سنه ۱۹ اسیر یک
بغی سلطان خرم هزیمت خورده بدکن رفتند از ایشان جدا شده
بود لشکر ازان احوال او معلوم نشد سربلند خان خواجه رحمت الله در
اواسط عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه ۲۵ بمیر توزکی در سنه ۲۷
بجلدوی انداختن شمشیر بر سر حروب مرهٹه که در دیوان خاص متعهدی
مصدر نهایت بی ادبی شده بود بمنصب هزاری و در سنه سی ام به
این خطاب و در سنه ۳۱ بخدمت اخته بیگی و هم درین سال بداروغگی توپخانه
سربلند گردیده بود در سنه سوم عالمگیری بمنصب دو هزار و پانصدی سر بر
افراخته بدکن تعین گشته در سنه هشتم بحضور آمده در سنه نهم باضافه پانصدی
نام آورده در سنه دهم باز بدکن تعین شده در سنه ۱۲ بخدمت فوجداری از

تم

در سنه ۳۴ در تسخیر قلاع دکن سربلند تربیت خان میر آتش بود به
تقصیری در سنه ۱۸ معاتب گشته در سنه بیست و پنجم به دستور سابق بحال
گشته دوم بهادر شاه برای تنبیه زمیندار جاگیر خود تاخته بود بعد
کارزار بسیار در آنجا کشته شد سید قاسم پسرش مورد عنایات
گردید ۵ سهراب خان میرزا شارح ولد میرزا رستم صفوی در اوایل
عهد جهانگیری منصبی داشت بخطاب خان سر برافراخته در
سنه دهم باضافه منصب مباهات اندوخته در سنه ۱۲ بمنصب
هزاری رسیده و در سنه ۱۵ بغرور شناوری با آنکه آب دریای بهت تند و
تیز میرفت بدریا درآمده بسیل فنا رفت سهراب خان ولد اصفهان
جعفر بیگ در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و بآن
خطاب سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۱۳ درگذشت سهراب
خان نعمت الله ولد حسام الدین خان سره اصفهان غیاث الدین
علی در عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی مامور بود در سنه احد عالم
گیری بمنصب هزاری و بآن خطاب سرافراز شده در سنه ۸ که از سابق
مالانور بود بقلعداری او دگر از تغیر بهرام خان مقرر گشته در سنه ۲۶

تعین شد و ایزد بفوجداری باتن نام برآورده در سنه ۳۲ درانجا رحلت کرد
سرافراز خان دکنی از نوکران نظام الملک و سادار دکن در سنه ۲۸ نهایت
بمنصب چهار هزاری لو سرافراز شد در سنه ۱ تعین جاندوران بهادر گردیده
همه در دکن تردد ات می نمودند در سنه احد عالم گیری بمنصب پنجهزاری
والا رتبه شده در سنه ۳ بدکن معاش گشته در سنه ۸ باعث ملاقات سیوا
مرهٹه نامبرار اجه جسنگه کچهوانه در دکن گردیده در سنه نهم بدست
دکهنیان مردانه شهید شد سرافراز خان عبداللطیف حیدرابادی
الاصل در اواسط عهد عالم گیری بمنصب پنجهزاری سرافراز شده
در سنه ۳۲ و در سنه ۲۵ مصدر شده بود بمقتضای قدردانی بکاتب کور حکم
شده بود که هرگاه برای سلام آن خان بیاید ایشان اگر سوار آب
باشد سواره دست برسر گذاشته عقب برود و کانهوجی و دیگر
پنجهزاریان فرود آمده سلام بکنند در سنه ۳۷ متعین بادشاهزاده کام بخش
گردیده روپیه باجازت بیش مساعات اندوخته ما سنه چهلم خدمت
می نمود دیگر احوال او معلوم نشد سید سرافراز خان دکنی در آخر
عهد عالم گیری بمنصب شش هزاری ذات و سوار سرافراز شده
در

و بفوجداری معظم نگر آینده بمنصب سنه ۳ ہزاری و در سنه سی ام به بخشیگری
و واقعه نگاری بیجاپوری والا رتبه گشته بود انجام حال او معلوم نشد

سرافراز خان عبدالله ولد اعظم خان مرزا عزیز کوکه در عهد اکبری بمنصب
ہزاری سربلند بود در سنه ۳ جهانگیری بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب
سرافراز خان سرافراز شد در سنه ۹ همراه پدر بتقصیر کوتاهی در جنگ با رانا
زمیندار اودیپور در قلعه گوالیار مقید گردیده بود در سنه دهم خلاصی یافته
در سنه ۳ بعد سلب خطاب بمنصب ہزاری از بحالت برآمده دران عهد خانخ
زندگانی خود خاموش کرد

سرافراز خان جعفر پسر مصاحب بیگ
از امیران نامی همایونی منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری بخطاب و به
منصب دو ہزاری سرافراز شده در سنه ۱۸ بجرم شرکت بغی سلطان خورم گردیده
همراه فوج ایشان بسرکردگی عبدالله خان بهادر که دران ایام او هم داخل
باغیان بود بعزم تصرف گجرات بمقابله صفی خان دیوان صوبه مذکور
آمده کارزار نموده بدست صفی خان دستگیر شده بود بعد طلب
حضور و اثبات بی تقصیری آتش مفردن بعفو گردیده در سنه ۴
شاهجهانی بمنصب چهار ہزاری ۳ ہزار سوار سربرافراخته و بگجرات

رحلت حضرت جهانگیری که اوزبکان سر فساد برداشته بودند بمحافظت
شهر کابل مامور بود در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۲ بمنصب
دو هزاری سر برافراخته متعینه صوبه کابل گردیده و در سنه ۱۵ از کابل بتعین قندهار
شده در آغاز سنه بیستم هنگام قلعداری [الی] باضافه پانصدی بمنصب دو هزار
و پانصدی و بقلعداری ترمذ از قلاع ولایت بلخ مباهی گشته هم در سنه ۲۰
هنگام قلعداری ترمذ تلاش تردد مردانه نموده بمنصب سه هزاری دو هزار
و پانصد سوار رسیده در سنه ۲۲ به تهانه داری هر دو بنگش مقرر گشته در سنه ۲۵ متعاقب
مهم قندهار شده و در سنه ۲۹ دگر بفوجداری هر دو بنگش مقرر گشته از تغیر مبارک خان
نیازی و در سنه ۳۱ بحراست شهر کابل مقرر گشته بود در سنه احد عالمگیری بمنصب
سه هزار و پانصدی نام برآورده در آغاز سنه دوم بقلعداری ارک کابل از
انتقال معلیخان معزز گردیده و در سنه مذکور بزخم جمدهر پسر الله یا خلف
خود کشته شد سعادت خان خوشحال بیگ قاقشال در اواخر عهد
شاهجهانی بمنصب شش صدی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب
قلیج خان و بفوجداری بهره خوشاب از تغیر صحرا خان و در سنه دوم
بخطاب سعادتخان سرافراز گردیده در سنه هشتم بمنصب دو هزاری

احمد نگر مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سرانداز خان لالے سحا
پوری کالے در سنہ بمنصب دوہزاری و پانصدی و بفوجداری لکھنو و سوارہ
از تغیر الہ وردی خان و در سنہ ۱۴ بفوجداری جمون و در سنہ ۱۹ بقلعداری لاہور
سربلند گردیدہ در سنہ مذکور با جرت رفت سرانداز خان محمد بیگ ارلات
برادر کلان یادگار بیگ جلاق اتالیق سلطان عبدالرحمن ولد نذر محمد خان
والے بلخ در سنہ ۲ شاہجہانی از بلخ آمدہ بمنصب ہزاری سرافراز شدہ بود در
سنہ احد عالمگیری بخطاب سرانداز خان سربلند گردیدہ در سنہ ۵ در سنہ ۸ در
بنگالہ در معارک عظیم تردد ہا نمودہ انجام حال او معلوم نشد سرانداز خان
ملے سحا پوری در اواسط عہد عالمگیری بمنصب و خطاب سرانداز خان سرافراز
شدہ در سنہ ۳۱ رہنمای فتح حیدرآباد نمودہ در سنہ ۳۲ باضافہ پانصدی در نیابت
صوبہ برار سربلند گشتہ بود انجام حال او معلوم نشد سعادتخان در عہد اکبری
بمنصب و با خطاب سر برافراختہ در سنہ ۴۶ در دکن تردد سے نمودہ بود دیگر احوال
او معلوم نشد سعادتخان سعادت اسد ولد ظفر خان بن زین خان
کوکہ بمنصب و خطاب سعادتخان سربلند بود در سنہ ۱۶ جہانگیری بعد فوت
پدر بمنصب سہ صدی سرافراز شدہ در اواخر عہد مشعلی کابل گردیدہ در ایام

سلیم خان کاکر در عهد اکبری بمنصب هزاری و باستحطاب سر افراخته
در سنه ۱۰ مصدر ترددی گردیده و در سنه ۱۷ در ایلغار گجرات همراه رکاب بود
در سنه ۱۹ در جنگ با داود ولد سلیمان خان حاکم بنگاله در ایام نعمانی
منعم خان تردد شایسته نموده باشد در انصوبه مصدر نیکو خدمتی
بود در سنه ۲۳ در جنگ با افاغنه دره سیده تلاش نمایان کرده ظفر یافته
آینده خدمت می نمود انجام حال او معلوم نشد سلیم خان سوحانی
در عهد اکبری بمنصب و باستحطاب سر افراخته در سنه ۳۱ همعنان سلطان
خسرو شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سرکی خان کولابی در عهد
اکبری بمنصب و خطاب خانی سر افراخته خدمت می نمود در سنه ۸ مصدر
تردد گشته بود دیگر احوال او معلوم نشد سعادت علیخان بدخشی
در عهد اکبری بمنصب هزاری سرافراز شده اینده متعین بنگاله گردیده در
سنه ۲۵ در جنگ با دلیران حضرت زمینداران صوبه بهار مردانه بکار آمد
سجاول خان حلم در عهد اکبری بمنصب و باستحطاب سر افراخته
در سنه ۳۱ همعنان سلطان خسرو شده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد
سر انداز خان در عهد اکبری بمنصب و باستحطاب سر افراخته در سنه ۴۶ نکوتوالی
احمد نگر

عالمگیری بمنصب دوهزاری و بخطاب سردارخان سرافراز شده در همین
سال بخدمت فوجداری پتن گجرات از انتقال دلدارخان برادر خورد
نام برآورده چون نگهداشتن شهر گجرات که داراشکوه بعد شکست دوم بعزم
آن رفته بود تردد نمایان کرده بود بمنصب دوهزار و پانصدی سوار معزز گشته
در سنه ۴ در گجرات طلب حضور شده بفوجداری مهرانچ مقرر گردیده در سنه ۶
بفوجداری سورته از تغیر قطب الدین خان امتیاز یافته در سنه ۹ هنگام حکومت
آنجا بمنصب سه هزاری دوهزار سوار ازانجمله هزار و پانصد سوار دو اسپه
سه اسپه سرافراز گشته در سنه ۱۰ فوجداری شاه آباد ضمیمه فوجداری سورته مقرر
شده بود انجام کار او معلوم نشد سردار خان سردار بیک حمله
منصبی داشت در سنه ۲۵ عالمگیری بخطاب اهتمام خان در سنه ۲۹ بخدمت نظارت
محل سرافراز شده بود در سنه ۳۰ بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب سردار خان
سربلند گردیده در سنه ۳۱ از نظارت معزول گشته بدیگر خدمات سرافراز
بود در سنه ۳۵ رخت حیات بربست سردار خان دیگر در اواخر عهد
عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند شده در سنه ۴۴ متعینه کابل بود
بجرم اینکه با غازیان وصلت نموده در سنه ۴۷ طلب حضور گردیده در سنه گرد

لودی باغی متعین گردیده در سنه و در سنه در دکن همراه اعظم خان و خواجه
ابوالحسن ترددات نموده بعد فتح قلعه قندهار مصاحب خاندوران شد
ببالاگهات رفته در سنه از دکن بهندوستان آمده در سنه تعین سید
خانخانان ماریه بمهم جهجهار سنگ بندیله گشته بعد فتح قلعه دهاموني
از قلاع بندیله مذکور بحراست قلعه مذکور و بعنایت سرکار دهاموني
در جاگیر مباهی گردیده در سنه ۱۰ تحریر شده در سنه ۱۳ در سفر کشمیر در رکاب
بوده در سنه ۱۴ بخدمت تور بیگی از تغیر صف شکن نام برآورده در همین
سال بضبط هر دو مکش از عزل عبدالله و سعدالله پسران سعید
خان مقرر شده در سنه ۱۵ تعین قندهار گردیده در سنه ۱۷ بنظم مالوه از تغیر خان
دوران و باضافه هزاری و در سنه ۱۹ بعد عزل نظم مالوه از بعنایت سرکار
دهاموني و چوراگده سر برافراخته در سنه ۲۲ بمعیت مهم قندهار گردیده در سنه ۲۳
در ناحیه قندهار ترددنمایان نموده در سنه ۲۵ مکرر بمهم قندهار گشته در سنه ۲۶
بنظم تهتها از تغیر معلی نام برآورده در اثنای راه درگذشت :
سردار خان دل دوست ولد سرافراز خان صفی خانی مرحوم در
اخر عهد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی داشت در سنه احد
عالم

بخطاب کفایت خان نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد سردار خان

در عهد اکبری بمنصب و بخطاب سر برافراخته و بسبب خردی

با اعیان پیوسته بود در سنه از انها جدا شده بدرگاه رسیده خدمت می نمود

دیگر احوال او معلوم نشد سردار خان بخشی بیگ کابلی از نوکران محمد حکیم

برادر خرد حضرت اکبر بادشاه در سنه ام اکبری بعد فوت مرزا

مذکور در حضور آمده بمنصب صدی سرافراز شده در سنه ۴۹ بخطاب

خانی نام برآورده در سنه احد جهانگیری بخطاب سردار خان و بمنصب سه هزاری

و نظم صوبه قندهار از تغیر شاه بیگ خان سربلند گردیده در سنه ۳ درگذشت

سردار خان خواجه یادگار برادر عبدالله خان بهادر فیروز جنگ در سنه ۶ جهانگیری

بمنصب ششصدی و بخطاب سردار خان سر برافراخته در سنه ۸

بمنصب هزاری و پانصدی نام برآورده در سنه ۱۰ در تعیناتی سلطان

خورم در دکن تردد شایسته نموده در سنه بتدریج بمنصب سه هزاری

رسیده در سنه بیستم رخت عمر ته کرد سردار خان دیگر بمنصب

و بخطاب سرافراز بود از خبر در رکاب شاهجهانی آمده در سنه احد

ایشان بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه ۲ به تنبیه خانجهان

مهم قندهار گردیده هنگام روانگی قندهار درهمین سال بخطاب خانی نام آورده
آمده بحراست شهر کابل مقرر شده در سنه ۳۰ معزول گردیده در سنه ۳۱ بمنصب
دو هزاری و پانصدی رسیده در سنه ۳۲ متعین سلیمان شکوه گردیده در سنه
احد عالمگیری از سلیمان شکوه جدا شده در حیات عالمگیری آمده بمنصب
سه هزاری پانصد دو هزار سوار و بخطاب پدر بفوجداری سهرند و سهره
و در سنه بحراست شهر کابل و در سنه ۳ بفوجداری برایچ سربلند گردیده
درهمان سال رحلت کرد سعید خان محمد سعید در اوایل عهد عالمگیری
بمنصب و قلعداری ظفراباد بدر سربلند بود در سنه ۴ بخطاب خانی بر نام خود
و در سنه ۶ بقلعداری اورنگ اباد مقرر گردیده خدمت می نمود دیگر احوال او
معلوم نشد سعید خان دو همین پور سعید خان بهادر ظفر جنگ
در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانزاده خان سربلند گشته در
سنه ۴۵ بمنصب دو هزاری پانصدی و بخطاب پدر و بنظم مهمها از
انتقال حفیظ الله خان پسر خورد سعد الله خان سرافراز گردیده بود انجام
او معلوم نشد سعید خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب
دیوانی کرناتک سربلند شده بود در سنه احد بهادر شاه بادشاه به
خطاب

پسرش زخم شمشیر بر کتف داشت و زخم نیزه بر بازوی چپ برداشته

بود در سنه ۱ منظم صوبه قندهار از تغیر صفدر خان و در سنه ۲ باز منظم

ملتان علم مباهات برافراخته متعین مهم بلخ و بدخشان گردیده روزی

در جنگ با اوزبکان تلاشهای که منتهای تهور و جلادت است

نموده و ترددهای بروی کار آورده بذات خود شمشیرها زده نه زخم بر

داشته دو پسر خود را بکشتن داده بجلدوی آن بمنصب هفت

هزاری هفت هزار سوار پنجهزار دو اسپه سه اسپه والا رتبه شد

در سنه ۲۱ منظم صوبه بهار و در سنه ۲۴ باز منظم کابل نام برآورده در سنه ۲۵ در آنجا

باجرت سرا رفت سعید خان عبدالله ولد سعید خان بهادر ظفر جنگ

مذکور در اوایل عهد شاهجهانی منصب داشت و در سنه ۱۱ همراه پدر در صوبه کابل

خدمت می نمود و در سنه ۱۳ به تهانه داری بنگش بالا از تغیر راجه جگت

سنگه و در سنه ۱۶ بقلعداری قلات از تغیر خانه زاد خان و هم در سنه

۱۷ بقلعداری الی بمنصب هزاری چهار صد سوار در سنه ۱۸ بهکام سابق

فوجداری بهکر از طرف پدر بمنصب هزاری هزار سوار در سنه ۲۵ بعد

فوت پدر باضافه هزاری بمنصب دو هزاری سر برافراخته متعین

احوال او معلوم نشد سعید خان محمد سعید فعنا ولد تشحان کابلی خان
ده کرسی همورسه درسنه ۵ جهانگیری بعد بکار آمدن محمد مسعود برادر کلان
خود بمنصب شش صدی سربلند شده بود و آینده بخطاب خانی
خود برآورده متعلق صوبه کابل گردیده خدمت می نمود در اخر عهد جهانگیر
در جنگ با ندر محمد خان والی بلخ که بنابر تصرف کابل آمده بود
ترددات نمایان گردیده درسنه احدی ثانی همراه لشکر خان ناظم کا
در جنگ دوم با والی بلخ مصدر تلاشهای نمایان شده بمنصب
هزاری سرافراخته اینده بتهانه داری بردو نکس مقرر شد
درسنه بجلدوی تردد سالیه درسنه در بمنصب چهار هزاری و
سنه چهارم بنظم صوبه کابل از تغیر لشکر خان لوای مفاخرت بر
درسنه در لاهور بعد ملازمت بمنصب پنجهزاری چهره امتیاز برافر
درسنه ۱۱ بجلدوی فتح در جنگ با قزلباش باضافه هزاری و بخطاب
بهادر ظفر جنگ و درسنه ۱۴ بنظم لاهور و درسنه ۱۵ بنظم ملتان از تغیر
و در همین سال بجلدوی تردد نمایان در تنبیه راجه جگت سنگه با
مواکش بی پایان و درسنه ۱۶ بنظم صوبه لاهور که لطف الله خان
سرکش

اندوخته در سنه ۲۹ متعسه سپهار خان برای سه زمیندار بهار در صوبه اود
گردیده در سنه سی ام دران حدود تردد با نموده در سنه ۳۲ بنظم صوبه بنگاله
از استقلال وزیر خان مقرر شده در سنه ۳۳ بنظم صوبه بنگاله در تسخیر
اود سا همراه راجه مانسنگه کمکوانه بلاشها کرده در سنه ۳۱ بار دوم بنظم
صوبه بهار نام بر آورده در سنه ۴۳ باز بنظم ملتان مباهات اندوخته و بمنصب
پنجهزاری رسیده خدمت می نمود در سنه احد جهانگیری بنظم لاهور چهره
امتیاز بر افروخته بود انجام حال او معلوم نشد سعید خان گکهر در
سنه ۲۵ اکبری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سرافرازی داشت
در سنه ۳۱ صبیه او با سلطان سلیم کتخدا شده در سنه ۳۲ همراه اصفخان
جعفر بیگ بسه افاغنه کابل مصدر ترددات گشته تا سنه ۳۱ خدمت می نمود دیگر احوال
او معلوم نشد سعید خان کرانی در سنه ۲۷ اکبری بخطاب و بمنصب
و بخطاب خانی سربلند و همراه خانخانان عبدالرحیم بهادر بهار بوده
جنگ با مظفر حاکم زاده گجرات مصدر ترددات بود دیگر احوال
او معلوم نشد سعید خان مسدوری در سنه ۳۱ اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سربلند بود و متعین سلطان خسرو شده بود دیگر

درسنہ ۴۹ بقلعداری اعظم نگر مقرر شده درسنہ ۵ قلعه بوده از تصرف کسم رای برآورده بود همراه شاهزاده محمد اعظم در جنگ اکبراباد بکار آمد
سلطان خان درسنہ احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته
ایزد متعین لاهور بود درسنہ نهم بکومک میرزا محمد حکیم برادر خورد
حضرت متعین کابل شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سلطان خان
جولشکی در اوائل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب سرافراز شده بود در
جنگ اکبراباد بمقابله اعظم شاه مردانه بکار آمد سعید خان ولد یعقوب
بیک بن ابراهیم بیک حلاق در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سربلند شده درسنہ ۱ ترددی نموده درسنہ ۱ هنگام نظم ملتان میرزا
ابراهیم حسین باغی را که در پناه بلوچان رفته بود بدکارزار دستگیر نموده
درسنہ ۲۱ متعین صوبه بهار بود درسنہ ۲۲ باتالیقی شاهزاده دانیال که از زمان
خوردسالی باتالیقی ایشان مقرر بود سر برافراخته درسنہ ۲۳ بسر انجام
مهام آنجا پرداخته درسنہ ۲۵ و درسنہ ۲۶ بطور کومکیان درآن صوبه مانده
درسنہ ۲۸ بتعیناتی سرکار سنبهل مضاف صوبه دهلی و درسنہ ۲۵ بعطای
سرکار حسور مضاف صوبه بهار و بمنصب سه هزاری مباهات
اندوخته

گوشه نشینی اختیار نموده بعد چندی بحال گشته در سنه ۳ باضافه پانصدی
و بنظم اکبراباد مباهات اندوخته در سنه سوم معزول گردیده در سنه ۵ که فیل
از بس بنا بر تقصیری از منصب معزول شده در سنه ... بسته بود
بعنایت منصب دوهزاری چهره امتیاز برافراخته و در سنه ۶ بنظم کشمیر
از تغیر اسلام خان مباهات اندوخته در سنه ۹ تبت کلان که طولش
راه یکماهه و عرضش بعضی جا راه دو ماهه و بعضی جا راه یکماهه است
فتح نموده در سنه ۱۱ بنظم ملتان و بمنصب سه هزاری و در سنه ۱۲ باز بنظم کشمیر
مقرر گردیده در سنه ۱۹ استعفا از صوبه کابل گشته در سنه ۲۱ بنظم صوبه بهار
و آینده بنظم اله اباد بمنصب سه هزاری لوای مفاخرت برافراشته
و در سنه ۳۱ در انجا زندگانی را جواب داد سیفخان سید نورالدین از همراهان
ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ منصبی داشت در سنه ۲۹ عالمگیری
بخطاب سیفخان سربلند شده در سنه ۳۵ بمنصب هزار و پانصدی آینده
بفوجداری ملکوکن سر برافراخته در سنه ۴۲ معزول گشته بدرودی درگذشت
سیفخان سیف الله ولد سیفخان فقر الله منصبی داشت در سنه ۴۴
عالمگیری بخطاب سیفخان و به نیابت نظم صوبه بیجاپور سر برافراخته

درسنه احد جهانی ملتفت خان دولتخواهی های عتاب آلوده بشفاعت نواب ممتاز خاص الزمانی که همشیره ملکه بانو بیگم در حباله نکاح حاکم بود بمنصب چهار هزاری و نظم صوبه بهار از تغیر خان عالم دولدی مفاخرت حاصل نموده درسنه ۵ بنظم الٰه آباد از تغیر قلیچ خان و درسنه ۸ بنظم گجرات از تغیر سردار خان و بمنصب پنجهزاری ذات و سوار و درسنه ۱۱ بنظم اکبر آباد و درسنه ۱۲ بنظم بنگاله نام بر آورده درسنه ۱۳ در انجا فوت کرد سعید خان ساریه: درسنه ۵ اثر جهانی بمنصب هزاری و بانتخاب سر بلند و همراه داراشکوه بکومک ناظم قندهار رفته بود سیف خان سیف الدین محمود معروف بفقیر الله ولد تربیت خان مرحوم از اولاد امیر جالو از امیران امیر تیمور صاحبقران در اواخر عهد شاه جهانی بمنصب بفتصدی درسه سی ام بداروغگی جورخانه سر بلند شده همراهی سلطان داراشکوه بود بعد شکست مهاراجه جسونت سنگه درجنات عالمگیری آمده بمنصب هزار و پانصدی و بانتخاب سر براوراخته در کارزار اکبر آباد با داراشکوه و باشاه شجاع در کوراوتیں که فوج بادشاهی روبر تافته بود تا دل قوی سدراه سد عالم باریه گردیده شمشیر های نمایان زده بمنصب دو هزاری نام بر آورده در همین سال کورنش

در عهد اکبری بمنصب و بخطاب سر برافراخته در سنه ۳۶ بنابر تنبیه سر
کشان کوه کوه شمالی نامور شده بود دیگر احوال او معلوم نشد سیفخان
علی اصغر ولد سید محمود خان بارهه منصبی داشت در سنه احد جهانگیری بخطاب
سیفخان سربلند شده بجلدوی تردد در جنگ افواج بادشاهی با سلطان خسرو
باغی که هفده زخم برداشته بود بمنصب دو هزاری و در سنه ۴ باضافه پانصدی
و بفوجداری حصار فروزه سر برافراخته در سنه هشتم در کارزار رانا اودی پور
تردد ها نموده در سنه ۹ بمنصب سه هزاری نامور شد در سنه ۱۱ در دکن بانجهان رفت
سیفخان سید عبدالله بارهه از همراهان سلطان خورم منصب هفصدی
داشت در سنه ۱۲ جهانگیری در جلدوی رسانیدن خبر فتح اسمی یعنی اطاعت
دنیاداران دکن و آوردن کلید قلعه احمدنگر سربلند شده در سنه ۱۳ تردده
نموده بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد سیفخان جهانگیر شاهی
محمد صفی ولد امانت خان برادر اصفخان جعفر منصبی داشت در سنه ۱۱
جهانگیری منصب هفصدی و بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۱۵ بدیوانی
گجرات سرافراز شده در سنه ۱۸ بجلدوی منهدم گردانیدن فوج سلطان خورم
باغی بخطاب سیفخان جهانگیر شاهی و منصب سه هزاری مباهات اندوخته

متهورانه خان ساز شد سماجی خان قورچی باشی میرزا هندال از اوایل
در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب
خانی سر برافراخته در سنه ۹ مصدر ترددی شده بود انجام حالش معلوم نشد
سماجی خان ولد جلیه بیگ در عهد اکبری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب
خانی سرافراز شده در سنه ۲۱ متعین صوبه بهار بود از انجا متعین ناظم بنگاله شده
تا سنه ۲۵ همراه امرای عظام در سنه هاف لان و کاملمال باغی ترددی نمود
در سی ام متعین مهم دکن گردیده در سنه ۳۲ در سنه راجه مدهکر زمیندار اوچهه
ترددی شایسته نموده آینده بصوبه اوده متعین گشته در سنه ۳۰ حضور طلب
شده تا سنه ۴۳ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد سنبل خان غلام
همایونی در سنه احد اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته بود
مسقت خان برادر کلان رستم خان کوکه در سنه احد اکبری بمنصب چهار هزاری
و بخطاب سعید خانی سر برافراخته در سنه نهم در الیعار علیه عبدالله خان اوزبک
باغی و در سنه ۱۲ در الیعار علیه خان زمان سیستانی ترددها نموده در سنه احکام
تسخیر قلعه سورت ملکداری کرده زخمی شده در سنه ۱۸ در جنگ گجرات
همراه رکاب بود در سنه راست جانسپاری برافراخت سعید خان تخلیص آن قلعه
در عهد

حرف سین غیر منقوطه

سکندر خان شیبانی از نژاد سلاطین اوزبک از ولایت در رکاب همایونی آمده بود در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته در همان سال بجایزه تردد در جنگ با هیمون بخطاب خان عالم و بضبط آگره نام بر آورده اکثر ترددات مردانه نموده در سنه ۱۰ چون راه بغی پیموده بود بسلب خطاب خانعالم سیه یافته تا سنه ۱۶ در ممالک شرقیه آواره بود در سنه ۱۷ تقصیرش مقرون بعفو گردیده در سنه ۱۱ رحلت کرد سکندر خان در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب هزاری و بابسی خطاب سربلند بود در سنه ۶ درگذشت دیگر احوال او معلوم نشد سکندر خان سکندر بیگ اوزبک در سنه ۲۹ عالمگیری از ولایت آمده بمنصب و بخطاب خانی سربلند شده در سنه سی ام بخطاب مغلخانی مامور گردیده بود همه احوال او در ذیل خطاب مغل خان نوشته خواهد شد سلطان حسین خان جلایر از بندهای همایونی در سنه اکبری بمنصب و با نخطاب سربلند شده در سنه ۵ در کوه سوالک تلاشهای مردانه نموده بلکه یکه ... بارها کرده

فوت کرد زین العابدین خان بخاری در سنہ احد عالم گیری بمنصب
ہزاری لو سرافراز شدہ در جنگ دوم با دارا شکوہ در رکاب تردد
نمودہ در سنہ و در سنہ ہمراہ میر راجہ جیسنگہ در تنبیہ سیواسر بمصدر تردد
گشتہ در سنہ مذکور بدیوانی خاندیس در سنہ ا بمصدی گری بندر سورت
از تغیر عنایت اللہ ایمان و بخطاب خانی نام بر آوردہ در سنہ ۲۹ بقلعداری
سولاپور از انتقال سید انور خان سر بلند گردیدہ بود زین العابدین
خان دیگر در اواخر عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سر بلند
شدہ بمہر خود حسب الحکم نامی نوشت دیگر احوال او معلوم نشد
زمان خان لو حالی منصبے داشت در سنہ ۱۲ عالم گیری بخطاب خانی
بنام خود نامور شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد زین الدین خان
در اواخر عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سر بلند شدہ و بنام او فرمان
والا شان صدور می یافت دیگر احوال او معلوم نشد زین الدین خان
در اواخر عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سر بلند شدہ بود در سنہ ۵
در فتح قلعہ قنوج الحسن تردد شائستہ نمودہ بود در عہد محمد شاہ
بادشاہ ترقی کردہ بنیک نام ارتحال بجہان رفت حرف

فوت کرد زبردست خان محمد حیات ولد ذکریا خان افغان
منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزار و بخطاب زبردست
خان سرافراز شده در کارزارهای مالوا و کورا ترددات نموده تعین بنگاله
شده در سنه ۲ در انجا بحرب صعب پیوسته زخمها برداشته در سنه سوم
بفوجداری گوالیار مقرر گردیده در سنه تعین میرزا راجه جی سنگه بدکن
گشته در سنه ۱۱ در انجا تردد نموده در سنه بفوجداری هوشنگ آباد از انتقال
سربازخان سر برآورده بود انجام حالش معلوم نشد زبردست
خان نبیره سعید خان بهادر ظفرجنگ در اواسط عهد عالمگیری به
منصب و بخطاب وفادار خان سر برافراخته در سنه ۲۰ بمنصب
سه هزاری و بخطاب زبردست خان نام برآورده بسفارت پیش
سبحان قلیخان والی بلخ رفته بعد مراجعت در سنه ۳۲ بنظم صوبه اوده
مقرر شده بود انجام احوال او معلوم نشد زبردست خان ولد ابراهیم خان
بن علیمردان خان اتک در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب زبر
دست خان سر برافراخته اینده بنظم صوبه لاهور مقرر شده در سنه ۴۹
بمنصب چهارهزاری و بنظم صوبه اجمیر سربلند گردیده در عهد بادشاه

بهفتصدی سرافراز شده در سنه دوم عالمگیری بکام تعیناتی صوبه بنهالکاب
خانی برنام خود سر افراخته در سنه سوم متعین راو کرن شده در سنه
همراه مرزا راجه جی سنگه در دکن ترددی نموده در سنه بقلعداری کنداره
از قلاع مفتوحه دکن سرافراز شده در سنه متعین کابل گردیده در سنه ۲۹
بکار آمد زورآور خان در اوایل عهد جهانگیری بمنصب و در اواسط
عهد بخطاب خانی سربلند شده در سنه بمنصب هزاری هزار سوار سرافراز گردیده
بود دیگر احوال او معلوم نشد زبردست خان در اوایل عهد جهانگیری
بمنصب و ماهی لحاب سرافراخته در سنه ۱۳ سیزدهم بمنصب هفتصدی
و در سنه بمنصب دو هزاری و صدمت میر توزکی سربلند شده در سنه ۱۸
در جنگ با سلطان خورم باغی بکمال دلیری شهید شد زبردست
خان دیگر منصبی داشت از ضرر رکاب شاهجهانی آمده در سنه احد
ایشان بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب زبردست خان سرافراز
شده در سنه معلی صوبه دهلی بود در سنه ۱۰ و در سنه ۱۷ در تعیناتی
صوبه بهار تردد ها نموده بجلدوی آن در سنه ۱۸ بمنصب دو هزاری هزار
سوار و در سنه ۱۹ بفوجداری بسوسان ما مات اندوخته در سنه ۲۳ در انجا
فوت

سربلند شده درہمان سال بنظم کابل بار دوم از تغیر قلیچ خان مقرر گردیده در سنہ ۴۶ بحضور آمده فوت کرد ربیع خان در سنہ ۳۲ اکبری بمنصب و بخطاب سرافراز و در کابل مصدر تردداتـ بود دیگر احوال او معلوم نشد :

زاہد خان محمد زاہد ولد صادق خان بن محمد باقر ہروی در اواخر عہد اکبری منصبی داشت در سنہ ۴۹ خطاب مذ یافته در سنہ احد جہانگیری بمنصب دوہزاری و بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد زاہد خان ولد شجاعتخان در اوایل عہد جہانگیری منصبی داشت و در سنہ ۱ خدمت می نمود در سنہ ۱۲ بمنصب ہزاری و در سنہ ۱۵ باضافه پانصدی سرافراز شده در سنہ ۱۶ سر یک بعی سلطان خرم گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد زاہد خان کوکه بیگم صاحبه منصبی داشت در سنہ ۱۲ شاہجہانی بفوجداری میان دوآب از تغیر نور الدوله الحو مقرر شده در سنہ ۱۴ بخطاب خانی بنام خود بمنصب ہزاری سربرافراخته بدکن تعین شده در سنہ ۱۵ بحضور آمده و در سنہ ۱۷ بمنصب دوہزاری ہزار سوار و خدمت قراول بیگی و در سنہ ۱۸ بخدمت قوش بیگی سرافراز گشته در سنہ ۱۹ رحلت نمود۔ زاہد خان زاہد بیگ ترکمان در سنہ ۲۹ شاہجہانی از بلخ آمده بمنصب

ابراهیم حسین بدست خود شمشیرها زده مناسب مردانه تردد نموده درسنه ۲۲
دوداولد رای سرجن ها دارا که راه بغی پیموده بود بعد حرب صعب
ازقلعه لوندی برآورده درسنه ۲۹ راجه رامچند زمیندار باندهون را استمالت
نموده بحضور آورده درسنه ۳۰ بمنصب دوهزاری و پانصدی نیکنام گردید
درهمان سال باوجود مفتوح گردانیدن افاغنه یوسف زئی بسبب
خودرائی راجه بیربر هزیمت فاحش خورده درسنه ۳۱ در تنبیه افاغنه مهمندیه
وغوریه که سید حامد بخاری حاکم دارالپشاور را شهید گردانیده بودند
ترددے نمایان نموده درسنه ۳۲ بنظم کابل از تغیر راجه مانسنگه کچهواهه
مقرر گشته درسنه ۳۳ در مدت هشت ماه ولایت سوات و باجور
بسعی او تیرکش مفتوح گردانیده بسیاری افاغنه آنجا را بقتل آورده
بعد ازان طلب حضور شده درسنه ۳۵ راجهای کوهستان پنجاب
را بسر ابنه رس برجاده اطاعت آورده درحضور حاضر گردانید
درسنه ۳۶ بمنصب چهارهزاری و بعطای نقاره مباهات اندوخته درسنه ۳۷
و درسنه ۳۸ در تنبیه افاغنه کابل تلاشهای نمایان نموده هفت هزار افغان را
دستگیر کرده درسنه ۴۰ و درسنه ۴۱ بدو اضافه پانصدی بمنصب پنجهزاری

رسید

سرافراز بوده بمهر خود حسب الحکم بور رحال دیوان کابل نوشته بود بعد رحلت
آنحضرت از مسند اعظم شاه و باضافه پانصدی و بخشیگری صوبه اورنگ اباد
مقرر گشته بود دیگر احوال او معلوم نشد رحیم دادخان در اواخر عهد عالمگیری به منصب
و بخطاب خانی سرافراز شده آینده بفوجداری سیدسور مقرر گردیده در سنه ۴۴
از انجا معزول گشته در سنه ۴۹ بفوجداری بکلی سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد
رحیم الدینخان برادر غار الدینخان بهادر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و به
خطاب خانی سربلند شده در سنه ۱۲ بمنصب هزار و پانصدی مباهات اندوخته
بود ربیع خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی و بکوتوالی
برهانپور سرافراز شده بود دیگر احوال معلوم نشد رحیم الله خان در اواخر
عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته بفوجداری بنارس
مقرر بود بعد رحلت آنحضرت در سنه احد بهادر شاه بفوجداری لکهنو
نام برآورده بود حرف رای نقطه دار

زین خان ولد خواجه مقصود هروی کوکه اکبر بادشاه در اوایل عهد
الشان بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته خدمت می نمود در
سنه ۱۱ در ایلغار دوم گجرات در رکاب بادشاه در جنگ با مرزا

سرافراز بوده خدمت می نمود در سنه جلوس باضافه منصب و در سنه ۴۸ بعد
فوت پدر بمنصب هزاره و الفصدی و بنیابت نظم صیدرآباد از طرف شاه
زاده کام بخش و در سنه ۴۸ بفوجداری کرناٹک از تغیر صلابت خان و در سنه ۴۹
بمنصب دو هزاری و مارد و یم به نیابت نظم حیدرآباد از تغیر داود خان سر
افراز شده در سنه احد بادشاه بهادر شاه بطلم کام بخش کشته شد
رضاجو خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب رضاجو خان و
بخشگری و واقعه نگاری صوبه کابل سربلند شده بود تا سنه ۲ ام کار انجا بخوبی
سرانجام می نمود بعد فوت امیرخان ناظم انجا بسربراهی مهام کابل مورد
الطاف بادشاهی مانده در سنه احد بهادر شاه بادشاه بفوجداری اٹک
مقرر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد رستم بیگ خان هر کس از
امرای رستم خان بهادر فیروز جنگ در سنه ۴۳ عالمگیری از ولایت آمده
بمنصب و بخطاب سربلند شده بقلعداری مسکل گده از تغیر محمد خان
مقرر گردیده در سنه ۴۹ بمنصب هزاری ذات و سوار مباهات اندوخته
تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود رحمت خان در آخر عهد عالم
گیری بمنصب هزاری و به خطاب خانی و بخدمتی از خدمات حضور

سرافراز

وتن بخشیگری سربلند گردیده در سنه ۱۴ در فتح قلعه راهگده مصدر تردد گشته

بجلدوی آن بعطای سرپیچ گران بها سرفلک سوده در همان سال

رحمت حیات برلبست وفیض رسانی و نیکذاتی از پدر کم نبود روح الله خان ثانی

ولد روح الله خان میر حسن در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب

اعتقاد خان سرافراز شده بود در سنه ۴۹ بعد فوت پدر بخطاب روح الله خان

سربلند گردیده در عهد بادشاه محمد شاه فوت کرد رستم خان در اوایل

عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۲۲ تردد های نمایان

نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد رستم خان برادر خضر خان پنی

بیجاپوری در سنه ۲۶ عالمگیری بمنصب پنجهزاری و همدران سال بخطاب

بهادر خان سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب بهادر خان نوشته شد

رضی الدین خان شیخ رضی الدین پیشکار حسن علیخان بهادر در سنه ۱۲

عالمگیری بجلدوی ترددات سپاهیگری بمنصب صدی و آینده باضافه

منصب صدی و در سنه ۲۳ بخطاب خانی سربلند شده در سنه سی الم فوت

کرد خانمذکور در جوهر شجاعت یکتا بوده است رستم دل خان

ولد جانسپار خان میر بهادر دل در سنه ۳۹ عالمگیری بمنصب و بخطاب

احدیان اربعہ بلتفت خان مباہات اندوختہ درسنہ دہم بمنصب دو ہزاری
وبخدمت آختہ بیگی ودر سنہ ۱۶ بفوجداری دامونے ودر سنہ ۱۸ بفوجداری سہا
رنپور ودر سنہ بستم بمیر سامانی از تغیر اشرف خان ودر سنہ ۲۲ بداروغگی
توپخانہ از انتقال داراب خان ولد مختار خان کلان ودر سنہ ۲۳ بہ تن بخشیگری
ودر سنہ سی ام بمیر بخشیگری از انتقال اشرف خان مذکور واضافہ ہزاری
بمنصب پنجہزاری چہار ہزار سوار سرافراز شدہ در سنہ ۳۱ در تسخیر حیدرآباد مصدر
ترددات نمایان گردیدہ در سنہ ۳۳ قلعہ راہکو مفتوح گردانیدہ در سنہ ۳۵ دخترش با
سلطان محمد عظیم منسوب گشتہ در ہمان سال میض رسانی وسپر چینیم را
باد خود سپرد روح اللہ خان میر حسن ولد روح اللہ خان مذکور منصبے داشت
در سنہ ۲۹ عالمگیری بخطاب خانہ زاد خان سرافراز شدہ در سنہ ۳۱ ادکلہ سکہر بہ
حسن تدبیر مفتوح گردانیدہ در سنہ ۳۳ بہ منصب ہزار وپانصدی ودر سنہ ۳۶
باضافہ پانصدی ودر سنہ ۳۸ بمنصب سہ ہزاری وخدمت میر آتشے از تغیر
مختار خان میر قمر الدین ودر سنہ ۳۹ بنظم صوبہ ظفرآباد بدر ودر سنہ چہل ویک
بخدمت میر سامانی وبخطاب روح اللہ خان وبعد چندی بداروغگی
دیوان خاص از انتقال سیادت خان ودر سنہ ۴۴ بمنصب سہ ہزار وپانصدی
دتن

بهادر شاه باضافه صدی نام برآورده در سنه محمد شاه بادشاه فوت کرد ؛
رندوله خان بیجاپوری غازی نام منصبی داشت در سنه احد عالمگیری منصب
چهار هزاری و خطاب رندوله خان سرافراز شده در سنه نهم در دکن تردد ها
نموده در سنه ۱۲ درگذشت رندوله خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب
هزاری و خطاب رندوله خان سرافراز شده خدمت می نمود بعد رحلت آن
حضرت رفیق بادشاهزاده کام بخش گردید انجام حالش معلوم نشد رعد
انداز خان رعد انداز بیگ در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و خطاب
خانی بنام خود سرافراخته در سنه ۵ بخطاب شجاعت خان نام برآورده
بود همه احوال او در ذیل خطاب شجاعت خان نوشته خواهد شد
رعد انداز خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی
سرافراز شد در سنه ۳۷ بقلعه داری امتیازگده او دلی و در سنه ۴۴ بقلعداری
اکبراباد از تغیر عبد الله خان والاشاهی مقرر گشته بود دیگر احوال او معلوم
نشد روح الله خان ولد خلیل الله خان یزدی در عهد شاهجهانی منصب
پانصدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه سوم
بخطاب خانی بنام خود سرافراز شده در سنه نهم باضافه پانصدی و میر بخشگری

و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۱ سر یک بغی سلطان خرم گردیده در سنه ۸

کشته شد دیگر احوال او معلوم نشد رحیم خان داماد عنبر حبشی پسر ادم خان

دکنی در سنه سوم شاهجهانی از نظام الملک دنیادار دکن جدا شده بعد ملازمت

بمنصب و خطاب رعایت خان سربلند گردیده در سنه چهارم بسرای دار البقا رفت

رعایت خان در سنه سوم شاهجهانی بمنصب و خطاب رعایت خان سربلند

و به دیوانی دکن مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد رعایت خان حلسل بیگ

از نوکران اصفهان ابوالحسن در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب پانصدی سر برافراخته در سنه ۱۴

بمیر توزکی از تغیر میرخان و در سنه ۱۵ به تهانه داری غوربند و قلعه داری ضحاک از تغیر نظام

خان مقرر شده در سنه ۱۸ هنگام تهانه داری انجا بمنصب هزاری نام برآورده در

سنه ۱۹ در مهم بلخ و بدخشان اکثر تلاش و تردد نموده در سنه ۲۳ و در سنه ۲۵ و در سنه ۲۶ در تعیناتی

بادشاهزاده ها بقندهار رفته درین سال باستحکام مساعی گردیده به بخشیگری احدیان

کابل مقرر گشته در سنه سی ام به بخشیگری کابل مباهات اندوخته در سنه احد عالمگیری بقلعه دا

ری قندوستان از تغیر خان محمد صالح مقرر شده در سنه پنجم بدیوانی بندر سورت

مامور گشته در سنه ۸ فوت کرد رعایت خان برادر محمد امین خان بهادر میر بهاء الدین

در اواخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و با خطاب سر برافراخته بود در سنه احد

بهادرشاه

در سنه ۲۴ بمنصب هزار و پانصدی رسیده در سنه ۲۵ به تهانه داری جاندور
مقرر شده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بمرحمت علم
و بخطاب بدر سربلند گردیده همراه معظم خان تعین بنگاله شده
در سنه ۴ و در سنه ۵ در بنگاله ترددات شایسته نموده بفوجداری کامروپ
نام برآورده بود رشید خان محمد صالح کرمانی از نوکران علیمردان خان
در سنه ۲۹ شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۳۰ سی ام به بیوتاتی سربلند شده
در سنه احد عالمگیری بدیوانی اکبراباد مقرر گشته در سنه دهم بخطاب
رشید خان نام برآورده در سنه ۱۷ بنظم صوبه اوده رایت مباهات
برافراشته در سنه ۱۹ معزول گردیده بود رشید خان بدیع الزمان
مهابت خانی منصبی داشت در سنه ۱۴ عالمگیری بمنصب هزاری و
بخطاب رشید خان و بدیوانی خالصه شریفه از تغیر عنایت خان
سرافراز شده در سنه ۲۱ در شغل دیوانی خالصه فوت کرد رشید خان
دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب ششصدی و بخطاب سرافراخته
خدمت می نمود در سنه احد بهادرشاه باضافه صدی نام برآورده دیگر
احوال او معلوم نشد رحیم خان در اواسط عهد جهانگیری بمنصب

سخت او برش نموده زخمی شده ودر سنه پنجم بفوجداری اس روی آب اکبراباد

نام برآورده در سنه ششم بعلس شاه شجاع بدکن شده در سنه ۷ درانجا بسجا

پوریان محاربات کرده در سنه ۸ بعلس خاندوران کردیده در سنه نهم در تعیناتی

او در فتح قلعه اوسه تردد شایسته نموده ودر سنه دهم بنظم برهان پور

مقرر کردیده در سنه دهم بمنصب چهارهزاری ودر سنه یازدهم بفوجداری

سرکار بحاکده باوجود نظم برهان پور مساعات اندوخته در سنه ۱۲ بنظم صوبه ملتان

ملکانه نام برآورده در سنه ۲۳ درانجا میل کرد رشید خان رحمس بارتا

در همتحان الهدبار ولد افتخار خان قدیم در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب

عهده سر برافراخته در سنه ۱۳ بمنصب هزاری به تهانه داری حرم مضاف صوبه

بنگاله ودر سنه ۲۵ بحکومت جهانگیرنگر بمنصب هزار و پانصدی ودر سنه ۲۶

ماسحلاب سربلند شده در سنه ۲۹ به نیابت بدستور نظم اود ولب از طرف

شاه شجاع مقرر کردیده بود نموده بدستور بحکومت جهانگیرنگر مقرر ماند

در سنه احد عالمگیری در حکومت جهانگیرنگر شاهزاده محمد شجاع اورا

درانجا بقتل رسانیده رسید خان الهام الله ولد انصاری منصب دو هشت

در سنه ۲۲ شاهجهانی بعد فوت پدر باضافه بمنصب سر برافراخته

در سنه

در سنه ۲۴ بمنصب هزار و پانصدی رسیده در سنه ۲۸ به تهانه داری جاندور
مقرر شده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و مرحمت علم
و بخطاب مدد سربلند گردیده همراه معظم خان تعین بنگاله شده
در سنه ۴ و در سنه ۵ در بنگاله از دد داب سن لسته نموده بفوجداری نامروپ
نام برآورده بود رسید خان محمد صالح کرمانی از نوکران علیمردان خان
در سنه ۲۹ شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه سی ام به سوبالی سربلند شده
در سنه احد عالمگیری بدیوانی اکبراباد مقرر گشته در سنه دهم بخطاب
رشید خان نام برآورده در سنه ۱۷ انتظم صوبه اودلی رایت مباهات
برافراشته در سنه ۱۹ معزول گردیده بود رشید خان بدیع الزمان
مهابت خانی منصب داشت در سنه ۱۴ عالمگیری بمنصب هزاری و
بخطاب رشید خان و بدیوانی خالصه شریفه از تغیر عنایت خان
سرافراز شده در سنه ۲۱ در شغل دیوانی خالصه فوت کرد رشید خان
دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب ششصدی و با بخطاب سرافراخته
خدمت می نمود در سنه احد بهادرشاه باضافه صدی نام برآورده دیگر
احوال او معلوم نشد رحیم خان در اواسط عهد جهانگیری بمنصب

سرافراز شده بود رحمت خان میر فیض الله منصب داشت در سنه سوم شاه
جهانی باضافه منصب سربرافراخته در سنه و در سنه در دکن ترددات مردانه نموده
در جایزه آن باین خطاب نام برآورده در سنه هنگام فوجداری سماکره باضافه پانصدی
بمنصب دو هزاری سربلند گردیده و درین سال فوت کرد رحمت خان حکیم
ضیاء الدین ولد حکیم قطبا برادر حکیم رکنا منصب داشت در سنه شاهجهانی به
خطاب رحمت خان و در سنه بمنصب هزاری دو صد سوار سربرافراخته در سنه
بداروغگی کرا بخانه و در سنه بدیوانی گجرات مقرر شده در سی ام بجلدوی
حسن خدمت در کارها بر دیوانی انجا باضافه پانصدی مباهات اندوخته
در سنه احد عالمگیری بدیوانی انجا بحال مانده در سنه سوم بخدمت سوانح
رکاب امتیاز یافته و بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه ششم زندگانی
را جواب داد رحمت خان پسر عماد الدین سه حلقه سلطان ور عراق
در سنه ششم عالمگیری از ولایت آمده بمنصب هزار و پانصدی سرافراز شد
در سنه نهم بخدمت سوانح ار تحدیات خان و در سنه دهم باین خطاب سربلند
شده و در سنه معزول گشته در سنه باز بخدمت مذکور مقرر شده بود
رحمت خان دیگر در اخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربرافراخته
خدمت

ناظم دکن گردیده بود رضویخان سید علی نسبت وسید جلال بخاری

دراواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۲ بعد فوت پدر

بمنصب هزاری و در سنه ۱۲ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۲ بداروغگی

جواهرخانه و مرصع الات و بمنصب دو هزاری در سنه ۲۴ بداروغگی

کتابخانه از استقلال مرصالح خوشنویس و در سنه ۲۱ بمنصب دو هزار

و پانصدی و باتیطاب و خدمت بخشیگری گجرات ارتعرد دست

کام و در سنه سی ام بخدمت عرض و قایع ارتعرارادت خانسراز

شده در سنه احد عالم گیری بداروغگی عرض مکرر مقرر گشته در سنه

دوم ترک منصب نموده در سنه پنجم بار نوکری اختیار کرده در

سنه دهم بخدمت صدارت از تغیر عابد خان مقرر شد در سنه ۲۴

از جهان بجهان رفت رانی خان بلوچ در عهد اکبری بمنصب

و خطاب خانی سر برافراخته در سنه ۲۹ در گجرات خدمت می نمود دیگر

احوال او معلوم نشد رحمت خان ولد فتح خان سید عالی ارطالله

قبلمان دراواسط عهد اکبری بمنصب سر برافراخته در سنه ۳۶

ترددی نموده در آخر عهد بمنصب هزار و پانصدی و خطاب خانی

بمنصب سه هزاری و باینخطاب سر برافراخته در جنگ صدرآباد زخم
برداشته بمنصب هزاری رسیده در سنه ۳۳ در جنگ بدست ساهو گرفتار
رفته در سنه ۴۷ خلاص شده آمده بمنصب سابق بحال گردیده در سنه ۲۹ بمنصب
هفت هزاری و نیابت صوبه برار و در سنه احد بهادر شاه بنظم الصوبه از
تغیر غازی الدینخان مفاخرت حاصل نموده بود و خانخان در عهد اکبری به
منصب و باینخطاب سر برافراخته در سنه ۴ در ایلغار سنه عبدالله خان
اوزبک باغی تردد نموده در سنه بیستم بحرمین رفته در سنه ۲۱ مراجعت
کرده آمده در سنه ۲۵ بعنایت پرگنه بهار خورسند گشته در عهد الیشان
ازینجهان بآنجهان رفت رضویخان میرزا میرک رضوی مشهدی
از نوکران خانزمان سیستانی باغی بعد کشته شدن او در سنه ۱۲ اکبری بمنصب
دوهزاری بخطاب رضویخان سربلند شده در سنه ۱۹ بدیوانی سرکار
جونپور در سنه ۲۴ به بخشیگری بنگاله مقرر گردیده در عهد ایشان رحلت کرد
رضویخان میر ابوصالح سید رضوی خویش میر ابوسفخان رضوی
منصبی داشت در سنه سیزدهم جهانگیری بمنصب دوهزاری و باینخطاب
سرافراز شده در سنه ۱۸ تردد نموده در سنه دوم شاهجهانی متعین ارادت خان
ناظم

شاهزاده عالم گیر در مهم قندهار شده هنگام رخصت بعنایت خلعت و جمدهر
مرصع و اسپ با ساز طلا مباهات اندوخته در سنه ۳۲ باتفاق قلیچ خان با منصب هزار
سوار قزلباس بنرداز ما نموده چون طور جنگ به دگرگون شدن رسید
اسپ انداخته با اعدا پیوسته بشمشیر آبدار گلوی اعدا را سیراب
گردانیده فتح نمایانی یافته و بجایزه فرمان ونشان آنهار البصیر و غلبه لطحه آورده
بجایزه آن بمنصب شش هزاری و بخطاب بهادر فیروز جنگ نام برآورده
در سنه ۲۵ بحلیه دو هزار و پانصد سوار دو اسپه سه اسپه داده در سنه ۲۷ متعین مهم قندهار
گردیده تلاشها بکار برده قلعه بست فتح نموده بمنصب شش هزاری ذات
و سوار پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه رسیده در سنه سی ام بنظم کابل از تغیر
بهادر خان نامی بیک متقرر گشته در سنه ۳۱ معزول در سنه ۳۲ در جنگ اکبرآباد در
تعاقب دارا شکوه بمقابله عالم گیر بادشاه با هزاران دلاوری رایت جانسپاری
برافراخت رستم خان عبدالرحمن بیجاپوری در سنه اول عالم گیری بمنصب
سه هزاری و بخطاب شرزه خان و در سنه ۵ باضافه دو هزاری و بخطاب
نام برآورده در سنه ۲ در تعاقب علاء الدین خان تردد نموده در سنه سی ام
فوت کرد رستم خان بیجاپوری شرزه نام در سنه سی ام عالم گیری

بمرور بر طبق التماس بخطاب رستم خان و در سنه ۲ به نیابت نظم گجرات سربر
افراخته در سنه ۱۹ از آنجا جدا گردیده بحضور آمده بمنصب پنجهزاری و بفوجداری قنوج
نام برآورده رستم خان مذکور غلام چرکس بود از نوکران نظام الملک
فرمانروای دکن در سنه ۵ شاهجهانی بمنصب پنجهزاری و باین خطاب سر برافراخته در
سنه ششم رخصت بسنبهل جاگیر خود گشته در سنه ۷ از سنبهل آمده مقدار
آبروی آب حس نموده در سنه هشتم پس از منصب رایات عالیات
معاقب جهجهار سنگه بندیله بدکن رفته در سنه نهم در کارزار با افواج حاکم
بیجاپور تردد کرده همراه رکاب از دکن بهندوستان آمده بسنبهل رخصت
گشته در سنه ۱۱ بحضور آمده باز بجاگیر رفته در سنه ۱۳ از سنبهل بحضور فرستاده در
سنه ۱۵ در مهم جگت سنگه زمیندار دهمیری تردد نمایان نموده در سنه ۱۶ بجاگیر دستوری
یافته در سنه ۱۷ بحضور آمده رخصت جاگیر شد در سنه ۱۸ فرمان طلب از جاگیر روانه
گردیده در سنه ۱۹ همراه شاهزاده مرادبخش تعین مهم ولایت بلخ و بدخشان
گشته کارزارها کرده تا یک و نیم سال با اوزبکان حربهای صعب
نموده لوای فتح برافراشته در سنه بیستم همراه بادشاهزاده عالمگیر در آنولایت
ترددها نموده در ۲۱ بلخ در سنه ۲۱ در بلخ بحضور آمده بسنبهل رفته در سنه ۲۲ متعین
شاهزاده

شده در سنه ۱۴ هنگام فتح قلعه کانگره تردد شایسته نموده در سنه ۱۸ شاهجهانی
بقلعداری قندهار دکن مقرر گشته در سنه ۱۹ بنابرینکه در فن قلعه گیری ید طولی
داشت از کنار خندق قلعه تا سوربلی حوملی تا دیوار قلعه که سیب دریچ
عرض او بود ترتیب داده بود دیگر احوال او معلوم نشد رومی خان دیگر
در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب سربلند و مصدر تردد بود
دیگر احوال او معلوم نشد رستم خان ترکستانی ولد بے بحمه که از عمر ۳ سالگی
سالگی همبازی حضرت بود در سنه احد اکبری بمنصب ایزد بخطاب
خانی و بمنصب دو هزاری سرافراخته در سنه خدمت می نمود در سنه ۱۲ در ایلغار
پتنه خانزمان در رکاب ترددے نموده در سنه ۱ متعین گجرات شده در سنه ۲۳
بعنایت جاگیر سمهور نام برآورده در سنه ۲۵ در جنگ با برادرزاده های حقیقی
راجه بهگوانداس کچهوانه که بجهل باهم او بحسد بحرب وصعی کشته شد
رستم خان عرب در عهد اکبری بمنصب و بخطاب سرافراخته در سنه ۴۶
در جنگ با دکنیان تردد شایسته نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد
رستم خان یوسف بیگ بدخشی در سرکار جهانگیری بمنصب سربلند
بود چون بتقریبی جاگیر او تغیر شد در سرکار سلطان خورم منسلک گردید

گشته در سنہ ۱۹ بتعین مہم بلخ و بدخشان کردیدہ درانجا ترددات نمایان نمودہ
در سنہ بستم بجائزہ تلاشہا در مہم مذکور باضافہ پانصدی بمنصب دوہزاری
پانصدی وقلعداری کابل و ضبط بنگس پایان باوجود ضبط بنگس بالا ودر
اخر سنہ ۲۰ باضافہ پانصدی بمنصب سہ ہزاری دوہزار سوار والا رتبہ گشتہ
در سنہ ۲۱ ہنگام مراجعت از بلخ بر فراز ہندوکوہ باہفت سال روز سایر مجا خلعت
خزانہ باوجود کثرت برف وقلت اذوقہ گذرانیدہ ہمہ را بسلامت اوردہ
دراین سال فوت کرد ذوالفقارخان احمد بیگ داماد ورسرخان محمد
طاہر در سنہ احد عالم گیری بمنصب ہزاری و بایخطاب و بحراست
قلعہ رہتاس سرافراز شدہ در سنہ چہارم فوت کرد دیگر احوال او معلوم نشد

حرف را ء غیر منقوطہ

رومیخان عزیزنام از ولایت در رکاب ہمایونی آمدہ و دران عہد بخطاب
رومیخان نامور بود در سنہ احد اکبری بمنصب ہزاری و باستادی حضرت
در فن بندوق اندازی سرافرازی شدہ در سنہ ۱۵ مصدر ترددات کردیدہ
در سنہ بدرقہ قافلہ حرمین گشتہ رفتہ بود در عہد ایشان درگذشت
رومی خان دیگر در اواسط عہد جہانگیری بمنصب و باسخطاب سرافراز
شدہ

صد اسپ و چهار فیل بکار آمده بود باضافه هزار سوار علم مباهات برافراشته
در سنه ۱۰۴۲ قلعه جیجی که مشتمل بر هفت قلعه است با دیگر قلاع و چندین بنادر که عبارت
از ملک کرناتک است که در لحه سما بودند مفتوح بنظم هر دو پس بد
مفتوح نموده و چهار زوجه و یک پسر و دو دختر راجه آن کافر را که دران قلعه
پناه برده بود دستگیر آورده بجلدوی آن بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار
رسیده در سنه ۱۰۴۶ بمیر بخشگری از انتقال بهره مند خان و بمنصب شش هزاری
آمده بفوجداری بعطاهای مراتب والا منزلت شده در سنه ۱۰۴۹ قلعه داکن کرا مسخر
نموده و دیگر قلاع کشوده در سنه احد بهادر شاه بمیر بخشیگری بحال مانده در سنه احد معز الدین
بوزارت رسیده در سنه احد فرخ سیر ضایع شد ذوالفقار خان پسری لقا
ترکمان منصبی داشت در سنه سوم شاهجهانی بجلدوی تردد در کابل بمنصب
نهصدی و بخطاب ذوالفقار خان سربرافراخته در سنه ۱۱ فرستاده سعید خان
بهادر نزد علیمردان خان حاکم قندهار با دعوت اختیار کردن بندگی درگاه
نهانی رفته در همین سال روپیه مسکوک قندهار آورده بمنصب هزاری و
پانصد سوار سرافراز شده و در سنه ۱۲ باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی
و حراست غزنین و در سنه ۱۵ از اصل و اضافه بمنصب دو هزاری سربلند

مشده متعین شاهزاده سلطان محمود بتعاقب شاه شجاع گشته در سنه ۳ از انجا بیمار
آمده در اکبراباد فوت کرد ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ محمد اسمعیل نام
دلد اسد خان در سنه سنه دهم عالمگیری روز بلازمت بمنصب سه صدی
باضافه سرافراز شده در سنه استعاین کابل گردیده در سنه بیستم بخطاب اعتقاد خان نام
برآورده در سنه ۲۵ مارا صوتان حوده پور در سمت ادیپور مظفر گشته در سنه ۲۹ بجایزه
تنبیه زمیدار جانده بمنصب دو هزاری و بخدمت موسکا لسر برافراخته در سنه ام
مدار وعگی دیوان خاص از تغیر کامکار خان مقرر شده در سنه ۳۲ بجلدوی فتح قلعه
راهیری و دستگیر اوردن زنان و دختران و پسران سنبها شقی مرهته که در ان
ایام ساهو پسر کلانش نه ساله بود و پسر دیگر خورد تر از ان بخطاب
ذوالفقار خان بهادر بمنصب سه هزاری و در سنه ۳۴ بجایزه فتح قلعه پرنل
بمنصب چهار هزاری و اینزد بخطاب نصرت جنگ و در سنه ۳۲ بجلدوی جنجی
فتح که هنگام محاصره صحیح باوجود مخالف بودن بادشاهزاده کام بخش با دو هزار
سوار از مقابله سینا در امال مرهته که لک سوار و پیاده آمده بود و زدبای اقامت
مستحکم داشته ظفریاب گردیده و درین معرکه چهار هزار بندو قچی و سه صد سوار
اعدا مقتول شده و چهار صد کس از بندهای بادشاهی شهید گشته و چهار
صد

و در همین سال به بخشیگری فوج متعینه سلطان داراشکوه که بنابر اعانت
حاکم قندهار رخصت گشته بودند مقرر گردیده در سنه ۲۲ ام اسپ ارک
لاهور مراعات اندوخته در سنه ۲۴ باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری
هشتصد سوار چهره امتیاز برافروخته متعین مهم جگت سنگه زمیندار دهمیری
گردیده در سنه ۱۵ بفوجداری مندسور مقرر گشته در سنه ۱۶ معزول گردیده در سنه ۱
بفوجداری و جاگیرداری بهوجپور مضاف صوبه بهار سر بفلک سوده در
سنه ۲۶ خزانه پرگنات خالصه بهار بحضور آورده باضافه پانصدی بمنصب
دوهزار و پانصدی دوهزار سوار نامور گشته به بهوجپور رخصت شده در سنه ۲۵
بمنصب سه هزاری سر برافراخته در سنه ۲۹ خزانه پرگنات خالصه بهار
واله آباد آورده رخصت جاگیر خود گردیده در سنه سی ام بنظم بهار از تغیر جعفر
خان سرافراز گشته در سنه ۳۱ معزول شده در سنه احد عالمگیری انزوا اختیار
نموده در سنه ۲ فوت کرد   ذوالفقار خان محمد بیگ میر آتش
ایام پادشاهزادگی عالمگیر منصب داشت در سنه احد عالمگیری باضافه
منصب و خطاب ذوالفقار خانی و همدران سال بمنصب پنجهزاری
بجلدوی تردد ذات نمایان که در کارزار اکبرآباد زخم برداشته بود سرافراز

سرافراز و در سنه احد و در سنه نهم مصدر ترددات شده بود دیگر احوال
او هیچ معلوم نشد داور بخش خان در عهد عالمگیری منصب هزاری و خطاب
خانی داشت در سنه احد بهادر شاه از دکن آمده باضافه منصب کام دل برگرفته
بود دیگر احوال او معلوم نشد حرف ذال نقطه دار
ذوالفقار خان محمد بیگ از ملازمان سلطان خورم در سنه نهم جهانگیری
بمنصب و باین خطاب سرافراز شده بود در سنه ۱۱ بتقریبی بر دست افغان
سربلند خان در ایام سکنت سلطان خورم در دکن کشته شد دیگر احوال او
معلوم نشد ذوالفقار خان جانلر ولد ذوالفقار ورانا ملوسه سالار عباس
اول بعد قتل پدر به مدکانی شاه در سنه ۲۳ جهانگیری از ولایت بهندوستان
آمده بمنصب سر برافراخته بعد رحلت حضرت همراه آصفخان در کارزار
با سلطان شهریار تردد نموده بمنصب در سنه ۲ شاهجهانی بعلاقه اصفهانی
به مالاکهات شده در سنه ششم باین خطاب نام بر آورده در سنه هشتم بفوجداری
میان دو آب از تغیر سید لطف علی بهکری بمنصب هزار و پانصدی
سربلند گردیده در سنه ۱۱ معزول گشته همراه شاه شجاع بقندهار تعین شده
بزودی برگشته آمده در سنه ۱۲ بداروغگی توپخانه از تغیر خلیل الله خان و در
نایکی

بود دیگر احوال او معلوم نشد درایت خان ملا ابو القاسم دکینی در
آخر عهد عالمگیری یک روپیه یومیه در اورنگ اباد داشت اول در
سلک دکنیان ملازم شده بعد ازان در سنه چهل و دو بمنصب و خطاب
و دیوانی شاهزاده کام بخش سرافراز گشته بود دیگر احوال او معلوم نشد
دلیر همت خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب و قلعه
داری سورت مقرر شده در سنه ۴۹ در انجا فوت کرد دیگر احوال او معلوم نشد
درگاه قلیخان اخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب سربلند شده
در سنه پنجاهم بقلعه داری ... مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
داود خان حاکم اٹک در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
سرافراز شده بود در سنه ۳ فوت کرد دیگر احوال او معلوم نشد دلدار خان
راو بهرجی زمیندار بگلانه در عهد شاهجهانی بشرف اسلام مشرف شده
در آخر عهد بمنصب هزار و پانصدی سربرافراخته در سنه ۲۹ در دکن همراه مرزا
خان ناظم برار تردد نموده در سنه احد عالمگیری در کارزار مالوا در رکاب
مصدر ترددات گشته و بخطاب خانی نام برآورده در سنه نهم در دکن خدمت
می نمود دولتمند خان دکینی در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی

مضاف صوبه مذکور مفتوح گردانیده در سنه بجلدوی خدمات پسندیده
بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار یکهزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم صوبه خاندیس
مفاخرت اندوخته و در تعیناتی مرزا راجه جیسنگه کچهواهه که برای بندوبست کل
دکن رفته بود ترددها بکار برده در سنه دهم بنظم صوبه برار و اضافهٔ دو هزار سوار
دو اسپه سه اسپه لوای مباهات برافراخته در سنه بنظم خاندیس بار دوم مقرر شد
در سنه ۱۲ بنظم اله آباد از تغیر مرحان بعث البنی برآورده در عهد آن رحلت کرد
داود خان بن بهادر خان ولد بهادر خان در سنه ۲ عالمگیری بمنصب چهارهزاری
لو سرافراز گردید ذوالفقار خان بهادر نصرت جنگ مانده بجای او ترددات
شایسته منصب شش هزاری رسیده در سنه احد فرخ سیر بادشاه در کارزار
امیرالامرا حسین علیخان بارهه در دکن کشته شده خان مذکور در شجاعت
مشهور بود دلدار خان دلدار بیگ ولد سرافراز خان حقیقی در عهد شاهجهانی
منصب هفتصدی داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو پانصدی
و بخطاب خانی بنام خود و بفوجداری سرکار ... سربلند شده در همان
سال در آنجا فوت کرد دلدار خان دیگر در اخر عهد عالمگیری بمنصب
و با بخطاب سرافراز شده تا سنه دوم بهادر شاه قلعه دار قلعه رحمت بخش
بود.

ہزاری و بخطاب داشمندخان و در سنہ ۵ منصب دوہزاری و در سنہ ۲۹ بدو اضافہ
منصب سہ ہزاری و بخدمت تن بخشگری و بعنایت قلمندان مرصع و در
سنہ ۳۱ بمیر بخشگری از تغیر اعتقادخان مرا بهمن مار والا رسیده شده بود و بعد
شش ماه استعفا کرده در سنہ احد عالمگیری گوشہ نشین گشتہ در سنہ دوم
اختیار منصب چہار ہزاری بنظم شاہجہان اباد انتقال سعادتخان خرا
سانی مقرر شده در سنہ پنجم معزول گردیده در سنہ ہفتم باضافہ ہزاری بمنصب
پنجہزاری و در سنہ ۸ باضافہ بار دوم بنظم شاہجہان آباد از تغیر صفی خان
سر برافراختہ در سنہ دہم بمیر بخشگری از تغیر محمد امین خان نام برآورده
در سنہ ۱۱ بمنصب پنجہزاری دوہزاری سوار رسیده در سنہ ۱۲ فوت کرد
داود خان شیخ داود خان قریشی حصاری داراشکوه در سنہ بیست ام شا
جہانی منصب و بخطاب خان بر نام خود سرافراز شده در کارزار اکبرآباد ہمراہ
داراشکوه حق سپاہی گری ادا نموده بعد شکست اول با ہمراہی او کرده
از وجدا شده در سنہ احد عالمگیری بمنصب چہار ہزاری سہ ہزار سوار
و بنظم صوبہ بہار سرافراز گردیده در ہمان سال متحلین معظم خان ناظم
بنگالہ گشتہ در انجا تردداتِ شائستہ نموده در سنہ ۴ ولایت پلامون

ومدتہا بنظم دہلی سرافراز بود درسنہ احدشاہجہانی بمنصب دوہزاری
وبخطاب دیندارخانؔ بفوجداری میان دواب سربرافراختہ درسنہ ۸
ترددات نمودہ درسنہ فوت کرد دیندارخان سید عبدالواحد نام ولد سید
مصطفیٰ خان سید بارہ بدیخانہ کی درعہد جہانگیری منصبے داشت درسنہ
احدشاہجہانی بفوجداری حصار و درسنہ ۱۱ بجلدوی تردد جنگ در قندہار بافزایش
بمنصب ہزاری وبخطاب دیندارخان سرافرازشدہ درسنہ ۱۲ بقلعداری کابل
مقرر گشتہ درسنہ ۱۹ دراںجا فوت کرد دیندارخان ملک محمد حوالکے منصبی
داشت درسنہ احدعالمگیری باضافہ پانصدی بمنصب دوہزاری واین
خطاب سربلند شدہ درکار اکبراباد زخمی برداشتہ درجنگ باشاہ شجاع
تردد نمودہ درسنہ سوم بتعین مہم راوکرن گردیدہ درسنہ بعوارضے نوشہرہ
ازتغیر دلیرادعان مقرر گشتہ درسنہ ہفتم بفوجداری د سال نور ہم مقرر گردیدہ بود
دانشمندخان ملا سعیدا کروی ازایران بعنوان سوداگری آمدہ روزی
چند دراردو بسر بردہ بقصد مراجعت بسورت رفتہ بود چون مراتب دانش
واستعداد او بعرض جناب شاہجہانی رسید فرمان طلب او بنام متصدی
آنجا صدور یافت وشرف الیہ مراجعت نمودہ درسنہ ۲۲ بملازمت بمنصب

ہزاری

در یورش بر قلعه سملهیج برسر سلاح خواجه در سنه هفتم مهرا دلی
میرزا راجه جسنگه کچهوانه در دکن کارهای نمایان ساخته و لشکر گردی
خود از مسدار جاندار بقدر کرد در روهیلکهند شکست گرفته در سنه ۱۸
بنظم ملتان از تغیر عابدخان مقرر گردیده در سنه ۱۹ بساق دکن مامور
گشته در سنه ۱۸ بنظم حیدرآباد مال او یورشهای سخت نموده همیشه
مصدر فتوحات عظیم شده بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار سه هزار
سوار دو اسپه سه اسپه مباهات اندوخته در سنه ۲ فوت کرد دلیرخان
میر اسفندیار معموری در سنه سوم عالمگیری بمنصب و در سنه نهم بخطاب
معمورخان امتیاز یافته در سنه ۲ بخطاب دلیرخان سرافراز شده برودی در گذشت
دلیرخان عبدالرؤف میانه بیجاپوری در سنه سی ام عالمگیری بمنصب
شش هزاری و بخطاب دلیرخان سرافراز شده متعه عازالدیحان بهادر
بود در سنه چهل و هشت بجایزه ترددی بمنصب هفت هزاری دا
و سوار سربرافراخته در سنه ۴۹ هنگام تسخیر قلعه واکن کرا تلاش نموده
تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود و در عهد محمد شاه فوت کرد
دیندار خان بخاری سید بهوده نام در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری

چهارهزاری والارتبه گشته در سنه ۶ در حکومت فوجداری بر دره رحلت نمود

سید دلیر خان وله نام منصبی داشت در سنه ۱۱ شاهجهانی بجلدوی تردد در
جنگ قندهار و ماورالنهر بمنصب هزاری و بخطاب دلیر خانی سرافراز
شده در آینده به بهانه داری نوشهره مقرر گردیده در سنه ۱۴ در جنگ با افاغنه
کابل مردانه ادای کار ولی نعمت کرد دلیر خان جلال نام برادر خورد بهادر خان
روهیله دلد دریا خان در سنه سوم شاهجهانی بعد کشته شدن خانجهان لودی
و دریا خان پدرش دستگیر آمده بود بمقتضای عفو تقصیرش معاف شد
در اواسط عهد بمنصب نهصدی سر برافراخته در سنه ۲۱ بمنصب هزاری و بخطاب
دلیر خانی سرافراز گردیده در سنه ۲۵ بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۲۶ در جلدوی
تردد و در مهم قندهار بمنصب دو هزاری در سنه ۳۱ بمنصب دو هزار و پانصدی
و در سنه ۳۲ هنگام تعیناتی سلطان سلیمان شکوه در جایزه فتح در جنگ با شاه
شجاع بمنصب سه هزاری نام بر آورده در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری
والارتبه گشته در جلدوی ترددے که در رکاب عالمگیری در جنگ اجمیر با سلطان
داراشکوه زخم تیر بر دست راست خورده بود خیلے مورد آفرین شده در
هنگام تعیناتی معظم خان ناظم بنگاله مصدر ترددات شایسته شده و در

دیلورخس

مقرر گردیده داراب خان صلاح الدین ولد میرزا ابوسعید طهرانی منصبی
داشت در سنه ۱۱ عالمگیری بخطاب داراب خان و بداروغگی بندوقخانه سر
برافراخته در سنه ۱۲ بداروغگی دیوانخاص مقرر شده در سنه ۱۴ خلعت ماتمی پورش
بالو بیگم زوجه شاه نوازخان صفوی بعلاوه قرابت یافته بود داراب خان
ولد مختار در عهد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بایں خطاب سربلند شده
در سنه ۲۲ فوت کرد چون سوانح عطای خطاب مشار الیه یافته نشد تردد
باید که در سنه ۱۹ داراب خان از تغیر نظم احمدآباد بداروغگی توپخانه مقرر شده
بود جدا دانداز این تردد کدام ست دلیرخان سید عبدالوهاب باریه برادر سید
عزت خان منصبی داشت در سنه ۱۲ جهانگیری باین خطاب سرافراز شده در سنه ۱۵
بمنصب هزاری در سنه ۱۵ بجلدوی تردد در جنگ با افواج سلطان خورم باغی
در گجرات بمنصب ده هزاری و در سنه سربلند گردیده بود در سنه احمد شاه
جهانی هنگام تشریف آوردن از جنوب هندوستان چون متعلق گجرات بود هر کنار
آنحضرت را ملازمت نموده بمنصب چهارهزاری سه هزار سوار رفیع المنزلت
گشته در سنه دوم قتل سعید که در عهد جهانگیری سوداگری از بندر سکوجربده
آورده بود بحضور ارسال داشته در سنه سوم بجایزه تلاش تردد دکن بمنصب

وشمار نمود وسہ صد ستران وفیلان جنگی واسپان تازی ویراق واسلحہ
بیرون از اندازہ حسب بدست اولیای دولت درآمدند در سنہ ۱۳ بحضور آمدہ
در سنہ ۱۴ بمنصب پنجہزاری سرافراز شدہ متعین دکن پس پدر گردید و در سنہ ۱۵
ہرگاہ دکنیان افواج شاہی جنگ عالیانہ می کردند متہورانہ نزدیک آنہا ماحصہ
طرفات کشتہ در سنہ ۱۶ بہ کجباری فلک شریک سعی سلطان خورم شد و در
سنہ ۱۷ بقتل آمد وقصہ آنش اینست کہ خان مذکور در سنہ ۱۶ ہمراہ پدر خود شریک
بغی سلطان خورم شدہ بود وبعد از انکہ پدرش در سنہ ۱۸ از سلطان خورم
جدا گشتہ بموفقت مہابت خان شاہزادہ پرویز رادید سلطان خورم داراب
خان را قید نمودہ ولس از چندی ہنگام تصرف خود بر ممالک بنگالہ مامور
کردہ خود بالہ آباد آمدند وبعد جنگ از دست بادشاہزادہ پرویز شکست
خوردہ از راہ ممالک بنگالہ بصوب دکن رفتند خان مومی الیہ حسب الحکم
بادشاہی بدست شاہزادہ پرویز در بنگالہ بقتل رسید داراب خان
داراب برادر مختار خان میر شمس الدین از کومکیان دکن در سنہ ۱ عالمگیری بحفاظت
خانی سر برافراختہ قلعہ دار احمدنگر بود در سنہ دوم معزول شدہ در سنہ چہارم و در
ششم بدستور دیگر بزہا خلاع یافتہ در سنہ نہم بداروغگی قراولان از تغیر فیض الدخان

دیانت خان قباد بیگ در اوایل عهد عالمگیری بمنصب بخطاب دیانت خان سر برافراخته در سنه ۱ بخدمت بیوتاتی رکاب از انتقال رحمت خان حکیم ضیاء الدین مقرر شده در سنه ۸ معزول گردیده در سنه ۱۳ بعد فوت جعفر خان چون نیابت وزارت اسد خان قرار یافت مهر بادشاهزاده محمد معظم حواله اش شد و حکم شد که بر کاغذهای وزارت مهر میکرده باشد و در سنه ۱۶ رحلت نمود موصی الیه منجم هم بود دیانت خان ولد اما نتخان مرحوم در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب دیانت خان سر برافراخته در سنه ۴۴ بدیوانی دکن از تغیر موسوی خان میرزا معز و در سنه ۴۳ بدیوانی ... صوبه از انتقال امانت خان میر حسین برادر خود در سنه ۴۶ بمنصب دو هزاری سرافراز گردیده تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود در سنه فوت کرد داراب خان دویمین پور خانخانان عبد الرحیم در عهد اکبر منصبی داشت در سنه احد جهانگیری باسال خلعت که همراه پدر در دکن بود مباهات اندوخته و در سنه سوم جهانگیری بفوجداری غازیپور بمنصب هزاری و در سنه بمنصب دو هزاری و خطاب خانی سرافراز شده در سنه همراه او لی شاهنواز خان برادر کلان خود در دکن به تنبه عنبر حبشی خیلی مصدر تردد گردیده یعنی درین معرکه دکنیان آنقدر کشته افتاده بودند که حساب

باآنکه رہبری رمہداری در دل شب دم برلبسته بادو صد نفراز ان
راه گذشته ہنگام تسخیر سحر بر سر راجه رسیده کرنای فتح بلند آوازه
ساختند و بعد کشته شدن چندکس که آبرو کرده بود مکچات تعین شده ہمراه او
بحضور آمده بدکن رفته در سنه ۱۳ بحضور آمده بخدمت عرض مکرر سر برافراخته از خرد رکاب
شاہجهانی آمد و در سنه احد الیٰ جلوس بمنصب دوہزار پانصدی و قلعداری احمد نگر
سرافراز شده در سنه سوم در انجا رحلت نموده دیانتخان حکیم حالا کاشی در
عہد جہانگیری منصبی داشت در سنه احد شاہجهانی بمنصب ہفتصدی و دیوانی
معمار المرمانی و در سنه ۲ بدیوانی لاهور از تغیر میر عبد الکریم و در سنه پنجم بفوجداری و
و دیوانی سرکار سهرند از تغیر رای کاسی ذکس و بعد دریافت جوہر دیانت در
ہمین سال بخطاب دیانتخان و در سنه ہفتم بمنصب ہزاری و در سنه یازدہم
بدیوانی فوج معینه قندہار ہمراه شاہزاده محمد شجاع بهادر و در سنه دوازدہم بدا
روغکی داغ و در سنه بدیوانی دکن از تغیر افضل در سنه ۱۴ در شغل دیوانی
انجا باضافه پانصدی و بمنصب ہزار و پانصدی و در سنه ۱۵ ہنگام دیوانی
انجا بمنصب دوہزاری سرافراز شد در سنه ۲۱ معزول گردیده در سنه معزول گردید
بود در سنه سوم عالمگیری ترک منصب نموده در عہد ایشان باخرت سرا رفت
دیانت

در سنه ۱۰۴۱ بجلدوی فتح کشتوار بمنصب چهار هزاری سربلند گشته در سنه ۱۱
بعدم رفتن آنکه حاکم نشین کشتوار مسافت شصت کروه از معموره
کشمیر بسمت جنوب واقع است دلاور خان از کوبل بر سحال تعین افواج
نموده اسپان سپاه در کل باز گردانیده پیاده برفراز کوه برآمده با کافران
منزل بمنزل جنگ کنان تا بر کوت که یکی از محکمه های غنیم بود دستیافتند کافران
راه فرار پیش گرفتند بهادران کوه دشوار سای مردی همت نموده تا باری
فرو رسیدند و بر لب آب مذکور آتش قتال اشتعال یافت و انبوه جنگ
آن کافران بقتل آمد راجه بیدست دل شده از پل گذشته در بهندر کوت
که بران طرف آب واقع است توقف گزید و بر سر پل پاس دیگر در جنگ
ماند جمال لشکر پیش بالای آب رفته بشناوری و دلیری از آن دریای ذخار
گذشته با مخالفان بجنگ صعب پیوست کفار پل را شکسته راه فرار
پیش گرفتند و دلاور خان در بهندر کوت اقامت گرفت از آب مذکور تا باری
حصار که اعتضاد قوی این کفار است دو تیر انداز مسافت بوده باشد
و در کنار آب کوهی است مرتفع عبور از آن آب بدشواری میسر تا چهار ماه
و ده روز در بهندر کوت پای همت افشرده سعی در گذشتن آب را نخست

متعین بادشاهزاده محمد اعظم شاه در سنه احد بهادر شاه بعنایت خان
مباهی گردیده دیگر احوال او هیچ معلوم نشد خدایار خان در سنه ۱۵ عالمگیری بمنصب
و با خطاب سربلند بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد حرف

دال غیر منقوطه   دوله خان

فوجدار در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراخته تا
سنه دهم خدمت می نمود در کارزاری شدید فیلان را پیش برده کار
های نمایان می کرد دیگر احوال او معلوم نشد دادخان در سنه احد اکبری بمنصب
و با خطاب سرافراخته تا سنه دهم خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
دلاور خان کاکر در عهد اکبری بمنصب و بخطاب ابراهیم خانی سربلند شده
در سنه ۳۳ هنگام کارزارهای که در کشمیر رو داده بود مصدر ترددات گردیده
در سنه احد جهانگیری با این خطاب و بمنصب هزار و پانصدی و بجلدوی
تردد نمایان که در جنگ با سلطان خسرو باغی ازو در محافظت
قلعه لاهور بوقوع آمده بود بمنصب دوهزاری و در سنه دوم بعنایت
جاگیر در جونپور و در سنه نهم باضافه پانصدی بسرافراز شده اینده متعین
گردیده در سنه ۱۳ از دکن آمده بنظم کشمیر از تغیر احمد بیگ خان نام بر آورده
در سنه ۱۴

باضافه پانصدی و در سنه چهلم بمیربخشیگری احدیان از تغیر مرید خان و در سنه ۱۱۴۸
بخدمت سوانح رکاب و در سنه ۱۱۴۹ بمنصب دو هزاری و صوبه داری بدر از
تغیر عسکرخان و در سنه ۱۱۴۶ بفوجداری و قلعداری قندهار دکن از تغیر عزت خان
و در سنه ۱۱۵۱ بخدمت خان سامانی از انتقال روح الله خان میرحسن و در سنه پنجاهم
بمنصب سه هزاری سرافراز شده در سنه احد بهادرشاه بادشاه چون در رفاقت
اعظم شاه رستمانه در جنگ با بهادرشاه زخمهای منکر بر داشته بود بعد
ازانکه بهوش آمد و ساعتی با گزیر اعظم شاه را دریافت نموده بخیه های زخمها
را گسیخته قالب تهی کرد خیراندیش خان عرف صادق خان در اواسط
عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خیراندیش خان سرافراخته در سنه ۱۱۱
به نیابت میرآتش مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد خیراندیش
خان کنبوه میرمیر در آخر عهد عالمگیری بمنصب نهصدی و بخطاب خیر
اندیش خان و بفوجداری اناوا و در سنه ۱۱۵ بفوجداری دهامونی صمراو سرافراز
گردیده در سنه ۱۱۶ در تنبیه سرسال بندیله که بغی نموده بود ترددی کرده در عهد بهادرشاه
نیک نام رفت در فنون عملداری و ابادی محالات یگانه افاق و موفق
بود حوجم خان در عهد عالمگیری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سربلند شده

ازانجا بعزم بندگی آمده بمنصب نهصدی و بانخطاب سربلند شده در
سنه در مهم قندهار مردانه جان سپار شد خواجه خان برادر زاده سیاد
اوعلان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و بانخطاب سربرافراخته و در سنه ۲۶
در جنگ بدست دکهنیان اسیر رفته در سنه ۴۱ بعد خلاص بمنصب هزار
و پانصدی مباهات اندوخته تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود خدمت
گذارخان اسلام قلی بیگ جدید الاسلام از قوم بندیله در عهد شاهجهانی
بشرف اسلام مشرف شده و بمنصب پانصدی نام برآورده در سنه ۲۶
بخطاب خدمتکارخان سرافراز شده بود و در سنه دهم عالمگیری بخطاب خدمت
گذارخان سربلند گشته در سنه ۲۲ بقلعداری جوچه بورو طن راهوران مقرر شد
در سنه ۲۷ فوت کرد خدمت گذارخان دیگر در سنه ۳۲ عالمگیری بمنصب و بانخطاب
سربلند بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد خیریت خان برادر یاقوت خان
در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خیریت خان سربلند شده تا
سنه ۴۳ خدمت می نمود و غالب که حبشی دکهنی باشد دیگر احوال او معلوم
نشد خدابنده خان ولد امیرالامرا شایسته خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب
بخطاب خانی سربرافراخته در سنه ۲۶ بمنصب هزاری و بفوجداری بهرایچ و آینده
باضافه

وخدمت تن بخشیگری مباهات اندوخته در سنه ۱۹ بجایزه ترددات در مهم بلخ
و بدخشان بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار و در سنه ۲۱ بفوجداری میوات
و در سنه ۲۲ بار دوم به تن بخشیگری و در سنه ۲۳ بمیر بخشیگری از تغیر جعفر خان و در
سنه ۲۴ بنظم صوبه دار الخلافه و در سنه ۲۶ بمنصب پنجهزاری والا پایه گردیده با
دیگر بندها بحراست صوبه کابل روانه شده در سنه ۲۷ بحضور آمده در سنه ۲۸
برای زمینداری سری نگر تعین گشته بجست ندر دون سری نگر را فتح نموده
در سنه ۲۹ بحضور آمده و در سنه ۳۱ بار دیگر بنظم صوبه مذکور نام بر آورده در جنگ
اکبرآباد همراه بادشاهزاده دارا شکوه بمقابله بادشاهزاده عالمگیر در تردد
سپاهیانه دریغ ننموده در سنه احد عالمگیری بمنصب شش هزاری چهار
هزار سوار و در سنه ۱ بنظم لاهور والا پایه گشته عارضه بدن از لاهور دار الخلافه
آمده در سنه ۴ فوت کرد خلیل الله خان ولد روح الله خان میر حسن در سنه ۴۲
عالمگیری بمنصب هزاری بخطاب خلیل الله خان سرافراز شده بود در عهد
محمد شاه بادشاه بقلعداری کانگره مقرر گشته در انجا فوت کرد خواجه خان
ولد اوزبک خواجه در سنه ۲۲ شاهجهانی از پیش نذر محمد خان والی بلخ بسفارت
آمده بود چون از حسن وجود حضرت بهره وافر برداشته رفته بود در سنه ۲۳

همراحوال او در ذیل خطاب خانخان بقلم آمد خدمت پرستخان رضا
بهادر از خاصه خیلان عهد جهانگیری در سنه ۱۰ ایشان در رکاب سلطان
خورم خدمت می نمود از خدمت مربور کہ و هم خدمت میراتشی سرافراز
شده در سنه در کارزار با خانجهان لودی باغی ترکتاز ا ب اصل دمصدر مردانگی
بکار آمد خلیل الله خان ولد میر میران نعمت الهی یزدی در عهد جهانگیری
منصب داشت و همراه اصفهان و سلطان بولاقی در جنگ با سلطان
شهریار باغی تردد نمود و در سنه دوم شاهجهانی بخطاب خانی و خدمت
میر توزکی سرافراز گشته در سنه پنجم بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۸ بداروغگی
توپخانه سرافراز شده همراه شاه شجاع بدکن رفته در سنه هفتم در انجا تردد نموده
بحضور آمده در سنه در رکاب والا در دکن کارزاری کرده در سنه ۹ بجلدوی
ملاشتها ای مشهور رانه در سنه عادلخانیه باضافه پانصدی و در سنه ۱۳ بداروغگی
قراولان باضافه پانصدی سوار نام بر آورده در سنه ۱۴ بخدمت توس بیگی
و آخته بیگی مقرر شده باضافه پانصدی مامور گردیده باغ سالا مار لاهور
بصرف شش لک روپیه در اهتمام خود سار نموده در سنه ۱۵ همراه شاهزاده
دارا شکوه بکومک ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده و در سنه ۱۸ بمنصب

سه هزاری

دیگر ولد ہمت خان بن اسلام خان ضیاء الدین حسین خانی
در سنہ ۴۲ عالمگیری بعد فوت پدر بمنصب و در سنہ ۱ بخطاب خانہ زاد
خان و بداروغگی بندہای جلو سرافراز شدہ ظاہراً در ۴۸ فوت کرد
خانہ زاد خان میر حسن نام ولد روح اللہ خان بن خلیل اللہ خان میر میرزائے
منصبے داشت در سنہ ۱ عالمگیری بخطاب خانہ زاد خان سربلند شد
در سنہ ۴ بخطاب روح اللہ خان مامور گردیدہ بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب
روح اللہ خان نقلم خواہد آمد خانہ زاد خان پسر دیگر سعید خان بہادر ظفر جنگ
بمنصب و باین خطاب سرافراز بود در سنہ ۴۵ عالمگیری بخطاب پدر سر بر
افراختہ خدمت می نمود ہمہ احوال او در ذیل خطاب سعید خان نقلم خواہد
آمد میر خانہ زاد خان میر عبد الکریم ولد امیر خان بن میر ابو القاسم نمکین
در سنہ ۳۲ عالمگیری خطاب ملتفت خان یافتہ در سنہ ۴۵ باین خطاب و در
سنہ ۴۸ بخطاب امیر خان نام برآوردہ بود احوال او در ذیل خطاب
امیر خان نقلم آید خدمت پرست خان نبیرہ دربار خان ملا عنایت اللہ
در عہد جہانگیری بمنصب و بخطاب خدمت پرست خان سرافراز شدہ
خدمت می نمود در سنہ احدث ہجری بخطاب حیات خان امتیاز یافتہ بود

داشت درسنه بجلدوی حسن خدمت در تدبیر بدست آوردن
قلعه قندهار که بدرکش نزد علیمردان خان فرستاده بود بخطاب نام
برآورده درہمین سال بجایزه تردد درکارار باقرلباس باضافه
پانصدی بمنصب و درسنه ۱۳ باضافه پانصدی وتهانه داری عزنین
سرافراز شده بتردوی تغیر گردیده درسنه ۱۴ بفوجداری دامن کوه کانگره
وچون از تغیر راجه جگت سنگه و سرانداز خان ودرسنه ۱۵ بقلعداری حلات
از تغیر راجه جگت سنگه و درہمین سال بقلعداری زمین داور از تغیر پردلخان
سرافراز گردیده درسنه نهم بستم در مصاف بلخ بمقابله اوزبکان بذات
خود شمشیر ہا زده رستمانه جانثار شد خانزاد خان میرزا بهمن یار ولد
اصفخان طهرانی درسنه ۳۲ ش شاہجهانی بخطاب خانه زاد خان ودرسنه ۵ بخطاب
اعتقاد خان سرافراز شده بود ہمه احوال او در ذیل خطاب اعتقاد خان
بقلم آمد خانه زاد خان حمید الدین ولد میرزا ابوسعید طهرانی درسنه
احد عالمگیری بخطاب خانه زاد خان وایزده بقلعداری کابل سر
برافراخته درسنه ۱۲ تغیر شده ودرسنه ۲۶ بخطاب حمید الدین خان سربلند شده
بود ہمه احوال او در ذیل خطاب حمید الدین خان نوشته شد خانه زاد خان
دیگر

خان سر بر افراخته در عهد محمد شاه بمنصب پنجهزاری رسید مصاحب
حل و عقد سلطنت گردیده فوت کرد خدمت خان خواجه سرا
در سنه ۴۲ جهانگیری بمنصب پانصدی و پنجاه و بخدمت بخطاب خدمتخان
سربلند بود در عهد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی رسید زندگانی
را جواب داد خدمت خان خواجه سرا بمنصب و بخطاب خدمت
خان سربلند بود در سنه ۴۲ عالمگیری برای خدمت اعلی حضرت مامور
گردیده در سنه ۱۱ بداروغگی عرائض و در سنه ۳۸ با وجود داروغگی مذکور
بنظارت محل از اسعال دربار خان مقرر شد در سنه ۳۹ از نظارت
معزول گردیده در سنه ۴۱ بار دوم بنظارت نام برآورده در سنه ۴۴ بتولیت
روضه اعلی حضرت سرافراز گشته در عهد بهادر شاه پادشاه در انجا
رحلت عمر ته کرد این مرد موفق بود خانه زاد خان امان الله ولد مهابت
خان زمانه بیگ در سنه ۱۵ جهانگیری بخطاب خانه زاد خان و در سنه
احد شاهجهانی بخطاب خانزمان سرافراز شده بود همه احوال او در
ذیل خطاب خانزمان نوشته شد خانه زاد خان شیخ عمر نام ولد
سعید خان بهادر ظفر جنگ در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی

ی داشت ودر سنہ البنزادلی اوردن سپاہ متعلقہ دکن نامو
بود دیگر احوال او معلوم نشد   خدمتکار خان اسلام قلی
سا نام ولد حکراج راجہ ججہار سنگہ بوندیلہ بعد مقتول شدن پدر و سیم
د خود در سنہ ہشتم شاہجہانی دستگیر آمدہ بشرف اسلام مشرف شدہ دبا
اسلام قلی موسوم گشتہ بعد تربیت بمنصب پانصدی سرافراز گردید
در سنہ ۲۶ بخطاب خدمتکار خان نامور گردیدہ در سنہ دہم عالم گیری بخطاب
خدمت گزار خان نام برآوردہ بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب خدمت گزار
خان نوشتہ خواہد شد   خدمتکار خان خواجہ سرا خواجہ سہول نام منصبے داشت
در سنہ ۱ عالم گیری بخطاب خدمتکار خان و قلعداری گوالیار و در سنہ ۱۶ بقلعداری
ار الخلافت شاہجہان آباد و شاہنواز خان حسینی و در عہد شاہجہانی بمنصب
پانصدی سرافراز بود و القدر اعتبار داشت کہ در عہد عالم گیری پروانگی
موتراشی بادشاہزادہ محمد معظم را در ایام مقید بودن ایشان بعنا
تمام دبایندہ در سنہ ۳۹ بمنصب ہزار و پانصدی مباہات اندوختہ در سنہ ۴۵
فوت کرد   خدمتگار خان خواجہ سرا اغر نام محلی محکانہ محمد خان منصب
داشت در سنہ ۴۹ عالم گیری بمنصب شش صدی و بخطاب خدمتگ

دوم عالمگیری باضافه پانصدی و بخطاب ارسلاخان سر برافراخته در سنه
هفتم بخطاب خنجر خان سربلند گردیده در سنه ۱۱ متعین کابل گشته ظاهراً در سنه
چهارم بقلعداری ارک کابل و در سنه ۱۵ بفوجداری هر دو بنگش ارتقا رسید
مهابتخان نام برآورده خنجر خواجه کمال منصبی داشت در سنه ۲۳ عالمگیری
باین خطاب سر برافراخته تا سنه ۳۲ خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
خواص خان روپ نام خواص از بندگان اکبری در اوایل عهد جهانگیری
بمنصب و در سنه بخطاب خواص خان و بمنصب هزاری و بفوجداری
سرکار قنوج سرافراز شده در سنه ۱۱ فوت کرد خواصخان بهشتی سر خیل
خدمتکاران جهانگیر بادشاه در سنه ۱۱ ایشان بمنصب و باین خطاب در
سنه ۱۵ بتحویلداری افیون خاصه سر برافراخته در سنه ششم شاهجهانی بخطاب
دولتخان نامور گردیده بود همه احوال او در ذیل خطاب دولتخان بقلم خواهد
آمد خواصخان دکهنی در عهد شاهجهانی بخطاب مختار خان و بمنصب دو هزاری
سربلند بود در سنه احد عالمگیری باین خطاب و بقلعداری چنار گده امتیاز
یافته در بنگاله در عهد ایشان بالخان رفت خدمتکار خان در اوایل عهد
جهانگیری بمنصب و در سنه ۱۱ بخطاب خدمتکار خان و بخدمت تورک

جہانگیری بمنصب دوہزار و پانصدی و باسخطاب سرافراز شده بقلعداری
ضحاک مقرر گردیده در سنه دوم شاہجہانی فوت کرد خنجر خان حرداقاسے
در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہزاری سربلند شدہ متعین مہابتخان گردیدہ
در سنہ متعاں ارادتخان گشتہ در سنہ سوم فوت کرد خنجر خان مرزا محمد خویش
قلیجخان در اوایل عہد شاہجہانی منصبے داشت در سنہ ۱۳ بمنصب ہزاری و بایں
خطاب بقلعداری رسید ادر و در سنہ ۱۸ بفوجداری دامن کوہ کانگرہ سرافراز شد
در سنہ ۱۹ متعین مہم بلخ و بدخشان گردیدہ در سنہ بیستم در آنجا تردد نمودہ و در
سنہ ۲۲ بجایزہ تردد در مہم قندہار باضافہ پانصدی مباہات اندوختہ در سنہ احد عالمگیری
بمنصب سابق بحال ماندہ از فوجداری بہیرہ خوشاب کہ کار بنام او مقرر
بود معزول گردیدہ بہ تنبیہ مفسدان دامن کوہ کانگرہ معین گشتہ در سنہ ۳ بفوجداری
بعد از تغیر باقرخان مقرر شدہ در سنہ چہارم معزول گردیدہ در سنہ ششم کہ داخل کوتل
کابل بود حضور طلب گشتہ بہ تہانہ داری معظم نگر و حکومت کہ برابری
آب نیلاب ست مقرر گردیدہ در سنہ ۷ در معظم نگر در گذشت خنجر خان
ملک حلہ ولد شمشیر خان او زبک در اواخر عہد شاہجہانی بمنصب ہزاری سرافراز
گردیدہ بکمر رد در تعینات بادشاہزادہ ابقندہار و در سنہ سی ام بدکن رفتہ بود در سنہ
دوم

نموده باز بدکن دستوری حاصل کرده در ناحیه لاهور بدست علام خود کشته شد خانمذکور در نظم و نسق صوبجات و مهارت قلعه کشائی و فنون سرداری یگانه آفاق بود از اموال او بعد حصه پسرانش بموجب وصیت نامه اش شصت لک روپیه داخل خزانه پادشاهی گردیده خان دوران خواجه صابر در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب هزاری و در سنه بیست و دو از اصل و اضافه بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه ۲۳ بمنصب هزاری دو هزار سوار و بخطاب نصرت خان سرافراز شده در سنه ۲۶ معین مهم قندهار گردیده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب خاندوران و در سنه دوم بنظم صوبه اوده و لب سربلند گشته بند و بست آنجا واقعی نموده در سنه دهم در آنجا رخت حیات بر بست

فتحجرخان برادر عبدالله خان فیروز جنگ در سنه چهارم جهانگیری بمنصب هزاری و با بخطاب سربلند شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد

فخرخان محمد صالح پسر خوانده خواجه ساک میرزای صفوی منصبی داشت در سنه جهانگیری بخطاب فخرخان سرافراخته در سنه ۲۱ بخطاب سپه دار خان نامور گردیده بود دیگر احوال او در ذیل خطاب سپهدار خان بقلم خواهد آمد

فخرخان ترکمان در اخر عهد

قتل نموده خصوصاً در فتح قلعه باکور نهایت تردداتی کرده دیوار قلعه
را برابر بنده مارا ه جستک و سنده ما در قلعه درآمده دو هزار کس را
قتل کرده قلعه مفتوح گردانیده و درسنه بحضور آمده بجلدوی فتح قلعه
اودکر و دستگیر آوردن ابراهیم عادلخان ازان قلعه و فتح قلعه کلبهر و
حصار اسه قلعه اوسه و تحصیل ملک مدار کور دوانه بخطاب
نصرتجنگ و بمنصب شش هزاری و باین عنایت که حضرت او را
فرمودند که ما درین عنایات که نسبت ببنما ظهور یافت برنسی منتی
نداریم ملک نصرت شمشیر در ورسعی و ترددات نمایان خود ازما
گرفته اند علم مفاخرت برافراشته درسنه همراه شاه شجاع مقابله
سنده صفی داری ایران بصوب کابل معین گردیده درسنه ۱۲ بعد برا[جعت]
از انجا باز متعین کابل شده بعد تنبیه هزارجات کابل متعین بجالوا
رفته درسنه ۱۵ بحضور آمده و بکابل رفته درسنه نوزدهم رخصت مالوا
یافته درسنه بنظم دکن از تغیر پادشاهزاده عالمگیر و منصب هفت
هزاری هفت هزار سوار پنجهزار دو اسپه و سه اسپه و جاگیر سی لک
روپیه والامنزلت گشته درسنه ۱۸ طلب حضور شده درکشمیر ملازمت
نموده

ابخان رمانه ملک بتسخیر قلعه دولت آباد ترددات و تلاشهای نمایان
نموده بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار و بخطاب خاندوران چهره امتیاز
افروخته در مهمات دکن کارهای دست بسته کرده در سنه روزیکه پنجا
ریان در دایره افواج خود مهابتخان سپه سالار را نقطه وار گرفته زد
خورد می نمودند وان سپه سالار را اصلا خویشتن داری را کارفرموده
مانند شهورانه چپقلش میکرد راجپوتان ایشان انچه حق مقام ست ادا
نموده شمشیرها زده در میدان زخمی افتادند جانمدکور همچو برق و باد بکمک
رسیده از هر چهار طرف اعدا را زده و رانده مهابتخان را از ان تهلکه
برآورده بعد فوت مهابتخان بنظم بالاگهات که عبارت از نصف
مملکت دکن باشد مقرر شده در سنه بار بنظم مالوا کامل گشته با وجود
نظم انجا به تنبیه جهجهار سنگه باغی گردیده در تعاقب او در دکن رسید
در سنه نهم بجایزه دستگیر آوردن رانی مادر نیت و الده راجه جهجهار سنگه
بندیله و پسران و دختران و زنان او بخطاب بهادر و نوازش خلعت
خاص با چارقب زردوزی سر برافراخته در باحت ملک عادلخانیه
او ریگانه کارها نموده در سنه روزیکه محل خراب کرده و دو هزار کس

... نمود و خود ...
سال کارزارهای شدیدی
خوب نگاهداشت و تا یک سال کارزارهای شدیدی نمود و دلیران
در بالای قلعه تماشا رقص میکرد از بهادران مقرر روزگار و دلیران
عرصهٔ کارزار بود شجاعت را با سرداری جمع داشت خاندوران
بهادر نصرت جنگ خواجه صابر ولد خواجه حصاری در اوایل عهد جهانگیری
بمنصب و در اواسط عهد بخطاب نصرتخان سربلند شده در سنه ۱۵
بعطای علم نام برآورده در سنه ۱۷ شریک بغی سلطان خورم گردیده
دربستن برعایت و آبادی عبدالله خان فیروز جنگ که از سلطان
خورم جدا شده بدرگاه جهانگیری رفته بود موی الیه از رفاقت
این محرومی را پسندیده بنظام الملک پیوسته روزگار می گذرانید در
سنه ۲ شاهجهانی بعد التجای تمام تقصیرش مقرون بعفو گشته و بمنصب
سه هزاری دو هزار سوار مباهات اندوخته بنا بر تنبیه خانجهان لودی باغی متعین
گردیده در سنه ۳ بجلدوی ترددات در فتح قلعهٔ قندهار دکن که بعد زد و خورد
چهار پنج ماه مفتوح نموده بود بعطای ماهی و مراتب که در دکن اعتبار
تمام دارد و بمنصب چهار هزاری لوای مفاخرت برافراخته
پنجم بنظم مالوا از تغیر معتقد خان مقرر شده در سنه ششم هنگام

خانی سربلند شده بود در سنه ۲۳ فوت کرد خداوند خان دیگر دکهنی در سنه چهارم
شاهجهانی بمنصب و بانخطاب سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
خاندوران شاه بیک ولد ابراهیم بیک در عهد اکبری بمنصب و بخطاب
خانی بر نام خود سر برافراخته در سنه ۲۹ بنظم صوبه قندهار که درین سال میرزا مظفر
حسین صفوی حواله اولیای دولت نموده مقرر گردیده در سنه ۴۰ بمنصب پانجهزاری
رسیده در سنه دوم جهانگیری بخطاب خاندوران و بنظم کابل مقرر شده در سنه
ششم معزول گردیده در سنه نهم بار دوم بنظم کابل از انتقال قلیچ خان نام بر آورده
بجایزه تنبیه احداد الضاری که سرکرده افاغنه بمنصب شش هزاری رسیده
و در سنه ۱۳ بعد رسیدن حضور بنظم ٹهٹه چهره امتیاز برافروخته بعوض محال
فوج دو هزار سوار و سه اسپه عراقی و ترکی مورد آفرین گشته در سنه ۱۴
بسبب ضعف قوی استعفای منصب نموده و پرگنه خوشاب بمد خرج
تنخواه یافته در سنه ۱۵ بعمر نود سال در لاهور رحلت کرد اموال او جمله چهار
لک روپیه از نقد و جنس بر آمده بود معاف شد جوانمرد و صاحب
برداشت بود بارستمهای بسیار می کشید در زمان اکبری اکثر شمشیرهای
نمایان زده در سر آغاز جهانگیری قلعه قندهار را در برابر افواج دارای ایران

ادا از تغیر قندهار منصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم
اله آباد و در سنه دهم بنظم گجرات از تغیر مهابتخان مهرابت سرافراز شده
در سنه ۱۶ بنظم دکن از تغیر بادشاهزاده محمد معظم و باضافه هزاری بخطاب خانخانان
بهادر و به اجازت ماهی مراتب از پیش خود و در سنه ۱۷ بجلدوی تنبیه سیور
سرداران بخطاب ظفر جنگ کوکلتاش و منصب هفت هزاری
هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه و انعام یک کرور دام نام بر آورده در سنه
بستم طلب حضور بتقصیر تصرف بمال بادشاهی بضبط خانمان معاتب گشته
در بست و یکم بعفو تقصیر مباهات اندوخته در سنه ۲۳ بار دوم بنظم دکن از
تغیر بادشاهزاده مذکور لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲۶ برای تنبیه راجا
رام جاٹ از متمردان صوبه اکبراباد با تالیقی شاهزاده بیداربخت متعین
شده در سنه سی ام راجا رام را بمقر اصلی رسانیده در سنه سی و چهارم
بنظم لاهور از تغیر بادشاهزاده محمد معظم مقرر گشته در سنه ۳۷ طلب حضور
شده در سنه ۴۱ ارتحال یافت خان مذکور امیری بود عالیشان و جامع شجاعت
و احسان کارهای دست بسته ازو برآمده که تا روزگار در کارست خداوند خان
مشهدی از امرای عالم گیر است در سنه ۲۹ اکبری منصب هزار و پانصدی و بخطاب
خانی

هنگام کوچ رایات با جمیر منظم صوبه اکبراباد مقرر گشته در سنه در کشمیر طلب

حضور گردیده در سنه ۱۹ بعد رسیدن حضور در لاهور فوت کرد خانمذکور

اکثر شمشیرهای نمایان زده و کارهای دست بسته کرده بود خانجهان ابوطالب

ولد اصفهان طهرانی در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب شایسته

خان و در سنه ۳ شاهجهانی بخطاب خانجهان سرافراز شده در سنه احد عالمگیری

بخطاب امیرالامرا مامور گردیده بود همه احوال او در ذیل خطاب امیرالامرا

نوشته خواهد شد خانجهان بهادر ظفر جنگ کوکلتاش ملک حسین

نام ولد میر ابوالمعالی خافی در ایام پادشاهزادگی عالمگیر پادشاه آثار شجاعت

ازو سر بر میزد در سنه ۲۷ شاهجهانی در ملازمت بمنصب هفتصدی و در سنه ۳۰

باضافه دو صدی سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب هزاری

و بخطاب بهادرخان و بعد چند روز بجایزه تردد ات شایسته در جنگ بالوا

داکبراباد زخمی شدن دران معرکه و باضافه هزاری و بجلدوی تعاقب بار اول

داراشکوه بمنصب چهارهزاری چهار هزار از انجمله هزار سوار دو اسپه سه اسپه

و در جلدوی تردد در جنگ با دشاه شجاع بعنایت خلعت خاص با

نادری و در سنه ۲ بجایزه جفاکشی در تعاقب بار دوم داراشکوه و دستگیر نمودن

بایلغارهای کالاد خانخانان بدکن واز دکن تا بندبل کنند

اندوخته درسنه سوم بتعاقب خانخانان وتردات درین کارزارها

بکانه رفته درسنه چهارم بجایزه فرستادن سرخانخانان همراه اصف خان بتسخیر ولایت

بخطاب سعد خانخانان والا رتبه گشته بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار

کتاب بدکن گردیده درسنه پنجم بحضور آمده همراه شاه شجاع

ازانجمله سه هزار سوار دو اسپه سه اسپه نام برآورده درسنه ششم

متعین دکن گشته درسنه هفتم درکارزار بافواج حاکم بیجاپور تردات

نمایان نموده بحضور آمده ودرسنه هشتم بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار دو اسپه

سه اسپه چهره امتیاز برافروخته تعین مهم دشمشیر مرصع وبانعام الک روپیه

نقد سرفلک سوده بادیگر بندها بتسخیر قلاع حاکم بیجاپور رفته درسنه قلعه مراد

دهاروا سون وکاسی سس گرده شولاپور لس ازتردات بسیار وقتال

وجدال بیشمار مفتوح گردانید درسنه دهم بحضور آمده بکوالیار رخصت شد

درسنه ۱۱ بحضور آمده باز بکوالیار رفته درسنه چهاردهم باضافه هزاری ذات

نام برآورده درسنه ۱۵ بجلدوی تنبیه حکت سکر زمیندار دهمری بمنصب شش

هزاری ذات وسوار دو اسپه سه اسپه علم مباهات برافراشته همراه

دارالشکوه بکومک ناظم قندهار روانه شده درشانزدهم بحضور آمد

دلیر را در بن هاد از مسدار بوندی از متعلقان سید مظفر خان بارهه کشته شد

او در سهای که مکرر با بندهای پادشاهی و خان مذکور میان آمده از روی نفس الامر

یادگار روزگار است سید خانجهان سید مظفر نام از سادات باریه تهوری

در اواسط عهد جهانگیری منصبی داشت و در سنه ۱۰ در دکن خدمت می نمود

روزی در جنگ باد کهنیان چهار زخم برداشته در معرکه افتاد و سید جمال الدین

سید ناصر بد برادر اش بکار آمدند در سنه ۱۶ رفیق سلطان خرم باغی بود

تا انقضای سلطنت جهانگیری با ایشان رفاقت نموده دران ایام خطاب

خانی بنام خود یافته در سنه ۱۹ سلطان خرم از فوج پادشاهی در اله آباد شکست

خورده براه بهار و بنگاله قصد دکن نمودند درین اوقات مراد بخش متولد سید

مظفر خان در صاحبها در را همراه محل در رهتاس گذاشتند و ایها وقتی که

سلطان خرم از تهته مراجعت کرده در ناسک ترنبک رسیده بودند ملحق

شدند از خبر در رکاب صاحبقرانی آمده در سنه احد بعنایت خلعت و خنجر

شمشیر مرصع و هشتاد هزار روپیه نقد و منصب چهار هزاری نام بر آورده متعین

مهم جهجهار سنگه بندیله گردیده در سنه دوم بجایزه تردد ی که در جنگ با خانجهان

لودی باغی بر کنار آب چنبل زخم دار شده بود باضافه هزار سوار مباهات

سراو بحضور فرستاده در سنه ۲ در جنگ باغی که از حاکم زادهای بنگاله و دیگر
زمینداران بهانی باوجود ظهور آثار شکست فتح یافته در همان سال در انجا فوت کرد
خانخانان سپه سالار پسر محمد نام تلد دولتخان لودی بن عمرخان عم زاده دلاورخان که او در
عهد بابر پادشاه خطاب خانخانانی داشت در سنه ۲ جهانگیری منصب سه هزاری
و بخطاب صلابتخان و بعد چندی بخطاب خانجهان و در سنه سوم بمنصب پنجهزاری
سرافراز شده نظر باصلاح امور برهم خورده دکن تعین گشته مار اول کار ناساخته مرا
جعت نموده در سنه دوازدهم چون همراه سلطان خورم در دکن مصدر دولتخواهی شده بود
باضافه هزاری و در سنه ۱۵ بعنایت دستار لسته و در سنه مذکور بنظم صوبه ملتان سر برافراخته
در سنه ۱۹ بحضور آمده در سنه نوزدهم بنظم گجرات از استقلال اعظم خان کوکه مقرر شد در سنه
بیستم باتالیقی شاهزاده پرویز بدکن رفته در سنه ۲۱ بمنصب هفت هزاری و بخطاب
سپه سالار نامور اوده در دکن بود و بعد رحلت آن حضرت ملک بادشاهی را بدست
دنیاداران دکن فروخته در امتثال احکام شاهجهانی تقاعد ورزیده در سنه احد از نظم مالوه
بحضور آمده چون از تقصیرات خود خائف میگذرانید در سنه دوم در اکبراباد نصف شب
راه بغی پیموده بسوی دکن آواره شده و باز بهندوستان آمده در سنه ۳ در تندیل کهنده متصل
سهنده بحضور مردانگی و دلاوری تمام که مافوق آن نمی باشد بر دست مادهوسنگه
دلد

خوشنجر خان سرافراز شده دیگر احوال او معلوم نشد خوشنجر خان

ابراهیم حسین ملازم شاهزاده پرویز در جایزه آوردن حرکت

سلطان خورم باغی از افواج بادشاهی در سنه ۱۹ جهانگیری بمنصب

دو ہفتصد و بخطاب سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد در عهد

اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۰ متعین مالوا

در سنه ۲۴ چون مظفر خان ناظم بنگاله در باز خواست مطالبه حساب سر ابرو کرد

در سنه ۲۵ راه بغی پیموده در سنه ۲۹ بعد تنبیه او تقصیر او معفو گردیده بود

خانجهان حسین قلیخان ولد ولی بیک قزلباش برادر بیرام خان بهادر بود در سنه

پنجم اکبری بمنصب و در سنه ۱۱ بخطاب خانی و بنظم اجمیر از تغیر مرزا شرف الدین

حسین سر برافراخته دران سال قلعه جوده پور وطن راتهوران مفتوح کرده

در سنه ۱۳ بنظم لاهور از تغیر محمد خان مشهور بخان کلان نام بر آورده در سنه ۱۵ بجا آورده بجایزه

دستگیر آوردن مرزا مسعود حسین ولد میرزا ابراهیم حسین گورگانی بخطاب خانجهان

و بمنصب پنجهزاری و الاربعه در سنه بستم بنگاله از انتقال منعم خان ماهات اندوخته در سنه ۲۱

در جنگ باداود ولد سلیمان کرانی حاکم بنگاله که بعد فوت منعم خان نقض عهد نموده

بر تمام بنگاله تصرف نموده در یک محل صف آرا شده بود تردد نمایان کرده او را بدام آورده

و در سنہ سی و دوم بخطاب خان عالم سرافراز شدہ در سنہ جلوس با ضافہ
ہزاری نام برآوردہ بنظم صوبجات امور گردیدہ بعد رحلت آنحضرت
ہمراہ اعظم شاہ در جنگ اکبرآباد با بہادر شاہ با ہراول دلاوری صفوف
ہراول بہادر شاہ را کہ بادشاہزادہ محمد عظیم بود شکافتہ و فیل خود را با فیل
آن بادشاہزادہ رسانیدہ و بر جبہہ حوالہ کردہ رایت جانبازی برافراخت
خورم سلطان از ولایت در رکاب ہمایونی آمدہ در سنہ احد اکبری از روی
طبقات اکبری بمنصب دو ہزاری و بخطاب خانی سر برافراختہ در جنگ
با ہیمون تردد نمودہ در سنہ سوم در تنبیہ مفسدان سہدا ور و اعمال صوبہ
اکبراباد و در سنہ ہفتم ہمراہ میرزا اشرف الدین حسین در فتح میرٹھ و طعن
راجپوتان و راہور و در سنہ نہم و در سنہ ۱۰ در دیگر کارزارہا و در سنہ نوزدہم
در تنبیہ چندر سین زمیدار جودہ پور تردد ہا نمودہ خوشنجر خان لادل
باشی در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خوشنجر خان سر برافراختہ
در سنہ نہم خدمت می نمود در سنہ ۱۲ بنابر عبور از آب رادی اسپ انداختہ
بود غرق شد خوشنجر خان شمسی توسکچی در سنہ احد جہانگیری بنا
برآوردن خبر دستگیر شدن سلطان خسرو باغی بمنصب و بخطاب
خوش

باشاه مصاحبانه زندگانی کرده بلکه روزیکه خانمذکور بدربار شاه میرفت شاه بخانه اش تشریف سے فرمودند ور وز رخصت مشایعت او تا یکمنزل قدم رنجه نمود در سنه چهاردهم بعد مراجعت و ملازمت بنوازش فیل مالالپرو در سنه شانزدهم بنظم الٰه آباد لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۱۸ تغیر شده بود در سنه احدث بحهانی باضافه هزاری و بنظم بهار از تغیر میرزا رستم صفوی حده امتناز برافراخته بسبب استمال کوکنار از نظم آنجا معزول شده در سنه ۵ بسالانه یک لک روپیه قانع گردیده تا سنه ۱۵ خانه نشین مانده در سنه فوت کرد خانعالم ابراهیم ولد نجابتخان بن میرزا شاهرخ در سنه احد عالمگیری از اصل و اضافه منصب پنجهزاری و بخطاب شجاعتخان خانعالم سرافراز شده بعد چیندماه بے منصب گشته در سنه سوم بخطاب عزت خان و بمنصب سه هزاری و بقلعداری چنارگده و در سنه ۲۷ بعنایت خلعت ماتمی پدر در سنه ۱۸ باز بخطاب شجاعتخان و در سنه چیل و سه بخطاب میرزا خان امتیاز یافته بود همه احوال او در ذیل خطاب میرزا خان نوشته خواهد شد خانعالم شیخ لار ولد شیخ نظام حیدرآبادی در سنه سے ام عالمگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب اخلاص خان

بسم بخطاب خانعالم نام برآورده درسنه دوازدهم در ایلغار تنبیه خانزمان سیستانی باغی و بهمدران سال در فتح قلعه چیتور وطن رانا زمسدار او دیپور ودرسنه ۱۷ در ایلغار میرزا ابراهیم حسین که در قصبه سرنال قریب به بیکانیر مبارزت صعب دست داده بود ودرسنه ۱۸ در ایلغار دوم گجرات در وقعیکه در انمعرکه عرابروبارا حند خواص نبود ترددات دلاورانه مردانه و مشهورانه زیاده بر حوصله بشری کرده و نیز دران سال متعین مهم بهار گردیده درسنه نوزدهم حاجی پور مفتوح نموده بعد فتح قلعه سه همراه منعم خان بتعاقب داود خان کرانی ولد سلیمان حاکم بنگاله شتافته درهمان سال در کارزار با داود مذکور بعد حرب صعب باهراران مردانگی و دلاوری در حدود بنگاله شهید شد خانعالم مرزا بر خوردار داز عبدالرحمن بن موید بیک دولدی از اولاد امیر شاه ملک دولدی که از امیران معتبر حضرت امیر تیمور صاحبقران بود مشار الیه در عهد اکبری بمنصب دو هزاری صدی و پنجاهی ودرسنه چهارم جهانگیری باضافه منصب و بخطاب خانعالم سر برافراخته بمرور بمنصب پنجهزاری رسیده درسنه بسفارت ایران رفته و شاه عباس چون او را آنحضرت برادر خود نوشته بودند برادر خوانده وقت ملازمت در آغوش کشیده ابروها حاصل نموده مدت پنجسال سال با شاه

ایشان از بیجهان با بجهان میل کرد خانمذکور در جهور که بازگشت خواجه

خضر خان از نسل سلاطین مغل که همشیره همایون بادشاه در حباله نکاح

خود داشت از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب

و بخطاب خانی سر برافراخته بنظم لاهور مقرر شده بود بعد چندی معزول

تا سنه هشتم در حضور خدمت می نمود خصوص در علاج زخم سر حضرت باتفاق

حکیم عین الملک کار مسیحا کرده مورد آفرین شده در عهد ایشان بعدم رفت

میرزا خضر خان هزاره از ولایت در رکاب همایون آمده در سنه احد اکبری

بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده متعین کابل گردیده تا سنه هشتم در انجا خدمت

می نمود دیگر احوال او معلوم نشد خضر خان فاروقی از حکام خاندیس در

سنه احد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته تا سنه ۱۵ خدمت می نمود

دیگر احوال او معلوم نشد خانعالم سکندر خان اوزبک از ولایت در رکاب

همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته در همان

سال بجایزه ترددات در جنگ با هیمون بخطاب خانعالم سه یافته احکام حال

او در ذیل خطاب سکندر خان بقلم خواهد آمد خانعالم چلتک ولد همدم کوکه میرزا

کامران در سنه احد اکبری بمنصب سه هزاری سرافراز شده تردات می نمود در سنه

وبخدمت مذکور که در سنه ۲۳ باضافه پانصدی دیدار ...کل
توپخانه دکن و در سنه از اصل واضافه بمنصب دوهزاری بخطاب
مفتخرخان بقلعداری فتح آباد دهارور سرافراز شده بود در سنه احد
عالمگیری بمنصب سه هزاری دوهزار سوار و بخطاب سپهدار
خان و بعد چندروز باضافه هزاری وبخطاب خانزمان وبقلعداری
ظفرآباد بیدر سربرافراخته اینده بنظم احمدنگر در سنه نهم بنظم خاندیس
ازتغیر داودخان قریشی و در سنه ۱۱ بمنصب پنجهزاری سه هزار سوار و بنظم
صوبه برار در سنه ...بصوبداری ظفرآباد بیدر در سنه بیست وچهار
بار دوم بنظم خاندیس ازتغیر ایرج خان در سنه ۲۵ بنظم مالوا ازتغیر مختارخان بلند
گردیده در سنه درانجا بعدم رفت خانزمان فتح جنگ شیخ نظام
از امیران حکام حیدرآباد در سنه ۳۱ عالمگیری بمنصب شش هزاری
وبخطاب خانزمان فتح جنگ وبمنصب هفت هزاری ذات وسوار
وبشرف قدمبوسی که بمصحوب دکینی پابوسی می فرمودند سربفلک
برده و دست راست نزدیک ستون جائی که مهاراجه و مرزاراجه
ایستاده می باشند ایستاده شده باشه ۴۵ ترددات مردانه نموده در عهد

الیٰ آخر

وطلب حضور گشته در سنه ۲۲ در کشمیر ملازمت نموده بود بعد
رحلت آنحضرت همراه سلطان بولاقی در جنگ با سلطان شهریار
باغی ترددی نموده در سنه احدث شاهجهانی بخطاب خانزمان و بنظم مالوا سرفراز
شده پس از چند روز به نیابت نظم دکن از طرف پدر مباهات اندوخته
در سنه دوم تغیر گشته متعین مهم خانجهان باغی گردیده در سنه سوم در
سنه چهارم در دکن همراه خواجه ابو الحسن و اصفخان در بالا گهات
ترددها نموده در سنه پنجم متعین پدر که بنظم دکن مقرر شده بود گردیده
انچه در تنبیه و تادیب دکنیان و تسخیر قلعه دولت آباد و فتح دیگر قلاع مثل
هرو برنک داری و هرلس و جو بدن و جو بد وغیره که در تصرف ساهو
بهونسله بود ند تلاشها کرده و ایلغارها بر سر دکنیان نموده دفترها باید
که بتحریر آید بعد فوت پدر در سنه هشتم بنظم بالا گهات و بمنصب پنجهزاری
پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه و بعطای فیل بالامر مامور گردیده در
سنه نهم بخطاب بهادری نام برآورده در سنه دهم در انجا رحلت کرد
خانزمان میرزا جلیل ولد الله داد خان برادر اصفخان جعفر بیگ در
سنه دهم شاهجهانی بمنصب پانصدی در سنه نوزدهم بمنصب هزاری

سون در ناحیه بهار با وجود آنکه تمام فوج بادشاهی رو برتافته بود با معدو
دے خدمتکاران ایستاده تماشای بوقلمونے فلک میدید که همدرین
وقت از انطرف سردارے فیل سوار بمقابله آمد خانزمان بدست
خود توپے را آتش داد و بضرب گوله ان فیل سوارے او از پا افتاد
و بهمین سبب اعدارا شکست رو داده به حسن فتح نامان نام برآورده
در سه دوازدهم علانیه رایت کفران نعمت وعصیان برافراخته
با انبوه کثیر بصف آرائی پرداخته بمقابل مثل انحضرت نمردن پا قایم کرده
در نواحی موضع میکلر از اعمال اله آباد مع بهادر خان برادر خود بقتل
آمد خانزمان بهادر امان الله نام ولد مهابتخان زمانه بیگ در
سنه سیزدهم جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۴ و در سنه ۱۵ و در سنه ۱۶
اضافه یافته بمنصب سه هزاری و در سنه ۱۸ بمنصب چهار هزاری و بخطاب
خانه زاد خان وبعد چندی بمنصب پنجهزاری سربلند شده در سنه ۱۹
هنگام نیابت نظم کابل از طرف پدر بجایزه فتح در جنگ با یلنگتوش
اوزبک در حدود کابل مورد هزاران آفرین گردیده درهمان سال
به نیابت نظم بنگاله از طرف پدر خود مقرر گردیده در سنه ۲۱ معزول

و طلب

بعد ازین در تنبیه اشناسان فتح قلاع آسمان فرسای اتها کارزارهای صعب
نموده و برشکال در صحرای پرآب گذرانیده این همه فتوحات موجب
نظارگیان شده در سنه پنجم بجلدوی تحصیل پیشکشت زمینداران
انجا بنوازش تومان وطوغ و تنگ گرد دوام انعام نوازش بی پایان
یافته در همان سال در اقصای حدود بنگاله فوت کرد کارهای نمایان
او در مهم بنگاله یادگار روزگار است خانزمان علی قلیخان ولد حیدر
سلطان شیبانی از امیران همایونی از ولایت در رکاب ایشان آمده در
سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانی برنام خود و بجایزه تردد
در جنگ ماهیموں بخطاب خانزمان سرافراز شده در سنه دوم سرکار
لکهنو بعد حرب صعب از تصرف رکنخان لوحانی و جلالخان سور
از امرای شیرشاه و در سنه سرکار جونپور بس از کارزارهای بسیار از تصرف
ابراهیم سور برآورده در سنه ششم در جونپور در جنگ پسر عدلی که با
بیست هزار سوار و پنجاه هزار پیاده معرکه آراشده بود بعد رزم شدید
ظفر یافته بنابر تنک ظرفی آثار بغی بروی کار آورده و بعفو مقرون
شده در سنه نهم در جنگ با او ازخان پسر سلیم شاه برکنار دریای

نقد و بخدمت وزارت سرافراز شده از پیش خود بدو دفع پیش
کشها بقیمت پانزده لک روپیه از انجمله الماسے بقیمت دو لک روپیه
گذرانیده بعد چندی متعهد دکن گردیده بود در ایام حرکت رایات عالم
گیری از دکن بهندوستان بمصلحت مقید گشته بعد فتح جنگ اکبرآباد
طلب حضور شده بعنایت خلعت خاص با مادرے و انعام ده لک
روپیه نقد سر برافراخته در سنه احد بتعاقب شاه شجاع تعاین گردید
در سنه سوم کاره ترددات بنگاله که شرح فتوحات متکاثره گنجا
خصوصًا در تسخیر ملک و قلاع بادشاهی از تصرف زمینداران کوچ و بهار
طولے دارد بخطاب خانخانان سپه سالار و بمنصب هفت هزاری
ذات و سوار پنجهزار سوار دو اسپه سه اسپه والا منزلت گشته
در سنه عزم تسخیر ولایت کوچ بهار نموده در صحراها پرخار درآمده و
براه غیر مسلوک بمنزل مقصود رسیده تدبیر و ترددها نموده خطه کوچ
بهار مفتوح گردانیده بعالم گیری نگر موسوم کرده به تسخیر آشام روانه گردید
از دریاهای ذخار و صحراهای دشوار گذار با دل قوی گذشته دبدبهای
بے شمار را راحت دانسته در خطه گرگانو بود کارزارهای بسیار رسید

بعد

باردوم منظم دکن از تغیر ارادتخان مباهات اندوخته در سنه ۱۰۶۳ قلعه دولت
اباد راکه در تمام ممالک حصن حصینے مثل او نیست با کمال قهر و غلبه
مفتوح گردانیده در ۱۰۶۷ هفتم در جنگ بیجاپوریان حرب صعب نموده
نقطه وار در دایره قتال وجدال انها جا را محکم گرفته بامردم قلیل زد
وخورد شدید میکرد و بکومک خاندوران خواجه صابر اران مهلکه برآمده حقیقتش
این کارزار را یادگارے گذاشته در سنه مذکور در انجا بمرض بلهه
فوت کرد خانخانان سپه سالار اصف خان ولد اعتمادالدوله
طهرانی در سنه ... جهانی بایندخطاب سربلند شده بود همه احوال او
در ذیل خطاب اصف خان نوشته شد خانخانان سپه سالار نجابت
خان ولد میرزا شاهرخ در اغاز سنه احد عالمگیری بخطاب خانخانان
سپه سالار و بمنصب هفت هزاری هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه
سربلند و بعد چندی بے منصب شده بود همه احوال هفت هزاری او
در ذیل خطاب نجابتخان تقلم خواهد آمد خانخانان سپه سالار میر جمله
میر محمد سعید اردستانی از امیران نامدار حیدر اباد در سنه سی ام شاه
جهانی بمنصب شش هزاری وبخطاب معظم خان بانعام پنج لک روپیه

باتالیقی شاهزاده نصرورے نام برآورده بدرخواست خود بعد عرض

حضور فانزمان پسر خود را از نیابت نظم کابل طلب نموده درہمین سال

بنظم بنگاله مقرر شده در سنه بستم بعد طلب حضور بعلت مطالبه

باز مطالبه ملازمت سا قصد در سنه ۲۱ بغفلت اولیای دولت مصدر

بے ادبی و بیباکی تمام درجناب حضرت شده چند ماه حضرت زا در

اختیار خود داشته آخرکار بحسن تدبیر نورجهان بیگم بموجب تقید

حضور رخصت بتقریب تعاقب سلطان خورم غنیمت

در صرمالیت ان ملحق شده بود رحلت حضرت در رکاب شاهجهانی

باکبرآباد رسید روز جلوس بعنایت خلعت خاص با چارقب طلادوزی

و خنجر و شمشیر مرصع و لوماں طوغ واسپ بازین طلا و فیل خاصه

و بانعام چهار لک روپیه نقد و بخطاب خانخانان سپه سالار و منصب

هفت هزاری هفت هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم دکن از

تغیر خانجهان لودی سربرافراخته چون پسرش نیابت نظم دکن سرانجام

می نمود به تنبیه جهجهار سنگه بندیله تعین گشته بعد تنبیه واقعی جهجهار سنگه

را بحضور آورده تشفیع گناهان او گردیده و در سنه ۳ بنظم دهلی و در سنه پنجم

بار دوم

بدکن تعین گشته در ۱۲ سنه بنظم صوبه کابل از سعد خان دوران سن هک
مقرر گردیده دیگر بحضور آمده دبکابل رفته در ۱۵ سنه بمنصب شش هزاری
پنجهزار سوار سر برافراخته در ۱۷ سنه با بالیقی شاهزاده پرویز بمقابله
سلطان خورم باغی بدکن مرخص شده بجلدوی فتح در جنگ کنار
آب نربدا با سلطان خورم بمنصب هفت هزاری مهره امتیاز برافروخته
چون سلطان خورم بعزم تصرف بنگالا و بهار و اله اباد رفته بودند
بتعاقب ایشان از برهانپور شتافته در اله اباد در رزم شدید پیوسته
درین معرکه با آنکه اولیای دولت چهار هزار سوار و آنطرف ده هزار
سوار بودند مهاراجه بهیم سنگه هراول سلطان خورم قلب فوج
خود و کثرت اولیای دولت بنظر اعتبار نیاورده با فواج راجپوتان
توسن همت برانگیخته به افواج شاهزاده پرویز خود را رسانیده
بشمشیر ابدار کار را نموده با وجود دارا در افتادن صاحب فیل که در
پس فوج بودمای عزت افسرده کارنامه مردی ظاهر ساخته
جان نثار گردیده عبدالله خان جلو سلطان خورم را گرفته از رزم
گاه برآورده اسپ خود را بسواری داده روانه بهار شدند مهابتخان

راه بغی پیمودند ولاچار خانهٔ کور را همراه آوردند بداغ عصیان بستمشد
درسنهٔ ۱۰۳۵ از سلطان خورم جدا گردیده بمعرفت مهابتخان برکنار آب
نربدا نزد شاهزاده پرویز که به تنبیهٔ سلطان خورم مامور شده بود
آمده مقید گشته درسنهٔ بیستم بعفو تقصیر و شرف ملازمت خود را از خجالت
برآورده پاس عنایات پادشاهی تسلی یافته که ملازمت یاد فرمودند
که درین مدت آنچه بظهور آمده در اثار قضا و قدر است نه بمحسار ما و شما
و بحاضران فرمودند که ما خود را شرمنده مرا روی می بینیم در سنهٔ ۱۰۳۶ بسه
منصب هزاری و خدمت نظم اجمیر سر برافراخته چون از حضور
رخصت شده بدهلی رسیده فوت کرد مناقب همت بلند ایرد
بزرگ و دیگر اوصاف شریف او در دفترها نگنجد و شمهٔ آن
در نسخهٔ مآثر رحیمی مرقوم ست خانخانان مهابتخان زمانه بیگ
ولد غیور بیگ کابلی پدرش از ملازمان میرزا محمد حکیم برادر خرد حضرت
اکبر پادشاه بود در ایام شاهزادگی بمنصب پانصدی سرافراز شده بود
در سنهٔ احد جهانگیری باضافه هزاری و بخطاب مهابتخان و در سنهٔ دوم و
سوم و هفتم به اضافه اکثر بمنصب چهار هزاری سرافراز شده و مکرر
بدکن

دوم قربت دو هزار کس منظفر گجراتی را طعمهٔ صمصام غازیان گردانیده بجلدوی این تردد بخطاب خانخانان وار اصل و اضافه بمنصب پنجهزاری نامور گردیده درسنه سی و چهار بخدمت وکالت کوس دولت زده درسنه ۳۶ ملک سنده که شهر حاکم نشین انرا ٹھٹھا می گویند بتلاشهای بسیار فتح نموده درسنه ۴۱ در جنگ با تمام امیران عادلخان و قطب الملک و نظام الملک که با شصت هزار سوار آمده بودند با پانزده هزار سوار ظفر یافته با آخر عهد اکبری اکثر مصدر فتوحات عظیمه شده در دکن بود درسنه احد جهانگیری بارسال خلعت بحالی نظم آنجا سر برافراخته درسنه ۳ از دکن آمده مورد نوازش نمایان گشته و برخصت دکن کام دل برگرفته درسنه بنابر بی انتظامی آنجا مراجعت کرده وقت ملازمت روی بی التفاتی دیده درسنه ۱۲ بنظم صوبه برار و خاندیس و احمدنگر مامور گردیده درسنه ۱۳ بحضور آمده بمنصب هفت هزاری و برخصت دکن بار سوم علم مفاخرت برافراخته همشه در محاوره بخطاب اتالیق سر بفلک می سوده درسنه ۱۷ چون سلطان خورم در دکن

شد بدینگونه که خان عالم حمله سنگ هراول فیح فیروزی حرب
صعب نموده رایت جانبازی برافراخت و لشکرخان میر بخشی
و محمد خان شهاب زخمی گشتند و اولیای بادشاهی از حاضر رفت ثبات
خود بکارزار سوسه زخمهای نمایان بر سر و گردن و دوش برداشته به
شجاعت رفقا از میدان رو برتافته رسته گرده رفته بود که صیا حال
لنک وراجه تودرمل پای ثبات قایم کرده شمشیر زده اعدا را از میدان
رزم منهزم گردانیدند خان مشارالیه بعد استماع فتح برگشته در میدان
آمد و کوس فیروزی نواخت در سنه بیستم در انجا زندگانی را جواب داد
خانخانان عبدالرحیم نام ولد بیرام خان بهادر از بطن و فرجمال خان
برادر حسن خان سوای بعد کشته شدن پدر از عمر چهار سالگی در ظل عنایت
جناب اکبری پرورش یافته بجوانی رسیده در سنه ۲۸ منصب و خطاب
مرزا خان سربلند شده در سنه ۱۹ همراه رکاب در ایلغار گجرات جوهر
شجاعت را لخرص داده در سنه ۲۸ به نظم گجرات لوای مفاخرت بر
افراخته و بر منظفر گجراتی بعد رزم شدید غالب گشته همه خان و مان
خود از نقد و اسباب امارت به سپاه خود بخشید و در صف جنگ

دویم

خود بدرستش را کشته بود کشته شد دران ایام عبدالرحیم پسرش
چهارساله طلب حضور کردید خانخانان منعم خان از امیران همایونی
در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی برنام خود سرافراز شده متعین
کابل بود در سنه پنجم از نزد میرزا محمد حکیم برادر خرد حضرت که دارای
کابل بمیرزا مفوض بود در حضور آمده بمنصب پنجهزاری و خطاب
خانخانان و بخدمت وکالت سر برافراخته مکرر مصدر تقصیرات گردیده
محض برحمت جبلی مشمول مراحم گشته از سال دهم مدارک گذشته
پرداخته در سنه ۱۵ به تسخیر ممالک بنگاله مامور شده بذات خود تردد دا
نموده چنانچه در آغاز سال نوزده هم بسرکردگی خود باتفاق راجه تودرمل
که شریک غالب توان گفت قلعه پتنه را در عین اشتداد برشکال
که او دخانها بمنزله خندق بودند مفتوح گردانیده چون داود خان ولد سلیمان
خان کرانی از امرای سلیم شاه سوار از قلعه مذکور فراری شده به بنگاله
رفت بتعاقب او شتافته سورجگده و مونگیر و بهاگلپور کهلگانو
و قلعه گدهی که بسیار محکم است فتح نموده محالات مانده را بتصرف
آورده آخر سال مذکور در حدود بنگاله با داود خان مذکور رزم

سرافراز شده همراه پدر در صوبه شاهجهان آباد خدمت می نمود در سنه احد

بهادر شاه بادشاه هنگام ورود رایات ایشان از طرف کابل ملازمت

نموده بود در عهد فرخ سیر بادشاه طاهرا فوت کرد حرف

خاء نقطه دار خانخانان سپه سالار بیرام خان بهار

لو کاشی از امیران نامدار همایونی بود وکارهای نمایان که در ایام خلافت

آنحضرت در سفر عراق ازو برآمد در دفترها نگنجد در سنه احد اکبری بمنصب

پنجهزاری و خطاب خانخانان سپه سالاره اتالیقی و وکالت سرافراز شده

راتق و فاتق کل مهمات خلافت گردیده آن حضرت را القدر سلب اختیار

نمود کر ضبط احوال بحال اقتادلاحار آنحضرت در سنه پنجم به بهانه شکار

از اکبرآباد بدهلی رسیدند بندهای متعینه او را طلبیدند انجام کار چون کمر بر

کورنمکی بسته بمقابله آمد از میدان منهزم گردانیدند و بعد ازان که روح

باستغنای تقصیر کرده رخصت حرمین خواست او را باحترام تمام بحضور

طلبداشته بدستور سابق بطرف دست راست بالای وکیل مصوب

اجازت نشستن داده رخصت نمودند خان مذکور چون بر تالاب قصبه

پاتن مضاف صوبه گجرات رسید بعد ر افعالی که در ایام قدرت

خود

سبکا کول دراحمندرک ازمضافات دکن سربلند ودر ۶ نه بدست
غنیم ازمیدان جنگ گرفتار رفته بود دیگراحوال او معلوم نشد حکیم
الملک حکیم دراخر عهد عالمگیری بمنصب وباسخطاب سرافراز ودر
۱۱۲۳ سنه درجایزه علاج حضرت بزر سنجیده شده بود وازمقربان حضرت
قدر قدرت بود خطاب را درعهد محمد شاه بادشاه فوت کرد
دراخر عهد عالمگیری بمنصب وبخطاب خانی وبفوجداری
فتح آباد سرافراز شده بعد ازان بقلعداری قلعه ... در نام برآورده
سنه دوم بهادرشاه دراینجا خدمت می نمود دیگراحوال او معلوم نشد
حسین علیخان ولد عبدالله خان بارهه سید میان نام برادر دراخر عهد
عالمگیری بمنصب وبخطاب خانی بر نام خود سرافراخته درعهد پادشاه فرخ
سیر میر بخشگری وبخطاب امیرالامرای رسیده اخر بمکر امی کشته شد
بدنام رفت حسن یار خان دراوایل عهد عالمگیری بمنصب وبخطاب خانی
سرافراخته درسنه دوم متعلق بنگاله شده آینده بقلعداری دالسین
مقررگشته درسنه نهم دراینجا فوت کرد ولد حسن یار خان ولد محمد یار خان
ابن میرزا بهمن یار دراخر عهد عالمگیری بمنصب وبخطاب خانی

فوت کرد حیدر خان قاضی صدر مے سواد کمینے در سنہ ۲۹ عالم گیری
بمنصب دوہزاری و بخطاب خانی سرافراز شدہ خدمت میکرد در سنہ
رحلت کرد حیدر خان در سنہ ۲۹ عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سربلند
بود دیگر احوال او معلوم نشد حفیظ اللہ خان پسر خرد علامی سعد اللہ خان
وزیر در اواسط عہد عالم گیری بمنصب و در آخر عہد بخطاب خانی
و بنظم صوبہ سرا سر برافراختہ در سنہ چہل و سہ ہنگام نظم انجا
بمنصب دوہزاری رسیدہ و در سنہ ۴۴ بمنصب دوہزاری و پانصدی
سرافراز گردیدہ در انجا فوت شد پسر کلان حفیظ اللہ خان
بن سعد اللہ خان در سنہ ۴۶ عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی
سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد حافظ خان و حافظ
نور محمد خان ماں کو ہزاری بیکم منصب داشت در سنہ ۴۹ بخطاب
حافظ خان نام برآوردہ در سنہ پنجاہم بدیوانی لاہور از تغیر اسلم
خان مقرر گردیدہ در سنہ احد اکبر بہادر شاہ دار و عہ عرایض مقرر شدہ
بود در سنہ فوت کرد در آخر عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب
خانی بنام خود سربرافراختہ بخدمت فوجداری ملکوکن عادل خانی تحکو
سکا

درسنه احد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانه زاد خان سر برافراخته و بجایزه برد کار زار بادشاه شجاع باضافه منصب کامران گردیده خدمت می نمود درسنه ۲۶ بخطاب خانی برنام خود و بفوجداری سوبکلی باس سرافراز شده درسنه ۲۹ بقلعداری قندهار دکن نام برآورده بود

حمید الدین خان بهادر حمید الدین نام ولد سردار خان حبله در اواسط عهد عالمگیری منصبی داشت درسنه ۲۱ بداروغگی فانم سد حاله از تغیر پدر و درسنه سی ام بمنصب چهارصدی و درسنه ۳۲ بداروغگی فیلخانه از پدر و درسنه ۳۳ بمنصب شش صدی و بخطاب خانی برنام خود درسنه ۳۵ از انتقال پدر بخدمات او سرافراخته درسنه ۳۶ بمنصب هزاری و درسنه ۳۸ باجازت استادن اندرون کهره و درسنه ۳۹ بمنصب دوهزاری و درسنه چهلم بجایزه ترددات سپاهیانه بخطاب بهادر و درسنه چهل بداروغگی دیوان خاص و درسنه ۴۳ بمنصب دوهزار پانصدی و درسنه ۴۶ بعنایت نوبت و خلعت و فتح ملح و دوشاله از پوشاک خاص و درسنه ۴۹ به هزاری سرافراز گردیده در قرب حضور پرنور ممتاز بود در عهد محمد شاه بادشاه بمنصب شش هزاری ممتاز رسیده

نیابت نظم کشمیر از طرف علیمردان خان مقرر گردیده در سنه ۱۵
بخدمت توزک که تک سال پس از ین بنابر هجوم مردم مال
بجای یک میر توزک چهار میر توزک مقرر شدند سرباند
گشته در سنه ۱۹ بمنصب هزاری و باوجود خدمت توزک بخدمت
آخته بیگی و در سنه ۲۱ باضافه پانصدی و بخطاب خانی برنام خود و بنظم صوبه
کشمیر از تغیر شاهزاده مراد بخش لوای مفاخرت برافراشته در سنه ۲۳
معزول گردیده در سنه ۲۴ بنابر مرمت عمارات کشمیر رفته در سنه ۲۶ همراه
دیگر بندها بحراست کابل تعیین شده در سنه ۲۸ بحضور آمده در سنه ۲۹
بفوجداری میان دو آب که عبارت از فوجداری سهارنپور باشد
از تغیر غضنفر خان مقرر گشته در سی ام معزول شده در سنه ۳۱ بمیر توزکی
توزک سرافراز گردیده آمده فوجدار ملکس بود در سنه دوم عالمگیری از فوجداری
ملکس تغیر شده در سنه ۱۵ بفوجداری جونپور مقرر گشته حسن بیک خان
توجی باشی در سنه سی ام عالمگیری بمنصب پانصدی و بخطاب
خانی سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد حمید الدین خان ولد میرزا
ابوسعید بن میرزا محمد شریف ابن اعتماد الدوله طهرانی منصب داشت
در سنه احد

درسنه ۱۲ بخطاب حقیقت خان و خدمت عرض مکرر از تغیر عنایت الله
ولد امانت خان و درسنه ۱۳ بمنصب هزاری و درسنه ۱۶ بمنصب هزار
و پانصدی و درسنه ۱۹ بمنصب دو هزاری سرافراز شده درسنه ۲۰ بنابر
کبر سن از دیوانی بیگم صاحبه تغیر گردیده درسنه هفتم عالمگیری بعدم رحلت کرد
حاجی خان لشکری نام ولد فتح خان رو داسے منصبی داشت درسنه ۱۱
شاهجهانی بخطاب حاجی خان خدمت سر برافراخته خدمت می نمود در
سنه نوزدهم عالمگیری حاجی خان نامی در مازخواست مطالبه گرفتار شده
معلوم نشد که همان حاجی خان است یا دیگر حسام الدین خان حسام الدین
حسن نبیره اصفهان غیاث الدین علی آقا ملا بیے منصبی داشت
درسنه ۱۵ شاهجهانی بمنصب هزاری و بخشیگری دکن و درسنه ۱۹ بمنصب
هزار و پانصدی و بخطاب خانی برنام خود و درسنه ۲۱ بقلعداری اودگیر
درسنه سی ام بصوبه داری ملکانه و هم دران سال بنظم برار سرافراز
شده و بمنصب دوهزار و پانصدی رسیده درسنه احد عالمگیری بفوجداری
بگلانه مقرر گردیده درسنه ۳ فوت شد حسام الدین خان خویش
سلیم داد خان درسنه ۱۲ شاهجهانی بمنصب سرافراز شده هم درسنه ۱۲

نبرہ دربار خان ملا عنایت اللہ نام س تکلو خان وصہ خوان
شاہ طہماسپ در عہد جہانگیری بمنصب و بخطاب خدمت
پرست خان سرافراز بود در سنہ احدث بجہانی بخطاب حیات خان
سرافراختہ خدمتہای زمرہ مثل داروغگی آبدارخانہ و سرکردگی
خواصان داشت در سنہ منصب دوہزاری و در سنہ ۲۶ داروغگی
دیوان خاص سرافراز شدہ در سنہ ۳ بنابر پیری مقرری لک دام
سور عال بخانہ نشستہ در سنہ ۳ رحلت کرد حیات خان حیات
بیک ولد باقی خان چیلہ منصب داشت در سنہ ۲۳ عالمگیری بمنصب
ہشتصدی و بخطاب خانی بنام خود سربلند شدہ ایزد بہ امانت
ہفت چوکی مقرر گردیدہ در سنہ سی ام ترددی عمدہ نمودہ بود
حیات خان و نام خواجہ سرا در اواسط عہد عالمگیری بمنصب
و بخطاب جانخان سرافراز شدہ داروغگی آبدارخانہ داشت واز
خدمتکار خاص بود و حرم موقوف در سنہ از بیجان با بحسان رفت حقیقت
خان اسحق بیک یزدی در اوایل عہد شاہجہانی بمنصب و بخطاب خانی
و بخانسامانی نواب ممتاز الزمانی و در سنہ چہارم بدیوانی بیگم صاحب
در سنہ ۱۲

و بخطاب خانی داشت در سنه ۱۱ بخشیگری و واقعه نگاری صوبه
گجرات مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد سید حامد خان ولد
مرتضی خان سید شاه محمد نام در سنه سوم عالمگیری بمنصب هزاری
و در سنه ۹ بخطاب خانی و در سنه ۲۹ بخطاب محامد خان سرافراز شده
بود همه احوال او در حرف میم نوشته خواهد شد حامد خان بهادر
خواجه حامد ولد عابد خان بن عالم شیخ منصبی داشت در سنه ۲۹
عالمگیری بخطاب خانی سر برافراخته اینده بجایزه تردد ها بمنصب سه
هزاری و در سنه ۴۹ بخطاب بهادر خان سرافراز شده ترددات نمایان
می نمود در عهد محمد شاه بادشاه در دکن فوت کرد حکمت خان حاکم
بیگ از اواسط عهد جهانگیری بمنصب هزاری و در سنه ۱۲ بخطاب
خانی سرافراز شده بود تا سنه بیست و ششم شاهجهانی خدمت می نمود باخرت
سرا رفت دیگر احوال او معلوم نشد حاکم خان داروغه
فیلخانه در عهد جهانگیر بمنصب و بخطاب حکمت خان سرافراز بود
در سنه ۲۱ در عین هنگامه بی ادبی مهابتخان فیل خاصه برای سواری
آورده بود بموجب ایمای آن بی ادب کشته شد حیات خان

تردوات مردانہ نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد حمید خان برادر
مراد خان حبشی در سنہ ۱۰ جہانگیری بمنصب و بخطاب و الا رتبہ شده در بہان
در دکن بکار آمد حمید خان خویش ملک عنبر حبشی در اوایل عہد شاہجہانی
بمنصب سہ ہزاری و بخطاب سرفراز شده تا سنہ ہشتم خدمت می نمود
در گذشت حمید خان ولد داود خان قریشی ساکن حصار در اوایل
عہد عالمگیری بمنصب و در اواسط عہد بخطاب خانی سربرافراختہ در
سنہ ۲۳ تردوات مردانہ نموده در سنہ ۲۴ بفوجداری مهو حسو مصاف صوبہ
بہار و بعد ازان بنا ہر انتظم برہانپور مقرر شده در سنہ ۲ در انجا فوت کرد
حمید خان دیگر در اخر عہد عالمگیری بمنصب سہ ہزاری و بخطاب خانی
سرافراز شده خدمت می نمود بعد رحلت انحضرت رفیق شاہزاده
کام بخش شده بود دیگر احوال او معلوم نشد حبیب خان در عہد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراختہ در سنہ ۳۷ در اودل سا خدمت
می نمود دیگر احوال او معلوم نشد حبیب خان کرانی در عہد شاہ
جہانی بمنصب و بخطاب سربرافراختہ در سنہ در دکن خدمت میکرد
دیگر احوال او معلوم نشد حبیب خان در عہد جہانگیری بمنصب
و بخطاب

ریحودی باغی در بهار بکار آمد حبشی خان حبشی در اواسط
عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب سر برافراخته در سنه سیزدهم
بداروغگی عمارت اجمیر مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد حبشی
خان سیدی مفتاح صاحب قلعه اودگیر بعد فتح آن قلعه در سنه نهم
شاهجهانی بمنصب سه هزاری و بخطاب سر برافراخته خدمت
می نمود در سنه پنجم عالمگیری فوت کرد حبشی خان دلاور خان
حبشی در اواخر عهد شاهجهانی بمنصب دوهزاری سرافراز بود و در سنه
ششم عالمگیری بخطاب حبشی خان نام برآورده تردد می نمود دیگر
احوال او معلوم نشد حبیب علیخان ولد محب علیخان رهتاسی
در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در صوبه بنگاله و بهار
خدمت می نمود در سنه ۲۹ در جنگ با افاغنه بهار فدای کار ولی نعمت
شد مردانه و مشهورانه بکار آمد حمید خان در عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت می نمود در سنه ۳۳ در کارزار با افاغنه
کابل بسخت اویزش بکار آمد حمید خان در اواخر عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۴۶ در مصاف بادکهستان

بمنصب سه ہزاری و پانصد و بخطاب بہادر عالمگیر کامیابی
درسنہ ۲۹ بنظم برار از ابتدال ایرج خان ولد قرلاش خان نام برآورده
درسنه سی ام دراںجا فوت کرد شجاعت را بار ضاجوئی اقاجمع
داشت و کارہای نمایان سرانجام نموده بود سید حسن علیخان
ولد عبدالله خان بارہہ سید میان نام در اواخر عہد عالمگیری بمنصب
و بخطاب سرافراز شده در عہد فرخ سیر بخطاب پدر نام برآورده
بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب عبدالله خان بقلم خواہد آمده
حسین قلیخان ذوالقدر درسنه اکبری بمنصب و درسنه ہشتم بخطاب
خانی و درسنه بخطاب خانخانان سرافراز شده بود ہمہ احوال او در
ذیل خطاب خانخانان بقلم خواہد آمد حسین قلیخان اعرد او اسط
عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود
درسنه بیست در مہم بلخ ترددی نموده درسنه ۲۳ بمنصب ہزاری
و بخطاب خانی در آینده باضافه پانصدی سربلند گردیده درسنه ۲۵
فوت کرد حسین قلیخان در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سر برافراخته خدمت می نمود درسنه ۲۴ در کارزار با معصوم خان
فرخودی

در بجودی باغی در بهار بکار آمد حبش خان حبشی در اواسط
عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب سر برافراخته در سنه سیزدهم
بداروغگی عمارت اجمیر مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد حبش
خان سیدی مفتاح صاحب قلعه اودگیر بعد فتح ان قلعه در سنه نهم
شاهجهانی بمنصب سه هزاری و بخطاب سرافراخته خدمت
می نمود در سنه پنجم عالمگیری فوت کرد حبش خان دلاور خان
حبشی در اخر عهد شاهجهانی بمنصب دو هزاری سرافراز بود در سنه
ششم عالمگیری بخطاب حبش خان نام برآورده تردد می نمود دیگر
احوال او معلوم نشد حبیب علیخان ولد محب علیخان رهتاسی
در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در صوبه بنگاله و بهار
خدمت می نمود در ۲۹ در جنگ با افاغنه بهار فدای کار ولی نعمت
شد مردانه و مشهورانه بکار آمد حمید خان در عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت می نمود در سنه ۳۳ در کارزار با افاغنه
کابل لسبخت او یرش بکار آمد حمید خان در اخر عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۴۶ در مصاف بادکهنسان

بمنصب سه ہزاری و پانصد و بخطاب بہادر عالمگیری کارشاہی
درسنہ ۲۹ منظم برار از اسقال ایرج خان ولد قزلباش خان نام برآورده
درسنہ سی ام ذرانجا فوت کرد شجاعت را بارضاجوئی اقا جمع
داشت و کارہای نمایاں سرانجام نموده بود سید حسن علیخان
ولد عبدالله خان بارہہ سید ہمان نام در اواخر عہد عالمگیری بمنصب
و بخطاب سرافراز شده در عہد فرخ سیر بخطاب پدر نام برآورده
بود ہمہ احوال او در ذیل خطاب عبدالله خان بقلم خواہد آمده
حسین قلیخان ذو القدر درسنہ آکبری بمنصب و درسنہ ہشتم بخطاب
خانی و درسنہ ۱۹ بخطاب خانجہان سرافراز شده بود ہمہ احوال او در
ذیل خطاب خانجہان بقلم خواہد آمد حسین قلیخان امرد او اسط
عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود
درسنہ ہشتم در مہم بلخ تردی نموده درسنہ ۲۳ بمنصب ہزاری
و بخطاب خانی در آینده باضافہ پانصدی سربلند گردیده درسنہ ۲۵
فوت کرد حسین قلیخان در عہد آکبری بمنصب و بخطاب خانی
سر برافراختہ خدمت می نمود درسنہ ۲۴ در کارزار با معصوم خان
فرنخودی

بود دیگر احوال او معلوم نشد حسن علیخان ترکمان منصبی

داشت در سنه هشتم جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و در

سنه ۱۴ باضافه هزاری و در سنه ۱۵ باضافه پانصدی و منظم او دیسا سرافراز

شده بود حسن علیخان بهادر عالمگیرشاهی ولد الله وردیخان

کلان در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۳۱ بمنصب

هزاری سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب دوهزاری و خطاب

خانی بخدمت قوس بیگی مباهات اندوخته در کارزار بادشاه شجاع

وقتیکه همه افواج بادشاهی از میدان جنگ برتافته بودند خیلی

ثبات قدم نموده تلاشهای مردانه کرده در اخر این سال بفوجداری

نواح شاهجهان آباد از تغیر کری سنگه مقرر گشته در سنه ۳ تغیر گردیده

در سنه ۵ بتنبیه مفسدان سرکه کول نموده و در سنه نهم بدارو غگی ملازمان

جلو در سنه ۱۳ بفوجداری متهرا سرافراز شده بجلدوی دستگیر آوردن

گوکلا جات که بیداد جدا کردند مورد الطاف خاقانی گردیده در سنه ۱۴

منظم اله اباد از [illegible] خان [illegible] الله خان هروی و در سنه

منظم اکبرا[illegible] در تنبیه رانا رمیدار اودیپور

دیگر احوال او معلوم نشد سید حسین خان ولد سید دلیر خان باریه
در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در اواسط عهد بمنصب
هزاری و در سنه ۲۳ بفوجداری کوچ ها معزز و مقرر شده در سنه ۲۵ باضافه پانصدی
بمنصب هزاری و پانصدی و بخلعت سال سربرافراخته تعین گجرات
گردیده در سنه ۲۹ باضافه پانصدی و بفوجداری سرکار گودره مضاف صوبه احمدآباد
گجرات سرافراز شده بود چون هنگام روانه شدن رایات عالمگیری از دکن
فوجداری بکلانه داشت از آنجا در حضور عالمگیری آمده در کارزار اکبرآباد
ترددهافوق بیان نموده بجایزه آن در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری
و بخطاب خانی برنام خود برآورده در سنه دهم در دکن بموده ... سنه ۲۹ خدمت میکرد
حسین خان روهیله بیجاپوری بعد فتح بیجاپوری در سنه سی ام عا
لمگیری بمنصب پنجهزاری سربرافراخته بود دیگر احوال او معلوم نشد
حسن خان ولد جمشید خان حبشی بیجاپوری در سنه ۴۹ عالمگیری بعد
بکار آمدن پدر هنگام تسخیر قلعه واکن کرا بمنصب و بخطاب خانی
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان سرکیان در عهد
اکبری بمنصب و بخطاب خانی در سنه ۶ بقلعداری حصار کده سربلند شده
بود

رہتاس در سنہ ۹ اکبری ملازمت نموده بمنصب پانصدی سرافراز شده خدمت می نمود در سنہ ۳۰ ہنگام تسخیر ولایت سوات و باجور در تحتانی راجہ بیربر کہ ہزار تن مردم بادشاہی ہمراه راجہ مذکور در جنگ با افاغنہ آنجا کشتہ شدند بکار آمد حسین خان بلوچ در آخر عهد اکبری بمنصب خانی سرافراز شده در سنہ ۱۰۱۸ در دکن ہمراه خانخانان تردد نمایان نموده بودند دیگر احوال او معلوم نشد حسین خان قوسچی در سنہ سیزدہم جہانگیری بمنصب و خطاب خانی سربلند بود دیگر احوال او معلوم نشد حسین خان ولد محرالملک بن یاقوت خان دکنی در اوایل عهد شاہجہانی بمنصب سہ ہزاری و باین خطاب سرافراز شده تا سنہ ہشتم خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد حسین خان برادر خدمتکار خان در اوایل عهد شاہجہانی بمنصب ہفتصدی و در اواسط عهد باضافہ صدی سربلند شده بود در سنہ نوزدہم فوت کرد حسین خان ترکمان در اواسط عهد شاہجہانی منصب و خطاب خانی داشت در سنہ ۱۱ در کارزار با قزلباش در ناحیہ قندہار تردد ی نموده بود حسین خان دکہنی منصب سہ ہزاری دو ہزار سوار داشت در آغاز سنہ احد عالمگیری باضافہ پانصدی سوار مباہات اندوختہ بود

معلوم نشد حسین خان مامہ در عہد اکبری بمنصب سہ صد
وپنجاہی وبخطاب خانی سرافراختہ تا سنہ ۱۴ دردکن خدمت
می نمود دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان فرو بیے در عہد اکبری
بمنصب دوصدی وبخطاب خانی سربلند شدہ خدمت می نمود واکثر تردد
دات نمودہ بود دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان برادر سید برکہ
ولد میر عبداللہ از سادات بینی حصار از بندہای ہمایونی بود از ولایت
دررکاب ایشان آمدہ در سنہ احد اکبری بمنصب ہزاری وبخطاب خانی
سرافراختہ در سال اول برای آوردن بیگمات متعلق کابل شدہ
بود در سنہ ۱ در جنگ با خانزمان باغی ودر سنہ ۱۲ در فتح قلعہ صور ودر سنہ ۲
باتفاق مظفرخان در تنبیہ افاغنہ حصار کہدر ودر سنہ ۲۵ در بنگالا ترددات
نمایان نمودہ در سنہ ۳۳ فوت کرد حسینخان خزانچی در عہد اکبری بمنصب
وبخطاب خانی وبخدمت خزانچی گری سرافراز شدہ در سنہ نہم بنابر رہنمای
باز بہادر حاکم مالوا ودر سنہ دہم بخدمت ہدایت راجہ اودیہ ودر سنہ نہم
برای مستمال کردن اعتماد خان گجراتی ودر سنہ ۱۵ باآوردن باز بہادر مذکور
رفتہ بود دیگر احوال او معلوم نشد حسینخان برادر فتح خان سے ضابط
تا نیاس

اکبری بمنصب سه ہزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه دوم بنظم لاہور مقرر گردیده در سنه پنجم بنابر رفاقت برام خان باغی از میدان جنگ دستگیر آمده و تقصیرش مقرون عفو شد خدمت می نموده در سنه ۱۱ تردد می نموده در ہمان سال بحرین رفته و برگشته آمده در سنه ۱۸ در ایلغار دوم گجرات در رکاب رسیده تلاشهای مردانه کرده بود در سنه ۲۱ مجنون شده فوت کرد خانمذکور در ایام نظم لاہور مقرر گردیده بود که ہنود بیوند بر یک دیگر بر دوش خود میدوخته باشند ہمذا ٹکریه می گفتند حسین خان برادر شہاب الدین احمد خان از سه ذات سه ہزاری بود در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرفراخته در سنه پنجم تردد نموده در سنه ہشتم متعین کابل گردیده تا سنه ۱۱ در انجا خدمت میکرد دیگر احوال معلوم نشد حسین خان حعا در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرفراخته در سنه ۱۲ در کارزار با قلعه چیتور وطن رانا زمیندار اودیپور تردد نموده دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان فوجدار قبلان در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه ۲۶ کار سوار و فیل خاصه تلک نام در جنگ با محمد میرزا حکیم تردد شایسته نموده

سنه سی ام عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده اکثر تردد ات
نموده در جلدوی هنگام فتح قلعه داکن کرا بکار آمد جمشید خان دکهنی
تعینات دکن
در عهد عالمگیری بمنصب هزاری سرافراز شده اکثر در تردد ات نموده بجایزهٔ
حسن خدمت مورد مراحم والا بود دیگر احوال او معلوم نشد جمشید حال
دیگر در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شد
خدمت می نمود در سنه ۴۳ تردّدی کرده دیگر احوال او هیچ معلوم نشد

حرف حاء غیر منقوط

حسن خان حلا در سلطنت همایون بادشاه اخص ملکی بود از ولایت
در رکاب ایشان آمده در سنه احد اکبری بجلدوی تردد جنگ با هیمون
بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب خانی سرافراخته خدمت
می کرد و در سنه هشتم در کارزاری تردّدی نموده در سنه ۱۰ در ایلغار اول
به تنبیه خان زمان باغی و در سنه ۱۷ هنگام فتح گجرات و در سنه ۱۹ در فتح قلعه پتنه
تردّدات نمایان کرده متعلق منعم خان ناظم بنگاله شده دران صوبه تلاشهای
نموده بود در سنه ۲۰ در شهر گور به سمت هوا فوت کرد حسین خان تکریه
خواهرزاده مهدی قاسم خان از ولایت در رکاب همایونی آمده در سنه احد
اکبری

کبری بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی سرفراز گشته در سنه
ده بحکومت لاهور مقرر گردیده در سنه پنجم تا بر رفاقت برادر خود به
سیدن جنگ بسیار کرده و تشنیر کشیر مقرون بشکست خدمت
نموده در سنه ترددی نموده در مهم بحرین رفته دیر گشته آمده
که در ایلغار دوم حضرت در رکاب رسید ترکشبندی مرداز کرده بود
که مجنون گشته فوت کرد قائمقام در ایام نظم لاهور مقرر گردیده بود که
بودند بریک دیگر پیش کش خود میدوخته باشند
شد حسین خان برادر شهاب الدین احمد خان از سادات نیشابور
بعهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراخته در سنه پنجم تردد
در سنه بیست و ششم متعین کابل گردیده تا سنه در آنجا خدمت میکرد دیگر احوال
نشد حسین خان صعا در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سرافراخته در سنه در کارزار با قلعه چیتور وطن رانا زمیندار او دیپور تردد
دیگر احوال او معلوم نشد حسن خان فوجدار قیلان در عهد اکبری
منصب و بخطاب خانی سرافراز شد در سنه سوار و فیل خاصه
جنگ با محمد میرزا حکیم تردد شایسته نموده بود دیگر احوال او

سہ سی ام عالم گیری بمنصب ہزاری سرافراز شدہ الترترددات
نمودہ درجبل و نہم ہنگام فتح قلعہ داکن کرا بکار آمد جمشید خان دکھنی
در عہد عالم گیری بمنصب ہزاری سرافراز شدہ اکثر در تعینات دکن تردداتِ نمودہ کارنمہٗ
حسن خدمت مورد مراحم والا بود دیگر احوال او معلوم نشد جمشید خان
دیگر درا واسط عہد عالم گیری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شد
خدمت می نمود در سنہ ۴۳ ترددی کردہ دیگر احوال او ہیچ معلوم نشد

حرف حاء غیر منقوط

حسن خان حلا در سلطنت ہمایون بادشاہ اخضہ سکی بود از ولایت
در رکاب ایشان آمدہ در سنہ احد اکبری بحلدوی تردد جنگ با ہیمون
بمنصب دو ہزار و پانصدی و بخطاب خانی سر برافراختہ خدمت
می کرد و در سنہ ہشتم در کارزاری ترددی نمودہ در سنہ ۱ در ایلغار اول
بہ تنبیہ خان زمان باغی و در سنہ ۱۷ ہنگام فتح گجرات و در سنہ ۱۹ در فتح قلعہ پٹنہ
تردداتِ نمایان کردہ متعلق منعم خان ناظم بنگالہ شدہ دران صوبہ تلاشہا
نمودہ بود در سنہ ۲۰ در شہر کور بہ سمت ہوا فوت کرد حسین خان تکریہ
خواہرزادہ مہدی قاسم خان از ولایت در رکاب ہمایونی آمدہ در سنہ احد
اکبری

اکبری بمنصب سه ہزاری و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه
دوم بنظم لاہور مقرر گردیده در سنه پنجم بنا بر رفاقت برام خان باغی
از میدان جنگ دستگیر آمده و تقصیرش مقرون عفو شد خدمت
می نموده در سنه ۱۱ تردّدی نموده در ہمان سال بحرین رفته و برگشته آمده
در سنه ۱۷ در ایلغار دوم گجرات در رکاب رسیده تلاشهای مردانه کرده بود
در سنه مجنون شده فوت کرد خان مذکور در ایام نظم لاہور مقرر گردیده بود که
ہنود پیوندی بر یک دیگر بر دوش خود میدوخته باشند لہذا ٹکریہ می
گفتند حسین خان برادر شہاب الدین احمد خان از سادات نیشاپور
در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه پنجم تردّدی
نموده در سنه ہشتم متعین کابل گردیده تا سنه ۱۱ در انجا خدمت میکرد دیگر احوال
معلوم نشد حسین خان حبشی در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سربرافراخته در سنه ۱۲ در کارزار با قلعه چیتور وطن رانا زمیندار او دیپور تردّدی
نموده دیگر احوال او معلوم نشد خوش خان فوجدار قبلان در عہد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شد در سنه ۲۶ کار سوار و فیل خاصه ملک نجم
نام در جنگ با محمد میرزا حکیم تردّد شایسته نموده بود دیگر احوال او

در سنه ششم و هم به بخشیگری احدیان و آینده بحکومت سوستان
مامور گردیده در سنه ۱۱ بتعین قندهار شده و بمنصب دو هزار و پانصدی نام
بر آورده در سنه ۱۳ بفوجداری سهکر از تغیر یوسفخان مامور گشته در همان سال
زندگانی را جواب داد جانثار خان یادگار بیگ ولد بیر دست خان
در سنه ۱۹ شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب جانثار خان سربلند شده
در سنه ۲۵ بخطاب لشکرخان مامور گردیده همه احوال او در ذیل لشکر
خان بقلم خواهد آمد جانثار خان دیگر در آغاز عهد عالمگیری بمنصب
و باینخطاب سر برافراخته در سنه ۹ در دکن خدمت می نمود در سنه ۲۶
بفوجداری کلبرگه مقرر گردیده در سنه ۳۲ تردد ی ظاهر انموده همدران
سال درگذشت جانثار خان خواجه ابراهیم کارم خواجه زاده آقائی
بمنصب سرافراز بود در سنه ۳۳ عالمگیری باینخطاب سر برافراخته در
سنه سی و پنج بمنصب دو هزاری و در سنه ۴۵ بفوجداری مارنول سر افراز
گردیده در سنه محمد شاهی فوت کرد جهان خان کاکر از خبر در رکاب بادشاه
شاهجهان آمده در سنه احدایت ال بمنصب هزار و پانصدی پانصد سوار
سرافراز شده در سنه معین سند جانجهان مارسه گردیده در سنه ۱۳ بخطاب
کاکر

کاکرخان مامور گشته بود احوال او در ذیل کاکرخان بقلم خواهد آمد

حبشی دکهنی در سنه چهارم شاهجهانی بمنصب سه هزاری
سرافراز شده در سنه ۸ و در سنه ۱۲ مصدر تردد گردیده تا سنه ۱ عالمگیری
خدمت می نمود در سنه ۸ در دکن درگذشت جانی خان جانی بیک
در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۲ به بخشیگری دکن سرافراز شده
در سنه نهم بجلدوی نیکو خدمتی بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته
در سنه دهم بفوجداری برور از تغیر عبدالله خان و در سنه ۱۳ به نیابت
میر آتشی مقرر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد جانی خان عمدهٔ
خواصان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب جانسحان سر
افراز شده در سنه ۲۳ هنگام فتح از طرف صحی حراره حبیمه از حضور
پرنور برد بادشاهزاده محمد اعظم شاه که در انجا بودند برده بود دیگر
احوال او معلوم نشد جانسحان ولد اعظم خان کوکه عالمگیری بادشاه
در اوایل عهد ایشان بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۲
بخطاب صفدر خان سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب صفدر
خان بقلم خواهد آمد جمشید خان بیجاپوری بعد فتح قلعه بیجاپور در

جان سپارخان میر بہادر دل ولد سید مختار خان سبزواری منصب دات
در سنہ احد عالمگیری بمنصب ہزاری و بخطاب جان سپار خان
سر برافراخته آینده بجایزه ترددات باضافه مباہات اندوخته آیند
بنظم صوبه حیدر آباد مقرر گشته در سنه ۳۵ در انجا گذشت جانباز خان
ہاشم بیگ حوسے منصب داشت و در سنه ۱۶ جہانگیری بخطاب جان
باز خان سربلند شده بود جانباز خان سید احمد از خبر در رکاب
شاہجہانی آمده بمنصب و باین خطاب سر برافراخته در سنه ۳ بقلعداری
کالنجر مقرر شده در سوم ہنگام اوارگی خانجہان لودی ماغی در انجا سد
راه کرده در سنه ہشتم شاہجہانی بمنصب ہزاری و در سنه ۱۳ از انجا به
فوجداری قلعداری چنارگڈه مقرر شد و در سنه ۱۸ بمنصب ہزار و پانصدی
و بفوجداری مندسور از استعمال جانسپار خان حاکم مقرر شد در سنه ۲۱
در انجا بر دست کدام نوکر خود کشته شد جان سپار خان اسمعیل
حولکے منصب داشت در سنه احد عالمگیری بمنصب دو ہزاری و به
اسخطاب سر برافراخته در سنه بفوجداری کلید جکل و دیبال پور از
از تغیر سپہدار خان مقرر گردیده در سنه نہم و در دکن تردد نموده در سنه ہم
بکابل

بکابل تعین شد، دیگر احوال او معلوم نشد جواهر خان خواجه

سرا در اوائل در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و باین خطاب

و در سنه ۲۱ بمنصب هزاری بخدمت نظارت سرافراز شده در سنه

۱ در هنگام بے ادبے مهابتخان در کارزار بکار آمد جواهر خان خواجه سرا

در عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و باین خطاب سرافراز شده تا

سنه ۲۱ خدمت می نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد جواهر خان خواجه سرا

نور نام منصبے داشت در سنه سوم عالمگیری باین خطاب و بنظارت

از تغیر دربار خان سربلند شده در سنه هفتم معزول گردیده در سنه ۱۵ فوت

کرد جواهر خان حاجی سهل خواجه سرا در اخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب

و به نیابت نظارت و بداروغگی جواهر خانه خاصگی سر برافراخته

در عهد بادشاه فرخ سیر بمنصب چهار هزاری رسیده در سنه ۱ محمد شاه

فوت کرد جانثار خان منصبے داشت و از خبر در رکاب شاه

آمده بود در سنه احد الیشان بمنصب دو هزاری سرافراز شده

اری احمد نگر از انتقال دیانت خان محمد قاسم مقرر گردیده

بفوجداری لکھی جنگل نام برادر وه در سنه ۶ معزول شده

بکابل تعین شد، دیگر احوال او معلوم نشد جواہر خان خواجہ
سرا از اوائل در اواسط عہد جہانگیری بمنصب و بخطاب
و در ۲۱ بمنصب ہزاری بخدمت نظارت سرافراز شده در سنه ۲۱
در ہنگام بے ادبی مہابتخان در کارزار بکار آمد جواہر خان خواجہ سرا
در عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی و بخطاب سرافراز شد تا
سنه ۲۱ خدمت می نمود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد جواہر خان خواجہ سرا
نور نام منصبی داشت در سنه سوم عالمگیری بخطاب و بنظارت
از تغیر دربار خان سربلند شده در سنه ہفتم معزول گردیده در سنه ۱۵ فوت
کرد جواہر خان حاجی سہل خواجہ سرا در اخر عہد عالمگیری بمنصب و بخطاب
و به نیابت نظارت و بداروغگی جواہر خانه حاصلی سر برافراخته
در عہد بادشاه فرخ سیر بمنصب چہار ہزاری رسیده در سنه ۱ محمد شاه
فوت کرد جانثار خان منصبی داشت و از خبر در رکاب شاه
جہانی آمده بود در سنه احد الیشان بمنصب دو ہزاری سرافراز شده
در سنه ۳ بقلعداری احمد نگر از انتقال دیانت خان محمد قاسم مقرر گردیده
در سنه چہارم بفوجداری لکھی جنگل نام برآورده در سنه ۶ معزول شده

جاں سپار خان میر بہادر دل ولد سید مختار خان سبزواری منصب ذات
در سنہ احد عالمگیری بمنصب ہزاری و بخطاب جاں سپار خان
سرافراختہ آیندہ بجایزہ ترددات باضافہ مباہات اندوختہ آیند
بنظم صوبہ حیدرآباد مقرر گشتہ در سنہ ۴۵ در انجا گذشت جانباز خان
ہاشم بیگ حوسے منصب داشت و در سنہ ۱۶ جہانگیری بخطاب جاں
باز خان سربلند شدہ بود جانباز خان سید احمد از خبر در رکاب
شاہجہانی آمدہ بمنصب و باین خطاب سرافراختہ در سنہ یک قلعداری
کالنجر مقرر شدہ در سوم ہنگام آوارگی خانجہان لودی باغی در انجا سد
راہ کردہ در سنہ ہشتم شاہجہانی بمنصب ہزاری و در سنہ ۱۱ از انجا بہ
فوجداری قلعداری چنارگدہ مقرر شد و در سنہ ۱۰ بمنصب ہزار و پانصدی
و بفوجداری مندسور از انتقال جانسپار خان حاکم مقرر شد در سنہ ۱۲
در انجا بردست کدام نوکر خود کشتہ شد جاں سپار خان اسمعیل
حوانسے منصب داشت در سنہ احد عالمگیری بمنصب دو ہزاری و بہ
اسخطاب سرافراختہ در سنہ بفوجداری لکی جنگل و دیپال پور از
انتغیر سپہدار خان مقرر گردیدہ در سنہ نہم در دکن تردد نمودہ در سنہ دہم
بکابل

سرافراز شده متعین دکن شده دران صوبه نشو و نما یافته مکرر تردداتِ
شایسته نموده بود در عهد جهانگیری باینخطاب نام برآورده متعین
صوبه مذکور مانده در سنه ۳ تردداتِ او باظهار سلطان خورم معلوم شد
از راه تفصلات جریده طلب حضور گرانده باز بدکن رخصت گشته
دران صوبه شمشیرهای نمایان سرد در سنه ۵ حکومت نیز مقرر بود و بجایزهٔ تردداتِ
انجا بمنصب سه هزاری و پانصدی رسیده در سنه احد شاهجهانی بمنصب
چهار هزاری و بنظم الهاباد مامور گشته درهمان سال فوت کرد جان
سپار خان جمالی نام ولد جمران برادر سید نقیب خان در اوایل
عهد شاهجهانی بمنصب و در سنه هشتم بمنصب هزار و پانصدی و باین
خطاب سربرافراخته در سنه ۱۱ همراه شاه شجاع بصوبه قندهار رفته در سنه ۱۲
هنگام بخشیگری احدیان در سفر کابل بعنایت علم و در سنه ۱۳ بفوجداری
بهیره و باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری نام برآورده در سنه ۱۴
همراه شاهزاده مرادبخش بکابل و بهم در مهم بلخ بسلسله متعین
شده در سنه ۱۵ همراه داراشکوه بقندهار رفته در سنه ۱۶ بفوجداری مندسور
از تغیر ذوالفقار خان سربلند گشته در سنه ۱۸ در انجا فوت شد

گشته بحضور رسیده بعد یکماه باز باب ملازمت گردیده در سنه ۳ بجایزه
تنبیه غنیم سمت کوه دکن باضافه هزاری و در سنه ۴ و بفوجداری کرنا تک
از تغیر معمور خان محمد یار و در سنه ۷ بنظم بیجاپور از تغیر لطف الله خان و هم
بفوجداری تلکوکن از تغیر سیف الله و در سنه ۱۹ بفوجداری سکهر و بنکل
از تغیر برهان الدین خان و کامل خان و هم دران سال بخلدوی طلایه نواحی
قلعه واکن کرا بمنصب پنجهزاری پنجهزار سوار یک کرور و پنجاه لک
دام انعام در سنه پنجاهم بفوجداری هرورنگر و مالکوه از تغیر یوسف خان
و قدرت الله خان مباهات اندوخته بود در عهد بهادر شاه خانه نشین
شده در عهد باد شاه فرخ سیر نوکری اختیار نموده در عهد باد شاه
محمد شاه بنظم دکن و بمنصب نه هزاری و بخطاب اصفهان والا مرتبه
گردیده در آغاز سنه احد باد شاه کوس رحلت ازین جهان بدار زد
حبشی خان شیخ بود و چشتی در سنه ۴۴ اکبری منصبی داشت در سنه ۱۳
جهانگیری بخطاب حبشی خان سرافراز شده تا سنه پنجم شاهجهانی بمنصب
هفتصدی رسیده بود دیگر احوال او معلوم نشد خان سیار خان جهانگیر
قلی برکان پدرش از امرای ایران بود در عهد اکبری بهند آمده بمنصب
سرافراز شد

در سنه ۱۴ ناظم بهار از تغیر ابراهیم خان مقرر گشته در سنه ۱۸ بتقصیر آنکه متوسلان
او بر رعایا ظلم می نمودند معزول شد بعد ملازمت تعین دکن گردید
در سنه ۱۹ فوجدار جوسور بود آینده ناظم اله آباد مقرر گشته در سنه ۲۲ تغیر شده
بود در سنه احد جهانگیری بفوجداری سورته از تغیر سکارخان مقرر گردیده در
سنه پنجم در انجا درگذشت جهانگیر قلیخان از نوکران بادشاهزاده
دارا شکوه در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری و در سنه ۳ بخطاب خانی
بر نام خود و در سنه پنجم بفوجداری میان دوآب سرافراز شده تا سنه سی ام
خدمت می نمود و بجایزه ترددات مورد مراحم بود جهانگیر قلیخان
ولد قلیج خان در اواخر عهد اکبری منصبی داشت در سنه سوم جهانگیری و در
سنه ۹ بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب خانی برنام خود سرافراز شد
خدمت می نمود در سنه دهم رحلت کرد حسن قلیج خان بهادر قمر الدین
نام ولد عابد الدین خان بهادر فیروز جنگ در سنه ۱۸ عالمگیری روز ملازمت
بمنصب چهار صدی و در سنه ۲۰ بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۲۳ بمنصب
دو هزار و پانصدی و در سنه ۳۴ بجلدوی ترددی بخطاب بهادر و در سنه ۴۱
بخطاب حسن قلیجخان بهادر سربلند شده دران سال اندک آزرده

درکابل سوارہ فیل تردداتِ نمایاں نمودہ بود دیگر احوال او ہیچ معلوم
نشد جمال خان دکنی از امرای حاکم برار در سنہ ۲۹ اکبری بمنصب و بایں
خطاب سر برافراختہ خدمت می نمود در سنہ ۳۲ بکومک برہان الملک دکنی
متعین شدہ در کارزار بادکسان زخمی شدہ دستگیر رفت دیگر احوال او
معلوم نشد جمال خان در عہد اکبری بمنصب و باین خطاب سر برافراختہ
در سنہ ۴۱ با راجہ مانسنگہ در بنگالہ خدمت میکرد دیگر احوال او معلوم نشد جہانگیر
قلیخان لعل بیگ قلماق در اواخر عہد عالمگیری بمنصب و بخطاب بار
بہادر سرافراز شدہ بود در سنہ احد جہانگیری بخطاب جہانگیر قلیخان
و بنظم صوبہ بہار و بجاگیرہ ملہ سنگرام زمیندار از انجا بمنصب چہار ہزار
و پانصدی و در سنہ دوم از انتقال قطب الدینخان کوکہ بنظم بنگالہ سر بلند
شدہ در سنہ ۳ فوت کرد جہانگیر قلیخان شمس الدین ولد اعظم خان
مرزا عزیز کوکہ در اواخر عہد عالمگیری بمنصب دو ہزاری داشت در سنہ
سوم جہانگیری بخطاب جہانگیر قلیخان و بہ نیابت نظم گجرات از پدر
معزز شدہ تا سنہ ششم در آن صوبہ بود در سنہ نہم بمنصب سہ ہزاری نام
برآوردہ در سیزدہم رخصت جاگیر خود کہ در الہ آباد داشت کام دل برگرفتہ
در سنہ ۱۴

رفته در سنه ۲۵ بعد مراجعت همعنان سلطان مراد گردیده بود دیگر احوال او
معلوم نشد جمال خان فوجدار فلان در عهد اکبری بمنصب و بخطاب
خانی سربلند شده در سنه ۴۲ همراه راجه مانسنگه کچهواهه در جنگ با رانا زمیندار
اودیپور ترددهای نمایان کرده فیل کلکله بدفع اعدا روبرو نموده بود دیگر احوال
او معلوم نشد جمال خان ترکی در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی
برنام خود سر افراخته در سنه بیستم ترددی نموده در سنه ۱۵ در جنگ
قلعه کانگره شهید شد جمال خان قراول در سنه بیستم جهانگیری بمنصب
و بخطاب خانی برنام خود سرافراز شده در عهد شاهجهانی بمنصب هفتصدی
امتیاز یافته تا سنه ۱۱ خدمت می نمود در سنه ۱۶ رحلت کرد جمال خان نوحانی
در اوائل عهد شاهجهانی بمنصب هزار و پانصدی و نامی خطاب سرافراز شده در
سنه بیستم در دکن و در سنه ۱۹ ... شان و در ۲۳ ... هار تلاشها
بکا... ه بود دیگر احوال ... یمال خان ... در سنه
د ... ی بخطا ... زر ... بیستم در بنگاله تردد
یان د ...

بنظم لاهور رایت مباهات افراخته در سنه بیستم بمیر بخشیگری از انتقال اصا
لتخان چهره امتیاز برافروخته در سنه ۲۳ بنظم صوبه شاهجهان آباد از انتقال
مکرمخان و در سنه ۲۴ بنظم بهار از تغیر سعید خان چغتای مامور شده در سنه سی ام معزول
گردید در سنه سی و یک بخدمت وزارت از تغیر معظم خان محمد سعید حیدر
آبادی اختصاص یافته لاکن مقرر شده بود که برافراد محاسبات رای
رایان رکهنا تهه دیوان خالصه دستخط بر پروانجات ماهی بر مهر خان
مشار الیه مهر خود می نموده باشد در سنه احد عالمگیری بمنصب شش هزاری
ذات و سوار و بنظم مالوا در سنه ششم بخدمت وزارت از انتقال فاضلخان
علاء الملک و بعنایت خلعت خاصه و در سنه ۸ بمنصب هفت
هزاری هفت هزار سوار چهار هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بعنایت
خلعت خاص با یاوری بلند مرتبه گشته در سنه ۱۳ مار گزد داعی حق جانی
را با خود برد سید جعفر خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب و با خطاب
سر برافراخته تا سنه احد بهادرشاه خدمت می نمود دیگر احوال او هیچ معلوم
نشد جعفر خان تاج در عهد اکبری بمنصب و با خطاب سرافراز شده
در سنه دهم و در سنه ۱۱ تردد نمایان نموده و در سنه ۲۱ همراه سلطان خواجه بحریش
رفته

بفوجداری نصیراباد مضاف صوبه خاندیس مقرر گردیده تا اواخر عهد مصدر خدمات بود در سنه سوم عالمگیری بمنصب ۳ هزاری و بخطاب خانی و بفوجداری هوسنگ اباد سربلند گشته تا سنه پنجم ترددات می کرد

جعفرخان بکلو ولد فراق خان حاکم خراسان وقتی که از شاه طهماسپ صفوی والی ایران بیمی نموده بقتل رسید بدرگاه اکبر پادشاه آمده بمنصب هزاری سرافراز شده در سنه دهم در رکاب والا در سنه خانزمان باغی ترددی کرده بعد از خدمت چهل سال فوت کرد جعفرخان ولد صادق خان طهرانی منصبی داشت در سنه سوم شاهجهانی باضافه منصب سرافراز شده در سنه چهارم بمنصب دوهزاری و در سنه ۵ بمنصب ۳ هزاری و در سنه ۶ بعد فوت پدر باضافه هزاری و در سنه ۸ بنوازش نوبت و در سنه دهم بمنصب پنجهزاری ۳ هزار سوار داشته در سنه یازدهم بعنایت خلعت ماهی سربلند گردیده در سنه ۱۳ بعد فوت افضلخان غلامی مارسیدن اسلامخان ناظم بنگاله برای تقرر وزارت بدستخط نمودن تنخواه ارباب مطالب از عرض بروفق حکم معلی و اجرای اسناد مقبول بمهر خود مقرر گشته در سنه ۱۴ بوقوع تقصیری بی منصب شده بعد چهار ماه بحال گردیده در سنه ۱۹

کاشغری در آخر عہد عالمگیری بمنصب ہفت ہزاری و بخطاب سر
افراز شدہ تا سنہ احد بہادر شاہ خدمت می نمود دیگر احوال او ہیچ معلوم نشد
جلال خان قورچی در سنہ احد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی
سربلند شدہ در سنہ ۱۷ برای آوردن مسان بال سس رفتہ بود در سنہ
دار الیعار گجرات ترددی کردہ در سنہ در احمد نگر شہید شد جلال خان
ولد محمد خان بن سلطان ادم بجایزہ حقوق سلطان ادم کہ بنا بر تسخیر ہندوستان
ہمایون بادشاہ کردہ بود در عہد اکبری بمنصب ہزار و پانصدی و بان
خطاب سرافراز شدہ در سنہ ۲۵ ہنگام تعاقب شاہزادہ مراد بنا بر تنبیہ
مرزا محمد حکیم و در سنہ ۳۰ نام در ایام تسخیر کشمیر مصدر تردد ہا بود در عہد جہانگیری
متعہ صوبہ کابل گردیدہ در سنہ ۱۵ در ضلع سکس فدای کار ولی نعمت شد
جلال خان ولد دلاور خان کاکر بعد فوت پدر در سنہ احد جہانگیری بمنصب
ہزاری سرافراختہ در سنہ سوم شاہجہانی در صوبہ کابل خدمت می نمود
در سنہ ۱۳ بفوجداری جموں از تغیر شاہ قلی خان و در سنہ ۱۴ بمنصب ہزار و پانصدی
سربرافراختہ تعین دکن گردیدہ در سنہ ۱۵ بمنصب دو ہزاری مباہات
اندوختہ در سنہ ۲۱ ہمراہ مرزا خان ناظم صوبہ برار ترددی کردہ در سنہ ۱
بفوجداری

در ایام قلعداری قلعه سکرفوت تیرانداز خان سیر الله خان در اواخر عهد عالم

گیری بمنصب هزاری و بخطاب سرافراز شده خدمت می نموده در سنه

احد بهادر شاه باضافه پانصدی نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد

حرف ثاء مثلثه ثانی خان مولانا ثانی هروی از طایفه

ارلات از نوکران مرزا هندال در رکاب همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب

پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده خدمت می نمود این ده بسعادت

بس حکام دکن رفته در سنه ۴۲ ناکس کس اهمام راجعت کرده بجایزه نیکو

خدمتی بمرتبه امارت رسیده بود و طبع نظم و کافیه را نظم نموده در جوار

قلعه قدم مبارک کوئله لمزنوماو کار مانده حرف جیم جعفر خان

در سنه احد اکبری بمنصب و بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته فوجدار

هواپت مقرر شده بود در سنه ششم هنگام فوجداری آنجا رعایت بر اخراج کوا

نداکس کهواله رسیدار اسر نموده قوم کهواله را گرویده کرد در سنه نهم ایلغار

تنبیه عبدالله ازبک که باغی شده بود و در سنه ۱۲ در ایلغار تادیب خانزمان

باغی ترددات نموده اکثر معتمل مالوا مانده در سنه سی و چهارم در کار

زار باد کهسان بزخم بندوق بکار آمد جعفر خان بهادر فتح جنگ

فراز شده درسنه ۱۵ متعین داراشکوه بقندهار گردیده درسنه ۱۹ بتعین مهم -
وبدخشان گشته درسنه بیستم فوت کرد ترکتازخان لودی بیگ
ام عهد شاهجهانی منصب پانصدی داشت درسنه احد عالمگیری بمحاصره ترددات
درالیغار بنابردستگیر نمودن سلطان داراشکوه بخطاب ترکتازخان سر
برافراخته درسنه هشتم بجلدوی ترددهای دکن بمنصب هزاری نام برآورده درسنه ۱۹
متعین کابل گردیده بود ترکتازخان دیگر باز دراواخر عهد عالمگیری بمنصب هزار
پانصدی نام برآورده بود تقربخان حکیم داود ولد حکیم عنایت الله از حکمای
شاه عباس اول درسنه ۱۷ شاهجهانی از ایران آمده روز ملازمت بمنصب
هزار و پانصدی دوصد سوار سربلند شده درسنه ۱۵ بجلدوی علاج بیگم صاحبه
درسنه ۱۹ باضافه پانصدی و درسنه ۲۰ بمنصب سه هزاری و بخطاب تقربخان و در
سنه ۲۳ بمنصب چهار هزاری هزار سوار و آینده بمنصب پنج هزاری والامنزلت
گردیده درسنه احد عالمگیری ترک منصب نموده درسنه پنجم بانجهان رفت
تیراندازخان امیربیگ در عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب تیراندازخانی افراز
شده آینده بفوجداری سورته مضاف صوبه گجرات و درسنه ۴۹ هنگام نیابت
صوبه داری برار از طرف عادالدینخان بهادر باضافه پانصدی سر

درایام

بخطاب تهور خان سربلند گردیده خدمت می نمود تهور خان ولد صلابتخان منصبی در سنه سی و پنج عالم گیری بمنصب پنجصدی خدمت می کرد در سنه ۴۹ بخطاب فدائیخان مامور شده همه احوال او در ذیل خطاب فدائیخان تقلم خواهد آمد تشریف خان نورالله که کراف در سنه ۱۵ جهانگیری بمنصب شش صدی و بخطاب تشریف خان سر برافراخته در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری سرافراز گردیده در سنه پنجم فوت کرد تشریف خان میر علی ولد میر موسی مازندرانی در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب پانصدی و در اواسط عهد منصب هزاری داشت در سنه دوم عالم گیری بخطاب تشریفخان و در سنه سوم بخطاب مفتخر خان سرافراز شده همه احوال او در ذیل خطاب مفتخر خان تقلم خواهد آمد ترکمان خان در سنه ۱۹ جهانگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز بود دیگر احوال او معلوم نشد ترکمانخان مصطفی نام منصبی داشت در سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزاری پانصدی و باین خطاب و در سنه ۳ بعطای نوبت و آینده بمنصب سه هزاری والامنزلت گشته خدمت می نمود ترکمانخان در سنه احد شاهجهانی بمنصب هزاری و باینخطاب

بنظم اوده از تغیر شاه نواز خان سربلند شده بود در سنه احد عالمگیری بمنصب
سه هزار و پانصدی و بنظم صوبه اجمیر و در سنه سوم بنظم ملتان از تغیر
لشکر خان سرافراز گردیده در سنه ۶ بسفارت پیش نهاد شاه عباس ثانی
والی ایران با تحائف هشت لک روپیه رفته در سنه نهم معاودت
نموده بعد رسیدن حضور بتقصیر عدم سرانجام خدمت معاتب گردید
در سنه دهم پس از عفو زلات بمنصب سابق و بنظم صوبه اودیسه
از انتقال خاندوران سید محمود سرافراز گشته در سنه ۱۳ بنظم صوبه اوده
و در سنه ۱۹ بفوجداری بهار سور و در سنه بنظم صوبه بهار بعد چندی بفوجداری
تربیت و دهکام مضاف صوبه مذکور و آینده بفوجداری جونپور مقرر
شده در سنه ۲۱ فوت کرد تربیت خان بهادر ولد داراب خان
در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب تربیت خان سربلند شد
در سنه جلوس باضافه منصب و در سنه ۲ بمیر آتشی مقرر گردیده آینده در جلدوی
آنکه در فتح قلعه ستارا و کهیلنا وغیره از قلاع دکن تلاشها بکار برده بود
در سنه ۹ بمنصب سه هزاری و پانصدی و در سنه ۹ بحایزه دیگر ترددات
نمایان بمنصب چهار هزاری و بخطاب بهادر و هم دران سال بدارو غگی

بفوجداری حصار و شہر بند و در سنہ پنجم بمنصب ہزاری سر افراختہ
در سنہ ششم بسفارت توران پس پدر محمد خان والی بلخ رفتہ در سنہ
ہشتم مراجعت نمودہ بداروغگی اصطبل مقرر گشتہ در سنہ دہم
بمنصب دہ ہزاری و تن بخشیگری از تغیر معتمد خان محمد شریف و در سنہ
سیزدہم بخدمت قوش بیگی از تغیر ہوار خان و در سنہ ۱ با ضافہ پانصدی
و نظم کشمیر از انتقال شاہ قلیخان حاجی وقاص مہمات اندوختہ
در سنہ ۱۵ معزول گردید در سنہ شانزدہم باز جا میل کرد تربیت خان
شفیع اللہ برلاس منصب داشت در سنہ نوزدہم شاہجہانی بقلعہ داری
لاہور و در سنہ ۲۶ بداروغگی توپخانہ و در سنہ ۲۹ بہ نیابت نظم اودل سر
برافراختہ بسزاولی رسانیدن افواج در خدمت شاہزادہ عالمگیر ملیح
رفتہ بعد آمدن از انجا در سنہ ۲۲ باضافہ پانصدی مامور شدہ تعین مہم قندہار
گردیدہ در سنہ ۲۳ باضافہ باین خطاب و بمنصب دہ ہزاری و در سنہ ۲۴
بخدمت آختہ بیگی از تغیر رشید قلیخان و در سنہ ۲۶ بداروغگی توپخانہ
رکاب و در سنہ ۲۸ باضافہ پانصدی و در سنہ ۲۹ بہ نیابت نظم اودب از طرف
شاہ شجاع از تغیر رشید خان او رفتن انجا بالقاعدہ رزیدہ بود در سنہ ۳۱
نظم

سربلند بود و با متعینہ سلطان خسرو متعینہ سلطان خسرو شدہ خدمت
می نمود دیگر احوال او معلوم نشد تاج خان تاش بیگ مغل از
نوکران میرزا محمد حکیم در سنہ سی ام اکبری بعد رحلت میرزا بحضور آمدہ بمنصب
ہزاری سر برافراختہ اینده با یخطاب و بمنصب دوہزاری نام برآوردہ بود
در سنہ احد جہانگیری بمنصب سہ ہزاری سرافراز شدہ در سنہ سوم بصوبہ داری
ملتان مقرر گردید در سنہ پنجم بنظم کابل و بعد چند ماہ بحکومت بہکر و در سنہ
ہفتم باضافہ پانصد و در سنہ نہم باضافہ پانصدی ہنگام بودن انجا مباہات
اندوختہ در سنہ ۹ در بہکر فوت شد تربیت خان عبدالرحیم ولد قایم خان
در سنہ سوم جہانگیری بمنصب ہفتصدی و بخطاب تربیت خان سرافراز
بود در سنہ پنجم بفوجداری الور مقرر شدہ در سنہ ۱۱ بمنصب سہ ہزار و پانصدی
رسیدہ در سنہ ۱۴ فوت کرد مردے بدو نامراج بود تربیت خان فخرالدین
احمد نام از اولاد امیر جاکوار خانزادان دیرین در اخر عہد جہانگیری بمنصب
و بخطاب تربیت خان سربلند شدہ بود بعد رحلت آن حضرت
ہمراہ آصفخان و سلطان بولاقی ولد سلطان خسرو در جنگ با سلطان
شہریار باغی تردد نمودہ در سنہ احد شاہجہانی بمنصب ہشتصدی و اینده

سوار و در سنه ۳ بفوجداری سموسمان ارتغر مرزا ابوالمعالی سرافراز
شده در سنه دوم عالمگیری بخطاب و باضافه پانصدی نام برآورده
در سنه نهم متعلق دکن گردیده بود ترخان دیوانه در عهد اکبری بمنصب
و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱ در جنگ نامرزا ابراهیم حسین در
رکاب همایون ترددی نموده در سنه ۲۵ رایت بغی برافراشته تا سنه ۲۶
داخل باغیان بود دیگر احوال او معلوم نشد تاج خان در عهد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۱۱ معه صوبه بهار بود در سنه
بستم باتفاق مظفر خان در منکر در تنبیه افاغنه انجا ترددی کرده بود
دیگر احوال او معلوم نشد تاج خان ولد قباخان ککر در عهد اکبری
بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده در سنه بستم در جنگ با افاغنه
بهار همراه پدر خود ترددنمایانی نموده اکثر بدات خود تلاشها کرده بود
در سنه پنجاهم از اصل و اضافه منصب دو هزاری نام برآورده بود الحق
اینجوان سپاهی بیبدل بود تاج خان کارسه در اواسط عهد اکبری به
منصب دوصدی با بخطاب سر برافراخته با سه حلم خدمت میکرد
دیگر احوال او معلوم نشد تاج خان لوحانی در سنه ۳ اکبری بمنصب دوصدی علاوه
سرفراز

باضافه پانصدی نام برآورده در سنه در برهانپور فوت کرد موصی الیه
در صوری دانش دالکی داشت و در پارسی شعر و نظم موسیقی توانا د
بود ترخان میرزا عیسی از خویشان میرزا غازی بن میرزا جانی حاکم تهتها
در سنه هفتم جهانگیری از دکن آمده بمنصب هزاری و در آخر عهد به نیا
نظم تهتها از طرف شاهزاده شهریار سرافراز شده در سنه احد شاهجهانی
بمنصب چهار هزاری و باین خطاب و بفوجداری متهرا سرافراخته
در سنه همراه عبدالله خان بتعاقب خانجهان لودی بدکن رفته و در سنه
پنجم بجاگیر الچپور و در سنه بفوجداری سورته مضاف صوبه گجرات
آمده باضافه هزاری و در سنه بمنصب پنج هزاری پنجهزار سوار دو
اسپه سه اسپه و نظم گجرات از تغیر اعظم خان سربلند گردیده در
سنه معزول گشته آمده باز بفوجداری سورته مقرر شده در سنه
بعد عزل خدمت وقت مراجعت در سنه رحلت کرد
ترخان محمد صالح ولد ترخان میرزا عیسی در سنه ۱۱ شاهجهانی بمنصب
هزاری هزار سوار و در سنه بیستم باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه بفوجداری سورته از تغیر پدر و بمنصب دو هزاری دو هزار

سلطان خواجہ نقشبندی ولد خواجہ دوست منصبے داشت درسنہ
بست و یک اکبری ماہیس لک روپیہ نذر بحرمین بعد مراجعت
ازانجا درسنہ ۲۳ باخطاب و بخدمت صدارت سرفراخته درسنہ
۲۹ دراوده فوت کرد ترخان میرزا جانی بیگ ولد پاینده محمدی
میرزا باقی بن میرزا عیسے کہ بچند پشت بارغون خان بن اباغ خان
بن تولیخان بن جنگیزخان میرسد چون ماوراء النہر بدرفتہ سید الوس
ارغون بخراسان امد وازطرف سلطان میرزا مملکت قندہار درجاگیر
ذوالنون بیگ ارغون مقرربود شاہ بیگ ولد ذوالنون بیگ
بعد گرفتن گجرات ارغونسان از بد وضعی میرزا شاہ حسین پسرش
رنجیده بود میرزا عیسے را کہ خداداد درسوابق ایام الوس ارغون
داشتند بحکومت برداشتہ ملک را تقسیم نمودند و میرزا عیسے پس از
گذشتن میرزا شاہ حسین تمام ملک را متصرف شده بود میرزا جانی
نبیره او درسنہ ۳۱ اکبری بعد فتح ولایت تہتہ بمعرفت خانخانان عبدالرحیم
بشرف ملازمت و بمنصب سہ ہزاری و بنظم صوبہ تہتہ و باخطاب
سرافراز گردیده بنابر خلوص ارادت از مریدان خاص شده درسنہ ۴۱
باہناق

ترسو محمد خان خواہرزادہ شاہ محمد سیف الملک سابق نوکر میرزا خان بود در سنہ احد اکبری بمنصب پنجہزاری و بخطاب خانی سر برافراختہ خدمت می نمودہ در سنہ پنجم برای فہمانیدن میرزا خان کہ از نامعاملہ فہمی بر سر بغی و نمک حرامی آمدہ بود تعین شدہ در سنہ ہفتم در فتح قلعہ سورت تردد نمودہ در سنہ دہم بنظم آگرہ آباد و در سنہ ۱۹ بفوجداری بہکر و در سنہ ۲۱ بفوجداری پٹن گجرات مقرر گشتہ در سنہ ۲۳ معزول گردیدہ در سنہ ۲۴ بعنایت جونپور نام برآوردہ بعد چند ماہ متعین بنگالہ شدہ در سنہ ۲۵ بعد گذشتہ شدن مظفر خان ناظم بنگالہ باتفاق راجہ تودرمل در آنجا تردد نمودہ در سنہ ۲۶ در رفاقت اعظم خان کوکہ ناظم آنجا و در سنہ ۲۸ در جنگ با کالا پہار و قاضی زادہ سر حلقہ نمک حرامان در بنگالہ مصدر تلاشہای مردانہ گردیدہ و در سنہ ۲۹ با معصوم خان کابلی باغی بحرب صعب پیوستہ آخر بہ اسیری رفتہ بظلم آن نمک حرام در آن شہید شد ترخان مولانا نور الدین از ندیمان محفل خاص ہمایون بادشاہ بود و از علم ہندسہ و ہیئت خبر داشت در سنہ احد اکبری بہ منصب و بخطاب ترخانی سرافراز شدہ در سنہ ۱ ہنگام فوجداری بسامانہ تردد نمایان نمودہ بود دیگر احوال او معلوم نشد ترخان

در سنه احد اکبری بمنصب ہزاری و بخطاب سر برافراخته و در کرفتن شاه
ابوالمعالی معروف مصدر حرکات نمایان کردیده در سنه ۲۳ در تعیناتی اعظم خان الوا
و در سنه ۲۹ در تعیناتی خانخانان ترددات شایسته نمود در سنه ۳۱ در تعیناتی اعظم
خان که تقصیر کرده بود متعاتب کشته بعد عفو تقصیر در سنه چهلم تلاشهای مردانه نموده
نموده در بنگاله خدمت می نمود در سنه ۴۱ در انجا فوت کرد ترسون محمد خان که
در سنه احد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه دوم خدمت
می نمود در سنه ہشتم متعاقب کابل کردیده ترددی نموده در سنه ۲۴ در تعیناتی
صوبه بہار در تنبیه فاف لال و غیره باغیان بنگاله مصدر خدمات پسندیده
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد تتارخان خواجه محمد طاہر خراسانی در سنه
احد اکبری بمنصب ہزاری سرافراز و با بخطاب سربلند شده در سنه پنجم حکومت
دہلی داشت در سنه ۱۳ در ایام حکومت آنجا فوت کرد تاتارخان
بیک ولد علی محمد در اواخر عہد اکبری بمنصب ششصدی و نه
خورم زبان ترکی و بخدمت بکاولی سرافراز شده بود در
بخطاب خانی در سنه ۱۳ بمنصب دوہزاری و بخانی خدمت
سنه ۱۱ مصدر ترددی شده و در سنه ۱۹ بقلعداری کولیار

ترسو محمد خان خواهرزاده شاه محمد سیف الملک سابق نوکر برامخان بود در سنه احد اکبری بمنصب پنج هزاری و بخطاب خانی سر برافراخته خدمت می نموده در سنه پنجم برای فهمانیدن برامخان که از نامعامله فهمی بر سر بغی و نمک حرامی آمده بود تعین شده در سنه هفتم در فتح قلعه میرته ترددے نموده در سنه دهم بنظم اکبراباد و در سنه ۱۹ بفوجداری بهکر و در سنه ۲۱ بفوجداری پتن گجرات مقرر گشته در سنه ۲۳ معزول گردیده در سنه ۲۴ بعماست جونپور نام بر آورده بعد چند ماه متعین بنگاله شده در سنه ۲۵ بعد کشته شدن مظفرخان ناظم بنگاله باتفاق راجه تودرمل در انجا تردد ها نموده در سنه ۲۶ در معاستی اعظم خان کوکه ناظم انجا و در سنه ۲۸ در جنگ با کالاپهار و قاضی زاده سرحلقه نمکحرامان در بنگاله مصدر تلاشهای مردانه گردیده و در سنه ۲۹ با معصوم خان کابلی باغی بحرب صعب پیوسته بخت اسیری رفته بتظلم ان نمکحرام دراور ساسنهید شد ترخان مولانا نور الدین از ندمان محفل خاص همایون بادشاه بود و از علم هندسه و هیئت خبر داشت در سنه احد اکبری به منصب و بخطاب ترخان سرافراز شده در سنه ۱۲ هنگام فوجداری با سامانه تردد نمایان نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد ترخان

درسنہ احد اکبری بمنصب ہزاری و بخطاب سر برافراختہ و در کرفتن شاہ
ابوالمعالی مغرور مصدر حرات نمایان گردیدہ درسنہ ۳ درتعاقب اعظم خان الوا
و درسنہ ۱۸ در تعاقب خانخانان ترددات شایستہ نمود درسنہ ۲۱ در تعاقب اعظم
خان کہ تقصیر کردہ بود معاتب گشتہ بعد عفو تقصیر درسنہ جلوس ثلاثین مردانہ نمود
نمودہ در بنگالہ خدمت می نمود درسنہ ۴۱ درانجا فوت کرد ترسون محمد خان کہ
درسنہ احد اکبری بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سر برافراختہ درسنہ دوم خدمت
می نمود درسنہ ششم متعلق کابل گردیدہ ترددی نمودہ درسنہ ۱۲ در تعاقب
صوبہ بہار در تنبیہ قاقشال و غیرہ باغیان بنگالہ مصدر خدمات پسندیدہ
شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد تتار خان خواجہ محمد طاہر خراسانی درسنہ
احد اکبری بمنصب ہزاری سرافراز و بخطاب سر بلند شدہ درسنہ پنجم حکومت
دہلی داشت درسنہ ۱۳ در ایام حکومت آنجا فوت کرد تاتار خان
ملک ولد علی محمد در اواخر عہد اکبری بمنصب ششصدی و منہ
خورم زمان ترکی و بخدمت بکاولی سرافراز شدہ بود درسنہ
بخطاب خانی درسنہ ۱۲ بمنصب دو ہزاری و بخدمت
منشی متعدد ترددی شدہ و درسنہ ۱۱ بقلعداری کولیار

وبنظم صوبه برهان پور از انتقال پدر سربلند شده بود بهرور خان پسر
سیفخان فقرالله در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باستطاب سربلندی
داشت و در سنه بقلعه‌داری یکی از قلاع مفتوحه دکن مقرر شده در سنه احد
بهادرشاهی بطلب شاهزاده کام‌بخش گشته بود بهرور خان در آخر عهد عالمگیری
بمنصب و باستطاب و بفوجداری سکهر سربلند شده بود در سنه ۱۱۲۱ معزول
گردید دیگر احوال او معلوم نشد بهره باب خان ولد رستم خان بیجاپوری
در آخر عهد بهادرشاه باضافه پانصدی نام برآورده بود بهره باب خان در آخر
عهد عالمگیری بمنصب و باستخطاب سرافراز شده بود بعد رحلت
حضرت ارش اعظم شاه بمنصب هزار و پانصدی نام برآورده

حرف تاء نقطه دار تردی بیک خان

ترکستانی از ایران مدار همایونی بود و اکثر ترددات نمایان نموده
در سنه احد اکبری بجایزه حقوق خدمت دیرینه بمنصب پنجهزاری
و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده دران سال در جنگ
با هیمون کوتاهی کرده بود بیرام خان بعض هم چشمی بحکم بادشاه
بتقصیر گریختن از جنگ هیمون بجانش کشت نولکیات و جان

بسفارت آمده بود بعد رسیدن بردر دیوانخاص ودر طلبیدن در حضور
خواست که مدر مدد چون کفران نعمت دامنگیرش بود کفر بید دراسال لعاد
درین حالت حسد که زیر جامه در بر کشیده بود ظاهر کرده کارش
ماتمام رسید بادشاه قلیجان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب وبایخطاب
سرافراز بود در سنه بفوجداری دارو در سنه بنیابت صوبه مالوا از طرف
بادشاهزاده محمد اعظم مقرر شده بود دیگر احوال او معلوم نشد بازخان
افغان در عهد عالمگیری بمنصب وبخطاب خانی سرافراز ودر سنه متعینه
عازالدین خان بود واکثر ذات مردانه می نمود بارجا که در جنگ اکبراباد
از طرف بهادرشاه بکار آمد معلوم نشد که همان است یا دیگری بازخان
در عهد عالمگیری بمنصب وبایخطاب سر برافراخته در سنه همراه بادشاهزاده
محمد معظم خدمت می نمود در سنه احد بهادرشاه بخطاب الدوردیخان نام
براورده بود دیگر احوال او معلوم نشد بهرورخان ناظر دیوانی بادشاهزاده
محمد اعظم در عهد عالمگیری بمنصب وبایخطاب سربلند بود دیگر احوال او
معلوم نشد بهرورخان ولد نجابتخان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب
وبایخطاب سربلند بود در سنه بمنصب دوهزاری هزار وپانصد سوار

و بنظم

ترددات در فتح بیجاپور و حیدرآباد تعیناتی و در سنه ۳۲ بمنصب سه
هزار و پانصدی و در سنه ۳۶ باضافه پانصدی و بخدمت میر بخشیگری از
انتقال خان مذکور و در سنه ۴۱ بمنصب چهارهزاری والا رتبه شد و در سنه ۴۶
فوت کرد امیری بود با وقار و حیا مبارک محضر پاک طینت
موفق بخیر منشا در حال خواجه سردار از اوایل عهد عالمگیری بمنصب
و باین خطاب و در سنه ۱ بمنصب هزاری سربلند شده در سنه ۱۳ بداروغگی
خواصان مقرر گردید در سنه ۲۱ فوت کرد حضرت چند قدم متابعت
جنازه او فرمودند بسیار موفق و خیر بود و در تاریخ دانی ید طولی داشت
بختاور خان خواجه سرا منصب داشت در سنه ۹ عالمگیری باین خطاب سرافراز
شده بود در عهد محمد شاه بادشاه نیکنام رفت بادشاه قلیخان محمد
عاقل برلاس در عهد شاهجهان منصب داشت در سنه ۱ عالمگیری بمنصب
دو هزاری و بخطاب تهور خان در سنه سوم بفوجداری حسن پور مضاف
صوبه بهار سرافراز شد در سنه چهارم در فتح پلامون ترددی کرده و در
سنه ۱۲ بفوجداری اوده سرافراز شد در سنه ۲۲ بخطاب بادشاه قلیخان
سرافراخته در سنه ۲۳ از طرف بادشاه همراه محمد اکبر باغی به اراده فاسد

در سنه هفتم محمد شاه بادشاه رحلت نمود بزرگ امید خان بزرگ
امید سوکمین پور امیر الامرا شایسته خان در سنه احد عالمگیری بمنصب
هزاری وآینده باضافه پانصدی وبخطاب خانی بر نام خود سربلند شده در سنه
هشتم هنگام نعسانی پدر بجلدوی فتح چاتگام مصاف صوبه بنگاله بمنصب دو
هزاری سراولر گردیده اینده بنظم صوبه بهار ودر سنه ۲۶ بنظم اله اباد از تغیر همتی
بهادر ولد جهانخان بهادر ظفرجنگ کوکلتاش مقرر گشته در سنه ۲۹ در انجا فوت
کرد برخوردار خان خواجه برخوردار ولد خواجه عمر نقشبندی در عهد جهانگیری
منصبی داشت وخویش مهابتخان بود در سنه احد شاهجهانی از خبر در
رکاب ایشان آمده بمنصب هزاری سربرافراخته در اخر عهد بمنصب
دو هزاری ودر سنه ۱۲ بقلعداری اودیسه نام بر آورده در سنه احد عالمگیری
بخطاب اشرف خان ودر سنه چهارم بخطاب خانی بر نام خود مامور
شده بود بهره مند خان عزیز الدین ولد میرزا بهرام بن صادق خان طهرانی
منصبی داشت در سنه ۱ عالمگیری بخطاب بهره مند خان ودر سنه بیست ودو
بمیربخشگری احدیان ودر سنه بیست وسه بمیر آتشی ودر سنه ۲۴ بداروغگی
دیوانخاص ودر سنه ۳۰ بدو بخشگری از تغیر روح الله خان ودر سنه ۳۱ بحابزه

و بخطاب خواص خان مخصوص گردید در سنه نفوجداری همراه احوال او

در ذیل خطاب خواص خان بقلم خواهد آمد بخسار خان ملک جیون افغان

زمیندار قلعه ضلع قندار در سنه احد عالمگیری بجایزه دستگیر کرده او در ان

سلطان دارا شکوه که بخانه او پناه برده بودند بمنصب هزاری و بخطاب

بختیار خان سربلند شده خدمت می نمود در سنه هشتم بآنجهان رفت

بشارت خان محمد مراد ولد محمد امین بن میرزا ابو المکارم بن ابو المظفر

بهادر خان علوی در عهد شاهجهانی بمنصب و بخطاب بشارت خان

سربلند شده بود در اخر عهد ایشان فوت کرد بشارت خان روح الله

ولد یوسف خان تاشکندی بمنصب هزاری و روح الله برادر زاده مکرم

خان بمنصب هفصدی هردو باخر عهد شاهجهانی بمنصب سربلندی داشتند

و خدمت می نمودند ازین هردو یکی در سنه چهارم عالمگیری باین خطاب

و بدیوانی کابل سرافراز شده در سنه هفتم در انجا فوت کرد بشارت

خان میرزا اسحاق از عمده سادات عراق و عجم در اواسط عهد عالمگیری

بخطاب سربلند شده بود بشارت خان محمد عابد ولد محمد علی بن حاجی محمد

مراد در سنه ۳ عالمگیری بمنصب پانصدی و باین خطاب سرافراز شده

سر برافراخته در تعاقب بردو بارد دارا شکوه شتافته در سنه سوم تعاین
مهم راد کردن گردیده بفوجداری بین مقرر شده در سنه هفتم و در سنه
هشتم همراه مرزا راجه جیسنگه در دکن ترددات مردانه نموده تا سنه ادر دکن
خدمت می نمود دیگر احوال معلوم نشد پردل خان ولد فیروز خان میواتی
در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در اواسط عهد بخطاب پردل خان ولد
فیروز خان سرافراز شده در سنه ۲۶ ترددها نموده در سنه ۲۹ با جماعه بسیار
در اصوباته بکار آمد پردلخان دیگر در عهد عالمگیری بمنصب سه صد
و با بخطاب سربلند شده بقلعداری و فوجداری ملکاپور مضاف مملکت
دکن مقرر گشته در سنه احد بهادر شاه اضافه یافته بود دیگر احوال او معلوم
نشد بختیار خان دکهنی در اوایل عهد شاهجهانی بمنصب دو هزاری
و با بخطاب سر برافراخته در سنه ۱۳ بفوجداری لکهی جنگل مقرر بود در سنه ۱۵
همراه شایسته خان در صوبه بهار ترددنموده در سنه ۱۶ بفوجداری سربت
نام برآورده در سنه سوم در مهم بلخ ترددنموده در سنه ۲۰ بفوجداری مندسور
مقرر گشته در سنه ۲۲ معزول گردیده در سنه ۲۹ همراه میر راجان ناظم برار
در دکن ترددنمایان کرده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و
بخطاب

ناظم دکن شده بود بهرام خان ولد جهانگیر قلیخان بن اعظم خان سرا

اعز بزرگوکر منصبی داشت در پنجم شاهجهانی بمنصب دو هزاری از انتقال پدر

بفوجداری جوناگڑه و در سنه ۱۱ باضافه منصب سربرافراخته در همان سال

فوت کرد بهرامخان ولد مهابتخان لهراسپ تا اوایل عهد عالمگیری بمنصب

و بخطاب خانی بر نام خود سربلند شده قلعه دار اودگیر بود در سنه ۸ معزول

شده در سنه دهم بقلعداری فتح آباد دکن مقرر گردیده در سی ام در جنگ

حیدرآباد مردانه بکار آمد پردلخان برانام ولد دلاورخان برنج منصبی

داشت در سنه چهارم شاهجهانی بمنصب هزاری و بانخطاب سربلند

شد و در سنه ۱۰ بمنصب دو هزاری و به تهانه داری ملکش بال و در

سنه ۱۱ بجایزه تردد در جنگ با قزلباش باضافه پانصدی و در سنه ۱۳

بحکومت قلات و در سنه پانزدهم بقلعداری قلعه زمین داور و در سنه ۱۷

بفوجداری قلوغلت از انتقال عزیز الله خان و در سنه ۲۰ بمنصب سه هزاری

ذات و سوار سرافراز گردیده و در سنه بیست و سه بعد روانه

شدن عهدی قزلباش اسیری رفته بود آخر کار او معلوم نشد پردلخان

سنبهل افغان منصبی داشت در سنه ۱ عالمگیری بخطاب پردلخان

دبداروغگی توپخانه دکن سر برافراخته در سنه ۱۸ شریک بغی سلطان
خورم گردیده انجام کار داخل دولتخواهان شده دیگر احوال او معلوم نشد
برقندار خان جعفر خان نام داروغه توپخانه بادشاهزاده دارا شکوه
در سنه شاهجهانی بمنصب و بخطاب سر برافراخته در سنه احد عالمگیری
بدستور بحال و در سنه هفتم و در سنه دهم متعین دکن شده بود دیگر احوال او
معلوم نشد برقندار خان برادر منصور خان فرنگی در سنه ۱۱ جهانگیری بمنصب
دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ۲ شاهجهانی
متعین ارادتخان ناظم دکن گشته بود برقندار خان گرانی منصب هفصدی
داشت در سنه ۱۸ جهانگیری بجایزه تردد جنگ با افواج سلطان خورم
باغی در گجرات بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته و در جلوس
سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزاری نام برآورده در سنه سوم فوت کرد
بهرامخان ولد سعید خان در عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب خانی و در عهد
شاهجهانی بمنصب سه هزاری سر برافراخته در سنه سوم فوت کرد بهرامخان
میانه در عهد جهانگیری منصب و خطاب داشت در سنه احد شاهجهانی
بمنصب هزاری سر برافراخته تعین مهابتخان در سنه دوم متعین ارادتخان
ناظم

و بخطاب خانی سربلند و بہنگام تسخیر قلعہ اسیر مصدر تردد بود دیگر
احوال او معلوم نشد پرورش خان سید کا سو ماریہ منصبے داشت
در سنہ ۱۲ جہانگیری با بخطاب و در سنہ ۱۸ بمنصب ہزاری سربلند شدہ
در کارزار با خورم سلطان باغی ترددی نمودہ بود در سنہ چہارم شاہجہانی بہ اسبب آتش ہلاک شد پرورش خان دیگر در اخر عالمگیری
بمنصب و با بخطاب سربلند و تا عہد بہادر شاہ مورد عنایت بود ظاہرا
ملازم نواب زیب النسا بیگم بود در عہد محمد شاہ فوت کرد
از نوکران عادل خان حاکم بیجاپور بود در سنہ ۱۳ جہانگیری بمنصب ہزاری و بخطاب
خانی سربلند شدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد بیبدل خان سعیدا نام
داروغہ زرگر خانہ منصبے داشت در سنہ ۱۱ جہانگیری خدمت می نمود در سنہ ۱۵
بخطاب بیبدل خان سربلند شدہ در عہد شاہجہانی بنا بر ان حسن خدمت کہ داشت
در سنہ ۸ باہتمام او تخت طاوسے بصرف یک کرور روپیہ در مدت
ہفت سال تیار شدہ بود بمنصب مقصدے کامران گردید خدمت می
نمود دیگر احوال او معلوم نشد بہاوالدین خان سابق نوکر بیجاپور
کوکہ بود در اواسط عہد جہانگیری بمنصب و در سنہ ۱۵ با بخطاب

در سنه نهم منظم اله اباد ار تغیر سعیداں سربلند گشته در سنه ده درانجا فوت
کرد خانه کور سپاه صاحب تردد و تیر انداز بے بدل بود باقرخان میر
باقر خان مان امام بادشاهزادگی عالمگیر بادشاه منصبی داشت در سنه
احد ایشان بمنصب هزاری و بخطاب خانی بنام خود و بفوجداری سهکر
سربلند شده در سنه ۳ بفوجداری چکله سهرند مباهات اندوخته در سنه
هفتم درانجا فوت کرد باقرخان باقرخان ولد روح الله خان بن سید
خلیل الله خان مردی در اخر عهد عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب
باقرخان سربلند شده در سنه ۴۹ هنگام تسخیر قلعه واکن کرلار قلاع دکن
مصدر تلاشهای نمایان گردیده در سنه پنجاهم در فتح قلعه مسوح تحسین ترددات
شایسته نموده در عهد محمد شاه بادشاه به نیکنامی ازینجهان رفت
در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سر برافراخته در سنه ۴۱ همراه خانخانان
در دکن ترددے نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد   در سنه ۴۱
اکبری بمنصب و باینخطاب سربلند و در دکن همراه خانخانان مصدر تردد
و در سنه ۴۴ با دکنیات برزم شدید پیوسته بفروری مامور بود و در آن صوبه
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد   در سنه ۴۴ اکبری بمنصب
و بخطاب

سرافراز بود دیگر احوال او معلوم   موحس در عهد اکبری
بمنصب پانصدی و بخطاب خانی سر برافراخته با ۴۳ در کابل
خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد   سفرجی در عهد
اکبری بمنصب و بانخطاب سربرافراخته در ۴۶ در صوبه بنگاله
خدمت مینمود در جهیلم در انجا گذشت   باقر خان نجم ثانی در عهد
اکبری بمنصب سه صدی و خطاب خانی داشت در ۱۳ جهانگیری
هنگام فوجداری ملتان بمنصب سه صدی و در ۱۴ باضافه دو صدی
در ۱۶ بمنصب دو هزاری و بنظم اوده و در ۱۸ بحایزه تردد در جنگ
باسلطان خورم باغی بمنصب سه هزاری و رخصت اوده و اینده بنظم
اودل سرافراز شده بود در ۱ شاهجهانی بنظم انجا بحال مانده در
سه سوم هنگام نظم انجا قلعه مدکورکده از توابع حیدراباد مفتوح
گردانیده در ۵ بعلت سلوک ناپسندیده که با رعایا و سپاه اختیار
کرده بود تغیر گردیده در ششم بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار دو
هزار سوار دو اسپه سه اسپه و بنظم گجرات از تغیر اسلام خان و در سه
هفتم بنظم دهلی از تغیر اعتقاد خان در سه هشتم بفوجداری جونپور و

در سنہ قلعہ سحاکڑہ از قلاع الضو بہ فتح کردہ بمقتضای خودرای در پی غنیم
ما بر ہانپور تاختہ وقت معاودت در سنہ در دریا نربدا غرق شد پایندہ
محمد خان مغل برادر زادہ حاجی محمد خان در سنہ اول اکبری بمنصب سربرافراختہ
متعین کابل بود در سنہ پنجم طلب حضور شدہ در سنہ بخطاب خانی
مامور بود و در کارزار با ابراہیم خان وغیرہ باغیان و در سنہ ۱۳ در تعساقی
شہباز خان میر بخشی کنبوہ در تنبیہ رانا ز میدار او دیپور و در سنہ ۲۵
در تنبیہ حسندر سین راٹہور و در سنہ ۲۹ دہر والی خانخانان در جنگ
گجرات تلاش و ترددہای مردانہ نمودہ آینزہ اکثر شمشیر ہا زدہ در سنہ
بمنصب دو ہزار پانصدی و در سنہ ۴۹ باضافہ ہزاری نام برآوردہ بود در
سنہ جہانگیری بجاگیر دو ہزاری لسے کرکس جور سند شدہ لسے در سنہ
دہم فوت کرد در عہد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سربرافراختہ در سنہ بستم در مسکر خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم
نشد بلند خان خواجہ سرا در عہد اکبری بمنصب و بانخطاب
سربرافراختہ در سنہ ۲۱ در صوبہ گجرات خدمت میکرد دیگر احوال او
معلوم نشد بلند خان در سنہ ہم عالمگیری بمنصب و بانخطاب
سرافراز

شایسته نموده بمنصب چهار هزاری رسید در سنه احد شاهجهانی
بخطاب باقیخان و بنظم مهمات اندوخته در همان سال فوت
کرد باقیخان باقی بیگ قلیخان در سنه ۶ شاهجهانی بمنصب هفصدی
در سنه هفتم بخطاب خانی و در سنه نهم بمنصب هزاری و در سنه دهم بمنصب
دو هزاری دو هزار سوار در سنه مذکور بفوجداری اسلام اباد متهره و در سنه ۱۷
بداروغگی دیوان خاص از تغیر سعدالله خان و در سنه ۱۸ بقلعداری اکبراباد از
تغیر راجه بیهلداس کور سرافراز شده و در سنه ۲۵ خزانه از اکبرآباد به لاهور
در حضور آورده و در سنه ۲۶ تعین مهم قندهار گردید و در سنه ۲۷ زندگانی را جواب
داد باقی خان میر باقی ولد میر محمود صفاهانی در اخر عهد شاهجهانی بمنصب
نهصدی و در سنه ۲۳ بداروغگی توپخانه دکن سرافراز گردیده بود در سنه ۲
عالمگیری بمنصب هزاری و در سنه چهارم بخطاب خانی نام و بخدمت
میر توزکی نام برآورده در سنه ۹ بحراست قلعه چاند و از تغیر میر محمد خان مقرر
شده بود باقیخان چیله عم حمید الدینخان در اوایل عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب باقیخان سرافراز شده خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم
نشد باقیخان بن باقیخان چیله در اخر عهد عالمگیری بمنصب

بہادر خان برادر داؤد خان بن خضر خان پنی در اخر عہد عالمگیری بمنصب
و باین خطاب سربلند شدہ در سنہ ۱۱۴۹ در فتح قلعہ واکن کرا مرد شائستہ نمود
بنوازش نقارہ خرم و خرسند گردیدہ بود دیگر احوال او معلوم نشد بیرام خان
بہارلو از امیران نامدار ہمایونی در سنہ احد اکبری بمنصب پنجہزاری و بخطاب
خانخانان سپہ سالار سرفراز و سربلند شدہ بود و اخر بداغ عصیان متسم شد
احوال او در ذیل خطاب خانخانان بقلم خواہد آمد باقی خان برادر کلان ادہم
خان کوکہ از بندہای ہمایونی در سنہ احد اکبری بمنصب سہ ہزاری و باین
خطاب سرافراز شدہ در سنہ پنجم ترددی نمودہ در سنہ ۱۰ باتفاق دیگر عمدہ ہا
بہ تنبیہ راجہ علیخان حاکم خاندیس رفتہ بود در سنہ ۳۰ فوت کرد مشار الیہ
ہزار سوار با خود نوکر داشت باقی خواجہ نامی در عہد جہانگیری منصبی داشت
در سنہ ۱۳ الثان منصب دو ہزاری و بخطاب خانی بنام خود سرافراز شدہ
در سنہ ۱۶ بفوجداری جونا گڈہ مقرر گردیدہ بود خواجہ باقیخان پسر خواجہ
از دودمان علی بیگ اکبر شاہی در اواسط عہد اکبری بمنصب دو ہزاری
ہمصدی سرافراز شدہ در سنہ ۴۶ بجایزہ شمشیر زنی ہا در ممالک دکن
بنوازش نوبت سر افراختہ در عہد جہانگیری در دکن اکثر تردد ات
شایستہ

همراه شاهزاده عالمگیر بهندوستان بتقصیر کوتاهی در تعاقب پدر محمد خان

به منصب گشته در سنه ۲۲ بحال کردیده متعین مهم قندهار شد در سنه ۲۳ در مهم

قندهار باخرت سرا رفت بهادر خان نام بیگ داراشکوهی در سنه ۲

شاهجهانی بمنصب هزاری و بنیابت نظم اله اباد که از طرف ایشان مقرر

بود سرافراز شده در سنه ۲۳ بخطاب عزت خان و به نیابت نظم گجرات

از طرف ایشان و در سنه ۲۴ بمنصب سه هزاری و در سنه بیست و شش

به نیابت نظم گجرات کابل از طرف سلطان سلیمان و در سنه ۳۰ به نیابت

نظم لاهور از تغیر معین خان مقرر شده در سنه ۳۲ همراه سلطان مذکور خدمت

می نمود در ایام مختفی شدن شاهزاده مذکور در کوهستان سرا گرفت

کرد بهادر خان ملک حسین ولد میر ابوالمعالی خانی منصبی داشت

در سنه احد عالمگیری باین خطاب و در سنه ۱۶ بخطاب خانجهان بهادر

سرافراز شده بود بقیه احوال او در ذیل خطاب خانجهان خان بقلم خواهد

آمد بهادر خان رشید خان نام برادر خضر خان پنی بیجاپوری در

سنه ۲۶ عالمگیری بمنصب پنجهزاری و بخطاب بهادر خان سرافراز شد در

سنه ۳۱ در فتح قلعه حیدراباد ترددات نموده بود دیگر احوال او معلوم نشد

رسیده بعد اتمام این مهم بجدو الی خان زمان مقرر شده در اکثر
کارزارها دلیرانه تردد نموده در سنه سوم در فتح خرجست حسان کرده چند
روز بعد از کوچ رایات عالیات از دکن بهندوستان روانه گشته بعد
ملازمت بفنوج جاگیرش رخصت گردیده در سنه ۱۳ بنابر تنبیه جهت
دعره بندیله مامور گشته در سنه ۱۴ سه واقع نموده در سنه ۱۵ بحمله سه هزار سوار
و سه هزار پیاده داده در فتح قلعه مو و وطن راجه جگت سنگه که آن
روز یک هزار و پانصد کس نصف روهیله و نصف دیگر بکار آمدند
خیلی تردد نمایان نموده بجایزه آن بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار دو اسپه
سه اسپه لوای مفاخرت برافراشته درهمین سال تعین شاهزاده
دارا شکوه بکومک ناظم قندهار گردیده در سنه ۱۶ بحضور آمده در سنه ۱۹ همراه شاهزاده
مراد بخش تعین مهم بلخ و بدخشان شده در سنه ۲۰ ضبط ولایت مذکور نموده
و با وجود برخاسته آمدن شاهزاده مذکور در آن ولایت مدام با او راکان
کارزارهای عالیات کرده ترددات چون بادشاهزاده عالمگیر بان ولایت
تشریف بردند هراول و چنداول سرانجام کرده ترددات افزون از
حوصله بشری کرده بخطاب بهادر خان جمعیتی نام برآورده در سنه ۲۱

همراه

در ایام بغی ایشان شریک رنج و راحت بودند در سنه احدث ابجهانی
ارخیر در رکاب ایشان آمده بمنصب چهار هزاری دو هزار سوار و بفوجد
ری کالپی سرافراز شده ازانجا متعین مهم سیحان سابر تنبه جهجهار سنگه
بندیله گردیده مردانه کارنموده فیلی از فیلان جنگی رااس کرده دروازه
قلعه ایرج شکسته با برادران خود پیاده شده از روی قدرت داخل شد
درین حیلش سه هزار کس بندیله را کشته بجایزه ی این فتح بنوازش
نقاره نام برآورده در ۲ سنه متعین مهم خان جهان لودی باغی شده در
سنه با آنکه پدرش دریا خان شریک باغی بود از اسپان فرود آمده
کارزار رستمانه نموده دو زخم برو و پهلو برداشته بجلدوی این تردد
باضافه پانصد سوار رسنه سوار گشته در سنه چهارم در کارزار با افواج حاکم
بیجاپور بحرب صعب سوسنه بمیدان زخمی افتاده دستگیر رفته
بود در سنه مذکور خلاص شده در شر ملازمت نموده باضافه هزار و
پانصد سوار مباهات اندوخته در رکاب از دکن بهند وستان
آمده تنبیه مفسدان ملکوسه خوب نموده در سنه هشتم متعین مهم جهجهار
سنگه شده در فتح قلعه دهاموی تردد نمایان کرده سعادت او در دکن

سرافراز شده در ۳۶ هنگام تسخیر ملک سنده و در ۳۸ در تنبیه راجهای کوهستان
شمالی و در ۴۱ در دکن در جنگ ماوکهنان مصدر ترددات نمایان و بخدمت
فوجداری مامور گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد بهادرخان کلنا و بهادرخان
کیلانی از امیران عبدالله خان والی توران در ۴۳ اکبری ارادت آورده بمنصب و خطاب
سربلند شده در سنه احد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته
بکومک ناظم قندهار تعین گردیده بود بهادرخان خواجه برخوردار نقشبندی
برادر عبدالله خان بهادر فیروز جنگ در سنه سوم جهانگیری بمنصب سیصدی و
بانخطاب سرافراز شده در سنه چهارم ترددی نموده بود بهادرخان
الیالیزاوزبک حاکم مشهد از امیران توران در ۴۴ اکبری ارادت آورده
بمنصب و پانصدی سرافراز شده بود در سنه چهارم جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی
و در سنه پنجم بفوجداری نواح ملتان و در سنه هفتم بمنصب سه هزاری و بانخطاب
و به نظم صوبه قندهار از انتقال میرزا غازی و در سنه پانزدهم بمنصب
پنجهزاری و در ۱ الشرف ملازمت و در ۲۳ بنظم اله آباد بلند رتبه
شده تا سنه احد شاهجهانی خدمت می کرد بهادرخان حبشی ولد
دریاخان روهیله بردوار اسدای والا شاهجهانی در سنه احد جهانگیری

در ایام

وبخطاب خانی و در سنه احد بهادر شاهی باضافه بالصدی سربلند شده
بود التطاف خان در عهد عالمگیری بمنصب سه صدی و بخطاب خانی سرافراز
شده بخشیگری لاهور داشت در سنه احد بهادر شاه ازانجا معزول و به بخشیگری
کابل مقرر گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد حرف ب

بهادر خان برادر خانزمان ولد حیدر سلطان شیبانی از امیران نامدار همایون
در سنه احد اکبری بمنصب پنجهزاری و باینخطاب سربلند شده در اکثر معارک
ترددات نمایان نموده در سنه پنجم بخدمت وکالت نام برآورده بعد چندی
معزول گردیده در تنبیه متمردان لکهنو تلاشهای مردانه کرده در سنه دهم
بکفران نعمت و بغی پرداخته در سنه ۱۲ بعد از رزم شدید دستگیر شده چون
آنحضرت اورا فرمودند که چه حال داری دران حالت بعرض رسانید.
الحمد لله علی کل حال و حسب الحکم بقتل آمد بهادر خان ابوالمظفر علوی ولد
درویش بیگ بیجاپی در عهد اکبری بمنصب و باین خطاب سربلند و در
سنه ۱۳ ترددی نموده بود حقوق خدمت درین درگاه داشت دیگر احوال
او معلوم نشد بهادر خان ترین از نوکران میر محمد خان گوله مشهور
بخان کلان در سنه هفتدهم اکبری در سلک قورچیان بمنصب چهارصد

۲

دی وباین خطاب سرافراز شده بود وبعد رحلت آنحضرت ازیشن
م شاه باضافه صدی نام برآورده دیگر احوال او معلوم نشد ابوالفتح خان
ین پور خانجهان بهادر ظفر جنگ در اخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب
ابوالفتح خان سرافراخته در سنه ۳۳ بمنصب هزاری سرافراز شد و بدو تنخواه
خدمت نیز نمود در عهد محمد شاه بادشاه فوت شد اسلم خان ازساد
کابر در اخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی و آینده بدیوانی کابل سرافراز
شده در سنه ۴۴ بدیوانی لاهور مقرر گردیده در سنه احد بهادر شاه همراه رکاب
رات از طرف کابل آمده بود دیگر احوال او معلوم نشد امین الدین خان
امین الدین انصاری سنبهلی در اخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی
برنام خود سربلند و بجوهر دیانت و امانت معروف بود و بوکالت شاهزاده
محمد عظیم ولد بادشاهزاده محمد معظم مامور در عهد بادشاه فرخ سیر و بادشاه
محمد شاه بمرتبه امارت رسیده در سنه ۱۹ محمد شاهی به نیکنامی ازعالم رفت
اختصاص خان در عهد عالمگیری بمنصب دوهزاری هزار و پانصد سوار سرافراز ش
خدمت می نمود در احد بهادر شاه بعنایت نقاره نوازش یافته بود د
او هیچ معلوم نشد الماس خان در عهد عالمگیری بمنصب هزار
وخط

بدر سرافراز و سربلند گردیده بود همه احوال او در ذیل خطاب عبدالعزیز خان
بقلم خواهد آمد ابوالخیر خان در عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند
شده در سنه ۳ و در سنه ۳۲ ترددها نموده دیگر احوال او معلوم نشد ابوالخیر خان
از قرابتیان شیخ نظام حیدرآبادی در سنه ۳۲ عالمگیری بمنصب و باین خطاب
سربلند شده بود دیگر احوال او معلوم نشد اخلاص خان امین صاحب
پسر خرد شیخ نظام مذکور در عهد عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب
خانی سرافراز شده خدمت و تردد سپاهیگری می نمود بعد از رحلت آن
حضرت از پیش اعظم شاه باضافه پانصدی نام برآورده در رفاقت
ایشان در کارزار اکبرآباد تلاشهای مردانه نموده زخمهای منکر برداشته
بود بعد ازان احوال او معلوم نشد اکرم خان پسر شیخ نظام مذکور در عهد
عالمگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت
می نمود در سنه احد بهادر شاه باضافه هزاری نام برآورده بود دیگر احوال او
معلوم نشد اکرم خان کنبوه منصبی داشت و باین خطاب سرافراز بود
در سنه ۳۴ عالمگیری بعصای رکاب مقرر شده در سنه ۴۱ باخرت سرا رفت
اکرم خان ولد معظم خان بن شاه نواز خان صفوی در آخر عهد عالمگیری بمنصب

بمنصب و بانخطاب سر برافراخته خدمت می نمود و بعد رحلت آن
حضرت معظم بادشاهزاده کام بخش ضایع شد احسن خان در اواسط
عهد عالمگیری بمنصب و بانخطاب سر بلند و در سنه مصدر تردد بود
دیگر احوال او معلوم نشد انور خان سید انور از ابتدای عهد عالمگیری
بمنصب و بخدمات و جدا بیما سر بلند شد اینده بخطاب خانی برام
خود و بقلعداری سولا پور سرافراز شده در سنه فوت کرد چون سال
خطاب خانی معلوم نشد در سالی که احوال او معلوم گردید در همان سال
بقلم آمد انور خان ولد وزیر خان حکیم علیم الدین لاهوری در اوایل عهد
عالمگیری بمنصب و بخطاب سلاح خان سر برافراخته در سنه بخطاب انور
خان و بمنصب هزاری و بداروغگی خواصان از تغیر ملتفت خان سر بلند شد
در سنه ۳۶ فوت کرد انور خان دیگر در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب
انور خان سرافراز شده بدولتخواهی خدمت می نمود و چون دران عهد بحرمین رفته
بود در سنه احد بهادر شاه مراجعت نموده ملازمت کرد دیگر احوال او معلوم نشد
ابوالخیر خان ولد عبد العزیز خان در اواسط عهد عالمگیری بمنصب و بخطاب
سر برافراخته در سنه بقلعداری خرار امعال بند در سنه پنجاهم بخطاب
برار

نمود در سنه احد بهادر شاه بمنصب هزاری و بعد چندی باضافه منصب
و بخدمت صدارت و بخطاب صدر جهان نام برآورده در عهد محمد شاه فوت
کرد ابو محمد خان نواسه ابراهیم عادلخان حاکم بیجاپور در سنه ۱۹ عالمگیری
بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی بنام خود سر افراخته در سنه ۲۲ بفوجداری
آوده و در سنه ۲۶ باضافه پانصدی سوار سرافراز گردیده بود دیگر احوال او
میگویند که عادلخان دختر خود را به محمد خان کلانوت منسوب کرده بود که ابو محمد
خان ازو متولد شد ابو محمد خان ولد معز خان در آخر عهد عالمگیری بمنصب
و باین خطاب و بخدمت احتساب در سنه ۴۹ بعد فوت پدر باضافه پانصدی
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد ابو نصر خان ولد امیر الامرا شایسته
خان منصبی داشت در سنه ۲۳ عالمگیری بداروغگی عرض مکرر و در سنه چهل
و پنج بخطاب شایسته خان سربلند و سرافراز گردیده خدمت می نمود بقیه
احوال او در ذیل خطاب شایسته خان بقلم خواهد آمد احسن خان سید
احسن ولد خاندوران سید محمود منصبی داشت در سنه ۶ عالمگیری به
خطاب خانی بنام خود سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد احسن خان
سلطان حسین ولد شاه میر محمد شریف خان بکاول در آخر عهد عالمگیری

بود دیگر احوال او معلوم نشد ابن حسن خان ابن حسن خان نام از اولاد
حسن خان فیروز جنگ که از امیران ایران بود سنه ۱۲ عالمگیری از
ولایت آمده بمنصب سربلند شده متعین صوبه بنگاله بود در سنه هشتم بجلدوی
ترددات شایسته انجا بخطاب مظفرخان سرافراز گردیده چون در سنه ۱۷ خطاب
مظفرخان به یکی از پسران خانجهان بهادر ظفر جنگ کوکه مرحمت شد
موی الیه بخطاب خانه زاد خان بر نام خود و در سنه ۲۱ بمنصب دوهزاری دوهزار سوار
سربلند شده بود افراسیاب خان افراسیاب بیگ ولد اسلام خان
رومی در سنه ۱۲ عالمگیری همراه پدر ز بود از بصره آمده بمنصب دوهزاری و پانصدی
و بانخطاب سرافراخته آینده بفوجداری سرکار دامولی صوبه اکبراباد
و در سنه ۲۲ بفوجداری مرادآباد از انتقال فیض الله خان کوکه جهان ارا بیگم سربلند
شده بود امجد خان ولد سید محمد قنوجی استاد بادشاه عالمگیر در اوایل
عهد ایشان بمنصب و بانخطاب و بخدمت احتساب کامیاب شد
در سنه ۱۳ نظم اجمیر نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید امجد خان
ولد سید امجد خان مذکور در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و بانخطاب و به
بخشیگری و واقعه نگاری اکبرآباد سرافراخته تا سنه ۱۰ در اکبرآباد خدمت می
نمود

نمود در سنه احد بهادر شاه بمنصب هزاری و بعد چندی باضافه منصب
و بخدمت صدارت و بخطاب صدر جهان نام برآورده در عهد محمد شاه فوت
کرد ابومحمد خان نواسه ابراهیم عادلخان حاکم بیجاپور در سنه ۱۹ عالمگیری
بمنصب سه هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سر برافراخته در سنه ۲۲ بفوجداری
آوده و در سنه ۲۶ باضافه پانصدی سوار سرافراز گردیده بود دیگر احوال او
میگویند که عادلخان دختر خود را به بحر خان کلانوت منسوب کرده بود که ابومحمد
خان ازو متولد شد ابومحمد خان ولد معمر خان در آخر عهد عالمگیری منصب
و باینخطاب و بخدمت احتساب دکن در سنه ۴۴ بعد فوت پدر باضافه پانصدی
سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد ابونصر خان ولد امیر الامرا شایسته
خان منصبی داشت در سنه ۲۳ عالمگیری بداروغگی عرض مکرر و در سنه چهل
و پنج بخطاب شایسته خان سربلند و سرافراز گردیده خدمت می نمود تتمه
احوال او در ذیل خطاب شایسته خان بقلم خواهد آمد احسن خان سید
احسن ولد خاندوران سید محمود منصبی داشت در سنه ۲ عالمگیری به
خطاب خانی بر نام خود سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد احسن خان
سلطان حسین ولد شاه میر محمد شریف خان بکاول در آخر عهد عالمگیری

بود دیگر احوال او معلوم نشد ابن حسن خان ابن حسن خان نام از اولاد
صحابت فیروز جنگ که از امیران ایران بود سنہ رالیہ درسنہ عالمگیری از
ولایت آمده بمنصب سربلند شده متعین صوبه بنگاله بود در سنہ ششم جلادی
ترددات شایسته انجا بخطاب مظفر خان سرافراز گردیده چون درسنہ ۱۷ خطاب
مظفر خان به یکی از پسران خانخانان بهادر ظفر جنگ کوکه مرحمت شد
مومی الیه بخطاب خانی بر نام خود و درسنہ ۲۲ بمنصب دو هزاری دو هزار سوار
سربلند شده بود افراسیاب خان افراسیاب بیک ولد اسلام خان
رومی درسنہ ۱۳ عالمگیری همراه پدر از بصره آمده بمنصب دو هزاری و پانصدی
و بانخطاب سرافراخته آینده بفوجداری سرکار دامولی صوبه اکبرآباد
و درسنہ ۲۳ بفوجداری مرادآباد از انتقال فیض الدخان کوکه جهان آرا بیگم سربلند
شده بود امجد خان ولد سید محمد قنوجی استاد بادشاه عالمگیر در اوایل
عهد ایشان بمنصب و بانخطاب و بخدمت احتساب کامیاب شد
درسنہ ۱۳ بنظم اجمیر نام برآورده بود دیگر احوال او معلوم نشد سید امجد خان
ولد سید امجد خان مذکور در اخر عهد عالمگیری بمنصب و بانخطاب و به
بخشیگری و واقعه نگاری اکبرآباد سربرافراخته تا سنہ ۱۵ در اکبرآباد خدمت می
نمود

زخمها با فاقت آمده بدریافت سانحهٔ اعظم شاه نخچه های زخمها را کسیخته

مردانه جان داد ارشد خان خواجه یوسف در اوایل عهد عالمگیری بمنصب دیختگری

داشت در دهم بخطاب ارشد خان سرافراز شده خدمت می نمود ارشد

خان ابو العلا خویش امانت خان در اواخر عهد عالمگیری بمنصب و خطاب ارشد

خان سرافراخته در ۱۳ از استعمال کفایت خان در آخر عهد عالمگیری بدیوانی

خالصه مقرر شده در ۱۹ درگذشت احمد سعید خان سید احمد سعید منتهی

در ۱۱ ن بجهانی خدمت تعنای لشکر فیروزی داشت در ۱۲ از دربار ارک

برآمده بمنصب پانصدی سر برافراخته بنابر رسانیدن قندیل مرصع بکربلا

رفته بعد مراجعت از انجا در ۵ باضافه صدی نام برآورده بسفارت روم

روانه گردیده در ۱۸ معاودت نموده در ۱۳ بدیوانی صوبه بهار مقرر گشته

بعد در ۳ عالمگیری بمنصب هزاری و بفوجداری اما وا از تغیر راج تودرمل

دا آیند بخطاب خانی بر نام خود و بفوجداری فتحا از مضافات صوبه بهار

نام برآورده در ۲ بجایزه نیکو خدمتی آنجا مورد الطاف خاقانی بود احمد

سعید خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و با بخطاب و بفوجداری

سکمر سرافراز شده در سنه احد بهادر شاه بمنصب هزاری نام برآورده

برآورده در سنه بعد فوت ملرس خان بوطن رخصت گرفته رفت و در سنه
ارسلاخانی که تعین کابل شده بود معلوم نشد که کدام است اسفندیار خان
ولد الله یار خان مرحوم در عهد شاهجهانی منصب داشت و متعین بنگاله بود در سنه
چهارم عالمگیری بجلدوی ترددات که در تعیناتی معظم خان ناظم آنجا نموده بود بخطاب
خانی برنام خود و بفوجداری کوچ بهار سرافراز شده تا سنه دران صوبه خدمت می نمود
دیگر احوال او معلوم نشد اسفندیار خان دیگر در آخر عهد عالمگیری بمنصب
و باین خطاب سرافراز بود در سنه احد بهادر شاه بخطاب صف شکنخان مامور شد
دیگر از احوال او معلوم نشد امان الله خان امان الله ولد الله وردیخان جعفر
منصب داشت در سنه عالمگیری بخطاب خانی برنام خود سربلند شده اکثر
ترددات مردانه نموده در سنه در جنگ قلعه بیجاپور نقد جان در باخت امان الله
خان نبیره الله وردیخان جعفر در آخر عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب
سر بر افراخته در سنه بجایزه ترددات در فتح قلعه پوره منصب هزار و پانصدی
و در سنه بجلدوی تلاش های نمایان بتسخیر قلعه واکن کرا یا تفاق دیگر بندها با اضافه
پانصدی سرافراز شده قلعه راجحی بتلاش خود مفتوح نموده در کارزار اکبرآباد
در رفاقت اعظم شاه بذات خود شمشیر ها زده زخمها برداشته بعد علاج
زخمها

جلال آباد و در سنه ۵ براهداری کابل مقرر گردیده بود بر کنار آب جبل

هنگام مراجعت بر دست قراقان کشته شد امام وردیخان امام وردی

نام منصبی داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب خانی بر نام خود سربلند

شده بود اینده بفوجداری گوالیار در سنه ۱۲ بفوجداری سهارن پور نام

برآورده تا سنه ۱۵ خدمت می نموده دیگر احوال او معلوم نشد ارسلان خان

ملک حمله اورنک منصبی داشت در سنه ۲۱ شاهجهانی بمنصب

هزاری و در سنه ۳ عالمگیری بخطاب ارسلان خان و باضافه پانصدی

و در سنه بخطاب خنجر خان سرافراز شده بود همه احوال او در ذیل خطاب

خنجر خان بقلم خواهد آمد ارسلان خان ولد الله وردیخان کلان در عهد شاهجهانی

منصب پانصدی و خطاب داشت بعد عزل فوجداری بنارس

در سنه عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود و بفوجدا

ری سیوستان و در وسط سنه نهم و بفوجداری سلطان پور بلهری از تغیر

معتقد خان سر برافراخته تا سنه دهم خدمت می نمود ارسلان خان ولد شاه

ابن عم ملر سبحان حاکم کاشغر در اخر عهد عالمگیری بمنصب و با بخطاب

سربلند شده در سنه چهلم از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی نام

رفتہ در ۱۶ و در ۱۸ باضافہ پانصدی بمنصب سہ ہزاری و بنظم اکبرآباد
سر برافراختہ در ۱۹ تعاین مہم بلخ و بدخشان گشتہ در ۲۰ در انجا تردد
دات شایستہ نمودہ در ۲۱ از بلخ بحضور آمدہ در ۲۲ بنابر عدم قبول
تعاقب کابل بے منصب شدہ در ۲۸ بحال گردیدہ در اواخر عہد بنظم بہار مقرر
شدہ بود خطاب اخلاص خان داشت در سنہ احد عالمگیری متعین
بنگالہ گردیدہ و بخطاب احتشام خان نام برآوردہ در انجا ترددہا نمودہ
در سنہ ۶ بحضور آمدہ در ۸ باضافہ پانصدی بمنصب سہ ہزاری و پانصدی
مباہات اندوختہ ہمراہ راجہ جیسنگہ متعین دکن شدہ در ۸ در انجا فوت گرد
احتشام خان والی قلعہ مرچ از قلاع دکن و از امیران نامدار بیجاپور بود در ۳
عالمگیری بمنصب پنجہزاری سربلند شدہ خدمت نمودہ بعد ازان احوال او
ہیچ معلوم نشد امیر خان امام قلی از برادران حسین قلیخان امیر منصبے
داشت در سنہ احد عالمگیری بخطاب امیرخان سربلند شدہ معادت بار
اول دارالشکوہ شناختہ در سنہ ۲ متعین صوبہ الہ اباد و بعد ازان حیدر روز متعین
بنگالہ شدہ در سنہ چہارم در انجا تردد نمودہ در سنہ دہم بنگالہ تعاقب کابل با
شمشیر خان مرس در تنبیہ افاغنہ انجا تردد مردانہ نمودہ در ۱۹ بتھانہ داری
جلال آباد

یان صوبۂ مالوہ منسلک شدہ در سنہ ۳ بفوجداری بهیل ارتعیر راجہ
سنگہ بندیلہ مقرر گردیدہ در سنہ نهم هنگام فوجداری الهجور بکومک
خان در دکن تعین گشتہ بمنصب دو هزاری و پانصدی سربلند شد
بعد ازان بفوجداری جموں و بمنصب ناظم برهانپور و بعد ازان ناظم صوبہ
والا رتبہ گشتہ در سرانجام کارهای تردد نموده در سنہ ۱۴ جهان بدل کرد
احتشام خان شیخ فرید دومی پسر قطب الدین خان بن شیخ سلیم چشتی
در سنہ ۵ جهانگیری بمنصب چهار هزاری سر بر افراختہ در سنہ احد شاهجهانی مورد
مراحم شد در سنہ بمنصب دو هزاری هزار و دو صد سوار نام بر آورده
در سنہ هفتم در سفر کشمیر در رکاب بوده در سنہ هشتم بعد مراجعت ازان صوبہ
بشاره تنبیہ مفسدان آنروی آب جون شاهجهان آباد باضافہ سہ صد سوار
پاهی گردیده متعین مهم جهجهار سنگہ شده پس از انجام ان مهم در
رکاب در دکن رفتہ بود تعین ساليه خان بمهم حاکم بیجاپور گشتہ
در سنہ نهم در انجا تردد نموده در سنہ ۱۱ بنا بر تنبیہ مفسدان انروی آب
سنگ تعین گردیده در سنہ ۱۳ در سفر کابل در رکاب بوده در سنہ ۱۵ در مهم
ام جگت سنگہ تردد کرده در همین سال بعنوان همراه دارا شکوه

الہ‌قلیخان الہ‌قلی ترک ولد یلنگتوش درسنه ۱۲ شاہجہانی بمنصب ہزاری
سرافراز شده درسنه پانزدهم باضافه پانصدی و درسنه بستم بخطاب خانی
بنام خود و درسنه ۱۲ باضافه پانصدی سرافراخته درسنه ۲۱ متعین مهم قندهار و درسنه ۲۴
متعین صوبه بهار شده و درسنه ۲۶ ازانجا آمده بمنصب دوهزار و پانصدی سربلند گردید
باز متعین قندهار گشته تا سنه سی ام خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
ایرج خان ایرج نام ولد قزلباش خان دکنی در اواسط عهد شاہجهانی بمنصب
پانصدی و درسنه ۲۳ از انتقال پدر بقلعه داری احمدنگر و بمنصب هزار و پانصدی
و بخطاب خانی بنام خود درسنه ۲۳ به تهانه داری بفوجداری پاتهری انتقال فراق
خان و باضافه پانصدی بمنصب دوهزاری و درسنه ۳۰ بحضور آمده بمیر توزکی
سرافراز شده درسنه ۲۶ به بخشیگری متعینه کابل مباهی شده درسنه همراه شاهزاده
داراشکوه متعین مهم قندهار گردیده بعد مراجعت بفوجداری کوهستان
جمون و کانگره و بانعام پنجاه و هفت محال از کوهستان مذکور لوای مفاخرت
برافراخته درسنه ۱۵ به بخشیگری افواج متعینه تنبیه رانا زمیندار اودیپور
مقرر شده درسنه ۳ به تعین دکن گشته بعد ازان در حضور آمده درسنه احد
عالمگیری از فوجداری لکهنو که از سابق داشت معزول گردیده در سلک
کومکیان

دو ہزاری و بخطاب صلابتخان سرافراز شد در احد عالمگیری منصب
سہ ہزاری و پانصدی دو ہزار و پانصد سوار و بخطاب اختصاص خان و بنظم
صوبہ برار از تغیر حسام الدین خان سربرافراخته در سنه فوت کرد اختصاص
خان سید فیروز برادرزاده سید خانجہان بہادر بارہہ منصبے داشت در سنه ۱۹
شاہجہانی بمنصب ہزار و پانصدی و در سنه بستم باضافه پانصدی و در سنه ۲۲ بخطاب
خانی بر نام خود سرافراز شد و در سنه ۲۶ متعین قندہار گردیده در سنه ۲۹ بفوجداری بہاند
مقرر گشته بود در سنه عالمگیری بخطاب اختصاص خان نام برآورده در سنه دہم
ہنگام تھانه داری کورا بنے منہا که سرحد بنگاله با آشام است و یورش سخت مردانه
جان نثار شد اختصاص خان سید الدوله شیخ نظام حیدرابادی در سنه
سے ام عالمگیری بمنصب و در سنه ۳۲ باین خطاب و بمنصب چہار ہزاری سر
افراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد الکاوخان حواجه سرا منصبے داشت
در سنه ہشتم شاہجہانی بخطاب خانی بر نام خود و در سنه دہم بمنصب ہزاری در
سنه یازدہم بفوجداری ہرندروی اسحمی و در سنه ۱ باضافه پانصدی در سنه ۲۰
بفوجداری نواح اکبراباد سربرافراخته در سنه ۲۶ بنابر عدم سرانجام کار معزول شده
بتولیت روضه نواب ممتاز الزمانی مقرر گردید در سنه سی ام بآخرت بسرا رفت

سیادت امیری بود تمام خرد و عمده قدویان وکابل
در ۳۲ باعزت سرافراز
ولد آن در نظم ونسق کابل در حالم اقدس خیلی پایه اعتبار داشت
امیر خان میر عبد الکریم ولد امیر خان بن میر ابوالقاسم نمکین در اواسط عهد عالمگیری
بمنصب در ۳۳ بسیر یساولی گری خواصان و بدارو غگی جان نثار خانه سرافراز شد
در ۳۲ بخطاب ملتفت خان و در ۳۶ بمنصب ہزاری و بدارو غگی خواصان
از امثال الور خان و آبینه با اضافه پانصدی و در ۴۳ بخطاب خانه زاد خان
در ابتدا افزایش لفظ میر بر خطاب و باضافه منصب و در ۴۹ بخطاب
امیر خان و بمنصب سه ہزاری بلندی گرا شده در ۵۱ صبیه او با سید خان
اعزالدین منسوب گشته در تقرب و مراحم ثانی محمود اقران و امثال خود
ا عهد بوده بعد از آن تا مدت حیات بعزت گذرانده در عهد محمد شاه
بادشاه فوت کرد اختصاص خان میر عبد السلام از بندگان ایام بادشاہزاده
سلطان خورم بخطاب اختصاص خان سرافراز شده بود در سنه احد شاہجہانی
بخطاب اسلام خان مامور شد ہمه احوال او در ذیل خطاب اسلام خان بقلم آمد
اختصاص خان سید سلطان نبیره سید محمود خان بارہہ از طرف شاہزاده
بر داری الہ آباد مقرر بود در سنه ۱۲ شاہجہانی بمنصب

یازدہم بعد عزل از انجا استعفا بمنصب نمودہ در دہلی اقامت گزیدہ در سنہ ۱۳ از بیجہان رفت امیرخان میر میران ولد خلیل اللہ خان یزدی در سنہ ۲ شاہجہانی بمنصب و در سنہ ۸ بمنصب ہزاری و در سنہ ۲۹ بمنصب ہزار و پانصدی و میر توزکی و در سنہ ۳۱ بخطاب میر خان سربلند شدہ بود در سنہ احد عالمگیری بمنصب سہ ہزاری پانصدی و دو ہزار سوار و بفوجداری دامن کوہ کانگڑہ و در سنہ پنجم بفوجداری کوہستان جموں سربرافراختہ در سنہ نہم بعد عزل بشرف اندوزی خدمت حضور سعادت حاصل می نمود و در سنہ ۱۲ بنظم الہ اباد از اسفال اللہ وردیخان و در سنہ ۱۵ بنظم مالوا از انتقال وزیر خان محمد طاہر خراسانی سرافراز گردیدہ در سنہ ۱۷ بتقصیری معاتب گشتہ در سنہ ۱۸ بمنصب چہار ہزاری و بخطاب امیرخان مباہات اندوختہ در سنہ ۱۹ متعین شاہزادہ محمد معظم کہ بسابق کابل مامور شدہ بودند گردیدہ در سنہ بستم بعد رسیدن انجا بتجویز شاہزادہ مذکور بنظم کابل از تغیر اعظم خان کوکہ لوای مفاخرت برافراختہ بجلدوی انتظام برہم خوردگیہای مقدمات صوبہ مذکور در سنہ ۲۹ بمنصب ہفت ہزاری چہرہ امتیاز برافراختہ اگر بجا رہ سلوک خدمتی در الصوبہ بحسن تدبیر مسورد آفرین و تحسین ہای ماند

پانصدی سه هزار سوار از انجمله دو هزار سوار دو اسپه سه اسپه و با خطاب
در سه سوم بفوجداری سرکار گورکه پور از تغیر فدایخان مظفر حسین و در
سه نهم از انتقال اصالتخان مشهدی بفوجداری مراداباد و در سه دهم
در انجا رخت حیات بر بست امیرخان ابوالبقا ولد میر ابوالقاسم نمکین
در عهد جهانگیری بمنصب هزار و پانصدی و خطاب میرخان داشت در
سه احد شاهجهانی باداء لک روپیه برسم پیشکش بزیادت حرف
الف و بخطاب امیرخان در سنه ۲ بنظم صوبه تهتا از انتقال مرتضی خان
انجو و بمنصب سه هزاری در سه نهم بتهانه داری پرد مضاف صوبه دکن
در سنه ۱۱ بضبط سیوستان از معزول حان و در سه پانزدهم بار دوم بنظم صوبه
مذکور لوای مفاخرت برافراخته در بستم در انجا فوت کرد در سه
سه ام صبیه او با بادشاهزاده مراد بخش منسوب گردید سید امیرخان
سید میر مراد رشیخ میرخانی والا شاهی بادشاه عالمگیر در سه احد عالمگیری
بمنصب دو هزاری و بانخطاب و بکاره ترددات در جنگ اجمیر بمنصب
چهار هزاری در سنه ۳ بنظم کابل از تغیر مهابت خان لهراسب و بمنصب
پنجهزاری پنجهزار سوار یکهزار سوار دو اسپه سه اسپه سرافراز شده در سه
یازدهم

برافراشته در سنه ۱۸ بنظم الهباد مقرر شده در سنه بیستم اسپان عراقی برسم

پیشکش فرستاده در سنه ۱۸ بحضور آمده در سنه ۲۰ و در سنه ۲۱ در سیاق کابل در رکاب

بود ابیند بجاگیر رخصت شده در سنه بیست و پنج بحضور آمده در سنه ۲۶ تقصیر آنکه

بدون عرض به ملا آغاسے والی ایران خطے برای خرید اسپان نوشته بود بی

منصب و معاتب گشته در سنه ۱ بعد اثبات بے تقصیری که شخصی از طرف او

خط جعلی ساخته داده بود بمنصب پنجهزاری چهار هزار سوار و بفوجداری جو

نپور از تغیر مکرم خان و در سنه سی و یک بنظم صوبه برار بهار از تغیر ذو الفقار

خان توامالموام برآورد بعد ازان همراه شاهشجاع قریب و منزلت زیاده از

حد پیدا کرده بود الف در سنه ۳۲ متوهم بیجا ان امیر پابند سر را از هم گذرانید

الله وردیخان محمد جعفر عالمگیری ولد الله وردیخان مذکور در اوایل عهد شا

جهانی بمنصب پانصدی و در سنه ۱ بمنصب هزاری و در سنه ۱۴ باضافه پانصدی

و بخدمت قراول بیگی سرافراز شده در سنه ۲ عالمگیری بمنصب سه هزاری

و پانصدی بخطاب الله وردیخان عالمگیر شاهی و بفوجداری متهرا سرافراز

شده در سنه ۳ بفوجداری سرکار گورکهپور و در سنه احد عالمگیری بمنصب

سه هزاری سه هزار سوار و بفوجداری متهرا و در سنه ۳ بمنصب سه هزاری و

... حاکم بیجاپور در مهمای شدید ...
دکن گردیده در سنه در انجا با افواج حاکم بیجاپور ... سه هزار و دو هزار سوار ... بنظم مالوه
همین سال بجایزه ترددات مردانه بمنصب چهار هزاری سه هزار سوار ... بنظم
ازتغیر خاندوران بهادر و در سنه بنظم خاندیس و مابین کماک ازتغیر خاندوران
مذکور سر برافراخته در همین سال که رایات عالیات باز در دکن رونق
افزا گردیده ارامان کمات امده در حوالی برهانپور ملازمت نموده متعین
شایسته خان بمهم دکن خان شده در سنه نهم بے اعانت دیگری اکثر قلاع نظام
الملکیه مثل قلعه دهورب که از قلعه دولت اباد در محکمی پای کمی ندارد و
چاندور و اتجرار و رولہ و جولہ و اهونت و کول و راجدیو مفتوح گردانید
در همین سال بفوجداری لکهنو و سواره در سنه یازدهم بفوجداری متهرا از
انتقال مرشد قلیخان و در سنه ۱۲ بنظم شاهجهان اباد و بداروغگی عمارت قلعه ...
بعوض ازتغیر عرب خان برادر عبدالله خان بهادر مساعات اندوخته در ...
بعد عزل نظم انجا در مهم جگت سنگه زمیندار و همرهی زیاده از دیگران تردد ...
بعد فتح قلاع او در همین سال معین شاهزاده داراشکوه بکومک ...
گردیده در سنه ۱۶ بحضور امده بتقصیر بیهوده گوئی در خدمت ان ...
در سنه ۱۷ بعفو تقصیر در سنه ۱۸ بمنصب پنجهزاری ...

توپخانه دکن سربلند گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد آتش خان
خان بیگ ولد حسن بیگ منصبی داشت در سنه ۱۲ عالمگیری باین خطاب
و در سنه ۳۶ بنظم اورنگ آباد از تغیر معمور خان و آینده و بفوجداری کرناتک نام بر
آورده در سنه ۴۳ در انجا رحلت کرد آتش خان ولد منصور بیگ خان در
در عهد عالمگیری بمنصب و باینخطاب و بقلعداری خیراز قلاع دکن سر افراز
بود دیگر احوال او هیچ معلوم نشد الله وردیخان الله وردی بیگ ولد
مقصود بیگ کوشه برگمان در سنه سیزدهم جهانگیری بمنصب و بخدمت
قراول بیگی امتیاز داشت در سنه ۱۵ هنگام تعینات سلطان خورم در مهم
دکن زخم برداشته بود در سنه ۱۷ در حضور آمده آینده سن سلطان خورم
رفته از خیر در رکاب شاهجهانی آمده بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سر
افراز شد در سنه دوم متعین مهم خانجهان لودی باغی گردیده بعطای علم
علم برآورده در سنه سوم و چهارم که رایات عالیات در دکن رونق افزا
بودند همراه اصفخان به تسخیر ولایت بالا گهات رفته در آغاز سنه پنجم
همراه رکاب بهندوستان آمده بفوجداری این روی آب اکبر آباد متقرر گشته
شد آینده بمنصب سه هزاری سر بر افراخته در سنه ۶ متعین شاه شجاع

در ۳۶ بمنصب وششش عالم گیری بمنصب عمده وباینخطاب سرافراز شده در ۳۹ سنه
برسانیدن قافله متعین گردیده چون درراه بادکسان مقابله رو داد ازکم فطرتی
باینها ملحق گشته بود باز رجوع او بدرگاه والاًمعلوم نشد اصالتخان دیگر در اوائل عهد
عالم گیری بمنصب وباین خطاب سر برافراخته در ۳۶ سنه به تهانه داری اسعد نگر
ودر ۳۹ سنه بقلعداری رمهورو در ۴۹ سنه بمنصب هزار ویانصدی نام برآورده بود
دیگر احوال او معلوم نشد آتش خان حبشی که در اواسط عهد جهانگیری
بمنصب وباین خطاب سرافراز بود در ۱۸ سنه شریک بغی سلطان خورم شد
در ۱۹ سنه از ایشان جدا گردیده در سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزاری سرافراخته
در سنه دهم در ۹ سنه متعین دکن گشته در ۱۳ سنه بفوجداری مهاکل پور مقرر گردید
در ۱۵ سنه همراه شایسته خان در صوبه بهار تردد نموده اینده بدکن تعین شد
در ۲۴ سنه از دکن آمده در ۲۵ سنه بعدم رفت آتش خان محمد سعید معروف به
السن ملای برادر کفش قلماق در ۲ سنه شاهجهانی از بلخ آمده بمنصب سیصدی
سربلند شده خدمت می نمود در سنه احد عالم گیری هردو بار تعاقب
داراشکوه رفته ایلغارهای آوز بگانه نموده در سنه دوم باین خطاب نام
برآورده در سنه سوم متعین مهم راد کرن زمیندار بیکانیر گردیده و در ۹ سنه بداروغگی
توپخانه

مامورگشته روزی در ملح جون بعد ایلغار جسته ترددی برآورده بود بصدمه
تصرف هوا فوت شد اصالتخان میرزا محمد ولد میر بدیع شهدی در
سنه ۱۹ شاهجهانی از ولایت آمده بمنصب هزاری و در سنه ۲۲ بمنصب هزار و پانصدی
در همین سال بمنصب دو هزاری سر برافراخته همراه شاهنوازخان بسبب
مصاهرت با او در دکن بود در سنه ۲۳ بفوجداری و تیولداری سرکار مندسور از
تغیر یکسارخان دکنی و در سنه ۲۵ بفوجداری سرکار ماندو سرافراز شده در
سنه ۲۶ معزول گردیده در سنه سی ام تعین دکن گشته در سنه احد عالمگیری و
بجائزه ترددات نمایان بمنصب چهار هزاری و باصالتخان خطاب سر برافراخته
بدکن تعین شده در همین سال همراه محل بحضور رسید در سنه سوم که
بسابق از منصب معزول شده بود بمنصب پنجهزاری سه هزار سوار و بعنایت
خلعت و ترکش و ماده فیل و بفوجداری مراداباد و در سنه ۲۵ باضافه هزاری
بفوجداری سرکار ماندو مضاف صوبه مالوا سرافراز شده بود در سنه احد
عالمگیری باضافه دو هزاری و باصالتخان خطاب مباهات اندوخته بدکن متعین گردید
سنه سوم بمنصب پنجهزاری و بفوجداری مراداباد از تغیر قاسم خان لوای مفاخرت
برافراخته در سنه نهم در انجا فوت کرد سید اصالتخان ولد سید مظفر حیدر آبادی

بخطاب اصالت خان سربلند گردید در سنه منعین دکن گشته از
غرایب اتفاقات آنکه بمقتضای شجاعت علوی پیش از همه خود را
بر بالای حصار مالکی که همراه افواج بتسخیر آن مامور بود رسانید قضارا که
حویلی که لختی باروت وحقه وآتشباری در زیر آن بود ایستاده شد درین
اثنا الس بدان رسیده باان شد بهوا بلند شده در انبار کاهی افتاده اوارای
از آتش نیافت در سنه پنجم از لشای دکن بحضور آمده در سنه شش تعین شجاع
بدکن گردیده و بمنصب هزار و پانصدی و بخشیگری لشکر دکن نام برآورده در سنه
هفتم ماسحاپور مان در دکن کارزارها نموده درهمین سال همراه شاهزاده بحضور آمده به
بخشیگری احدیان از تغیر عبدالرحمن مقرر شده در سنه ۸ باضافه هزاری و بنظم دهلی از
تغیر باقرخان بحسم مامے و در سنه دهم باضافه پانصدی و در سنه سیزدهم به تن بخشیگری
از تغیر صلابت خان روشن ضمیر سرافراز شده در سنه ۱۵ هنگام فتح مئو و وطن راجه جگت
سنگه ترددها مردانه نموده درهمین سال همراه شاهزاده دارا شکوه بکومک
ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده در سنه هژدهم میر بخشیگری از انتقال خان
مذکور سر برافراخته در سنه ۱۹ باضافه هزاری سالهات اندوخته تعین مهم بلخ و بدخشان
گردیده بجلدوی ترددات شایسته انجاکه بیان آن طولی دارد بمنصب پنجهزاری
مامور

مامور گشته روزے در بلخ خون بعد ایلغار حسنه ترددی بر آورده بود بصدمه
تصرف ہوا فوت شد اصالتخان میرزا محمد ولد میر بدیع مشہدی در
سنه ۱۹ از بن ہنجہائے ولایت آمده بمنصب ہزاری و در سنه ۲۳ بمنصب ہزار و پانصدی
و در ہمین سال بمنصب دو ہزاری سر بر افراخته ہمراه شاہنواز خان بسبب
مصاہرت با او در دکن بود در سنه ۲۳ بفوجداری و قلعداری سرکار مندسور از
تغیر بکسار خان دکنی و در سنه ۲۵ بفوجداری سرکار ماندو سرافراز شده در
سنه ۳۰ معزول گردیده در سنه سی ام تعین دکن گشته در سنه احد عالمگیری و
بجائزه ترددات نمایان بمنصب چهار ہزاری و بخطاب سر بر افراخته
بدکن تعین شده در ہمین سال ہمراه محل بحضور رسید در سنه سوم که
سابق از منصب معزول شده بود بمنصب پنجہزاری سه ہزار سوار و بعنایت
خلعت و سرکش و ماده فیل و بفوجداری مرادآباد و در سنه ۲ باضافه ہزاری
و بفوجداری سرکار ماندو و مصاف صوبه مالوا سرافراز شده بود در سنه احد
عالمگیری باضافه دو ہزاری و بخطاب مباہات اندوخته بدکن متعین گردید
در سنه سوم بمنصب پنجہزاری و بفوجداری مرادآباد از تغیر قاسم خان لوای مفا
خرت بر افراخته در سنه نہم در آنجا فوت کرد سید اصالتخان ولد سید مظفر حیدر آبادی

بخطاب اصالت خان سربلند گردید در سنہ منعین دکن گشته از
غرائب اتفاقات آنکه بمقتضای شجاعت علوی پیش از ہمہ خود را
بربالای حصار مالکی که ہمراه افواج بتسخیر ان مامور بود رسانید قضارا که
حویلی که لخت باروت وحقه وآتشباری در زیر ان بود ایستاده شد درین
اثنا آتش بدان رسیده باان شد ہوا بلند شده در انبار کاہی افتاده اوار کای
از آتش نیافت در سنه پنجم از اساس دکن بحضور آمده در سنه سس تعین شجاع
بدکن گردیده و بمنصب ہزار و پانصدی و بخشی گری لشکر دکن نام برآورده در سنه
ہفتم باسحاپوریان در دکن کارزارها نموده درہمین سال ہمراه شاہزاده بحضور آمده به
بخشیگری احدیان از تغیر عبدالرحمن مقرر شده در سنه ۸ باضافه ہزاری و بنظم دہلی از
تغیر با قرخان بحسم مانے و در سنه دہم باضافه پانصدی و در سنه سیزدہم به تن بخشیگری
از تغیر صلابت خان روشن ضمیر سرافراز شده در سنه ۱۵ ہنگام فتح مئو و طس راجہ جگت
سنگ ترددها مردانه نموده درہمین سال ہمراه شاہزاده داراشکوه بکومکت
ناظم قندهار رفته در سنه ۱۶ بحضور آمده در سنه ہژدہم میر بخشیگری از انتقال خان
مذکور سر برافراخته در سنه ۱۹ باضافه ہزاری مساعات اندوخته تعین مہم بلخ و بدخشان
گردیده بجلدوی ترددات شایسته انجا که بیان ان طولی دارد بمنصب پنجہزاری
مامور

تردد نمایان نموده بجایزه ترددات آنجا باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری
دو هزار سوار نام برآورده در سنه دوازدهم بفوجداری کوچ هاجو از میر نور الله
بروی مقرر گردیده در سنه ۱۹ در بنگاله فیلان برای سرکار والا صید نموده در سنه ۲۳
در انجا گذشت الله یار خان الله یار سابق منصبی داشت در سنه احد عالمگیری
بخطاب خانی بر نام خود و باضافه منصب و بخدمت میر توزکی و داروغگی ملازمان
جلو و در سنه پنجم بداروغگی دیوان خاص از تغیر هوشدار خان و در سنه ششم
بمنصب دو هزار و پانصدی والا پایه شده در همان سال فوت کرد الله یار خان
در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و خطاب خانی داشت در سنه بستم عالمگیری بقلعداری
کابل و آینده به تهانه داری لوه گده از توابع صوبه مذکور مقرر شده در سنه چهل و نه
معزول گردیده بود دیگر از احوال هیچ معلوم نشد اصالت خان ولد خانجهان
لودی در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و بخطاب سر برافراخته در سنه
شانزدهم بمنصب هزاری و در سنه هفدهم بمنصب دو هزاری سربلند شده
تا سنه ۱۵ خدمت می نمود اصالت خان عبد الهادی ولد میر میران یزدی
در اخر عهد جهانگیری منصبی داشت بعد رحلت جهانگیر بادشاه همراه سلطان
بولاقی در جنگ با سلطان شهریار باغی ترددی نموده در سنه سوم شاهجهانی

بود بعد رحلت انحضرت هنگام متصدی گری بندر سورت از پیش
اعظم شاه اضافه پانصدی یافته و در عهد بهادر شاه بخطاب شهامت خان
و نظم صوبه عمده و در عهد فرخ سیر بخطاب مبارز خان بهادر و نظم صوبجات
عمده نام برآورده و بمنصب هفت هزاری رسیده در اوایل عهد محمد شاه
حکام نظم حیدرآباد بنظام الملک اصفجاه رام پرداخته بکار آمد دیگر احوال
او معلوم نشد الله داد خان الله داد خان انصاری ولد جلالا در
اوایل عهد جهانگیری در کابل مکرر راه بغی پیموده در ۱۱ سنه از احداد کرده
باغیان جدا شده بحضور رسیده بمنصب هزاری دهم در ۱۵ سنه بمنصب
دوهزاری و بخطاب خانی بر نام خود و در ۱۲ سنه بخطاب رشید خان سرافراز شد
بود همه احوال او در ذیل خطاب رشید خان بقلم خواهد آمد الله داد ولد
جلال بن ملا ابراهیم انصاری از اباء اجدا در راه بغی پیموده ملا ابراهیم
در عهد اکبری افغانان افریدی وغیره اهل کابل را مرید خود نموده الوهیت
خود را بر روستائی قرار داده به بعض رایات عصیان برافراشته با
افواج اکبر شاه او نیز تلاش نموده ملاش صادق خان دستگیر گردیده
اکبر بادشاه او را بر باریکی نام نهاده بود بند جلاله پسرش باتفاق افغانان

سرافراز بود و درسنه عالم گیری بخطاب امانت خان وبدیوانی صوبه
اورنگ آباد و درسنه سیزدهم بدیوانی صوبه بنگاله مسابات اندوخته
خدمت می نمود درسنه ۱۳ یا چهاردهم فوت کرد امانت خان میرک
معین منصبی داشت درسنه ۱۴ عالمگیری بمنصب هزاری وباینخطاب
وبدیوانی خالصه سربلند شد درسنه سانزدهم بعد استعفای اسد خان
ازنیابت وزارت باجرای کار وزارت ومهر کردن بر پروانجات پایین
مرار مهر وزیر مامور گشته درسنه ۱۵ استعفای ان نموده بحراست لاهور
مقرر گردیده بود امانتخان میرحسن ولد امانتخان منصبی داشت
درسنه ۳۲ جلوس عالم گیری بخطاب امانت خانی وبدیوانی بیجاپور و درسنه
سی وسه بدیوانی تن و درسنه ۳۶ جلوس رکاب از انتقال خواجه عبد
الرحیم خان بمنصب هزاری بمتصدیگری بندر سورت سربلند شده
درسنه ۴۳ دراینجا فوت کرد امانت خان خواجه محمد ولد میرسلطان شاه از
سادات بلخ ازولایت آمده منصبی داشت درسنه ۴۶ عالم گیری با
ینخطاب بفوجداری میرضاپور سرسکر از ممالک دکن سرافراز
شده بمنصب هزار وپانصدی رسیده درسنه پنجاهم تردد ی نموده
بود

بود بعد رحلت انحضرت ہنگام متصدی گری بندر سورت از پیش

اعظم شاه اضافه پانصدی یافته و در عهد بهادر شاه بخطاب شهامت خان

و نظم صوبه عمده و در عهد فرخ سیر بخطاب مبارز خان بهادر و نظم صوبجات

عمده نام برآورده و بمنصب هفت هزاری رسیده در اوایل عهد محمد شاه

حکام نظم حیدرآباد و نظام الملک اصفجاه رام پرداخته بکار امد دیگر احوال

او معلوم نشد الهداد خان الهداد خان انصاری ولد جلالا در

اوایل عهد جهانگیری در کابل مکرر راه بغی پیموده در سنه ۱۱ از احداد سر کرده

باغیان جدا شده بحضور رسیده بمنصب هزاری دهم در سنه ۱۵ بمنصب

دو هزاری و بخطاب خانی بر نام خود و در سنه ۱۲ بخطاب رشید خان سرافراز شد

بود همه احوال او در ذیل خطاب رشید خان بقلم خواهد امد الهداد ولد

جلال بن ملا ابراهیم انصاری از ابا و اجداد راه بغی پیموده ملا ابراهیم

در عهد اکبری افغانان افریدی وغیره اهل کابل را مرید خود نموده الوهیت

خود را بر روسا قرار داده به بغی رایات عصیان بر افراشته با

افواج اکبر شاه او نیز کشش نموده ملاش صادق خان دستگیر گردیده

اکبر بادشاه او را بر باریکی نام نهاده بودند جلاله سرکش باتفاق افغانان

در سنه پنجم درگذشت اکرام خان اسد الله ولد احمد پاسه از امیران
بیجاپور در سنه نهم عالمگیری بمنصب هزار و پانصدی و بخطاب سرافراز
شده باشد خدمت می نمود اکرامخان دیگر در اخر عهد عالمگیری بمنصب
نهصدی و بخطاب و فوجداری فتح پور سربلند شده بود در سنه
احد بهادر شاه پادشاه بمنصب هزاری نام بر آورده دیگر احوال او معلوم
نشد امانتخان برادر خورد آصفخان جعفر منصبی داشت در سنه ۱۰
جهانگیری باضافه منصب و بخطاب بمتصدیگیری بندر کهات
سرافراخته و در سنه ۱۲ از اصل و اضافه بمنصب هزار در سنه ۱۵ بمنصب
دوهزاری سرافراز شده بود دیگر احوال او معلوم نشد امانت خان عبد
الحق برادر افضلخان ملا شکر الله شیرازی منصبی داشت در سنه پنجم
شاهجهانی بمنصب هزاری و بخطاب سرافراز شده در سنه ۱۲ بجایزه
خدمات نمایان مورد عنایت خاص گردیده در سنه ۱۸ فوت کرد امانت خان
اما علی سمنانی در سنه احد عالمگیری بمنصب و بخطاب سرافراز
بود در سنه دوم فوت کرد دیگر احوال او معلوم نشد امانت خان سید
احمد ولد سید بهوه بخاری در اخر عهد شاهجهانی بمنصب شش صدی

شدن پدر با آنکه چهار ساله بود منصب پانصدی سربلند شد در آخر
عهد بمنصب هزاری سر برافراخته بود در سنه احد عالم گیری بمنصب هزار
پانصدی و در سنه دوم بایخطاب و در سنه سوم باضافه منصب مباهات
اندوخته تا سنه ۱۳ خدمت دیگر احوال او معلوم نشد اورنگ خان حاجی
اورنگ در اوایل عهد جهانگیر منصبے داشت و در سنه هشتم بغلس سلطان
خورم اورنگ خان شده بود در سنه الف ایشان بخطاب اورنگ خان
سر برافراخته خدمت می نمود لشکر بیگ مخاطب باورنگخان در اوایل
عهد شاهجهانی بمنصب هزاری مباهی گشته در سنه هشتم تردد نموده در سنه ۱۴
بمنصب دوهزاری دو هزار سوار بقلعداری او ارسه قلاع دکن و در سنه پانزدهم
بعنایت علم نام برآورده در سنه ۲۲ هنگام قلعداری باضافه هزار سوار
دو اسپه و سه اسپه مباهی گردید در سنه ۲۹ از دکن آمده تعین گجرات شد
در سنه سی ام فوت شد اورنگخان بابا رستک منصبے داشت در سنه
احد عالمگیری بمنصب دوهزاری بخطاب پدر سر برافراخته و در سنه سوم
بقلعداری جاکنه مقرر گشته تا سنه نهم در دکن تردد می نمود دیگر احوال او معلوم
نشد اورنگ خان پدر سلطان اتالیق سبحان قلیخان والی بلخ در سنه ۲۳ عالمگیری

بخطاب ذوالفقار

بخطاب اعتقاد خان ودرسنه ۳۶ بخطاب ذوالفقار

بخطاب اعتقاد خان ودرسنه ۳۶ بخطاب ذوالفقارخان بقلم خواهد امد اعتقاد خان

بود همه احوال او در ذیل خطاب ذوالفقارخان بقلم خواهد امد اعتقادخان

ولد امیرالامرا شایسته خان در اخر عهد عالمگیری بمنصب ودرسنه

سی وشش بخطاب اعتقاد خان وبفوجداری نواحی اکبرآباد سر برافراخته

درسنه چهلم بفوجداری متهرا از تغیر لسن سنگه کچهواهه زمیندار امیر ودرسنه

چهل ویکم بنظم اکبرآباد از تغیر مختارخان میر قمرالدین لوای مفاخرت برافراخته

درسنه ۵۴ در انجا فوت کرد اعتقاد خان ولد روح الله خان میر حسن در آخر عهد

عالمگیری بمنصب طاهر او درسنه ۴۵ بخطاب اعتقاد خان سرافراز شده

ودرسنه ۴۶ بعد فوت پدر بخطاب روح الله خان ماسور گردیده بود همه احوال در ذیل

خطاب روح الله خان خواهد آمد التفات خان مراد کام ولد مرزا رستم صفوی

در اوایل عهد جهانگیری منصبی داشت ودرسنه ۹ خدمت می نمود ودرسنه دهم

بانخطاب نام برآورده درسنه ۱۲ در عهد شاهجهانی بجایزه نیکوخدمتی

پانصدی بمنصب دوهزاری و پانصدی سرافراز شده ودرسنه ۱۴ تعین

سمکه گشته درسنه ۱۵ سالانه چهل هزار روپیه قانع گردید التفات

او ۱ تخان بن صادق خان طهرانی درسنه هفدهم شاه جهان

بنظم صوبه بهار و در سنه بستم بنظم صوبه بنگاله و در سنه ۲۲ بنظم صوبه
آوده لوای مفاخرت برافراشته بمنصب پنجهزاری رسیده در سنه ۲۳
رحلت کرد اعتقاد خان میرزا بهمن یار ولد آصف خان ابو الحسن در سنه
نهم شاهجهانی بمنصب پانصدی و در سنه پانزدهم بمنصب هزاری و در سنه ۱۸
بمنصب هزار و پانصدی و در سنه ۱۹ بمنصب دو هزاری و در سنه ۲۱ باضافه پانصدی
و در سنه ۲۲ بمنصب سه هزاری و در سنه ۲۳ بخطاب خانه زاد خان و در سنه ۲۵ بخطاب
اعتقاد خان و بمنصب چهار هزاری و بخدمت میر بخشیگری از تغیر لهراسپ خان
سرافراز شد در سنه ۳۱ تغیر گردیده در سنه احد عالمگیری بعنایت خلعت مهربانی
و در سنه ۵ بمنصب پنجهزاری مفتخر گشته در سنه دهم بنابر ملاقات امیر الامرا
برادر کلان خود به بنگاله رخصت شده در سنه ۱۵ در انجا فوت کرد اعتقاد
خان میر کل خطاب مبارز خان یافته در اوایل عهد عالمگیری بمنصب و در سنه
بمنصب دو هزاری هزار سوار و بعد فوت اعتقاد خان میرزا بهمن یار
بخطاب اعتقاد خان سرافراز گشته در سنه بتقصیری برطرف گشته
در سنه بحال گردیده بود دیگر احوال او معلوم نشد اعتقاد خان
محمد اسمعیل ولد اسد خان مشهور منصب داشت در سنه ۲ عالمگیری

عالمگیری بمدصب سه
پسر ابوالحسن حاکم حیدرآباد درسی ام عالمگیری بمنصب
هزاری و بخطاب سرافراز شده بود و دیگر احوال او معلوم نشد افتخار
خان ولد مختار خان میر قمرالدین سبزواری در اواخر عهد عالمگیری بمنصب
و بخطاب سرافراز شده بود در سنه چهل و پنج بفوجداری دهولپور
سرافراز شده خدمت می نمود در عهد بهادرشاه بادشاه بخطاب مختار
خان نامبر آورده در ۴۳ سنه رحلت کرد اعتقاد خان ابوالحسن ولد
اعتماد الدوله طهرانی منصب پانصدی داشته در سنه ششم جهانگیری
بخطاب اعتقاد خان و در سنه نهم بخطاب اصفخان سرافراز شد
احوال او در ذیل خطاب اصفخان نوشته شد اعتقاد خان
میرزا شاپور دو یمین پور اعتماد الدوله مذکور بمنصب هفصدی
داشت در سنه دهم جهانگیری بخطاب اعتقاد خان و باضافه هشت
صدی سر برافراخته بود در سنه ۱۳ بمنصب چهار هزاری مباهات
اندوخته در سنه ۱۷ بنظم صوبه کشمیر چهره امتیاز برافروخته بود در سنه ۶
بنظم ساهجهانی بدستور سابق بنظم انجا بحال مانده در سنه پنجم معزول
گردیده در ۶ : : ن آباد در سنه ۹ بفوجداری جونپور در سنه ۱۶
بنظم

بعنایت جاگیر جوراکده مضاف صوبه مالوه مباهی گشته بمنصب سه هزاری
رسیده در سنه سی ام در دکن در کارزارهای با دکنیان بسختی آویزش بایسته
تلاشهای مردانه نموده در سنه سی و دوم در جنگ مالوا همراه مهاراجه جسونت
سنگه بمقابله عالمگیر پادشاه باوجود رو بر تافتن مهاراجه از میدان رزم جان
نثار شد افتخار خان سلطان حسین اصالت خان بن میر میران
یزدی در سنه بیستم شاهجهانی بمنصب هزاری سربلند شده در سنه ۲۱
بداروغگی داغ از تغیر رحمت خان مقرر شده در سنه ۲۶ همراه دیگر بندها
بحراست کابل رفته در سنه ۲۹ مکرر بداروغگی داغ از تغیر شیخ موسی گیلانی مقرر
شده در سنه احد عالمگیری باضافه پانصدی و باستخطاب و خدمت
آخته بیگی از تغیر سیف خان و در سنه ششم باضافه هزاری و بخدمت خانسامانی از تغیر فاضلخان و در سنه ۹ باضافه پانصدی بمنصب سه هزاری
سربلند گردیده خدمت مینمود در سنه سیزدهم بوقوع تقصیری اخراجی
کسر از دریای اتک گذشته در چهاردهم تقصیرش مقرون بعفو شده
بنظم کشمیر از تغیر سیف خان فقیر الله نام برادر او داده در سنه بیست و یکم بنظم
اجمیر امتیاز یافته در سنه ۲۲ در انجا رحلت کرد افتخار خان ولد سیف الملک

نواح خجسته بنیاد سربلند گردیده در عهد بادشاه محمد شاه فوت کرد
مرد فاضل و شاعر بود و واضح تخلص می‌کرد ارادتخان برادر آصف خان
جعفر بیگ در سنه سوم جهانگیری بمنصب و باین خطاب سرافراز
و بخدمت متصدی گری بندر کهنبایت مقرر و هنگام بودن آنجا
بعضی نوادر فرستاده بود دیگر احوال او معلوم نشد افتخار خان
افتخار بیگ پسر بایزید بیگ در آخر عهد اکبری بمنصب دوصدی
و در سنه چهل و نه بمنصب هزاری سرافراخته در سنه پنجم جهانگیری به
منصب دو هزاری و بخطاب خانی بر نام خود نام برآورده هم در سنه
پنجم در بنگاله در کارزارهای مردانه ترددات نمایانی نمود در سنه هفتم در رزم
شدید بمردانگی و دلاوری در آنجا بکار آمد افتخار خان نام ولد احمد
بیگخان جعمای در اواسط عهد جهانگیری بمنصب و باین خطاب سر
افراز بود بمرور بجایزه نیکوخدمتی که در صوبه کابل می‌نمود بمنصب سه
هزاری مباهات اندوخته سنه نهم در آنجا تردد می‌کرد افتخار خان مخلص الله
ولد احمد بیگخان جعمای در سنه پانزدهم جهانگیری بعد بکار آمدن محمد مسعود
برادر کلان خود بمنصب پانصدی سرافراز شده در احد شاهجهانی باضافه

باضافه پانصدی و بداروغگی فیلخانه و بخطاب ارادتخان و در سنه ۲۶
بخدمت آخته بیگی از تغیر سرست خان و در همین سال باضافه پانصدی
و خدمت تن بخشیگری از تغیر اکرخان و در سنه ۲۷ بفوجداری لکهنو از تغیر
احمد بیگخان و در سنه ۲۹ بعد آمدن بحضور باز بخدمت عرض وقائع از
تغیر شدن امین خان سر برافراخته بمنصب هزاری و پانصدی رسیده
در سنه ۱۲ معزول گردیده در سنه احد عالمگیری بمنصب سه هزاری و بنظم اوده
مقرر گردیده در انجا فوت شد ارادت خان در سلک منصب داشت
در سنه احد عالمگیری بعد فوت ارادت خان محمد اسحق بمنصب هزاری
و باین خطاب سر برافراخته متعین بنگاله گردیده و در سنه دوم بحضور آمده
در سنه سوم بتقصیر غفلت از حال شاهزاده سلطان محمد در رفتن پیش شاه
شجاع که منصب شده بود بمنصب هزاری بحال گشته و به قلعداری ظفر
نگر از تغیر میرزا علی عرب امتیاز یافته بود ارادت خان مبارک الله
ولد ارادت خان محمد اسحاق در اواسط عهد عالمگیری منصب داشت در
سنه ۳۳ بفوجداری اسلام آباد متهرا که از ممالک دکن سرافراز شده
در سنه ... بمنصب هفتصدی و بخطاب ارادتخان و بفوجداری

نواح

چیله منصبی داشت در سنه ۲۹ چهارم عالمگیری باینخطاب و بداروغگی نواره
از تغیر سیف الله خان باوجود کوتوالی سربلند شد در سنه بیست و دوم بنظارت
حرم سرای خلافت و در سنه سی ام بخطاب سردار خان نام برآورده بود دهمه
احوال او در ذیل خطاب سردار خان بقلم خواهد آمد اهتمام خان الله یار در اواخر عهد
عالمگیری بمنصب و خطاب اهتمام خان سر برافراخته در سنه ۴۱ بداروغگی اصطبل
مقرر شده بخطاب اخلاص خان مباهات اندوخته بود دهمه احوال او در ذیل
خطاب اخلاص خان بقلم آید اهتمام خان فتح مقصود چیله در اواخر
عهد عالمگیری بمنصب پانصدی و باینخطاب سرافراز شده بعد رحلت
آنحضرت از پیش محمد اعظم شاه باضافه دوصدی نام برآورده در عهد محمد شاه
بادشاه داروغگی کچهری دیوانی داشته در سنه ۱۲ فوت کرد ارادت خان
برادر خان اصف خان جعفر بیگ منصبی داشت در سنه دوم جهانگیری بمنصب
هزاری و باینخطاب و در سنه سوم شاهجهانی بخطاب اعظم خان سرافراز
شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب اعظم خان نوشته شد ارادت خان
محمد اسحق ولد ارادت خان مذکور در اواسط عهد شاهجهانی بمنصب
هشتصدی و در سنه ۲۳ بمنصب هزاری و بخدمت میر توزکی و در سنه ۲۵

سرانے مقرر گردیده در کارزار با خانجهان لودی باغی از اسپان فرود
آمده بحرب صعب پیوسته در سنه چهارم بتهانه داری جالنه پور مقرر گشته
در دکن بتردد ها متولتر نموده در سنه هیسم بابر باخت مملکت نظام تا
الکه متعین جاندوران سهادر گشته در سنه ہیم بقلعداری قلعه او بسه که درین
سال فتح شده بود نام برآورده در سنه دہم بسوار کس نقاره سر برافراخته
در سنه سردہم سهاره داری کهیرله مقرر شده در سنه ۱۴ از دکن آمده بتهانه
داری عودسد از تغیر سمحان مقرر گشته در سنه ۱۵ معزول شده در سنه ۱۹ متعین
مهم بلخ و بدخشان گردیده بمنصب دو هزاری رسیده در سنه ۲۰ فوت کرد اہتمام
خان دیگر در اخر عهد شاہجهانی بمنصب و بخطاب سر برافراخته تا سنه
بیست و سوم خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم نشد اہتمام خان
محمد قاسم علیمردان خانی منصبے داشت در سنه احد عالمگیری بخطاب
اہتمام خان سرافراخته در سنه در بنگاله مردانه بکار آمد اہتمام علی بیگ
ولد مرشد قلیخان مرحوم منصبے داشت در سنه چهارم عالمگیری بخطاب
اہتمام خان سرافراز شده ایمده بکوتوالی اردوی معلی مقرر گردیده
خدمت سرانجام می نمود دیگر احوال نشد اہتمام خان سردار بیگ

حمله

سرافراز شده در سنه نوزدهم هنگام بغی سلطان خورم در رفتن ایشان
دران ممالک مصدر تردد گردیده در سنه احد شاهجهانی بمنصب دو هزار
و پانصدی و بجاگیر پرگنه سوه[illegible]ان سر برافراخته در سنه چهارم بفوجداری نواح
ملتان مقرر شده در سنه هشتم متعین عبدالله خان بهادر فیروز جنگ گردیده
در سنه بیست و پنج بفوجداری پلسواره از تغیر مرزا مراد کام نام برآورده تا
سنه احد عالمگیری خدمت می نمود احمد بیگ خان ولد در اخر
عهد عالمگیری بمنصب و بانخطاب سر برافراخته بنظم صوبه اله اباد یا
کدام فوجداری آن صوبه مامور بود در جنگ با مهابت زمیندار مالکدار آن صوب
مردانه اوبرو نموده کشته شد اسد خان از برادر حکام کشمیر در سنه احد جهانگیری بمنصب
هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده متعین صوبه بنگاله گردیده در سنه دوم همراه
قطب الدین خان کوکه جهانگیر بادشاه بدست شیرافگن استاجلو کشته شد اهتمام
خان در سنه احد جهانگیری بمنصب هزاری و بانخطاب درسنه ۳ دلسامال
نوارد بنگاله سرافراز شد تا سنه خدمت می نمود دیگر احوال او معلوم
نشد اهتمام خان دیگر منصبی داشت و از حیر در رکاب شاهجهان آمده
در سنه احد ایشان بمنصب هزاری سر برافراخته در سنه سوم بخدمت

باین خطاب سرافراز شده درہمان سال فوت درانجا کرد الف خان
سردار نام حسام خانی از خاندان قیام خان در سنه ۳۱ شاہجہانی از اصل
واضافه بمنصب ہزاری سرافراز شده بود در سنه احد عالمگیری
باین خطاب نام برآورده در سنه سوم از کابل بحضور آمده خدمت می نمود
ادم خان در آخر عهد اکبری بمنصب ہزاری سر برافراخته در سنه ۵ مصدر ترددات
شد در سنه سی ام فوت کرد احمد بیگ خان حصای کابلی خانه زاد موروثی
ده کرسی در عهد اکبری بمنصب ہفتصدی سر برافراخته در سنه سی وچهارم در
حدود کابل تردد شایسته نموده در سنه چهل بجاگیر محالات صوبه کشمیر سر
بلند گردیده بود در سنه احد جهانگیری بخطاب خانی برنام خود و بمنصب دو
ہزاری سرافراز شده در سنه دہم بحکومت پشاور مقرر گردیده در سنه یازدہم
بامر تنبیه افاغنه بنگش تعین گشته بجایزه ترددات در تنبیه انها در سنه
پنجم باضافه پانصدی نام برآورده در سنه نہم بتقصیری در قلعه زمهو مقید شد بعد
یکسال خلاص گردید بنظم صوبه کشمیر نام برآورده در سنه سیزدہم فوت کرد احمد
بیگ خان برادر زاده ابراہیم خان فتح جنگ در اوسط عهد جهانگیری بمنصب و در
دو ہزاری و بخطاب خانی برنام خود و بنظم صوبه اودیسه

سرافراز

رحلت کرد اسد خان محمد شجاع ولد معصوم خان تربتے کابلی باغی
بعد فوت پدر در سنہ ۴۶ اکبری تقصیر او معرفت راجہ مانسنگہ کچھواہہ
معاف شدہ بود در عہد جہانگیری معلوم نشد کہ چہ حال داشت در
سنہ ششم شاہجہانی کہ حاکم غزنین بود منصب ہزاری و بخطاب اسد خان
نام برآوردہ در سنہ بیستم درگذشت اسد خان محمد ابراہیم ولد ذوالفقار خان
حاکم در آخر عہد شاہجہانی بمنصب دو ہزاری و در سنہ بخطاب اسد خان سرافراز شدہ
خدمت می نمود در آخر عہد عالمگیری بخطاب امیر الامرا مامور گردیدہ بود ہمہ احوال
او در ذیل خطاب امیر الامرا نوشتہ خواہد شد الف خان لوحانی در عہد اکبری بمنصب
و باین خطاب سرافراختہ در سنہ ۳۸ متعین سلطان خسرو و در سنہ چہل و
پنج در دکن مصدر ترددات شدہ دیگر احوال او معلوم نشد الف خان راجپوت
قیام خانی زمیندار فتحپور جھونجھون بمنصب و بخطاب الفخان سرافراز
بود در سنہ ۳ جہانگیری بمنصب ہفصدی و در سنہ ۱۵ باضافہ منصب
و بقلعداری کانگرہ از مضافات صوبہ لاہور سرافراختہ در سنہ ۱ بمنصب دو ہزاری
و در سنہ ۱۸ یازدہم بقلعداری مذکور نام برآوردہ بود الفخان امان بیگ
در سنہ ۹ شاہجہانی بمنصب ہزاری و قلعداری قندہار دکن و در سنہ ۱۵

پدر خود از ولایت آمده بود در عهد اخر عالمگیر بمنصب و بانخطاب سرافراز
شده بدیوانی شاهزاده بیدار بخت نام بر آورده در [illegible] به نیابت صوبه
برهان پور از طرف شاهزاده مقرر گشته خدمت می نمود در عهد بهادر شاه اما لکا
بنظم [illegible] مرتبه گردیده در جنگ با دکنیان بسخت آویزه شهید شد ابو
الحسن خان در عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی سرافراز شده متعینه بنگاله
بود در سنه بیستم در ایام تعیناتی منعم خان ناظم بنگاله در شهر گور به سمت
هوا فوت کرد چون سال عطای منصب معلوم نشد در سالی که احوال
او معلوم شد در همان سال بنابر رعایت سنین بقلم آمد و همچنین
احوال بعضی را که سال عطای منصب معلوم نشد باید دانست اسد خان
ترکمان در عهد اکبری بمنصب و بانخطاب سر برافراخته در [illegible] بحکومت
جونپور مقرر بود دیگر احوال او معلوم نشد اسد خان معموری میرزا محمد نام برادر
زاده مظفر خان میر عبد الرزاق معموری در اواسط عهد جهانگیری بمنصب
و در [illegible] بخطاب اسد خانی و بجایزه ترددات شایسته بمنصب سه هزاری
سرافراز شده متعین صوبه [illegible] پور بود در سنه احد شاهجهانی از انجا بحضور
[illegible] حضرت [illegible] جنگ منصور گردید در سنه چهارم در لاهور
رحلت

اسد الله خان برهی از نوکران خان زمان کستاب باغی در سنه دوازدهم
اکبری بمنصب هزاری و بخطاب خانی سرافراز شده خدمت می نمود دیگر احوال
او معلوم نشد اسد الله خان در عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب
سرافراز بود و بعد رحلت آنحضرت از پیش اعظم شاه به میر توزکی از تغیر
منصور خان مقرر شد دیگر احوال او معلوم نشد اسد الله خان برادر
سید محمد بارهه در عهد اکبری بمنصب دو هزاری و بخطاب خانی سرافراز بود
در سنه هفدهم بقلعداری پتن مقرر گردیده در سنه بیستم در تنبیه راجپوتان
بوده لور سخت او بیرکش نموده ظفر یافته بود دیگر احوال او معلوم نشد
احمد خان ولد محمد خان نیازی در عهد جهانگیری منصب و خطاب داشت در سنه
دوم شاهجهانی متعین دکن شده در سنه ششم در فتح قلعه دولت آباد تردد
نمایان نموده در سنه ۱۰ بمنصب دو هزاری و پانصدی و در سنه ۱۸ بنوازش نقاره
و در سنه ۲۴ بقلعداری احمد نگر سربلند گشته بمنصب سه هزاری رسید در سنه ۲۵
فوت کرد سید احمد خان در عهد عالمگیری بمنصب و باین خطاب سر
برافراخته در سنه ۱۹ بنظم اجمیر مقرر شده در سنه ۲۰ معزول گردیده بود دیگر احوال
او معلوم نشد میر احمد خان میر معصوم ولد میر عثمان ساکن بخارا که همراه

اسلام خان میر ضیاء الدین بن حسین علوی خانی والا شاہی عالمگیر بادشاہ
منصبی داشت در سنه احدایشان منصب سه ہزاری و پانصدی و باین خطاب
و در ہمان سال بنظم اکبرآباد بمنصب پنجہزاری چہار ہزار سوار و در سنه چہارم
بنظم کشمیر از تغیر ابراہیم خان و در سنه ششم بار دوم بنظم اکبرآباد از تغیر و زیر محمد خان
طاہر سرافراز شده در ہمان سال فوت کرد اسلام خان حسین پاشا حاکم بصره
در سنه دوازدہم عالمگیری از بصره آمده بمنصب شش ہزاری و باین خطاب
سرافراز شده خدمت می نمود در سنه ہفدہم ہنگام ہراولی خانخانان بہادر ظفر
جنگ در مصاف دکنیان ناگاه فیل او از شور و غوغای آتشبازی رم
خورده در صف مخالفان رفته به تیغ بیدریغ اعدا تلف شد راجه
اسلام خان در سنه پنجاہم عالمگیری بمنصب و باین خطاب سربلند
و از متعینان بادشاه زاده محمد اعظم بود ظاہرا از زمینداران صوبه بالوا
است که بشرف اسلام مشرف شده بود دیگر احوال او معلوم نشد
اختیار خان در سنه دوازدہم اکبری بمنصب و باین خطاب سربلند
و در جنگ با قلعه چیتور مصدر ترددات بود و چون سال عنایت منصب
در سالی که خدمت می نمود در ہمان سال احوال او نوشته شد

اسد الله خان

دیگر احوال او معلوم نشد اسلام خان شیخ علاء الدین فتحپوری نبیرهٔ شیخ سلیم
چشتی در آخر عهد اکبری بمنصب سر برافراخته در ۴۹ در دکن خدمت مینمود
در سنه احد جهانگیری از اصل و اضافه منصب دو هزاری و باینخطاب و در ۲ بنظم
بهار از تغیر جهانگیر قلیخان و در ۳ بنظم بنگاله و باضافه منصب دو هزاری و در
۵ بجایزه ترددات شایسته در انجا بمنصب شش هزاری سربلند گشت
در ۸ در انجا فوت کرد اسلام خان میر عبد السلام خراسانی در سنه هفدهم
جهانگیری از طرف سلطان خرم وکیل دربار بود بعد ازان بمنصب و بخطاب
اختصاص خان یافت برافراخته در سنه احد شاهجهانی بمنصب چهار هزاری
و بخدمت تن بخشیگری و بخطاب اسلامخان سرافراز شده در سنه چهارم بنظم
گجرات از انتقال شیرخان لودی و در سنه ۶ میر بخشیگری و در ۸ بنظم بنگاله و در سنه
یازدهم بجایزه فتح ناسرده حصار زمیندار کوچ ها جو مضاف الصوبه باضافه
هزار سوار و در سنه دوازدهم بخدمت وزارت کل و در ۱۹ بمنصب شش هزاری
شش هزار سوار و بنظم دکن و در سنه بیستم بمنصب هفت هزاری هفت هزار سوار
و در ۲۱ سه اسب دوالامنزلت گردیده در سنه بیست و یکم در انجا فوت کرد اموال بورثه
او معاف گشت حضرت از نیک نهادی و اقامت پرستی این مرد بزرگ خیلی راضی بودند

سنه بیست و سه بدست نوکر خود در انجا کشته شد اعتماد خان از نوکران حکام
گجرات بعد فتح آن مملکت در سنه هفدهم اکبری بمنصب دو هزار و پانصدی و بخطاب
سرافراز شده در سنه بیست و دو باشش لک روپیه نذر حرمین رفته در سنه بیست
و پنج بعد مراجعت در صله آنکه نقش قدم مبارک آورده بفوجداری پتن گجرات
از استقلال کلیات خان میر فخرالدین مشهدی مقرر گردیده در سنه بیست و هشت
بنظم گجرات از تغیر شهاب الدین احمد خان سربلند گشته پس از رسیدن انجا بجلای
مدبر گجرات را بتصرف مظفر گجراتی که در سنه بیست و سه از حوالات خواجه منصور
گریخته رفته بود داده چندی دیگر دران ناحیه تردد می نمود دیگر احوال او معلوم نشد
اعتماد خان خواجه سرا در عهد جهانگیری منصبی از حد در رکاب شاهجهانی آمده
بمنصب هزار و پانصدی سر برافراخته در سنه احد بعد ایشان بحرمین رفته بعد ازان احوال
او معلوم نشد اعتماد خان آقا افضل در عهد جهانگیری بمنصب دو هزاری و بخطاب
فاضل خان سرافراز شده بود در دکن همراه خانجهان لودی تا آخر عهد خدمت می کرد
در اوائل عهد شاهجهانی بتقصیر اغوای خانجهان از پایه عزت افتاده در سنه نهم
الی بمنصب هزاری و بخطاب اعتماد خان و بدیوانی بنگاله چهره امتیاز برافروخته
در سنه بیست و یک فوت کرد اعتماد خان محمد اشرف ولد اسلام خان میر عبدالسلام

همراه برادر خود خدمت می کرد در سنه بیست و پنج در تنبیه مسابت خان باغی در
سنه سی ام در بادیه لوحان تردد نموده در سنه سی و یکم بتصیف سوات و باجور
و در سنه سی و دوم بتهانه داری اسفر مقرر شده در سنه سی و سوم بجاگیرداری گوات
مباهات اندوخته در سنه سی و پنج ازانجا آمده باتالیقی شاهزاده سلطان مراد نام برآورده
ایزد بتقصیر آنکه با وجود حاضر شدن حافظ خدمتان زمیندار گربه چرا قصد تسخیر قلعه کرده نزد
ازاتالیقی معزول گشته متعین گجرات شده در سنه سی و هشت از گجرات آمده در
فراخ
سنه ۳۹ بجاگیر کالپی و در سنه ۴۱ باضافه پانصدی بمنصب چهار هزاری لوای مفاخرت برا
سنه ۴۲ خدمت می نموده اعتماد خان خواجه سرا خواجه پهول نام داشت سلیم شاه
در سنه هفتم اکبری بمنصب هزاری و باین خطاب و بدیوانی خالصه سرافراز گشته
مهمات بکفایت و بدیانت سرانجام نموده در سنه دهم برای بازداشتن عبدالله خان
ازبک از بغی تعین گردیده در سنه نزدهم هنگام تعیناتی ناظم بنگاله در اکثر معارک ترددات
نمایان نموده خصوص در سنه نوزدهم در فتح قلعه سمه و در کارزار داود کرانی
حاکم زاده بنگاله و در سنه بستم بعد فوت منعم خان ناظم بنگاله بتقدیم دولتخواهی و
خیرسگالی و در سنه بیست و دوم در تعیناتی خانجهان ناظم بنگاله بار دیگر در جنگ داود کرد
تنها بکار برده همدران سال بحضور آمده بحکومت بهکر مباهات اندوخته در

سنه

هزاری و بوکالت سرافراز شده چون پیش ازین بچند ماه هنگام رفتن بکابل بغفلت
خود در قید مهابتخان رنانه بیک رفته خفت ها کشیده به تدبیرات خلاص شده بود
بعد رحلت جناب جهانگیری با وصف آنکه نور جهان بیگم سلطان شهریار را بپاد
شاهی برداشته بود و باعث جلوس حضرت شاهجهانی گردیده در سنه احدی ان بمنصب
هشت هزاری و بخطاب یمین الدوله و بخدمت وکالت و بدار و عکی مهر اورک د
افزایش لفظ عموی بجان برابر در القاب و جاگیر پنجاه لک روپیه و در سنه مذکور
بمنصب نه هزاری نه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و در سنه هشتم بخطاب خانخانان
سپه سالار سرافراز شد در سنه نهم اکثر قلاع دکن تعهد و استیلا مفتوح گردانیده
و در سنه پانزدهم نیکنام رفت پنجهزار سوار جوشن پوش نوکر داشت از اموال
او دو کرور و پنجاه لک روپیه از نقد و جنس برآمد از انجمله شش لک روپیه
بورثه اش مرحمت شد اسمعیل قلیخان ولد ولی بیک ذوالقدر برادر
برادر خان بهارلو در سنه پنجم اکبری روزیکه برامخان با اولیای دولت صف
آرا شد در رفاقت او بود از میدان جنگ زخمی دستگیر آمده بعد ازان بعفو
تقصیر و بمنصب سرافراز گردیده در سنه هشتم هنگام تعیناتی حسین قلیخان
برادر خود در فتح قلعه جوده پور تردد ی نموده تا سنه بیست و سوم در لاهور و بنگاله

اصفخان جعفر بیک ولدس اما ملا مذکور در سنه بیست و دو اکبری از عراق آمده
بمعرفت اصفخان غیاث الدین عم خود ملازمت نموده بمنصب سر برافراخته
بجلدوی نیکوخدمتی در سنه سی ام بمنصب ده هزاری و بخطاب اصفخان
و بشرکت شیخ فرید بخاری بمیر بخشیگری سرافراز شده در سنه سی و دوم هنگام
تهانه داری اسپر در حدود کابل و در سنه سی و هشت در تنبیه افاغنه کابل ترددات
نمایان کرده در سنه سی و نهم بنابر تقسیم جاگیرات کشمیر رفته در سنه چهل و دوم
قلعه مو داز تصرف راجهای کوهستان لاهور برآورده در مهام منظم کشمیر
مقرر شده در سنه چهل و چهارم در عرصه هشت روز از انجا در اکبراباد رسیده
ملازمت نموده بوزارت کل از تغیر رای رایان پتر داس کهتری مباهات
اندوخته در سنه چهل و نهم بمنصب چهار هزاری و بنظم صوبه بهار لوای مفاخرت
برافراشته در سنه دوم جهانگیری بمنصب پنجهزاری و بوکالت از تغیر شریف خان
امیر الامرا بخطاب عمدة الاپایه شده در سنه ششم بتعین مهم دکن گردیده در سنه
هفتم در انجا بعدم رفت اصفخان ابوالحسن ولد اعتماد الدوله غیاث
طهرانی در عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۶ بخطاب اعتقاد خان و در سنه نهم
بخطاب اصفخان سر برافراخته بجایزه نیکوخدمتی بمور در سنه ۲۱ بمنصب هفت
هزاری

هزاری دبو کالت سرافراز شده چون پیش ازین بچند ماه هنگام رفتن بکابل بغفلت
خود در قید مهابتخان رنابه بیک رفته خفت ها کشیده به تدبیرات خلاص شده بود
بعد رحلت جناب جهانگیری باوصف آنکه نورجهان بیگم سلطان شهریار را باد
شاهی برداشته بود دباعث جلوس صاحب قرآن ثانی گردیده در سه احدایشان بمنصب
هفت هزاری دبخطاب یمین الدوله وبخدمت وکالت دیدار وعکی مهر اورکسد
افزایش لفظ عموی بجان برابر در القاب وجاگیر پنجاه لک روپیه و در سه مذکور
بمنصب نه هزاری نه هزار سوار دو اسپه سه اسپه و در سه هشتم بخطاب خانخانان
سپه سالار سرافراز شده در سه نهم اکثر قلاع دکن بقهر و استیلا مفتوح گردانیده
و در سنه پانزدهم نیکنام رفت پنجهزار سوار جوشن پوش نوکر داشت از اموال
دو کرور و پنجاه لک روپیه از نقد و جنس برآمد از انجمله شش لک روپیه
بورثه اش مرحمت شد اسمعیل قلیخان ولد ولی بیک ذوالقدر برادر
برامخان بهارلو در سنه پنجم اکبری روزیکه برامخان با اولیای دولت صف
آرا شد در رفاقت او بود از میدان جنگ زخمی دستگیر آمده بعد ازان بعفو
تقصیر و بمنصب سرافراز گردیده در سنه هشتم بنگام تعیناتی حسین قلیخان
برادر خود در فتح قلعه جوده پور تردد ی نموده تا سنه بیست وسوم در لاهور و بنگاله

اصفخان جعفر بیگ ولد س اما ملا مذکور در سنه بیست و دو اکبری از عراق آمده
بمعرفت اصفخان غیاث الدین عم خود ملازمت نموده بمنصب سر برافراخته
بجلدوی نیکوخدمتی در سنه سی ام بمنصب ده هزاری و بخطاب اصفخان
و بشرکت شیخ فرید بخاری بمیر بخشیگری سرافراز شده در سنه سی و دوم هنگام
تهانه داری استر در حدود کابل و در سنه سی و هشت در تنبیه افاغنه کابل مردانگی
نمایان کرده در سنه سی و نهم بنابر تقسیم جاگیرات کشمیر رفته در سنه چهل و دوم
قلع مواد تصرف راجهای کوهستان لاهور برآورده در مهمات منظم کشمیر
مقرر شده در سنه چهل و چهارم در عرصه هشت روز از انجا در اکبراباد رسیده
ملازمت نموده بوزارت کل از تغیر رای رایان بتر داس کهتری مباهات
اندوخته در سنه چهل و نهم بمنصب چهار هزاری و بنظم صوبه بهار لوای مفاخرت
برافراشته در سنه دوم جهانگیری بمنصب پنجهزاری و بوکالت از تغیر شریف خان
امیرالامرا بخطاب عمدة الایالیه گشته در سنه ششم تعین مهم دکن گردیده در سنه
هفتم در انجا بعدم رفت ۔ اصفخان ابوالحسن ولد اعتماد الدوله غیاث
طهرانی در عهد جهانگیری بمنصب و در سنه ۶ بخطاب اعتقادخان در سنه نهم
بخطاب اصفخان سر برافراخته بجایزه نیکوخدمتی بمرور در سنه ۲۱ بمنصب هفت
هزاری

قلعه جنار گڑه بحسن تدبیر از تصرف جنو علام شیرشاه سور بر آورده
در سنه سیوم در جنگ مهاراجه رامچند زمیندار بامدسول که غازیخان سور
پیش او پناه برده بود تردد نمایانی نموده غازیخان را در میدان رزم کشته ظفر
یافته در سنه نهم ملک گدره مضاف صوبه مالوا که حکومت انجا رانی درگاوتی
مدت سالها از سر سال پسر خود داشت و قابل روبکار و تیرانداز بود بعد
حرب صعب و کشته شدن سه صد مغل چون در جنگ روز دیگر رانی زخمی
شده بر خود قافیه تنگ دید و خود را کشت و مفتوح گردانید در سنه یازدهم
راه بغی پیموده در سنه پانزدهم رد هم بعفو تقصیر جور سنده شده قلعه ماری
از قلعه رانا زمیندار اودیپور فتح کرده ماسنه نوزدهم مصدر ترددات شایسته
بود در سنه نوزدهم فوت کرد جوهر کاردانی با جوهر شجاعت جمع داشت
و ست هزار کس نوکرش بود اصفخان غیاث الدین ولد آقا ملا قزوینی
در برادر شاه طهماسب فرمانفرمای ایران در ابتدای اکبری بهندوستان
آمده بمنصب سرفراز شده در سنه نهم به بخشیگری به نیابت لشکرخان
و در سنه نوزدهم بمنصب هزاری و بخطاب اصفخان و تن بخشی گری
سربلند گردید اگرچه در مهمات تردد نموده در سنه بیست و هشت فوت کرد

فوجداری مسان دوآب ملازمت نموده باضافه هزاری نام برآورده بتعاقب بار اول

داراشکوه رفته دیر زودی برگشته بنظم اوده از انتقال ارادت خان مقرر گردیده

بعد شکست شاه شجاع متعین بنگاله گشته در سنه دوم بحضور آمده بفوجداری

گورکهپور که در جاگیرش بود رخصت شده در سنه سوم معزول گردیده در

سنه چهارم بداروغگی توپخانه از تغیر صف شکنخان و باضافه پانصدی و در

سنه پنجم باضافه چهار هزاری و در سنه دهم بار دوم بصوبه داری اوده گورکهپور

از تغیر شادیخان والا پایه گشت و در سنه سیزدهم بفوجداری گوالیار و در سنه هفدهم بنظم کابل

از تغیر مهابت خان سرافراز گشت و در سنه هژدهم بجایزه ترددات آنجا بخطاب اعظم خان

و در سنه بستم بنظم بنگاله از تغیر امیرالامرا شایسته خان و بمنصب پنجهزاری

لوای مفاخرت برافراخته در سنه بیست و یک در آنجا درگذشت از اموال

او بیست و دو لک روپیه و یک لک و هفتاد و دو هزار اشرفی در سرکار والا ضبط شد

اصف خان عبدالمجید ناجهک هروی از فرزندان شیخ ابوبکر تایبادی

از ولایت در رکاب دولت همایونی آمده در سنه احد اکبری بمنصب سر

برافراخته دیوان سرکار اشرف بود در سنه پنجم بمنصب سه هزاری و بخطاب

اصفخان و بنظم دهلی با وجود دیوانی اشرف سر برافراخته در سنه ششم

قلم

اکبراباد با سلطان داراشکوه بکار آمد اعظم خان میر مظفر حسین ولد

میر ابوالمعالی خافی در سنه بیستم شاهجهانی بمنصب هفتصدی و در سنه سی ام

بجایزه نیکوخدمتی بمنصب هزار و پانصدی و در سنه سی ویکم بخطاب فدا

خانی سر برافراخته بود در سنه احد عالمگیری بمنصب چهار هزاری چهار هزار سوار و بنظم

صوبه بهار او ده از انتقال ارادت خان میر اسحق مباهات اندوخته در سنه چهارم

بداروغگی توپخانه از تغیر صف شکن خان و در سنه دهم بار دوم بنظم او ده اعظم

خان میر مظفر حسین ولد میر ابوالمعالی خافی در سنه بیستم شاهجهانی بمنصب

هفتصدی و در سنه بیست و دوم بخدمت تورک و در سنه بیست و سوم بخدمت

بخشیگری احدیان از تغیر نورالحسن و در سنه بیست و چهارم بمنصب

هزاری و بخشیگری متعینان صوبه کابل و داروغگی توپخانه انجا سرافراز شده

در سنه بیست و پنجم متعینین مهم قندهار گردیده و در سنه ششم با وجود داروغگی

فیلان خاصه بمیر توزکی مقرر گشته در بیست و هفتم بداروغگی فیلان حلقه

بگوش شده در سنه بیست و نهم باضافه پانصدی بمنصب هزار و پانصدی

بداروغگی گرزبرداران و همدرین سال مکرر بمیر توزکی از تغیر تربیت خان و در

سنه سی و یکم بخطاب فدائیخان سرافراز شده در سنه احد عالمگیری هنگام

کشتہ درسنہ نوزدہم بہ بخشیگری افواج متعینہ مہم بلخ وبدخشان ہمراہ بن برادر
مرادبخش ودرسنہ بیستم بہ بخشیگری احدیان ودرسنہ بیست ودوم بعد
فوت پدر باضافہ پانصدی نام برآورد بہ بخشیگری افواج متعینہ مہم قندھار
باتفاق میرمحمد اشرف ولد اسلام خان مقرر شدہ درسنہ ۲۳ باضافہ پانصدی
بمنصب دوہزاری سربرافراختہ متعینہ دکن گشتہ درسنہ ۲۰ بدیوانی خاندیس و
محال بالاگہات صوبہ برار ودرسنہ ۲۳ برار وفوجداری توپخانہ دکن ودرسنہ ۲۱
باضافہ پانصدی بمنصب دو ہزار وپانصدی وبخدمت قلعداری احمدنگر از تغیر شاہ
نیکخان سربلند شدہ درسنہ احد عالمگیری بمنصب چہار ہزاری وخطاب
اعظم خان مامور گردیدہ ودر جنگ اکبراباد بکار آمد ودرسنہ چہارم بمنصب ہزاری
سربرافراختہ ہمراہ مدر ترددات نمودہ درسنہ پنجم بنظم برہان پور مقرر شدہ
بعد چندی معزول گردیدہ درسنہ یازدہم بہ موتامرکاب از تغیر مکرمت خان
ودرسنہ سیزدہم بدیوانی بنگالہ از تغیر محمد زمان طہرانی ودرسنہ بیستم بہ بخشیگری
احدیان ودرسنہ بیست وسوم بہ قلعداری احمدنگر از عزل شاہ نیکخان اوزبک
مباہات اندوختہ بمنصب دوہزاری دپانصدی رسیدہ بود درسنہ احد
عالمگیری بمنصب چہار ہزاری وبخطاب اعظم خان نام برآوردہ درجنگ

میر قاسم خان جوینی و در سنه هشتم بنظم اله اباد از تغیر سیفخان و همدرین

سال پسرس ملتفت خان به نیابت نظم آن و مشار الیه باوجود نظم اله اباد

بنظم اکبراباد و در سنه ۹ بنظم گجرات از تغیر سیفخان و در سنه پانزدهم بفوجداری

متهرا و در سنه نوزدهم بنظم کشمیر و در سنه بیستم بنظم صوبه بهار و

در سنه بیست و یک بفوجداری جونپور سرافراز گردیده در سنه بیست و

دوم در انجا زندگانی جواب داد اعظم خان ولد اعظم خان برادر اصفخان

جعفر بیگ در سنه احدی جهانی و بمنصب شش صدی و در سنه دوم باضافه

بمنصب و بخطاب ملتفتخان سرافراز شده همراه پدر بدکن رفته در سنه

سوم در فتح قلعه دهارور و ماحت ملک دکهنات وایلچار بر سر انتهار تردداث

مردانه کرده در سنه چهارم بهزاری نام برآورده در سنه پنجم تا رسیدن پدر از بالاگهات

چندی بحراست برهانپور مقرر شده در همین سال همراه پدر به بنگاله رفته

در سنه ۸ به نیابت نظم اله اباد از طرف پدر مقرر گردیده در سنه نهم از پدر

ازرده شده بحضور آمده بخدمت عرض مکرر از تغیر عبدالرحمن ولد صادق خان

مباهات اندوخته در سنه یازدهم به صوبداری کابل از تغیر مکرمخان و در سنه دوازدهم

بدیوانی بنگاله از تغیر محمد زمان طهرانی مقرر گردیده در سنه پانزدهم معزول

بمنصب مذکور بحال گردیده در سنه ۱۸ بار چهارم بنظم گجرات نام برآورده در
سنه ۱۹ در انجا رحلت کرد خان مذکور در فهم و فراست و تاریخ دانی و معما
نویسی و طلاقت لسان یگانه عصر بود اعظم خان برادر اصفخان
جعفر بیگ در سنه دوم جهانگیری بمنصب هزاری بخطاب ارادتخان و
بخشیگری صوبه بهار سربلند شده در سنه دهم بخدمت میرسامانی و در سنه
پانزدهم بنظم کشمیر و در سنه شانزدهم بجلدوی انتظام ولایت کشتوار بمنصب
چهار هزاری و در سنه هفدهم به بخشیگری دوم از تغیر فاضل خان و در سنه
بست و یک بمیر بخشیگری از تغیر مظفر خان معموری سرافراز شده بود در
احد شاهجهانی باضافه هزاری و بوزارت کل و در سنه دوم بنظم دکن از
تغیر مهابت خان زمانه بیک و در همین سال بجایزه ایلغار در مده خانجهان
لودی باغی که بحکم الصاق کارنمایان کرده بعنایت شمشیر مرصع و غیره
و باضافه دو هزار سوار و در سنه سوم بجایزه ترددات انجا بخطاب اعظم
خان و در سنه چهارم چون در حکومت انجا اگر قلاع متین الصوبه مثل دهارور
در فتح نموده و صاحب مملکت عادلخان مردایان بیجاپور تلاش ها
بشش هزاری نام برآورده در سنه پنجم بنظم بنگاله از انتقال

میر قاسم

براورده در سنه سی و دوم دختر خود بشاهزاده منسوب نموده در سنه
سی و چهارم بار دوم بنظم گجرات از تغیر خان خانان چهره امتیاز برافروخته در
در سنه سی و شش در جنگ با مظفر حاکم زاده گجرات بعد رزم شدید که راجپوتان همراهی
مظفر از اسپان فرود آمده فوطه‌ها باهم در کمر بسته بکار دو خنجر پیوسته بودند و دران
مقتل بروایت اقبال نامه دو هزار کس و بروایت تاریخ بدلونی چهار هزار
از اعدا کشته افتادند و از بنده های بادشاهی یکصد کس بکار آمدند فتح نمایانی یافته
در سنه سی و هفت قلعه جوناگده با ولایت سورتهه و شاهزاده بنادر مفتوح
گردانید و در سنه ۳۸ بحکم بحرمین رفته در سنه سی و نه بعد مراجعت بخدمت
وکالت و عنایت جاگیر در صوبه بهار و هنگام ملازمت با این عنایت
که حضرت چند قدم پیشتر شتافته او را در آغوش خود کشیدند و الا پایه شده در
چهل و هفت بمنصب هفت هزاری شش هزار سوار لوای مفاخرت برافراشته
بود در سنه احد جهانگیری بتقصیری بعزل جاگیر متهم گردیده در سنه سوم بار سوم
بنظم گجرات و در سنه ششم بار دوم بنظم مالوا علم امتیاز برافراخته در سنه نهم بتقصیر
کوتاهی در جنگ با رانا از سید ارادت پور در قلعه گوالیار محبوس گشته در سنه دهم
که اکبر بادشاه در جواب سفارش او فرموده بودند از حبس برآمده در سنه ۱۱

ودرسنه دوازدهم در ایلغار ملا خان زمان باغی که در عماری فیل خاصه جایافته بود تردد ها نموده درسنه سانزدهم بخطاب اعظم خان نام برآورد درسنه هفدهم بنظم گجرات که بعد چهار سال فوت جنگیز خان ولد عماد الملک از غلامان حبشی سلطان بهادر حاکم گجرات درین سال بتصرف اولیای دولت درآمده بود سرافراز شده درسنه نوزدهم هنگام ملازمت ماسب عنایت حضرت صد یوم بجانب او شتافته در آغوش گرفته سر بفلک برده درسنه بیستم بنابر تکلیف ضابطه داغ استعفا نوکری نموده درسنه بیست سه باز منصب اختیار کرده درسنه بیست وچهارم بتقرری مسردی گشته درسنه بیست وپنجم بمنصب پنجهزاری و بنظم بنگاله از اسعال مظفر خان مباهات اندوخته درسنه بیست وشش بهادر پسر سعید بدخشی را که در صوبه بهار بر عصب خان لان باغی سکه وخطبه خود در رواج داده بود دستگیر نموده بحضور فرستاده درسنه بیست ونه بنابر عدم موافقت آب وهوای آنجا در حضور رسیده بحاکم را لسن وکدیه مصا وصوبه مالوا حوالی شده درسنه سی ویکم بمسخر دکن تعین گردیده وما ساخته کار برگشته درهمان سال بنظم صوبه مالوا نام براورده

بود اعظم خان سید شمس الدین غزنوی در عهد همایونی از نوکران مرزا کامران
برادر آنحضرت بود بعد شکست دوم در صف جنگ با شیرشاه چون همایون
بادشاه فیل سوار از دریا گذشته و از فیل فرود آمده سا بر بلندی کناره بر آمده
ملاحظه می فرمود میسر نمیشد مومی الیه ناگاه حاضر شد دید مبارک دست
خود داده ببالا براورد و همچنان یکی از نوکران مرزا مذکور اسپ خود را در
سواری خاصه داد تا بصوب اکره روانه شدند حضرت بشمس الدین فرمود
که کیستی عرض کرد از نوکران مرزا کامران ام و مولد من غزنین است بعد رسیدن
لاهور باز حاضر شده در سلک بندگان درآمده مورد نوازش گشت
در وقت همایونی بنابر حقوق مراتب رضاعه به اتکه خان مشهور بود در
سنه احد اکبری بمنصب پنج هزاری و بخطاب خانی بر نام خود سربلند
شده در سنه پنجم بجائزه فتح در جنگ بایرام خان بهار لوکه راه بغی پیموده بود
بخطاب اعظم خان و بنظم لاهور سر برافراخته در سنه ششم از لاهور بحضور آمده
در سنه هفتم سر دیوان بدست ادهم خان ولد ماهم انکه اکبر بادشاه کشته شد
اعظم خان مرزا عزیز کوکه دویمین پور اعظم خان مذکور در سنه احد اکبری
بمنصب سر برافراخته در سنه نهم در ایلغار تنبیه عبد الله خان اوزبک باغی

نموده بکار امد احوال او معلوم نشد اخلاص خان میانه در عهد عالمگیری بمنصب
هزاری و در سنه ۴۹ باینخطاب سرفراز شده تا سنه احد بهادر شاه خدمت می نمود
دیگر احوال او ادهم خان پسر خرد ماہم انگ انگه اکبر بادشاه در سنه احد ایشان
بمنصب پنجهزاری و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شده در سنه دوم هنگام متحصن
شدن سکندر شور در قلعه مانکوٹ بکه بازی های مردانه نموده بسیار التفات
رسانیده در سنه ششم ولایت مالوه که بتصرف باز بهادر ولد شجاع خان از حیلهای
شیر شاه بود بعد حرب صعب فتح کرده در سنه هفتم چون شمس الدین خان
اتکه سردیوان گشت حضرت باستماع شور و غوغا از دولتخانه برامد فتح کرده
در سنه هفتم ان بیدولت هر دو دست حضرت را به بے ادبی گرفت حضرت
بزور بازو دستهای خود را از دستهای او برآورده مشتی قوی بر سرش زدند
که مغزش بشکافت و دیگران کارش تمام کردند ادهم خان مرزا ادهم ولد مرزا
لوگر شاه جهان بادشاه در عهد ایشان بمنصب پانصدی سرفراز بود در سنه
احد عالمگیری بخطاب خانی برنام خود سرافراخته خدمت می نمود دیگر احوال او
معلوم نشد ادهم خان ادهم بیگ منصبی داشت در سنه ہشتم عالمگیری
بخطاب خانی برنام آورده بود دیگر احوال او معلوم نشد سپاهی صفاکش و مردانه
بود

سنه سی و یکم در تعیناتی بادشاهزاده عالمگیر در دکن بزرم شدید پیوسته لوای ظفر افراشته
زخمهای منکر برداشته بمنصب سه هزاری رسیده فوت کرد   اخلاص خان
احمد جو شکی منصب هزار و پانصدی داشته در سنه احد عالمگیری بمنصب دو هزاری
و بخطاب سرافراز شده در معارک سلطانی که در سال اول آن حضرت را
روداده بود ترددات نمایان نموده متعین بنگاله شده در انجا اکثر کارزارهای
مردانه نموده در سنه سوم بحضور آمده در سنه پنجم فوت کرد   اخلاص خان عبد المجید
ولد عبد القادر بیجاپوری در سنه نهم عالمگیری بمنصب پنجهزاری و در سنه دوازدهم
بخطاب سرافراز شده خدمت می نموده دیگر احوال او معلوم نشد   اخلاص
خان عنایت الله ولد سعد الله خان علامی در عهد عالمگیری بمنصب و در سنه ۲
بر بخشیگری شاگرد پیشه و در سنه ۲۵ بخطاب سر برافراخته تا سنه ۱ خدمت
می نمود دیگر احوال او معلوم نشد   اخلاص خان شیخ لاد ولد شیخ نظام حیدر
آبادی در سنه سی ام عالمگیری بمنصب چهار هزاری و بخطاب و در سنه ۳۲
بخطاب خان عالم نامور شده بود تتمه احوال او در ذیل خطاب خان عالم بقلم
خواهد آمد   اخلاص خان الهیار در عهد عالمگیری بمنصب بخطاب اهتمام
خان و بخطاب سر برافراخته در سنه ۳۴ در کارزار باز کهنا مردانه آویزش

سرفراز بود و در سنہ احد عالمگیری خدمت نظارت بہا داشت و ہنگام حرکت رایات عالم
گیری از دکمن بہندوستان حارس قلعہ دولت آباد مقرر گشتہ در ہمین سال ہمراہ خان زمان
محال بحضور آمدہ در سنہ دوم بقلعداری اکبراباد از تغیر اکرام خان مقرر شدہ در سنہ ہشتم
در انجا بعدم رفت اعتبار خان محمد تقی دکنی در سنہ بیست و نہ عالمگیری بمنصب
دو ہزاری و بابخطاب در سنہ سی ام باضافہ ہزاری سرافراز شدہ بود دیگر احوال او
ہیچ معلوم نشد اعتبار خان اعتبار نام از خواجہ سرایان ہمایونی در سنہ احد اکبری
بمنصب دو ہزاری و بابخطاب سر برافراختہ پایہ امارت یافتہ بود در سنہ بیست
دیکہ باخرت سرارفت اخلاص خان حسین بیک از بندہای جری منصب
داشت در سنہ احد شاہجہانی بجایزہ خدمتی کہ در ایام تشریف داشتن فرمود
بود بمنصب دو ہزاری و بابخطاب و بدیوانی برہانپور سر برافراختہ در سنہ چہارم
بحکومت اجمیر مقرر شدہ در سنہ دہم تردد کردہ در سنہ سیزدہم فوت کرد
اخلاص خان شیخ الہدیہ ولد کشور خان بن قطب الدین خان بن شیخ
سلیم فاروقی چشتی فتحپوری در اوایل عہد شاہجہانی بمنصب ہزاری و در
نوزدہم باضافہ ہزاری و بابخطاب سر برافراختہ در معارک قندہار مکرر داد مردانگی
بخت نمودہ خصوصاً در سنہ بیست و ہفتم در مہم قندہار تلاشہای بکار بردہ در

سنہ

بمنصب شش هزاری کامیاب سر فراز گشت در سنه سی و هفت در گذشت از فتوحی بیا
دکهنان بود او نیز شش صد به اسیری رفته در سنه سی و هشت خلاص گردید
در سنه چهل و یکم بفوجداری راهیری از مضافات ممالک دکن و در سنه چهل و پنج
باضافه هزار سوار سر امد گردیده بود در دکهنان زیر شمشیر ذالفقار بیکار
زاری پیوست ترددهای مردانه می نمود اعتبار خان خواجه سرا از عهد همایون
از ولایت در رکاب ایشان آمده در سنه احد اکبری بمنصب ... هزاری و باین خطاب
سرفراز گشته آمده بحکومت دهلی مقرر گشته بود اعتبار خان در آخر عهد اکبری بمنصب
و باین خطاب سرفراز شده خدمت نموده در سنه چهل و یکم همراه صادق خان در جنگ
با دکهنان ترددهای نمایان نموده معرفت او کلته قضیه میرزا لابدست اولیای دولت در آمده
بود دیگر احوال او معلوم نشد اعتبار خان خواجه سرا از نوکران بهادر خان برادر خان
زمان خان شیبانی در سنه دوازدهم اکبری بعد کشته شدن خان زمان و بهادر خان در سلک
بندگان در آمده بمنصب سرافراخته خدمت می نمود در سنه احد جهانگیری بخطاب اعتبار خان
و در سنه دوم بعنایت حویلی گوالیار و در سنه هشتم باضافه هزاری بمنصب چهار هزاری و در سنه هفتم
بنظم اکبرآباد از تغیر مظفر خان و در سنه نهم بخطاب مختار خان مامور شده بود همه احوال او در ذیل
خطاب مختار خان بقلم خواهد آمد اعتبار خان خواجه سرا در عهد شاهجهانی بمنصب هزاری و خطاب

درسنہ چہل نہم بنظم صوبہ گجرات از تغیر بادشاہزادہ محمد اعظم والا پایہ گردد منصب
شش ہزاری رسید در کمال و اعتبار و استغنا زندگانی را بسر آوردہ در عہد بہادر شاہ
رحلت کرد اسمعیل خان اسمعیل بیک دولدی از ولایت در رکاب ہمایونی
آمدہ در سنہ احد اکبری بمنصب دو ہزاری و بخطاب خانی بر نام خود سرافراز شد
در جنگ ناہیمون ترددی نمودہ بود دیگر احوال او معلوم نشد اسمعیل خان
ولد احمد خان بن محمد خان نیازی در عہد شاہجہانی بمنصب سیصدی و در سنہ احد عالمگیری
بمنصب ہزار و پانصدی و بخطاب خانی بر نام خود سرفراز شدہ متعین بنگالہ گردید
در سنہ دوم ہمراہ معظم خان ناظم انجا در کارزار با شاہ شجاع و در سنہ نہم ہنگام تعیناتی
میرزا راجہ جیسنگہ کچواہہ ناظم دکن در کارزار با بیجاپوریان ترددہا نمودہ بود دیگر احوال او
معلوم نشد اسمعیل خان کورگان ولد نجابت خان میرزا شجاع بن میرزا شاہرخ
حاکم بدخشان در عہد شاہجہانی بمنصب پانصدی و در سنہ احد عالمگیری ہنگام روانہ
شدن از دکن بمنصب ہزاری سربلند شدہ بعد چندی ہمراہ پدر خود معاتب گشتہ در سنہ دوم
بعد عفو تقصیر منصب دو ہزاری و بخطاب خانی بر نام خود نام بر آوردہ در سنہ دوم بتوجداری خالصہ
لور مقرر گشتہ در سنہ ہفتم بارسال خلعت ماتمی پدر از ماتم بر آمدہ آیدہ بقلعہ داری احمد نگر
تا سنہ سیزدہم خدمت می نمود اسمعیل خان مکہا دکنی در آخر عہد عالمگیری
بمنصب

سرفراز شده بجلدوی بدست آوردن کان الماس متعلقهٔ آنجا بعد حرب صعب بمنصب
دو هزار و پانصدی و بخطاب فتح جنگ نام برآورد و در سنهٔ دوازدهم بنظم صوبهٔ بنگاله از تغیر
قاسم خان بیرهٔ شیخ سلیم چشتی و آیند و بمنصب چهار هزاری والا پایه گشته در سنهٔ نوزدهم
در اکبرنگر مصاف الصوبه بمقابله سلطان خورم که دران ایام باغی بودند برزم شدید
پیوکته بصد مردانگی بشهید شد چهل لک روپیه سوای جنس از اموال او بضبط
سلطان خورم رفت ابراهیم خان و ابراهیم بیک ده همین پسر علیمردان خان
ولد گنجعلیخان اسک در سنه بست و ششم شاهجهانی بمنصب هزاری
بخطاب خانی برنام خود و در سنه ۲ باضافه پانصدی و در سنه ۲۹ بمنصب دو هزاری
و در سنه سی ام بمنصب دو هزار و پانصدی و در سنه سی و یک بمنصب چهار هزاری سرافراز
شده در جنگ اکبرآباد همراه داراشکوه و در سنه احد عالمگیری ترک منصب نموده و در
سنهٔ دوم منصب پنجهزاری اختیار کرده و در سنه سوم بنظم صوبه کشمیر در سنه چهارم بنظم صوبه
لاهور در سنه یازدهم بنظم صوبه بهار سر افراخته و در سنه نوزدهم بعد رسیدن حضور
بار دوم ترک منصب نموده در سنه بست و یکم بار دوم بنظم کشمیر مباهات اندوخته
و در سنه بست و هفت بجائزه فتح قراملک مصاف صوبه مذکور مورد نوازش
گردیده در سنه سی و یکم بنظم صوبه بنگاله از تغیر امیرالامرا شایسته خان نام برآورد

گردید و در سنه ششم در تعینات خان زمان خان شیبانی در مصاف با عدلی مخاطب
به شیرشاه و در سنه نهم در جنگ اوار خان لشکر سلیم شاه سور ترددات نمایان کرده
دهم راه بغی پیموده در همان سال معرفت منعم خان سر و پا برهنه تیغ و کفن در گردن انداخته
التجا بعفو تقصیر آورده محض رحمت جبلی بادشاهی باز منصب سابق بحال گردید
تا سنه دوازدهم خدمت می نمود ابراهیم خان فوجدار فیلان خاصه بادشاهی در عهد اکبری
بمنصب و باین خطاب سرافراخته در سنه بیست و ششم در کارزار با میرزا محمد حکیم برادر
خرد حضرت در حدود کابل به فیل خاصه ران موهن سوار ترددات شایسته نموده
دیگر احوال او معلوم نشده ابراهیم خان کاکر در آخر عهد اکبری بمنصب و بخطاب خانی
سربلند و در سنه سی و هفت در معارک کشمیر مصدر ترددات پسندیده شده بود
در سنه احد جهانگیری بخطاب دلاور خان نام برآورده همه احوال او در ذیل خطاب
دلاور خان بقلم خواهد آمد ابراهیم خان مهمند در عهد جهانگیری بمنصب و باین خطاب
سرافراز بود در سنه ۸ متعین سلطان خورم و در سنه سیزدهم متعین مهم زمیندار کانگره
شده بود دیگر احوال او معلوم نشد ابراهیم خان فتح جنگ خالوی نور جهان بیگم در عهد
جهانگیری بمنصب هفتصدی و بخطاب خانی سربرافراخته در سنه نهم بشراکت خواجه ابوالحسن
تربتی به بخشیگری حضور و بمنصب هزاری پانصدی و در سنه دهم بنظم صوبه بهار
سرفراز

دهم بدیوانی بیگم صاحبه و در سنه دوازدهم بخانسامانی سرکار والا و در سنه بیست و چهارم
میر بخشیگری از انتقال همت خان میر عیسی خالی و بمنصب چهار هزاری بلند رتبه گشته
در سنه سی ام فوت کرده خانگی نور خط شکسته خوب می نوشت افضل خان خواجه
سلطان علی تربتی از وزرای همایون از ولایت در رکاب ایشان و در سنه احد
اکبری منصب سه هزاری و بخطاب افضل خان سرافراخته در جنگ با هیمون
ترددی نموده بخوف بیرام خان که تردی بیگخان را بدون حکم بجان کشته بود فراری
شده بحرمین رفته و در سنه پنجم مراجعت کرده باز بمنصب و باین خطاب سرفراز
گردیده خدمت می نمود افضلخان عبدالرحمن ولد شیخ ابوالفضل ناگوری در آخر عهد اکبری
منصبی داشت و در سنه چهل و پنج در دکن در کارزار با دکنیان اکثر ترددات و تلاشهای
مردانه نموده خصوص در شبه بر سکندر لودی بندیله که در سنه سی ام ابوالفضل را بموجب اشاره سلطان
سلیم بدغا کشته بود ترددنمایان کرده بود در سنه دوم جهانگیری بخطاب افضل خان و
در سنه سوم بنظم صوبه بهار سرافراخته بجاگیره بند و بست الصوبه بمنصب افضلخان و
در سنه دو هزار و پانصدی رسیده در سنه هشتم در حضور آمده درگذشت افضل خان ملا
شکرالله شیرازی در عهد جهانگیری از شیراز آمده در دکن با خانخانان عبدالرحیم مرافقت
گزیده بمعرفت ایشان از درگاه جهانگیری منصب یافته در سنه نهم بدیوانی سلطان
حوام

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد قادری که بیک امر کن هیژده هزار عالم را موجود فرمود و پس از نعت پیغمبری
که بیک حکم فاتبعونی گمراهان بادیهٔ ضلالت را سالک مسالک هدایت نمود
به مدعای خود می پردازد که بنده کیول رام ولد رگهناته داس قوم مانیه اگروال متوطن
کاسنه صوبه شاهجهان آباد که از آبا و اجداد در نمک خوارگی بادشاهان هندوستان و
امیران این دودمان خلافت نشو و نما یافته در ایام عطالت بخاطر آورد که تواریخ انبیا
و اولیا و خلفا و سلاطین و وزرا و حکما و علما و شعرا و مورخان سلف جهان جهان نوشته اند
اگر از احوال امرا و راجهای هندوستان لختی بقلم درآورده شود گنجایش دارد و از انجا
که از ابتدای ظهور اسلام در هندوستان بادشاهانیکه اطلاق ظل الهی بست درشان
انها زیبد عبارت از خاندان صاحبقران خصوصاً از اکبر بادشاه و جهانگیر بادشاه
و شاهجهان